



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حقیقہ

۱۸

تعمیر و ترمیم
سینما ہالیوڈ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
صحیفه نورا: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۱۸	۱۲
مشخصات کتاب	۱۲
اشاره	۱۳
بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای خانواده هایشان، کارمندان اداری مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، سرپرست و مسؤولین بنیاد ۱۵ خرداد سراسر کشور و گروهی از اعضای خانواده های شهدای ۱۵ خرداد	۲۸
مجلس است که اساس یک کشور را به صلاح می کشد یا به فساد می برد	۲۹
مسأله، مخالفت همه قدرتمندان دنیا با ایران است	۳۲
ورود ترکیه به عراق برای سرکوبی کردها	۳۳
پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد	۳۹
تلگرام تسلیت امام خمینی به مناسبت درگذشت آیت الله انجلی	۴۳
بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و جماعات استان های خراسان، فارس، باختران، و ائمه جماعات قم و تهران، طلاب غیر ایرانی مقیم قم و روحانیون مسؤول دفتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۴۴
کیفیت نزول قرآن در ایهام باقی مانده است	۴۴
اعراض از دنیا و غیر خدا، تنها راه ورود به ضیافه الله است	۴۵
ما امروز هم در راس تمام مسائل مان جنگ است	۴۸
در ماه مبارک رمضان اسلام را بیمه کنید	۴۹
پیام امام خمینی به مناسبت شهادت شش تن از اعضای خانواده آیت الله العظمی حکیم	۵۱
فرمان امام خمینی به حجت الاسلام طاهری	۵۴
فرمان امام خمینی به آیت الله محمدی گیلانی	۵۵
فرمان امام خمینی به آیت الله مؤمن	۵۶
فرمان امام خمینی به آیت الله امامی کاشانی	۵۷
بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت، شورای نگهبان، شورایعالی قضائی، جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری (به مناسبت عید سعید ف	۵۸
انسان عاجز از تمجید و تحمید خداست لکن ملزم به این امر است	۶۰
انبیا برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را شکوفا کنند و ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند	۶۰
همه مردم باید دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند	۶۱
باطن ذات انسان تهذیب شده که عدل را برای عدل بخواهد، نه برای خود	۶۱
آن که خیر همه را می خواهد اسلام است	۶۳
برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست	۶۴
کمک کنید به این کشور و به این اسلامی که پای مبارکش را در کشور شما گذاشت	۶۵
فرمان امام خمینی به حجت الاسلام حسن صانعی	۶۸
پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان	۶۹
بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان	۷۲
مبادا یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوید که خروج شما موجب تزلزل عقیدتی مردم می شود	۷۲
اختلاف ریشه اش حب نفس است	۷۴
در تعیین رهبری حق را ملاحظه کنید، آنکه مرضی خداست، نه آنکه مرضی نفس شیطانی ماست	۷۶
بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل وزارت راه و ترابری متشکل از کارکنان راه آهن، هواپیمایی و ادارات مختلف این وزارتخانه، کارکنان وزارت نیرو و مدیران کل آموزش و پرورش سراسر کشور	۷۹
خاصیت حکومت محرومین است که از این ابرقدرت ها نمی ترسند	۷۹
حکومت حجاز کوچکتر از این است که جلوی حجاج ایران را بگیرد	۸۳
بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور	۸۵
استانداران و روحانیون باید با هم تقاضا داشته باشند	۸۵
باید تمام استاندارها پشتیبان دولت باشند	۸۵

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های نفت و ارشاد و هنر اسلامی مجلس شورای اسلامی - ۸۷

اگر جهت اسلامی این انقلاب نبود تا آخر هم مشکلات ما حل نمی شد - ۸۷

مجلسی که اساس یک کشور است باید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد - ۸۷

مسأله ای که روی آن پافشاری می کنم این است که امروز همه جوان های ما موظفند جیبه ها را گرم نگه دارند - ۸۸

بیانات امام خمینی در دیدار باوزیر ومعاونین وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۹۰

سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود - ۹۰

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه ، معاونین و مدیرانکل این وزارتخانه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در آسیا و اقیانوسیه - ۹۱

ایران که برای خدا قیام کرده است ، می بینیم که چگونه پایدار است - ۹۱

ملت ایران توجه کنند که برای اسلام خدمت می کنند و اولیای اسلام شهدای بزرگی را تقدیم خدا کرده اند - ۹۱

وزارت خارجه از سایر وزارتخانه ها حساسیت بیشتری دارد برای اینکه سر و کارش با تمام ممالک دنیااست - ۹۲

تبلیغات در راس امور است و هر روز باید حجمش زیادتز گردد - ۹۲

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای سرپرستی روزنامه اطلاعات و نماینده امام در این روزنامه - ۹۳

مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند - ۹۳

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و مسؤولان وزارت ارشاد اسلامی و سازمان حج و زیارت ، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و روحانیون کاروان های حج - ۹۴

یکی از فلسفه های بزرگ حج ، بعد سیاسی اوست - ۹۴

وقتی می روید حج ، این مسلمین بلاد را بیدار و متحد کنید - ۹۶

آنهایی که در خانه نشسته اند و می گویند مردم خسته شده اند از جنگ ، آنها خودشان خسته هستند! - ۹۷

ای مسلمین جهان ! آقائی خودتان را از اسلام و بیت الله کسب کنید - ۹۹

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۰۱

باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند ، خیانت است - ۱۰۱

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان نیروهای دریایی و هوانیروز ، گروهی از خلبانان و پرسنل فنی _ هوایی ، پرسنل نیروی دریایی و هوایی و گروهی ازدانشجویان شرکت کننده در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویی - ۱۰۳

ما هر روز باید به بیداری و وحدت خودمان بیفزائیم - ۱۰۳

اسلام اجازه نمی دهد به مسالمت بین مسلمان و یک کافر متعدی - ۱۰۴

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی - ۱۰۷

فقه در راس دروس است ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود - ۱۰۷

ما می خواهیم انقلابمان را با تبلیغ صادر کنیم نه با شمشیر - ۱۰۷

تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد که اساس اسلام است - ۱۰۸

قم شهر علم و اسلام است و از قم نباید چیز خلاقی منتشر شود - ۱۰۸

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جلالی - ۱۰۹

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور ، نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی - ۱۱۰

دنیا امروز روی این جمهوری حساب باز کرده است - ۱۱۰

شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه دیگری غیر از اسلام عرضه شده بود ، ملت مجتبع می شدند - ۱۱۰

باید خدمت کنید به مردم و خدمتتان را بگویند به آنها - ۱۱۱

بین دولتی ها برادری باشد - ۱۱۲

پاسخ امام خمینی به پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر ترمیم وتکمیل ستاد انقلاب فرهنگی - ۱۱۴

پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام ومسلمانان جهان (به مناسبت فرا رسیدن عید سعید قربان) - ۱۱۵

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از شاگردان و تربیت یافتگان مدرسه شهیدقدوسی و اعضای خانواده آن شهید - ۱۲۴

آن مقداری که اسلام از عالم های بی تقوا صدمه دیده است ، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد - ۱۲۴

آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ (قضات) به دست بی تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند - ۱۲۴

بیانات امام خمینی درجمع گروهی ازاعضامسؤولین واساتیدجامعه الامام الصادق اعضای ستاد انقلاب فرهنگی ، اساتید و طلاب مدرسه عالی شهید مطهری و گروهی ازمسؤولین مؤسسه در راه حق - ۱۲۶

به دلیل تبلیغات خاص اجانب وعمال آنان اسم سیاست را نمی توانستیم در حوزه های علمیه ببریم - ۱۲۶

- ۱۲۷..... امروز احتیاج است که جزو برنامه تبلیغات مدارس دینی ، زبان های زنده دنیا باشد
- ۱۲۷..... واجب کفائی است که نسل جوان را برای قضاوت و تبلیغ تربیت کنیم
- ۱۲۸..... این دنیا در یک محیط خفقان دارد بسر می برد ، خفقان از این دو ابرقدرت
- ۱۳۰..... ایرانی ها از بچه و بزرگ مصمم اند که امریکا و شوروی را در ایران راه ندهند
- ۱۳۰..... اسلام مظلوم است الان در دنیا و ما موظفیم که اسلام را به دنیا معرفی کنیم
- ۱۳۲..... بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور ، رئیس دیوانعالی کشور ، اعضای هیأت دولت و شورایعالی قضایی ، فرماندهان نیروهای سه گانه ، اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران و گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری (به مناسبت عید سعید قربان).....
- ۱۳۲..... عید شریف فطر که ضیافت الله است مقدمه ای است برای عید شریف قربان که لقاالله است
- ۱۳۴..... جوان هایی هستند که واقعا فداکاری می کنند و در مقابل اینطور فداکاری برای اسلام ، انطور جنایات در دنیا واقع می شود
- ۱۳۶..... اینهایی که بیش می برند برای این است که دنبال حضرت ابراهیم سلام الله علیه هستند
- ۱۳۷..... مبارک آن روزی است که دست خیانتکارها و جنایتکارها از سر مظلومین جهان قطع بشود
- ۱۳۹..... بیانات امام خمینی در دیدار با مسؤول ستاد تبلیغات جنگ و اعضای کمیته برگزاری مراسم سومین سالگرد جنگ تحمیلی
- ۱۳۹..... گمان ندارم با آمارهای بشری جنایاتی که بر ایران وارد شده است را بشود آمارگیری کرد
- ۱۴۰..... ما باید آنچه که در ایران می گذرد را منعکس و منتشر کنیم تا جنایات معلوم شود
- ۱۴۱..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق
- ۱۴۱..... توجه کنید در سرتان هوای غلبه و حکومت نباشد بلکه تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام خدا باشد
- ۱۴۱..... تلاش نمایم که عراق از سلطه جباران آزاد گردد همانگونه که حضرت موسی در مقابل فرعون قیام کرد
- ۱۴۲..... مردم ایران مجتمع شدند و با نیروی ایمان پیروز گردیدند
- ۱۴۴..... بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور ، وزیر نفت و گروهی از کارگران و متخصصین وزارت نفت جمهوری اسلامی
- ۱۴۴..... ایران دستش را پیش امریکا تا ابد دراز نمی کند ولو اینکه فانی بشود
- ۱۴۵..... وقتی بنا شد همه ملت در یک راه بروند نمی شود از این راه منحرفش کرد
- ۱۴۷..... پیام امام خمینی به خانواده های شهدا ، اسرار ، مفقودین ، جانبازان و مجروحین جنگ تحمیلی
- ۱۴۸..... پیام امام خمینی به مناسبت آغاز هفته جنگ تحمیلی
- ۱۵۳..... بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران ووزنه برداران بزرگسال شرکت کننده در بازی های آسیایی
- ۱۵۳..... کشور شما امروز از قدرتمندترین کشورهای جهان است، این قدرت را حفظ کنید
- ۱۵۴..... بیانات امام خمینی در جمع رؤسای جمهوری و مجلس ، گروهی از مستضعفین جنوب تهران ، پرسنل سپاه و ارتش و بسیج مستضعفین و اقشار مختلف مردم (به مناسبت عید غدیر خم).....
- ۱۵۴..... نگذاشتند حضرت امیر (سلام الله علیه) مجال پیدا کند برای پیاده کردن حکومت الله به آن نحوی که می خواست
- ۱۵۵..... اگر حکومت ، علی (علیه السلام) را الگو قرار داد در اجرا ، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین
- ۱۵۶..... کسانی که مدعی هستند ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم باید در قول و فعل تبعیت از او داشته باشند
- ۱۵۶..... اسلام تکلیف دارد بر شما که مظلومین را نجات بدهید از دست کفار
- ۱۵۷..... ما می خواهیم با دعوت اسلام را به همه جا صادر کنیم ، نه با سرنیزه
- ۱۵۸..... دولت واقعا باید آظوری که علی (علیه السلام) برای محرومین دل می سوزاند با تمام قدرت دل بسوزاند
- ۱۵۹..... شما گودنشینان و زاغه نشینان که به ما منت دارید و برای اسلام پیروزی ایجاد کردید باید حفظ کنید آن را
- ۱۶۰..... دولت و مجلس و قدرت های دیگر تاکنون کارهای بسیار مهمی کرده اند ولو اینکه کم گفته اند
- ۱۶۱..... بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای جدید ستاد انقلاب فرهنگی
- ۱۶۱..... باید دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد
- ۱۶۲..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران ، نمایندگان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور ، روحانیون تربت حیدریه و گروهی از روحانیوناهل سنت مرز نشین خراسان
- ۱۶۲..... هر چه داریم از خداست و آنی که از اوست در راه او می دهیم
- ۱۶۲..... هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست
- ۱۶۴..... مردم در انتخابات موظف شرعی هستند که از اختلافات کوبنده دست بردارند
- ۱۶۵..... ارتش مسلم عراق نشینند که این حزب بعث ، اسلام را زیر پا بگذارد
- ۱۶۷..... مساله کریلا که خودش در راس مسائل سیاسی است باید زنده بماند به همان فرمی که بود

فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی (در مورد تشکیل ستاد تأمین نیازهای مردم مناطق بمباران شده) ۱۷۰

پاسخ امام خمینی به نامه دبیر شورای سرپرستی طلاب غیر ایرانی مقیم حوزه علمیه قم (حجت الاسلام حاج شیخ حسن ابراهیمی) ۱۷۱

استفتاء نخست وزیر از محضر امام خمینی پیرامون به تأخیر انداختن اقامه نماز جماعت در بعضی از شعبات بانکها ادارات و کارخانه ها ۱۷۳

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر صنایع سنگین و کارکنان واحدهای تولیدی اینوزارتخانه و گروهی از مخترعین و مبتکرین وابسته به سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ۱۷۴

برای جبران نقیصه هایی که در طول تاریخ به این کشور وارد شد باید دوجهد را در نظر بگیرید یکی اعتماد به خدا و یکی اتکال به نفس ۱۷۴

امروز فعالیت برای کشور اسلامی، عبادت است ۱۷۵

شما تنها کشوری هستید در دنیا که فاتحه هر دو ابرقدرت را خواندید و دست هر دو را کوتاه کردید ۱۷۵

باید مصیبت ها را تحمل کنیم برای اینکه ارزش اسلامی را بدست آوریم و اسلام را پیاده کنیم ۱۷۶

وضع روحی ای که صدام پیدا کرده یک وضعی است که هر جنایتی را حاضر است انجام بدهد ۱۷۷

بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان های کشور ۱۷۹

نماز جمعه در راس همه امور است ۱۷۹

ایرقدرت می دانند اگر انقلاب ایران به همه جا برسد فاتحه آنها خوانده می شود ۱۷۹

انتخابات آینده از اهم اموری است که مسؤولیت آن با همه ماست ۱۸۰

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های داخلی و خارجی مجلس شورای اسلامی ۱۸۱

شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود ۱۸۱

در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تاثیر می کند ۱۸۱

میل دارم وضع و امور با ملایمت و اخلاق حسنه صورت بگیرد ۱۸۲

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و گروهی از پرسنل وزارت سپاه پاسداران و سر پرست و مسؤولین مراکز بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور ۱۸۳

قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب بیفتد خطر دارد ۱۸۳

وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید ۱۸۵

اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت و اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند ۱۸۶

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، قائم مقام، معاونین و مسؤولان بخش های مختلفوزارت ارشاد اسلامی ۱۸۹

عمده این است که ما ذهن جوان ها و پیرها و روشنفکر نماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم ۱۸۹

کسی که یا خدا باشد، خدا با اوست و پیروزی با اوست ۱۹۰

بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست دانشگاه آزاد، مسؤولین و رؤسای شعبه های این دانشگاه در شهرستان ها ۱۹۱

این را از گوش مان بیرون کنیم که همه چیزمان باید از خارج باشد ۱۹۱

دانشگاه ها و حوزه ها باید روابط داشته باشند و مسائل شان را با یکدیگر مبادله کنند ۱۹۱

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی قضائی، رؤسا، مستشاران و دادیاران دیوان عالی کشور، قضاوت بازرسی کل کشور، حقوقدانان شورای نگهبان و اعضای دادگاه عالی قم ۱۹۳

کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره اش کنید ۱۹۳

دولت فرانسه آبروی ملت فرانسه را از بین برد ۱۹۵

ایران می خواهد همه را اصلاح کند، می خواهد همه کشورها برادر باشند ۱۹۶

قوه قضائیه مستقل است و هیچ کس نباید درش دخالت کند ۱۹۷

نامه رئیس شورای عالی دفاع به محضر امام خمینی در مورد معرفی و پیشنهاد مقامفرماندهی جدید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۱۹۹

پاسخ امام خمینی به نامه رئیس شورای عالی دفاع ۱۹۹

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر بهداری و گروهی از کارکنان این وزارتخانه ۲۰۰

دادن امید و وعده سلامتی به بیمار، کمک می کند به صحت بیمار ۲۰۰

پزشک هایی که در خارج هستند توجه بکنند که کشور خودشان احتیاج به وجود آنها دارد ۲۰۱

باید توجه زیاد به بیمارستان ها بشود ۲۰۱

قدرت های بزرگ به عنوان صلح آمدند در منطقه و ببینید که چقدر فساد وارد کردند ۲۰۲

مظلومین جهان باید خودشان به فکر خودشان باشند ۲۰۴

بیانات امام خمینی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان ۲۰۶

۲۰۶	مهم این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم
۲۰۶	میاد از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم
۲۰۷	همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند
۲۰۹	بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های ابو بازگانی و رسیدگی به سوالات مجلس شورای اسلامی و اعضای سازمان های وابسته به نخست وزیر
۲۰۹	شما متوجه باشید اینها شروع کردند از اول جوی سازند که این حکومت را بشکنند
۲۱۱	اسلام اگر اینجا سیلی بخورد بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمی شود
۲۱۳	دشمن ، دشمن ایران نیست ، دشمن اسلام است
۲۱۴	ملت باید چشمش را باز کند تا این جمهوری اسلامی را حفظ کند
۲۱۶	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام محلاتی
۲۱۷	بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد
۲۱۷	زحمات جهاد در سراسر ایران چشمگیر و مورد تصدیق همه ما بوده است
۲۱۸	بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور و رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و ستاد مشترک ارتش ؛ نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی و اعضای شورای نگهبان
۲۱۸	کمال تأسف است برای انسان ها که در راه معرفت خدا قدم بر نداشته
۲۲۰	قرآن وارد شده است برای تربیت انسان به جمیع ابعادی که دارد
۲۲۱	ما نمی خواهیم بیانییم ممالک شما را بگیریم ، لکن مدافع از حق خودمان هستیم
۲۲۵	بیانات امام خمینی در دیدار با آقایان : حبیب الله عسکر اولادی ، سعید امینی ، محسن لیانی ، رخ صفت ، ابوالفضل حیدری و شفیق
۲۲۵	امروز باید همه با هم باشیم ، اگر چنین نباشیم ما را از بین خواهند برد
۲۲۵	نباید از دروغ و حرف زشتی که به ما نسبت می دهند از میدان به در برویم
۲۲۶	اگر در انتخابات مسامحه کنیم مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می زنند
۲۲۸	بیانات امام خمینی در جمع استانداران ، فرماندهان و بخشداران سراسر کشور
۲۲۸	شما همه در محضر خدا هستید هر جا که باشید
۲۲۹	بدانید که حفظ یک پیروزی مشکل تر است از بدست آوردن آن است
۲۳۰	مجلس خوب همه چیز را خوب می کند و مجلس بد همه چیز را بد می کند
۲۳۱	مقدرات کشورتان را به دست کسانی بدهید که برای کشور شما مفیدند
۲۳۴	بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات شرع (حجت الاسلام سید جعفر کریمی)
۲۳۵	بیانات امام خمینی در جمع وزیر و معاونین وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در کشورهای عربی و آفریقایی
۲۳۵	امروز بحمدالله نخست وزیر و رئیس جمهور و سایر وزرا از خود این مردم هستند
۲۳۷	در خارج که هستید وضع تان را جوری قرار بدهید تحت تاثیر آنها واقع نشوید
۲۳۹	بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل سابق انقلاب اسلامی و دادستان کل کشور
۲۴۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراها محلی اسلامی توزیع کالا در سراسر تهران و گروهی از کارکنان مرکز تحقیقات مخابرات
۲۴۰	هرکس در مقامی که هست و هر مسوولیتی که دارد ، همان مقام و مسوولیت امتحان اوست
۲۴۳	اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقل باشد از خودتان باید شروع کنید!
۲۴۴	شما که می خواهید آدم بشوید ، زحمت دارد آدم شدن
۲۴۵	باید توجه کنیم که سر و کارمان با یک جنگی است که سرنوشت یک ملت را تعیین می کند
۲۴۷	بیانات امام خمینی در جمع کلیه سفرا کارداران و نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران
۲۴۷	ما در طول پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت ها دیدیم
۲۴۸	الان جرم این ملت این است که می خواهد سرنوشت خودش به دست خودش باشد
۲۴۹	الان مردم امریکا هم عاصی شده اند از دست اینها ، دنیا اصلا به عصیان کشیده شده
۲۴۹	اسلام را نگه دارید تا از همه شرهای شرق و غرب نجات پیدا کنید
۲۵۱	پیام امام خمینی به اعضای خانواده های معظم شهدا ، اسرا ، مفقودین و جانبازان انقلاب اسلامی
۲۵۵	پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر ، فرمانده نماینده امام و اعضای شورایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۶۸
- الان حفظ اسلام به عهده همه ماست ۲۶۸
- پیام امام خمینی به حجت الاسلام محتمشی سفیر جمهوری اسلامی در سوریه ۲۶۹
- بیانات امام خمینی در جمع مدیران و کارکنان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی سراسر کشور ۲۷۰
- باید کوشش کنیم به اینکه آن چیزهایی که نداریم تحصیل کنیم ۲۷۰
- صدا و سیما دستگاہی است که با صحت آن مردم صحیح می شوند و با فساد آن فاسد ۲۷۰
- امروز امریکا از لبنان فرار کرده و اسمش را گذاشته جابجایی !! ۲۷۱
- امروز مظلومین باید برخیزند و داد خودشان را از ستمکاران بگیرند ۲۷۲
- انتخابات در انحصار هیچ کس نیست و مال همه مردم است ۲۷۳
- صدام رفتنی است ، نه امریکا می تواند نگهش دارد و نه دیگران ۲۷۵
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی ۲۷۶
- مسأله تبلیغات از مسائل بسیار مهمی است که شاید در راس امور واقع است ۲۷۶
- الحمدلله خوب در صحنه هستند مردم ، لکن باید باقی بمانند در صحنه ۲۷۸
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور ۲۷۹
- امروز مردم می دانند که دولت از خودشان است و انتخابات هم از خودشان است ۲۷۹
- مردم در انتخابات حاضر می شوند و می دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است ۲۸۰
- میزان در اینکه جنگ ما خوب است یا بد ، تبلیغاتی است که در خارج می شود ۲۸۱
- عید شما آنوقتی است که جبهه را محکم نگه دارید و فتح نهایی را بکنید ۲۸۳
- آیا صلح کردن با کسی که بعد خنجر را از پشت محکم تر خواهد زد شرافتمندانه است ؟ ۲۸۳
- بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و روحانیون بنیادهای مسکن انقلاب اسلامی سراسر کشور ۲۸۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و قائم مقام وزارت ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی این وزارتخانه در خارج از کشور ۲۸۶
- امیدوارم شما بتوانید چهره اسلام را آنگونه که هست نشان دهید ۲۸۶
- پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو ۲۸۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان عضو مکتب اسلامی قم و مسجد جامع نازمک ۲۹۰
- در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد به مردها نشد ۲۹۰
- شما بانوان امروز موجب افتخار هستید ۲۹۰
- زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند ۲۹۱
- اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود شورای محترم نگهبان با کمال قدرت و استقلال عمل خواهد کرد ۲۹۲
- علم همراه تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند ۲۹۳
- پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام مهدی شاه آبادی ۲۹۵
- بیانات امام خمینی در سالروز بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جمع رئیس جمهور ، اعضای هیأت دولت ، رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و مسؤولین لشکری و کشوری ۲۹۶
- امروز هم ما مبتلای به این هستیم که با اسم اسلام می خواهند نگذارند اسلام محقق بشود ۲۹۶
- باید ایران بداند که دست هایی در کار است تا حتی بین خانه ها اختلاف بیندازد ۲۹۷
- در تمام دنیا چنین انتخابات آزادی که در ایران شده ، نبوده است ۲۹۸
- از همه ملت تقاضا می کنم میادا تحت تأثیر عناصر اختلاف انگیز واقع بشوند ۲۹۹
- ما دنبال این باشیم که زحمات انبیا را حفظ کنیم ۳۰۰
- پیام امام خمینی به نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی ۳۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت کننده در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات ۳۰۲
- دعوت به خلوت با خداوند معنایش این نبوده که مردم در خانه هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند ۳۰۲
- آمریکا و شوروی ایران را می گویند از باب اینکه اسلام را خواسته است ۳۰۴
- شما باید در خطبه های نماز جمعه مصالح اسلامی و اجتماعی مردم را طرح کنید ۳۰۵

- ۳۰۶..... تکلیف است برای مسلمین که اسلام را حفظ کنند و ننشینند که دیگران برایشان حفظ کنند
- ۳۰۷..... آقایان ائمه جمعه! امروز اگر توجه تان کم بشود اسلام را ریشه کن خواهند کرد
- ۳۰۸..... پیام امام خمینی در رابطه با توطئه تضعیف شورای نگهبان قانون اساسی
- ۳۰۹..... بیانات امام خمینی در جمع وزرای امور اقتصادی و دارایی، کشاورزی، جهاد سازندگی، رئیس کل بانک مرکزی و گروهی از کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک ها و کشاورزان نمونه سراسر کشور
- ۳۰۹..... کشاورزان عزیز می توانند ایران را از وابستگی نجات بدهند و این یک عبادت است
- ۳۰۹..... کسانی که ربا می خورند اعلام جنگ با خدا و پیامبر می کنند
- ۳۱۰..... باید مجریان امور در هر جا که هستند متعهد به اسلام باشند
- ۳۱۲..... این یک وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را
- ۳۱۳..... بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مسؤول بسیج مستضعفان و فرماندهان و مسؤولان قرارگاه های مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۳۱۳..... اگر استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم
- ۳۱۳..... قدرت شما در کاخ سفید و کرملین الان بر توانداز است
- ۳۱۴..... مادامی که وحدتتان را حفظ کنید خدا با شماست
- ۳۳۰..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- ۲۳ حکیم ۶۲/۳/۲۸
- ۲۵ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام طاهری ۶۲/۴/۸
- ۲۷ فرمان امام خمینی به آیت الله محمدی گیلانی ۶۲/۴/۱۱
- ۲۸ فرمان امام خمینی به آیت الله مؤمن ۶۲/۴/۱۱
- ۲۹ فرمان امام خمینی به آیت الله امامی کاشانی ۶۲/۴/۱۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت، شورای نگهبان، شورای عالی قضائی، جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری «به مناسبت عید سعید فطر» ۶۲/۴/۲۱
- ۳۰ - انسان عاجز از تمجید و تمجید خداست لکن ملزم به این امر است
- ۳۰ - انبیا برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را شکوفا کنند و ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند
- ۳۲ - همه مردم باید دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند
- ۳۳ - باطن ذات انسان تهذیب شده که عدل را برای عدل بخواهد، نه برای خود
- ۳۳ - آن که خیر همه را می خواهد اسلام است
- ۳۵ - برخلاف این موج حرکت نکند که دست و پایشان خواهد شکست
- ۳۶ - کمک کنید به این کشور و به این اسلامی که پای مبارکش را در کشور شما گذاشت
- ۳۷
- ۳۹ پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان ۶۲/۴/۲۳
- ۴۲ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام حسن صانعی ۶۲/۴/۲۳
- ۴۴ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۶۲/۴/۲۸
- ۴۴ - مبدا یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوید که خروج شما موجب تزلزل عقیدتی مردم می شود
- ۴۴ - اختلاف ریشه اش حب نفس است
- ۴۶ - در تعیین رهبری حق را ملاحظه کنید، آنکه مرضی خداست، نه آنکه مرضی نفس شیطانی ماست
- ۴۸
- ۵۰ متن دستنویس امام خمینی در مورد مرحوم حجت الاسلام آقای ملکی ۶۲/۵/۸

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل وزارت راه و ترابری مستشکل از کارکنان راه آهن، هواپیمایی و ادارات مختلف این وزارتخانه، کارکنان وزارت نیرو و مدیران کل آموزش و پرورش سراسر کشور ۶۲/۵/۱۱
- ۵۱ — خاصیت حکومت محرومین است که از این ابرقدرت‌ها نمی‌ترسند
- ۵۱ — حکومت حجاز کوچکتر از این است که جلوی حجاج ایران را بگیرد
- ۵۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور ۶۲/۵/۱۲
- ۵۷ — استانداران و روحانیون باید با هم تفاهم داشته باشند
- ۵۷ — باید تمام استاندارها پشتیبان دولت باشند
- ۵۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون‌های نفت و ارشاد و هنر اسلامی مجلس شورای اسلامی ۶۲/۵/۱۷
- ۵۹ — اگر جهت اسلامی این انقلاب نبود تا آخر هم مشکلات ما حل نمی‌شد
- ۵۹ — مجلسی که اساس یک کشور است باید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد
- ۵۹ — مسأله‌ای که روی آن بافتاری می‌کنم این است که امروز همه جوان‌های ما موظفند جبهه‌ها را گرم نگه دارند
- ۶۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و معاونین وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۲/۵/۱۹
- ۶۲ — سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود
- ۶۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه، معاونین و مدیران کل این وزارتخانه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در آسیا و اقیانوسیه ۶۲/۵/۲۰
- ۶۳ — ایران که برای خدا قیام کرده است می‌بینیم که چگونه پایدار است
- ۶۳ — ملت ایران توجه کنند که برای اسلام خدمت می‌کنند و اولیای اسلام شهدای بزرگی را تقدیم خدا کرده‌اند
- ۶۳ — وزارت خارجه از سایر وزارتخانه‌ها حساسیت بیشتری دارد برای اینکه سرو کارش با تمام ممالک دنیاست
- ۶۴ — تبلیغات در رأس امور است و هر روز باید حجمش زیادتر گردد
- ۶۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای سرپرستی روزنامه اطلاعات و نماینده امام در این روزنامه ۶۲/۵/۲۶
- ۶۵

- ۶۵ - مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت ارشاد اسلامی و سازمان حج و زیارت، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و روحانیون کاروان‌های حج ۶۲/۵/۲۶
- ۶۶ - یکی از فلسفه‌های بزرگ حج، بعد سیاسی اوست
- ۶۶ - وقتی می‌روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار و متحد کنید
- ۶۸ - آنهایی که در خانه نشسته‌اند و می‌گویند مردم خسته شده‌اند از جنگ، آنها خودشان خسته هستند!
- ۶۹ - ای مسلمین جهان! آقایی خودتان را از اسلام و بیت الله کسب کنید
- ۷۱ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۲/۵/۳۰
- ۷۳ - باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند، خیانت است
- بیانات امام در جمع فرماندهان نیروهای دریایی و هوانیروز، گروهی از خلبانان و پرسنل فنی - هوایی، پرسنل نیروی دریایی و هوایی و گروهی از دانشجویان شرکت کننده در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویان ۶۲/۶/۱
- ۷۵ - ما هر روز باید به بیداری و وحدت خودمان بیفزائیم
- ۷۶ - اسلام اجازه نمی‌دهد به مسالمت بین مسلمان و یک کافر متعدی!
- ۷۹ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورایی عالی تبلیغات اسلامی ۶۲/۶/۲
- فقه در رأس دروس است ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود
- ۷۹ - ما می‌خواهیم انقلابمان را با تبلیغ صادر کنیم نه با شمشیر
- ۸۰ - تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد که اساس اسلام است
- ۸۰ - قم شهر علم و اسلام است و از قم نباید چیز خلافی منتشر شود
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جلالی ۶۲/۶/۷
- ۸۱ - بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی ۶۲/۶/۷
- ۸۲ - دنیا امروز روی این جمهوری حساب باز کرده است
- ۸۲ - شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه دیگری غیر از اسلام عرضه شده بود، ملت

- ۸۲ - مجتمع می‌شدند
- ۸۳ - باید خدمت کنید به مردم و خدمتتان را بگوئید به آنها
- ۸۴ - بین دولتی‌ها برادری باشد
- ۸۴ - پاسخ امام خمینی به پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی ۶۲/۶/۱۸
- ۸۶ - پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام و مسلمانان جهان «به مناسبت فرارسیدن عید سعید قربان» ۶۲/۶/۱۲
- ۸۷ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از شاگردان و تربیت‌یافتگان مدرسه شهید قدوسی و اعضای خانواده آن شهید ۶۲/۶/۱۳
- ۹۶ - آن مقداری که اسلام از عالم‌های بی‌تقوا صدمه دیده است، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد
- ۹۶ - آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ (قضاوت) به دست بی‌تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند
- ۹۸ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای مسؤولین و اساتید جامعه الامام‌الصادق، اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، اساتید و طلاب مدرسه عالی شهید مطهری و گروهی از مسؤولین مؤسسه در راه حق ۶۲/۶/۱۵
- ۹۸ - به دلیل تبلیغات خاص اجانب و عمال آنان اسم سیاست را نمی‌توانستیم در حوزه‌های علمیه ببریم
- ۹۸ - امروز احتیاج است که جزو برنامه تبلیغات مدارس دینی، زبان‌های زنده دنیا باشد
- ۹۹ - واجب کفائی است که نسل جوان را برای قضاوت و تبلیغ تربیت کنیم
- ۱۰۰ - این دنیا در یک محیط خفقان دارد بسر می‌برد، خفقان از این دو ابرقدرت - ایرانی‌ها از بجه و بزرگ مصمم‌اند که امریکا و شوروی را در ایران راه ندهند
- ۱۰۲ - اسلام مظلوم است الان در دنیا و ما موظفیم که اسلام را به دنیا معرفی کنیم
- ۱۰۴ - بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، اعضای هیأت دولت و شورای عالی قضایی، فرماندهان نیروهای سه گانه، اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران و گروهی از مسؤولین لشکری و کنسوری «به مناسبت عید سعید قربان» ۶۲/۶/۲۷
- ۱۰۴ - عید شریف فطر که «ضیافت الله» است مقدمه‌ای است برای عید شریف قربان که «لقاء الله» است

- ۱۰۶ جوان‌هایی هستند که واقعا فداکاری می‌کنند و در مقابل اینطور فداکاری برای اسلام، آنطور جنایات در دنیا واقع می‌شود.
- ۱۰۸ اینهایی که پیش می‌برند برای این است که دنبال حضرت ابراهیم سلام الله علیه هستند.
- ۱۰۹ مبارک آن روزی است که دست خیانتکارها و جنایتکارها از سرمظلومین جهان قطع بشود.
- بیانات امام خمینی در دیدار با مسؤول ستاد تبلیغات جنگ و اعضای کمیته برگزاری مراسم سومین سالگرد جنگ تحمیلی ۶۲/۶/۲۸
- ۱۱۱ گمان ندارم با آمارهای بشری جنایاتی که بر ایران وارد شده است را بشود آمارگیری کرد.
- ۱۱۲ ما باید آنچه که در ایران می‌گذرد را منعکس و منتشر کنیم تا جنایات معلوم شود.
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق ۶۲/۶/۲۹
- ۱۱۳ توجه کنید در سران هوای غلبه و حکومت نباشد بلکه تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام خدا باشد.
- ۱۱۴ تلاش نمائید که عراق از سلطه جباران آزاد گردد همانگونه که حضرت موسی در مقابل فرعون قیام کرد.
- ۱۱۴ مردم ایران مجتمع شدند و با نیروی ایمان پیروز گردیدند.
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزیر نفت و گروهی از کارگران و متخصصین وزارت نفت جمهوری اسلامی ۶۲/۶/۳۰
- ۱۱۶ ایران دستش را پیش آمریکا تا ابد دراز نمی‌کند ولو اینکه فانی بشود.
- ۱۱۷ وقتی بنا شد همه ملت در یک راه بروند نمی‌شود از این راه منحرفش کرد.
- پیام امام خمینی به خانواده شهدا، اسراء، مسفقودین، جسانبازان و مسجروحین جنگ تحمیلی ۶۲/۶/۳۱
- ۱۲۰ پیام امام خمینی به مناسبت آغاز هفته جنگ تحمیلی ۶۲/۶/۳۱
- بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و وزنه‌برداران بزرگسال شرکت کننده در بازی‌های آسیایی ۶۲/۷/۳
- ۱۲۵ کشور شما امروز از قدرتمندترین کشورهای جهان است، این قدرت را حفظ کنید.

- بیانات امام خمینی در جمع رؤسای جمهوری و مجلس، گروهی از مستضعفین تهران، پرسنل سپاه و ارتش و بسیج مستضعفین و اقشار مختلف مردم «به مناسبت عید غدیر خم» ۶۲/۷/۴
- ۱۲۶ - نگذاشتند حضرت امیر «سلام الله علیه» مجال پیدا کند برای پیاده کردن حکومت الله به آن نحوی که میخواستند
- ۱۲۶ - اگر حکومت علی (ع) را الگو قرار داد در اجرا، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین
- ۱۲۷ - کسانی که مدعی هستند ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم باید در قول و فعل تبعیت از او داشته باشند
- ۱۲۸ - اسلام تکلیف دارد بر شما که مظلومین را نجات بدهید از دست کفار
- ۱۲۸ - ما می‌خواهیم با دعوت اسلام را به همه جا صادر کنیم، نه با سر نیزه
- ۱۲۹ - دولت واقعاً باید آنطوری که علی (ع) برای محرومین دل می‌سوزاند، بانعام قدرت دل بسوزاند
- ۱۳۰ - شما گودنشینان و زاغه‌نشینان که به ما منت دارید و برای اسلام پیروزی ایجاد کردید باید حفظ کنید آن را
- ۱۳۱ - دولت و مجلس و قدرت‌های دیگر تاکنون کارهای بسیار مهمی کرده‌اند ولو اینکه کم گفته‌اند
- ۱۳۲ - بیانات امام خمینی در دیدار با نخست‌وزیر و اعضای جدید ستاد انقلاب فرهنگی ۶۲/۷/۱۲
- ۱۳۳ - باید دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد
- ۱۳۳ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران، نمایندگان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور، روحانیون تربیت حیدریه و گروهی از روحانیون اهل سنت مرزنشین خراسان ۶۲/۷/۱۳
- ۱۳۴ - هرچه داریم از خداست و آنی که از اوست در راه او می‌دهیم
- ۱۳۴ - هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست
- ۱۳۶ - مردم در انتخابات موظف شرعی هستند که از اختلافات کوبنده دست بردارند
- ۱۳۷ - ارتش مسلم عراق نشینند که این حزب بعث، اسلام را زیر پا بگذارد
- ۱۳۷ - مسأله کربلا که خودش در رأس مسائل سیاسی است باید زنده بماند به همان فرمی که بود
- ۱۳۹ - فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی «در مورد تشکیل ستاد تأمین نیازهایی مردم مناطق بمباران شده» ۶۲/۷/۱۴
- ۱۴۲

عكس

□

ص: 8

- ۶۶۱ - اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت و اسلامیت را بیشتر از
دیگران بکنند ۶۶۱
- ۱۵۸ -
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، قائم‌مقام، معاونین و مسولان بخش‌های
مختلف وزارت ارشاد اسلامی ۶۲/۸/۱۷ ۱۶۱
- ۸۶۱ - عمده این است که مآذهن جوان‌ها و پیرها و روشنفکران ما را آماده کنیم که ما
خودمان آدم هستیم ۶۶۱
- ۱۶۱ - کسی که با خدا باشد، خدا با اوست و پیروزی با اوست ۱۶۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست دانشگاه آزاد، مسولین و رؤسای شعبه‌های
این دانشگاه در شهرستان‌ها ۶۲/۸/۲۴ ۱۶۳
- ۱۶۳ - این را از گوش‌مان بیرون کنیم که همه چیزمان باید از خارج باشد
- دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باید روابط داشته باشند و مسائل‌شان را با یکدیگر مبادله
کنند ۱۶۳
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورایی عالی قضائی، رؤسا، مستشاران و دادپاران
دیوانعالی کشور، قضات بازرسی کل کشور، حقوق‌دانان شورای نگهبان و اعضای
دادگاه عالی قم ۶۲/۸/۲۹ ۱۶۵
- ۱۶۵ - کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره‌اش کنید
- دولت فرانسه آبروی ملت فرانسه را از بین برد ۱۶۷
- ۱۶۸ - ایران می‌خواهد همه را اصلاح کند، می‌خواهد همه کشورهای برادر باشند
- قوه قضائیه مستقل است و هیچ کس نباید درس دخالت کند ۱۶۹
- نامه رئیس شورایی عالی دفاع به محضر امام خمینی در مورد معرفی و پیشنهاد مقام
فرماندهی جدید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۱۰/۱/۷۹ ۱۷۱
- پاسخ امام خمینی به نامه رئیس شورایی عالی دفاع ۱۷۱
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر بهداشت و گروهی از کارکنان این وزارتخانه
۶۲/۹/۱۶ ۱۷۲
- ۱۷۲ - دادن امید و وعده سلامتی به بیمار، کمک می‌کند به صحت بیمار
- پزشک‌هایی که در خارج هستند توجه بکنند که کشور خودشان احتیاج به
وجود آنها دارد ۱۷۳
- ۱۷۳ - باید توجه زیاد به بیمارستان‌ها بشود
- قدرت‌های بزرگ به عنوان صلح آمدند در منطقه و ببینید که چقدر فساد وارد

- کردند
 ۱۷۲ -
 ۱۷۶ - مظلومین جهان باید خودشان به فکر خودشان باشند
- بیانات امام خمینی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان ۶۲/۹/۲۰
 ۱۷۸ - مهم این است که ما می‌خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم
 ۱۷۸ - مبادا از حرف‌های خارجی‌ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا مستی کنیم
 ۱۷۸ - همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند
 ۱۷۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون‌های امور بازرگانی و رسیدگی به
 سؤالات مجلس شورای اسلامی و اعضای سازمان‌های وابسته به نخست‌وزیری
 ۶۲/۹/۲۶
 ۱۸۱ - شما متوجه باشید اینها شروع کردند از اول جوی بسازند که این حکومت را
 بشکنند
 ۱۸۱ - اسلام اگر اینجا سیلی بخورد بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمی‌شود
 ۱۸۳ - دشمن، دشمن ایران نیست، دشمن اسلام است
 ۱۸۵ - ملت باید چشمش را باز کند تا این جمهوری اسلامی را حفظ کند
 ۱۸۶
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام محلاتی ۶۲/۹/۲۶
 ۱۸۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در
 این نهاد ۶۲/۹/۲۸
 ۱۸۹ - زحمات جهاد در سراسر ایران چشمگیر و مورد تصدیق همه ما بوده است
 ۱۸۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس‌جمهور و رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و
 ستاد مشترک ارتش؛ نخست‌وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی و
 اعضای شورای نگهبان ۶۲/۱۰/۱
 ۱۹۰ - کمال تأسف است برای انسان‌ها که در راه معرفت خدا قدم برنداشته‌اند
 ۱۹۰ - قرآن وارد شده است برای تربیت انسان به جمیع ابعادی که دارد
 ۱۹۲ - ما نمی‌خواهیم بیائیم ممالک شما را بگیریم، لکن مدافع از حق خودمان هستیم
 ۱۹۳
- بیانات امام خمینی در دیدار با آقایان: حبیب‌الله عسگر اولادی، سعید امانی، محسن
 لبانی، رخ‌صفت، ابوالفضل حیدری و شفیق ۶۲/۱۰/۱۲
 ۱۹۷ - امروز باید همه باهم باشیم، اگر چنین نباشیم ما را از بین خواهند برد
 ۱۹۷ - نباید از دروغ و حرف زشتی که به ما نسبت می‌دهند از میدان به در برویم
 ۱۹۷ - اگر در انتخابات مسامحه کنیم مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه

- ۱۹۸ می‌زنند
- بیانات امام خمینی در جمع استانداران، فرمانداران و بخشداران سراسر کشور
۶۲/۱۰/۱۳
- ۲۰۰ — شما همه در محضر خدا هستید هر جا که باشید
- ۲۰۰ — بدانید که حفظ یک پیروزی مشکل‌تر است از بدست آوردن آن
- ۲۰۱ — مجلس خوب همه چیز را خوب می‌کند و مجلس بد همه چیز را بد می‌کند
- ۲۰۲ — مقدرات کنسوتان را به دست کسانی بدهید که برای کشور شما مفیدند
- بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات شرع
احجت الاسلام سید جعفر کریمی) ۶۲/۱۰/۲۰
- ۲۰۶
- بیانات امام خمینی در جمع وزیر و معاونین وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران
جمهوری اسلامی در کشورهای عربی و آفریقایی ۶۲/۱۰/۲۷
- ۲۰۷ — امروز بجمده نخت وزیر و رئیس جمهور وسایر وزرا از خود این مردم
هستند
- ۲۰۷ — در خارج که هستید وضع‌تان را جواری قرار بدهید تحت‌تأثیر آنها واقع نشوید
- ۲۰۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل سابق انقلاب اسلامی و دادستان کل
کشور ۶۲/۱۱/۸
- ۲۱۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهای محلی اسلامی توزیع کالا در سراسر
تهران و گروهی از کارکنان مرکز تحقیقات مخابرات ۶۲/۱۱/۱۱
- ۲۱۲ — هر کس در هر مقامی که هست و هر مسؤولیتی که دارد، همان مقام و مسؤولیت
امتحان اوست
- ۲۱۲ — اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقل باشد از خودتان باید شروع کنید!
- ۲۱۵ — شما که می‌خواهید آدم بشوید، زحمت دارد آدم شدن
- ۲۱۶ — باید توجه کنیم که سروکارمان با یک جنگی است که سرنوشت یک ملت را
تعیین می‌کند
- ۲۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع کلیه سفراء، کارداران و نمایندگان سیاسی کشورهای
خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران ۶۲/۱۱/۱۸
- ۲۱۹ — ما در طول پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت‌ها دیدیم
— الان جرم این ملت این است که می‌خواهد سرنوشت خودش به دست خودش
باند
- ۲۲۰

- الان مردم آمریکا هم عاصی شده اند از دست اینها، دنیا اصلاً به عصیان کشیده شده
- اسلام را نگه دارید تا از همه شرهای شرق و غرب نجات پیدا کنید
- پیام امام خمینی به اعضای خانواده های معظم شهدا، اسرا، مسفقودین و جانبازان انقلاب اسلامی ۶۲/۱۱/۲۰
- فصل بیست و یکم: از یوم الله تا یوم الله**
- ۲۲۵
- ۲۲۷ پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۶۲/۱۱/۲۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر، فرمانده، نماینده امام و اعضای شورایی عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۲/۱۱/۲۲
- ۲۴۰ — الان حفظ اسلام به عهده همه ماست
- ۲۴۰
- پیام امام خمینی به حجت الاسلام محتشمی سفیر جمهوری اسلامی در سوریه ۶۲/۱۱/۲۶
- ۲۴۱
- بیانات امام خمینی در جمع مدیران و کارکنان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی سراسر کشور ۶۲/۱۲/۹
- ۲۴۲ — باید کوشش کنیم به اینکه آن چیزهایی که نداریم تحصیل کنیم
- ۲۴۲ — صدا و سیما دستگاهی است که با صحت آن مردم صحیح می شوند و با فساد آن فاسد
- ۲۴۲ — امروز آمریکا از لبنان فرار کرده و اسمش را گذاشته جابجائی!!
- ۲۴۳ — امروز مظلومین باید برخیزند و داد خودشان را از ستمکاران بگیرند
- ۲۴۴ — انتخابات در انحصار هیچ کس نیست و مال همه مردم است
- ۲۴۵ — صدام رفتی است، نه آمریکا می تواند نگاهش دارد و نه دیگران
- ۲۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی ۶۲/۱۲/۱۳
- ۲۴۸ — مسأله تبلیغات از مسائل بسیار مهمی است که شاید در رأس امور واقع است
- ۲۴۸ — الحمد لله خوب در صحنه هستند مردم، لکن باید باقی بمانند در صحنه
- ۲۵۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور ۶۲/۱۲/۱۴
- ۲۵۱

- ۲۵۱ — امروز مردم می‌دانند که دولت از خودشان است و انتخابات هم از خودشان است
است
- ۲۵۲ — مردم در انتخابات حاضر می‌شوند و می‌دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است
- ۲۵۳ — میزان در اینکه جنگ ما خوب است یا بد، تبلیغاتی است که در خارج می‌شود
- ۲۵۵ — عید شما آنوقتی است که جبهه را محکم نگه دارید و فتح نهایی را بکنید
- ۲۵۵ — آیا صلح کردن با کسی که بعد خنجر را از پشت محکم‌تر خواهد زد شرافتمندانه است؟! شرافتمندانه است!؟
- ۲۵۷ — بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و روحانیون بنیادهای مسکن انقلاب اسلامی سراسر کشور ۶۲/۱۲/۱۶
- ۲۵۸ — بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و قائم‌مقام وزارت ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی این وزارتخانه در خارج از کشور ۶۲/۱۲/۲۰
- ۲۵۸ — امیدوارم بتوانید چهرهٔ اسلام را آنگونه که هست نشان دهید
- ۲۵۹ — پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو ۶۲/۱۲/۳۰
- ۲۶۲ — بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان عضو مکتب اسلامی قم و مسجد جامع نارمک ۶۳/۱/۱۹
- ۲۶۲ — در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد به مردها نشد
- ۲۶۲ — شما بانوان امروز موجب افتخار هستید
- ۲۶۳ — زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند
- ۲۶۴ — اگر انتباهی در مجلس واقع بشود شورای محترم نگهبان با کمال قدرت و استقلال عمل خواهد کرد
- ۲۶۵ — علم همراه تہذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند
- ۲۶۶ — پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی ۶۳/۲/۷
- ۲۶۸ — بیانات امام خمینی در سالروز بعثت رسول اکرم (ص) در جمع رئیس جمهور، اعضای هیأت دولت، رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و مسؤولین لشکری و کشوری ۶۳/۲/۹
- ۲۶۸ — امروز هم ما مبتلای به این هستیم که با اسم اسلام می‌خواهند نگذارند اسلام محقق بشود
- ۲۶۹ — باید ایران بداند که دست‌هایی در کار است تا حتی بین خانه‌ها اختلاف بیندازد

- ۲۷۰ - در تمام دنیا چنین انتخابات آزادی که در ایران شده، نبوده است
- ۲۷۱ - از همه ملت تقاضا می‌کنم مبادا تحت تأثیر عناصر اختلاف انگیز واقع بشوند
- ۲۷۲ - ما دنبال این باتسیم که زحمات انبیاء را حفظ کنیم
- ۲۷۳ - پیام امام خمینی به نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی ۶۳/۲/۲۲
- بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت کننده در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات ۶۳/۲/۲۳
- ۲۷۴ - دعوت به خلوت با خداوند معنایش این نبوده که مردم در خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند
- ۲۷۵ - آمریکا و شوروی ایران را می‌گویند از باب اینکه اسلام را خواسته است
- ۲۷۶ - شما باید در خطبه‌های نماز جمعه مصالح اسلامی و اجتماعی مردم را طرح کنید
- ۲۷۷ - تکلیف است برای مسلمین که اسلام را حفظ کنند و نتشینند که دیگران برایشان حفظ کنند
- ۲۷۸ - آقایان ائمه جمعه! امروز اگر توجه‌تان کم بشود اسلام را ریشه‌کن خواهند کرد
- ۲۷۹ - پیام امام خمینی در رابطه با توسطه تضعیف شورای نگهبان قانون اساسی ۶۳/۲/۲۵
- ۲۸۰ - بیانات امام خمینی در جمع وزرای امور اقتصادی و دارایی، کشاورزی، جهانسازندگی، رئیس کل بانک مرکزی و گروهی از کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک‌ها و کشاورزان نمونه سراسر کشور ۶۳/۲/۲۵
- ۲۸۱ - کشاورزان عزیز می‌توانند ایران را از وابستگی نجات بدهند و این یک عبادت است
- ۲۸۱ - کسانی که ربا می‌خورند اعلام جنگ با خدا و پیامبر می‌کنند
- ۲۸۱ - باید مجریان امور در هر جا که هستند متعهد به اسلام باشند
- ۲۸۲ - این یک وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را
- ۲۸۴ - بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مسؤول بسیج مستضعفان و فرماندهان و مسئولان قرارگاه‌های مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۳/۲/۳۰
- ۲۸۵ - اگر استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم
- ۲۸۵ - قدرت شما در کاخ سفید و کرملین الان پرتوانداز است
- ۲۸۶ - مادامی که وحدتتان را حفظ کنید خدا با شماست

چهارده

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.

مشخصات ظاهری : ج.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت : عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی : 8563402

ص: 14

**بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای خانواده هایشان، کارمندان اداری
مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، سرپرست و مسئولین بنیاد 15 خرداد سراسر کشور و گروهی از اعضای خانواده
های شهدای 15 خرداد**

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 14/3/62

باید تشکر کنم از آقایان که زحمت کشیدند و تشریف آوردند اینجا تا پهلوی هم مسائلی که داریم صحبت کنیم. مساله 15 خرداد یکی از مسائلی است که شاید ما قبل و ما بعدش را کم کسی بداند. اینها در پرده ابهام تا آخر می ماند و من بسیاری از مسائل را که ما قبل 15 خرداد رخ داد و بعضی مسائل را که ما بعد او رخ داد مطلعم لکن بیان نمی کنم. ولی 15 خرداد به همت جوان های کشور و جان نثاران اسلام مبدا شد از برای تحولات بعدی و من شهدای 15 خرداد را از خدای تبارک و تعالی می خواهم که غریق رحمت کند که به ما حق دارند. و باز ماندگان شهدا که باز هم هستند و بعدها هم هستند انشاءالله خداوند صبر و اجر به آنها عنایت بفرماید.

مطالبی که باید عرض کنم و شاید کرارا عرض کرده ام مساله مجلس است و اهمیت مجلس، همانطوری که من کرارا عرض کرده ام که دانشگاه و فیضیه، اینها اگر اصلاح بشود کشور اصلاح می شود و همه کارهایی که در رژیم های منحرف انجام گرفته است به دست دانشگاهی هایی که انحراف داشته اند صورت گرفته است.

راجع به مجلس هم باید عرض بکنم که در کشوری که مثل کشور ایران بحمدالله الان یک جمهوری اسلامی به تمام معنا هست و در صدد اسلامی کردن همه امور هست، مجلس مثل، همانطوری که صنایع مادر ما داریم، مجلس هم اینطور است که اگر مجلس یک مجلس اسلامی که با انتخابات صحیح انجام بگیرد و اشخاصی که انتخاب می شوند واقعا منتخب ملت باشند، تمام کارهای کشور با دست مجلسی ها اصلاح شود. تمام کارهایی که از بعد از مشروطه انجام گرفت و انحرافات که به تدریج پیدا شد تا زمان رژیم پهلوی که به اوج خودش رسید، یکی از اعمال بزرگ که باید بگوییم که مادر عمال بود مجلس بود. مشروطه را منحرف کردند، مجلس را مجلس قلدری کردند، ملت را از اینکه رای بدهند محروم کردند و این مال این دوره سابق قبل از این دوره نیست بلکه به طور قطع اکثر دوره ها اینطور بود، منتها یک دفعه تعیین وکلا با خان ها بود و آن اشخاصی که نفوذ داشتند در کشور،

در هر منطقه و مردم دخالت نداشتند و اگر دخالت داشتند چشم و گوش بسته بودند. رعیت ها را جمع می کردند و می آوردند پای صندوق و به آنطوری که به آنها دستور داده بودند رای می دادند بدون اینکه بفهمند چه دارند می کنند، رای چی هست و چه کار دارند انجام می دهند. فقط همان خان می دانست که برای منفعت او و برای منفعت دولت ها اینها دارند رای می دهند و اصلا کاری به اینکه کشور به کجا برسد در کار نبود، کاری به این کار نداشتند. بعد هم که زمان رضاخان پیش آمد و ما بعد رضاخان که اکثرا می دانید و همه هم در آخر، در این دوره های آخر می دانید که آن بلاهایی که به سر ملت آمد، مادرش مجلس بود. یعنی عده ای را اینها خودشان لیست می دادند و به طوری که محمدرضا اقرار کرد منتها می گفت زمان قبل، مقصودش زمان پدرش بود، لیست را از سفارتخانه می آوردند که اینها باید تعیین بشوند. بعد از زمان ایشان هم بدتر از آنوقت بود، وکلای ما را باید آمریکا یا قبل از او انگلستان تعیین کند و مردم و دولت ایران و هیچ کس هیچ نظری در این باب نداشت. وکلا با دستور آنها، با اسم و رسم تعیین می شد مگر بعضی ها که در تهران نمی شد که غیر او بشود که یک اقلیت بسیار نادر بود، البته به تدریج اینطور شد تا زمان اینها که به اوج خودش رسید تمام بدبختی ها در حکومت از مجلس سرچشمه گرفت. هر کاری می خواستند انجام بدهند، هر امر فاسدی را که می خواستند انجام بدهند دیکته می کردند و می آوردند مجلس و مخالف و موافق هم به حسب صورت درست می کردند و بعد هم همانطوری که دیکته شده بود رای می دادند. و خدای تبارک و تعالی خواست که آن وضع، هم وضع خان خانی و هم وضع دخالت سفارتخانه ها در ایران برچیده بشود و در این دوره ای که انتخابات شد بحمدالله به طور اکثریت قاطع، مردم دخالت داشتند و خانی دخالت نداشت، آنجائی هم که دخالت داشت در مجلس رد شد. و در آتیه هم اگر چنانچه انشاءالله این ملت به همین طور در صحنه حاضر باشند با تعیین وکلائی که متعهد بر همه جهات اسلام و مصالح کشور هستند، تعیین کنند، امید است که در آتیه هر سال بهتر از سال قبل بشود. و بحمدالله در این دوره هم که چهره بسیار نورانی در مجلس هست و اشخاص متفکر و فقیه و امثال اینها در مجلس هست و یک سال هم مانده است تا به آخر برسد. من امیدوارم که در این سال جدیدیت بیشتر بشود برای رسیدگی به امور کشور و محرومین کشور و مستضعفین و اگر چنانچه مجلس در این سال جدید هم خودش را صرف کند در اینکه مسائل مشکل را اسلامی کند و با دقت، همان دقت هایی که اهل علم در مسائل علمی دارند. مسائل علمی همانطوری که آن دقت های بسیار ارزنده را لازم دارد، مسائل سیاسی کمتر از آن نیست، برای اینکه مسائل سیاسی، مقدرات کشور در دست آنهاست که این مسائل را می خواهند تفکر کنند. آقایان در فکر این معنا نباشند که زیاد طرح بدهند و زیاد از مجلس بگذرد. در فکر این باشند که خوب طرح بدهند و خوب از مجلس بگذرد. یعنی همانطوری که بنای اهل علم است که در هر مساله ای دقت می کنند، جستجو می کنند و مباحثه می کنند، مجادله می کنند، در این مسائل هم باید اینطور باشد که سر و ته مطلب به طور کافی مورد بررسی قرار بدهند، مورد دقت قرار بگیرد و با دقت و همت زیاد مسائل طرح بشوند، در مجلس که آمد یک مساله پخته از حیث جهات مختلف باشد که راهگشا باشد برای این

کشور و مشکلات این کشور و در این چند سالی که گذشت من تشکر می کنم از زحمات پرارزش آقایان که زحمت کشیدند و مشکلات زیادی که بود در داخل مجلس و در خارج مجلس و آنها را پشت سر گذاشتند و الان با قدرت کافی دارند انجام وظیفه می دهند . مجلس این سال با مجلس سال های سابق فرق دارد . مجلس این سال قدرتش بیشتر است یعنی آنهایی که کارشکنی می کردند برای مجلس و برای همه ارگان های دولتی و اصل اساسش کارشکنی برای اسلام بود ، آنها یا رفتند و فرار کردند یا منزوی شدند . و بحمدالله امروز مجلس با دل راحت و با قامت مستقیم می تواند که مسائلی که پیش آمده و خواهد آمد در این سالی که سال آخر است ، به طور شایسته حل کنند تا اینکه این مجلس الگو بشود برای مجالس دیگر . و اگر در سال آتیه فرض کنید غیر آقایان یک دسته دیگری آمدند ، بدانند که باید چه بکنند و اینها چه کردند و آنها هم باید دنباله این ، باید چه کار بکنند . و بالاخره مجلس است که اساس یک کشور را به صلاح می کشد یا اساس یک مجلس را رو به فساد می برد . و مجلس بود که در رژیم پهلوی آنهمه فساد ایجاد کرد و آنهمه خیانت کرد و همین مجلس است که در زمان کنونی اینهمه خدمت کرده است و در صدد خدمت است . من نمی خواهم بگویم که کارها تمام شده و همه اش هم صد در صد تمام است ، اما وقتی ما مقایسه بکنیم افراد این مجلس را با افراد دوره رضاخان (به استثناء نادر) و دوره محمدرضا تقریباً بی استثناً اگر ما مقایسه کنیم و همان افراد را ببینیم که سابقه شان چی است و چه زندگی کردند و چه هستند ، کافی است که ما به ارزش این مجلس پی ببریم . از آن جنس که در سابق بود هیچ الان نیست در مجلس . اگر فرض کنید یک کسی باشد که با وضع شما یک مخالفتی دارد ، لکن این اختلاف سلیقه است ، نه این است که واقعا انحرافی باشد که آنها داشتند که در سابق بود . سابق انحراف بود یعنی منحرفین را می آوردند سر کار ، دستور بود ، نمی توانستند خلاف او را هم بکنند و اگر در بین شان یکی دو نفر بود که مخالفت می کردند ، در اقلیت بودند که صدایشان به جایی نمی رسید ، امروز عکس است ، بحمدالله همه آقایانی که در مجلس هستند ، اینها وابسته به شرق و غرب نیستند و خدمت می خواهند بکنند و لو اختلاف سلیقه داشته باشند . بحث در مجلس از مسائل بسیار مهم است که باید بحث بشود ، باید هر مساله ای با دقت رسیدگی بشود و در کمیسیون ها اولاً و بعد در مجلس ثانیاً و بعد هم در شورای نگهبان ثالثاً رسیدگی بشود که وقتی یک قانون از مجلس بیرون آمد ، یک قانون صددرصد شرعی باشد ، چه موافق با احکام اولیه که مال اسلام است یا موافق با احکام ثانویه که آن هم مال اسلام است و این رویه رویه ای است که اگر انشاءالله باقی بماند مطمئن باشید که مجلس با قوت خودش وقتی که باقی بماند دولت هم اصلاح می شود و سایر قوانینی که در ایران هستند ، آنها هم اصلاح می شوند یعنی کجروی نمی شود دیگر بشود . کجروی از مجلس شروع می شد نه اینکه از خارج می شد . خارج دستور می داد ، اینها راه می رفتند . و اگر مجلس مستقیم باشد و کارها را آنطوری که مصالح کشور اقتضا می کند ، آنطوری که احکام اسلام اقتضا می کند ، آنطور بررسی دقیق بشود و با علاقه مندی بررسی بشود ، وقت صرف بشود تا اینکه مساله ، هر مساله ای هست خصوصاً مهمات مسائل که باید مهمات مسائل را به طور دلسوزانه و به طور جدی بحث طلبگی در آن بکنند . آقایان که عادت

دارند به اینکه بحث طلبگی می کنند و در مدرسه ها تربیت شدند و با اشکال رد و دفع و همه این امور، در قانون هم باید همین طور باشد برای اینکه این هم اهمیتش همان اهمیت است، آن هم اسلام بود، این هم اسلام است. بنابراین در این سالی که انشاءالله می گذرد و امید است به خوبی بگذرد و آقایان با خیال راحت مشغول باشند به خدمت به این مستمندان، به این مظلومان در طول تاریخ. انشاءالله امیدواریم که این سال را به مبارکی بگذرانید و در سال آتیه انشاءالله مجلس باز همین جور مجلس باشد و همین طور افراد در آن باشند که انشاءالله مسائل حل بشود. مسائلی که ما الان در مقابلش هستیم و امیدوارم که مجلس های بعد دیگر مواجه با آن نشوند.

مساله، مخالفت همه قدرتمندان دنیا با ایران است

خوب، مساله مخالفت همه قدرتمندان دنیاست با ایران، مساله هم یک مساله ای نیست که مخفی باشد، خودشان هم اقرار دارند، خودشان هم می گویند که نباید عراق شکست بخورد. میزان، عراق نیست، صدام نیست. میزان، پیشرفت اسلام است. اینطور نیست که آنها برای صدام دلسوزی می کنند، صدام هم یک آدمی است که _ بعد _ (اگر بشود گفت آدم) بعد از بین می رود، لکن آنی را که از آن می ترسند از ایران است که می ترسند یعنی دنبال شکست ایرانند. هر چند رئیس جمهور امریکا ادعا کند که ما بیطرفی مان، همین تازه هم باز گفته است بیطرفی مان محفوظ است. لکن یک مساله ای است که همه می دانند، دیگر لازم نیست به اینکه ما قرآن برایش اقامه کنیم. همه می دانند که ایشان تا چه اندازه بیطرف است در این مساله. و دیگران هم همین طور، شوروی هم همین طور، فرانسه هم همین طور، دیگران هم همین طور. مساله بیطرفی نیست، مساله طرفداری از هر رژیم است غیر اسلام و کوییدن اسلام است به هر ترتیبی که بتوانند. و بحمدالله این مجلس و این ملت و این ارتش و این پاسداران و این سایر ارگان هایی که در این کشور هست ایستاده اند در مقابل همه این امور و مقاومت می کنند. و اگر انشاءالله این جنگ _ یعنی _ تحمیلی بر ما از بین برود و دولت سر صبر رسیدگی بکند به حال مستضعفین، تمام مسائل به وسیله مجلس و دولت حل می شود حتی مساله گرانی. ما همه می دانیم که گرانی امروز سرسام آور است و یک دسته ای از آن رنج می برند اما در مقابل آن رنج هایی که خود پیغمبر و همسر بزرگ عزیزش حضرت خدیجه در آن چند سال بردند که مشک را از قراری که نقل می کنند، مشک را می گذاشتند توی آب و می مکیدند برای اینکه از آن چربی، مثلاً از آن چیزی که در مشک هست به آنها برسد. وقتی که آنها برای اسلام اینطوری عمل کردند و اینطور مقاومت کردند در مقابل دشمن های اسلام، شما هم که ملت و امت همان بزرگوار هستید نباید از اینکه فلان چیز کم است، آنی که کم است ارزاق که نیست ارزاق که کم نیست، آنی که کم است آن وضع آرایشی است که آنها می خواستند، یک دسته می خواستند باشد و دیگر انشاءالله نیست و باید از بین هم برود. گرانی هست لکن کجاست که گرانی نیست. اینطور نیست که گرانی مال کشور ما باشد، همه جا گرانی هست. اگر دولت انشاءالله قدرت پیدا بکند یعنی جنگ تمام بشود و ما به حال عادی برگردیم انشاءالله به مدت کمی

به برکت اسلام و ملت در صحنه حاضر ایران این مسائل حل می شود انشاءالله .

ورود ترکیه به عراق برای سرکوبی کردها

از مسائل مهمی که هست و من از یک جنبه اش می خواهم صحبت کنم ، جنبه های دیگرش حالا صحبت از آن نمی شود من فقط یک جنبه اش را می خواهم صحبت کنم ، آن قضیه ورود ترکیه در عراق است برای _ کردها _ سرکوبی کردها . آئی که من می خواهم صحبت کنم این است که کرد ایران و کرد عراق و کرد ترکیه همه کرد هستند . تفاوت این است که در کردهای ایران اکثریت شان با جمهوری اسلامی موافقند و با این چند دسته فاسدشان مخالفند . الان سرتاسر کردستان ائمه جمعه شان ، علمای آنجا ، مردمشان با جمهوری اسلامی موافقند ، آئی که فساد می کنند عبارت از یک دو تا دسته ای است که بعضی شان کمونیست اند و بعضی شان بدتر از کمونیست . چی شد که تمام رسانه های گروهی عالم راجع به کردهای ایران اینقدر حساس هستند که از خود کردها هم حساس ترند . خود کردها می گویند که ما می خواهیم که این فاسدها از بین بروند ، لکن رسانه های گروهی همیشه ایران را محکوم می کنند و لحن شان نسبت به ورود ترکیه در عراق برای سرکوبی کردها یا همفکری عراق با آنها اگر راست باشد ، این دیگر مساله ای نیست ، خوب آنها آمده اند می خواهند مملکت شان را نگذارند که چیز بشود ، آئی که مساله است این است که کرد ایران چرا ؟ اگر مساله ای است که آنها می گویند تجزیه طلبند ، خوب کردهای فاسد ما بیشتر هستند ، چی شد که همه عالم سنگینی شان را انداخته اند روی ایران که این ایران است که کردها را چه می کند و چه ، چقدر می کشد . و همین فاسدهایی که در خارج نشسته اند و نسبت به کردهای ایران سینه چاک می کنند ، اینها چطور شد که راجع به قضیه کردهای عراق و کردهای ترکیه صحبتی اینقدرها ندارند ، اگر باشد هم یک کلمه ای می گویند و می گذرند . این گرفتاری هایی که بشر به آن مبتلاست این نحو گرفتاری هاست ، اینطور حق کشی هاست که سرتاسر عالم را فرا گرفته است و اگر چنانچه یک منجی برای این بشر پیدا نشود (و انشاءالله امیدوارم که به زودی پیدا بشود و خداوند منجی بزرگ را به داد بشریت برساند) اگر دیر بشود اصلا هلاکت در بین همه شان یک امر ساده عمومی می شود . یک دسته بیچاره مظلوم در سرتاسر دنیا زیر لگد دارند پایمال می شوند ، از هیچ جا خبری نیست که راجع به آنها صحبتی بشود . در آمریکا آنقدر مظلومین دارند پایمال می شوند اصلا راجع به آمریکا صحبتی نیست که این چرا این کار را می کند . در شوروی هم آنقدر مظلومین پایمال می شوند ، صحبتی از آن هم نیست . در منطقه هم همین طور ، آنقدر مردم و ملت های خودشان را ، آن هم صحبتی نیست . این فقط اینجاست ، ایران است که حکومتش دارد اختناق ایجاد می کند و مردم همه شان مخالف با حکومت هستند لکن سرنیزه است که اینها را حاضر کرده و اینها می آیند در خیابان ها ، که این در دنیا باید اسم این را چی گذاشت ؟ آئی که قلم دستش می گیرد و اینها را می نویسد ، باید چه اسمی رویش بگذاریم ؟ آئی که دستور می دهد به این رسانه ها و همه را هماهنگ می کند یک وقت می بینی از همه جا یک صدا بلند می شود ، این را باید چی

اسم بگذاریم رویش که اینها چی می گویند؟ اینها چه جور جمعیتی هستند؟ بافت مغزی اینها چه جور است؟ این گرفتاری هاست که جمهوری ما در این چند سالی که تحقق پیدا کرده است داشته و مجلس هم داشته و همه دولت و دیگران هم داشتند. اگر چنانچه این گرفتاری های مرتفع بشود و دنیا سر عقل بیاید و آن چیزی که واقعیت است بگوید، آن چیزی که واقعیت است تبلیغ بکند، کار ما آسان است.

حالا- من نمی دانم که این آقایانی که آمدند و رسیدگی کردند به خرابی های ایران و رفتند در عراق هم یک دسته فقط مجروح جنگی را آوردند به آنها نشان دادند که اینها در بین شهرها اینطور شدند لکن خرابی ای نداشتند که نشان بدهند شاید دو تا دیوار هم خراب کردند که نشان بدهند، آیا اینها بعد چه خواهند گفت؟ خواهند گفت که هم ایران خلاف کرده و هم عراق، دیگر هیچ حرف دیگری نیست؟ که خوب واقعا اینها می خواهند رسیدگی کنند و می خواهند بفهمند که اندازه چی بوده، ایران چه کرده، آنها چه کردند؟ در همان وقتی که اینها مشغول رسیدگی بودند، آنها می زدند ایران را. این دلالت بر این می کند که آمدند اینها با ما هستند، شما ببخودی خواستید که اینها بیایند حالا ما منتظر این هستیم که ببینیم اینها چه می کنند و چه خواهند کرد و چه خواهند گفت. امیدوارم که اینها هم به حسب وجدان انسانی عمل بکنند و آنچه که هست گزارش بدهند. بعد هم که گزارش دادند، آنهایی که گزارش را می گیرند، کاری به این ندارند که امریکا چه نظری در این مساله دارد و شوروی چه نظری دارد و فرانسه چه نظری دارد، به اینها کار نداشته باشند و حکومت واقعی بکنند و آنچه هست به حسب واقع بگویند. ما هیچ توقعی از آنها نداریم الا اینکه آنها همان که هست بگویند.

و من امیدوارم که این مردم در صحنه ما بیشتر در صحنه باشند، از جنگ خسته نشوند. جنگ در اسلام یک امری بوده است که از آنوقتی که اسلام حکومت پیدا کرد جنگ هم همراهش بود، قبل از آن هم دنبال این بودند که نقشه ها را درست کنند، لابد اینطور است. همچو که مدینه آمد رسول خدا و حکومت تشکیل شد، جنگ یا جنگ تحمیلی بود یا هر چی بود در جنگ بود تا آخر عمرش. آن روز هم که به لقاءالله می خواست پیوند کند، پیوندد، آن روز هم جیش (اسامه) اش بیرون شهر بود که می خواست جنگ بکند. این جنگ یک چیزی است که برای عدالت، جنگ لازم است. اگر مردم عادل باشند که دیگر جنگی در کار نیست، اگر مردم انسان باشند که دیگر جنگی در کار نیست. لکن وقتی که یک دسته، اکثریت مستضعفین پایمال دارند می شوند، وقتی که تمام حیثیت اسلام و مسلمین در خطر است، وقتی که تمام حیثیت همین ملت ما در خطر است، ما که جنگ را شروع نکرده ایم، ما الان هم در حال دفاع هستیم- ما- هر روز تقریباً باید گفت بی استثناً آبادان تقریباً بی استثناً هر روز کوبیده می شود، زاید بر آن هم جاهای دیگری که همه می دانید. ما می خواهیم که دست اینها کوتاه بشود که به ما اینطور، به ملت ما اینطور تعدی نکنند. ما دفاع داریم می کنیم و ما از اول هم دلمان می خواست که جنگی نباشد و همه صلح باشد اما می پذیرند شما اینکه ما و صدام که دشمن اسلام است، از اول دشمن اسلام بودند، آنوقت که من نجف بودم می دانستم که اینها دشمن اسلام هستند، همین ها را مرحوم آیت الله حکیم تکفیر کرد. اینها مشرکند، ملحدند. شما می پذیرید که ما با آنها سر یک میز بنشینیم و

مصالحه کنیم، مصالحه اینکه خوب، حالا شما این کارها را کردید عذر بخواهید ما هم بگوئیم که ما هم این کارها را کرده ایم؟ هیچ وجدان انسانی، اسلامی می پذیرد این را؟ یا خیر، ما باید آن مطلبی که داریم، حق است و همه عالم اگر انصاف داشتند می پذیرند و می پذیرفت. ما آن را می خواهیم ما چیز زایدی نمی خواهیم، ما همان را می خواهیم، از اول جنگ هم گفتیم ما جنگجو نیستیم، ما مدافع هستیم، دفاع هم یک حق مسلمی است که اسلام و غیر اسلام برای انسان قائل است. که به ما الان در حال دفاع هستیم. ما جوان هایمان تاکنون آنقدر شهید داده اند، تاکنون مادرها آنقدر شهید داده اند، پدرها آنقدر شهید داده اند، جوان ها آنقدر خون خودشان را داده اند، برای اینکه شر این قدرت بزرگ از سر ایران کم بشود، حالا که بحمدالله رسیدیم به اینجائی که دست ها کوتاه شده، حالا ما کوتاه بیاییم تا آنها دست شان بلند بشود؟ من به شما عرض می کنم اگر ما یک قدم عقب بنشینیم، آنها صد قدم جلو می آیند. ما محکم باید در مقابل اینها بایستیم تا اینکه آن آدمی که این فساد را در این منطقه ایجاد کرده است سرکوب بشود و آنهایی که وادار کردند اینکه این آدم اینطور، این خبیث اینطور با مردم عمل بکند. آنها هم رسوا بشوند در دنیا، که اینها بودند که می گویند که ما طرفدار مثلا چه هستیم و ما می خواهیم صلح باشد و همه قدرت های ما دنبال این است که صلح بشود.

ما هم آمریکا را می شناسیم و هم شوروی را می شناسیم که اینها هیچ کدام صلح طلب نیستند هر دوشان جنگجو و با اسلحه می خواهند دیگری را از بین ببرند، منتها خوب دو تا قدرت در مقابل هم ایستاده اند و (اللهم اشغل الظالمین بالظالمین) نه او جرات می کند که یک کاری بکند، نه اینها جرات می کنند یک کاری بکنند. لکن نتیجه اینکه همه مظلومین جهان دارند صدمه اش را می بینند، دارند پایمال می شوند و ما می خواهیم که خدای نخواستہ یک وقت ایران این نحو نشود دوباره این افعی ها از اطراف بریزند و هر چی دارید شما ببرند و هر فسادی می خواهند ایجاد کنند و جوان های شما را به آن فسادی که در زمان رضاشاه و محمدرضا شاه می خواستند بکشند کشیده بشود. وقتی ما می خواهیم - حقیق و می خواهیم حق را در این دیار و انشاءالله در جاهای دیگر پیاده بکنیم، ما چه باکی داریم از اینکه مثلا میوه گران است؟ میوه گران هم ما و شما و همه برایمان گران است. یا فرض کنید که فلان چیز کم است البته اگر کسی یادش باشد در این جنگ های سابق می داند که قحطی بود که پدر مردم را در می آورد، نه گرانی، قحطی بود. بحمدالله حالا قحطی نیست و مردم از این حیث نگرانی ندارند که چیز نباشد. از حیث گرانی ما هم نگران هستیم از این گرانی، همه نگران هستند اما چاره چی است؟ چه می توانیم بکنیم؟ البته فکری دارند می کنند و انشاءالله امیدوارم موفق بشوند که این مساله هم انشاءالله حل بشود که امیدوارم که هم مجلس و هم دولت و اینها مشورت کنند با هم و راهی پیدا کنند که انشاءالله این مشکل ملت هم حل بشود. و من از خدای تبارک تعالی برای همه شما سلامت و توفیق و عزت و عظمت خواستارم و برای شهدای 15 خرداد و از 15 خرداد تا حالا شهدائی که در راه اسلام جان خودشان را از دست دادند علو مقام و مرتبه مسئلت می کنم و برای بازماندگان آنها انشاءالله صبر و اجر مسئلت می کنم و از همه آقایان می خواهم که در مجالسی که دارند به این ملت دعا بکنند و از

دعاهایی که از ائمه معصومین وارد شده است غفلت نکنند و ماه شریف رمضان در پیش است و ماه شریف شعبان الان ماها در آن هستیم ، از ادعیه ائمه معصومین استفاده کنند و برای این ملت خیر و سلامت طلب کنند و برای دشمنان اسلام خذلان و شکست را بخواهند .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 8

داند جهان که قره عین بیمبری*** شایسته میوه دل زهرا و حیدری

دریا چوابر، باردگر، آب شد زشرم*** چون گشت روشنش که چه پاکیزه گوهری

طبعت چو آتش تر و هر دم خلیل وار*** خوشبو گلی دگر دمد از آتش تری

بی نقش همچو آینه، آب منقشی*** بی عطر چون فرشته جام معطری(1)

نستوه و استوار چون ستیغ سربلند دماوند بر دامن البرز ایستاده است؛ و سخنش چون آفتاب؛ تا فراخنای دشتهای دور وطن اسلامی به گرمی و مهر حیات می بخشد؛ و او چون آفتاب پیوسته می درخشد چون آفتاب با سطوت و چون 57 که پا کر آفتاب مستقیم و چون آفتاب حیاتبخش جامعه ..

هر جا همه در امری مهم در مانند به سوی آن سرچشمه نور می شتابند؛ هر جا در

ص: 9

1- با اندک تصرف از اشرف الدین ابو محمد حسن بن محمد حسینی مشهور به سید حسن غزنوی «اشرف» از شعرای قرن ششم

امری، تاریکی به هم رسد، باز بدان منبع درخشش روی می آورند و تاریکیها می گریزد...

و امت، امت و فادار امت بزرگوار چون گلهای آفتابگردان، هماره رو به سوی او دارند و او همواره در دسترس چون آفتاب تا اعماق مهام امور جامعه، می تابد.

با نگاهی به حجم رهنمودهای پیامبرانه امام، در این فصل از صحیفه نور و حوزه های گوناگون آن و با استواری بیانی که در آنهاست؛ از تفسیر قرآن تا عرفان و از رهنمودها در امور جاری تا، امریه و فرمان، از خروش توفنده بر سر دشمنان تا بندهای رهگشا و دلگرم کننده به دوستان: همه و همه نیاز: نوبه نو و روزا روز انقلاب و امت را به این خورشید حیاتبخش خویش نمایان می دارد؛ پس همراه با فرشتگان الهی، دست به دعا برداریم که، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

ص: 10

پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد قیام 15 خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم

سالروز پانزدهم خرداد 42 فرارسید. ملت عظیم الشان ایران خرداها را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و به رغم تبهکاران جهان و سر سپردگانشان که با انواع سلاح ها ملت ستمدیده ایران را تهدید به سقوط می کردند و خواب های خرگوشی برای بلعیدن کشور و چپاولگری های روزهای سیاه ستمشاهی می دیدند، امروز که پانزدهم خرداد 62 را مشاهده می کنیم، استحکام پایه های حکومت اسلامی و قدرت نظام جمهوری و قوای نظامی و انتظامی از ارتش و سپاه سلحشور پاسداران و کمیته ها و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و دیگر قوای عظیم مردمی روزافزون است و با عنایات خاصه خداوند متعال و پشتیبانی ولی عصر و ناموس دهر ارواحنا لمقدمه الفداء ملت دلاور ایران مشکلاتی را که هر یک برای از پای درآوردن یک کشور قدرتمند کافی بود، یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و چون سدی عظیم و صافی مرصوص در مقابل تبهکاران و تقاله های آنان ایستاده است و توطئه های شیاطین بزرگ و کوچک خارج و داخل را به خواست خداوند قادر خنثی نموده و خط بطلان بر خیالات فاسدی که بدخواهان و فرصت طلبان در مغزهای پوچ خود می پروراندند کشیده است.

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد 42 که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می رفت تا عریده شوم (انار بکم الاعلی) از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا 22 بهمن 57 که پایه حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت تاج دو هزار و پانصد ساله فرعون گونه ستمشاهی به دست توانای زاغه نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراجگری ها و حکمفرمایی های شیطان بزرگ و شیطانک های وابسته و پیوسته به آن در هم پیچیده شد، ایامی محدود بیش نبود. و از 22 بهمن 57 تا امروز که 15 خرداد 62 را در آغوش می گیریم ساعاتی محدود بیش نیست ولی تحولی که کمتر از صد سال بعید به نظر می رسید با تقدیر خدای بزرگ در این

ایام معدوده و ساعات محدوده تحقق یافت و جلوه ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد. (ولیس من الله بمستنکر) که دهر را در ساعتی بگنجانند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم صاحب العصر ارواحنا له الفداء روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخ های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز در آورد. (و ما ذلک علی الله بعزیز)

و ملت عظیم ایران لازم است که شکر نعمت های غیرمتناهی الهی را در سالروز 15 خرداد به جان و دل بجا آورد و تمام آنچه گذشته و می گذرد را از عنایات خاصه خداوند متعال بداند که هر چه هست از اوست و به سوی اوست. و رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد 42 سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسینی جستجو کند که انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. ملت بزرگ ما باید خاطره عاشورا را با موازین اسلامی هر چه شکوهمندتر حفظ نماید و به برکت آن و ارزش بی حساب ثارالله با حضور در صحنه، انقلاب عظیم خود را هر چه پایدارتر نگه دارد و از پشتیبانی قوای مسلح در جبهه و پشت جبهه، دست جنایتکاران را از میهن خویش قطع نماید و طمع غارتگران جبار را برای همیشه ببرد و با پشتیبانی از نیروهای نظامی و انتظامی، توطئه های گروهک های منحرف از اسلام را کشف و به مقامات مربوطه گزارش دهد.

اینجانب در پانزدهم خرداد 62 که بحمدالله تعالی قدرت اسلام و دولت جمهوری اسلامی در منطقه زیانزد است، به دولت های کشورهای اسلامی هشدار می دهم که از اشتباهات گذشته دست بردارند و با یکدیگر دست برادری دهند و با خضوع در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانه جباران و غارتگران جهانخوار خصوصا آمریکا را از منطقه کوتاه کنند و این توافق آمریکائی، صهیونیستی، لبنانی را که سلطه آمریکا را در منطقه استوارتر و اسرائیل را بر کشور اسلامی لبنان و پس از آن بر سایر کشورهای اسلامی و عربی چیره خواهد کرد، محکوم و عملاً نقض نمایند. و بدانند چنانچه کرارا گفته ام و شنیده اید، اسرائیل به این قراردادها اکتفا نمی کند و حکومت اعراب را از نیل تا فرات غصبی می داند و دیر یا زود با کمک آمریکا به نقشه شوم خود، اگر خدای نخواستہ فرصت پیدا کند و حکومت های عربی از خواب گران بیدار نشوند، جامعه عمل می پوشاند. آیا برای مسلمانان و حکومت های کشورهای اسلامی ننگ نیست که آمریکا از آن طرف دنیا بر مقدراتشان حکومت کند و به دست اسرائیل کافر غاصب همه را به دام اندازد و به خاک سیاه بنشانند؟ آیا وقت آن نرسیده است که عمق توطئه و شیطننت آمریکا در وادار نمودن صدام عقلی به هجوم به یک کشور اسلامی قدرتمند را بفهمند؟ آیا نمی دانند که وادار نمودن دولت های منطقه را مستقیم یا غیرمستقیم به کمک مالی و نظامی و تبلیغاتی، به صدام، دشمن با اسلام، نقشه شیطانی است که شماها با دست خود تیشه به ریشه خود زدید و موجبات هلاکت خود و مسلمانان منطقه را فراهم نمائید؟ آیا مسلمانان غیور منطقه باز به سکوت مرگبار خود ادامه می دهند که آمریکا و اسرائیل با مقدرات آنان

بازی کنند و اسلام را تحت سلطه آمریکا در آورند؟ آیا درست است که شوروی مسلمانان افغانستان را زیر شدیدترین فشارها قرار دهد و کشور اسلامی افغانستان را اشغال کند و شما ساکت باشید؟ آیا روحانیون متعهد و نویسندگان و روشن بینان متعهد نسبت به اسلام و مقدرات مسلمین باز به سکوت خود ادامه می دهند و در انتظار مرگ اسلام روز شماری می کنند؟ آیا این یک مشت آخوندهای روحانی نما که با تشبث صدام محتضر، در بغداد جمع و به اسم اسلام و به نفع شرک، با اسلام به خیانت برخاسته اند، جواب خداوند را در روز رستاخیز چه می دهند؟ متصدیان محترم جمهوری اسلامی کرارا تذکر دادند که دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت آمیز با همه کشورهای عالم است و امروز نیز که تنها قدرت منطقه است، همان مطلب را تکرار می کنند و صلاح مسلمانان را در وحدت مقابل جهانخواران و سلطه جویان می دانند و نفاق و تفرقه را همان نحو که قرآن کریم فرموده است موجب شکست و هلاکت می دانند.

ملت و دولت ایران امروز که سالروز پانزدهم خرداد 42 و روز پانزدهم خرداد 62 می باشد از هر زمان پیوسته تر و مصمم تر و قوی تر در مقابل تجاوزگران و کمک کاران به آنان ایستاده و در صورت ادامه کمک به متجاوز کافر، راه دیگری که هیچ گاه خواست آنان نیست را در پیش خواهند گرفت و همانطور که حزب بعث عراق را به فاجعه و در یوزگی و تشبث به این و آن کشاندند، با دیگر متجاوزان و کمک کاران آنان نیز می توانند همانگونه عمل کنند. و باید دولت های منطقه بدانند که در وقت گرفتاری آنان، آمریکا و هیچ قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسکم النار). خداوند! ما آنچه امر فرمودی به مراعات حق اخوت و نصیحت به برادران اسلامی عمل کردیم و آنان را به صلح و صفا دعوت نمودیم و از تفرقه و نزاع تحذیر کردیم، تو خود آنان را از خواب غفلت بیدار فرما که آنان در لب پرتگاه و حفیر جهنم واقع شده اند و مقدرات اسلام را تقدیم دشمنان خداوند می نمایند و از عاقبت شوم آن بی خبرند. بار الها! تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت اسلامی در کشور ولی الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفداء تحول یابد. ما عاجزانه از مقام مقدس تو می خواهیم که عنایات خاصه خود را بر این ملت که برای رضای تو قیام کرده و از 15 خرداد خونین تاکنون از پای ننشسته و جان و جوان و مال خود را فدای اسلام عزیز و میهن خود نموده، مستدام بداری و قوای مسلح اسلام را بر قوای کفر پیروز فرمایی و اسلام را در جهان گسترش دهی و دست ستمکاران مستکبر را از تجاوز به محرومان و مستضعفان قطع نمایی و دل های همه ما را به نور هدایت خویش منور فرمایی و ملت عزیز ایران را در پیشبرد جمهوری اسلامی و سرکوب منحرفان و مخالفان با اسلام و پیروان آن مصمم تر فرمایی تا این انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی موعود ارواحنا فداء ادامه دهند و جوانان عزیز ما را در جبهه های دفاع از قرآن مجید و اسلام بزرگ هر چه سریعتر پیروز فرمایی و شهدای مظلوم اسلام را بویژه شهدای نهضت و انقلاب اسلامی ایران از پانزدهم خرداد 42 تاکنون، به رحمت جاوید خود غریق فرمایی و پدران و مادران و همسران و بستگان آنان را صبر و اجر وافر عنایت نمایی و آسیب دیدگان در جبهه و

پشت جبهه راشفا و سلامت مرحمت فرمایى و قوه تقنینیه و قضائیه و مجریه و سایر متصدیان امور و خدمتگزاران به اسلام و مسلمین و مخلوق خدا را هر چه بیشتر تقویت فرمایى .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

روح اللّٰه الموسوی الخمینى

ص: 14

تلگرام تسلیت امام خمینی به مناسبت درگذشت آیت الله انگجی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای ملکوتی امام جمعه محترم تبریز دامت افاضاته

خبر رحلت عالم بزرگوار جناب حجت الاسلام آقای انگجی رحمة الله عليه موجب تاسف و تاثر گردید . سوابق ایشان و خانواده معظم شان در حکومت طاغوت و مخالفت هایشان با ستمشاهی بر اهالی آذربایجان معلوم است . مراتب تاسف اینجانب را به اهالی محترم بویژه علمای اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم و خانواده معظم ایشان ابلاغ فرمائید . از خداوند تعالی رحمت برای ایشان و سلامت و صبر برای خاندان محترمشان خواستار و پیروزی برای ملت ایران بویژه اهالی محترم آذربایجان خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 15

بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و جماعات استان های خراسان، فارس، باختران، و ائمه جماعات قم و تهران، طلاب غیر ایرانی مقیم قم و روحانیون مسؤول دفتر نمایندگی امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کیفیت نزول قرآن در ابهام باقی مانده است

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان علما، دانشمندان، و عاظم محترم که در اینجا حضور دارند و زحمت کشیده اند و من بخواهم اسم کلیاتش را ببرم لازم نمی دانم. به همه از همه تشکر می کنم و از همه آنها در این ماه مبارک رمضان ملتمس دعا هستم برای پیروزی اسلام و برای قطع ید اجانب از ممالک اسلامی.

در ماه مبارک رمضان قضیه ای اتفاق افتاد که ابعاد آن قضیه و ماهیت آن قضیه در ابهام الی الابد مانده است برای امثال ماها و آن نزول قرآن است. نزول قرآن بر قلب رسول الله در لیلۃ القدر، کیفیت نزول قرآن و قضیه چه بوده است و روح الامین در قلب آن حضرت قرآن را نازل کرده است و از طرفی خدا (انا انزلناه فی لیلۃ القدر) این نزول قرآن در قلب پیغمبر در لیلۃ القدر کیفیتش چیست؟ باید بگویم غیر از خود رسول اکرم و آنهایی که در دامن رسول اکرم بزرگ شدند و مورد عنایت خدای تبارک و تعالی، عنایات خاص او بودند برای دیگران مطلقاً در حجاب ابهام است که مساله تنزل چی است، نزول در قلب چی است، روح الامین چی است، کیفیت وارد شدن روح الامین با قرآن در قلب رسول الله چی است، (لیلۃ القدر) چی است؟ اینها مسائلی است که به نظر سطحی یک مطالب آسانی است و گاهی هم یک حرف هایی گفته شده است لکن به شما عرض کنم کیفیت نزول قرآن در ابهام باقی مانده است برای امثال ما و کیفیت نزول ملائکه الله در لیلۃ القدر و ماهیت لیلۃ القدر و این دعوتی که خدای تبارک و تعالی به حسب آن چیزی که از رسول اکرم منقول است که (دعیتم الی ضیافة الله) ضیافت چی هست و کی پذیرفته است این ضیافت را و برای مقدمات پذیرش این زیارت - این ضیافت چی هست و خود ضیافت چی هست، باید عرض کنم که غیر از خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کسی به این ضیافتی که خدای تبارک و تعالی دعوت کرده است، آنطور که او اجابت کرده است کسی اجابت نکرده است. دعوت مراتب دارد، اجابت هم مراتب دارد. آن مرتبه اعلی اجابت آنی است که پس از حصول مقدمات و ریاضاتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کشیده اند منتهی شد به اینکه خدای تبارک و تعالی از او ضیافت کرد به نزول قرآن. قرآن آن نعمتی است که در ضیافتی که از رسول خدا شده است، آن نعمتی است که در آن سفره ای که از ازل تا ابد پهن است پیغمبر اکرم

برخوردار از آن بوده و مقدمات آن مقدماتی است که سال های طولانی ریاضات معنوی کشیده است تا رسیده است به آنجایی که لایق این ضیافت شده است و مهم قضیه اعراض از دنیا است .

اعراض از دنیا و غیر خدا ، تنها راه ورود به ضیافه الله است

آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می دهد این است که غیر خدا را کنار بگذارد و این برای هر کس میسر نیست ، برای افراد انگشت شماری که در راس آنها رسول الله است میسر بوده . آن توجه قلبی به مبدا نور و اعراض از ماورای او ، او را لایق کرد به ضیافه الله و لایق کرد برای اینکه قرآن یک مرتبه به طور بسیط در قلب او وارد بشود . ليله مبارکه یکی از احتمالاتش بنیه خود رسول اکرم است که مشکات نور الله است و احتمالات دیگر هم هست . مهم ادراک این معناست که مراتب کمالات انسان برای ورود در ضیافت خدا زیاد است و باید از مقدمات شروع بشود . مقدمات هم همانی است که توجه به غیر نداشتن و غیری را ندیدن و جز خدا ندیدن و توجه به هیچ چیز غیر از او نداشتن . در اینجا باید عرض کنم که از همه مردم این معنا مطلوب است و اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند به اندازه وسع خودشان باید از دنیا اعراض کنند و قلب شان را از دنیا برگردانند ، لکن برای جامعه روحانیت که جامعه وعاظ هم در بین آنهاست یک مطلوبیت دیگری دارد . پیغمبر در یکی از فرمایشاتشان می فرمایند که (شبیته سوره هود) آیه ای که در _سوره _سوره هود وارد شده است در سوره شورا هم به استثنای یک کلمه وارد شده است لکن سوره هود را ایشان می فرمایند که (شبیته) برای اینکه در آنجا امر به استقامت خود رسول خدا و کسانی که با او هستند هست ، تابعین او . این است که استقامت ملت را هم پیغمبر سنگینی را در دوش خودش می دید و نگرانی ای که پیغمبر داشت نسبت به اینکه استقامت نکند ملت ، نکند امت ، این بود که ، به حسب احتمال قوی این بود که ایشان را وادار کرد به اینکه این کلمه را بفرمایند . استقامت در هر امر و این دنبال این است که انسان توجه به خدای تبارک و تعالی داشته باشد و به پیامبران خدا و خصوصاً پیامبر خاتم که اینها چه نحو زندگی کردند و با چه مصیبت هایی استقامت کردند و در این بیست و چند سال که پیغمبر اکرم در بین این مردم بود چه مصیبت هایی از همین مردم دید و چه مصیبت هایی را پیش بینی کرد و توجه به اینکه او ولی امر این ملت است و استقامت این ملت هم از او خواسته شده است و (فاستقم کما امرت و من تاب معک) این است که موجب نگرانی رسول خداست . اگر امروز جامعه روحانیت در سرتاسر کشور ما ، چه روحانیینی که اشتغال به یک عملی داشته باشند از اعمالی که در جمهوری اسلامی لازم است و چه آنهایی که اشتغال ندارند ، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه علمایی که در غیر این دو شغل هستند و در بین مردم برای ارشاد هستند و چه وعاظ محترم ، اینها الان اسلام سپرده به اینهاست . پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد ، تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به

حسب روایات عرضه می شود به امام وقت ، امام زمان سلام الله علیه مراقب ما هستند ، مراقب روحانیت هستند که چه می کنند اینها . امروز که اسلام به دست آنها سپرده شده است و تمام عذرهای منقطع شده است ، نمی توانند بگویند نمی توانستیم ، نمی توانند بگویند نمی دانستیم ، نمی توانند بگویند که رژیم شاهنشاهی ما را نمی گذاشت کاری انجام بدهیم . همه اینها مرتفع شده است و اسلام به دست شما افتاده است ، به دست روحانیون در سرتاسر کشور و تحت مراقبت شدید هستید ، مراقبت خدای تبارک و تعالی و مراقبت فرشتگانی که مامور این کار هستند . (والله من ورائهم محیط) ماه رمضان ها می آید و می رود و ماه ها یکی پس از دیگری می روند و عمرها هم می رود ، آنچه که باقی می ماند آن صفحات اعمال شماست که در قلب شما ثبت است و شاید نامه عمل هم همان باشد ، قلب شما نسبت به دنیا چه بوده است ، دنیا با قلب شما چه کرده است و شما توجه تان به دنیا چه اندازه بوده است . آن روزی که دست تان نمی رسید زاهد و عابد بودید ، آن روزی که دست رسید خدای نخواستہ عکس او بود ؟ مراقبت در کار است . امروز مسوولیت روحانیت و کسانی که در این لباس مقدس هستند ، مسوولیتی است که در طول تاریخ بر عهده روحانیت نبوده است . در طول تاریخ از صدر اسلام تاکنون جمعیت های روحانیت اینطور حجتی که بر آنها امروز تمام است ، حجت بر آنها تمام نبوده است . در طول تاریخ یک همچو فرصتی برای هیچ کشوری پیدا نشده است و اسلام به دست شما سپرده شده است و از شما می خواهند حفظش را . به دست این ملت سپرده شده است و از این ملت می خواهند حفظش را ، شما در ارشادات ، در توجه نداشتن به زرق و برق دنیا مهم توجه قلبی است . داشتن مال ، داشتن خانه ، داشتن چیز ، اینش مهم نیست ، مهم این است که قلب انسان را ، قلب انسان را اینها تسخیر کنند . اینکه مال اندوزی و ثروت اندوزی مذموم است برای این است که این مال اندوزی و ثروت اندوزی و امثال اینها و زرق و برق دنیا دل انسان را می کشاند به طرف غیر خدا و از آن ضیافت های خدا محروم می کند . بخواهید دعوت خدا را به ضیافت اجابت کنید و وارد بشوید در ضیافه الله بدون اینکه قلب های خودتان را از این دنیا منسلخ کنید امکان ندارد . اولیاً خدا آن چیزی که پیش شان مهم بود تهذیب نفس بود و دل کندن از غیر خدا و توجه به خدا . تمام مفاسدی که در عالم واقع می شود از این توجه به خود است در مقابل توجه به خدا . تمام کمالاتی که برای اولیاً خدا و انبیاء خدا حاصل شده است از این دل کندن از غیر و بستن به اوست و علامات این مسائل در اعمال ماها ظاهر می شود . علاوه بر اینکه ما مسوولیت خودمان را ، مسوولیت شخصی داریم ، مسوولیت نوعی هم به عهده ماست ، مسوولیت ملت هم به عهده ماست . همانطوری که سوره هود به پیغمبر فرموده است که : (فاستقم كما امرت و من تاب معك) به شما هم می گوید که استقامت کنید و از استقامت خودتان مردم را مستقیم کنید . اگر مردم از ما خطا بینند و اگر چنانچه انصراف پیدا کنند از روحانیت برای خطاهای بعضی از ما ، مسوولیت ، مسوولیت شخصی نیست ، مسوولیت اسلامی است ، مسوولیت عمومی است . اگر ما خدای نخواستہ با اعمالمان طوری بکنیم که این ملت از ما جدا بشود و این ملت ما را زیر سوال قرار بدهد که شما امروز که دست تان باز است یک نحو دیگر دارید عمل می کنید و جدا بشود از شما ، این مسوولیت اسلام به عهده ماست ،

اسلام به انزوا کشیده می شود و آنهایی که با اسلام مخالفند روی کار می آیند خدای نخواستہ و این مسؤلیت به عهده ماست . قضیه ، قضیه شخصی نیست که یک شخص بگوید خوب من یک همچو کاری می کنم به دیگران چه . این نیست مساله . سابق هم وقتی که یک طلبه کاری می کرد می گفتند طلبه ها اینطورند ، اگر خدای نخواستہ یک روحانی یک کاری می کرد می گفتند روحانیون اینطورند . حالا دیگر مساله اینطور است که اگر اسلام شکست بخورد به وسیله ماها شکست خورده است . اگر شما درست بشوید اسلام شکست نمی خورد ، با درست شدن شما مردم درست می شوند ، با مهذب شدن شما مردم مهذب می شوند . اگر خدای نخواستہ در منبر شما چیزی بگویند که خودتان عاملش نیستید و در مسجد چیزی بگویند که خودتان بر خلاف او عمل می کنید ، مردم دل هاشان از شما منصرف می شود و این کم کم موجب شکست اسلام می شود و این به عهده همه ماست . این مفاسدی که در دنیا هست و الان این جنجالی که در دنیا هست و اینطور به جان هم افتاده اند همه اش برای این است که توجه به خود دارند و توجه به خدا ندارند ، اخلاق الهی ندارند ، اخلاق حیوانی و هر روز این اخلاق حیوانی را زیاد می کنند . اگر جنگ برای ایران پیش می آید نه این است که بر اینکه اسلام را تقویت کنند جنگ با ایران می کنند . برای این است که هوای نفس به آن اندازه شده است که نمی تواند یک کس دیگری را قدرتمند ببیند .

اگر دنیا در آتش این دو ابرقدرت می سوزد برای همان هوای نفسی است که عمال این دو ابرقدرت و خود آنها دارند . اگر کشورهای اسلامی در آتش این مفاسد می سوزد برای این است که کسانی که متصدی آن امور هستند هواهای نفسانی دارند و خودشان را می بینند و همه را برای خود می خواهند . اخیراً نمی دانم که توجه کردید یک مطلبی را رئیس جمهور آمریکا گفته است و یک مطلبی هم صدام ، رئیس جمهور آمریکا گفته است که ، یعنی اعلام کرده است یک هفته برای ملت زیر بند و از مردم ، ملت ها خواسته است که شماها باید برای آزادی خودتان از این کسانی که شما را در بند کشیدند جدیت کنید و رئیس جمهور گفته من هم با شما موافقم . من نمی دانم که این مطلب را برای کی می گویند . برای این ملت هایی که همه در بند خودش هستند می گویند ؟ او که می داند مطلب را ، می خواهد کی را اغفال کند ؟ می خواهد ملت آمریکا را اغفال کند ؟ ملت آمریکا می داند از پیش که شما چه کردید با دنیا . می خواهد بلوک شرق را فقط اشخاصی _ باید _ که مردم را به بند می کشند معرفی کند ؟ همه می دانند که هر دو هستید . می خواهد این ملت هایی که در تحت بند هستند بگوید که به من ربطی ندارد که این ملت ها شاید اکثراً زیر بند آمریکا هستند ، در بند آمریکا هستند ؟ می خواهد چی بگوید این آدم ؟ یک هفته برای ملت های در بند که از مردم آمریکا خواسته است که شما در این امر جدیت کنید و همه مردم را خواسته است که _ تا _ اگر آزادی بخواهید باید آزادی دیگران را هم بخواهید . خود ایشان چه فکری می کند ؟ اگر ملت های در بند اینها هستند ، که همه شان یا اکثرشان در بند شما هستند ، کی باید اینها را آزاد کند ؟ چه جور باید اینها را آزاد کنند ؟ با پشتیبانی شما آزاد کنند ؟ از آن طرف هم صدام ماه مبارک رمضان را خواسته است که جنگ موقوف باشد برای اینکه ایشان به عبادتش برسد و این ماه

(تعبیرات آنها این است) این ماه خداست، این ماهی است که برای عبادت است. بعضی شان هم می گویند این ماهی است که جنگ در او حرام است. این هم معلوماتشان است. می گوید پیغمبر به کفار هم مهلت می داد، آتش بس می کرد. پیغمبر اکرم به منافقین هم مهلت می داد؟ پیغمبر اکرم اگر چنانچه منافقین می آمدند و می گویند به ما مهلت بدهید ما دیگر مسلمان هستیم و ما با شما هستیم و مهلت بدهید می خواهیم عبادت و نمی دانم چه بکنیم و می دید که دارند توطئه می کنند و می خواهند که خودشان را قوی کنند به این مهلت و هجوم کنند، باز هم پیغمبر مهلت می داد؟ پیغمبر به کفار مهلت می داد برای اینکه کفار مطلب شان معلوم بود، آنها پرونده شان واضح بود و روشن، اما به منافقین که در ظاهر می خواهند عبادت کنند و مثلاً آنهایی که در زمان حضرت امیر سلام الله علیه بودند و پینه هم در جبین هاشان بود، به یک همچو اشخاصی هم مهلت می داد؟ مهلت برای او جایز بود که به توطئه گرها مهلت بدهد که دست و پای خودشان را جمع کنند و حمله بالاتر بکنند؟ ما که می شناسیم اینها را، ما که حزب بعث را می شناسیم، ما که صدام را می شناسیم، ما که می دانیم که او برای اصلاح هیچ وقت دستش را دراز نکرده، او با اسم اصلاح می خواهد افساد کند. می خواهد ما را اغفال کند، به دنیا هم بگوید که ببینید من چه آدم سالمی هستم ماه مبارک که برای روزه است و برای نماز است و برای اطاعت خداست دیگر ما جنگ نکنیم. دریاها را دیگر لااقل چیز نکنیم تا اینکه نفت ها را صادر کند و اسلحه ها را هم وارد کند و هیچ که هم مزاحمش نباشد و همان بین رمضان اگر خودش را دید که قوی است، حمله کند. کدام عاقل این را می پذیرد؟ این ملتی که جوان داده است اعم از اینکه کشته شدند و شهید شدند یا معلول شدند و حالا رسانده است به اینجائی که طرف مقابل را به عجز و لابه در آورده، باز اغفال بشود و مهلت بدهد که شما دست و پایتان را جمع کنید و حمله کنید و عربستان درست کنید و نمی دانم خوزستان را عربستان کنید و امثال اینها؟

باید ما بیدار باشیم و از این فریب ها بازی نخوریم، نه از فریب رئیس جمهور آمریکا و نه از فریب اینها. آن هم همین حرف را می زند که ما می خواهیم که ملت های در بند را آزاد کنیم و از ملت ها هم می خواهد که با او همراهی کنند. من نمی دانم ملت ایران با او همراهی کند که از بندهای آنها آزاد بشوند، عراق چیز بکند، لبنان بکند، فلسطین بکند، و همه جائی که شما دست دارید و همه جائی که شما دارید فساد می کنید و همه را در بند کشیدید. از آن ور شوروی نشسته است آن هم نظیر این مسائل را می گوید، ما برای صلح هست که خودمان را مجهز می کنیم. آن یکی هم می گوید ما برای صلح هست. البته به یک معنا صحیح است برای اینکه هر یک از اینها چشمش را هم بگذارد دیگری او را می بلعد، اما نباید دیگر مردم دیگری، ملت های دیگری را اغفال کنند و نباید ما از این حرف ها و فریب ها اغفال بشویم.

ما امروز هم در راس تمام مسائل مان جنگ است

ما امروز هم در راس تمام مسائل مان جنگ است، اگر یک روز غفلت بکنیم حمله خواهد کرد

بر ما و همه چیز ما را از بین خواهد برد. ما تا همان مسائلی که در اول جنگ گفتیم، تا آن مسائل تحقق پیدا نکند، ما در دفاع خودمان سر جای خودمان ایستاده ایم. اگر چنانچه ما از این مسائل غفلت کنیم یا اینکه بعضی از منحرفین و منافقین بین مردم بیفتند و بگویند که خوب جنگ، او می گوید جنگ را تمام کنیم، شما هم قبول کنید و بخواهند مردم را سست بکنند بدانید که اسلام در خطر کفر است. اگر چنانچه امروز ما یک کلمه عقب نشینی کنیم، اگر ملت ما یک قدم سستی به خودش راه بدهد و عقب نشینی کند، نوامیسش، اموالش، جان های جوان هایش همه اش به باد خواهند رفت.

باید با قدرت به پیش برویم و با قدرت با همه کسانی که به ما می خواهند تجاوز و تعدی کنند مبارزه کنیم و زندگی آبرومند نداشتن و زندگی زیر بار بودن هزار مرتبه از اینکه انسان بمیرد، مردن بر او شرف دارد.

من به ملت ایران عرض می کنم، به همه، به همه قشرها، به قوای مسلح، به همه قشرهای قوای مسلح، به همه قشرهای قوای مسلح عرض می کنم که مصمم باشید و مجهز باشید و هر روز قوی تر کنید خودتان را و ملت هم هر روز برای پشتیبانی، دفاع از اسلام بیشتر مصمم بشود و برای جنگ بیشتر مهیا شود که دفاع از اسلام است، دفاع از نوامیس مسلمین است، دفاع از قرآن کریم است، دفاع از ملت ایران است و ملت های دیگر است و ما باید با قدرت بایستیم و هیچ عقب نشینی نکنیم.

در ماه مبارک رمضان اسلام را بیمه کنید

و من امیدوارم که همه آقایان در این ماه مبارک همت شان را صرف کنند به اینکه مردم را مهیا نگه دارند و مردم را مجهز نگه دارند و اسلام را با دست مردم نگه دارید و خودتان هم در مساجد، در منابر مردم را دعوت به صلاح بکنید و دعوت به اینکه دنبال مسائل باشند و بگویند به آنها که (فاستقم کما امرت و من تاب معک) آئی که پیغمبر را نگران کرده است. الان بدانید که اولیاً خدا توجه دارند و نگرانند از اینکه خدای نخواستہ این ملت ما از این راهی که رفته است یک وقت خدای نخواستہ سستی کند. و بحمدالله تاکنون همه باهم بودید و منسجم بودید و همه روحانیون با هم، با دیگران، مردم با هم، با روحانیون منسجم بودند و امیدوارم که از این به بعد هم منسجم باشند و منسجم تر.

و یک کلمه ای که این نصیحتی است به اینهایی که در روضه خوانی ها، در عرض می کنم _ مجالسی که دارند، در تکیه ها، در اینطور چیزهایی که دارند، که توجه به ضعفای مردم بکنند. در بین مردم مریض هست، در بین مردم ضعیف هست، در بین مردم اشخاصی هستند پیرمرد، اشخاصی هستند پیرزن و ضعیف، صداها زیاد نباشد که مردم را منزجر کند. بلندگوها را بیرون نگذارید که فریادش همه مردم را منزجر کند. بلندگوها را در داخل مسجد بگذارید و اینطور نباشد که _ بخواهید اطاعت خدا را بکنید خدای نخواستہ معصیت بشود و از آداب ماه رمضان همین است که مردم را آرامش بدهید. اینها روزه می خواهند بگیرند خوب بعضی شان هست می خواهند اول شب بخوابند و روزه بگیرند فردا، بعضی ها هستند که کسالت دارند، مریض اند، مریضخانه ها پر است از اشخاص

معلولین در آنجا هستند ممکن است اینها ناراحت کند آنها را . در این امور یک قدری ملاحظه برادران ایمانی خودتان را بکنید . و من امیدوارم که طبقات مختلف روحانیت در هر جا هستند همه شان با هم باشند همچو نباشد امام جمعه اش علیحده یک بساطی داشته باشد و امام جماعتش هم علیحده و روحانیت دیگرش هم علیحده .

اجتماع داشته باشید با هم ، برادرید شما . حافظ اسلام هستید شما و حفظ اسلام تا همراه هم نباشید نمی شود . شما همه با هم باشید ، مجالس داشته باشید ، ماه رمضان است حالا ، شب ها مجالس داشته باشید . مردم را دعوت کنید به اینکه مجالس انس داشته باشند ، مجالس احکام داشته باشند ، مجالس دعا داشته باشند . شهر دعاست ، شهر توسل به خداست . و انشاءالله همه موفق باشید که در این ماه رمضان این اسلام را بیمه کنید با دعاهای خودتان و با گریه و زاری خودتان و از آن مسائلی که همیشه داشتید که برای اسلام ، برای روضه هائی که خوانده می شد جانفشانی می کردید ، آن روضه های سنتی را سر جای خودش نگه دارید و آن مصیبت ها را نگه دارید زنده که _ آنها _ برکاتی که به ما می رسد از آنهاست و از کربلا این برکات به ما می رسد . کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود . و همه طوایفی که در ایران هستند با هم اخوت داشته باشند ، توجه کنند به اینکه الان کسانی که مخالف با اسلام هستند و دارند پخش می کنند مطالبی را ، می خواهند بین برادرهای شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند اینها نه خیرخواه شیعه هستند ، نه خیرخواه سنی و اینها با اسلام مخالفند . بیدار باشند همه برادرها ، با هم باشند . دشمن مشترک ما داریم ، به این دشمن مشترک باید ما با هم حمله کنیم و آنها را نگذاریم که خدای نخواستہ در صفوف ما یک رخوتی ایجاد بشود و یک اختلافی ایجاد بشود .

انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد و برای خدمت به اسلام مهیاتر بکند و برای خدمت به جبهه مهیاتر بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله

پیام امام خمینی به مناسبت شهادت شش تن از اعضای خانواده آیت الله العظمی حکیم

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

خبر بسیار اسف انگیز و حیرت بار شهادت شش شخصیت از بیت مرحوم آیت الله حکیم رحمت الله علیه به دست جنایتکار ددمش دهر ، صدام علفقی با کیفیتی که توسط فرزند برومند ایشان جناب حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم حفظه الله تعالی گزارش دادند ، هر انسان با وجدانی را که از فطرت انسانی منحرف نشده است متأسف و ناراحت می کند . ما در عصری زندگی می کنیم که مقدرات ملت های در بند مظلوم ، به دست مستی جنایت پیشه که خوی سببیت بر آنان غالب است می باشد . دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومت هایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی کند . ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تادیب ، تحسین و تأیید می شوند . ما در عصری بسر می بریم که سازمان های به اصطلاح حقوق بشر ، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند . ما در منطقه ای به زندگی مرگبار خود ادامه می دهیم که اکثر حکام آن چشم و گوش بسته تحت فرمان امریکا ، به جنایات اسرائیل و حزب بعث عراق مشروعیت می دهند و در هدم اسلام و قرآن کریم کوشش می کنند . ما در محیطی گذران می کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خرد می شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال وجهه اسلامی می دهند . ما و دنیای مسیحیت در عصری هستیم که پاپ ، رهبر کاتولیک ها به جای آنکه امریکا را در جنایاتی که به بشریت می کند ، محکوم کند و پیروان خود را به مقابله با ظالمان برانگیزد ، از امریکا پشتیبانی می کند و به ستمکاران دیگر توصیه همکاری با آن را می کند . اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است ، تکلیف ملت های در بند این ابرقدرت ها و انگل های آنان چیست ؟ باید بنشینند و این صحنه های جنایتکار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد ؟ آیا روحانیون ، نویسندگان ، گویندگان ، روشنفکران ، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند ، در این زمان تکلیفی انسانی ، مذهبی ، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند ؟ و با آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود ملت های مظلوم در بند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند ، چونانکه در ایران با همت ملت بزرگوار شد . آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانه

شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم در بند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند و یا بیرون راندند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند و انتظار نکشند که ستمکاران آنان را از بند نجات دهند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را که بر بیت معظم حکیم وارده شده است و شش تن از فرزندان پیامبر عظیم الشان مظلومان را به دست دژخیمان صدام با آن وضع فجیع و رقت بار به شهادت رساندند، به اجداد بزرگ آنان و به اسلام بزرگ و مسلمانان متعهد جهان و به ملت ایران و عراق تسلیت می دهم.

باید ملت عراق بدانند که قضیه مربوط به بیت معظم حکیم نیست. اینان که با آن شکنجه ها شهید شدند، در راه اسلام عزیز و مصالح ملت عراق به شهادت رسیدند و به لقاالله در جوار اجداد معظمشان محشورند. لکن مساله مهم، اسلام است که اگر به این ملحد مخالف با لذات با اسلام مهلت داده شود، اسلام بزرگ و ملت عزیز عراق را در زیر چکمه دژخیمان جنایتکارش خرد خواهد کرد و به حرث و نسل ملت عراق بس نخواهد کرد. ارتش عراق که از همان ملت هستند و فرزندان همان آب و خاک هستند تا کی تحمل اینگونه ننگ ها را که این جنایتکار می کند، می نمایند؟ و عجب آن است که خیرخواهان منطقه به گمان خود برای اصلاح بین حزب بعث و دولت ایران دامن به کمر زده اند و فعالیت می نمایند، غافل از آنکه اصلاح با این پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر مستمندان و اسلام و مسلمین و غافل از آنکه این شخص که به واسطه شکست در جنگ و از دست همه چیز خود آنچنان دیوانه شده است که به هیچ قراردادی پایبند نیست و ملت ایران با آنهمه رنج و درد که از این دژخیم دیده اند به هیچ وجه به اصلاح تن در نمی دهند و اسلام عزیز اجازت نخواهد داد که با اسم اصلاح، به ملت های مظلوم، ستم های فوق طاقت تحمیل شود.

بار دیگر این مصیبت بزرگ را به همه مسلمانان بخصوص خاندان معظم حکیم و جناب حجت الاسلام آقای سید محمدباقر حکیم تسلیت عرض می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بسم الله الرحمن الرحيم

جانب چهارم به سلمه ه حاج سیدین طاهر دست ۴ ضافه

برو مغز که برای جان لا مشرک که جانب چهارم به سلمه ه زنا کرایه به تالی برار سید بوضع سپاه پاسداران
 سفیر پنده ضمن تشکر از جانب زنا کرایه در کتک زخات در غیاب شایان لایه به کتک ساقین سفیر
 می نمایم که با کمال دقت و نظارت به آنچه در همان نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مبارزانه در این
 جانب آمده است عمل نماید سید است با یاد و محبت جانب چهارم به سلمه ه زنا کرایه جانب چهارم به سلمه ه مکتوب
 و جانب در در محرم است و جانب زنا کرایه که مورد عدالت و آید نهایت است هر چه بهتر بوضع سپاه
 رسیدگی نماید مسلم است جانب در در سپاه و زمانه محرم است و دیگر فرماندهان ذکا که در سپاه
 هستی دارند جانب زنا کرایه نهایت آید در میان که مربوط به شرح است در این شرح
 تبعیت کنند تا انتهای امر سپاه که باز در توانای جمهوری اسلامی است بر طبق صورت
 شرعی و قانونی و مصالحی که کشور و جمهوری اسلامی محسوست با بر مسلم بنزاکرت که تبعیت
 از جانب زنا کرایه و فرمانده کل سپاه و از فرماندهان دیگر محسوسه مرتب صورت
 سپاه در جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی است که تکلف از این عدول بر تعویب قانونی
 مسوولیت شرعی دارد از خداوند تعالی توفیق همگن را در خدمت به اسلام و کشور اسلامی

خوبتر است ۸ تیر ۱۳۶۲ / ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۰۳
 حاج آقا محمد تقی

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام طاهری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید حسن طاهری دامت افاضاته

پیرو سفری که برای جنابعالی پیش آمد، جناب حجت الاسلام آقای فاکر ایده الله تعالی برای رسیدگی به وضع سپاه پاسداران منصوب شدند. ضمن تشکر از جناب آقای فاکر در تحمل زحمات در غیاب شما، جنابعالی را به سمت سابق منصوب می نمایم که با کمال دقت و ظرافت به آنچه که در اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای نماینده اینجانب آمده است عمل نمائید. امید است با یاری و صمیمیت جناب حجت الاسلام آقای فاکر و جناب حجت الاسلام آقای محلاتی و جناب آقای وزیر محترم سپاه و جناب آقای محسن رضائی که مورد علاقه و تأیید اینجانب است، هر چه بهتر به وضع سپاه رسیدگی نمائید. لازم است جناب آقای وزیر سپاه و فرمانده محترم سپاه و دیگر فرماندهان و کسانی که در سپاه سمتی دارند، جناب آقای طاهری نماینده اینجانب را تأیید و در مسائلی که مربوط به ایشان است، از ایشان تبعیت کنند تا انشاءالله تعالی امور سپاه که بازوی توانای جمهوری اسلامی است، بر طبق مقررات شرعی و قانونی و مصالح عالی کشور و جمهوری اسلامی تمشیت یابد.

لازم به تذکر است که تبعیت از جناب آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه و از فرماندهان دیگر به حسب سلسله مراتب و مقررات سپاه در جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی - الهی است که تخلف از آن علاوه بر تعقیب قانونی، مسوولیت شرعی دارد.

از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به اسلام و کشور اسلامی خواستار است.

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 11/4/62

فرمان امام خمینی به آیت الله محمدی گیلانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد محمدی گیلانی دامت افاضاته

طبق اصل 91 (نود و یک) قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورائی تشکیل می شود و انتخاب اعضای فقهای آن شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده اینجانب می باشد ، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم . از خدای تعالی موفقیت هر چه بیشتر شما را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 27

تاریخ : 11/4/62

فرمان امام خمینی به آیت الله مؤمن

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد مؤمن دامت افاضاته

طبق اصل 91 (نود و یک) قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورائی تشکیل می شود و انتخاب اعضای فقهای آن شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده اینجانب می باشد ، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم . از خدای تعالی موفقیت هر چه بیشتر شما را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 28

فرمان امام خمینی به آیت الله امامی کاشانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد امامی کاشانی دامت افاضاته

طبق اصل 91 (نود و یک) قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورائی تشکیل می شود و انتخاب اعضای فقهای شورا بر طبق شرایط تعیین شده به عهده اینجانب می باشد ، بدین وسیله جنابعالی را به عنوان یکی از شش فقیه ، به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم . از خدای تعالی موفقیت هر چه بیشتر شما را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 29

بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت، شورای نگهبان، شورایعالی قضائی، جامعه روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری (به مناسبت عید سعید فطر)

انسان عاجز از تمجید و تحمید خداست لکن ملزم به این امر است

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این عید سعید را به همه آقایانی که حاضر هستند و به همه ملت های مظلوم جهان تبریک عرض می کنم . من بعید نمی دانم که بعد از ماه مبارک که مسلمین به ضیافت الله دعوت شده اند و دوره ضیافت را گذراندند، عید برای همین مساله باشد، برای ضیافت الله باشد .

از سید ابن طاووس رضوان الله علیه نقل شده است که ایشان روز بلوغشان که اجازه یافتند به محضر خدای تبارک و تعالی عبادت کنند، جشن گرفتند . و ما اگر نبود امر خدای تبارک و تعالی نمی دانم که چگونه به خودمان جرات می دادیم که مدح کنیم خدا را، ستایش کنیم .

شما ملاحظه فرمائید که نماز که در راس همه عبادات واقع است، وضع نماز چگونه است، با تکبیر شروع می شود و بعد هم با سه دفعه تکبیر به آخر می رسد و محتوای نماز هم تکبیر است و تسبیح است و تحمید . این برای این است که شاید به ما بفهماند، به همه بشر بفهماند که در همان اولی که می خواهید در بزرگترین عبادات خدا واقع بشوید، وارد بشوید، توجه کنید که خدای تبارک و تعالی، اکبر از این است که شما عبادتش بکنید . در هر بندی از بندها یا تسبیح شده یا تکبیر . تسبیح برای این است که خدا منزّه تر است از اینکه شما او را عبادت کنید، در عین حالی که تحمید می کنید و اجازه تحمید داده است معذک تسبیح می کند او را و تکبیر می کند او را . وارد نماز می شوید تکبیر می گوئید، وارد حمد می شوید، حمد را مختص به خدا می دانید و ادراک این مطلب و ذوق این مطلب که حمد مختص به خداست، گمان نکنم برای کسی جز اینکه خدا مقرر فرموده است، واضح شده باشد که اصل تحمید برای غیر خدا واقع نمی شود . حتی شما که از یک گل تعریف می کنید، از یک سیب تمجید می کنید، این تمجید خداست . سیب خودش چیزی نیست و شما که از یک انسان کامل تعریف می کنید این حمد خداست .

انسان چیزی نیست حتی انبیا . غایت کمال انسان ها بر این بوده است که بفهمند عاجزند، ادراک کنند که عاجزند که عبادت خدا بکنند . آن که در راس سلسله انبیا و اولیا بوده است اقرار

می کند که ما نشناختیم تو را (و صحیح هم هست) و عبادت هم نکردیم (آن هم صحیح است) برای اینکه عبادت فرع معرفت است این معرفت به حد انسانی است، آنقدری که حد انسانیت است اینها معرفت دارند و بزرگترین شان هم پیغمبر اکرم است. اما معرفت الله زاید بر این مقدار است که حد انسانی باشد، او خودش فقط می تواند بفهمد، بشناسد خود را و خود تحمید کند خود را. و اگر اجازه نبود که انسان وارد بشود بر عبادات، همه عبادات، انسان خجالت می کشید که بایستد در مقابل خدا و بخواهد در مقابل خدا او را تمجید کند. انسان کوچکتر از این است که بایستد در مقابل خدا و خدا را تحمید کند، تمجید کند. این ادعاست. تحمید و تمجید، ادعای این است که من شناختم و انسان عاجز است از اینکه بشناسد، لکن چاره نیست چون خود گفته است، خود او امر فرموده است و چون او امر فرموده است، همه باید اطاعت کنند ولو اینکه قاصر هستند از اینکه تحمید کنند خدا را، تنزیه کنند خدا را. هر جا تکبیر آمده، دنبالش تنزیه هم در نماز اینطور است، سبحان الله می گوید بعد الله اکبر. اول تنزیه می کند خدا را بعد تحمید می کند بعد تکبیر می کند که حمد خدا در بین یک تنزیه و یک تکبیر واقع می شود. می خواهید رکوع بروید تکبیر می کنید، تکبیر می گوئید. از رکوع بر می خیزید تکبیر می گوئید، در رکوع تنزیه می کنید. وقتی وارد به سجود می خواهید بشوید باز تکبیر می گوئید، در سجود تنزیه می کنید، بعد از سجود تکبیر می گوئید، باز تکبیر می گوئید و وارد سجود می شوید و تنزیه می کنید همه اش برای این است که بفهماند که مساله بالاتر از این مسائل است. منزله است از اینکه تو تکبیر کنی، تکبیر می گوئید، تنزیه می کند او را از اینکه تکبیر بگوئید برایش. تنزیه می کنید، تکبیر می کند او را که تنزیه اش کنید. نماز وضعش اینطوری است و عبادات دیگر و اگر نبود امر خدا و لزوم اطاعت از امر خدا، باید بگویم انسان آن که حظ ضعیفی از معرفت دارد جرات به اینکه بایستد و عبادت کند خدا را نداشت. لکن او جرات داده است، همانطوری که منتزل کرده است همه معارف را تا رسانده است به اینجا. قرآن را نازلش کرده، پشت ستاره هائی، استاری پشت سر هم هی وارد کرده، نازل کرده، نازل کرده تا رسانده اش به یک الفاظی که موافق با فهم بشر باشد و آن هم این الفاظ باز موافق با فهم بشر نیست. همان اولی که شروع می کند قرآن به فاتحه الکتاب، همان اول که حمد را مختصر به او می کند، همان اول به انسان می فهماند که عاجزی از اینکه بفهمی همه محامد مال اوست. کسی لایق حمد نیست، کسی تحمید نمی شود. اصلش بعضی عقیده دارند که (وقضی ربک الا تعبدوا الا اياه) قضای تکوینی است، قضای خداست بر اینکه غیر خدا عبادت نشود. گمان می کنند بت را سجده می کنند، گمان می کنند انسان را مدح می کنند، گمان می کنند که خورشید را مدح می کنند. همه مدح ها از اوست، تمام مدح او می کنند و خود نمی فهمند. و گرفتاری های انسان در آن عالم هم برای همین نفهمی است، برای همین ستاری است که بین انسان و حقایق هست و اگر انسان یک قدری نظر کند ولو به همین عالم مادی، به همین دستگاهی که در عالم ماده هست، تا آن اندازه ای که انسان دستش به آن رسیده است و آنقدری که دست نرسیده است، میلیاردها اندازه هست که دستش به او نرسیده.

لسان قرآن را ببینید که (زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب) بعکس هیأت بطلمیوس، سما دنیا،

یعنی همین کهکشانی هم که شما می دانید ، همه اینها آسمان پائین است ، سما دنیا است . آن پائین ترها ، آسمان ها و این کهکشان ها آنقدری است که پیدا شده است یعنی زینت شده است . آنها دارای میلیون ها شمس و بالاتر است و فوق اینها میلیاردها کهکشان ، میلیاردها چیز و ماوراً آنها هم خدا می داند . این عالم ماده است که تاکنون بشر دستش به آن نرسیده نه در طرف اوجش ، نه در طرف حضيضش ، راجع به ذرات ، آن مقدار کمی که دستش رسیده این است که با این آلات می تواند ذرات کوچک را ببیند . اما آن کوچکترها را دیگر باز نفهمیده است و انسان چقدر ضعیف است که خیال می کند در این دنیا که هست و در این شهر که هست و در این کشور که هست حالا باید خودنمائی کند . چقدر انسان باید جاهل باشد که این چیزها را مقام بداند و چقدر ضعیف النفس باشد که این حکومت را ، حکومت ها را یک مقام بداند و این مقامات ، چه مقامات روحانی ، چه مقامات غیر روحانی ، آنهایی که دارای مقام ها بودند ، آنها وقتی که ما ادعیه شان را ملاحظه می کنیم می بینیم که بیشتر از ما عجز دارند ، برای اینکه آنها فهمیده اند . شما وقتی دعای کمیل را بخوانید ، مناجات شعبانیه را بخوانید و ادعیه دیگری که وارد شده است از معصومین علیهم السلام مطالعه کنید ، می بینید که لسان آنها غیر لسان معمولی ماهاست که اگر چنانچه یک مساله فقهی را بدانیم خیال می کنیم کاری شده است ، اگر یک کشوری را در تحت سلطه بیاوریم خیال کنیم یک مطلبی شده است ، اگر یک مقام معنوی را به دست بیاوریم خیال کنیم به مقامی رسیده ایم . آنهایی که به آن مقام هایی که دست دیگران از آن کوتاه است رسیده اند ، وقتی انسان گفتارشان را ملاحظه می کند می بیند که از سر تا ته اش عجز می ریزد ، عاجزند و باید هم باشند . نرسیده اند و هرگز نخواهند رسید لکن ملزم اینکه دعا بکنیم ، امر کرده است دعا بکنیم ، امر کرده است تحمید بکنیم ، امر کرده است تسبیح بکنید ، امر کرده است نماز بخوانید .

انبیا برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را شکوفا کنند و ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند

انبیا هم که مبعوث شدند ، برای این مبعوث شدند که معنویات مردم را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن مردم را ، ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند . از اول انبیا این دو شغل را داشته اند ، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند ، از اسارت خودش خارج کنند (که شیطان بزرگ است) و مردم و ضعفا را از گیر ستمگران نجات بدهند . این دو شغل ، شغل انبیاست . وقتی انسان حضرت موسی را ، حضرت ابراهیم را ملاحظه می کند و چیزهایی که از اینها در قرآن نقل شده است ، می بیند که اینها همین دو سمت را داشتند ، یکی دعوت مردم به توحید و یکی نجات بیچاره ها از تحت ستم . اگر در تعلیمات حضرت عیسی سلام الله علیه در این امر کم است حضرت عیسی کم عمر کرد و کم تماس پیدا کرد با مردم ، والا شیوه او هم همان شیوه حضرت موسی است و همه انبیا . و بالاترین آنها که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است این دو شیوه را به عیان در قرآن و سنت در عمل خود رسول الله می بینیم . قرآن دعوت به

معنویات الی حدی که بشر می تواند به او برسد و فوق او و بعد هم اقامه عدل . پیغمبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند ، آنها هم این دورویه را داشتند . خود پیغمبر هم عملش اینطور بود ، تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود ، معنویات را تقویت می کرد . به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد علاوه بر معنویات اقامه عدل کرد ، حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آنقدر که اقتضا داشت وقت ، نجات داد . و این سیره مستمره انبیا باید کسانی که خودشان را تابع انبیا می دانند این سیره مستمره باقی باشد . هم جهات معنوی که اشخاصی که با معنویات آشنا هستند ، آنها باید تقویت بکنند و همه مردم را ، خود مردم هم همین طور ، جهات معنویات را تقویت بکنند و هم آن مساله دوم که اقامه عدل است . حکومت اسلام باید اقامه عدل بکند در عین حالی که معنویات را تصحیح می کند و ترویج می کند . و ما اگر تابع اسلام هستیم و تابع انبیا هستیم این سیره مستمره انبیا بوده است و اگر تا ابد هم فرض کنید انبیا بیایند باز همین است ، باز جهات معنوی بشر تا آن اندازه ای که بشر لایق است ، ادامه اقامه عدل در بین بشر و کوتاه کردن دست ستمکاران . و ما باید این دو امر را تقویت کنیم .

همه مردم باید دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند

ما باید دولت اسلامی را ، همه مردم ، همه انسان ها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد ، یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد . روی رویه اسلام به همان دو معنا ، به همان دو راهی که اسلام دارد ، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بین شان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان حالا این فرق نمی کند چه مظلومانی باشند که از دولت ها ظلم می کشند یا مظلومانی باشند که از ارباب ها ظلم می کشند . اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم مقررات اسلامی را به حد اعلای خودش که اگر مقررات اسلامی به حد اعلای خودش حفظ بشود ، این دو مقصد که مقصد همه انبیا است تحقق پیدا می کند ، مقصد روحانیت مردم و مقصد اقامه عدل در بین جامعه . و باید از آن کسی که در راس واقع هست تا آن اشخاصی که قوای ثلاثه را تشکیل می دهند و چه آن اشخاصی که در خارج از اینها هستند لکن تعهد به اسلام دارند ، باید اینها همه با هم این بار را بردارند ، اختلاف بین شان نباید باشد . مقصد واحد است و همه باید در این مقصد واحد شرکت کنند . ملت باید در این مقصد شرکت کند ، دولت باید در این مقصد شرکت کند ، مجلس و قوه قضائیه در این مقصد باید همه شرکت کنند ، علمای بلاد هر جا هستند در این مقصد باید شرکت کنند .

باطن ذات انسان تهذیب شده که عدل را برای عدل بخواهد ، نه برای خود

مقصد این است که اسلام جریان پیدا بکند ، مقصد این نیست که من اجرایش کنم . از چیزهایی که انسان مبتلاً به آن هست این شیطنت های باطنی ای که انسان به آن مبتلا هست این است که دلش

می خواهد خودش متصدی امر باشد . جریان امر اگر به دست دیگری بهتر واقع بشود . این ناراحت است می گوید من خوب است باشم . این از شیطنت های باطنی انسان است . انسان به صورت مقدس مابی طرحش می کند ، من می خواهم به این ثواب برسم . اگر حساب کند پیش خودش که همان ثواب را ، بالاترش را به شما می دهند و شما کمک کنید به این کسی که متصدی است و از شما بهتر می تواند ، راضی نمی شود . مساله این نیست که ثواب می خواهم ، مساله این است که دنیا می خواهم . اختلاف اگر بین افراد پیدا می شود ، جستجو کنند در باطن ذات خودشان ببینند که مساله ، مساله مصلحت اسلام و مصلحت مسلمین است یا مساله ، مساله مصلحت خودش هست ؟ پای نفس در کار است یا خدا در کار است ؟ اگر یک کسی یک مطلبی را بهتر از من می تواند انجام بدهد آیا من خوشحالم به اینکه او متصدی امر بشود یا من ناراحتم ؟ اگر یک وزیر بتواند بهتر کار وزیر دیگری را انجام بدهد و کمک کند به او آیا نفس او اجازه به او می دهد ؟ اگر برای خداست اجازه باید بدهد . اگر برای خداست نباید بین قشرهای مختلف اختلافی واقع بشود و بحمدالله نیست اختلاف ، انشأالله . ما باید بد واحد باشیم ، همان که تعبیر اسلام است ، بد واحد باشیم علی من سوی . بد واحد دو تا هم نه ، یک دست ، یک کار بکنیم ، باز اگر دو دست گفته بود ، این دست ، گاهی یک کاری موافق بود نمی کند . ما باید بد واحد باشیم ، بد واحد این است که سرکوب کنید نفس خودتان را ، سرکوب کنید آمالی که خیال می کنید یک چیزی است . حساب کنید که ما چی هستیم و این منظومه شمسی چی هست و این کهکشان ها چی هستند در مقابل عظمت خدا تا بفهمید که ما درگیر یک شیطنت کثیف هستیم ، نه یک شیطنتی که باز یک چیزی هست . ما گرفتار شیطنت هایی در خودمان هستیم که کثافتکاری است و پستی است ، و خودتان را نجات بدهید و خودمان را نجات بدهیم . اگر از این بند نجات پیدا بکنید ، آن بعدش آسان می شود ، وحدت آسان می شود ، اما از این بند نجات پیدا بکنیم ، از این بند خودخواهی ، هر چه هست برای خودم . خود محوری ، من ، نه غیر . این در همه نفوس هست مگر اینکه تهذیب بشود ، همه نفوس در آنها این مساله هست که برای اینکه فطرت الله هست ، فطرت الله توجه به کمال مطلق است و کمال مطلق را تا ناقص است برای خودش می خواهد . قدرت را برای خودش می خواهد چون ناقص است لکن دنبال قدرت الله است و نمی داند فطرتش توجه به خدا دارد . فطرت توحید است که تمام مردم بر این فطرت هستند ، بر این فطرت توحید تمام مردم . و شاید یکی از بزرگترین ادله بر توحید همین فطرت باشد . انسان محال است که برسد به یک جایی از قدرت و بالایش را نخواهد ، همیشه دنبال آنی است که ندارد .

سرمایه دار هر چه زیادتر سرمایه تهیه کند دنبال این است که اضافه کند و حکومت هر چه سعه داشته باشد حکومتش دنبال این است که توسعه بدهد . و شما می بینید که این قدرت های بزرگ همین طور هستند ، همه اینطورند . منتها آنها یک دامنه وسیعی دارد ، دیگران یک دامنه کوچکتری دارد . والا در همه این فطرت هست که تمام این عالم را اگر تحت سلطه شما بیاورند یعنی تمام قوای عالم خاضع شما بشوند و بعد به شما گفته بشود که یک قوای دیگر هم در ماورای اینجا هست آیا می خواهی

آن هم داشته باشی؟ محال است بگویند نه، می گویند بله. مگر آن که رسیده باشد به معدن کمال، حجاب ها را دریده باشد و رسیده باشد به معدن کمال و او بسیار کم است. باید ما کوشش کنیم که این معنویت را تقویت کنیم و این نفسانیت را هر چه می توانیم سرکوب کنیم. اگر این حل بشود همه چیز حل است. اختلافات روی همین معنا است. هیچ اختلافی در عالم واقع نمی شود الا اینکه مبنایش این است. شیطان هم روز اول گفت (خلقتی من نار و خلقته من طین) من از او بهترم، تخلف خدا را کرد گفت، حاصل، به خدا گفت من بهترم - چرا من - و این ارث شیطانی، ارث است برای همه ما. همه آن چیزی را که در خود می بینند، آن را بالاتر از دیگران می بینند. اگر همان مطلب در دیگری باشد کوچک می بینند وقتی در خودشان هست بزرگ می بینند، عیب خودشان را نادیده می گیرند، عیب کوچک دیگران را بزرگ می شمارند. اینها همان فطرتی است، فطرت الهی است که ما به راه کج کشیده ایم او را (کل مولود یولد علی الفطرة) مگر اینکه (الا ان ابواه)، شاید هم (ابویه) باشد لکن حدیث اینطوری است (یهودانه او ینصرانه او یمجسانه) و همین طور همه چیز، فطرت بر توحید است، لکن وقتی که دست شیطان به انسان می رسد منحرفش می کند.

اگر این حکومت اسلامی دست مثلا یک دسته دیگری بود می گفتند خیلی خوب است، حالا که نیست دست آنها می گویند خیلی بد است. اگر این قوه قضائی که اینقدر خدمت کرده است، دست یک دسته دیگری بود می گفتند خیلی ما خدمت کردیم، حالا که دست آنها نیست می گویند این قوه قضائی نیست، این ظلم است، نه عدل. این برای همان است که باطن ذات انسان تهذیب نشده که عدل را برای عدل بخواهد، نه برای خود. و ما اگر عدل هم بخواهیم، برای خودمان می خواهیم خودمان را نباید بازی بدهیم. ما هر چی می خواهیم برای خودمان می خواهیم. ما عدل را برای عدلش دوست نداریم، اگر این عدل برای ما جاری بشود و خلاف ما باشد دشمن با آن عدل هستیم. اگر یک ظلمی به نفع ما باشد دوست آن ظلم هستیم. همه اینها ریشه در خود انسان است، اگر این ریشه کنده بشود و لااقل تضعیف بشود، کارها حل می شود، همه با هم دوست می شوند، ایراد به هم نمی گیرند، کمک هم می کنند. اگر یک کسی قیام به یک امری کرد، دیگران زیر بغلش را می گیرند، وقتی می بینند می خواهد یک کاری بکند. اگر یک ارگانی یک تصمیم مثبتی بگیرد، دیگران که می بینند این خوب است می روند دنبالش. و اگر آن ریشه فاسد در قلب انسان باشد صد در صد هم عدل بداند می گوید این درست نیست. آن ریشه فاسد منحرف می کند انسان را.

آن که خیر همه را می خواهد اسلام است

ملت ایران باید توجه کند به اینکه واقع شده است در یک عصری که انحراف در همه عالم هست. انحراف همیشه هم بوده است لکن اینطوری که الان انحراف افزایش پیدا کرده است، در سایر عصرها به این افزایش نبوده، برای اینکه آلات اینقدر نبوده، ابزار کار اینقدر نبوده. الان ابزار کار به اندازه ای رسیده است که قدرت ها می توانند اگر از ترس دیگری نباشد دنیا را به آتش بزنند و این آتشی است که

افروخته شده است و باید به برکت ملت ها این آتش فرو بنشیند . باید توجه بکنند به اینکه قدرت های بزرگ آنها را برای خودشان می خواهند . قدرت های بزرگ این کسانی که همه چیزشان را تقدیم به آنها می کنند به نظر سنگ استتجاً نگاه می کنند که بعد که مطلب تمام شد دورش می اندازند . اینها نمی فهمند به اینکه خیر آنها را آنها نمی خواهند ، آنها خیر خودشان می خواهند . آن که خیر همه را می خواهد اسلام است . آن که می خواهد خیر در دنیا تحقق پیدا کند آن اسلام است و آن مکتب صحیح انبیا ، مکتبی که منحرف نشده باشد . از این جهت بازی می خورند یا برای هوای نفسی که دارند ، برای این چند روزی که می خواهند سلطنت کنند ، این چند روزی که می خواهند امارت کنند ، برای این چند روز همه چیز خودشان را از دست می دهند . نوکری بی شرافت یک کسی می کنند تا به ملت های خودشان تحمیل کنند و زورگویی کنند و این اشتباهی است که اینها دارند . اگر همه اینها به آغوش اسلام برگردند ، اسلام برای همه شان خوب است . و اسلام ، هم تربیت باطنی می کند و هم حفظ مصالح دنیوی را می کند . اگر اینها همه با ملت هایشان آشتی کنند ، این دشمنی ای که اینها با ملت ها دارند هیچ کس با کسی ندارد . بالاتر دشمنی این است که ذخایر آنها را به دشمن های آنها می دهند و ابزار کوبنده مخرب را با نفت آنها به اختیار دشمن ها قرار می دهند . این بالاترین دشمنی است که الان بشر مبتلا به آن هست و ملت های مظلوم مبتلای به این هستند و تا ملت ها بیدار نشوند و هشیار نشوند کار انجام نمی گیرد .

برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست

لکن ما باید از خودمان شروع کنیم ، اگر ما خودمان را اصلاح کنیم قهرا آن مقصدی که ما داریم ، در دنیا هم صدور پیدا می کند ، چنانچه پیدا کرده است . اگر خدای نخواست ما هواهای نفسانی مان اسباب این بشود که گله ها به شکایت ها ، شکایت ها به مخالفت ها برسد ، آن روزی است که عزای همه کشور را باید بگیریم و گناهایش گردن ماست که نفسانیت خودمان را زیر پا نگذاشتیم . همه با هم باشید ، همه دنیا بر خلاف شما هستند الا بسیار کم . اگر همه شما با هم نباشید و از باطن پیوسید ، شک نکنید که بعد از چندی همان مسائل سابق به یک صورت بدتری پیش خواهد آمد . همان اسلام شاهنشاهی دوباره بر می گردد . آنها می دانند که باید بگویند اسلام ، امریکا هم برای اسلام دلش می سوزد ، اما اسلام امریکایی در زمان شاه هم بود ، اسلام امریکایی بود ، کسی حق نداشت دخالت در هیچ امری بکند . اسلام امریکایی این بود که ملاها باید بروند درسشان را بخوانند چکار دارند به سیاست . با صراحت لهجه می گفتند . از بس تزریق شده بود در این مغزها باورشان آمده بود که باید برویم توی مدرسه درس بخوانیم چکار داریم به اینکه به ملت چه می گذرد . آن امر مردم ، امر حکومت با قیصر است به ما چه ربطی دارد . و یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید . حضرت صاحب مگر برای چی می آید ؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد ، ما معصیت کنیم که او بیاید ؟ این اعوجاجات را بردارید ، این دسته بندی ها را برای خاطر خدا

اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید ، این دسته بندی ها را بردارید و در این موجی که الان این ملت را به پیش دارد می برد ، در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست .

بحمدالله کشور ایران در عین حالی که آنهمه مواجهه با مخالفت است ، چه در سطح خارج و چه گاهی در داخل ، دارد راه خودش را قویا طی می کند . دولت با تمام قدرت دارد کاری که برای خداست طی می کند . قوه قضایی با تمام قدرت دارد دستگاه قضایی را اصلاح می کند . مجلس با تمام قدرت دارد کارهایی که به عهده اوست انجام می دهد . ملت هم باید همه اینها را تقویت کند .

کمک کنید به این کشور و به این اسلامی که پای مبارکش را در کشور شما گذاشت

پشتیبان مجلس ، پشتیبان قوه قضائی ، پشتیبان دولت یعنی پشتیبان اسلام ، اینها برای اسلام دارند خدمت می کنند . در زمان حضرت امیر سلام الله علیه هم انحرافات بوده است ، انحرافات جزئی بوده است . زمان خود پیغمبر اکرم هم انحرافات بوده است ، شما اگر قرآن را توجه بکنید می بینید که چقدر از همان مردم شکایت شده است . اختلافات ، یعنی انحرافات یک چیزی نیست که مال حالا باشد لکن مقایسه باید کرد بین انحرافات قبل از این جمهوری اسلامی و انحرافات حالا . می گویند خوب است که به اسم اسلام نباشد . به اسم اسلام نباشد که وقتی اسلام نباشد با یک اردنگی همه را بیرون می کنند . چرا به اسم اسلام نباشد ؟ مگر اسلام جز این می خواهد که قوه قضایی اش خوب باشد ، قوانین اسلامی اش هم عمل بشود . اینها دارند زحمت می کشند برای این . حالا یک جایی هم خلاف واقع می شود کجاست که ، زمان پیغمبر مگر واقع نمی شد ؟ زمان حضرت امیر واقع نمی شد ؟ مگر مردم با حضرت امام حسن چه کردند ؟ همان اصحاب چه کردند با او ؟ ملت ایران بهترند یا آنها ؟ اسلام در حالا بهتر است یا آنوقتی که آنها با اسم اسلام پیغمبر را آنطور اذیت می کردند و اولاد پیغمبر را آنطور کشتند با اسم اسلام ؟ چرا باید عقده های قلبی انسان را منحرف کند و هواهای نفسانی همه چیز را کنار بگذارد و فقط عیوب را نگاه کند ؟ آن هم یک عیب را که ببیند بگوید اصلا عالم به هم خورد ، تمام شد اسلام تمام شد . اگر یک قاضی یک جایی انحراف پیدا کرد بگویند نخیر دیگر اصل اسلام تمام شد ، این اسلام به درد نمی خورد . آن اسلامی به درد می خورد که سرتاسر خیابان هایش فحشا بود ، فحشای علنی ؟ ! به او راضی هستند ، به این راضی نیستند . اگر مهلت داده بود خدا به اینها ، خدا می داند که با اسلام می خواستند چه بکنند . اسم اسلام ، اما اسلام را چه جوری معرفی کنند . اسلامی که با مشروبات مخالف نیست ، اسلامی که با حدود شرعیه هم سر و کار ندارد ، نباید جاری بشود ، اسلامی که با مراکز فحشا هم نباید دخالت بکند ، اسلام شاهنشاهی این بود دیگر . اسلام بود اما مراکز فحشا سرتاسر ایران پر بود ، اسلام بود اما مراکز فساد سرتاسر ایران پر بود ، اسلام بود اما فحش به اسلام می دادند ، فحش به پیغمبر اسلام دادند و کسی آنوقت نگفت چرا ، زمان رضاشاه ملعون و این زمان بدتر از او شده بود . اینها شیطان تر بودند از او و اگر چنانچه مهلت پیدا کرده بودند اینها ، خدا می داند که این ملت را به کجا

می رساندند و این جوان های ما را به کجا می رساندند .

امروز بحمدالله همه چیز صحیح است . دولت دارد زحمت می کشد ، کمبود هست اما کمبودی که اینجا هست همه جای دنیا هست . با اینهمه فشاری که به این ملت هست و به این دولت هست و با اینهمه کارشکنی هایی که از همه جا نسبت به ایران هست معذک ایران سر پای خودش ایستاده است و دارد با قدرت پیش می برد و مسائل را حل می کند و ملت بدانند که باید صبر بکنند در مسائل مشکل و کمک کنند . بخواهید عزیز باشید ، بخواهید زیردست نباشید ، بخواهید یک امریکایی نیاید به شما حکومت کند و بخواهید عزت خودتان را و اسلام را حفظ کنید ، باید یک مقدار از آن زحمت هایی که پیغمبر اسلام تحمل کرد شما هم تحمل کنید . یک مقدار از آن زحمت هایی که علی بن ابیطالب سلام الله علیه تحمل کرد شما هم تحمل کنید . شما هم شیعه او و امت او هستید . کمک کنید به این دولت و کمک کنید به این کشور و به این اسلامی که در کشور شما پای مبارکش را گذاشت .

خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و همه ما به خواست های خدای تبارک و تعالی خاضع باشیم و عمل به دستوراتشان بکنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 38

بسم رب رفیع الرحمن

فبا حجة پرستم حاج شیخ حسن صائمی دست وفدا

جناب عالی را بر پرتربنیاد پانزده خرداد منسوب بنام این بنیاد فرموده است

بوضع مستغنی و محمدین رسیدگی نماید برپیت خازان شهدا محترم

و معلومین غیر مورد توجه بشیر آن بنیاد قرار گیرد برپیت با حقیقت

و عبادت که بان جناب دارم برادران بنیاد را بهترین وجه اداره

بنامیه ۲۲ تیر ۱۳۶۵ / سوم سوال ۱۴۰۲

رفیع برپیت مستغنی

تاریخ : 22/4/62

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام حسن صانعی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی دامت افاضاته

جنابعالی را به سرپرستی بنیاد 15 خرداد منصوب می نمایم . این بنیاد موظف است به وضع مستضعفین و محرومین رسیدگی نماید . بدیهی است خانواده شهدای محترم و معلولین عزیز مورد توجه بیشتر آن بنیاد قرار گیرد . امید است با اطمینان و اعتمادی که به آنجناب دارم ، امور آن بنیاد را به بهترین وجه اداره بنمایید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 40

پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأیید خداوند متعال جل و علی و پشتیبانی حضرت ولی الله اعظم بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفدا، بر حسب اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس مبارک خبرگان که به وسیله آراء ملت عظیم الشان ایران، شماری از علمای اعلام و حجج اسلام ادام الله بقائهم برای تعیین رهبر یا شورای رهبری انتخاب شده اند مفتوح گردید، مجلسی که برای ادامه نظام جمهوری اسلامی و شرعیت بخشیدن به آن، نقش اساسی دارد. مجلسی که علاقه مندان به اسلام و جمهوری اسلامی دل بدان بسته و مخالفان و دشمنان آن چشم به آن دوخته اند. آنان دل بسته اند که منتخبین آنها که از علماً متعهد و آگاه به مصالح و مفاسدند، با رای مبارک خود شایسته ترین و آگاه ترین و متعهدترین فقیه یا فقهار را برای این مقام که صیانت نظام جمهوری اسلامی و هدایت آن به طور شایسته و موافق با شریعت مطهره بستگی به آن دارد، با اعتقاد به حضور خداوند متعال و نظارت او جل و علی بر آراء و اعمال و احوال آنان تعیین نمایند و رضای او را بر رضای خود و دیگران مقدم دارند. و اینان چشم طمع دوخته اند که شاید به وسیله ایادی خود بتوانند لغزشی خدای نخواستہ ایجاد کنند که در آتیه ای ولو دراز مدت نظام اسلامی را به انحراف کشانند. ما می دانیم که ابرقدرت ها و حکومت های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و ملکی مخالف نیستند، بلکه بی شک آن را تأیید نیز می کنند. اسلامی که به وسیله ایادی ابلیسی خود و جهال به صورت عالم، عرضه شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث مجاری الامور بید العلماً بالله را ضعیف و سخن شریف و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا و دیگر احادیث از این قبیل را بی مبنا یا به تاویل کشانند، صد در صد مورد تأیید آنان است. چه بهتر که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببندند و راه را برای چپاول و سلطه قدرت ها باز کنند. آنان از اسلامی که مؤید آنهاست چه باک دارند؟ از اسلام علی ابن ابیطالب علیه صلوات الله و سلامه می ترسند. اگر آن شهید دلباخته اسلام و اسلام شناس حقیقی مثل اینان فکر می کرد و به گوشه عزلت به عبادت خدا مشغول می شد و راهی جز بین مسجد و منزل نمی پیمود، نه جنگ صفین و نهروان پیش می آمد و نه جنگ جمل و نه مسلمانان فوج فوج به قتل می رسیدند و شهید می شدند و

اگر سیدالشهدا علیه السلام مثل اینان فکر می کرد و در کنار قبر جدش به ذکر و دعا پرداخت ، فاجعه بزرگ کربلا پیش نمی آمد و دوستان ارحمند خداوند قطعه قطعه نمی شدند و آل الله به اسارت نمی رفتند و از آنها بالاتر اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مانند اینان فکر می کرد و به نصیحت و بیان احکام عبادات می پرداخت ، آنهمه رنج و مصیبت نمی دید و آنهمه مسلمانان به شهادت نمی رسیدند و در علمای معاصر اگر مرحوم آیت الله عظیم الشان آقا میرزا محمد تقی شیرازی با آن مقام بزرگ در علم و ورع و تقوا همانند اینان فکر می کرد در عراق جنگ بین مسلمانان و انگلیسی های متجاوز غاصب پیش نمی آمد و آنهمه مسلمانان شهید نمی شدند و استقلال عراق تأمین نمی شد . حکومت هایی که در عصر حاضر با دل و جان و اسم اسلام در خدمت ابرقدرت ها بویژه آمریکا هستند و عامل تأمین منافع آنان در جهان می باشند و آخوندهای درباری از خدا بی خبر که مؤید آنان و مخالف با رژیم اسلامی هستند و کوشش در هدم اسلام پرخاشگر بر ستمگران به سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علم کردن اسلام شاهنشاهی و ملوکی هستند که مسلمانان متعهد را به جرم شکایت از ظلم آمریکا و اسرائیل می خواهند از فریضه حج محروم کنند ، باید مورد تأیید شوروی و آمریکا و اسرائیل باشند .

و اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی ! مسؤولیتی را قبول فرمودید که در راس همه مسؤولیت هاست و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنجدیده و شهید داده و داغدیده گرو آن است . تاریخ و نسل های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد و اولیاً بزرگ خدا ناظر آرا و اعمال شما باشند و الله من ورائهم محیط و رقیب کوچکترین سهل انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواستہ تبعیت از هواهای نفسانی که ممکن است این عمل شریف الهی را به انحراف کشاند ، بزرگترین فاجعه تاریخ را بوجود خواهد آورد . اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نو پا به انحراف کشیده شود و سیلی بخورد و به شکست منتهی شود ، خدای نخواستہ اسلام برای قرن ها به طاق نسیان سپرده می شود و به جای آن ، اسلام شاهنشاهی و ملوکی جایگزین آن خواهد شد . شما برگزیدگان مستضعفان می دانید که با کوتاه شدن دست ابرقدرت های چپاولگر از کشور اسلامی شما ، آنان و وابستگان به آنها ماهیت اسلام و قدرت الهی آن را لمس نمودند و چون افعی زخم خورده در کمین نشسته اند که از هر راهی بتوانند خود یا به وسیله پیروان از خدا بی خبر خود این نظام الهی را از مسیر خود منحرف نمایند . و بالاترین انحراف که منجر به انحراف تمام ارگان ها می شود ، انحراف رهبری است که امروز شما نقش اول آن را دارید . شما دیدید و شنیدید که با اصل پنجم قانون اساسی چه مخالفت ها شد و چه جار و جنجال پیا کردند و بحمدالله تعالی موفق نشدند مأموریت خود را انجام دهند و اخیراً با همین تعیین خبرگان نیز مخالفت کردند و سمپاشی نمودند و بحمدالله با شکست مواجه شدند . و امروز هم شما نباید از کید ساحران و سوسه خناسان غافل باشید . راه خود را با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قوت ایمانی و روحی ادامه دهید و به هیچ چیز الا مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید و در این صورت خداوند تعالی پشت و پناه شماست

لازم است به رهبر محترم آیت‌ها یا شورای رهبری تذکری برادرانه و مخلصانه بدهم: رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای نخواستہ به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد. آن است که مولای ما علی ابن ابیطالب درباره آن گوشزد فرموده است. اساساً انبیا خدا صلوات الله و سلامه علیهم مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشان می‌دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستم‌دیده ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت‌پیشگان بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره صد در صد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواستہ بیار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله الله در انتخاب اصحاب خود، الله الله در تعجیل تصمیم‌گیری خصوصاً در امور مهمه. و باید بدانید و دانید که انسان از اشتباه و خطا مامون نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید، که آن کمال انسانی است و توجیه و پافشاری در امر خطا، نقص و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید.

اینجانب مطالبی را در سی صفحه به عنوان وصیت نوشته‌ام و یک نسخه آن را در مجلس مبارک خبرگان امانت می‌گذارم که پس از مرگ اینجانب منتشر خواهد شد.

از خداوند متعال عاجزانه مسئلت می‌نمایم که اسلام بزرگ را عظمت بیشتر و توفیق وحدت را برای حفظ کیان اسلام و کشورهای اسلامی نصیب ملت‌های اسلامی فرماید و جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر تقویت نماید و ما را مورد عنایت حضرت بقیه الله عجل الله فرجه الشریف و روحی لمقدمه الفدا قرار دهد.

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

مبادا یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوید که خروج شما موجب تزلزل عقیدتی مردم می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

من قبلاً عرض می کنم که من از اینکه اینجا نشسته ام و آقایان در آنجا هستند (نه شما آقایان، شما که تاج سرمان هستید، دیگران هم همین طور) من از این شرمنده هستم و امید عفو از محضر آقایان دارم و از آقایان تشکر می کنم که تشریف آوردند و از نزدیک ما خدمت شان می رسیم و بعضی مسائلی که مناسب با این جلسه است عرض می کنم. من به سهم خودم هیچ نگرانی ندارم راجع به انقلاب. انقلاب راه خودش را پیدا کرده و به پیش می رود و بستگی به وجود هیچ کس هم ندارد. این انقلاب انشاءالله محفوظ می ماند و آسیبی از خارج به او نخواهد رسید. لکن آن چیزی که انسان را یک قدری نگران می کند، دو تا مطلب است که این مربوط به عموم روحانیت است. یک مطلب اینکه من خوف این را دارم که در این انقلاب که باید روحانیت تقویت بشود و آنچه که شده است به هدایت آقایان بوده است، مبادا خدای نخواست به واسطه بعضی از اعمالی که از بعضی از این روحانیون و معممین صادر می شود، این موجب این بشود که یک وقتی یک سستی در روحانیت پیدا بشود. یکی قضیه اینکه از آن زی روحانیت و زی طلبگی بوده است، اگر ما خارج بشویم، اگر روحانیون از آن زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته اند و ائمه هدی سلام الله علیهم داشته اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت شکست به اسلام است. اسلام با استثنای روحانیت محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد. اینها ایند که اسلام را معرفی می کنند و به پیش می برند و از اول هم همین طور بوده. اگر چنانچه ما از زی متعارف روحانیت خارج بشویم و خدای نخواست توجه به مادیات بکنیم، در صورتی که خودمان را با اسم روحانی معرفی می کنیم، این منتهی ممکن است بشود به اینکه روحانیت شکست بخورد. من این نگرانی که همیشه هی در دلم هست این است که من خوف این را دارم که مردم به واسطه امثال من به بهشت بروند. آنها برای خدا توجه به آقایان دارند و ما هم و شما هم دعوت کنید مردم را به خیر و صلاح. من خوف این را دارم که آنها برای خاطر ما و شنیدن حرف ما به بهشت بروند و ما برای خاطر اینکه خودمان مهذب نبودیم به جهنم. و آن خوف زیادی که من دارم این است که ما روبرو بشویم با آنها، ما در جهنم باشیم، آنها در بهشت باشند و اشراف به ما

پیدا کنند و این خجالت را انسان کجا ببرد که اینها برای خاطر ما به آن مقامات رسیده اند و ما برای خاطر هواهای نفسانی به این درجه سفلی این یک خوفی است که بسیاری از اوقات من متذکرش هستم . و یک قصه ای را که برای من نقل کرده اند که یکی از تجار پیش یکی از علمای بزرگ (حالا- کی بوده است نمی دانم) رفته است و گفته است که آقا! اگر پشت کتابی یک چیزی نوشته اند به ما هم بگوئید ، کتاب ها معلوم ، اما اگر پشت کتابی یک چیزی نوشته اند که شما از آن مطلع هستید به ما هم بگوئید برای اینکه ما می بینیم که شما ما را دعوت می کنید به خیر و صلاح و خودتان نیستید اهلش ، معلوم می شود یک مطلب دیگری در کار است . آن آقا گریه کرده است از قراری که گفته اند و گفته است حاجی هیچ چیز دیگری نیست و ما فاسد هستیم . اینطور هم نیست که انسان خیال کند که شیطان می آید ابتدانا به آدم گوید که بیا برو طاغوتی بشو ، این را نمی گوید . قدم به قدم انسان را پیش برد ، و جب به و جب انسان را پیش می برد . امروز اینکه اشکالی ندارد ، اگر جلویش را گرفتید طمعش بردیده می شود و اگر جلویش را نگرفتید فردا یک قدم دیگر جلو می رود . یک وقت می بینید که این طلبه زاهد عابد که در مدرسه زندگی می کرد با آن وضعی که همه می دانید ، متحول شد به یک نفر انسانی طاغوتی به حدود خودش و از آن وضع طلبگی که مشایخ ما بر آن وضع بوده اند یک وقت خارج شده است و شده است یک انسانی که همه همش صرف دنیاست . به تدریج می شود این امور . از قدم اول انسان باید جلویش را بگیرد . اگر مبتلا شد ، ابتلا دیگر پشت سر هم می آید . اینطور نیست که انسان یک وقتی بعد از اینکه ریشه دنیا در دل انسان قوی شد بتواند بکند آن را . از مکاتر شیطان این است که انسان راهی توجه می دهد به اینکه خوب حالا که تو جوان هستی ، حالا که تو وقت نشاطت است ، خوب انشاءالله وقتی پیر شدی ، آنوقت جبران کنی کارها را . و این یک امری است که نخواهد شد . انسان اگر در جوانی تهذیب کرد خودش را ، شده است . اگر بگذارد تا به پیر مردی برسد ، هم قوای خودش ضعیف می شود و هم آن درختی که در دل انسان شیطانی کاشته است قوی می شود و آن درخت قوی را نمی شود با یک اراده ضعیف انسان بکند . این یکی از اموری است که من نگرانش هستم و آقایان هم باید نگران باشند . و در هر جا هستند سفارش کنند به اهل علم و آنها را تحذیر کنند از دنیا . و این خیال نکنید که دنیا عبارت از این طبیعت است ، این طبیعت را خدای تبارک و تعالی هیچ از آن تکذیب نکرده بلکه در روایات تعریف هم از آن شده است ، این یکی از مظاهر الهی است . دنیا آنی است که در ما هست که ما را از مبدأ کمال دور کند و به نفس و نفسانیت خودمان مبتلا می کند . دنیای مذموم همین است که انسان توجه داشته باشد ولو به یک تسبیح ، ولو به یک کتاب ، چه بسا که دل بستن یک کسی به یک تسبیح و یک کتابی ، به دنیا بیشتر توجه کرده باشد تا دل بستن یک کس دیگری به یک پارکی و باغی و کذا . انسان باید توجه بکند به اینکه رفتنی است و آنطور هم نیست که به پیشانی انسان نوشته شده باشد که تو سنت به چه حد می رسد . کم است که سن شان به حدود پیری برسد . بنابراین انسان باید متوجه این معنا باشد و خصوصا این طبقه ، این طبقه ای که می خواهند مردم را ارشاد کنند ، اینها باید اقوالشان با اعمالشان موافق باشد ، یعنی شمائی که مردم را تحذیر از دنیا می کنید ، اگر خدای نخواسته خودتان

توجه تان به دنیا باشد و حریص بر دنیا، مردم دیگر از شما باور نمی کنند، بلکه انحرافات در آنها پیدا شود. آن کلمه ای که آن حاجی گفته است که شاید در پشت کتاب یک چیز دیگری باشد، این تکان دهنده است. اگر خدای نخواست به واسطه اعمال روحانیون، در عقاید بعضی اشخاص ضعیف که هستند، سستی پیدا بشود، آنوقت این چه مصیبتی است که ما تحملش را باید بکنیم. این یک باب واسعی است که در حوزه ها باید اشخاص متقی و اشخاص آشنای به حقایق اسلام، طلبه ها را تربیت کنند و آقایانی هم که در بلاد هستند دوستان خودشان را، طلبه هائی که در آنجا هستند، جوان هائی که آنجا هستند، آنها را ارشاد کنند به اینکه مبدا خدای نخواست به یک وقت از این زی طلبگی خارج بشوند و خروج آنها موجب تزلزل عقیدتی در مورد مردم بشود. شمائی که برای هدایت مأمور شدید و خودتان را در سنخ اشخاصی که ارشاد می کنند مردم را، وارد کردید، مبدا خدای نخواست به واسطه اعمال (اعمال بعضی) عکس آن مطلبی که در ایده شماست تحقق پیدا بکند. این یک مطلب است که البته دانید که طولانی است و محتاج به این است که همه در آن توجه کنند.

اختلاف ریشه اش حب نفس است

مطلب دیگری که باز انسان را می ترساند که خدای نخواست مبدا این انقلاب به واسطه این مطلب صدمه ببیند و بدانید که می بیند اگر خدای نخواست بشود و او این است که بین آقایان در بلاد اختلاف باشد. اگر در صنف فرض کنید که کامیونداران و آنهایی که شغل های مختلف دارند، اگر اختلافی در بین آنها وارد بشود، به صنف دیگر سرایت نمی کند. کامیوندارها اگر با هم مختلف بشوند به بازار هیچ کاری ندارند، سرایت هم نمی کند، اما اگر در سنخ در صنف ما اختلاف پیدا بشود، این اختلاف به بازار هم کشیده می شود، به خیابان هم کشیده می شود، برای اینکه شما هادی مردم هستید، مردم توجه دارند. قهرا یک دسته دنبال شما، یک دسته دنبال آن کسی که با شما مخالف است و یک وقت می بینید که در همه ایران یک اختلافی از ناحیه ما پیدا شده است، مائی که همه دعوت می کنیم به اینکه مردم با هم باشند. اتحاد کلمه ملت را به اینجا رسانده است، خودمان اختلاف پیدا کنیم! و این را من به شما عرض کنم، ما و شما نباید خودمان را بازی بدهیم. اختلاف ریشه اش از حب نفس است. هرکس خیال می کند که من برای خدا این آقا را باهش اختلاف می کنم، یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند ببیند ریشه کجاست. حسن ظن به خودش نداشته باشد سوءظن داشته باشد. ریشه همان شیطانی است که آن حب نفس انسان است و این اختلاف اگر در بین خدای نخواست در بین آقایان پیدا بشود، در هر شهری که پیدا بشود قهرا این اختلاف به بازار می کشد، به خیابان می کشد و آن چیزی که این جمهوری را حفظ کرده وحدت و انسجام این جمعیت است. یعنی ملت همه با هم بودند که توانستند یک همچو معجزه ای را ایجاد کنند. اگر چنانچه به واسطه اختلاف ماها یک وقت اختلاف به بازار هم بکشد که خواهد کشید، به خیابان ها هم بکشد، به اصناف دیگری هم بکشد، این تمام ورزش به گردن ماست. اینکه شما خیال کنید که من نه برای خدا این آقا را

مثلا به او چه می‌کنم، این اشتباه است برای خدا نیست. انسان گول نفس اماره خودش را می‌خورد و گول شیطان را می‌خورد. گول می‌خورد به اینکه چیزهایی که در دیگران است هی به نظرش آید خیلی بد است، خیلی کار بدی دارد می‌شود، دارد اسلام از بین می‌رود، برای اینکه یک قاضی در فلان جا چه کرده. این برای اسلام نیست. نباید ما خودمان را گول بزیم. بنشینید آخر شب فکر کنید. محاسبه یکی از اموری است که در سیر انسانی باید باشد که در آخر شب فکر کند به اینکه (نمی‌گویم در من هست، من هم پایین تر از دیگران) حساب کند انسان به اینکه تو امروز که با این آقا اختلاف داری و حالا شدید دو دسته، یک دسته دنبال آن آقا، یک دسته دنبال آن آقا، ریشه اش چی است؟ برای خداست؟ این عیبی که شما در او می‌گویید، در خودتان نیست؟ این چیزی را که در دیگران بزرگ می‌شمارید و در خودتان هر چه می‌توانید کوچکش می‌کنید و پرده پوشی می‌کنید، این عمل شیطانی نیست؟ اگر از اختلاف ماها آن هم اختلافی که من شک ندارم در سر دنیاست، نه برای خدا، اگر این اختلافات موجب اختلاف بین مردم بشود و موجب این بشود که شکست بخورد جمهوری اسلامی و تا قرن‌ها نتواند سرش را بلند کند، این جرمی است که خدا می‌بخشد بر ما؟ باید توجه بکنیم ما. نباید ما هی به خودمان مغرور بشویم و حسن ظن به خودمان داشته باشیم که این مائیم که چه هستیم و دیگران نیستند. باید به دیگران ما حسن ظن داشته باشیم و اعمالشان را حمل به صحت بکنیم و نسبت به خودمان سوءظن داشته باشیم و اعمالمان را تفتیش بکنیم که برای چی است، چرا من اشکال می‌کنم. آنهایی که به جمهوری اسلامی اشکال می‌کنند باید بین خودشان و خدا بنشینند یک وقتی فکرش را بکنند که امروز آیا اسلام بیشتر در ایران ظهور دارد یا زمان طاغوت؟ امروز آیا مظاهر اسلامی بیشتر است یا در زمان طاغوت؟ اگر اشکال کردند و گفتند اصل جمهوری اسلامی کذاست، این ریشه اش یک ریشه شیطانی است که در قلب انسان هست، خودش هم نمی‌فهمد، خیال می‌کند برای خدا دارد جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کند، و این اشتباهی است که انسان دارد مگر اینکه انسان واقعا مراقب خودش باشد، محاسبه کند از خودش، مجاهده بکند تا بتواند تشخیص بدهد که من که دارم این حرف را می‌زنم خودم اگر چنانچه به جای آنها بودم، همه چیز را خوب می‌دانستم؟ پس ریشه ریشه نفسانی است. یک آقای محترمی که یک وقت پیش من در خیلی وقت پیش از این آمده بود، من دیدم تمام فرمایش آقا راجع به جمهوری اسلامی این است که به فتوای من گوش نمی‌دهند، به حکم من گوش نمی‌دهند. میزان حکم من است، نه میزان حکم خدا. و این یک مرضی است که در همه هست مگر اینکه خدا انسان را نگه دارد و خدا هم انسان را نگه نمی‌دارد، مگر اینکه خود انسان وسایلس را فراهم کند. نمی‌شود نشست که من را خدا مهذب کند. خدا وسایل تهذیب را در اختیار ما گذاشته است و تهذیب عملی است که ما باید انجام بدهیم. این محول به کسی نیست، به خود ماست، من از این دو جهت نگران هستم. یک جهتی که قبلا عرض کردم که زی طلبگی در بین ما ضعیف بشود یا از بین برود. یک جهت دیگر هم اینکه مبادا خدای نخواستہ اختلاف پیدا بشود، که هر دوی اینها از باب اینکه شما در جایی واقع شدید که مردم به شما توجه دارند و شما ارشاد می‌خواهید بکنید مردم را، مبادا یک

وقتی به واسطه خارج شدن ماها از زی طلبگی مردم را از ما منصرف کنند و انصراف از روحانیت منتهی می شود به انصراف از اسلام . و مبدا به واسطه اختلافی که گاهی بین ماها فرض کنید پیدا شود ، اختلاف کشیده بشود به جاهای دیگر و موجب بشود به اینکه یک وقت ملت دو دسته بشوند . یک دسته از این ، هر شهری دو دسته بشوند ، یک دسته طرفداران آن آقا ، یک دسته طرفداران آقا ، و فراموش نکنند آن چیز را خدای تبارک و تعالی را و فراموش نکنند انقلاب را . این دو تا مطلبی است که من نگرانم هستم و بسیار از اینها گاهی رنج می برم که می شنوم مثلا در فلان جا بین فلان و فلان اختلاف هست و بدانید که اختلاف ، اختلاف سر اسلام نیست . اختلاف سر من هست من اسلام را باید تقویت کنم . اسلامی که من تقویت کنم قبول دارم . اسلامی که رفیق من تقویت کند نه ، او را من قبول ندارم . این در باطن ذات آدم هست ولو نگوید نم گوید البته اما در باطن ذات انسان این دو مسأله هست . مگر خدای تبارک و تعالی توفیق بدهد به انسان که خودش را مهذب کند .

در تعیین رهبری حق را ملاحظه کنید ، آنکه مرضی خداست ، نه آنکه مرضی نفس شیطانی ماست

و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی به شما آقایان که برگزیده این ملت هستید برای این مسأله ای که در قانون اساسی است و برای تعیین رهبر و شورای رهبری یا شورای رهبری توجه به این معنا بسیار داشته باشید که آیا تعیین فلان آدم که در ذهن من است ، برای خدا من می خواهیم تعیین کنم یا چون دوست من است ، چون رفیق من است ؟ و آن که می گوید این صلاحیت ندارد ، برای خدا دارد این حرف را می زند یا برای اینکه مثلا رقابتی با او دارد ؟ شک نکنید که مسأله ما نباید پیش خودمان به خودمان تعمیم کنیم . شک نکنید که اینها ریشه اش اصل ریشه اش در نفس انسان است و انسان تا آن دم آخر ، آنوقتی هم که می خواهد بمیرد این ریشه هست ، آنوقت بیشتر هم شاید ظاهر بشود . یکی از علمای قزوین رحمة الله گفتند که من رفتم بالای سر یک کسی که محضر بود . گفت به من که آن ظلمی را که خدا به من کرده است هیچ کس به هیچ کس نکرده ، برای اینکه من این بچه ها را با ناز و نعمت بزرگ کرده ام ، حالا دارد من رابرد . و این مسأله خطرناک است برای انسان ، خطر جدی دارد برای انسان که انسان گمان کند شیطان از او دست بر می دارد در آخر عمر . از حالا ، حالا که فرصت هست وقتی پیر مرد شدید مثل من دیگر نمی توانید کاری بکنید از حالا که جوان هستید و قوای جوانی محفوظ است جدیت کنید به اینکه هوای نفس را از نفس خودتان خارج کنید . همه گرفتاری روی همین هوای نفس است . در تعیین رهبر ، در تعیین رهبری ، نه دسته بندی باشد که خیر ، ما می خواهیم آن کسی که با ما دوست است باشد ، و نه اشکال باشد به اینکه این چون با من خیلی دوست نیست ، نباشد . حق را ملاحظه کنید . آنکه مرضی خداست ، نه آنکه مرضی نفس شیطانی ماست مسأله مهم است ، اهمیت حیاتی دارد مسأله ، این مسأله مهم الان در عهده شما آمده است . شما قبول کرده اید این را و این مسأله مهم را باید با توجه به خدا ، استغاثه به خدای تبارک و تعالی که نبادا

خدای نخواستگشته لغزشی در انسان پیدا بشود و خودش هم توجه به آن نکند از باب اینکه ستاره هایی بین انسان و نفس اماره اش هست . با اخلاص به خدای تبارک و تعالی و خالی کردن ذهن از همه امور ، در این امر ، در این امر خطیر که اگر لغزش در آن پیدا بشود ممکن است لغزش در جمهوری اسلامی پیدا بشود و می شود و آنوقت به عهده شما آقایان است . این یک تکلیف الهی است به عهده تان آمده و قبول کردید . وقتی قبول کردید ، باید از عهده اش برای خدا بر آئید و هر چه فکر می کنید راجع به این مسأله برای خدا باشد . شایسته تر را ، نه آن که با من دوست تر است . آن که برای اسلام بهتر است ، آنهایی که برای اسلام بهترند . و البته ما حسن ظنی که به آقایان داریم و بسیاری از آقایان را از نزدیک هم می شناسیم ، همین معانی را امیدواریم که آقایان به وجه شایسته عمل کنند و موفق باشند و انشاءالله خدای تبارک و تعالی همراهی کند با شما و شما را هدایت کند به یک راهی که رضای اوست . خداوند همه شما را حفظ کند و موفق باشید . و از همه شما من ملتتمس دعا هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 49

متن دستنویس امام خمینی در مورد مرحوم حجت الاسلام آقای ملکی
تاریخ: ۶۲/۵/۸

متن دستنویس امام خمینی در مورد مرحوم حجت الاسلام آقای ملکی

بسمه تعالی

خداوند رحمت فرماید مرحوم حجت الاسلام آقای ملکی را که از اشخاص متعهد و خدمتگزار
به اسلام بودند.
روح الله الموسوی الخمينی

تالی
فرمانده رحمت فرماید مرحوم حجت الاسلام
میرزا محمد باقر که در زمان مرحوم حجت الاسلام
۱۳۰۶
بسمه تعالی
روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل وزارت راه و ترابری متشکل از کارکنان راه آهن، هواپیمایی و ادارات مختلف این وزارتخانه، کارکنان وزارت نیرو و مدیران کل آموزش و پرورش سراسر کشور

خاصیت حکومت محرومین است که از این ابرقدرت ها نمی ترسند

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا باید از شما آقایان تشکر کنم که زحمت کشیدید و با زحمت به اینجا آمدید تا با هم ملاقات کنیم و بعضی مسائل را عرض کنم. مسائلی که آقا فرمودند راجع به خدمت هائی که هم وزارت راه و هم وزارت نیرو انجام داده اند و همین طور خدمت هائی که وزارت فرهنگ انجام داده است و سایر وزارتخانه ها، اینها از آثار حکومت مستضعفین است. در طول تاریخ، اسکلت حکومت، چه اصل حکومت و چه مجلس ها از وقتی که مجلس تحقق پیدا کرد الا- کمی در دوره اول و همین طور ارتش و سایر نهادها، اینها چون از طبقه مرفه بودند و اسکلت حکومت را به اصطلاح اشراف و اعیان تشکیل می دادند از این جهت اطلاع از اینکه به قشر مستمند چه می گذرد نداشتند، نمی توانستند بفهمند که مستمند یعنی چه. فکرشان اصلا در این قضیه هیچ وقت وارد نمی شد. کسانی که از اول کودکی تا آنوقتی که به حکومت رسیدند در مهد آرامش و رفاه بار آمدند، اینها ادراک این مطلب را که قشر دیگری هم ما داریم که قشر مستمند است نمی کردند. اگر هم یک وقتی هم در ذهنشان می آمد، عبور می کرد. فکراین نبودند که این طبقه هم یک موجودیتی دارد و باید برای موجودیت اینها هم فکری کرد. و لهذا در طول تاریخ، این قشر مستمند و مستضعف و محروم در طول تاریخ شاهنشاهی و در این تاریخی که شماها هم ادراک کردید زمان محمدرضا و بعضی تان هم زمان رضاخان را ادراک کردید، می بینید که حکومت، حکومت اشراف بود. اگر در یک مجلسی یک نفر، دو نفر هم از طبقه محرومین پیدا شد، در یک اقلیت بسیار ضعیف بودند که در مقابل آن جمعیت کثیر نمی توانستند کاری انجام بدهند. اصل جنس اسکلت حکومت اشرافی این است که به مردم نرسند. و لهذا تمام این روستاهای ایران تقریباً از همه مواهبی که باید به دست حکومت ها تحقق پیدا کند برای این روستاها و این دهات دور افتاده هیچ تحقیقی پیدا نکرد. کمی بوده است، آنها هم روی یک مطالبی که بازپای مالکین و اشراف تو کار بود. اگر روستائی بود که یکی از اشراف مالک او نبود یا یکی از حکومت افراد حکومت مالک او نبود، او از تمام مواهب محروم بود. برق یک مطلبی بود که الان هم در اکثر روستاهای ما کمی رفته است و مشغولند که برود، بهداری ابدان نبود، راه نبود، به طوری که اگر یکی

مریض می شد، یک زنی می خواست وضع حمل بکند، در آنجا اسبابش فراهم نبود، می خواستند بیاورند به یک شهرستانی، از باب اینکه راه نبود، بین راه، مریض یا آن زن بدبخت تلف می شد یا کمی اش می رسید به معالجه.

این وضع حکومت اشرافی در جهان است. یکی از نعمت های بزرگی که خدای تبارک و تعالی به این ملت عنایت فرمود اینکه حکومت، حکومت مستضعفین است، حکومت محرومین است یعنی آنهایی که در راس حکومت واقع شدند وقتی که ملاحظه می کنید رئیس جمهورش از مدرسه پا شده است آمده است رئیس جمهور شده، طلبه مدرسه بوده. رئیس مجلسش از مدرسه آمده است و رئیس مجلس شده است. رئیس دولتش یک بازاری است که پدرش الان هم بازاری است ظاهرا، از بازار آمده است و رئیس دولت شده و وزیر دیگرش هم همین طور، وکلای دیگرش هم، وکلا- هم همین طور. الان شما در تمام قشر دست اندرکاران چه در مجلس و چه در حکومت یک نفر از آن اشخاصی که در آنوقت ها، در زمان شاهنشاهی کفیل امر بود یک نفر از شباه آنها را شما نمی بینید و خاصیت یک حکومت محرومین، مستضعفین و حکومت مردمی این است که هم مجلسش می فهمد مستضعفین و محرومین یعنی چه، هم حکومت و وزرا می فهمند که یعنی چه، هم رئیس جمهور و رئیس مجلس اش می دانند که این محرومیت یعنی چه، برای اینکه خودشان لمس کرده اند، خودشان لمس محرومیت را کرده اند اینها می فهمند که ناداری یعنی چه و محرومیت یعنی چه. ولهذا خاصیتی که حکومت محرومین دارد چند چیز است که حالا- من بعضی اش را عرض می کنم. یکی اینکه چون احساس کرده اند محرومیت را، به فکر محرومین توانند باشند. می توانند که بفهمند که راه اگر نباشد و این مریض در یک دهکده ای مریض بشود و بخواهند بیاورندش به شهر، چه مصیبت هائی است، برای اینکه راه نیست باید با الاغ مثلا با اسب بیاورند، اینها می فهمند این یعنی چه، در ذهنشان این معنا می آید. اینها می فهمند که محرومیت از حیث بهداری و درمانگاه یعنی چه. اینها فهمند که محرومیت از حیث آب و برق یعنی چه. اینها از باب اینکه خودشان لمس کرده اند این مسائل را، می توانند بفهمند. به خلاف آن قشری که سابق متکفل این امور بود نمی توانستند بفهمند. یعنی یک کسی که در مهد اشرافیت به اصطلاح آنوقت بزرگ شده است و از اولی که چشمش را باز کرده است با نوکر و کلفت و حشم و اینها روبرو بوده، این وقتی بزرگ شد خیال می کند همه چیز همین است. نمی تواند ادراک کند که یک طبقه ای هستند که نان ندارند، یک طبقه ای هستند که نمی توانند زندگی کنند. این یکی از خاصیت های حکومت محرومین و مستضعفین است. یکی از خاصیت های بزرگش این است که اینها دیگر از قدرت ها نمی ترسند. خاصیت اعیانیت و اشرافیت به اصطلاح و رفاه این است که چون همیشه خوف این مطلب که نبادا از این مقام پائین بیایم و نبادا یک لطمه ای به اشرافیت من بخورد، این خوف، اسباب این می شد که نسبت به زیر دست ها ظالم و نسبت به بالا دست تو سری خور باشد. یک نفر که نخست وزیر بود، وزیر بود و در تاریخ، در طول تاریخ از کسانی بود که متکفل امور کشور بود، نسبت به زیردستان با تمام معنا ظلم می کرد (به حسب نوع البته) ولی وقتی مواجه می شد با یک سفارتخانه

خارجی کمال ذلت را داشت. این خاصیت اشرافیت، به اصطلاح اشرافیت یک معنائی است که آنها داشتند و خاصیت حکومت رفاه طلبان است که در مقابل سفارتخانه های خارجی ذلیل بودند و در مقابل رعیت خودشان و قشر محرومین با کمال قلدری رفتار می کردند. از قراری که من شنیدم همین محمدرضا در اواخر سال جنایاتش وقتی که ایران قیام کرد و آن بساط را و آن نهضت را، انقلاب را پیاورد و دیدند خارجی ها که نمی توانند این را دیگر اینجا نگه دارند، دیگر این عروسک به درد نمی خورد گفتند (از بعضی اشخاصی که نقل کردند که از خود آنها بودند و حاضر قضیه بودند) که وقتی از طرف آمریکا با او آمدند و گفتند که شما باید دیگر بروید، او همانطور که نشسته بود یک قلم دستش بود لرزید و قلم از دستش افتاد. اینقدر عاجز بود اما نسبت به ملت دیدید که چه کرد، حکومت محرومان این خاصیت را دارد که امروز اگر رئیس جمهور آمریکا بیاید اینجا بخواهد به یک نفر از کارمندهای اداره دولت ما یک درشتی بکند یک سیلی می خورد. در حکومت های سابق تعقل نمی کردند که می شود یک سفارتخانه آمریکایی با یک سفارتخانه شوروی را باهاش این رفتاری بکنند که در حکومت محرومین شد. تعقل این مطلب برای آنها امکان نداشت. امروز خاصیت حکومت محرومین این است که خوف به دلشان راه نمی دهند. آمریکا از آن طرف دریاها نشسته و فرمان می دهد بر حکومت های قلدری، همه فرمان می برند، حکومت ایران که حکومت مستضعفین است هیچ اعتنا به او نمی کند. در این قضیه ای که راجع به نفت ایران صدام یا یکی از وزرای او گفته بودند که ما نفت ایران را می زنیم و طیاره هائی از فرانسه مثلا می گیریم و نفت ایران را می زنیم، ایران و کارفرمایان ایران ایستادند و گفتند اگر یک همچو غلطی بکنید ما نفت را به روی همه کشورهای خارجی بندیم، و این یک واقعیت است. آمریکا از آن طرف دنیا نشسته می گوید که ما حفظ امنیت این خلیج را می کنیم، تا آمده او تخیل بکند، این کار شده است در ایران. باید آمریکا فکر این معنا باشد که امثال نوکرهای خودش مثل صدام و امثال اینها را به جای خودشان بنشانند، به فکر این نباشد که به ایران می توانند یک ضرب شستی وارد کنند. ایران حکومت مردم است، حکومت مردمی دیگر نمی تواند برسد از اینکه آمریکا چی می گوید. حکومت مستمندان است، حکومت مستضعفان است. اینها در دلشان خوف نیست به اینکه اگر چه بشود ما مقام مان را از دست می دهیم. مقام نیست تو کار، هیچ یک از ما به فکر این نیستند که ما الان یک مقامی داریم و مقام فروشی بکنند و هیچ کدام هم یک زندگی اشرافی ندارند که بترسند از دستشان گرفته بشود و چون حکومت ایمان است، خوف از شهادت هم ندارند. بنابراین آمریکا و امثال آمریکا تصور نکنند که با یک کلمه ای که در سابق، زمان شاه و زمان رضاخان و محمدرضاخان می گفتند در اینجا اطاعت می شد، حالا هم آن هست نخیر حالا آن نیست حالا اگر یک سفیری از شما نسبت به یک نفر از کارمندهای ما بخواهد یک جسارتی بکند غایت امر این است که او را بیرونش می کنند (اگر در همین جا تربیتش نکنند). حکومت، حکومت محرومین است. محرومین ترس ندارند از این امور، آن حکومت اشراف بود که تشر می زدید و آنها جا می خوردند. اینها حکومت توده است، توده مردم است، محرومین است، بازار است، خیابان است و

کارگرانند و کشاورزان . حکومت مال اینهاست . یک همچو حکومتی ، یک همچو بافتی که در حکومت ایران است امروز ، این بافت جوری است که خوف تویش نیست . از چی بترسند ؟ بترسند شهید می شوند ؟ بسیارند ، بسیاری هستند که آرزوی این کار را می کنند . بترسند مقام از آنها گرفته بشود ؟ مقامی تو کار نیست تا گرفته بشود . بترسند نمی دانم پارک ها و نمی دانم دهات از آنها گرفته بشود ؟ نه پارکی دارند ، نه دهی دارند ، این از خاصیت حکومت محرومین است که نه از این ابرقدرت می ترسد و نه از آن ابرقدرت می ترسد و از جنگ هم نمی ترسند . شما خیال می کنید که اگر در زمان سابق یک همچو جنگی پیش می آمد ، وضع ایران این نحو بود که مردم بایستند و در جبهه و پشت جبهه بایستند و اینطور توی دهنی بزنند به آمریکا ؟ صدام که قابل آدم نیست ، این تو دهنی به امریکاست که قلاده را از سر این برداشت و اغوا کرد این بدبخت را و او را به این حال رساند . امروز روزی است که مردم ما از جنگ نمی ترسند ، برای اینکه از جنگ برای چه بترسند ؟ از جنگ می ترسند که بیاید کسی در بین بلادشان چه بکند ؟ اینها بیرونشان کردند و کسی نمی تواند وارد بشود در اینجا . از کودتا بترسند ؟ کی کودتا بکند ؟ کی می تواند در این کشور کودتا بکند ؟ کشوری که همه افرادش مجهز هستند برای مقابله ، حتی خانم های پشت پرده . این هم یکی از خاصیت هائی است که حکومت مستضعفین دارد که خوف ندارند اینها . دیگر سفارتخانه نمی توانند بزرگی بفروشند به حکومت ایران . پیش تر حکومت مال سفارتخانه ها بود ، یک وقت سفارت انگلیس بود که همه چیز دستش بود و بعدش هم سفارت آمریکا شد . حالا یک سفارتخانه در اینجا نمی تواند یک حرفی بزنند که به یکی از کارمندهای ما بر بخورد ، چه سفارت شوروی باشد چه سفارت آمریکا باشد و چه سایرین . حکومت مردم این است خاصیت اش در مقابل حکومت اشرافی ، حکومت مردمی یکی از خاصیات بزرگش این است که خوف در دلشان نیست . یکی از خاصیت اش که همین معنا را دنبال دارد این است که مردم پشتیبان حکومت هستند . اگر مردم ، نصف مردم پشتیبان محمدرضا بودند ، این مصیبت ها به سر او می آمد ؟ مردم یکپارچه پشتیبان این حکومت هستند . اگر حکومت یک گرفتاری پیدا بکند این مردمند که رفع می کنند گرفتاری را . اگر جنگ برای دولت پیش آید ، این مردمند که جبهه ها را پر می کنند و پشت جبهه ها را هم خدمت می کنند در پشت جبهه ها ، این خاصیت حکومت مردمی است . امروز مجلس چون مجلس مردمی است ، این مجلس مردمی می تواند به فکر محرومین باشد و مجلس دیروز نمی توانست که به فکر محرومین باشد برای اینکه محروم تویش نبود اگر هم بود یکی دوتا بود که کاری از او نمی آمد . اما امروز مجلس مجلسی است که محرومیت کشیده اند اهل این مجلس و در آنها از اشراف و اعیان و امثال ذلک دیگر وجود ندارد ولو بعضی منحرفین هستند اما از اشراف و اعیان دیگر خبری نیست . یک همچو مجلسی تواند خدمت کند به این کشور و یک همچو مجلسی پشتیبانش همین مردم کوچه و بازار هستند . این هم یکی از خاصیت های بزرگ حکومت مردمی است که خوف اینکه چه بشود ندارند و قدرت بزرگ توجه به این معنا بکنند که نمی توانند امروز آن فرمانفرمایی که در زمان محمدرضا یا زمان رضاخان می کردند امروز هم بکنند .

حکومت حجاز کوچکتر از این است که جلوی حجاج ایران را بگیرد

امروز دیگر خریدار ندارد آن حرف ها، پوچ است آن حرف ها. شیوخ خلیج و اینهایی که حکومت هائی در کشورهای اسلامی دارند توجه بکنند به اینکه ما برای چندمین بار به آنها سفارش می کنیم که با کشور ما اینطور نکنند. یک روز اینها بیدار می شوند که وقت گذشته است. یک روز دولت حجاز به خود می آید که مسأله دیگر گذشت. از همین حالا به فکر باشد که کارهایش را تعدیل کند. قضیه جلوگیری از حجاج ایران یک مسأله ای نیست که بتواند حکومت حجاز یک همچو امری را انجام بدهد. حکومت حجاز کوچکتر از این است که جلوی حجاج را بگیرد، لکن اشکال تراشی می کند و این اشکال تراشی یک روزی بیدار می شوند که وقت گذشته است و دیگر نمی توانند عذرخواهی کنند. از همین حالا درست توجه بکنند که شمائی که می گوئید ما خدمتگزار بیت هستیم و شمائی که در یک کشوری واقع شدید که خانه خدا در آن کشور است، خیال نکنید که خانه خدا مال شماست و شما کلیددار خانه خدا هستید. خانه خدا مال مسلمین است. مستشارهای آمریکا در حجاز به طور رفاه زندگی می کنند و از آن پول محرومین و نفت محرومین به آنها هر چه خواستند می دهند، لکن حجاج ایران مضر است برای آنها. معلوم است چرا مضر است، برای اینکه وقتی یک حکومتی سرسپرده یک دولتی شد ناچار است که حفظ بکند منافع آن دولت را. ما می گوئیم چرا سرسپرده باشید. ما می خواهیم که حکومت های اسلامی سر بلند باشند، آقا باشند بر دنیا همانطوری که حکومت ایران امروز هست. چرا باید شما خودتان را اینطور ذلیل کنید در مقابل امریکا که جرات اینکه یک، کس دیگری در مکه نسبت به امریکا یک کلمه ای بگوید یا نسبت به اسرائیل یک کلمه ای بگوید، این جرأت را نداشته باشید و بخواهید که کشور ایران حجاج، صدهزار نفر حجاج خودش را نفرستد آنجا؟ حجاج ایران تمام حجاجش را می فرستد یا اصلا نمی فرستد. من به حکومت حجاز نصیحت می کنم که اینطور با مسلمین رفتار نکنند و اینطور طرفدار دشمن های اسلام و دشمن بیت الله الحرام نباشند. من نصیحت می کنم که تا دیر نشده به خود آیند. نگذارند یک وقت که وقت گذشته است آنوقت عذرخواهی کنند. حال صدام را مشاهده کنند. صدام از همه حکومت عراق از همه حکومت های منطقه قویتر بود و امروز همچو ذلیل شده است که نمی داند چه بکند و دست گدائی به این ورو آن و دراز می کند و فایده ندارد. من به حکومت های اطراف خلیج و به حکومت های منطقه هشدار می دهم که دست از مخالفت با ایران و مساعدت با صدام بردارند. دست بردارند که این حزب بعث از بین برود و حکومت عراق به دست مسلمانان اداره بشود و ایران همانطوری که به دست خود مردم اداره می شود عراق هم این طور باشد و حکومت اسلامی برای همه شیوخ منطقه بهتر است از یک قدرت پوشالی آمریکا.

باید تجدید نظر بکنند در حرفهای خودشان. نشینند در کاخ های بزرگ خودشان و خیال کنند که حالا که در کاخ هستیم پس به ایران هم می توانیم چه بکنیم. خدا نکند که امسال حجاج ایرانی نروند به مکه و خدا نکند که این اسباب این نشود که اسلام و مسلمین انفجار در آنها حاصل بشود و دیگر نه

از شیخی وجود پیدا بشود و نه از بستگان آمریکا . به خود آئید و توجه کنید که این قضیه ، قضیه اسلام است ، مخالفت صریح با قرآن است . آن که مخالفت صریح با قرآن بکند چطور می تواند حکومت اسلامی داشته باشد و کلیددار مکه باشد ؟ بنابراین من باز هم از باب اینکه می خواهیم با همه مسلمین ، با همه دولت ها به طور مدارا رفتار کنیم و هیچ وقت میل نداریم که با خشونت رفتار کنیم ، از آنها می خواهیم که تجدید نظر بکنند در افکار خودشان آن روزی که شما گرفتار بشوید آمریکا به دردتان نمی خورد همانطوری که امروز صدام آمریکا به دردش نمی خورد می گوید ما بی طرفیم . نمی تواند بگوید من هم طرفم . اصلا اینها می خواهند یک دسته ای را به جان هم بریزند و استفاده اش را آنها بکنند . آنها حاضر نیستند که سربازهای خودشان را به کشتن بدهند برای خاطر صدام و برای خاطر دیگران . سایر حکومت های منطقه بیدار بشوند و گرفتاری صدام برای آنها عبرت باشد و خدای تبارک و تعالی اگر چنانچه آنها برگردند و به طریق اسلامی برگردند ، خدای تبارک و تعالی بخشنده است و ما هم تابع احکام خدا هستیم .

امیدوارم انشاءالله این قشر مؤمن ایران را خداوند سلامت نگه دارد و حکومت را ، حکومت اسلامی را توفیق بدهد که خدمت بکنند به این قشر مستمند ، خدمت بکنند . چه آنهایی که در وزارتخانه ها هستند و چه آنهایی که در مجلس هستند ، خودشان را خدمتگزار این ملت بدانند . انشاءالله همه موفق و مؤید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور

استانداران و روحانیون باید با هم تفاهم داشته باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالبی می گویم گرچه تکراری است لکن لازم است تکرار و سفارش شود، و آن دو مطلب است. یکی اینکه با روحانیون بسازید. من به روحانیون هم این سفارش را بارها کرده ام، ولی چون شما امروز اینجا هستید به شما تأکید می کنم. شما با ساختن با روحانیون مردم را با خود کنید، در این صورت آسیب نمی بینید زیرا آسیب از ناحیه اختلاف پیش می آید. شما و روحانیون باید با هم تفاهم داشته باشید. شما می دانید تا به حال هر کاری انجام گرفته است از اتفاق بوده است، پیشبردمان از توافقی بوده است که بین تمامی اقشار است. خارجی ها هم اگر بخواهند کاری کنند، اول بین خود ما اختلاف می اندازند و از این راه فساد ایجاد می کنند بعد از آنکه اختلاف شد لطمه وارد می آورند، مستقیماً که دخالت نمی کنند. و ما برای حفظ اسلام مکلف و مسؤولیم و امروز حفظ اسلام در تفاهم است، تفاهم بین همه اقشار، بین مردم با روحانیون، روحانیون با استاندارها، استانداران با مردم و روحانیون، و این تکلیفی است الهی که باید جواب آن را بدهیم.

باید تمام استاندارها پشتیبان دولت باشند

مطلب دوم اینکه باید تمام استاندارها در هر جا که هستند پشتیبان دولت باشند. امروز استاندارها باید نخست وزیر را، دولت را و مجلس را تقویت کنند که اگر خدای نخواستہ اختلاف کنند موجب شکاف شود و صدمه به اسلام وارد می شود. و اگر صدمه به اسلام وارد شد خدای نخواستہ موجب می شود که دیگر اسلام به این زودی ها سر بلند نکند. آنهایی که از اسلام سیلی خورده اند و تشخیص داده اند که اسلام است که ملت ها را نجات می دهد، اگر سر بلند کنند و به اسلام صدمه وارد کنند ما چه جوابی داریم؟ باید استاندارها از نخست وزیر و دولت و همه وزرا پشتیبانی کنند. شما باید خودتان با هم باشید و پشتیبان همدیگر. من باز تأکید می کنم که اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی بیند. و اگر صدمه ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همانطور که شارع مقدس فرموده، باید دولت، مجلس و قوه قضائیه احساس کنند که یک تکلیف دارند و آن اینکه اختلاف نداشته باشند. امروز اختلاف موجب می شود به جبهه ها سرایت کند و اگر خدای نخواستہ سرایت کرد، مصیبت پیش

می آید . امروز تقریباً هیچ کس با ما موافق نیست و آنهایی که موافق هستند فقط اظهار است . معذک پاسدارها و ارتشی ها و بسیجی ها و سایر نیروها توانسته اند این پیروزی ها را به دست آورند . این برای این است که بین آنها اختلاف نیست . اختلاف روحانیون با استاندارها و یا با خودشان ، به مردم سرایت کند و در جبهه ها منعکس می شود ، آنوقت نمی توانید مصیبتی را که از این ناحیه پیدا می شود ارزیابی کنید و مصیبت بزرگ این است که در این صورت اسلام نمی تواند سر بلند کند . باید متوجه باشید که این یک تکلیف است که همه با هم باشید تا این بار را به آخر برسانید . خوب خدمت کنید ، به مستضعفان برسید . شما در دوردست ها مسؤولیت دارید به مستمندان که در طول تاریخ زیر فشار و زحمت بودند برسید و جدیت نمائید تا راه چاره ای که آنها را به جایی برساند پیدا کنید . در عمران و راهسازی برای آنان جدیت کنید . امروز به مستضعفان و مستمندان و زاغه نشینان که ولینعمت ما هستند خدمت کنید . پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده داشته باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 58

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های نفت و ارشاد و هنر اسلامی مجلس شورای اسلامی

اگر جهت اسلامی این انقلاب نبود تا آخر هم مشکلات ما حل نمی شد

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان تشکر می کنم که به اینجا تشریف آورده و مسائل و مشکلات را با یکدیگر در میان می گذاریم . عمده این است که ما به وضعیت خودمان و وضعیت انقلاباتی که در دنیا واقع می شود توجه کنیم . یک وقت مملکتی است که انقلاب می کند و پشت سرش شوروی و آمریکا و امثال اینها هستند که این انقلاب ، انقلاب دیگری است . و یک وقت کشوری است همانند ایران که انقلاب می کند و خودش را از همه قدرت های شرق و غرب که می خواهند در آن تصرف کنند جدا کرده است . معذک می بینیم آنها که پشت سرشان قدرت ها بوده اند و انقلاب کرده اند وضع شان بسیار بدتر از ماست . و با این دو خاصیت اگر شما بخواهید که شب بخوابید و صبح بیدار شوید که همه امور درست شده باشد این یک امر غیرممکن است و اگر جهت اسلامی این انقلاب نبود ، تا آخر هم مشکلات ما حل نمی شد و چون اسلامی است و مردم همه با هم هستند و علاقه به اسلام دارند ، علیرغم تبلیغات دامنه دار و جنگ و مشکلاتی که بر علیه ما تحمیل کرده اند معذک ایران در این چند سال که انقلاب کرده است با استقامت سرجای خود ایستاده و به پیش رود و وظیفه آقایان و کلا این است که هرجائی که گرفتاری هست دنبال رفع آن باشند و متوقع نباشند که فوراً رفع بشود .

مجلسی که اساس یک کشور است باید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد

و مهم این است که مجلسی ها با هم و با دولت و سایر مقامات تفاهم داشته باشند و مجلسی که اساس یک کشور است باید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد و انتقاد و استیضاح حق مجلس است اما برخورد با متخلف با آرامی و طرح مسائل اخلاقی بهتر رفع اختلاف می کند تا با الفاظ نیش دار و مقابله کردن با یکدیگر . لذا باید نطق های قبل از دستور یا مسائلی که در مجلس واقع می شود همانند خطبه های نهج البلاغه و خطب ائمه اطهار مردم را رو به صلاح ببرد و آقایان در صحبت هایشان این احساس را داشته باشند که برای مصلحت جامعه حرف می زنند ، نه برای مقابله . خودشان را یک واعظ حساب بکنند که می خواهند مردم را موعظه کنند و مردم همه احساس کنند که این آقایان خیر و

مسئله ای که روی آن پافشاری می کنیم این است که امروز همه جوان های ما موظفند جبهه ها را گرم نگه دارند

من از مسائلی که شما گفتید مطلعم لکن مشکلات باید به تدریج متحول گردد ولکن الان مسئله بزرگ ما جنگ است که مشاهده می کنید که تقریباً در اکثر جبهه مشغول آن هستیم و باید الان تمام کوشش مان را به کار بیندازیم که این جنگ را به پیروزی برسانیم که اگر خدای نخواستہ این جنگ به پیروزی نرسد و شکستی پیش آید خیال نکنید که این شکست برای ایران است ، بلکه برای همه مستضعفین جهان واقع می شود . الان چشم های همه مردم دنیا به ایران دوخته شده که در جنگ چه می کند و همه آقایان باید توجه داشته باشند و من به همه مردم کشور و به همه جوان ها عرض کنم جنگی که الان در کار است ، جنگ سرنوشت ساز ماست . جنگی است که یک طرف آن دشمن با همه تجهیزات و پشتیبانی همه قدرت ها به میدان آمده و این طرف ما هستیم که از قدرت های بزرگ بریده ، به خدای تبارک و تعالی توجه داریم . لذا این جوان های ما هستند که باید این سرنوشت را به آخر برسانند و این جوان های ایران هستند که باید تنور جنگ را گرم نگه دارند و بحمدالله رزمندگان ما در همه جا پیروزند و شما می دانید که اگر خدای نخواستہ صدام پیروز بشود با اهل این کشور چه خواهد کرد .

این سهل است در مقابل اینکه اسلام سیلی بخورد و نتواند به این زودی ها سربلند کند بار دیگر من به همه اهالی کشور تأکید می کنم که امروز باید توجه به این جنگ زیاد باشد و امروز تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است و ما اگر جانی را فتح کردیم نباید غرور پیدا کنیم بلکه باید این فتح را تا آنجا دنبال کنیم و ادامه دهیم که متجاوز سر جای خودش بنشیند یعنی متجاوز از بین برود . خسارت جانی قابل جبران نیست ولی آنهمه خسارات مالی که به این کشور وارد شده است باید بدهند . و من مسئله ای که روی آن پافشاری می کنیم این است که امروز همه جوان های ما موظفند جبهه ها را گرم نگه دارند و بروند به سراغ برادرانشان که در حال جنگ هستند که اگر مسئله جنگ حل بشود و انشاءالله با پیروزی کامل به آخر برسد ، مسائل دیگر مسائل فرعی است و حل آن بسیار آسان است و خود مردم کارها را اصلاح کنند و دولت هم دستش باز می شود و گرفتاری ها را رفع می نماید . و ما در مسئله جنگ و سایر امور باید با هم باشیم و اگر با هم بودیم کارها به پیش می رود . بحمدالله مجلس اختلافی ندارد و قریب به اتفاق مجلس افراد صالحی هستند که باید بین خودشان و دیگران و سایر قوا تفاهم ایجاد کنند و دولت و جبهه ها و قوای مسلحه را تأیید و تقویت نمایند و مردم را ارشاد کنند که به نیروهای مسلحه کمک کنند ، چه در پشت جبهه و چه در جبهه ها و بحمدالله تا به حال این کار را کرده اند .

و من از شما آقایان و از مردم تشکر می کنم که در جبهه ها و پشت جبهه ها حضور دارند و به

خاطر اسلام خدمت می کنند . امیدوارم مشکلات با همت آقایان و تأیید خداوند تبارک و تعالی به زودی رفع شود و همه شما موفق و موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 61

بیانات امام خمینی در دیدار باوزیر و معاونین وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارتخانه سپاه تازه متولد شده است. باید مواظبت کنید از اول وضعی که در وزارتخانه های سابق بود پیش نیاید. به هم زدن وزارتخانه های سابق خیلی وقت لازم دارد ولی این وزارتخانه دست خود آقایان است. سعی کنید جهات اسلامی را خوب رعایت کنید. مهم این است که در سپاه وضعی پیش نیاید که به روحیه سپاهی ها صدمه بخورد. عمده در این جمهوری بعد از حفظ جهات اسلامی این است که بین سپاه و مردم و سپاه و ارتش اختلافی نشود، که بحمدالله امروز نیست. شما باید سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود، که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود، جهات نظامی آن از بین می رود. همیشه به سپاه سفارش کنید که آنان خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند، نه یک جنگنده غیر خدمتگزار، و با ارتشی ها با برادری رفتار کنند. مقصد یکی است، حفظ اسلام و کشور است، باید این مقصد را به پایان برسانید و بین خودتان و مردم و ارتش رفتار خوب داشته باشید. یک مسلمان باید با همه خاضعانه رفتار کند و خودش را از دیگران کمتر بداند. من وقتی که فکر می کنم جوان های ما که در جبهه ها اینطور زحمت می کشند خجالت می کشم چرا در اینجا نشسته ام. امیدوارم با وضعی که در سپاه و ارتش است مسائل زود حل شود. حال که صدام گفته است چون به مقاصد خودمان رسیده ایم برای صلح دوستی عقب نشینی کرده ایم لابد مثل عقب نشینی ای که در خرمشهر کرده است. انشاءالله به زودی شر صدام از سر مسلمانان رفع گردد و خداوند شما را پیروز گرداند. شما باید سعی کنید که از اول در وزارتخانه تان کاغذ بازی پیدا نشود. مردم باید وزارتخانه را منزل خودشان بدانند. همه مردم مساوی هستند، البته طبقه مستمند بر ما بیشتر حق دارند. الان هم وقتی به جبهه ها می روید یک نفر مرفه نمی بینید و یا اگر ببینید کم است، بقیه مستمندان هستند، همین مردم محروم هستند که انقلاب کردند و پیروز شدند و بعد هم همین ها خدمت کنند و همین ها هم ادامه می دهند و من هم دعا می کنم که محفوظ باشند و روبه رشد بروند. انشاءالله به این کشور آسیبی وارد نمی شود. کشور را از خودتان بدانید و مردم محروم را هم برادر بزرگتر خودتان. مردم از سپاه سرد نمی شوند. باید سپاه با محبوبیت محفوظ بماند و راهش آن است که با مردم مدارا کنیم. انشاءالله پیروز و سر بلند بشوید.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه، معاونین و مدیرانکل این وزارتخانه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در آسیا و اقیانوسیه

ایران که برای خدا قیام کرده است، می بینیم که چگونه پایدار است

بسم الله الرحمن الرحيم

اما راجع به مصیبتی که به وسیله صدام به ایران وارد شد به همه اهالی ایران بخصوص گیلانغرب و بالاخص به بازماندگان شهدا تسلیت عرض کنم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که آنها را با اولیای اسلام محشور گرداند و به مجروحین این جنایت بزرگ شفا عنایت کند.

نکته که بایست عرض کنم این است که صدام گمان کرده است با این نحو جنایات می تواند صلح را بر ما تحمیل کند، و حال اینکه هر یک از جنایات او را از صلح دور و ما را مصمم تر می کند. ایران که برای خدا قیام کرده است می بینیم که چگونه پایدار است و اگر بر فرض باطل کسی خیال می کرد که باید صلح کرد، با این جنایات، دیگر هیچ عاقلی چنین فکری نمی کند، برای اینکه خانواده های شهدا و اشخاص مصیبت دیده در مقابل آنان می ایستند الان هم که مشاهده می کنید همین مصیبت دیدگان هستند که فریاد جنگ، جنگ سر می دهند. جنایتکار در اثر زیادی جنایت نمی تواند از جرم فرار کند. ما به او و امثال او و همقطاران او هشدار می دهیم که هر جنایتی که می کنند به نامه اعمالشان اضافه می شود و در مقام بازخواست باید جبران کنند. این نحو جنایات اسباب سستی خانواده های شهدا نمی شود. صدام که در میدان جنگ شکست خورده است، با بمباران مردم بیگناه نمی تواند از مسؤولیتی که دارد فرار کند. از قرار اطلاع بمب های خوشه ای در گیلانغرب به کار برده اند، این کارها موجب می شود تا هم به جنایاتشان افزوده شود و هم به خساراتی که باید پردازند و به فرض که بماند (که این فرض هم صحیح نیست) باید از عهده تمامی اینها برآید و آنهایی که او را همراهی می کنند باید به محاکمه کشیده شوند و آن روز دور نیست.

ملت ایران توجه کنند که برای اسلام خدمت می کنند و اولیای اسلام شهدای بزرگی را تقدیم خدا کرده اند

امریکا و امثال آن که ادعای بیطرفی کنند و معلوم است که در جنایات شریکند چه جوابی دارند؟ مجامع بین المللی و حقوق بشر، این دست نشانندگان امریکا و ابرقدرت ها، از این جنایاتی که به

بشریت وارد شده است ، می گذرند . افرادی که آمدند و دیدند که چه جنایاتی صدام کرده است و تصدیق کردند و گزارش دادند ، پس چرا مجامع بین المللی هیچ نگفتند ؟ اصلا مجامع بین المللی لفظی است در خدمت قدرت های بزرگ ، نه در خدمت مظلومین و محرومین . هر ملتی باید خودش در مقابل جنایات بایستد و ایران ثابت کرد که در مقابل جنایت قدرت ها ایستادگی می کند . مردم ما در مقابل آن رژیم جنایتکار ایستادند و بیرونش کردند و سستی نکردند . امروز هم مردم ما در مقابل این جنایات سستی نخواهند کرد . این جنایات مردم و دولت را مصمم تر و مستحکم تر خواهد کرد و می فهمند که در مقابل یک چنین جنایتکاری چه مسؤولیتی دارند . ملت ایران توجه کنند که برای اسلام خدمت می کنند و اولیای اسلام شهدای بزرگی را تقدیم خدا کرده اند .

وزارت خارجه از سایر وزارتخانه ها حساسیت بیشتری دارد برای اینکه سر و کارش با تمام ممالک دنیا است

اما قضیه وزارت خارجه ، این وزارتخانه از سایر وزارتخانه ها حساسیت بیشتری دارد برای اینکه سر و کارش با تمام ممالک دنیا است . خدمت کردن شما مسلم است برای اینکه کشور خودتان است . قبلا کشوری بوده است وابسته به غرب و شرق و تحت ستم و آسیب خارجی ها و دارای تبلیغات شاهنشاهی در چنین کشوری معلوم است که کار وزارت امور خارجه اش چه مشکل و سنگین است ، ولی همت مردان مصمم هر کار مشکلی را آسان می کند و بعد انجام می دهند . شما که برای رضای خدا خدمت می کنید سعی کنید در مقابل تمامی مشکلات بایستید و مبارزه کنید . امروز هم که در جمهوری اسلامی همه با هم هستند و دولت و مردم با هم دوست هستند ، حل مشکلات آسان تر است ، با گرمی با مشکلات مواجه شوید و مبارزه کنید تا حل شود .

تبلیغات در راس امور است و هر روز باید حجمش زیادتر گردد

سفارتخانه ها را در خارج به صورتی دنبال کنید که هرکس آنجا برود ببیند در محیط اسلامی و اخلاقی وارد شده است . من از آقای ولایتی و سایر آقایان که وقت شان را برای آمال اسلامی انسانی صرف می کنند تشکر می کنم . در مورد تبلیغات وزارت خارجه باید بدانید که تبلیغات در راس امور است و هر روز باید حجمش زیادتر گردد . امروز که ما مقابل تمام دنیا ایستاده ایم ، لااقل باید تبلیغات خودمان سالم باشد و تبلیغات صحیحی داشته باشیم . امیدوارم همه سالم باشید و وزارتخانه را به صورتی که برای اسلام و کشور مفید باشد بسازید . می دانم که در فکر حل مسائل هستید . انشاءالله مشکلات را حل می نمائید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای سرپرستی روزنامه اطلاعات و نماینده امام در این روزنامه

مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

من با آقای دعائی سابقه طولانی دارم، خدمت هائی که ایشان در عراق و ایران کرده اند نباید فراموش کرد. امیدوارم خداوند تعالی به همه شما توفیق دهد تا در آنجا به خدمتتان ادامه دهید من نباید از شما تشکر کنم، امیدوارم خداوند تبارک و تعالی از همه شما تقدیر کند.

وضع کشور را در گذشته دیدید که چگونه بود، تمام چیزها در جهت اسلام زدائی بود خصوصا مطبوعات که وضعی داشتند که اگر مهلت پیدا می کردند طولی نمی کشید که همه چیز را از بین می بردند. امیدوارم با همت آقایان همه آن انحرافات از بین برود. مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند تا مردم را از همه مسائل بخصوص مسائل روز آگاه نمایند و به صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند و اگر کسی انحرافی دید با آرامش در رفع آن بکوشد. بطور کلی مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند، یعنی به صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند، بخصوص روزنامه هایی مثل اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی و آزادگان، باز تکرار می کنم دنبال این نباشید که من از شما تشکر کنم، تقدیر و تشکر من فانی است و از بین می رود. آنچه که باید همگی در نظر بگیریم رضای حق تعالی است و آنچه وظیفه من است دعاست. امیدوارم موفق و موید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و مسؤولان وزارت ارشاد اسلامی و سازمان حج و زیارت، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و روحانیون کاروان های حج

یکی از فلسفه های بزرگ حج، بعد سیاسی اوست

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید تشکر کنم از آقایان که تشریف آورده اند و در این مجلس با هم به گفتگو بنشینیم و مسائلی را که باید گفت تا یک حدودی خدمت شان عرض کنم. و من امیدوارم که انشاءالله آقایان موفق بشوند با سلامت و پیروزی این سفر مبارک را طی کنند و به محال خودشان مراجعت بفرمایند.

شما در سالی به حج مشرف می شوید که اوضاع دنیا و اوضاع منطقه به وضعی است که مشاهده می کنید. اوضاع دنیا گرفتار قدرت های بزرگ و مستضعفان جهان مبتلای به این قدرت های شیطانی و اوضاع منطقه نیز به واسطه دخالت قدرت های بزرگ به این وضعی است که مشاهده کنید. و در آستانه سالی به حج مشرف می شوید که در اثر شکست مفتضحانه صدام مناطق مسکونی کشور ما مورد تجاوز واقع می شود و با موشک ها کوبیده می شود و اخیراً که اندیمشک را هم ملاحظه کردید و من به ملت ایران و اهالی محترم مبارز اندیمشک تسلیت عرض می کنم و امیدوارم خدای تبارک و تعالی شهدای آنها را با شهدای صدر اسلام محشور بفرماید و به بازماندگان آنها سلامت و صبر عنایت بفرماید.

شما در سالی دارید در این سفر مبارک می روید که قدرت های بزرگ در منطقه مشغول به فساد هستند و تاخت و تاز. از آن طرف شوروی در افغانستان و هر جا که بتواند دست درازی می کند و ملت مظلوم افغانستان را آنطور سرکوب می کند و بحمدالله ملت افغانستان هم مقابله مردانه ای در مقابل آن قدرت بزرگ کرده اند و از آن طرف آمریکا که در راس جنایتکاران است در همه کشورهای مظلوم و خصوصاً در کشورهای اسلامی آنطور دخالت و تجاوز می کند و از آن طرف دنیا دست دراز کرده است و ملت هایی که باید مستقل باشند، در تحت ظلم خودش قرار داده است و مع الاسف این دولت ها هم ظلم پذیر شده اند.

فلسفه حج، یکی از فلسفه های بزرگ حج قضیه بعد سیاسی اوست که دست های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بعد در کار هستند و تبلیغات دامنه دار آنها مع الاسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاریشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح

مسلمین می دانند . حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است ، اهمیت بعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست . بعد سیاسی علاوه بر سیاستش ، خودش عبادت است .

مشکلات مردم در حج ، باید تمامی بلادی که وارد می شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می شوند ، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند ، بین خودشان با حکومت ها چه وضعی است ، بین حکومت ها با قدرتهای شیطانی دیگر چه وضعی است ، بین خود ملت ها با خود ملت ها چه وضعی است ، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند . اینها اموری است که باید رسیدگی به آن بشود و حج برای همین امور است . حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند .

آنطور که آخوندهای درباری منطقه و غیر منطقه می گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد ، اینها رسول الله را محکوم می کنند ، اینها خلفای اسلام را محکوم می کنند ، ائمه هدی را محکوم می کنند . اینها نمی دانند که این سفر حج برای مسائل بوده است ، برای قیام ناس بوده است ، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند ، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود .

و مع الاسف به قدری تبلیغات دامنه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی زیاد و دامنه دار بوده است که به خود مسلمین هم باورانده اند که نباید دخالت در سیاست بکنند ، به خود روحانیون هم . بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکند . روحانی باید مسأله بگوید ، آن هم مسائل غیرسیاسی . مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است ، برای اینکه مسائل سیاسی هم عبادت است مع الاضافه . کتب اسلام ، کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است ، مشحون از مسائل اجتماعی است . و آنوقت یک دسته نادان گمان کنند که اسلام مثل سایر ادیان منحرفه که آن هم در اول اینطور نبوده است بعد با دست همین استعمارگران به اینجا رسیده است ، وضع این است که باید روحانی عقب بنشینند و دو رکعت نماز بخواند و برود منزلش و همان جا چرت بزند تا دوباره وقت نماز دیگر بیاید . اینها همه تبلیغاتی بوده است که در طول مدت از آنوقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد به دست خلفای اموی و عباسی و بعد هم به دست حکومت های مرتجع و بعد هم به دست قدرت های بزرگ این مسائل شده است که اسلام را منزوی کنند و منزوی کردند . آن اسلامی که به درد جامعه نرسد و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد ، آن اسلام منزوی است . اسلام منزوی در مساجد بود با اسم اسلام ، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد ، مساجد بی تحرک . این مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مرکز جنگ ها و مرکز سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده . اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد ، مسائل سیاسی اش بیشتر بوده . هر وقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ ها ، از مسجد شروع

می کردند این امور را . مع الاسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد . محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می کنم ، محکوم کردن اسلام به این است که آن چیزی که اسلام می خواهد در مسجد زیر پا گذاشته بشود . اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان ، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه های عبادش اش . و شما آقایان که انشاءالله با سلامت مشرف می شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی گنجانیده شده است این را ازاله کنید . در صحبت هایتان ، در اجتماعاتان بگویند به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته ایم ، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و مسلمین چه می کنند ، بی تفاوت باشند . محکوم کنند آن اشخاصی را که می خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند . آن ضروری که از این آخوندهای درباری اسلامی می خورد ، بدتر از آن ضروری است که از آمریکا می خورد ، برای اینکه اینها با یک ظاهر اسلامی ، اسلام را منزوی می کنند و آنها با این ظاهر نمی توانند بکنند ، آنها وادار می کنند اینها را . مسلمین باید در حج وقتی که می روند یک حج زنده یک حج کوبنده ، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار را ، یک همچو حجی ، حجی است که مقبول است . اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه بر خلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت جنایت ها پرده بپوشیم ، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد و جنایت هایی که از حکومت ها و از قدرت های بزرگ بر مسلمین می گذرد . ما یک صحبت بکنیم ، این حج نیست ، این یک صورت بی معناست .

وقتی می روید حج ، این مسلمین بلاد را بیدار و متحد کنید

این حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است ، آن است که وقتی می روید حج این مسلمین بلاد را بیدار کنید ، متحد کنید با هم ، بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چند صد میلیونی باشند . تمام گرفتاری ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد منحرف کرده اند و حتی اگر یک مجالسی هم داشته باشند لابد شنیده اید که مجلسی را که روحانیون داشتند و در یک جایی بود ، محکوم نکردند . حاضر نشدند که افغانستان را که شوروی چیز کرده ، اینها لفظا بگویند این کاردستی نیست . اینقدر هم همین کسانی که ، مسیحیانی که ، روحانیونی مسیحی که بودند حاضر نشدند اینقدر بگویند که افغانستان چه ، ترسیده بودند از این . وقتی بنا باشد که روحانیون شان اینطور ، ما از آنوقت تا حالا خیال می کردیم روحانیون مسیح آمریکایی هستند ، حالا معلوم شد هم آمریکائی هستند هم شوروی ای هستند و روحانیون مسلمین هم بسیارشان کمتر از آنها نیستند . آنهايي که معلوم می کنند مسلمین را که نسبت

به صهیونیست یک صدایی بکنند ، نسبت به امریکا یک کلمه بگویند ، آنها کمتر از آن روحانیون مسیحی که می گویند باید هیچ حرف نزد و آن روحانیونی که طرفدار امریکا هستند کمتر از آنها نیستند ، اینها هم طرفدار امریکا هستند . مسلمین باید بیدار بشوند ، این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دو تا قدرت بزرگ و دیگر قدرت ها را که در این مناطق مشغول فساد هستند ، کلک اینها را بکنند .

نگ نیست بر کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی ها را آنطور کند ؟ در لبنان آن جنایت ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند ؟ از چی می ترسند اینها ؟ چرا باید اینقدر عرضه باشند ؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست ، نفت شریان حیات اینهاست اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می شوند آنها . در عین حالی که این شریان در دست حکومت های به اصطلاح اسلامی است ، در عین حال تقدیم می کنند و التماس هم می کنند . این مصیبت نیست ؟ برای مسلمین این مصیبت نیست که همه چیزمان را بدهیم به خارجی ها و در طبق اخلاص بگذاریم و با منت کشیدن از آنها که بپذیرند ؟ وقتی بنا شد که مسلمین به آن مسائل الهی توجه نکنند ، به آن مسائل قرآنی توجه نکنند و احکام اسلامی را درست به آن توجه نکنند و دعوت اسلام به وحدت را زیر پا بگذارند ، ناچار باید این طور بشوند که همه چیزشان را بدهند و التماس هم بکنند به آنها که قبول کنید شما . نباید ما دیگر بیدار بشویم ؟ نباید اینها عبرت بگیرند از ایران ؟ امروز همه کشورهای بزرگ عالم از شوروی گرفته است که دارد دائما به عراق کمک می کند و از امریکا گرفته است که آن هم همین طور و از فرانسه که مرکز فساد همه دنیا شده است ، کشوری که ادعا می کرد که اینجا مهد آزادی و کذاست حالا این تروریست ها را در آنجا جا داده است و به صدام کمک می کند و به این کمک افتخار می کند . مسلمین باید توی دهن اینها بزنند و اگر مجتمع بشوند خواهند زد . و ایران همانطور که همه دنیا دیده است (ولوزیر پا گذاشته اند مطالب را) همه عالم الان مطلعند که شوروی و امریکا و سایر قدرت ها از ایران سیلی خوردند به برکت اسلام و نخواهد دیگر این ملت اسلامی گذاشت که راه آنها به این مملکت باز بشود . آنهایی که به آرزوی این نشسته اند که امریکا دوباره بیاید یا شوروی بیاید ، آنها خیال باطل به خودشان راه داده اند ، به این آرزو نباشند و لااقل تا وقتی که اینها زنده هستند ، تا آنوقت امریکا و شوروی نمی تواند به این مملکت وارد بشود .

آنهايي که در خانه نشسته اند و می گویند مردم خسته شده اند از جنگ ، آنها خودشان خسته هستند!

این جوان های ما که الان در سرتاسر کشور به جنگ می روند و در جبهه آنطور حماسه ها می آفرینند ، تا این جوان هستند و انشاءالله هستند نمی تواند کسی به این مملکت صدمه وارد کند . آنهايي که در خانه نشسته اند و می گویند مردم خسته شده اند از جنگ و خسته شده اند از چه و چه ، آنها خودشان خسته هستند ، از اول هم خسته بوده اند . مردم کی اند ؟ این اندیمشک است که مورد تجاوز

واقع بشود، دنباله اش جنگ جنگ تا پیروزی می گوید. آن هم جاهای دیگری که از دزفول گرفته تا هر جا ملاحظه کنید به مجرد اینکه یک فساد، در آنجا واقع می شود و صدام یک جنایتی می کند دنبالش همه _ مردم _ در _ می ایستند و فریاد می زنند مرگ بر کی و مرگ بر کی و جنگ جنگ تا پیروزی. اینها مردم نیستند؟ این مردمی که در مساجد و در نماز جمعه ها و سرتاسر کشور مجتمع اند و فریادشان بلند است از اینکه جنگ باید کرد و خودشان هم داوطلب الان دارند به طرف جبهه ها روند، اینها مردم ایران نیستند؟ اینها از کره مریخ آمده اند؟ مردم ایران عبارت از یک دسته هستند که نشسته اند و نه یکی شان رفته اند به جبهه با اینکه بعضی شان دارای کذا و کذا هستند! فقط مردم ایران اینها هستند که در عین حالی که دارد این کشور به طرف فنا خدای نخواستہ می رود (اگر چنانچه سست بیابند جوان های ما) شما چند نفر هستید مردم ایران که می گوید از جنگ خسته شده ایم؟ شما چه وقت جنگ کرده اید که خسته بشوید؟ شما کدام یکی تان رفته است جبهه تا یک خستگی احساس بکند؟ کدامتان حاضر شده است که آمریکا و شوروی را محکوم کند؟ شما مثل سایر آنهای دیگری می مانید که نشسته اید آنجا و هی اشکال تراشی می کنید به این ملت. ملت اینها هستند، ملت این مردم کوچک و بازار هستند، این مردم دهات و نمی دانم قصبات و شهرستان ها، اینها هستند که دارند به جنگ کمک می کنند و به جبهه ها، پشت جبهه ها کمک می کنند و بانوانشان و بچه هاشان و بزرگ هایشان و همه شان مشغول خدمت هستند. اینها که خسته نشده اند. از چی خسته بشوند؟ از اسلام رو برگرداندند؟ امروز اگر ما از این جنگ و از این دفاع مقدس، ما جنگ نداریم با کسی، ما دفاع داریم می کنیم از کشور خودمان. ما باز کشورمان تحت سلطه صدام هست یک مقداری از آن، مائی که داریم دفاع از اسلام می کنیم اگر خسته بشویم معنایش این است که ما از قرآن کریم دیگر خسته شده ایم، از اسلام خسته شده ایم. کدام یک از این افرادی که در این کشور هستند الا یک دسته اقلیت فاسد، خسته هستند از این امور؟ این جوان های ما می دانند که اگر خدای نخواستہ صدام غلبه پیدا کند به این کشور چه خواهد کرد و با همه چیز مردم چه خواهد کرد. این جوان های غیوری که یک همچو احساسی دارند می نشینند تو خانه شان و می گویند که خسته شده ایم از جنگ؟ از چی خسته شده اند؟ از دفاع کشورشان خسته شده اند؟ از دفاع از اسلام خسته شده اند؟ از دفاع از نوامیس شان خسته شده اند؟ یک دسته هم نشسته اند هر کار صحیحی هم بشود آنها می گویند خراب است. هر خدمتی هم که دولت می کند آنها می گویند خراب است. آنها از اول دلشان می خواهد که وضع، این وضع نباشد، برگردد به آن زمان رفاه نمی دانم چی که جوان ها تو قهوه خانه بروند و توی کاباره ها بروند و چه بکنند و پیرها هم مجالسی داشته باشند به عیش و نوش. اینها دلشان می خواهد این بشود و این خواب را نخواهید ترجمه اش را دید. این تعبیر این خواب تعبیر برای شما نخواهد شد.

این ملت یک ملت زنده است، یک ملتی است که دنیا الان رویش حساب می کند. این ایرانی بود که همسایه هایش هم قبولش نداشتند. این ایرانی بود که فقط با لفظ، با لفظ آقای آریا مهر یک

تبلیغاتی برایش می شد و الا کجا چیز داشت ، همه اش وابستگی ، همه اش خرابی سرتاسر کشور ما که ملاحظه بکنید الا شهرستان ها آن هم تهران عمدتاً که مورد توجه بود و می خواستند آن هم چون اشراف و اعیان در اینجا هستند ، آنها خوش بگذرانند ، این دهات و قصبات و آن جاهای دور افتاده یک نظر به آن نشد . این بدبخت ها باید با الاغ از این ور آن ور بروند مریض هایشان را ببرند بین راه هم بمیرند دولت الان مشغول است برای راه درست کردن و مشغول است برای بیمارستان درست کردن و برای مدرسه درست کردن که چندین هزار مدرسه درست شده است ، چندین هزار کیلومتر راه درست شده است . همه اینها را آقایان نشسته اند توی خانه شان می گویند هیچی نشده است . چی چی خواهید بشود ؟ آنچه که شده در زمان رضاخان بوده است شده است و در زمان محمدرضا شده است که خیابان ها را آنطور مرکز فساد قرار داده بودند ؟ شما آنها را صحیح می دانید! آن چیزی که در این چند سال شده است ، از همه جهات ، آن تحولی که در جواهرهای ما پیدا شده است که از کاباره کشیده شده اند به میدان جنگ با کفار ، از مراکز فساد کشیده شدند به مراکز صلاح و دعا و نیایش ، بانوان ما که آنطور با آنها ظلم شده بود امروز در سرتاسر کشور مشغول تعلیم و تعلم هستند و مشغول جهاد هستند فی سبیل الله . چی می خواهید بشود ؟ آقایان چرا چشم هایتان را هم گذاشته اید و گوش هایتان را به بوق های آمریکا و اروپا باز کرده اید ؟ چشم هایتان را باز کنید ببینید چه خبر شده است در ایران . دیگران باید بگویند ؟ گاهی هم می گویند البته . شماها که باید تبلیغ کنید از این اسلام ، تبلیغ کنید از این دیانت ، تبلیغ کنید از این کشور ، دفاع کنید از این کشور با قلم تان ، با صحبت تان ، با چی ، هی اشکال ، اشکال ، اشکال برای چی ؟ شما چی کم دارید که اشکال می کنید ؟ این مردم ، این مستضعفین ، این بیچاره ها ، این جنوب شهری های همه کشور ما اینطور دارند جانفشانی برای اسلام می کنند و هیچ هم اظهار خستگی نکرده اند . الان هم وقتی که می بینید فوج فوج حرکت می کنند به جبهه ها برای جنگ و برای دفاع از اسلام ، اینها ملت نیستند ؟ این جوان ها که دارند می روند جزء این ملت نیستند ؟ ملت اینجا ، ملتی باید از آمریکا باید بیاید ؟ بیدار بشوید یک قدری ، توجه کنید یک قدری به مسائل .

ای مسلمین جهان ! آقائی خودتان را از اسلام و بیت الله کسب کنید

و شما آقایان که دارید مشرف می شوید به این بیت معظم الهی ، علاوه بر اینکه باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیارشان مسائل حج را خوب نمی دانند ، مسائل حج را برای اینها بگویید قبل از اینکه هر کاری را می خواهند بکنند ، در هر جا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان با قاعده گوشزد کنید ، بگوئید همین طور واجباتش را ، محرمانش را ، اینطور چیزها . علاوه بر این ، آن مسائلی که باید ، با مسلمین در میان بگذارید ، معاشرت کنید با آنها البته با یک نظامی و به آنها حالی کنید که آقا چرا نشسته اید که آمریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کند و شما را بخواهد اداره کند . بخواهد خلیج فارس را ، خلیج فارس به توجه کار دارد ؟ تو چکاره هستی که از آن ور می خواهی خلیج فارس را تامین کنی ؟ ما خودمان باید بکنیم ، به شما چه ربطی دارد ؟ مسلمان خودشان باید بکنند ،

خلیجی ها باید بکنند این را . ما میل داریم که با همه کشورهای اسلامی برادر باشیم ، با همه حکومت ها در عین حالی که اعوجاج دارند برگردند و با ما دست اخوت بدهند . ما صلاح همه را می خواهیم . ما می خواهیم که آنها عزیز باشند . ما می خواهیم آنها نوکر امریکا نباشند . آمریکا از آن ور دنیا آقایی نکند به شما ، شوروی هم از آن ور . شما با هم باشید . شما همین حکومت هایتان با هم باشد ، ملت هایتان دنبالتان هستند . شما با ملت ها خوش رفتاری کنید ، ملت ها دنبال شما هستند ، اگر خوش رفتاری کردید و جهات اسلامی را مراعات کردید ، این ملت ها همراه شما هستند ، آنوقت آسیب ناپذیر هستید . الان حکومت ایران آسیب ندارد برای اینکه برای مردم دارد خدمت می کند و مردم هم دنبال او هستند . مردم حافظ هستند . اگر یک گرفتاری در زمان رضاخان پیش می آید ، در زمان محمدرضاخان پیش می آید برای آنها ، مردم خوشحال می شدند که این گرفتاری برایشان پیش آمده . امروز اگر یک گرفتاری برای کشور ما پیدا بشود ، برای حکومت ما پیدا بشود مردمند که حل می کنند این را و دولت هم خدمتگزار است و باید خدمتگزار باشد . مجلس هم خدمتگزار است و باید خدمتگزار باشد . همه ما باید خدمتگزار باشیم به این مردم . همه باید تشکر کنیم از اینهایی که این جنگ را دارند اداره می کنند با این فشارها ، در عین حالی که همه بر خلاف هستند و همه می خواهند که ما منزوی باشیم . بحمدالله ایران در همه دنیا مطرح است و مسلمین همراه او هستند و من امیدوارم که این سفر مبارک شما را موفق بکند به اینکه این مسلمین جهان را ، این روحانیون کشور ما را ، این روحانیون دریاری را که آنجا لابد می آیند ، توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری آمریکا بدانید ؟ در نوکری صهیونیست ها بدانید ؟ شما آقائی خودتان را از اسلام کسب کنید ، آقائی خودتان را از بیت الله کسب بکنید . دور بیرق اسلام جمع بشوید ، دور حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که اجتماعتان همه تان بر خلاف مصالح اسلام نباشد و بر وفق مصالح باشد و دست قدرت های بزرگ را انشاءالله کوتاه کنید و این کنگره بزرگ اسلامی انشاءالله به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد و شماها با سلامت و سعادت مشرف بشوید و دعا کنید که مسلمین و سران اسلام بیدار بشوند و توجه بکنند به مصالح اسلامی و دعا کنید به این ملتی که همه چیزش را در طبق اخلاص برای اسلام گذاشته و دارد فعالیت می کند و دعا کنید که خداوند این کوردل هایی که گاهی پیدا می شود در ایران یا در جاهای دیگر ، اینها را خدا هدایت کند که به دامن اسلام برگردند و متوجه به مصالح اسلام باشند و نشینند هی کارشکنی بکنند . همراهی کنند با این ملت .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند، خیانت است

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که وقت خودتان و جوانی تان را برای اهداف انقلاب اسلامی صرف می کنید، کمال تشکر را می نمایم. خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید و بیش از پیش موفق باشید.

جمهوری اسلامی از اول که پیروز شد آزادی را به طور مطلق به همه طوایف داد، نه تنها هیچ روزنامه ای تعطیل نشد بلکه هر گروهی و حزبی به کارهای خود مشغول بودند و بعضی از گروه ها که ناشناخته بودند، از طرف دولت به کار گمارده شدند. لیکن به تدریج فهمیده شد که اینها یا توطئه گرند یا جاسوسی می کنند. از طرف دیگر نمی شد که انقلاب را رها کنیم، نه اسلام اجازه می داد و نه عقل که یک دسته از عنوان دولت یا غیردولت برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوء استفاده نموده و یا جاسوسی کنند و ما ساکت باشیم. با این مقدار فداکاری که شما و دوستان انجام داده اید، باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند خیانت است. همین حزب توده که به قدرت بزرگ شوروی متکی است و می دانید که جاسوسی برای کشوری می کند که شصت و چند سال از عمر حکومتش می گذرد و نه در آنجا آزادی و نه حزبی جز حزب خودشان می باشد، از اول هم که روی کار آمدند گروه های بسیاری را کشته و یا تصفیه کردند، حتی این حزب هم در ایران آزاد بود، آنوقت فریاد می زدند آزادی نیست. بحمدالله شما با کمال دقت مراقبت نمودید تا آنها را خوب شناختید و اقدام لازم را نمودید. اینان مثل منافقین و همه گنهکاران باید محاکمه شوند و به جزای اعمالشان برسند.

امیدوارم آنها که امروز به فکر توطئه هستند روزی چهره هایشان برای مردم شناخته شود. بنابراین شما و همه ملت که اینهمه فداکاری برای استقلال و آزادی از دست ابرقدرت ها و چپاولگرها کرده اید، امکان ندارد که اجازه دهید در یک چنین محیط اسلامی برای اینکه شرق و غرب خوششان بیاید، سهل انگاری شود و آزادی ای که صحیح است و برای اسلام و کشور مضر نباشد از اول بوده و الان هم هست و هیچ انقلابی مثل انقلاب اسلامی ایران نبود که به مجرد پیروزی راه ها را باز و فعالیت همه حزب ها و گروه ها را آزاد گذارد. بنابراین کار شما کار ارزشمندی است. امیدوارم شما توفیق و اطلاعات بیشتری پیدا کنید. خداوند به شما کمک کند تا توطئه گرها را به سزای اعمالشان برسانید. خداوند همه شما را حفظ کند. من باز از شما تشکر می کنم، امیدوارم در کارهایتان موفق باشید و

همیشه خدا را در نظر داشته باشید که بر خلاف آن عمل نکنید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 74

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان نیروهای دریایی و هوانیروز، گروهی از خلبانان و پرسنل فنی - هوایی، پرسنل نیروی دریایی و هوایی و گروهی از دانشجویان شرکت کننده در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویی

ما هر روز باید به بیداری و وحدت خودمان بیفزائیم

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا از مهمان های عزیزمان که از خارج کشور آمده اند، دانشجویان عزیزی که در جبهه خارج به مجاهدت در راه خدا ادامه می دهند تشکر کنم و توفیق آنها را برای رسیدن به نیل اسلامی از خدای تبارک و تعالی تقاضا نمایم. این دانشجویان عزیز که در خارج کشور با آن زحمت ها و با آن کارشکنی ها به طرفداری از اسلام و جمهوری اسلامی و کشور عزیز قیام کردند و اقدام، مورد تشکر و تقدیر هستند و مجاهدینی هستند که در جبهه خارج به اسلام خدمت می کنند و امیدوارم که نام مبارکشان در صحیفه های اسلامی ثبت بشود و برای اسلام ذخیره هایی باشند که کشور خودشان را از انحرافات نجات دهند. و بعدا از شما پرسنل نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان عزیز تشکر می کنم که با برادرهای خودتان همصدا هستید و به طور شایسته خدمت برای اسلام می کنید و دست جنایتکاران را از کشور اسلامی قطع کردید و انشاءالله بعدها هم مجال به آنها نخواهد داد که در این کشور به چپاولگری های خودشان ادامه بدهند. شماها می دانید که این کشور و خصوصا ارتش در زمان شاه مخلوع چه وضعیتی داشت. اسم استقلال را می گفتند، تکرار می کردند، اسم تمدن را تکرار می کردند، لکن ما در هیچ چیز استقلال نداشتیم و بویی از تمدن در این کشور ما نگذاشتند که به مشام مردم برسد و خدای تبارک و تعالی به ملت ما و به مسلمین منت گذاشت و این نیروها را و نیروهای مردمی را بیدار کرد و در همان وقت اول که نیروهای مردمی نهضت کردند، نیروهای اسلامی، لشکر اسلامی که متحول شدند از آن لشکر طاغوتی به لشکر انسانی - اسلامی، از همان اول به دامن ملت برگشتند و با مجاهدات همه اینها کشور ما - را - به پیروزی رساند و ما امروز در بین راه هستیم. اینطور نیست که ما را امثال قدرت های بزرگ مثل آمریکا و شوروی رها کنند، آنها باز طمع دارند به ما. آنها در خارج نشسته اند و عمال آنها در خارج و داخل مشغول کار هستند و طمع دارند باز به این کشور و طمع دارند به ارتش. لکن تحولی که در این کشور پیدا شد به برکت تأییدات الهی و جوان های ما را نجات داد و شما عزیزان نیروهای ثلاثه را نجات داد، تحولی است که امیدوارم که به همین وضع باقی باشد و تا این وضع موجود است و وضع موجود ادامه دارد، هیچ آسیبی به شما نخواهد رسید.

مهم این است که ما و شما آشنای به وظایف اسلامی و وظایف میهنی خودمان باشیم گمان نکنیم که مسائل تمام شده است و ایران نجات مطلق پیدا کرده است و کسانی که در کمین نشسته اند آرام می شوند. ما هر روز باید به بیداری خودمان بیفزاییم و هر روز باید به وحدت و انسجام خودمان افزایش بدهیم. ما باید، شما باید خودتان را از سایر نیروهای مسلح اسلامی جدا ندانید و آنها هم باید خودشان را از شما جدا ندانند، همه از یک نیرو هستید با اسماً مختلف، نیروی اسلامی _ الهی هستید. اسماً مختلف، لکن معنا واحد و تا این وحدت معنا هست و تا این وحدت بین قوای لشکری هست، ارتش هست و وحدت بین آنها و سپاه پاسداران و بسیج و مردم هست این کشور مصون از هر بلیه ای است، و خدا نکند یک روزی بیاید که منحرفین شما را گول بزنند و ایجاد اختلاف بکنند بین شما. و خدا نکند که روزی بیاید که اشخاصی که انحراف از اسلام دارند، بین شما و پاسداران عزیز اختلاف ایجاد کنند. اگر اختلاف بیاید بین شما و وحدتتان از بین برود مطمئن باشید که آنها کار خودشان را خواهند کرد و شما را همانطور که سابق ارتش در تحت فرمان او بود، شما را تحت فرمان خودشان خواهند گرفت و همچو تصفیه ای خواهند کرد که از شما که برای اسلام خدمت می کنید یک تن باقی نگذارند. باید هوشیار باشید، باید هوشیار باشیم، باید دولت و ملت هوشیار باشند که غفلت از اینکه در کمین هستند برای بلعیدن این کشور از همه اطراف، از آمریکا گرفته تا شوروی، در این معنا شک نباید بکنیم و متکی به خدای تبارک و تعالی باشیم و متکی به قدرت ملی خودمان باشیم که _ با وحدت شما و همراهی ملت از شما و پشتیبانی همه قشرهای ملت از شما، شما را از آسیب مصون نگه می دارد.

اسلام اجازه نمی دهد به مسالمت بین مسلمان و یک کافر متعدی

و بحمدالله شما آن سیلی ای که _ در اول _ در اول حمله صدام وعده داده شد که به صورتش بزنید، شما زدید و الان یک موجود سیلی خورده است که همه چیزش را از دست داده است و کمک های خارجی، کمک های منطقه، کمک های ابرقدرت ها نمی تواند او را نجات بدهد. امروز صدام دور افتاده است و از هرکس تقاضا می کند که یک اصلاحی پیش بیاید حتی از گروه های منحرف و اشخاص منحرف، باز دامن آنها را می گیرد که آنها پیشنهاد اصلاح بکنند، و اما یک اصلاح آمریکائی آنها نمی دانند که آن چیزی که در ایران است و آن معنائی که در ایران است و آن چیزی که در اسلام است اجازه نمی دهد که با یک موجودی که به صغیر و کبیر کشور خودش و کشور ما رحم نکرده است، اصلاح پیش بیاید. لفظ اصلاح یک امری است که صلاحیت ندارد بین مسلمان ها و یک طایفه ای که از اول به اسلام عقیده نداشتند و مؤسس آنها عقلی بوده است که به هیچ دینی از ادیان الهی اعتقاد ندارد. معنا ندارد که دولت اسلامی ایران با دولتی که هیچ اعتقاد به اسلام و به اخلاق بشریت ندارد، سر میز اصلاح بنشیند. ایران همانطور که سیلی زد به این موجود مفلوک، به سیلی زدن خودش و به پس گردنی زدن خودش ادامه می دهد تا اینکه آن چیزهائی که باید زیر بار بروند با فشار نظامی ایران و با

ملت ایران اگر می خواست که صلح آمریکایی بکند ، همان اول از آمریکا جدا نمی شد و قطع روابط نمی کرد و دستش را از ایران کوتاه نمی کرد و جاسوسان او را بیرون نمی کرد و امروز هم اگر دستش را به صلح آمریکایی دراز کند ، صدام و امثال صدام کنار می روند ، لکن مستشارهای آمریکایی وارد معرکه می شوند . ما نمی توانیم صلحی را بپذیریم که طرح آمریکایی دارد و صدام نمی تواند بپذیرد آن چیزهایی را که ما می خواهیم . کسی که ابتدائاً برای اینکه سردار قادسیه باشد تصریح کرد که من به کشوری که مجوس هستند دارم حمله می کنم و کشور ایران را مجوسی خواند و حمله خودش را حمله سردار قادسیه خواند و هیچ اعتقاد به اسلام و اخلاقیات اسلام نداشت ، امروز هم در رادیو و هم در صحبت ها او دم از اسلام می زند .

حالا که بیچاره شده است از اسلام دم می زند و اگر مهلت داده بشود به این خبیث ، آن روزی که مهلت پیدا بکند و تجهیز قوا بکند بدتر از اول به سرزمین شما حمله می کند . باید امروز که بحمدالله قدرت در دست شما ارتشی ها و سپاهی ها و بسیجی ها و عشایر هست ، این قدرت را حفظ کنید و این وحدت را حفظ کنید و به پیش بروید که خدا با شماست و امیدوارم که با زحمت و تلاش پیگیر شما تمام این توطئه ها از بین برود و ایران استقلال خودش را حفظ کند و آزادی خودش را حفظ کند . آنهایی که از ما می خواهند که با صدام صلح کنیم و به جنگ ادامه ندهیم ، آنها _ جنگ آمریکایی _ صلح آمریکایی می خواهند . بعضی از آنها سر تا قدمشان آمریکایی است و از عمال شاه سابق بوده اند و حالا اسلامی شده اند و برای وطن شان و برای حفظ خون مردم وطن شان (و برای حفظ خون مردم وطن شان) ناله می کنند و اشک تمساح می ریزند و انشاءالله شما و سایر قوای مسلح به کار خودتان با قدرت ، با اعتماد به خدای تبارک و تعالی ادامه بدهید و حفظ کنید کشور خودتان را از اینکه دست های قدرت های فاسد در اینجا باز بشود و من امیدوارم که دیگر نتوانند اینها یک همچو تخیلی را بوجود بیاورند و عملی کنند . البته آنها طمع دارند باز طمع شان نبریده است . آنها هم پیشنهاد می کنند که باید صلح بشود ، لکن صلحی که آنها می خواهند صلح آمریکایی می خواهند و ما صلح اسلامی می خواهیم . ما می خواهیم آن کسی که تعدی کرده است به مسلمان ها و آن اشخاصی که خون مسلمان ها را در بلاد ما و بلاد خودش ریخته است و علمای اسلام را در بلاد خودش شهید کرده است ، ما می خواهیم به حکم اسلام از او انتقام بگیریم ، ما می خواهیم قصاص کنیم ، ما می خواهیم دست او را قطع کنیم و ما می خواهیم که این حزب منحوس و این حزب عفلقی از بین برود و کشور عراق به دست خود عراقی ها ، به دست مردم و ملت خود عراق اداره بشود ، نه به دست دیگران و امثال صدام که تمام حیثیت عراق را ، حیثیت نظامی عراق را ، حیثیت ملی عراق را زیر پا گذاشته است و تمام ذخیره عراق را برای نفهمی به باد فنا داده است که امروز مفلس شده است و طلاها و جواهرات زن های مردم را مامورین می روند و به زور می گیرند و یک دسته از خودشان هم نمایش می دهند که صف کشیده اند برای اینکه ذخیره های خودشان را بدهند ، با اینکه با زور دارد از ملت خودش طلاها را می گیرد و در کویت و در غیرکویت به فروش می رساند برای اصلاح حال خودش و یا برای پر کردن جیب خودش و دیگران . یک همچو موجودی نباید دیگر در دنیا باقی بماند و

نباید حکومت این کشور اسلامی را داشته باشد . اسلام اجازه نمی دهد به یک همچو مسالمتی بین ما و او و بین مسلمان و یک کافر متعدی . ما باید به همه کشورهای منطقه بگوییم که اسلام به ما اجازه نمی دهد که حتی یک وجب از ملک شما و از مملکت شما تصاحب کنیم ، ما دفاع داریم می کنیم از شما و از کشور خودمان . ما دفاع از نوامیس شما می کنیم ، ما دفاع از علمای شما می کنیم ، ما دفاع از متدینین شما می کنیم ، ما دفاع از ملت شما می کنیم . لکن بعد از اینکه انشاءالله پیروزی حاصل شد ، کشور شما مال خود شماست و کشورهای منطقه مال صاحبانش هست و کشور اسلامی به یک وجب از خاک دیگران طمع ندارد ، لکن نمی گذارد که کسانی که طمع در مملکت خودش دارند و کسانی که تعدی کردند به کشور ما ، نمی گذارد آنها به راه حیات خودشان ادامه بدهند . من از خدای تبارک و تعالی توفیق شما جوانان و همین طور جوانان عزیزی که در خارج از کشور به اسلام خدمت می کنند ، از خدای تبارک و تعالی می خواهم . آنها مجاهدینی هستند که با کمال اخلاص دارند خدمت می کنند به ایران و شما مجاهدینی هستید که با اخلاص دارید خدمت می کنید به کشورتان و خداوند با شماست و شما را پیروز می کند انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی

فقه در راس دروس است ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود

بسم الله الرحمن الرحيم

آمار و مطالبی که فرمودید امید بخش است. در قدیم حوزه‌ها محصور شده بود در چهار دیواری که کسی نمی‌توانست از آن بیرون بیاید. تبلیغات سوء به صورتی بود که اگر طلبه‌ای می‌خواست حرفش را بزند و در فکر تشکیلات باشد، مورد طعن قرار می‌گرفت. همیشه صحبت (نظم در بی نظمی است) مورد تأیید بود. همه باید متأسف باشیم که این انقلاب دیر پیروز شد. اگر این انقلاب سی سال پیش پیروز می‌شد، وضع حوزه‌ها غیر از این بود. البته روحانیت خوب عمل کرد و فقه اسلام را که فقه جعفری است با مجاهدت‌های زیاد زنده نگاه داشت، ولی بالاخره محصور شده بودند در همان جهت فقهی ولی همان را خوب عمل کردند. اشکال به ما این بود که به غیر از مسائل عبادی فقه هیچ کاری نمی‌کردیم. حوزه‌ها در زمینه‌های دیگر حرکتی نداشتند، تازه علمای بزرگ هم منبر نمی‌رفتند و تبلیغی که اساس کار است انجام نمی‌دادند. وضع فلسفه هم به صورت امروز نبود. آقای شاه‌آبادی رحمت‌الله علیه می‌گفت مرحوم آقا میرزا علی اکبر یزدی که یکی از فلاسفه بزرگ و مردی عالم و صادق و پرهیزگار بود وقتی فوت کرد شخصی برای تعریف از او در منبر گفت خودم دیدم که او قرآن می‌خواند. وضع حوزه‌ها اینگونه بود. علوم ریاضی یا سایر علوم یا نبود یا کم بود. اصولاً کسی به این فکر نبود که چه چیزهایی باشد و چه چیزهایی نباشد، حرکت در حوزه‌ها نبود. حوزه کسی را به عنوان مبلغ اعزام نمی‌کرد، البته افراد، خودشان برای تبلیغ می‌رفتند ولی حوزه کسی را نمی‌فرستاد. اعزام به خارج که در ذهن‌ها نبود و هیچ کس هم فکر نمی‌کرد که امکان دارد کسی را به خارج فرستاد، ولی بحمدالله امروز در حوزه‌ها این مسائل حل شده است من باز عرض می‌کنم که فقه را نباید فراموش کرد. فقه به همان صورتی که بوده است باید باشد. فقه جواهری باید تقویت شود. باید حوزه‌ها وقت وافرشان را صرف فقه و اصول و فلسفه و مباحثه کنند زیرا فقه در راس دروس است ولی مسائل دیگر هم مهم است که باید به آنها عمل شود.

ما می‌خواهیم انقلابمان را با تبلیغ صادر کنیم نه با شمشیر

وضع تبلیغات باید متناسب با نیازها و وضع حوزه‌ها باشد. باید آقایان توجه داشته باشند، همیشه

دنبال مسائل واقعی بروند . کتاب هائی را که می خواهید منتشر کنید ، حتما بدهید عده ای از فضلا بخوانند و نظر دهند و خودتان دقیقا بررسی کنید . اعزام مبلغ از امور بسیار لازم است که باید با دقت عمل شود . ما که می گوئیم می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم ، نمی خواهیم با شمشیر باشد بلکه می خواهیم با تبلیغ باشد . ما می خواهیم تبلیغات گسترده ای را که کمونیست ها و دیگران بر ضد اسلام می کنند ، با تبلیغات صحیح خنثی کنیم و بگوئیم که اسلام همه چیز دارد . اسلام مثل مسیحیت کنونی نیست . از اول نقشه بود که اسلام را مثل مسیحیت که در کلیسا محبوس است ، در مدرسه ها محبوس کنند . متاسفانه خودمان به این نوع تفکر کمک کردیم . به زبان آوردن کلمه سیاست جرم بود برای اینکه القا کرده بودند که سیاست مال منحرفین است . اصولا اساس اسلام از سیاست است . به وسیله پیغمبر اسلام و پس از آن تا مدت ها حکومت تشکیل داده می شد و آنها تمام امور سیاسی را در دست می گرفتند ، لکن در زمان ما کلمه و لغت سیاست را نمی شد به کار برد . شما یادتان نیست در قدیم وضع خاصی بود ، فلسفه و عرفان کفر مطلق بود و فضلا از اینکه زبان خارجی بدانند که بتوانند در خارج تبلیغ کنند در حد کفر بود و واقعا فکرها عقب افتاده بود . اگر ما همه زبان ها را برای تبلیغ اسلام بدانیم عبادتی بزرگ است . ما با زبان اینجا که نمی توانیم برای مردم آمریکا و سایر کشورها مسائل اسلام را بگوئیم . امروز اسلام در اکثر کشورها مطرح است .

تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد که اساس اسلام است

امیدوارم که شما بتوانید اسلام را برای مردم جهان عرضه کنید . انشاءالله خداوند به شما اجر دهد . البته تبلیغات باید بر اساس معنویات باشد ، معنویات اساس اسلام است . سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات تا آنجا که مقدور است بکاهید . همه اش در فکر درست کردن سالن و ساختمان نباشید بلکه در فکر معنویات اسلام باشید .

قم شهر علم و اسلام است و از قم نباید چیز خلافی منتشر شود

توجه داشته باشید کتاب ها و چیزهای دیگری که از قم منتشر می شود غیر از کتاب هائی است که در سایر شهرها منتشر می شود . قم شهر علم و اسلام است . اگر خطائی از قم منتشر شود در دنیا علم می شود . این موضوع هم باید مورد توجه باشد که از قم چیز خلافی منتشر نشود . خداوند به همه شما توفیق دهد .

والسلام علیکم ورحمة الله

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جلالی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حیدر علی جلالی دامت افاضاته

بدین وسیله جنابعالی را به امامت جمعه شهرستان خمین منصوب می نمایم که انشاءالله تعالی ضمن برگزاری این فریضه الهی ، مردم را به وظایف مهمی که در رابطه با اسلام عزیز و انقلاب خونبار ملت شریف ایران دارند آشنا سازید .

اهالی محترم و نهادهای و ارگان ها نیز طبق وظیفه ای که دارند همکاری های لازمه را در انجام هر چه باشکوه تر این نماز وحدتبخش با جنابعالی خواهند نمود . از خدای تعالی ادامه توفیقات شما را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی

دنیا امروز روی این جمهوری حساب باز کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم

در این هفته دولت، ما تلخی ها و شیرینی ها داشتیم. تلخی ها از دست دادن چند نفر اشخاص متعهد که قبل از هفته، مرحوم عراقی بود که من مرحوم عراقی را از آن اولی که نهضت شروع شد و تماس با ما داشتند، می شناختم و انصافا مردی بود که عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد. و در این هفته هم که مرحوم آقای رجائی که همه می دانید چقدر مرد متعهدی و خدمتگزاری بود و واقعا معلم اخلاق بود و اعمال خودش. و همین طور آقای باهنر که مرد دانشمند متعهد و معلمی بود، این اسباب تاسف و تاجر ماست و شما. و این تلخی است که خوب، غیر از این هم ما در این طول مدت داشتیم. و شیرینی و شیرینی ها آنچه بحمدالله در این هفته که هفته دولت است و واقعا باید هفته دولت حساب کرد. دولت و هر چه وابسته به اوست و ارتش و سپاه و همه اینها جای خودشان را در دنیا باز کرده اند. یعنی دنیا امروز روی این جمهوری و روی دولت جمهوری و روی رئیس جمهور این کشور و روی مجلس و همه ارگان های دیگر حساب باز کرده است. آنهایی که تاکنون در کمین بودند که این دولت در بین خودشان یک چیزهایی واقع می شود و مردم هم اینها را قبول ندارند و بعد از یکی دو ماه قضیه تمام است و صدام هم روی همین زمینه بازیش دادند، الان چند سال است گذشته است و آنها باز در خارج نشسته اند و منتظرند به اینکه کسانی برایشان کاری بکنند و آنها بیایند بهره برداری کنند.

و بحمدالله الان دولت استقرار پیدا کرده است و کشور ما یک کشور مستقر مستقلا، آزادی است و من امیدوارم که بیشتر از این رو به استقلال و آزادی و جهات دیگر برود.

شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه دیگری غیر از اسلام عرضه شده بود، ملت مجتمع می شدند

و مهم همین معناست که کرازا من عرض کرده ام، این است که جمهوری چون اسلامی است و ملت اسلامی هستند، مسلم هستند، مادامی که دولت و رئیس جمهور و رئیس مجلس و مجلس و قوای قضائیه و ارتش و پاسدار و همه رو به اسلام باشند این کشور اسلامی رو به آنهاست و اساس همین است که برای خاطر اسلامی بودن از اول پیروزی حاصل شد.

شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه

دیگری عرضه شده بود به این ملت ، ملت مجتمع می شدند . برای اینکه ملت ، ملت مسلمان است . وقتی که اسلام عرضه شد ، خوب ، تمام روحانیون ، اکثر روحانیون ، اکثر کسانی که در کار بودند تبلیغ کردند و مردم را به صحنه آوردند و مردم هم خودشان با روی گشاده آمدند و تا امروز هم تمام این فداکاری ها ، فداکاری های روی اسلام است نه اینکه حساب دیگری دارد . مسأله ملیت هست اما نه آنطوری که آقایان خیال می کنند که ما ملیت را بگیریم و کاری به اسلام نداشته باشیم ، اول ملی باشیم و بعد اسلامی باشیم ، نخیر مسأله اسلامی بودن است که مردم را وادار کرد به اینکه جوان هایشان را بدهند و فریاد بزنند باز جنگ ، این غیر از این چیزی نیست .

باید خدمت کنید به مردم و خدمتتان را بگوئید به آنها

و من کراراً به آقایان عرض کرده ام و حالا هم باز تکرار می کنم که خدمتگزار باشید به این ملتی که آن دست های خیانتکار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد . شما الان امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانتداری این است که آن را به طور شایسته حفظ کنید و به طور شایسته به نسل آینده و دولت های آینده تحویل بدهید ، و مادامی که اینطور باشید ملت پشت شماست و مادامی که همراه شما باشد هیچ آسیبی به شما و به کشور نمی رسد یکی از انگیزه هایی که دیکتاتوری پیش می آورد این است که دیکتاتورها می بینند ملت همراهشان نیست ، اعمال دیکتاتوری می کنند . یکی از انگیزه هاست البته ، انگیزه های دیگر هم دارد . اگر چنانچه ملت ها همراه دولت باشند ، وجهی پیدا نمی کند که دیکتاتوری بکنند با ملت خودشان ، مجهز می شوند برای کسانی که به آنها حمله می کنند وقتی که ملت جدا باشد از دولت و دولت هم بخواهد از ملت استفاده کند و بدو شد ملت را دیکتاتوری پیش می آید . در این رژیم های سابق شاهنشاهی وضع اینطوری بود که مردم حال گریز داشتند و اینها می خواستند آنها را با فشار نگه دارند و از آنها بدو شدند ، از این جهت دیکتاتوری پیدا می شد . شاهش دیکتاتور بود و _ عرض می کنم که _ استاندارهایشان هم همین طور و فرماندارهایش هم همین طور و شهربانی اش هم همین طور و همه شان ، ارتش هم همین معنا بود ، برای اینکه اینها می دیدند که مردم با آنها همراه نیستند ، آنها هم که می خواهند استفاده بکنند ، مسأله هم استفاده بود ، نه مسأله برای انگیزه انسانی بود ، برای استفاده بود از این جهت این انگیزه دیکتاتوری می شد ، تو سر مردم زدن می شد . آن روزی که شما احساس کردید که می خواهید فشار به مردم بیاورید بدانید که دیکتاتور دارید می شوید ، بدانید که مردم معلوم شده از شما رو برگردانده اند . مادامی که مردم هستند و کمک دارند به شما می کنند ، شما اگر مردم نبودند نمی توانستید این جنگ را اداره بکنید ، این شک ندارد . مردم اداره کردند ، یعنی این سپاه مردمند ، این بسیجی ها مردمند ، ارتش هم امروز مردم است . اگر ارتش سابق بود همانطوری که خیال کرده بود صدام ، خیالش به واقعیت می پیوست ، برای اینکه یک ارتشی بود که انگیزه اسلامی نداشت و انگیزه منافع شخصی داشت و به مجرد اینکه وارد می شدند آنها هم دست برداشتند . خوب ، ما سابق دیدیم که وقتی جنگ عمومی پیش آمد بدون اینکه با ما کار داشته

باشند، آنها می خواستند از اینجا عبور کنند، هیچ هم کار به ما نداشتند، به مجرد اینکه اینها در سر حد وارد شدند، تمام ارتشی ها و ژاندارمری همه فرار کردند. و در تهران هم من خودم شاهد بودم که تهران هم چمدان ها را همین ارتشیدها و امثال اینها می بستند و از تهران فرار می کردند. کجا می خواستند بروند نمی دانم. و من دیدم که این سربازهایی که از توی سربازخانه ها آمده اند بیرون می گردند دنبال اینکه یک چیزی پیدا کنند بخورند. این برای این بود که مردم همراه نبودند، مردم شکر می کردند که آمدند اینجا و رضاخان رفت. این یک واقعیت بود که ما شاهد بودیم این معنا را که شکر می کردند که خدا به آنها یک منتهی گذاشته است که اجنبی ها، آئی که اجنبی بودند، از روسیه بود، از آمریکا بود، از انگلستان بود، اینها آمدند و پهلوی رفت. وضع اینطوری بود، چنانچه دیدید وقتی که محمدرضا هم رفت مردم ریختند و آنطور جشن پیا کردند، گوئی که الان سلطنت طلب ها در خارج همین دیشب هم می گفتند که همه ایران سلطنت طلبند و اعلیحضرت رضای دوم الان محبوبیتی دارد که مردم همه با او هستند! خوب، اینها بگویند. و من اعتقاد این است که این رندها جمع شده اند دنبال این بچه که پول هایش را از جیبش در آورند. اینها می خواهند این را، پول هائی که پدر کدایش از مردم گرفته و حالا در بانک ها دست این است با این بهانه ها از او در آورند و بعد هم رهایش کنند برود سراغ کارش. و من صلاحش را می دانم برود سراغ تحصیل و برود سراغ یک کاسبی، بداند که دیگر این کارها گذشته است، مسأله مردم اگر چنانچه جمهوری اسلامی هم نباشد، دیگر سلطنت طلب نیستند این شکی در کار نیست.

در هر صورت آئی که برای شما مهم است خدمت کردن به همه طبقات خصوصا مستضعف ها، خصوصا محرومین که در طول تاریخ محروم بوده اند این بیچاره ها. باید خدمت کنید و خدمتتان را بگوئید به آنها و وقتی گفته می شود، عمل دنبالش باشد و انشاءالله امیدوارم که اگر انگیزه اینطور باشد و شما موفق بشوید و انشاءالله و موفق می شوید انشاءالله به اینکه خدمت کنید به این ملت، این ملت هم همراه شماست و نه انگیزه دیکتاتوری پیش می آید و نه هم شما سودجو هستید که بخواهید نمی دانم پارک داشته باشید و ده داشته باشید و ده را اگر دادند شما، شما اینطوری نیستید، نمی توانید هم باشید با اینکه یک کدامتان اگر یک خانه زاید بر مقدار خودتان درست کنید همه به شما اشکال می کنند، تحت فشار اشکال مردم واقع می شوید، نیستید اینطور و نمی توانید هم باشید. و مادامی که اینطور است، مردمی هستید، مردمی که هستید مردم همراه شما هستند و وقتی مردم همراه شما هستند دیگر آسیبی در کار نیست.

بین دولتی ها برادری باشد

و سفارش دوم این است که بین خودتان، بین وزرائی که هستند، بین دولتی ها که هستند برادری باشد شما برای اسلام می خواهید خدمت کنید، نمی خواهید که برای خودتان کاری بکنید. شما می خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی خواهید که جیب خودتان را پر کنید.

شما اینجور نیستید هیچ گاه ، وقتی اینطور شد داعیه بر اینکه با هم مبارزه و معارضه بکنید نیست و انشاءالله نمی کنید . نمی گویم می کنید که حالا فردا بگویند معلوم شد که اینها ریخته اند به هم که فلانی این حرف را می زند . نه ، اینطور نیست ، نصیحت است من می کنم ولو می دانم که شما هیچ کدام این وضع را ندارید . و من امیدوارم که انشاءالله خداوند شما را حفظ کند و موفق باشید و هر کدام در کار خودتان موفق باشید . و من این چند نفر وزیری که استعفا کردند خوب بعضی شان را خیلی می شناسم مثل آقای عسکراولادی که ایشان هم نظیر آقای مرحوم عراقی از اول نهضت همراه بود و زحمت کشید و من او را مرد بسیار صالحی ، بسیار فداکاری می دانم و بعضی آقایان هم در طول این چیزی بوده است که _ در طول این جمهوری شناختم مثل وزیر کار که آن هم در طول این مدت که آشنا شدم می دانم که مرد صالح خوبی است و مقتضای صلاح هم همین است . که وقتی دیدند که مثلا- بین دولت و آنها خیلی هماهنگی نیست ، خوب ، این پست را رها کنند یک پست دیگری بگیرند و دولت را بگذارند که آنطوری که می خواهد عمل بکند . و بحمدالله دولت هم رو به این است که انشاءالله مطالب را اصلاح بکند ، گرانی را رفع بکند ، ارزاق مردم خصوصا ، ارزاق مردم که موجب گرفتاری مردم است و ناراحتی بسیاری هم هست البته ناراحتی در طبقه بالاست ، آنهایی که گرانی برایشان چیزی نیست آنهاست که هی به مردم تزریق می کنند که ارزانی نیست و چه و کذا . در هر صورت امیدواریم که انشاءالله این مسأله هم _ این _ حل بشود ، این مشکل هم حل بشود و سایر مشکلات هم انشاءالله حل بشود و مشکل جنگ هم حل است تقریبا ، انشاءالله بهتر از این بشود . و امیدوارم که انشاءالله در همه جهات موفق و پیروز باشید و توجه خودتان را به خدا همیشه داشته باشید و خدا در خلوت و جلوت همراه شماست و ناظر . علاوه بر اینکه ملائكة الله ناظر شما هستند ، من وراثهم خدای تبارک و تعالی است که آن چیزهایی که بر ملائكة الله هم مخفی هست _ بر _ اسرار غیبی شما پیش اوست و همه چیز در نظر اوست و همه چیز پیش اوست و شما فردا باید حساب پس بدهید از همه چیز و من امیدوارم که در این حساب ، خوش حساب باشید و نامه اعمال همه ما یک نامه اعمالی باشد که به دست راست ما بدهند و امیدوارم همه موفق و مؤید باشید

والسلام علیکم ورحمة الله

پاسخ امام خمینی به پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات اعضای محترم ستاد انقلاب فرهنگی و تمام کسانی که برای اسلامی و انسانی نمودن دروس و محیط دانشگاه ها زحمت کشیده اند ، امید است با ترمیم ستاد محترم و کوشش دانشجویان عزیز و متعهد و هماهنگی اساتید محترم و تلاش تمامی دست اندرکاران مؤمن و پشتیبانی ملت معظم ، این پایگاه اسلامی _ ملی که سرنوشت کشور در آتیه دور و نزدیک به آن پیوستگی دارد با استقلال و شایستگی به خدمت خود ادامه دهد . و امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است ، قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است جوانان عزیز دانشگاهی هر چه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خود کوشش نمایند و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد و اگر انحراف و گرایشی به شرق و غرب خدای نخواستہ از اساتید یا دانشجویان مشاهده کردند به ستاد فرهنگی اطلاع دهند و در رفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایند .

از خداوند تعالی توفیق همگان را برای ادامه استقلال و اعتلای میهن اسلامی خواستار است .

روح الله الموسوی الخمينی

پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام و مسلمانان جهان (به مناسبت فرا رسیدن عید سعید قربان)

بسم الله الرحمن الرحيم

فرا رسیدن عید بزرگ اسلامی قربان را به همه مسلمین تبریک عرض می کنم . عیدی که انسان های آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می اندازد ، قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ _ را _ به فرزندان آدم و اصفیاً و اولیای خدا می دهد . عمق جنبه های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام علیهم الصلوة والسلام و خاصه عبادالله کس دیگری نمی تواند ادراک کند . این پدر توحید و بت شکن جهان به ما و همه انسان ها آموخت که قربانی در راه خدا پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد جنبه های سیاسی و ارزش های اجتماعی دارد . به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید . خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا را و عدل الهی را بر پا نمائید . به همه ما ذریه آدم فهماند که مکه و منی قربانگاه عاشقان است و اینجا محل نشر توحید و نفی شرک ، که دل بستگی به جان و عزیزان نیز شرک است . به فرزندان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خود گذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید . به جهانیان بگوئید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت و از هر چیزی حتی مثل اسمعیل ذبیح الله گذشت که حق جاودانه شود . این بت شکن و فرزند عزیزش بت شکن دیگر سید انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به بشریت آموختند که بت ها هر چه باید شکسته شود و کعبه که ام القری است و آنچه از آن بسط پیدا کرده تا آخرین نقطه زمین ، تا آخرین روز جهان باید از لوث بت ها تطهیر شود . بت هر چه باشد ، چه هیاکل ، چه خورشید ، چه ماه و چه حیوان و انسان و چه بتی بدتر و خطرناکتر از طاغوت های در طول تاریخ از زمان آدم صفی الله تا ابراهیم خلیل الله تا محمد حبیب الله صلی الله علیه و آله و آلهم اجمعین تا آخر الزمان که بت شکن آخر ، از کعبه ندای توحید سر دهد ، مگر ابرقدرت های زمان ما و بت های بزرگ نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می خوانند و با زور و تزویر ، خود را به آنان تحمیل می نمایند ؟ کعبه معظمه یکتا مرکز شکستن این بت هاست . ابراهیم خلیل در اول زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فدا در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می دهند . خداوند تعالی به ابراهیم فرمود : (واذن فی الناس بالحج یا توک رجالا- و علی کل ضامر یاتین من کل فج عمیق) و فرمود : (وطهر بیته للطائفین والقائمین والركع السجود) و این تطهیر از همه

ارجاس

است که بالاترین آنها شرک است که در صدر آیه کریمه است و در سوره توبه می خوانیم: (واذان من اللّٰه ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان اللّٰه بری من المشرکین ورسوله) و مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می دهند و ما باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سردهیم و با فریادها و دعوت ها و تظلم ها و افشاگری ها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکرمه بت ها را بشکنیم و شیاطین را که در راس آنها شیطان بزرگ است در عقبات رمی کنیم و طرد نمائیم تا حج خلیل اللّٰه و حبیب اللّٰه و ولی اللّٰه مهدی عزیز را بجا آورده باشیم و الا در حق ما گفته می شود (ما اکثر الضحیح و اقل الحجیح) امید است حجاج محترم بیت اللّٰه الحرام از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می باشند در موافق و مشاعر محترمه دستجمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند و برای بیداری مسلمانان و حکومت های آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند. شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسر اصنام جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهانخواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند. (انه عفوا غفورا).

اینک تذکر بعض مطالب برای زائران بیت اللّٰه الحرام و عموم مسلمین لازم است گرچه کرارا عرض شده است:

1_ از امور مهمه ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروان ها وقت شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یادگرفتن مسائل حج است که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمت های فراوان شود از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام.

علمای اعلام کاروان ها از زوار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند و حجاج واجب است برای یاد گرفتن، لحظه ای را کوتاهی نکنند و با تمام توان مسائل را یاد بگیرند و با علم به مسائل، مناسک را عمل کنند.

2_ همه می دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده خصوصا در یکی دو قرن اخیر که دست دولت های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به طور مداوم می دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غریزه و شرفزده آنان به توده های مسلمانان محروم تحمیل شده است که حتی غالب علمای اسلام گمان می کردند و می کنند که اسلام از سیاست منزله است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حيله گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام

به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده نمودند و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده و با دست آنان ملت ها را به استضعاف و استثمار کشاندند و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده های در بند گردید و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرت ها به سلطه و چپاول خود ادامه می دهند و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می زنند و (انا لله و انا الیه راجعون) .

3_ از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می دارد تبلیغات همه جانبه ای است که غربزدگان و شرقزدگان یا به امر ابرقدرت ها یا کوتاه نظری خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته اند و می اندازند و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیسم و کمونیسم است و آنان خصوصاً غربی ها و اخیراً آمریکایی ها نژاد برتر هستند و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است و به تعبیر دیگر آنان انسان های تکامل یافته هستند و اینان در حال تکامل که پس از میلیون ها سال به تکامل نسبی می رسند . پس کوشش برای پیشرفت بیفایده است و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه داری غرب باشند و یا کمونیسم شرق ، و به بیان دیگر ما از خود هیچ نداریم و باید همه چیز را از ابرقدرت های غرب یا شرق بگیریم ، علم را ، تمدن را ، قانون را ، و پیشرفت را . و شما امروز سیاه ما را می بینید ، که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده اند هر چیز اگر چه ممتاز باشد و از خودی باشد به همین جرم مشتری اش کم است و همین را اگر اسم غربی به آن بگذارند مشتری زیاد پیدا می کند . پارچه ایران حتماً باید در حاشیه اش حروف خارجی و لاتین داشته باشد تا مشتری پیدا کند و مرض هایی که در خود کشور به نحو شایسته معالجه می شود باید به خارج سفر کرد تا معالجه شود و این باور در حالی است که بعض دانشمندان و نویسندگان غیرمسلمان با شواهد زنده ثابت نموده اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسلمانان در این امور پیشقدم بوده اند . باید گفت که دانشگاه های ما به دست یک مشت غربزده خود باخته ، یا مزدور اداره می شد و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند و قدرت را از آنان سلب کرده بودند و آن دسته اکثریت غربزده جوانان را عاشق غرب می کردند و فوج فوج به خارج می فرستادند و در خارج دست استعمار کار خود را می کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگه می داشتند و با افکار غربی و غیراسلامی و غیرملی به کشور باز می گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آنها بود و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند .

4_ و از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است تبلیغات دامنه دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرت های خارجی است . در سابق از انگلیس به دست به اصطلاح روشنفکران

و تحصیلکردگان غریزه یک غول ساخته شده بود، به دولت های بی اطلاع و ملت های در بند تحمیل کرده بودند که اگر به یک فرارش سفارتخانه انگلیس یک حرف درشت زده شود ایران به باد فنا می رود و پرچم سفارت بر سر خانه هر مجرمی که افزاشته می شد از مجازات مصون می گشت و اشاره سفیر انگلیس به دولت یا صدر اعظم کافی بود برای اجرای اوامر و اطاعت بی چون و چرای او. و امروز از این دو قدرت خصوصا امریکا در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و شاخدارتر ساخته اند و گمان می کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می رود. و با خیال های خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غریزه به این نحو شایعه ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خودباختگان ملی نما کمتر از مجرم اصلی نیست.

5_ امروز چاره چیست و برای شکستن این بت ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می باشد؟ یک چاره که اساس چاره هاست و ریشه این گرفتاری ها را قطع می کند و فساد را از بن می سوزاند، وحدت مسلمانان بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان است و این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده اند، با دعوت و تبلیغ دامنه دار باید بوجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ، مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع و در آخر الزمان حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفدا تعقیب می کند. به ابراهیم خلیل الله خطاب می شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی. بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی و همه ذریه آدم باید به تو تاسی کنند، ببینند که بت ها را شکستی و آنچه جز خداوند بود به دور افکندی، شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسان ها و گفتمانی از روی حقیقت گفتمانی (وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین) و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم الشان تاسی کنند. و در سوره توبه که امر شد در مجمع عمومی در مکه خوانده شود می خوانیم: (و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله) فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج و این یک فریاد سیاسی _ عبادی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آن امر فرمود. حال باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر آمریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می داند گفت تاسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امر خداوند را تخطئه می کنید و تاسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می کنید و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می سپارید و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی خبر گوش فرادهد و مسلمین را همانطور که وعده

نموده است در مراسم حج و براءت از کفار و مشرکان آزاد گذارد و در این عمل الهی با آنان خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته اند هماهنگ شود تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند. و من موکداً از زوار ایرانی و دیگر زائران بیت الله الحرام می خواهم که نظم و آرامش را مراعات کنند و به دستورات نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها عمل کنند و همه مسلمانان را برادر خود بدانند و با آنان به طوری که شایسته یک مسلمان متعهد است عمل نمایند. امید است دولت سعودی نیز با حجاج ایرانی که از ستمکاران غدار که به کشورهای اسلامی تجاوز و دخالت های بیجا می کنند، تظلم می نمایند، به نحوی شایسته هماهنگی و همگامی و وحدت کلمه، کفار متجاوز به حریم اسلامی را محکوم کنند تا حج امسال انشاءالله تعالی به طوری که مرضی خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است انجام گیرد.

6_ از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهانخوار لازم به تذکر است آن است که نوعاً قدرت های ستمگر از راه ارباب و تهدید یا به وسیله بوق های تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائن شان مقاصد شوم خود را اجرا می کنند، در صورتی که اگر ملت ها با هشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند موفق به اجرای آن نخواهند شد. شواهد بر این مدعا زیاد است و زنده ترین شاهد در کشورهای منطقه ایران و افغانستان است. ایران چنانچه می دانیم و می دانید دست بسته تسلیم امریکا بود و شاه مخلوع خائن، این کشور را در تمامی ابعاد وابسته به امریکا کرده بود و ایران یکی از پایگاه های نظامی امریکا بود. ارتش در دست مستشاران آن و فرهنگ در دست جیره خواران و شاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودند. اقتصاد در وابستگی از آنها بدتر و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود و پشتیبان او امریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بود، با اینهمه ملت معظم ایران که فاقد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حربی بود با دست خالی و ایمانی قوی فرا گرفته از اسلام و عزمی راسخ و اتکا به خدای تعالی و اعتماد به نفس در مدتی کوتاه به طور معجزه آسا بت های تخیلی ساخته و پرداخته غریزدگان را فرو ریخت و طومار ستمگری دو هزار و پانصد ساله را در هم پیچید و بر اسطوره های تاریخ سازان و بت تراشان خط ابطال کشید. و افغانستان هجوم ناجوانمردانه شوروی، آن قدرت اسطوره ای و ارتش قدرتمند حکومت غاصب و حزب خائن را با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به خویش در هم کوبید. به طوری که باید گفت شوروی با پریشانی و پشیمانی از هجوم ظالمانه خود بسر می برد و در حیرت است که چگونه از افغانستان بدون آبروریزی جا خالی کند. و همچنین ملت قدرتمند و علمای متعهد بودند که فرانسه و انگلستان غاصب را از الجزایر و عراق بیرون کردند. اینها و امثال اینها برای فرو ریختن رعب های ساختگی به دست استعمار استثمارگران کافی است که مسلمانان و دولت های کشورهای اسلامی را از خواب گران بیدار کند و این طلسم های ساختگی را و سحرهای شیطانی را ابطال نماید و مسلمانان و دولت های

آنان را با داشتن یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن شریان حیات غرب و شرق و دارا بودن کشورهای وسیع و غنی از سحر و وحشتزدگی خارج کند و از ایران که با جمعیت ناچیز سی و چند میلیونی دست همه قدرت ها را از کشور خود قطع و تمام قید و بندهای استعماری را گسیخت و مستشاران و مفتخواران را از میهن عزیز راند ، عبرت بگیرند و به بوق های استعماری که یکصدا از اول پیروزی انقلاب تاکنون با شایعه پردازی ها و نشر اکاذیب ، ایران را یک کشور در حال سقوط و ورشکسته معرفی کرده و می کنند گوش فرادهند و از یک قدرت اسلامی که هدفش سرافرازی مسلمین و کوتاه کردن دست ستمگران از ذخائر خداداد آنان است و پیوسته می خواهد بین برادران اسلامی صلح و صفا و اخوت ایمانی برقرار باشد ، قدردانی کنند و بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب که غایت آمالشان دست یافتن بر کشورهای اسلامی و مستضعف است آنان را در مواقع گرفتاری تنها می گذراند و کلمه وفا در قاموس آنان راهی ندارد .

7_ اگر انشاءالله آن وحدت بین مسلمین و دولت های کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشانش خواسته اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده اند ، حاصل شود ، دولت های کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملت ها توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند . و اکنون که این حاصل نیست ، دولت های اسلامی منطقه و حواشی آن می توانند یک ارتش ذخیره ده ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند که این نیز فوق قدرهاست و امید است دولت های منطقه با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرت ها نجات یابند و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند . و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند .

امروز ایران با همه گرفتاری ها و کارشکنی ها و حصر و سدها در صدد است تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد و تاکنون به طوری که گزارش می دهند قریب یک میلیون رزمنده ذخیره تعلیم دیده دارد که به محض آنکه لازم شود ، با یک هشدار برای دفاع از میهن اسلامی خود مجهز و مسلح می شوند . دولت های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار کنند و خود در کنار ملت باشند و مردم احساس خدمتگزاری آنان را نمایند این امر در کشورهای آنان نیز حاصل می شود و مقدمه است برای آنچه اسلام بزرگ به آن امر کرده و طرح داده است . و باید متأسف بود که اسلام در همه ابعادش ناشناخته است و زیر پرده های استعماری در طول تاریخ می باشد . از خدای بزرگ می خواهیم که این پرده های سیاه را برچیند و چشم مسلمانان را به جمال جمیل اسلام روشن فرماید تا دنیا بداند اسلام برای جهان چه آورده است . و آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح

جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخرالزمان ارواحنفاذده حاصل شود، و رسیدن انسان ها به کمال و سعادت اخروی است که خداوند نصیب همگان فرماید .

8_ مسلمانان و خصوصا مظلومان منطقه بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره ها که شاید اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد هیچ گاه از مقصد شوم خود که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است منصرف نخواهد شد و امریکا که چنگ و دندان در منطقه نشان می دهد از مهره ای چون اسرائیل که مجری جنایت های آن در منطقه است به کامل پشتیبانی می کند و بازی های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت . و کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند که در صورت فرصت خدای نخواستہ حرث و نسل منطقه را به هلاکت می کشاند و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند . چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست . و لازم است برای آرامش ، منطقه ، اکنون که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ایدهم الله تعالی این جرثومه فساد را تالیه پرتگاه هلاکت رسانده اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته اند ، دولت های منطقه از کمک به او دست بردارند که صلاح دین و دنیای آنان است و در صورتی که مهلت پیدا کند بر هیچ یک از دولت های خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد . شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبرو است در یک سخنرانی گفت : اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند به مسأله رهبری اکتفا نخواهد کرد . و بوق تبلیغاتی دولت هایی که از ایران سیلی خورده اند ، برای مصالح خودشان و دربند کشیدن هر چه بیشتر ملت ها ، شماها را از ایران ترسانند ، ولی دولت ها بدانند که ایران به پیروی از تعالیم اسلامی با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند با برادری و برابری رفتار می نماید ولی هرگز به خود اجازه نمی دهد با کسی که نسبت به ما آن همه خسارات و جنایات وارد کرده است مسالمت کند . و ملت عزیز عراق در انتظار پیروزی ایران است تا از نیش های این عقرب جراه نجات پیدا کند و امید است که با یاری خداوند این انتظار به طول نیانجامد ایس الصبح بقریب .

9_ حجاج محترم ایران و زائرین حرمین شریفین بدانند که آنها از کشوری که برای اهداف اسلامی و بیرون راندن ستمگران از کشور عزیز خویش قیام کرده است به سوی خانه خد و حرم شریف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و قبور معظم و فرزندان پیامبر علیهم و صلوات الله می روند ، تحت مراقبت برادران اسلامی سراسر جهان هستند و خبرگزاری ها و دروغپردازان بوق های تبلیغاتی و دشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند و در صددند که از کاهی کوهی بسازند و سرتاسر جهان را از شایعه های خود پر نمایند . در این صورت جزئی انحراف و خطا و لغزش آنان علاوه بر آنکه در پیشگاه خداوند بزرگ و رسول عظیم الشانش می باشد ، در حضور سایر زائران حرمین شریفین است که به واسطه پیامد آن گناهی بزرگ و خطایی عظیم است زیرا علاوه بر آنکه بعضی اعمال و گفتار ، خلاف حرمت حرمین شریفین است موجب وهن جمهوری اسلامی است که

خدای نخواستہ این جمهوری اسلامی که برای حکومت اللہ و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده به واسطه بعض اعمال و رفتار آنان به گونه ای دیگر معرفی شود و عیب جویانی که مراقب خرده گیری و بهانه هستند بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه پراکنی و مشوه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی پردازند و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت فریضه حج رفته اند نوشته شود . لازم است مراقب باشند که اعمال رویه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند و هرکس مراقب دوستان و نزدیکان خود باشد و در برنامه های انسانی اسلامی صحیح که از طرف نماینده اینجانب جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها ترتیب داده می شود تبعیت کنند و از آنها تخطی نکنند که موجب هرج و مرج و ناراحتی زائرین فراهم شود . و پلیس کشور سعودی و متصدیان امور حج و زیارت و دولت سعودی باید توجه کنند که زائران ایرانی که از یک کشور انقلابی تحت ستم غرب و شرق و غارت زده که با تأیید خداوند متعال و قیام و نهضت همگانی خود را از چنگال ابرقدرت ها نجات داد و با همت والای مرد و زن و کوچک و بزرگ استقلال و آزادی را به دست آورد و رژیم ستمشاهی امریکایی را به رژیم اسلامی مردمی تبدیل کرد و مستشاران و جاسوسان امریکائی و شوروی را یا از کشور راند و یا به بند کشید ، به زیارت بیت الله الحرام و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه مسلمین علیهم السلام مشرف می شوند ، میهمانان خدا و رسولند و اهانت و جسارت به آنها اهانت و جسارت به میزبانان بزرگ آنان است ، خصوصا که این میهمانان آمده اند تا همراه با مناسک حج به ندای ابراهیم خلیل الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لبیک گویند که لبیک به آنان نیز لبیک به خدای تعالی است . با اینانی که از کل فج عمیق هجرت به سوی خدا و رسول بزرگ او کرده اند با مهر و صفا و محبت و وفا و اخوت اسلامی رفتار کنید و میهمانان خدا و رسول را آزار ندهید . اینان برای مناسک حج و برائت از مشرکان و کافران که خدا و رسول او از آنان برائت جسته است آمده اند . این میهمانان متعهد را گرامی دارید و از قدرت یک رژیم مقتدر اسلامی برای سرکوب دشمن اسلام و مسلمین ، اسرائیل غاصب و قطع ید ارباب او امریکا ، راس دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی بهره برداری کنید و مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید که این یکی از اسرار حج است و خداوند غنی از لبیک ها و عبادات بشر است .

بارالها! ما را از پیروی شیطان و نفس اماره حفظ فرما . ما را از حب جاه و مقام و دنیا و نفس خویش بازدار . دولت های کشورهای اسلامی را از وحشتزدگی در مقابل دو قدرت چپ و راست نجات مرحمت فرما و آنان را به وظایف اسلامی انسانی آشنا نما . و ملت ها و دولت های کشورهای اسلامی را برای حصول وحدت و اخوت راهنمایی فرما . و حجاج ایرانی را که در راه هدف بزرگ تو تحمل رنج و زحمت و اهانت و حبس و زجر می نمایند از رحمت و جلوه خاص خود بهره مند فرما . و دست قدرت چپاولگر را از بلاد مسلمین کوتاه فرما . و ما را به آنچه رضای تو است هدایت نما و لشکریان اسلام را در دفاع از سرزمین خود و مظلومان منطه نصرت عنایت فرما . و اسرائیل غاصب

متجاوز و امریکا و شوروی ستمگر را مخدول فرما . و اسلام و مسلمین را تقویت فرما و از شر اجانب حفظ کن .

«أَنْتَ وَلِيُّ النَّصْرِ وَالنِّعْمَةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى أَوْلِيَاءِ الْمُعْتَصُمِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ - ازوا حُنَا فِدَاءُ»

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 95

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از شاگردان و تربیت یافتگان مدرسه شهید قدوسی و اعضای خانواده آن شهید

آن مقداری که اسلام از عالم های بی تقوا صدمه دیده است ، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

ضایعه بزرگ شهادت مرحوم آقای قدوسی باعث تأسف و تأثر است من سال های طولانی با او آشنا بودم . ایشان اهل علم و عمل بود و در راه اسلام هم فدا شد . امیدوارم خداوند رحمت های واسعہ اش را بر او عنایت فرماید . انشاءالله آقازاده ایشان هم راه ایشان را طی کند .

راجع به مدرسه ها و حوزه ها کرارا عرض کرده ام که علم بی تقوا اگر مضر نباشد ، مفید هم نیست . آن مقداری که اسلام از عالم های بی تقوا صدمه دیده است ، معلوم نیست از مردم عادی دیده باشد . آنچه اصل است تقواست ولی اگر همین تقوا نزد اشخاصی جاهل باشد ، گاهی ضرر می زند . آدم هائی که ظاهر صالح دارند ممکن است به واسطه نا آشنائی به مبانی اسلام ، اشتباهاتی انجام دهند . اما علم و تقوا اگر در کسی جمع شد در دنیا و آخرت سعادت مند است . و آقای قدوسی هم عالم بود و هم متقی .

آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ (قضاوت) به دست بی تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند

حوزه های علمیه امروز باید بیشتر از سابق در مسائل اسلامی و فقه جدیت نمایند و مسأله فقه به همان نحوی که مشایخ درست کرده اند ، باید محفوظ بماند ، لکن الان که ایران به واسطه گرفتاری ها به اهل علم احتیاج دارد ، اگر چه به طور موقت آقایان باید به خدمت هایشان ادامه دهند و درست است که به تحصیل فقه در اولویت است ، اما همه اینها به خاطر حفظ اسلام است و امروز اگر برای حفظ اسلام احتیاج باشد که آقایان به جبهه ها بروند و رزمندگان را تشویق بنمایند ، باید این کار را انجام دهند . و همچنین امور قضایی از باب اینکه قضاوت و یادگیری آن از حوزه ها سلب شده بود و کسی هم فکر دخالت در آن نمی کرد و از این جهت نقیصه زیاد داشت و دارد و با اینکه پیش از این من اجازه نمی دادم که با تقلید ، قضاوت انجام شود ، لکن چون کمبود داریم افرادی که با تقلید می توانند عهده دار این مسأله باشند ، مانعی ندارد . و شاید شما مطلع باشید با آنکه شارع مقدس به امر قضا آنهمه اهتمام

داشته است ، در سابق بر خلاف این حتی یک عده کمونیست هم قضاوت می کردند . و آقایان به خاطر اینکه این منصب بزرگ به دست بی تقواها نیفتد باید در این امر شرکت کنند . و ما تکلیف داریم که قضاوت و سایر جهات را حفظ کنیم تا زمانی که جمهوری اسلامی در سیر خود قرار بگیرد ، آنگاه علما به پست خودشان که از همه شریفتر است برگردند . و من از ابتدا همین مطلب را می گفتم که علما شانسان نیست مسئولیت دولتی بپذیرند ، خیال کردم که بدون آنها کارها درست می شود ، ولی پس از مدتی دیدم که اگر به این وضع باقی بمانیم ، اصل اسلام هم در خطر می افتد . و از آن مبنای اول برگشتم و تا مادامی که اینها اشخاص صالح را به جای خود پیدا نکرده اند ، باید باشند . انشاءالله خداوند شما را حفظ کند و بتوانید به تحصیل و خدمت خودتان ادامه دهید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 97

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضا مؤولین و اساتید جامعه الامام الصادق اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، اساتید و طلاب مدرسه عالی شهید مطهری و گروهی از مؤولین مؤسسه در راه حق

به دلیل تبلیغات خاص اجانب و عمال آنان اسم سیاست را نمی توانستیم در حوزه های علمیه ببریم

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید تشکر و قدردانی کنم از آقایان فضلائی که در قم و تهران اشتغال دارند به تعلیم و تعلم . و امیدوارم که برای آتیه اسلام همه مفید و به طور شایسته آنچه که باید ، وظیفه آنهاست عمل بفرمایند . مع الاسف ما هم دانشگاه مان و هم مدارس علوم دینی مان هر کدام از یک جهتی نواقص زیاد داشت و نمی شد . و نمی توانستند رفع کنند . دانشگاه از جهت اینکه اصلا اساسش اگر هم بر این نبود که ایران را به دامن قدرت های بزرگ بیندازد ، کم کم به آن قضیه کشیده شد و جوان های عزیز ما را آن اشخاصی که مأمور بودند ، به نحوی که آنها می خواستند تبلیغ و تربیت می کردند و بعد هم می فرستادند به خارج و آنها رویشان کار می کردند و بعد هم که آمدند ، بسیاریشان اصلا با دیانت بکلی مخالف بودند و بسیاریشان هم بودند که اگر هم مخالف نبودند نمی توانستند کاری انجام بدهند در هر صورت دانشگاه وضعش این بود . مدارس علمی که ما حالا از آن روی همرفته تعبیر می کنیم به فیضیه ، آن از جهات دیگر ناقص بود ، آنجا را مستقیما نیامدند مثل دانشگاه تصرف کنند و نتوانستند بکنند . آنها با همه سختی ها در دوران رضاخان که سختی ها زیاد بود ، تحمل کردند و راه خودشان را ادامه دادند و زمان بعد هم همین طور . لکن ما محصور شده بودیم در یک کتاب ها و در یک عقاید خاصی کتاب ها از حیث تعلیم و تعلم غالبا از طهارت و تجارت و صلوات _ غالبا _ تجاوز نمی کرد . علوم قضایی و حدود و دیات و اینها از علوم غریبه بود ، البته مشایخ نوشته اند ، همه را مستقصی نوشته اند ، لکن در حوزه ها از باب اینکه این امور خارج بود از حیطه عمل آنها ، قضاوت دست آنها نبود ، حدود و دیات و قصاص و اینها عملی نبود ، از این جهت آنها مورد بحث واقع نمی شد و ما محصور شده بودیم در کتاب ها ، در باب تعلیم و تعلم به همان مقدار ، و از آن طرف در عین حالی که خارجی ها و عمال آنها تصرف مستقیم نداشتند در حوزه ها ، لکن یک تبلیغات خاصی انجام گرفته بود در سال های طولانی که باید حوزه ها از امور اجتماعی و سیاسی بکلی مبرا باشد و اسم سیاست را نمی توانستیم در حوزه های علمیه ببریم و امور مسلمین و چیزهایی که مربوط به جامعه مسلمین است در حوزه بحثی

امروز احتیاج است که جزو برنامه تبلیغات مدارس دینی ، زبان های زنده دنیا باشد

بحمدالله امروز که ما از آن قیدوبندها رهایی پیدا کرده ایم باید توجه به این معنا داشته باشیم که امروز حوزه ها با دیروز حوزه ها فرق دارد . امروز حوزه ها برای دنیا ، الان دنیا یک تحولی پیدا کرده است که کانه عائله واحده شده است . این صحبتی که من الان برای شما می کنم ممکن است که بعد از دو ساعت دیگر در امریکا هم منعکس بشود و همین طور هر مطلبی که در ایران واقع می شود در همه دنیا پخش می شود . یعنی یک کسی اگر صدا بکند به صدای عادی ، صدای او قبل از اینکه به آخر این مجلس برسد به آمریکا رسیده است . وضع اینطور شده ، دنیا کانه همه مجتمع شده است در یک محصور کوچکی از حیث جهات .

ما امروز نمی توانیم مثل سابق فکر کنیم ، ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود . گاهی اتفاق می افتاد که در یک جای دیگر هم می رفتند اما گاهی بود ، خیلی کم . و تبلیغات آنقدری که برای خارج لازم است برای داخل کمتر از او لازم است . شما می بینید که امروز همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام است ، با اسم ضدیت با جمهوری اسلامی اصل اسلام را محکوم می کنند . صورت اسلام را به یک صورت دیگری در آورده اند که غیر واقعیت اوست . بیشتر احتیاج به زبان ، زبان های خارجی نبود ، امروز احتیاج است به این ، یعنی جزو برنامه تبلیغات مدارس باید زبان باشد ، زبان های زنده دنیا ، آنهایی که در همه دنیا شایع تر است . این باید یکی از چیزهایی باشد که در مدارس دینی ما که می خواهند تبلیغ بکنند ، این امروز محل احتیاج است ، مثل دیروز نیست که ما صدامان از ایران بیرون نمی رفت . امروز ما می توانیم در ایران باشیم و به زبان دیگری همه جای دنیا را تبلیغ کنیم ، در همه جا مبلغ باشیم و علاوه بر آن امروز رفتن به همه جای دنیا یک امر آسان و عادی است که مبلغین انشاءالله باید تربیت بشوند و فیضیه و دانشگاه ما باید یک دانشگاه و یک فیضیه باشد برای همه دنیا ، تبلیغ برای همه دنیا ، برای همه کشورهای عالم .

واجب کفائی است که نسل جوان را برای قضاوت و تبلیغ تربیت کنیم

و بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود رها شد . امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند . بانوان مشغول هستند . الان بانوان مشغول هستند . الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند و خودشان در هر جا هستند مشغول تربیت و تعلیم هستند و این امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد . آنوقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و مسأله علمی بگویند و مسأله عقیدتی بگویند . امروز اینها می توانند با همه حفظ جهات اسلام در همه جای کشور تبلیغات بکنند ، بلکه در خارج از کشور هم . ما بسیار عقب افتاده بودیم در این امور و امروز باید تلافی کنیم ، باید نقیصه ها را

رفع بکنیم . ما نه امروز مبلغ داریم و نه قاضی داریم . یک عده مختصری ، آنقدری که ما ایران احتیاج به مبلغ دارد ، ندارد ، حوزه ها ندارند . آنقدری که قاضی لازم دارند ، حوزه ها ندارند ، حوزه ها تربیت قضات را نکرده اند ، یک عده پیر مردها هستند لکن آنها نمی روند سراغ این کارها . ما الان نسل جوان را باید برای قضاوت ، برای تبلیغ تربیت کنیم . برای قضاوت که واجب است ، واجب کفائی است برای همه ، باید تربیت کنیم که این واجب کفائی تحقق پیدا بکند و برای تبلیغ هم لازم است ما تبلیغ بکنیم ، آن هم جزو واجبات است که ما از اسلام تبلیغ بکنیم . آن چیزی که وارد شده است در قرآن باید تبلیغ کرد به همه جا ، و تبلیغ لازمه اش این است که زبان بدانند . شما نمی توانید بروید در انگلستان برای انگلیسی ها با زبان فارسی تبلیغ کنید یا در امریکا اینطور یا در شوروی ، شما باید با زبان اهلی آنها تبلیغ کنید و این از امور لازمه ای است که پیشتر نمی شد اسمش را برد و حالا می بینیم جزو لازم هاست و واجبات است که باید عمل بشود .

بنابر این در عین حالی که من تشکر می کنم از همه آقایانی که در این امور دخیل هستند و مشغول خدمت و فداکاری هستند ، در عین حال از آنها تقاضا دارم و از همه حوزه های علمیه در هر جا که هست این تقاضا را دارم که دامن به کمر بزنند و نقیصه های سابق را ، عقب افتادگی های سابق را جبران کنند . مبلغ درست کنند ، قاضی درست کنند ، چیزهایی که احتیاج دارد اسلام به آنها . و تبلیغ اسلام به غیر از اینها ، یا عمل کردن به احکام اسلام بدون آنها نمی شود . بنابر این با اینهمه تبلیغات علیه ما ، ما هم باید تبلیغات داشته باشیم . ما باید اعزام مبلغ در خارج بکنیم به آنقدری که میسر است برای ما و امیدوارم که موفق بشوید ، آقایان موفق بشوند هم در دانشگاه و هم در فیضیه ، موفق بشوند به اینکه تربیت کنند عده زیادی را از زن و مرد برای تبلیغ .

این دنیا در یک محیط خفقان دارد بسر می برد ، خفقان از این دو ابرقدرت

و شما ببینید که دنیا الان بر ضد ما قیام کرده اند . شما ملاحظه کنید برای سرنگونی یک طیاره کره جنوبی چه بساطی درست کرده اند . البته به قتل رساندن و ساقط کردن یک طیاره ای که انسان ها در آن هست و اشخاص عادی در آن هست یک جرم نابخشودنی است ، لکن امریکا طرفدار این است ، باید دید چی هست این ، امریکا اینقدر تبلیغ می کند و نطق می کند رئیس جمهور امریکا و فاجعه می گوید در دنیا واقع شده است و دنیا باید این را نبخشد . این همان امریکائی است که این فاجعه را در جاهای دیگر خودش بجا می آورد و این همان امریکایی است که عراق را وادار کند که بدتر از این فاجعه ها را در ایران می آورد ، یک کلمه هم حرف نمی زند . عراق نسبت به ایران و خود عراق ، حکومت عراق نسبت به ایران و خود عراق تاکنون چه کرده است ، چقدر جمعیت از این دو کشور اسلامی را کشته است و چقدر بمباران کرده است این مناطقی که اصلا مربوط به جنگ نبوده است و دنبالش گفته است که ایران هم فلان جا را زده است ، یک دروغی گفته است . رادیوها وقتی نقل می کنند حرف او را ، اول نقل می کنند که او گفته است که کجا رازدیم ، کجا رازدیم ، ما هم موارد ، جاهایی که جمعیت نظامی

هست زدیم . در صورتی که همه رادیوها می دانند که اینها شهرهایی که هیچ ربطی به نظامی ندارد دارند می زنند . پشت هر شکستی صدام حمله کرده است و یک عده بیگناه ، زن و مرد ، بچه و صغیر و کبیر را به خاک و خون کشیده و آمریکا یک کلمه راجع به این حرف نزده است برای اینکه انساندوست است ایشان ! اما انسان آمریکایی پسند! انسانی که به درد او می خورد می پسندد! همین عمل اگر امریکا کرده بود ، همان عراق که الجزایر را ، که طیاره الجزایر را ، ساقط کرد و عده ای هم از مردم عادی در آن بودند و یکی از وزرای آنجا هم در آن بودند ، آمریکا هیچ واکنشی نشان نداد ، اما حالا عزا گرفته برای اینکه یک طیاره ای از کره جنوبی ساقط شده است و این عزا برای این است که می خواهد شوروی را محکوم بکند ، نه اینکه آن انسان هایی که آنجا هستند دوست دارد . انسان ها پیش از این دو ابرقدرت اصلا ارزش ندارند . اینها برای انسان الا آنی که گاو شیرده برای آنها باشد هیچ ارزشی برایش قائل نیستند . شما ببینید امروز لبنان چه خبر است . الان که من و شما اینجا نشسته ایم در لبنان چه حمام خونی دارند چیز می کنند . این حکومت غاصب و جائر لبنان ، این امین خائن چه بساطی در سر این جمعیت مردم در آورده است . اسرائیل چه بساطی در آنجا در آورده بود ، حالا به جای او اینها دارند در می آورند . لکن آمریکا ندیدیم که یک کلمه بگوید . خودش فرستاده آنجا و تفنگدارهایش را فرستاده آنجا کمکش برای این جنایات ، یک اسمی رویش می گذارند شاید هم خودشان درست کنند صحنه را ، دو تا فرض کنید ترقه می اندازند به یک جایی و یکی دوتا را زخمی می کنند یا فرض کنید او نکرده باشد ، آنوقت اینها می ریزند خانه به خانه می گردند جوان ها را می گیرند ، جوان ها را حبس می کنند ، جوان ها را می کشند . این فجایع در دنیا دارد واقع می شود و آمریکا نشسته دامن به آن می زند و اسفناکتر این است که مسلمین نشسته اند و تماشا می کنند . این مهره دومی که حالا آمده است و اسحاق شامیری که الان آمده است و می خواهد نخست وزیر بشود ، از اول برنامه خودش را گفته است . از اول گفته است که اسرائیل بزرگ باید تحقق پیدا کند ، باید فلسطین بکلی از بین برود ، تمام جاهایی که دست اسرائیل است اینها لاینفک از اسرائیل است . اسرائیل بزرگ یعنی از نیل تا فرات ، یعنی تمام منطقه که عرب نشین است ، حجاز هم جزء این باید باشد ، مصر هم جزء این است و اینها نشسته اند آنجا دارند تماشا می کنند و عده کثیرشان هم همراهی می کنند و اسرائیل را می خواهند بشناسند و امثال ذلک . اینها یک مصیبت هایی است که در قرن ما واقع شده است و مع الاسف مسلمین یعنی حکومت های اسلامی بی تفاوت هستند و آنها نمی گذارند که کشورهای خودشان ، مردم عادیشان راجع به اینها صحبت بکنند . واقعا در یک محیط خفقان این دنیا دارد بسر می برد ، خفقان از این دو ابرقدرت . این افغانستان دست شوروی ، هر روز فاجعه درست می کند . البته ملت افغانستان هم همچو در مقابلش ایستاده اند که شاید او را پشیمان کرده باشند . آن هم فلسطین و لبنان و نمی دانم همه جا در دست امریکا و همه مشغول به جنایت کردن ، آنوقت در این بین از یک طیاره که 160 نفر ، 260 نفر یک همچو چیزی کشته شده است همه متأسف باید باشیم لکن امریکا به اینطوری که شما متأسفید نیست . شما برای اینکه آنها را اصلا نمی شناسید لکن یک انسانند بیگناه طعمه شوروی

شدند. اما آمریکانه از باب اینکه انسان می خواهد، امریکا در این یک چیزی پیدا کرده برای اینکه شوروی را از میدان در کند، مردم را یعنی دنیا را بر ضد شوروی چی بکند. شوروی هم فردا یک بهانه ای پیدا می کند آن هم امریکا را می خواهد چه بکند اللهم اشغل الظالمین بالظالمین.

ایرانی ها از بچه و بزرگ مصمم اند که امریکا و شوروی را در ایران راه ندهند

و بالاخره ما باید در این بین خودمان توجه به مسائل دنیا داشته باشیم. امروز نباید ما فکر بکنیم ایران چه جور است. ما امروز فکر بکنیم دنیا چه خبر است، تکلیف ما در مقابل دنیا چه خبر است. همین جنگ تحمیلی را درست کردند، نقشه ای که صهیونیست ها دارند عملی بشود. از یک طرف نگذارند اسلام در این تحقق پیدا کند، اگر اسلام در ایران تحقق پیدا کند و قهرا در ممالک دیگری هم خواهد رفت و رفته است هم، آنوقت آن بساط آنها، بساط صهیونیست ها برچیده می شود، امریکا و شوروی دستش از ممالک اسلامی قطع می شود. اینها برای اینکه نگذارند اسلام از چهار چوب ایران بیرون برود و اگر بتوانند در خود ایران هم منحرف کنند اذهان را، الان دارند کوشش می کنند و می خواهند که، مقصد اولشان این است که ایران ساقط بشود و یک جمهوری اسلامی امریکایی پیش بیاید. البته دیگر سلطنت طلبی توی کار نیست، جمهوری اسلامی هم اسمش را می گذارند اما جمهوری اسلامی آن قسم امریکایی اش، آنی که بعضی ها هوسش را دارند، این را که انشاءالله موفق نمی شوند، ایرانی ها مصمم اند همه، مرد و زن پیر و برنا، بچه و بزرگ مصمم اند به اینکه امریکا و شوروی را در ایران دیگر راه ندهند. و اما مقصد دومشان این است که اسلام را در همین ایران محبوس کنند. تبلیغات دامنه داری که ایران الان چه شده است، بچه های کوچک را چه می کنند، بچه های دون پانزده سال و چهارده سال را به زور می فرستند به جبهه ها که تازه همین مسأله بوده است و نمی دانم طرفدار حقوق بشر اعتراض کرده، آنها نشسته اند آنجا و گوش شان به این است که رادیو امریکا چه بگوید، رادیوی بی بی سی چه بگوید، رادیوی کذا چه بگوید. خودشان مسائل را می دانند، نه اینکه ندانند اینها، لکن برای اینکه ایران را محکوم کنند این مسائل را می گویند. نه این است که این رادیوهای خارجی ندانند مسائلی که در ایران واقع شود و ندانند تجاوزاتی که عراق به ایران کرده و ندانند آنهمه ظلمی که به کشورهای ایران و عراق کرده است، اینها می دانند اینها را لکن انسان برای آنها مطرح نیست، آنها مقاصد خودشان را می خواهند اجرا بکنند. مقاصدشان این است که اسلام را در ایران بد نام بکنند، جمهوری اسلامی و مردم ایران را بد نام بکنند که نبادا دیگران به فکر این بیفتند که همین معنا را در آنجا هم اشاعه بدهند، تحقق بدهند. و من امیدوارم که در این معنا هم انشاءالله موفق نشوند.

اسلام مظلوم است الان در دنیا و ما موظفیم که اسلام را به دنیا معرفی کنیم

و ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم. اسلام مظلوم است الان در دنیا، غریب است در دنیا، ما یک دسته کوچکی هستیم تبلیغاتمان ناقص، مبلغ کم داریم و آنها همه رسانه های

گروهی دست شان است و هر چه می خواهند پول های زیادی هم دارند و خرج این کارها را می کنند . ما معذکک نباید مایوس بشویم ، ما با همین عده قلیل همانطوری که آن قدرت بزرگ شیطانی محمدرضا را که دنبالش همه قدرت ها بود به همت همین جوان های ایران شکستیم و کنارش زدیم و اسلام را انشاءالله به آنطوری که خواست خداست در اینجا پیاده خواهیم کرد و مشغول پیشرفت در این امر هستیم . ما نمی گذاریم دیگر کسی دیگر اینجا بیاید و من امیدوارم که هماهنگطور که اینها شد ، با همت والای دانشگاه و فیضیه تبلیغات دامنه دار پیدا بشود و در یک مدت کوتاهی انشاءالله تبلیغات به جایی برسد که همه دنیا را ما پر از مظاهر اسلامی بکنیم .

از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه آقایان را خواستارم و امیدوارم که در این مشروعی که همه اشتغال به آن دارند و آقایان ریاستش را دارند و مشغول کار هستند توفیق پیدا بکنند و دست جنایتکار قدرت های بزرگ از ایران قطع بشود و اسلام آنطوری که هست در دنیا جلوه کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 103

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور ، رئیس دیوانعالی کشور ، اعضای هیأت دولت و شورایعالی قضایی ، فرماندهان نیروهای سه گانه ، اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران و گروهی از مسؤولین لشکری و کشوری (به مناسبت عید سعید قربان)

عید شریف فطر که ضیافت الله است مقدمه ای است برای عید شریف قربان که لقاءالله است

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این عید مبارک را به همه آقایان و همه ملت مسلمان ایران و به همه محرومان جهان تبریک عرض کنم . در اسلام دو عید است که به عنوان عید اسلامی به رسمیت شناخته شده است ، عید شریف فطر عید است برای ضیافت الله و عید شریف قربان عید است برای لقاءالله . و آن عید که ضیافت الله ، مقدمه است برای لقاءالله و اینکه امر شده است به حضرت ابراهیم که فریاد بزن تا بیایند پیش تو ، برای اینکه راه را می گوید و از طریق ولی الله باید طی بشود ، از طریق اولیاءالله باید طی بشود و حضرت ابراهیم سلام الله علیه ولی وقت بود و ولی است برای همه نسل ها و رسول اکرم ولی اعظم است و ولی است برای همه عالم ، و از راه اینها باید رسید به آنجا که باید رسید . ابراهیم علیه السلام بعد از اینکه مراحل را طی فرمود ، آخرش فرمود ، عرض کرد : و جهت وجهی للذی فطر السموات و الارض او و جهت وجهی را می گوید و برای رسول اکرم ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی است و بین این دو تافرق است با اینکه هر دو در غایت کمال است . و از برکاتی که ما داریم ، برای ما هست ، برکات ادعیه ای است که از ائمه اطهار وارد شده است . ادعیه ائمه اطهار همانطوری که خود قرآن شریف هم آنطور است که یک سفره ای است که پهن شده است برای اینکه همه قشرها از آن استفاده کنند . قرآن را چنانچه ملاحظه فرمایید در آن اکثراً آیات شریفه ای است که اکثر مردم از آن استفاده می کنند و در قرآن شریف آیاتی است که فقهای عظام از آن استفاده می کنند ، آیاتی است که فلاسفه از آن استفاده می کنند ، آیاتی است که عرفا از آن استفاده کنند ، آیاتی است که خاصه اولیا از آن استفاده می کنند و آیاتی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او رسیده است و به وسیله او به کسانی که لایق هستند رسیده است . قرآن ، آیاتی که در این زمینه است که اهل معرفت از آن استفاده می کنند زیاد است ، مثل الله نور السموات والارض ، هو الاول والاخر والظاهر والباطن هو معکم اینما کنتم و امثال اینها که در لفظ و در بیان ممکن

است که انسان برای آنها بیاناتی بکند، ولی به حسب واقع و حظ واقعی مشکل است که کسی غیر از آنچه خوطب به، به اینطور مسائل برسد. هوالظاهر، هوالباطن خوب، وقتی دست ماها دادند گفتیم به اینکه هوالمظهر لکن مسأله این نیست. الله نور السموات و الارض وقتی دست بشر عادی رسیده منور السموات و الارض معنا کردند، لکن مسأله این نیست. در روایات هم همین طور است. ادعیه ای که از ائمه اطهار وارد شده است این هم یک سفره ای است پهن شده است برای اینکه همه از آن استفاده کنند، هر کس به مقدار فهمش و اکثراً چیزهایی است که عامه مردم از آن استفاده می کنند و فقراتی در ادعیه هست که فلاسفه از آن استفاده می کنند، فقراتی هست که عرفا از آن استفاده کنند، فقراتی هست که خاصه اولیاً باید از آن استفاده کنند. همین در دعای عرفه ای که حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه در روز عید خوانده، در روز عرفه خوانده اند، این دعا اکثراً چیزهایی است که اکثر بینندگان از آن استفاده می کنند لکن در بین آن یک چیزهای دیگری هست که استفاده از او مشکل است حتی برای عرفای بزرگ ایکون لغیرک الظهور حتی اینکه مالیس لک این تعبیر غیر از این است که هوالمظهر ایکون لغیرک الظهور مالیس لک یعنی ظهور همه از توست، ظهور توست متی غبت حتی تحتاج الی دلیل چه وقت غائب بودی؟ هیچ وقت غائب نبود، از تو باید استدلال به دیگران بشود، نه از دیگران استدلال به تو و هکذا. این از نعمت های بزرگی است که برای بندگان خدا آمده است و هرکس به اندازه خودش از او استفاده می کند و بسیاری هم هستند که گمان می کنند استفاده کردند لکن واقع مطلب بسیار مشکل است، یعنی بعضی از امور است که تصدیقش آسان است لکن تصورش مشکل بعضی از مسائل هست که تصور، انسان نمی تواند بکند، لکن تصدیقش می کند و مسائل که مال اهل معرفت است از اینجور مسائل هستند، تصدیق می شود کرد به اینکه هوالظاهر لکن تصور هوالظاهر یک تصویری است که بسیار مشکل است مگر برای آنهایی که خاصه اولیا هستند و عید شریف قربان و اینکه همه را خواستند، فی الناس، فریاد بزن بین ناس که بیایند و بیایند به سوی توای ابراهیم، و به سوی رسول خدا در وقتی که رسول خدا هست و به سوی ولی در وقتی که ولی هست به سوی او بیایند و به سوی او آمدن، به سوی خدا رفتن است نه اینکه به سوی او بیایند در مقابل به سوی خدا رفتن، به سوی او رفتن عین به سوی خدا رفتن است. از این جهت دعوت به این است که به سوی خدا بروند، لکن راه این است، طریق این است. و ابراهیم سلام الله علیه، عید برای او برای ذبیح الله است که ثمره وجود خودش را حاضر شد که فدا کند و برای رسول الله هم، برای ذبیح الله در این امت است که ذبیح الله هم، فدیة هم تفسیر شده است به بعضی از روایات به حضرت سیدالشهدا. ابراهیم تا آن حدی که حد فداکاری هست رفت، منتها خدای تبارک و تعالی برای او فدیة فرستاد و پیغمبر اکرم هم تا آن حدی که هست و و اصل هم آن امر شد برای اینکه ذبح واقع شد. و نمونه هایی از این مسائل در بین بشر هست، لکن با تفاوت بسیار زیاد که آن تفاوت ها مربوط به مراتب معرفت است.

جوان هایی هستند که واقعا فداکاری می کنند و در مقابل اینطور فداکاری برای اسلام، آنطور جنایات در دنیا واقع می شود

الان شما در این عصر که ملاحظه می کنید جوان هایی هستند که واقعا فداکاری کنند، واقعا رو به شهادت می روند. کسانی هستند که واقعا جوان هایشان را به شهادت می فرستند و خوشحال هم هستند. این همان سنخ هست لکن تفاوت این است که آنجا معرفت یک معرفت عالی مقام است و اینجا به آن مرتبه نرسیده است، اینجا نمونه ای از اوست. فداکاری های جوان های عزیز ما و پدرهای آنها و مادرهای آنها همان نحو است که آنها کردند. اینها ذیح می شوند به همانطوری که اسماعیل ذیح شد و به همانطوری که فدیة اسماعیل به حسب روایات ذبح شد. و ما باید بگوییم که عاجزیم از اینکه همین فداکاری که اینها دارند هم، ما عاجزیم که تصور کنیم، و بحمدالله این فداکارها برای اسلام آنچنان سرافرازی ایجاد کردند که در طول تاریخ خواهد ماند، آنطور برای کشور خودشان سرافرازی ایجاد کردند که در طول تاریخ خواهد ماند. و ما آرزو داریم که این سرافرازی برای همه ملت ها حاصل بشود و انقلاب به همین معنا برای همه ملت ها حاصل بشود، برای همه مستضعفین حاصل بشود. از آن طرف هم در مقابل اینطور فداکاری و اینطور تزکیه برای اسلام، آنطور جنایات در دنیا واقع می شود. جنایات عظیمی که از دولت های بزرگ بر همه بشر واقع می شود و امروز دنیا گرفتار این دو قطب است و بشر گرفتار این دو قطب است که خدای تبارک و تعالی انشاءالله نجات بدهد بشر را از این دو قطب فاسد. هر جا بتوانند خودشان دخالت می کنند و هر جا هم که به حسب ظاهر عذری باشد دیگران را وادار می کنند به دخالت، به فساد. صدام را ملاحظه کنید که در طول این مدت با این ملت چه کرده است و با اسلام چه کرده است و با ملت عراق چه کرده است و از آن طرف مشاهده می کنید که او صلح دوست خودش را حساب می کند و رسانه های گروهی هم هر جا هستند او را به همین عنوان معرفی می کنند. من گاهی یاد آن شاعر می افتم که قصه ای دارد، قصه صدام، به یاد آن شاعر انسان را می اندازد. نقل شده است که کسی به یک شاعری گفت که اشعر شعرای عرب کی است؟ گفت بیا برویم من نشانت بدهم. رفت همراهش در یک خانه ای، دید که یک پیرمرد بسیار کثیفی نشسته و پستان یک بزی را به دهنش گرفته است و می مکد. آن شخص شاعر گفت که این شخص که می بینی پدر من است. و اینکه پستان را در دهن گرفته است برای اینکه اینقدر بخیل است که نمی خواهد یک قطره شیر به کاسه مالیده بشود. اشعر شعرای عرب این است که در سال های طولانی افتخار به عرب کرده برای این پدر.

من عقیده ام این است که یعنی عقیده نه... یا خوب است اینطور باشد که به صدام بگویند که اخطب خطبای عرب کی است در عصر، او بگوید که بیابید من نشان بدهم، بیاورد در خرمشهر و هویزه و سوسنگرد و اینجاها ببیند که، نشان بدهد که ببینید اینها همه آثار شکستی است که ما خورده ایم از ایران. اخطب خطبای عرب این است که با اینهمه شکست ها در هر شکستی مدال شجاعت بدهد به ارتش خودش و داد شجاعت ارتش اش را بزند. صدام بیش از این هم می تواند بگوید، او بگوید اخطب خطبای عرب آن است که این خرابی ها را که می بینید به دست ما واقع شده است و هر روز هم دارد به

سر مردم موشک ریخته می شود و هر روز هم من دارم از همه دولت ها کمک برای این خرابی ها می گیرم . اخطب خطبای عرب این است که آن خودش را معرفی کرده است به اینکه صلح طلب است . وضع اینطوری شده است که کسی که دارد هر روز از این ور و آن ور سلاح تهیه می کند برای اینکه بریزد به جاهایی که ربطی به ارتش ندارد . او دستش به آنها که نمی رسد وقتی آنجا شکست می خورد ، می گیرد از این سلاح های دور زن و می زند به شهرهای عرب نشین و کردنشین و فقرا و آنوقت این دنیا را معرفی می کنند به اینکه این صلح طلب است و خودش هم داد صلح طلبی می زند اخیرا هم که از طرف یکی از رئیس جمهورها ، رئیس جمهور گینه یک تقاضای صلح شده بود ، ایشان یک کاغذ مفصلی به او نوشته بود که ما همه جور برای صلح حاضریم . ایشان از اول هم همین طور می گفت ما برای صلح حاضریم ، ولی صلح چی ؟ صلح بین کی و کی ؟ در عین حالی که می گوید ، صلح طلب است . در عین حالی که فرار می کند ، شجاع است . اصلا الفاظ در عصر ماهویت خودشان را از دست داده اند ، کانه برگشته است ، یک تحولی پیدا شده است در الفاظ و معانی الفاظ و اینها . فرانسه هم خودش را یک کشور متمدن و آزادیخواه و نمی دانم این چیزها معرفی می کند ، مردم شاید باشند ، لکن او هم اسلحه می فرستد ، طیاره های زننده می فرستد ، کوبنده می فرستد برای اینکه نگذارند ایران غلبه پیدا کند . من عقیده ام این است که اگر در فرانسه پیش این بزرگان فرانسه که دارند به اصطلاح دارند اینها را فرستند ، اگر عقل پیدا بشود ، آن را بفرستند برای صدام ، برای اینکه او با بی عقلی اش رسیده خودش را به اینجا رسانده ، اگر چنانچه آن عقل داشت که از اول گول آمریکا را نمی خورد که بگوید تو برو چند روز دیگر تمام می شود قضیه ، که آن آمد دید که نشد و تا حالا هم نشده است و همین دو سه روز هم که دیدید که ریختند و جوان های ما در خود عراق جلو رفتند و حالا هم دارند جلو می روند . خوب ، ببین همه تجربه ، مگر آن مقدار از میراژهایی که فرستاد ، شصت تا مثل اینکه می گویند فرستاد ، کاری از آن آمد ؟ این سلاح ها باید دست کسی باشد که آدم داشته باشد ، کسی که ندارد کسی را که بتواند این سلاح ها را به کار ببندد ، کسی که چند تا از این پاسدارهای عزیز وقتی که به یک فوجی از اینها حمله می کند فرار می کنند ، آنها نمی توانند این کارها را انجام بدهند . بله ، اینها در شهر خودشان نشسته اند و در مرز خودشان نشسته اند و با آن توپ های دور برد می زنند به آبادان هر روز یا می زنند به جاهای دیگر . این وضع دنیاست که ما در آن گرفتار هستیم که همه با این کمک می کنند در عین حالی که می بیند که از این کاری بر نمی آید . مگر این چیزهایی که روسیه به صدام داده کمتر از اینهایی است که فرانسه داده ؟ خوب ، آنها هم دستش بود و نتوانست کاری بکند ، البته خرابکاری کرد ، اما پیشروی نکرد ، شکست خورد در همه جا . و این شکست برای این است که آن چیزی که پیش پاسدارهای ما هست پیش آنها نیست . ایشان بنا دارد که تقلید کند در این امور ، تا گفته می شود که مردم ایران هدیه آورند ، آن هم درست می کند یک طایفه ای را که بیاورد هدیه بیاورید . در خود آنجا هم آنهایی که هست حتی در رادیوهای خارجی و در نوشته هایی که آورده اند ، می گویند که مأمورین او خانه به خانه روند و می گویند قبض و رسید بده ، اگر کسی قبض و رسید نداشته باشد ، رسید طلا ، رسید

جواهر اگر نداشته باشد او را می برند و به عنوان مجرم . آن شنیده که اینجا طلا می دهند آن هم می خواهد صورتش را درست کند ، شبیه اش را درست کند ، یک صفی از خودشان درست می کنند که بیاید بدهید ، لکن مأمورین می روند از مردم به زور می گیرند . این شنیده است که بچه های ، خردسال های ما دعوا می کنند که ما می خواهیم برویم به جنگ ، ما می خواهیم چه ، آن هم در یک وقتی گفت یک بچه ای به من گفت که من می خواهم به جنگ بروم ، فرق است ما بین اینها . در هر صورت ما گرفتار هستیم امروز به یک همچو وضعی در دنیا و اسف بار وضع دنیا است .

اینهایی که پیش می برند برای این است که دنبال حضرت ابراهیم سلام الله علیه هستند

اینهایی که پیش می برند برای اینکه اینها دنبال حضرت ابراهیم سلام الله علیه هستند ، اینها لبیک گفتند به حضرت ابراهیم سلام الله علیه . آنها که می خواهند پیش ببرند چی می گویند ؟ آنها به عفلق گفتند ، خوب نمی شود یک کسی که به عفلق چیز می کند ، لبیک می گوید یا به کسی که به ابراهیم خلیل الله لبیک می گوید ، اینها یک جور باشند . این است که آنها فراری هستند و اینها اگر چنانچه یک وقت اقتضا بکند تا هر جایی که صلاح باشد خواهند رفت .

خوب امروز شما ملاحظه می کنید که لبنان آن گرفتاری را دارد ، آنقدر در آن الان دارد جنایت واقع می شود ، دیروز توسط صهیونیست ها مستقیما و حالا- توسط جمیل ، امین جمیل ، یعنی آمریکا است که این کارها را دارد انجام می دهد . آمریکا نمی خواهد که منطقه آرام باشد و بخواهند فکر بکنند که باید چه بکنند ، آمریکا هر جا بتواند خودش دخالت می کند ، هر جا نتواند ایدایش را می فرستد که لاقبل تفاه بیندازند بین مردم . این منافقینی که می خواستند در ایران آنطور وقایع را ایجاد کنند و جنایات را ایجاد کنند و کردند و فرار کردند و حالا هم باز تتمه شان هست ، اینها همان راه را دارند می روند ، اگر قبل از رفتن به فرانسه اشکال می شد که شاید نه ، خودشان چی باشند ، خوب ، حالا معلوم شد که نه ، اینطورند . اینهایی که خلقی هستند با صدام دست دوستی می دهند ، در صورتی که هر روز دارد این خلق اسلامی را کوبد . اینها دیگر برایشان آبروی باقی نمانده است لکن خارج نشسته اند و فحش می دهند ، خوب ، این یکی برایشان مانده که فحاشی کنند . در هر صورت ما باید خودمان لبیک به حضرت ابراهیم بگوییم و لبیک به رسول الله بگوییم و با این لبیک فداکاری بکنیم و حفظ کنیم عزت خودمان را ، عزت اسلام را .

باید جوان های ما ، پیرهای ما ، زن های ما ، مردهای ما ، بچه های ما ، همه در راه اسلام برای عزت اسلام و برای عزت میهن خودشان و برای عزت میهن خودشان و برای عزت قرآن کریم فداکاری کنند . یکی از فداکاری ها این است که با هم اختلاف نکنند . اگر یک اختلاف جزئی هست خودشان اصلاح کنند و بحمدالله الان در بین ارتش ما و سپاهیان و همه اینها وحدت هست و با این وحدت دارند جلو می روند و تا این وحدت هست انشاءالله پیروزی دنبال هم است . و ما باید همیشه توجه به این داشته باشیم که آنچه هست از خداست علی غیرک من الظهور مالیس لک هر چی هست از اوست . اگر ما توانستیم این مطلب را

به قلب خودمان وارد کنیم که هر چه هست از اوست ، دیگر نه از شکست می ترسیم ، نه از چیز دیگر . همه از اوست و اگر این معنا در قلب ما حاصل باشد شکست هم نیست در کار . برای خدا قیام کنید انما اعظکم بواحدة ان تقوموالله ، یک از تمام موعظه ها خدای تبارک و تعالی انتخاب کرده این یک موعظه را قل انما اعظکم بواحدة یعنی همین یکی را من موعظه می کنم چون همه چیز تو اینجاست انما اعظکم بواحدة ان تقوموالله همه چیز در قیام لله است . قیام لله معرفت الله می آورد . قیام لله فدایی برای الله می آورد . قیام لله فداکاری برای اسلام می آورد . همه چیز در این قیام لله است و لهذا تنها موعظه ای که انتخاب کرده خدای تبارک و تعالی از بین موعظه ها همین موعظه است که ان تقوموالله مثنی و فرادی اجتماعی و انفرادی قیام لله بکنید . انفرادی برای وصول به معرفت الله ، اجتماعی برای وصول به مقاصد الله . و من امیدوارم خدای تبارک و تعالی به ما و شما و به همه ملت توفیق عنایت کند که این راه را برویم و برای خدا کارها را انجام بدهیم .

مبارک آن روزی است که دست خیانتکارها و جنایتکارها از سر مظلومین جهان قطع بشود

و خدای تبارک و تعالی این ملت ها را توجه بدهد به این مسائل ، و این دولت هایی که در کشورهای اسلامی هستند از خواب بیدار کند . اینها گمان می کنند که اسرائیل پشت و پناه آنها هست که کمک به او می کنند . اسرائیلی که بنایش بر این است که کشورهای عربی را بگیرد ، این را خیال می کنند که این پشت و پناه او هست یا آمریکا پشت و پناه است ، آمریکا از شما نفت می خواهد و آمریکا از شما نفع می خواهد و می خواهد شما بازار باشید برای او . و همین طور شوروی ، اینها فرق نمی کند ، اینها می خواهند که از شما استفاده بکنند ، از مخازنی که خدا به شما داده آنها استفاده اش را بکنند ، شما حمال باشید برای آنها . والا در آنجایی که شما گرفتار بشوید هیچ یک از اینها به داد شما نخواهند رسید ، آنها آنوقت می گویند ما اینها را نمی شناسیم . بنای این اشخاصی که توجه شان به خودشان و به دنیای خودشان است این است که مادامی که به نفع آنها چیزی باشد با آنها همراهند و با آنها هم کاسه هستند ، آن روزی که ببینند این به نفع نیست ولو دوست شان باشد کنارش می گذارند . این قصه چرچیل را شنیدید شاید ، خوب ، چرچیل در جنگ عمومی رئیس انگلستان بود ، شوروی هم همراه اینها بودند در جنگ با آلمان ، شوروی هم همراه اینها بود ، آمریکا هم همراه اینها بود . به مجرد اینکه هیتلر را شکست دادند ، چرچیل گفت که الان وقتی است که ما به شوروی بزنیم . شوروی که با آنها دوستی داشت و با آنها می خواست که وارد بشود یعنی جنگ آلمان را او برد ، گفت الان وقتش است ، منتها مجلس انگلستان اجازه نداد این را ، آنوقت معلوم شد این مجلس انگلستان اجازه نداد این مطلب را وضع اینها اینطور است ، همان دوستی را که دارند ، آن روزی که ببینند یک دوست دیگری بهتر از این است و این برایشان دیگر خوب نیست ، این را پرتش می کنند دور یا این را می زنندش به زمین ، وضع اینها اینطوری است . کسی که به خدا اعتقاد ندارد ، کسی که به معاد اعتقاد ندارد ، کسی که نمی شناسد

آن ارزش های انسانی را ، اینها نمی شود بهش اعتماد کرد که ما با آمریکا باشیم و یا اینکه آمریکا با ما در وقت خودش چه بکند . آمریکا از شما نفت می خواهد ، آمریکا از حکومت حجاز ، نفت حجاز را می خواهد برای او نفعی به شما نمی رساند او از شما می گیرد و می دوشد _ برای _ شما را . برای چه برای او خودتان را به زحمت می اندازید و ما را هم به زحمت می اندازید ؟

انشأالله خداوند همه را بیدار کند و هشیار کند و این عید سعید را مبارک کند . و مبارک آن روزی است که دست قدرت ها ، دست خیانتکارها ، دست جنایتکارها از سر مظلومین جهان قطع بشود و انشاءالله امیدوارم نزدیک باشد یک همچو وقتی .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 110

بیانات امام خمینی در دیدار با مسؤول ستاد تبلیغات جنگ و اعضای کمیته برگزاری مراسم سومین سالگرد جنگ تحمیلی

گمان ندارم با آمارهای بشری جنایاتی که بر ایران وارد شده است را بشود آمارگیری کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

البته کار کار بسیار ثمربخشی است در عین حال که گمان ندارم با آمارهای بشری جنایاتی که بر ایران وارد شده است را بشود آمارگیری کرد . شما مقدار کمی را منعکس می کنید اما بعد معنوی قضیه را نمی شود آمارگیری کرد . آن تپش قلب ها و آن دل های سوخته ولی با شجاعت ، مصیبت را تحمل کرده است و آن چشم هایی که گریسته ، اینها را چگونه می خواهید آمارگیری نمایید ؟ بالاخره جنایات ابرقدرت هاست . اگر با پیروزی اسلام جنگ تمام شد تمامی این مصیبت ها با پیروزی ترمیم می شود و اگر نشد باز هم هفته جنگ داریم که خداوند نیاورد که مدت یک سال دیگر جنگ طول بکشد و ما باز هم هفته جنگ داشته باشیم . ما گرفتار چنگال گرگ هایی هستیم که با تمام وجود در فکر ننگ داشتن صدام هستند و به او کمک می کنند ، ولی چنین آدمی که اینقدر به کشور خودش و ایران و اسلام خیانت کرده است را نمی شود ننگ داشت . امروز صدام اظهار اسلام و نماز خواندن (که آن را هم غلط می خواند) می کند ، حتی این اظهار هم از برکات جنگ است والا اینها ضد اسلامند و حزب بعث اساسش بر نفی اسلام می باشد . اینها از اسلام بری هستند و اسلام هم از آنها بری . در عراق تعدادی از علما را گرفته اند که من بعضی از آنها را می شناسم مثل آقای حاج سید یوسف حکیم و عده ای را کشته اند . اینها را به آن صورتی که هست نمی شود نوشت و یا به نمایش گذاشت ، ولی آنچه را که می شود ارائه داد باید سعی کرد و انجام داد و عمده ارائه آن به دنیاست .

امروز آمریکا و شوروی و فرانسه و سایر قدرت ها از اسلام احساس خطر کردند و به همین جهت به سود صدام تبلیغاتی را راه انداخته اند آنها اینطور در ذهنشان آمده است (که درست هم هست) که اگر جمهوری اسلامی پا بگیرد و باقی بماند ، جای پائی از آنها باقی نخواهد ماند و می ترسند که از همه منطقه دستشان کوتاه شود . جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد ، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد و اینکه چه اشخاصی و قدرت هایی در مقابل اسلام ایستادند و چه کسانی از اسلام می ترسند و چه قدرت هایی علیه اسلام قیام کردند ، همه اینها در جنگ معلوم شد . ابرقدرت ها نه شخص صدام را خواهند ننگ دارند و نه ما را می خواهند بکوبند ، بلکه آنها از اسلام

می ترسند و اسلام را می خواهند بکوبند ، از این جهت با ما مخالفند و از او طرفداری کنند . آنها می دانند که مردم کشورهای اسلامی در مقابلشان می ایستند و همچنین است مردم کشورهای غیراسلامی که متوجه ما هستند ، مثل سیاهپوستان .

ما باید آنچه که در ایران می گذرد را منعکس و منتشر کنیم تا جنایات معلوم شود

پس ما باید آنچه که در ایران می گذرد منعکس و منتشر کنیم تا اولاً جنایات معلوم شود و ثانیاً کسانی که این جنایات را مرتکب شده اند و از آن مهمتر کسانی که به این افراد قدرت داده اند و آنها را تقویت کرده اند تا ما را بکوبند و به آنها ابزار جنگی مثل تانک و طیاره و موشک داده اند و الان هم می دهند باید به دنیا معرفی نمود و اعلام کرد و فهماند که اگر بخواهید به صدام پیش از این کمک کنید ، دستتان را از نفت کوتاه می کنیم و اگر به صدام کمک هایی کنید که منابع اقتصادی ما را بزند ، رنگ نفت را نخواهید دید ، امیدوارم که اینطور نشود . و عمده ، جنایات این ابرقدرت هاست و همچنین فرانسه ، ولی آن که از همه به ما بیشتر صدمه زده است امریکاست .

امیدوارم ملت ایران به همان اندازه که تا به حال خوب آمده است ، از این پس هم بیاید . امیدوارم ملت ایران با هم باشند و عزت خودشان را حفظ کنند . ما قبلاً وابستگی ذلت باری داشتیم که محمدرضا قبول کرده بود و ما در مقابل امریکا یک عبد ذلیل بودیم ، ولی ایران این ذلت را شست و عزت پیدا کرد . شکم و نان و آب میزان نیست ، عمده شرافت انسانی است ، و شرافت به این نیست که انسان دستش را روی سینه بگذارد تا چند شاهی به او بدهند . بلکه شرافت انسانی به این است که در مقابل زور بایستد . و جوانان ما ایستادند و در مقابل آنها حصر اقتصادی کردند که همین حصر اقتصادی جوانان ما را بیدار کرد و فهمیدند که خودشان باید کار کنند و زحمت بکشند تا احتیاجی به خارج نداشته باشند . خداوند به شما توفیق دهد تا در کارهای فرهنگی و تبلیغی موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق

توجه کنید در سرتان هوای غلبه و حکومت نباشد بلکه تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام خدا باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

از اینکه تشریف آوردید تا از نزدیک صحبت کنیم از شما تشکر می‌کنم. آنچه که خود شما می‌دانید ولی باز هم باید تذکر داد، این است که مجلس اعلا که از مجاهدین عراقی تشکیل شده است باید سعی کند که تمام کارها را برای خدا انجام دهد و جهات اسلامی و دینی را کاملاً ملاحظه نماید. شما باید سعی کنید تا تمام توجه تان به خدای متعال باشد. باطن ذات انسان محفوظ است به چیزهایی که تمام هدایت‌ها و انحرافات از آن سرچشمه گیرد. باید توجه داشته باشید که در سر سرهم هواهای نفسانی بر شما غلبه نکند، یعنی در سرتان هوای اینکه ما غلبه کنیم و حکومت کنیم نباشد بلکه در نظرتان این باشد که حکومت اسلامی تشکیل دهیم و احکام خدا را جاری سازیم. حضرت امیر علیه السلام در راس زهاد، حکومت می‌کرد، ولی حکومت برای خودش نبود بلکه هرچه کوشش می‌کرد برای اسلام بود. شما مجاهده کنید تا هر چه در دل دارید زود زود شود که اگر برای خدا خالص شدید در پیرویتان موثر است. باید اتکانتان فقط به خدا باشد و این نمی‌شود مگر اینکه از نفسانیات بکاهید منشأ اختلافات از هوای نفس است. هر کجا اختلاف بین خودتان دیدید، مطمئن باشید که از هوای نفس سرچشمه گرفته است. البته اختلاف بین انبیا و افراد مقابل آنها و اسلام و کفر همیشه بوده است ولی آن اختلاف از عبودیت سرچشمه می‌گیرد. شما اختلافاتی را که از نفسانیت سرچشمه می‌گیرد باید از بین ببرید و مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد و از وحدت اسلامی بیرون بروید، مخدول می‌شوید.

تلاش نمایید که عراق از سلطه جباران آزاد گردد همانگونه که حضرت موسی در مقابل فرعون قیام کرد

امیدوارم موفق باشید تا برای آزادی و استقلال عراق کوشش کنید و تلاش نمایید که عراق از سلطه جباران آزاد گردد. باید همانگونه که حضرت موسی در مقابل فرعون قیام کرد و نظرش این بود

که حق را مستقر کند و به هیچ وجه در نظرش نبود تا خودش حکومت کند ، شما هم در قلب تان این معنا باشد که مجلس را الهی کنید ، زیرا اگر اختلاف در مجلس تان پیدا شود ، همه از بین می روید و اگر با هم بودید همه پیروز می شوید . چون شما برای خدا می خواهید این ظلم را ریشه کن کنید ، انشاءالله موفق می شوید و این توفیق زمانی حاصل می شود که بین خود آقایان نگرانی نباشد . و سر اینکه ایران پیروز شد برای این بود که بین تمام افراد اتحاد بود و هیچ این حرف ها نبود که هر کس طرف خودش بکشد . شما با هم متحد باشید که بحمدالله هستید و وقتی در حلقه اول اتحاد بود ، در حلقه های بعد اختلاف پیدا نمی شود . شما سعی کنید که در سر قلب تان چیزی مخالف الوهیت نباشد و اگر دیدید هست سرکوبش کنید . کرازا عرض کردم که اگر انبیا در یک مکان جمع شوند با هم اختلاف پیدا نمی کنند ، زیرا مقصد و هدف و مقصود یکی و الهی است . اگر در مجلس شما توحید واقعی به معنای واقعی آن تحقق پیدا کند ، قهرا افرادی که متصل به شما می شوند اختلاف پیدا نخواهند کرد و وحدت واقعی ، یعنی قلب همه شما برای یک چیز تپید که آن اسلام است . اگر اینطور شد خداوند شما را تأیید می کند .

مردم ایران مجتمع شدند و با نیروی ایمان پیروز گردیدند

ما باید همه چیز خودمان را از او بدانیم . شما نه افراد زیاد دارید و نه سلاح و ساز و برگ جنگی زیاد ، ولی طرف مقابل شما از همه دنیا به او کمک می شود . وقتی اینطور شد ، آن کسی که هیچ ندارد باید با جهات معنوی مقابله کند ، با جهات صوری که نمی شود . شما خوب می دانید که شاه سابق مجهز بود به جهاز بسیار و امریکا بود که ایران را پر از سلاح و مهمات کرد برای اینکه خواست ایران پایگاه آنها باشد و شاه همه چیز داشت ، پشتیبانی تمام ابرقدرت ها ، لشکر منظم تا دندان مسلح ، ولی مردم ایران هیچ نداشتند . از مدرسه فیضیه شروع شد و وقتی مردم دیدند که اختلافی نیست ، مجتمع شدند و با نیروی ایمان پیروز گردیدند . مردم ایران که سلاح نداشتند ، آنها با مشت گره کرده و فریاد بر دشمن پیروز شدند . اینقدر فریاد کشیدند که دشمن تا بن دندان مسلح را شکست دادند . بعد هم خود مردم ، کمیته ها و سپاه را تشکیل دادند . امروز ایران وضعی الهی دارد . وقتی جوانان ما در جبهه ها آن فداکاری ها را می کنند ، یا آیند و با من صحبت می کنند ، از روح بزرگ و صافی آنها حسرت می خورم . این وضع هر کجا پیدا شود پیروزی را به دنبال دارد . این مطلب هر کجا باشد ، عنایات خدا را به دنبال دارد ، پس از عنایت خدا ، پیروزی حتمی است . خداوند ما را اصلاح کند تا بتوانیم خدمت کنیم .

امروز در مقابل شما چه درندگانی واقع شده اند ، وقتی انسان می بیند که شهید آقای صدر آن عالم فاضل را و همچنین همشیره ایشان را با چه وضعی شهید کردند و بعد هم با بیت مرحوم آقای حکیم که آنقدر خدمت کردند و با آقای آقا یوسف حکیم که وقتی انسان ایشان را می دید ، به یاد قیامت افتاد آنگونه رفتار نمودند و 90 نفر از بیت مرحوم حکیم را گرفتند ، شدیداً متاثر شده و می فهمد که اینها چه سبع هائی هستند . من می دانم که مردم عراق از این جهت متزجر هستند . آخر کدام انسانی است

که این فشارها را ببیند و متأثر نشود . امیدوارم کارها به زودی درست شود . قدرت ها گمان کردند می توانند که آنها را نگه دارند . در رژیم سابق هم چه امریکا و چه شوروی ، چه فرانسه و سایر قدرت ها می خواستند شاه را نگاه دارند و عده ای هم از ایران آمدند در فرانسه که بگذارید شاه باشد و سلطنت کند نه حکومت ، ولی نشد . اورفت ، حالا هم تمام قدرت می خواهند صدام را نگه دارند ، ولی نمی شود . شما سعی کنید ملت عراق را بیدارتر کنید و امیدوارم که ملت عراق توجه کند و وضع ایران را در نظر بگیرد . انشاءالله خداوند به شما توفیق بدهد که مجاهد فی سبیل الله باشید و انشاءالله برگردید به عراق و ما هم به شما در حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام ملحق می شویم .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 115

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور، وزیر نفت و گروهی از کارگران و متخصصین وزارت نفت جمهوری اسلامی

ایران دستش را پیش امریکا تا ابد دراز نمی کند ولو اینکه فانی بشود

بسم الله الرحمن الرحيم

من بسیار خوشحالم هستم از اینکه این برادرهای عزیز را امروز می بینم و برای ما سرافرازی ایجاد کردند و مسأله بعد معنویتش بسیار بیشتر از بعد مادیش است. بعد مادیش، خوب یک مقداری نفت رفته و الحمدلله جلوگیری کردند. اما بعد معنوی همان است که شما اشاره کردید که اینها ماها را همیشه با این مسائل می ترسانند. دست به آن نزنید که نخواهد شد، غیر از امریکا کاری نمی تواند بکند، غیر از فرانسه و نمی دانم چی نمی توانند بکنند. در صورتی که ثابت کردند جوان های ما و کارندهای ما و همه اشخاصی که در این امور مربوط هستند، به اینکه: نه، آن کارهایی که آنها ممتنع می دانند، اینجا ممکن است و ما باید این راهی باز کنیم برای کارهای بزرگتر. نترسیم از مطلب که ما نمی توانیم بکنیم. نخیر می توانیم بکنیم.

خوب، یک همچو مطلبی که من دیشب فیلمش را آوردند دیدم، البته من درست نمی توانم بفهمم مسائل را، اما سختی و مشکلی اش را فهمیدم که این کار با چه سختی انجام گرفته، با چه مشکلی انجام گرفته است و همانطوری که گفته شده است، این را آنطور نمایش داده بودند که غیر از امریکا و امثال او از آنها نمی آید این کار را بکنند و با این می خواستند که ما را به یک نحوی گرایش بدهند به آن طرف و این باید به دولت های کشورهای اسلامی و خصوصا به این خلیجی ها تذکر داده بشود که شما خودتان برخیزید از جا. اینقدر خودتان را اسیر این قدرت های بزرگ نکنید. شما خودتان می توانید کار بکنید. شما خودتان شریان حیات امریکا و امثالش دست شماست و خودتان می توانید کار را انجام بدهید و معنا ندارد که دولت های اسلامی همه کوشش کنند به اینکه ایران هم باید مثل خود ما باشد و مربوط به امریکا باشد. این کوشش ها بی فایده است و ایران دستش را پیش امریکا انشاءالله تا ابد دراز نمی کند، ولو اینکه فانی بشود. آنها گمان می کنند که ما برای فرض کنید که یک نفت و یا برای چیزی تسلیم امریکا می شویم در صورتی که نه، ما تا فنای خودمان تسلیم دیگر نمی شویم. می توانند آنها اگر یک وقتی توانستند البته آنطور که باز آنها خیال می کنند که می توانند هر کاری بکنند. باز مسأله آن نیست. اینها امتحانشان را در افغانستان داده اند. آن شوروی قلدر از امریکاست ولو این شیطان تر

است، اینها امتحانشان را آنجا دادند و دیدند چه. خود آمریکا هم در جاهای دیگری _ عرض شود _ در ویتنام و امثال اینها امتحانش را داد. این در صورتی است که فرق های زیاد است ما بین آنجا و اینجا. آنجا دولتش همراه با آمریکا بوده. در افغانستان حزبش موافق با امریکا بوده، ارتش اش موافق بوده، همه چیزش موافق بوده. آن چریک های قدرتمند بودند که مقابل ایستادند و تو دهنی به آنها زدند و الان هم دارند می زنند. اینجا بحمدالله همه ملت با هم هستند، کارگرس، کارمندش، زارعش، دولتش، رئیس جمهورش _ نمی دانم _ مجلس اش، همه، همه یکی هستند. ارتش اش، سپاه پاسدارهایش، بسیج اش، اینها همه یک موجود الان هستند، یک ارگان را تشکیل می دهند با اسماً مختلف. ولهذا می بینند و می گویند که اینهمه چیزهایی که برای ما پیش آوردند، مشکلاتی که برای ما پیش آوردند، خود همین آقایان حل کردند. و مشکلات بعدها هم به دست خود همین آقایان حل می شود که ما بتوانیم مشکلاتمان را با زحمت خودمان و حفظ شرافت خودمان، خودمان انجام بدهیم. چرا باید ما دستمان را پیش دیگران دراز کنیم برای این امور؟ باید افکار خودمان را به راه بیندازیم، یعنی همه ایران این کار را بکند. همه دانشگاه ها، همه کارخانه ها، همه افکارشان را به کار بیندازند. از آنها می آید، راه را خدا باز می کند. ابتدا به نظر آدم می آید که یک کاری نمی شود، وقتی که وارد شد کم کم می بیند نه، خدا راه را باز کرد و شد. خوب یک همچو کاری که این جوان های عزیز ما کردند، یک کار مهمی بود، کار کوچکی نبود، این کار مهم را همت گماشتند و با همت کار را انجام دادند. کارهای دیگر را هم می توانند انجام بدهند. و ما باید مایوس نباشیم. ما باید خودمان را از دیگران، از غیر خدا مایوس کنیم و بگوییم آنها هیچ، و با اتکا به خدای تبارک و تعالی و قدرت ملی خودمان، اسلامی خودمان کارهایمان را پیش ببریم و پیش می رود این کارها، منتها بعضی هایشان زود پیش می رود، بعضی هایشان هم یک قدری دیرتر پیش می رود. باید ما عزم مان را جزم کنیم به اینکه نه دستمان را پیش آمریکا دراز کنیم نه پیش شوروی و نه پیش دیگران و باید خیلی آدم متأسف باشد این از این دولت هائی که به اسم اسلام در این اطراف هستند که همه دارند کوشش می کنند که اسارت خودشان را تحکیم کنند. نه اینکه اینها نمی فهمند، بسیارشان می فهمند مسأله را که اگر اینها با دولت اسلامی، جمهوری اسلامی، مربوط بشوند، برایشان خوب است. اما یک وسوسه شیطانی در قلب آنها ایجاد کرده اند که نمی شود اینها را، با آمریکا نمی شود چه شد. تا همین که سابقاً می گفتند برای ما که با امریکا اصلاً نمی شود طرف شد، باشاه هم نمی شود طرف شد. خوب، طرف شدند ملت ما، دیدند که می شود با امریکا، با شوروی، همه را دست شان را قطع کرد و دیدند که خبری هم نشد و نخواهد هم شد.

وقتی بنا شد همه ملت در یک راه برود نمی شود از این راه منحرفش کرد

و مسأله اینطور است که یک ملتی اگر یک چیزی را خواست، نمی شود تحمیلش کرد. می شود تحمیل به یک گروهی، یک حزبی، نمی دانم یک چیزهایی کرد، اما به یک ملت نمی شود یک چیزی را تحمیل کرد. ملت وقتی بنا شد، همه شان را در یک راه روند، نمی شود دیگر این را از این راه

منصرفش کرد . با قدرت نمی شود ملت را از آن طریقی که دارد منصرف کرد . ممکن است که یک وقت فرض کنید یک قدرت هایی سرکوب کنند یک ملتی را ، لکن نمی شود تا آخر برود ، در بین راه فلج می شود . بحمدالله مملکت ما جوری است که از اول هم نمی توانند ، نه اینکه بیایند و بین راه ، انشاءالله از اول هم نمی توانند . و ما به خدا متکی هستیم و خداوند انشاءالله همه جوان های ما را حفظ کند و دولت ما را ، ملت ما را همه را حفظ کند . و باید من واقعا تشکر کنم از شما جوان های عزیز که بعد معنویش بسیار زیاد است برای اسلام و برای ایران ، شما محقق کردید و خداوند به شما اجر مجاهدین را انشاءالله عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 118

پیام امام خمینی به خانواده های شهدا، اسرار، مفقودین، جانبازان و مجروحین جنگ تحمیلی

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش بشری و انگیزه های مادی ارزیابی کرد. و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد. که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند، چه که آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرار آمیز فاصله ها دارند. قلم اینجا رسید و سر بشکست و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روز شماری کنیم و حسرت شهادت و شهید و شهید پروران اینچنانی را که با ایثار ثمره حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می کنند به گور بریم و از شجاعت های بی نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زاید الوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجالت و حقارت کنیم. زنان و مردان و کودکان نمونه ای که در زیر بمباران ها و از بستر بیمارستان ها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه های انسان ساز را آرزو می کنند، فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر در می آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند، می باشند. آنچه آنان با قدم های علمی و استدلالی و عرفانی یافته اند اینان با قدم عینی به آن رسیده اند و آنچه آنان در لابلای کتاب ها و صحیفه ها جستجو کرده اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته اند. بارالها! ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده و شهدای عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه های خاص خویش ارزانی بخش و خاندان بزرگوار آنان را با صبر و اجر قرین فرما و آسیب دیدگان عزیز ما را شفا مرحمت نما و اسیران و مفقودان معظم را هر چه زودتر به آغوش ملت عظیم الشان برگردان و به پدران و مادران و همسران آنان شکیبائی و پایداری عنایت فرما و از برکات حضور بقیه الله ارواحنا فداه همه آنان و ملت را نصیب وافر مرحمت فرما.

روح الله الموسوی الخمينی

پیام امام خمینی به مناسبت آغاز هفته جنگ تحمیلی

بسم الله الرحمن الرحيم

سه سال از حمله وحشیانه و احمقانه سردار قادسیه گذشت . تجربه سه ساله و مطالعه اوضاع نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ایران که به خیال پوچ عفلقیان و منافقان و حزب توده وابسته و دلباخته شوروی و دیگر گروه ها و دسته های نوکر ماب ، در همان هفته اول و یا ماه های اول ، شکست ایران و سقوط جمهوری اسلامی و اسلام حتمی بود ، که اکنون بر جهانیان خلاف آن ثابت شده است ، خوب است چشم کوردلان را باز کند و از کارهای جنون آمیزی که تاکنون کرده اند و امروز جز حربه دروغ و گزاف چیزی برایشان بجای نمانده است ، توبه کنند و در پیشگاه خدای متعال اگر اعتقاد دارند عذر تقصیر بخواهند و در پیشگاه ملت بزرگ ایران به جهالت و کوتاه اندیشی شان اعتراف کنند . اکنون علیرغم دروغپردازی ها و عربده کشیدن ها آنچه برای صدام مانده است شکست های پی در پی و جنایت های وحشیانه نسبت به مردم مرزنشین بخصوص مناطق عرب نشین و کردنشین و همچنین دیگر شهرهای ایران و به شهادت رساندن زنان و کودکان و مردان بیگناه می باشد و آنچه برای دشمنان اسلام و انقلاب چه آنان که در رأس کشورهای کفر و دولت های الحادی هستند و چه آنهایی که به این دولت ها پناه برده اند مانده است شایعه سازی های واضح البطلانی است که جز عده ای بیخبر از اوضاع ایران و منطقه کسی باور نمی کند . بی تردید باید برای صدامیان و وابستگان آن در داخل کشور ثابت شده باشد که کمک های همه جانبه ابرقدرتها و وابستگان به آنها و بوق های تبلیغاتی شبانه روزی آنان تاکنون به حال آنان مفید نبوده و پس از این نیز به خواست خداوند تعالی مفید نخواهد بود . و اگر چشم خود را باز کنند برای آنها واضح شده است که قدرت های بزرگ یعنی امریکا و شوروی از بی عقلی آنان استفاده نموده و می خواهند با دست آنان ولو به احتمال بسیار ضعیف ، در منطقه یا در ایران به خیال واهی خود ناراحتی ایجاد کنند . تمام این مسائل و رسوائی هایشان به خاطر آن است که اسلام و نفوذ معنوی آن را در توده های میلیونی مردم نشناخته اند و چشم و گوش خود را از شناخت حقیقت ها بسته اند . اینان آیا ندیده اند که در ظرف مدت کوتاهی جوانان غیور ایران در سایه معنویت اسلام از پرتگاه هایی که قدرت نفتخوار و مفتخوار برای سقوط آنان ایجاد کرده بودند به صورتی معجزه آسا نجات یافته و به قله بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده اند و با شجاعت و شهامت کم نظیر بر کفر جهای و عفلقیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده اند و ملت اسلامی خود را از دست

چپاولگران شرق و غرب نجات داده و تقاله های وابسته و پیوسته آنان را به جای خود نشانده اند و به عمر ننگین آنان خاتمه داده اند؟ و آیا تجربه چند ساله کافی نیست تا این مدعیان قدرت و شناخت مسائل نظامی، سیاسی و تشکیلاتی را به خود آرد و از خواب غفلت بیدار کند تا از وعده های پوچ ابرقدرت ها بازی نخورند و خود را آلت اراده دست آنان قرار ندهند؟ مضحک آن است که صدام در ملاقات با ارتشیان خود که طعم تلخ شکست های خود را از جوانان شجاع ایران چشیده اند و از زاغه های مملو از اسلحه مدرن و مهمات بی پایان فرار نموده اند گفته است ما امروز بیشتر از هر وقت دیگر مجهز به سلاح پیشرفته هستیم و جنگ را تا سال ها ادامه می دهیم. مطلب او نسبت به سلاح های پیشرفته ای که از قدرت ها یا به در یوزگی و یا در برابر اموال مردم بی پناه عراق به دست آورده است مورد تصدیق است لکن این نویدی است برای رزمندگان ما که بدون از دست دادن مخازن کشور و آبروی خود این سلاح ها را از چنگال ارتش فراری عراق به دست آورده و علیه آنها به کار می برند و ما از این شیوه خوشحالیم و اکنون نیز سربازان فداکار اسلام با سلاح ها و خودروها و تانک دشمن بر او تازند. و اما ادامه جنگ همه می دانند که ابتکار آن در دست جوانان ماست و تا سقوط حزب بعث غفلی عراق، دفاع از اسلام و از دو کشور اسلامی عراق و ایران ادامه دارد و پس از آنکه مقدرات کشور به دست ملت رنجدیده عراق افتاد، جنگ خاتمه یافته است. آنچه که موجب تأسف بسیار است آن است که ابرقدرت ها بویژه آمریکا با فریب صدام، با هجوم به کشور ما، دولت مقتدر ایران را سرگرم دفاع از کشور خود نمود تا مجال به اسرائیل غاصب تبهکار دهد تا به نقشه شوم خود که تشکیل اسرائیل بزرگ که از نیل تا فرات است اقدام نماید.

اسحاق شامیر، مهره تازه آمریکا به مجرد نامزدی نخست وزیری به جای بگین، مهره دیگر، قبل از هر چیز نقشه اسرائیل را فاش نمود. او گفت سازمان آزادیبخش فلسطین باید محو شود و تصریح کرد که به عنوان طرفدار یک اسرائیل بزرگ باقی خواهد ماند.

اکنون جای تأسف نیست که سران کشورهای عرب در مقابل این مصیبت یا ساکت نشسته اند و راه را برای این نقشه شوم باز گذاشته اند و یا برای خوشامد امریکا و یا جاه و مقام آنی خویش حامی اسرائیل شده اند؟ اینجانب برای ادای وظیفه اسلامی، در هر فرصت فریاد دل محرومان و مظلومان منطقه را به جهانیان از آنجمله دولت های کشورهای اسلامی رسانده ام و پس از این نیز اگر فرصتی رخ دهد انشاءالله خواهم رساند، شاید در حکومت این کشورها که بعضی سرگرم عیاشی و بعضی نزاع و جدال با برادران خویش و بعضی از ترس امریکا خود را باخته اند اثر کند و این خواب غفلت، به یک بیداری اسلامی انسانی تبدیل گردد تا به این وضع فلاکت بار خویش خاتمه دهند و همانند ایران قهرمان، دست رد به سینه تمام ابرقدرت ها زنند. اکنون برادران مسلمان لبنانی ما در چنگال اسرائیل و دولت خون ریز لبنان و از آن بدتر آمریکای تجاوزگر گرفتارند و هر روز گروهی از آنان شهید یا آواره می شوند و اکثر دولت های منطقه سرگرم سازش با اسرائیل یا تأیید دولت لبنان هستند و یا سرگرم نقشه برای تأیید جنایات صدام و کمک نظامی یا مالی به او برای ادامه جنایات به دو ملت عراق و ایران

می باشند و آنها گمان می کنند که صدام را با این کمک ها می شود نجات داد و اگر نجات پیدا کرد، دست آنان را به گرمی می فشارد. غافل از آنکه با آن خوی سلطه جوئی و بلند پروازی و سببعیتی که در او هست فرصت نفس کشیدن به آنان را نخواهد داد و با بهانه های واهی به کشورهای آنان تجاوز خواهد کرد. آمریکا و شوروی برای تضعیف اسلام و دولت های اسلامی مشغول فعالیت از قبیل تفرقه افکنی ها و ایجاد تشنجات داخلی به دست عمال مزدور یا فریب خورده و برافروختن جنگ بین کشورها و دیگر شیوه های استعماری هستند و این دولت های کشورهای اسلامی و مستضعف جهان هستند که باید چشم و گوش خود را باز کرده و این توطئه ها را خنثی کنند. ملت ایران و قوای مسلح شجاع و فداکار برای افزایش پرچم توحید و تحکیم پایه های جمهوری اسلامی، سال سوم دفاع از هجوم عفلقیان بی فرهنگ را پشت سر می گذارند و با سپاس بی پایان از خداوند متعال و مدد های غیبی و آشکار او از کشور بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء در تمام میدان ها به بهترین وجه دفاع نموده و پیروز شدند و در میدان جنگ تحمیلی، متجاوز جسور را که با کمال جهالت از وعده ها و نوید های امریکا اغفال و خود را در این دام مهلکه انداخت، آنچنان ادب کرد که اینک به هر دولتی پناه برده و به هر دری می زند که خود را از این دام خود ساخته نجات دهد، ولی بحمدالله موفق نخواهد شد.

اکنون که او از جمهوری اسلامی سیلی خورده و امیدی برایش نمانده است، به دولت فرانسه متشبث شده است تا با کمک سلاح های مخرب، به منابع اقتصادی ایران ضربه زند و برگی بر جنایات خود بیفزاید. اینجانب به همه کشورهای منطقه و کشورهایی که به نحوی از نفت استفاده می کنند هشدار می دهم که دولت ایران با تمام قدرت، در مقابل این جنایت ایستادگی می نماید و مصمم است تا در صورت وقوع چنین جنایتی با تمام قدرت، تنگه هرمز را مسدود کند و اجازه ندهد حتی یک قطره نفت از آنجا صادر شود، مسؤول پیامدهای این حادثه بزرگ دولت فرانسه است.

سقوط صدام تا حدی است که حتی با منافقین فراری که خود از او مفلوکت تر و شکست خورده تر هستند، دست اخوت می دهد و منافقین نیز که برای ترمیم ننگ و آبرویی خود به هر حشیشی متشبث می شوند و تنها برای اینکه رادیو بغداد اسمی از این مدعیان نجات خلق برد با کمال وقاحت با صدام جانی که با خمپاره ها و موشک ها هزاران زن و مرد و کودک، بزرگ و کوچک این مرز و بوم را شهید کرده است و هر روز شهرهای این خلق بیگناه را با توپ های دوربرد بر سرشان خراب می کند، دست اخوت و برادری می دهند و رسماً برای آنان جاسوسی می کنند و با آنکه سران منافقین در دامن آمریکا و فرانسه مشغول عیاشی و خوشگذرانی هستند مع الاسف عده ای نوجوان را با حيله و تزویر گول زده و قدرت تفکر را از آنان سلب نموده اند. امیدوارم نوجوانان فریب خورده با دیدن این جنایات و روشن شدن همدستی آنان با صدام، دیگر کورکورانه از آنان تبعیت نکنند.

اکنون که هفته جنگ است و هفته جنگ امسال با سال گذشته فرق های بسیاری دارد، اینجانب به ملت ایران برای داشتن چنین جوانان برومند و متعهد و فداکاری که نظیر آنان را در جهان سراغ ندارم و تاریخ هم نشان نداده است تبریک و تهنیت عرض می کنم و به اسلام بزرگ برای داشتن این

جانبازان در راه حق که برای اسلام و میهن اسلامی خود از همه چیز خویش می گذرند ، تبریک تقدیم می کنم که اینان نه تنها ایران را در جهان و نسل های آینده آبرو دادند ، که اسلام بزرگ که با تعلیمات و الهامات خود چنین تحول بزرگی را بوجود آورده است ، سرفراز نمودند . امروز همه از تصویر این صحنه های معنوی _ انسانی عاجزند و اینجانب که به نویسندگان و گویندگان و تحلیل گران و هنرمندان و نقاشان و همه و همه پیشنهاد می کنم تا همیشه و بخصوص در این هفته آنچه در توان دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم این سلحشوران عظمت آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند ، برای آن است که به گوشه ای از وظیفه اسلامی ، انسانی ، ملی ، میهنی هر چند کوچک خود عمل نمایند والا خداوند شکور است که نام این عظمت آفرینان را در جهان بلند و مقامشان را در ملکوت اعلی به نمایش می گذارد . مگر نه آن است که اینان صدای اسلام را به اقصی نقاط عالم رسانده و عظمت آن را در سطح عالم خاکی جلوه گر ساخته اند ، پس قدردانی از این عمل بزرگ جز به مشیت ذات مقدس او جل و علا میسر نیست . چنانچه ما خاکیان ، ناتوان از عهده تعظیم و تقدیر مادران بزرگواری که در دامن خود این جوانان متعهد را پرورانده اند و پدران سلحشوری که در پناه خویش آنان را به جوانی رسانده اند و همسران غمخواری که در کنار آنان بسر برده اند و اکنون با روی گشاده به میدان نبرد و دفاع از حق می فرستند ، می باشیم و این نیز در عهده آفریدگار منان است . و لکن ملت بزرگ ایران در این هفته ثابت کند که به اسلام با بذل جان و ثمره حیات و مال وفادار است ، هر چند کوردلان شکست خورده در داخل و خارج کشور برای تسکین جراحات خود جغدوار ناله هائی سر دهند . اینک کلمه ای نصیحت آموز با جوانان عزیزی که در جبهه ها و پشت جبهه ها برای اقامه عدل الهی فداکاری می کنند و عزیزانی که به نحوی برای هدف الهی آسیب دیده اند و بازماندگان شهدا معظم که در راه قرآن کریم به شهادت یعنی بزرگترین فیض الهی رسیده اند و به پدران و مادران و همسران و نزدیکان شهدای زنده و به کسانی که در پشت جبهه ها به نحوی کمک به برادران مدافع خود می کنند ، توجه کنید که غرور پیروزی ها و شهرت ها و جوانمردی ها در قلب شما رخنه نکند ، که این مرض نفسانی از دام های شیطان است که بندگان خدا را از توجه به او باز می دارد و از مکاید نفس اماره بالسوء است که انسان ها را به شرک و عبودیت بت ها و خصوص مادر بت ها که بت نفس است ، می کشاند . زنده که جز او را جل و اعلا که ولی نصر است و هیچ نصری جز از او نیست مؤثر بدانید که (مارمیت اذ رمیت ولكن الله رمی) . هر چه دارید و داریم و دارند از اوست و (ما عدم هائیم ، هستی ها نما) بارالها! ما ضعیف و ناتوانیم ، تو به فضل خود ما را از شرک جلی و خفی حفظ فرما و از تبعیت هواهای نفسانی که خود شرک است نجات مرحمت فرما و به حقیقت توحید و یکتاپرستی و یکتاخواهی هدایت فرما اسلام این دین توحید و یکتاپرستی و یکتاخواهی را در سراسر جهان پرتوافکن نما و بیرق های کفر و شرک و نفاق را سرنگون فرما و مسلمین را به وظایف اسلامی _ انسانی خویش هدایت کن و بلاد مسلمین و مستضعفین را از شر مستکبرین و جهانخواران محفوظ دار و شهدای راه حق را از عصر آدم صفی الله تا عصر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و تاکنون و تا عصر بقیة الله ارواحنا فداه از رحمت های

واسعه و جلوه های خاص خود بهره مند فرما و شهدای عزیز ایران را که برای اسلام و میهن اسلامی سرافرازی ها آفریدند با شهدای صدر اسلام محشور فرما و به بازماندگان آنان ، پدران و مادران و همسران متعهدشان صبر و اجر و پایداری عنایت فرما و به اسرای ما سلامت عنایت کن و به جانبازان این شهدای زنده شفا مرحمت فرما و در خیل شهدا محشورشان نما و به نزدیکان خصوصاً مادران و پدران و همسرانشان صبر و اجر مرحمت فرما و به بازماندگان در راه اسلام و دفاع از کشور اسلامی که با کوشش های جانفوسای خود دشمنان اسلام را منکوب و مخدول نمودند و دست آنان را از تجاوز و جنایت و خیانت به کشور قطع کردند ، قدرت و سلامت و عظمت مرحمت فرما و آنان را از مجاهدان در راه خدا قرار بده . صلوات و سلام خدا بر پیامبران خود خصوصاً خاتم و افضل آنان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و بر امامان و اولیاء عظیم الشان خداوند بویژه خاتم آنان مهدی منتظر بقیة الله فی الوری ارواحنا لمقدمه الفداء .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 124

بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران ووزنه برداران بزرگسال شرکت کننده در بازی های آسیایی

کشور شما امروز از قدرتمندترین کشورهای جهان است، این قدرت را حفظ کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

از زیارت همه آقایان خوشحال و به همه شما دعا می کنم . انشاءالله ورزشکاران به همان صورتی که ورزش جسمی دارند ، ورزش روحی هم داشته باشند . و از قدیم ورزشکاران ایران به یاد خدا و علی علیه السلام بوده اند و این از برجستگی های آنان بوده است . انشاءالله هر جا می روید قهرمان باشید و موفق شوید انقلاب را در تمام معانی آن صادر کنید . امیدوارم از حیث اخلاقی هم قهرمان باشید که بحمدالله اخلاق خوب در ورزشکاران بسیار پیدا می شود . شما توجه داشته باشید که تمام تبلیغاتی که بر ضد ملت ایران می شود برای این است که کشور را برگردانند به صورت اول ، سعی کنید که تحت تاثیر این تبلیغات قرار نگیرید . امروز کشور شما در دنیا مطرح است و این به خاطر قدرت شماست . کشور شما امروز یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان است ، باید سعی کنیم این قدرت را حفظ کنیم .

سپس حضرت امام با اشاره به یکی از ورزشکاران که در جبهه حق علیه باطل دو پا و یک دست خود را در راه خدا از دست داده بود ، فرمودند :

ما به داشتن چنین جوانانی افتخار می کنیم . خداوند انشاءالله به ایشان در آخرت دو بال عنایت کند تا با آنها بتواند در بهشت پرواز نماید .

بیانات امام خمینی در جمع رؤسای جمهوری و مجلس، گروهی از مستضعفین جنوب تهران، پرسنل سپاه و ارتش و بسیج مستضعفین و اقشار مختلف مردم (به مناسبت عید غدیر خم)

نگذاشتند حضرت امیر (سلام الله علیه) مجال پیدا کند برای پیاده کردن حکومت الله به آن نحوی که می خواست

بسم الله الرحمن الرحيم

مقابلامن این عید بزرگ را به همه حضار و همه ملت ایران و همه مسلمین جهان و مظلومین سرتاسر عالم تبریک عرض می کنم .

و چه خوب مجلسی است که در یک همچو روز عیدی صاحبان اصلی انقلاب که همین طبقه گودنشینان و کشاورزان و کارگران و مجاهدان هستند در اینجا تشریف دارند و ما از محضرشان استفاده معنوی می کنیم . آن چیزی که موجب تاسف است ، این است که مجال پیدا نکرد حضرت امیر سلام الله علیه ، نگذاشتند مجال پیدا بکند ، چون حکومتی که حکومت الله است در دنیا به آن نحوی که می خواست ، خود حضرت امیر سلام الله علیه می خواست پیاده کند تا دنیا بفهمد که اسلام چی آورده است و چه شخصیت هائی دارد . در آن وقت که حکومت دست ایشان نبود ، که مجال نبود ، آنوقت هم که حکومت دست ایشان آمد ، باز مجال ندادند ، سه تا جنگ بزرگ در زمان ایشان افروختند و مجال اینکه یک حکومتی که دلخواه او هست برقرار کند نشد و این را ما باید تا آخر ابد از آن متاسف باشیم . اگر یک همچو مجالی برای ایشان پیدا می شد ، الگویی بود آن حکومت برای همه کسانی که می خواهند به عدالت و به امور الهی قیام کنند ، الگو می شد . ولی تاسف این است که نشد و آنقدری که شد هم باز نورش متجلی است و الان هم همان اثر کمی که از ایشان مانده است در باب حکومت ، همان اثر کم هم معلوم که وضع باید چه باشد و تاسف دیگر اینکه مجال پیدا نکرد ایشان که آن علوم که در سینه ایشان بود (وهیئنا علما جما) (ان هیئنا علما جما) پیدا نکرد اشخاصی که حمله آن علم باشند و بلاشکال آن علمی که ایشان حمله اش را پیدا نکردند ، آن علم اسرار ولایت ، اسرار توحید است و باید همه عرفا تاسف بخورند بر اینکه این مجال برای ایشان پیدا نشد که آن اسرار را که باید افشا کند ، افشا بفرماید ، مجال نشده و این هم جزء تاسف هایی است که باید خصوصا عرفا و فلاسفه و علما و دانشمندان در این تاسف روزگار بگذرانند .

اگر حکومت، علی (علیه السلام) را الگو قرار داد در اجرا، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین

و ما در این روز، این روز مبارک که از اعیاد بزرگ اسلام است و بر حسب نفوس ما بالاترین عید است و نکته اش هم این است که این ادامه نبوت است، ادامه آن معنویت رسول الله است، ادامه آن حکومت الهی است، از این جهت از همه اعیاد بالاتر است و ما در این روز سعید یکی از چیزهایی که وارد شده است این است که بگوئیم، بخوانیم: (الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و اهل بيته).

تمسک به ولایت امیرالمؤمنین چی هست؟ یعنی ما همین این را بخوانیم و رد بشویم؟ آن هم تمسک به ولایت امیرالمؤمنین در روزی که ولایت به همان معنای واقعی خودش بوده است، نه تمسک به محبت امیرالمؤمنین، تمسک به محبت اصلاً معنا هم ندارد، تمسک به مقام ولایت آن بزرگوار به اینکه گر چه ما و بشر نمی تواند به تمام معنا آن عدالت اجتماعی و عدالت حقیقی را که حضرت امیر قدرت بر پیاده کردنش داشت، نمی توانیم ماها و هیچ کس قدرت نداریم که پیاده کنیم لکن اگر آن الگو پیدا شده بود و حالا هم ما باید به یک مقدار کمی که قدرت داریم تمسک کنیم. تمسک به مقام ولایت معنایش این است، که یکی از معانی اش این است که ماضی آن مقام ولایت باشیم، مقام ولایت که مقام تولیت امور بر مسلمین و مقام حکومت بر مسلمین است، این است که اگر چنانچه حکومت تشکیل شد، حکومت تمسکش به ولایت امیرالمؤمنین این است که آن عدالتی که امیرالمؤمنین اجرا می کرد، این هم اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوئیم ما متمسک هستیم به امیرالمؤمنین، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش. وقتی که حکومت الگو قرار داد امیرالمؤمنین سلام الله علیه را در اجرا حکومتش، در اجرا چیزهایی که باید اجرا بکند، اگر او را الگو قرار داد، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین. اگر چنانچه او الگو نباشد یا اینکه تخلفات حاصل بشود از آن الگوی بزرگ، هزار مرتبه هم روزی بگوید خدا ما را از متمسکین قرار داده است، جز یک کذبی چیزی نیست. و اگر مجلس که از مقامات بلند یا بلندترین مقام کشوری است اگر چنانچه الگو قرار داد آن چیزی که امیرالمؤمنین می خواست و آن عدالتی را که او در همان برهه کمی که به او مجال دادند، خیلی کم مجال پیدا کرد، اگر الگو قرار بدهند آن را برای اینکه احکام را و اموری که باید محول به آنهاست به آن نحو اجرا بکنند، به آن نحو تصویب بکنند و دقت بکنند، آنوقت می شود گفت که مجلس ما هم از متمسکین به امیرالمؤمنین هستند. و ما اگر چنانچه مجلس نتواند این کار را بکند یا خدای نخواستہ نخواهد این کار را بکند، یا بعض افراد نگذارند که این کارها بشود آنوقت ما نمی توانیم بگوئیم که یک مجلس متمسک به ولایت امیرالمؤمنین داریم. و هکذا قوه قضائیه، اگر قوه قضائیه هم تبعیت نکند از آن قضا امیرالمؤمنین که (اقضاکم علی) و اگر تبعیت نکند از قضاوت اسلام، متشبث به همان قضاوت اسلامی نباشد، آن هم هر چه بگوید ما متمسک هستیم، بر خلاف واقع است. تمسک وقتی است که قوه قضائیه هم کارهایی که می کنند از روی الگوی علوی باشد که همان الگوی اسلامی است. و مردم

ماهم

که این دعا را با این فقره را می خوانند آنها هم باید توجه کنند به اینکه تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها تبعیت از مقاصد اوست .

کسانی که مدعی هستند ما شیعه امیرالمومنین هستیم باید در قول و فعل تبعیت از او داشته باشند

همین طور گفتند که ما شیعه علی هستیم و همین که گفتند ما متمسک به ولایت امیرالمومنین هستیم ، این کافی نیست ، نمی شود این . این امور ، اموری نیست که لفظی باشد و با الفاظ و با عبارات بتوانیم ما بگوییم تحقق پیدا کرده است ، اینها یک امور عملی است ، یک حکمت عملی است اینها . باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیرالمومنین هستیم ، تبع او هستیم باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز تبعیت از او داشته باشند . اگر این تبعیت نباشد و ما بگوییم که ما شیعه هستیم ، یک گزافی گفته ایم ، یک طائلی گفته ایم .

امیرالمومنین در زمان حکومتش که بسیار کوتاه و بسیار با ناگوارها مقابل بود می بینید که وقتی که آن نامه را به مالک اشتر می نویسد چه مسائل مهمی را ، مسائل سیاسی را ، مسائل اجتماعی را ، همه چیز را در آنجا ذکر می فرماید با اینکه یک بخشنامه ای برای یک نفر بوده است ، یک نامه ای برای یک نفر بوده است و آن این است که می گوید که به حسب نقلی که شده است که یک خلخال را از پای یک ذمی در حکومت او در آوردند ، به حسب این روایت می فرماید که اگر انسان بمیرد برای این ، این ملوم نیست . شیعه این است که اینطور باشد نه مثل ما ، شیعه این است که اگر چنانچه در حکومت اسلامی ، در کشور اسلامی ظلم ولو به یک ذمی وارد بشود ، آن هم ظلم به همین کمی که یک خلخال را از پای یک ذمیه در آورند ، بگویند که انسان اگر بمیرد ملوم نیست ، ملامت نباید به او بشود ، اینطور اهمیت دارد .

اسلام تکلیف دارد بر شما که مظلومین را نجات دهید از دست کفار

و ما امروز می بینیم که در بلاد مختلفه مسلمین ، ظلم هاست که بر مسلمین دارد می شود . در لبنان آن آتشی که برافروخته اند ، آمریکا برافروخته ، آن لشکرکشی ای که از طرف آمریکا و فرانسه و سایر اذنان آنها برای یک مشت مظلوم شیعه و مظلوم مسلمان در آنجا انجام می گیرد ، سایر مسلمین نشسته اند و تماشا می کنند . غایت کاری که امسال حکومت ها کردند این بود که عید نگرفتند . کافی است این ؟ این هم یک کاری است ، اما آنها دارند ظلم خودشان را می کنند ، آنها دارند فوج فوج جوان های ما را در لبنان و فلسطین می کشند ، آنها دارند در افغانستان جنایات را می کنند ، آنها دارند در عراق آن جنایات را می کنند و آنها بر ایران آن جنایات را وارد می کنند . مجرد اینکه امسال ما عید نداریم ، این کار را درست می کند ؟ این تکلیف را از دوش این دولت ها بر می دارد ؟ آنها با سرنیزه پیش می آیند و با توپ و تانک پیش می آیند و مظلومین هم تنها مانده اند و معذک تو دهنی دارند به آنها می زنند ، لکن دولت ها نشسته اند تماشا می کنند و غایت امر این است که عید را نمی گیرند . شما عید

نگیرید، عید را آمریکا می گیرد، عید را اسرائیل می گیرد. بهتر از این عید چی که شماها مرتبه تان به آنجا رسیده که هیچ کاری از شما نمی آید الا- اینکه عید نگیرید. چه تاثیری در دنیا دارد این؟ عید نگرفتن آنجائی که دنبالش مشت های گره کرده در مقابل آمریکا و در مقابل شوروی و در مقابل صهیونیسم و سایر جنایتکاران با مشت های گره کرده بایستند و با آنهمه امکاناتی که دارید مقابله کنید، آنوقت این عید نگرفتن هم یک اثری دارد والا از آن طرف نفت را به رایگان بدهید به آنها، از آن طرف کمک های معنوی را به آنها بکنید، از آن طرف همه مسلمان ها را در بند خودتان نگه دارید و نگذارید که حتی آنها یک کلمه ای بگویند، آنوقت عید نگیرید، این عید نگرفتن چه اثری دارد؟ اینها انحراف است. اینها تعمیه است. می خواهند به ملت خودشان و مسلمین جهان تعمیه کنند که ما الان ایستاده ایم مقابل اسرائیل. در مقابل توپ و تانک عید نگرفتن کاری است؟ قدرت ندارید شما؟! شما نفت تان را اگر ده روز ببندید به روی دنیا، دنیا خاضع شما می شود. اینها مصیبت هایی است که بر کشورهای اسلامی دارد وارد می شود و خودشان را همه پیرو اسلام می دانند، پیرو دین اسلام می دانند لکن آنی که اسلام هست اصلا خبری از آن نیست. اسلامی که در قرآنش با صراحت می گوید که نباید سلطه جویان عالم، کفار عالم بر مسلمین مسلط بشوند و سلطه پیدا بکنند، شما کوشش می کنید به اینکه آنها سلطه پیدا بکنند. الان وضع لبنان چه وضعی است؟ این شیعیان لبنان، این مسلمان های لبنان الان در چه حالی هستند و این دولت ها می خواهند باز بسازند _ و_ با آمریکا، از آمریکا تبعیت کنند و با اسرائیل بسازند و با امین جمیل بسازند. این سازش چه معنی دارد؟ شمائی که قدرت دارید که اینها را سر جایشان بنشانید و نجات بدهید یک دسته مظلومین را و اسلام هم تکلیف دارد بر شما که مظلومین را نجات بدهید از دست کفار، آنوقت همه کار شما این است که عید نداشتید! شما عید درست می کنید برای اسرائیل و برای امریکا. آنها همه روزشان عید است برای اینکه می بینند در منطقه کاری کرده اند که اسلام مهار بشود، هیچ نتواند یک قدم جلو بگذارد. آنها هر روزشان عید است و برای ماها هر روز عزاست.

ما می خواهیم با دعوت اسلام را به همه جا صادر کنیم، نه با سرنیزه

مائی که می خواهیم اسلام در همه جا باشد و می خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی گوئیم که می خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم، ما می خواهیم با دعوت به همه جا، اسلام را صادر کنیم. ما می خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم ولو یک الگوی ناقصی باشد نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایتکاران با لذات هستند، همه ملت های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می خواهد چه بکند در دنیا. اسلام با این محرومین، با این مظلومین، با این گرفتارها می خواهد چه کند که اینها را نجات بدهد. و شما دولت های خلیج و غیر خلیج کوشش دارید به اینکه این اسلام را نگذارید از ایران یک قدم بیرون بگذارد ولو اینکه به رغم انف شما، بیرون پا گذاشته است و خواهد گذاشت. مسلمین، انصافا انسان باید بگوید که این دولت های اسلامی، همه دولت های اسلامی، الا یک

معدود بسیار کمی اصلا به اسلام کاری ندارند، اسلام وسیله برای مقام است، اسلام غیر از این نیست که وسیله باشد با لفظ اسلام و با قول به اسلام مثل اسلام رضاخانی و محمدرضاخانی، اسلام اینها این بود که قرآن هم طبع می کردند و رضاخان مجلس روضه هم داشت و عزاداری هم آنوقت ارتشش می کردند و همه اینها بود، دسته هم در می کردند، من خودم دیدم. اما اساس را می خواست از بین ببرد، با این صورت اساس را می خواست از بین ببرد و از او بدتر محمدرضا بود که روی نقشه کار می کردند و هر کاری می کردند برای بردن _ اساس است _ اساس بود. الان هم حزب بعث عفتی عراق همین کار را دارد می کند، حالا دیگر عابد و مسلمان شده اند، لکن عابد و مسلمانی که عبید زاکانی می گوید. اساس را اینها از بیخ قبول ندارند. اینها اسلام را منافی با مقاصد خودشان می دانند و منافی هم هست. مقاصد آنها این است که بزنند و بکوبند و مردم را زیر فشار قرار بدهند و غارت کنند و هر چه مردم دارند بگیرند از آنها و برای خودشان در بانک های خارجی انبار کنند، مثل محمدرضا که کرد این کار را. اسلام با این آشنایی ندارد با یک همچنین مطلبی آنها می دانند که اسلام اینطوری نیست، پس، این اساس نباید باشد.

دولت واقعا باید آنطوری که علی (علیه السلام) برای محرومین دل می سوزاند با تمام قدرت دل بسوزاند

ما که امیدواریم که یک جلوه ولو بسیار ناقصی از ولایت، ولایت علی علیه السلام در کشور ما شده باشد، ما باید توجه بکنیم، کافی ندانیم اینکه ما تظاهر می کنیم و شعار می دهیم و چه، اینها کافی نیست. دولت واقعا باید با تمام قدرت آنطوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می سوزاند این هم با تمام قدرت، دل بسوزاند برای محرومین، مثل یک پدری که بچه هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمومنین باید اینطور باشد. الحمدلله هستند خیلی، البته من نمی گویم که کسی می تواند مثل حضرت امیر باشد، خود او هم گفت که شما نمی توانید، نمی توانیم هم واقعا، اما اعانت کنیم ما او را به ورع و تقوا، اعانت کنیم به اینکه تا آن اندازه که می توانیم، برای همه تا یک اندازه ای قدرت هست که هم خودش را نگه دارد و هم جمهوری اسلامی را نگه دارد. این قدرت های کوچک وقتی پهلوی هم گذاشته می شود یک قدرت بزرگ است. الان چهل میلیون جمعیت ایران یک قدرت اسلامی بزرگ است که انشاءالله اگر با همین وضع باقی باشد، به همین انسجام باقی باشد، طرفداری از دولتشان بکنند، طرفداری از مجلس شان بکنند و پشتیبان باشند برای جنگ هائی که در این کشور به بار آورده اند، اگر اینها به همین حال باشند آنوقت یک پرده ای از مقام ولایت در این کشور جلوه پیدا کرده است. کوشش کنید بر اینکه کوشش بکنند همه جمعیت ها و ارگان ها و همه نهادهای اسلامی در اینکه این تبعیت از مرام علی علیه السلام را حفظ کنند و به پیش ببرند. قانع نشوند به اینکه ما حالا تا یک حدودی چه شده است، نخیر، هیچ قانع نشوید.

شما گودنشینان و زاغه نشینان که به ما منت دارید و برای اسلام پیروزی ایجاد کردید باید حفظ کنید آن را

انسان حد ندارد، بی حد است انسان. انسان در معنویات هیچ حدی ندارد تا آنجائی که برگردد به مبدا کمال مطلق. در قدرت هم همین طور است. قدرت اسلامی انسان بی حد است. بنابراین باید همه کشور ما به این توجه داشته باشند که اگر چنانچه دیر بجنبند گرگ ها آنها را می خورند. اگر به این قدرتی که الان در جبهه ها هست و بحمدالله هر روز برای اسلام پیروزی ایجاد می کنند، اگر دیر بجنبند آن قدرت ها و دیر بجنبند این ملت، به دنبال آنها گرگ ها از اطراف نشسته اند و فرصت طلبی می خواهند بکنند که همه ایران را ببلعند و شما باید حفظ بکنید و شما گودنشینان و زاغه نشینان که به ما منت دارید و برای اسلام پیروزی ایجاد کردید و شما عزیزانی که سلامت خودتان را برای اسلام از دست دادید و ما همه مرهون زحمات شما هستیم، باید توجه بکنید که این وحدت الهی محفوظ باشد. شیاطین نیایند و وسوسه ایجاد کنند که حالا هم چیزی نشده است این شیاطین می خواهند آنی که بشود این است که باز مجالس رقص زمان محمدرضا و مجالس _ نمی دانم _ عیش و عشرت آنوقت و سینماهای آنوقت باشد، البته این نشده و نمی شود هم.

آنهائی که می گویند که این کشور باز چیزی نشده است، مثل آنوقت و بدتر از آنوقت است، برای این است که در نظر آنها بدتر است. آنها می خواهند آنطور باشد، آنها می خواهند که در همه کشور ما مسکرات مثل آب جریان داشته باشد، آنها می خواهند فحشا در همه جا باشد، آنها نیست، البته آنها هم ناراضی هستند. لکن شما گودنشین ها، شما زاغه نشین ها، شما کشاورزان، شما کارگرها که بنیه این کشور هستید و اساس این کشور هستید توجه کنید که شیاطین وسوسه نکنند به شما، شما را در کارهایتان سست نکنند. شما می بینید که در همین مدت کوتاه چه کارهایی در ایران شده است. همین قضیه نشت نفت و آن موشک های حزب بعث که این کار را، این جنایات را کرد و بعد هم در دنیا آنهمه بساط در آوردند و به گردن ما هم می گذاشتند، آنهمه بساط درست کردند، تبلیغات که باید همه جمع بشوند چه بکنند، باید یک صندوق بین المللی پیدا بشود و چه بکند و امریکا باید بکند و انگلستان مثلا و امثال اینها. این جوان های ما که متعهد به اسلام هستند و فهمیده اند که خودشان باید برای خودشان کار بکنند، اینها این کار را کردند. حالا آنها بنشینند در خارج هر چی مفت می خواهند بگویند. اینها این معجزه را کردند، پس می توانید بکنید. کارخانه ها را راه انداخته اند همین رفقا، همین دوستان، همین زاغه نشینان، همین کارگرها، می توانید همه کارها را انجام بدهید لکن باید یک لحظه از خدا غافل نباشید. غفلت از مبدا قدرت، انسان را به هلاکت می رساند. مبدا قدرت، اوست و همه چیز به دست اوست و ما چیزی نیستیم. ما شکر می کنیم که خدای تبارک و تعالی به ما عنایت کرده است و از قدرت لایزال خودش یک ذره ای، یک جلوه مختصری در این کشور بذل کرده است، عنایت کرده است.

دولت و مجلس و قدرت های دیگر تاکنون کارهای بسیار مهمی کرده اند ولو اینکه کم گفته اند

و امروز قدرت شما یک قدرت الهی آسیب ناپذیر است مادامی که همین طور باشید ، مادامی که تحت تاثیر این تبلیغات نباشید که یک چیزی کم است ، یک چیزی چی . خوب ، شما نمی دانید که در وقتی که جنگ است ، جنگ داخلی است ، جنگ خارجی است ، همه چیز هست ، محاصره اقتصادی است ، همه کشورها با ما مخالف هستند ، همه قدرت های بزرگ به ضد ما هستند و دولت را در آن مضیقه گذاشته اند ، معذک دولت تاکنون یک شاهی قرض نکرده و دارد کارها را انجام می دهد و مجلس با قدرت خودش دارد قوانین را که به صلاح مسلمین و اسلام است و قوانین اسلامی است دارد طرح می کند و دارد تصویب می کند و قدرت های دیگر مشغول به تعمیر این کشور هستند و تاکنون بسیار کارهای مهمی کرده اند ، ولو اینکه کم گفته اند و لکن زیاد کرده اند . این برای این است که یک کشوری است احساس کرده که خودش باید سر پای خودش بایستد ، این احساس وقتی که در جمعیت پیدا شد ، این معجزات هم دنبالش است . و آنوقت ما را اینطور کرده بودند که احساس این بود که نمی شود ، نمی توانیم ، باید از خارج بیایند ، همه چیز ما از خارج است ، سر تا قدممان باید فرهنگی بشود ، احساس این بود . وقتی احساس این بود ، افکار جامد شده بود ، یعنی افکار رفته بود دنبال اینکه ما نمی توانیم و باید دیگران دست ما را بگیرند . دیگران هم دست شما را نمی گرفتند ، دیگران مال شما را می گرفتند ، خزائن شما را می گرفتند .

امروز احساس این است که می توانیم ، این احساس ، توانایی می آورد ، این احساس افکار را متوجه و متمرکز می کند که هر کسی در هر جایی هست کار بکند ، در هر جایی هست خدمت بکند _ تا _ این احساس مادامی که هست ، شما به پیش می روید . و من امیدوارم که این احساس همیشه باشد و همیشه کشور شما به پیش برود و یک روزی باشد که هر چیزی که هر جا درست می کردند خود شما هم درست بکنید .

خدا انشاءالله همه شما را از موالیان ائمه اطهار و از شیعیان علی بن ابیطالب سلام الله علیه قرار بدهد و دشمنان شما را انشاءالله یا آدم کند یا از بین ببرد .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر و اعضای جدید ستاد انقلاب فرهنگی

باید دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد

بسم الله الرحمن الرحيم

بنابراین شد تا به جای آقایانی که به عللی غایب بودند و در ستاد شرکت نمی کردند، افراد جدید منصوب گردد. تمام آقایانی که امروز در این ستاد هستند نمایندگان من در ستاد می باشند و هیچ فرقی بین این آقایان و اعضای قدیم نیست، اما قضیه دانشگاه از اهم امور است، همانطوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است، چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت. و باید این مساله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد و باید سعی شود که تا دانشگاه به یکی از دو قدرت گرایش پیدا نکند و این به صرف وقت و نظارت کامل احتیاج دارد و باید توجه داشت تا بعد از بازگشایی مبدا افراد منحرف با تزریق مسائل انحرافی افکار جوانان ما را فاسد بکنند، و برای نظارت بر این موضوع احتیاج به افراد بسیاری است.

امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد. و برای تحقق این امر لازم است از افراد متخصص متعهد و در صورت کمبود از متخصصین غیرمخالف با جمهوری اسلامی استفاده نمائید. انشاءالله با قدرت هر چه تمامتر در این امر فعالیت کنید و به پیش بروید تا به مقاصد الهی برسیم.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران، نمایندگان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور، روحانیون تربت حیدریه و گروهی از روحانیوناهل سنت مرزنشین خراسان

هر چه داریم از خداست و آنی که از اوست در راه او می دهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه ماه بزرگ محرم خوشحالم که مواجه شدم با علمای اعلام و وعاظ عزیز و فضیلتی حوزه ها . ما در این آستانه ماه محرم مصیبت های بزرگی دیدیم ، دزفول و اندیمشک که همه جوانان ما بودند ، برادران ما بودند ، خواهران ما بودند ، عزیزان ما بودند ، اینها به دست عمال آمریکا و آنهایی که به اسلام عقیده ندارند و ضد اسلام هستند شهید شدند و دنیا در این باب ساکت است . رسانه های گروهی دنیا ، غایت حرفی که می زنند این است که عراقی ها می گویند آنها ما را ، ایرانی ها ما را بمباران کردند ، ایرانی ها هم می گویند آنها . با اینکه می آیند می بینند مصیبت ها را ، لکن این سازمان های به اصطلاح حقوق بشر به جای اینکه ظالم ها را محکوم کنند ، مظلوم ها را محکوم می کنند . و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به این ملت قدرتی بدهد که در مقابل همه رنج ها و در مقابل همه مصیبت ها ایستادگی کند و همانطوری که ما در آستانه یک ماهی واقع شدیم که آن ماه به ما تعلیم می دهد که باید همان نحوی که مولای شما حسین بن علی سلام الله علیه فداکاری کرد و همه چیز خودش را در راه اسلام فدا کرد ، شما هم که شیعیان او هستید ، محبان او هستید ، باید اقتدا به او کنید و هر چه دارید بدهید . و ما هیچ نداریم ، هر چه داریم از خدای تبارک و تعالی است و چیزی نداریم که در راه او بدهیم ، آنی که از اوست ، در راه او می دهیم . همه از او هستیم ، جوانان ما از او هست ، اموال ما از اوست ، همه چیز ما از اوست و ما در راه او این چیزها را فدا می کنیم و از خود اوست که در راه او فدا می شود . مطلب زیاد است که در این محضر باید عرض کنم و من قدرت بیان همه را ندارم . لکن بعضی مسائل که به نظر من در این برهه زمان اهمیت شایانی دارد ، لازم است که تذکرا عرض کنم .

هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست

از شیاطین غافل نباشید . این شیاطین به هر چیزی که می توانند متشبث می شوند و به هر راهی می خواهند در دل این ملت رخنه کنند . قضیه حمله نظامی آنقدرها مهم نیست ، جوابش را بحمدالله سلحشوران اسلام می دهند و داده اند . رسانه های گروهی هم دیگر حرف هایشان تاثیری ندارد در دنیا ،

برای اینکه معلوم شده است

که اینها چکاره اند و مسائل شان یک مسائلی است که باور نمی کنند، نمی توانند بازی بدهند ملت های ما را. آنچه که امروز آنها دست به آن زده اند قضیه ایجاد (به خیال خودشان) تفرقه است، مثلاً می گویند راه فلان مقام، خط فلان مقام چی است و خط فلان مقام هم مقابل اوست. دو مقامی که هر دو و سایر مقامات همه با هستند و در همه چیزها باهم دوست و برادر هستند و آنها خودشان می دانند که راهی جز همان که همه دارند ندارند، لکن ساده دل ها ممکن است که گاهی باور کنند. راه فلان حوزه چی هست، راه فلان حوزه چی هست، راه فلان آقا چی هست، راه فلان آقا چی هست، راه روحانیون فلان قسم شان چی است، راه فلان قسم شان چی است. خطوط مختلفی آنها عرضه می کنند و به مردم می خواهند بیاوراند که یک همچو مسائلی هست در ایران و اینها هر کدام یک خط خاصی دارند در صورتی که مساله اینطور نیست، هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست و همه با هم در یک خط هستند. آقایانی که در ماه محرم و صفر منبر می روند وظایف زیادی در این ابوابی که ما الان در آن هستیم دارند، یکی همین محکوم کردن این کسانی که یک همچو حرف هایی را می زنند، که کی خط چه دارد و کی خط چی. باید به مردم گفت که اینها دشمنان شما هستند که می خواهند به شما مطالبی عرضه کنند که شما را از بعضی مقامات یا از همه دلسرد کنند.

امروز همه مقامات با هم هستند، همه روسایی که در کار هستند، همه اینها با هم هستند و همه برای اسلام دلسوزی می کنند و برای اسلام حرکت می کنند. خطوط مختلفی ما نداریم در ایران، اینها افترائی است که دشمن های ما و ایادی آنها درست می کنند. بعد از اینکه مایوس شدند از قیام مسلحانه و مایوس شدند از حمله و از راه های مختلفی که تاکنون اعمال کردند، حالا این هم یک راهی است که پیش گرفته اند، که حوزه علمیه قم چه می گوید و حوزه روحانیت مبارز تهران چی می گوید و روسا، فلان رئیس با چند نفر یک راهی دارند، فلان رئیس با چند نفر راه دیگری دارند، روحانیین هر جا یک مطلبی دارند، در صورتی که مسائل این نیست. من می دانم که شما خودتان هم می دانید این را، لکن ساده دل ها ممکن است که باور کنند.

تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت، دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد، نه ایران تنها، از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت، یک دسته دشمن مشروطه، علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه، یک دسته مخالف مشروطه. اهل منبر یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می کردند، یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه ای دو تا برادر اگر بودند، مثلاً در بسیاری از جاها این مشروطه ای بود، آن مستبد. و این یک نقشه ای بود که نقشه هم تاثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آنطوری که علماً بزرگ طرحش را ریخته _ باشند _ بودند، عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند، تا آنجا که مثل مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری در ایران برای خاطر اینکه می گفت باید مشروطه مشروع باشد و آن مشروطه ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم، در همین تهران به دار زدند و مردم هم پای او

رقصیدند یا کف زدند. در مشروطه در عین حالی که ابتدائش نبود این مسائل، لکن آنهایی که می دیدند که از مشروطه ضرر می بینند، منافعشان از بین می رود، نمی گذارد قانون اساسی، که موافق با اسلام باید باشد و اگر مخالف شد، قانونیت ندارد، نمی گذارد که اینها هر کاری می خواهند بکنند، یک دسته از همان مستبدین، مشروطه خواه شدند و افتادند توی مردم همان مستبدین بعدها آمدند و مشروطه را قبضه کردند و رساندند به آنجایی که دیدید و دیدیم. زمان میرزای شیرازی هم می خواستند یک همچو کاری بکنند. مرحوم میرزا که دخانیات را تحریم فرمود شیاطین افتادند و در بین مردم و به آنجا رساندند که بعضی از اهل علم بعضی از شهرها بالای منبر به طوری که نقل می کنند قلیان کشید بر ضد حکم مرحوم میرزا، لکن میرزا چون قدرتش قدرت فوق العاده بود و از آن طرف هم طرفداران او مثل میرزای شیرازی قوی بود و قدرتمند، نتوانستند آنجا کاری بکنند. در مشروطه اینطور نبود، در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند، بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلافات را ایجاد کردند و این اینطور نبود که خود به خود ایجاد شد، ایجاد کردند در بین آنها. ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبادا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون، بیفتد اشخاصی یا در بین مردم وسوسه کنند و خدای نخواستہ آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد.

مردم در انتخابات موظف شرعی هستند که از اختلافات کوبنده دست بردارند

چند وقت دیگر انتخابات شروع می شود. از قراری که من شنیدم به طور حاد دارند اشخاص عمل می کنند. اشخاصی هستند که به جمهوری اسلامی هیچ اعتقاد ندارند، لکن برای خاطر شکستن جمهوری اسلامی در تبلیغات انتخاباتی می خواهند شرکت کنند، نه از باب اینکه می خواهند وکیل بشوند، از باب اینکه می خواهند شکست بدهند جمهوری اسلامی را. اشخاصی هستند که به وسوسه، اشخاص مومن را وادار می کنند که به طور حاد دخالت بکنند در این امور. ممکن است که اگر اشخاص هوشمند تنبه ندهند و بیدار نشوند، این انتخابات موجب این بشود که دو دستگی های زیادی ایجاد بشود و این همان مساله مشروطه است. باید مردم توجه کنند و خصوصاً روحانیون، روحانیون مبارز تهران مدرسین محترم قم، روحانیون مشهد، اصفهان، همه جا توجه کنند که مساله، مساله مشروطه نشود. مساله این نشود که یک دسته برای خاطر اینکه یک کاندیدایی دارند، دیگران را بکوبند، آن دسته هم برای همین کاندیدای خودشان، این را بکوبند. اگر همه برای خدا هست، با هم تفاهم کنید. البته تبلیغ هیچ مانعی ندارد، لکن مثل مشروطه نشود. آنطور نشود که هر کدام دیگری را بکوبند و آنی که دشمن ما می خواهد، خطوط مختلفه را در انتخابات عملی کند. شما همه می خواهید که اسلام در این مملکت تحقق پیدا کند، همه می خواهید که این جمهوری اسلامی ادامه پیدا بکند، ادامه این به این است که شما در مواردی که می بینید که دارند شیاطین نقشه می کشند و توطئه می کنند تا شما را به جان هم بیندازند، بنشینید با هم و تفاهم کنید و آنها را مایوس کنید. امروز دارند تهیه می بینند

مخالفین شما، مخالفین جمهوری اسلامی، که برای انتخابات ایجاد نفاق کنند و این یک خطری است برای کشور ما. اینها با زور نمی توانند کاری انجام بدهند، نه آمریکا، نه شوروی، با فشار و زور به یک کشوری که همه با هم هستند نمی توانند آسیب برسانند، لکن با توطئه و وادار کردن عمال خودشان در داخل می توانند ایجاد نفاق کنند و بهانه هم انتخابات.

مردم در انتخابات موظفند، موظف شرعی هستند که اختلافات کوبنده را از آن دست بردارند و این یک امری است که بین همه هست، یعنی یک تکلیفی متوجه به همه هست، به من طلبه که اینجا نشسته ام و به شما علما و همه علمای بلاد و همه قشرهای ملت، همه روشنفکران، همه نویسندگان، گویندگان، به همه تکلیف شرعی است که نگذارید مساله مثل مساله مشروطیت بشود. عبرت بگیرید از آنجا، اگر مثل او بشود، آنهایی که مخالف با اسلام و جمهوری اسلامی هستند و بازیگر هستند، آنها می آیند قبضه می کنند. یکی از اموری که خیلی لازم است، همین مساله است که باید تذکر بدهند آقایان، تبه بدهند آقایان. و آن مطلب اول هم که عرض کردم تذکر بدهند به مردم به اینکه امروز ایران، اینهایی که در کار هستند، اینهایی که متکفل امور هستند، چه مجلس و چه دولت و چه قوه قضائیه و همه اینها یک راه دارند می روند. البته نادر تویشان هست که شیطان است، لکن به حسب نوع امور، اینها دارند یک راه می روند، خطوط مختلفی در کار نیست. این توطئه را که می خواهند با اسم خطوط مختلفه، یک دسته را طرفدار یک جبهه بکنند و یک دسته را طرفدار یک جبهه بکنند و در صورتی که خود آنها با هم اختلاف ندارند، مریدها به اختلاف بیفتند و کم کم در همه جا همان حرف هائی که در مشروطه بود، که در یک شهر یک دسته اهل منبر مشروطه بودند، یک دسته اهل منبر مستبد بودند و در خانه ها همین مسائل بود و در بازار همین مسائل بود، یک وقت اینطور نشود که مردم را به جان هم بیندازند، این برای طرفداری از فلان شخصیت و آن برای طرفداری از فلان شخصیت، در صورتی که همه اش توهم بیشتر نیست. و همین طور در انتخابات توجه کنند، مردم را توجه بدهید به اینکه شما می خواهید اسلام را حفظ کنید، باید منتخبین شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند. باید تکلیف کرد به مردم که وقتی انتخابات پیش آمد به طور شایسته روحانین عمل کنند، وعاظ عمل کنند و مردم هم به تبع آنها عمل کنند تا یک مجلسی داشته باشیم که دیگر در آن هیچ اشخاصی که مخالف با وجهه جمهوریت هستند نداشته باشیم.

ارتش مسلم عراق نشینند که این حزب بعث، اسلام را زیر پا بگذارد

و از مسائلی که باید عرض کنم این است که جبهه ها محتاج به روحانی هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند که روحانیون آنها را هدایت کنند، ارشاد کنند، اگر توطئه ای در کار هست آنها آن توطئه را خنثی کنند. در جبهه ها، در شهرهای مرزی احتیاج هست به روحانیون، برای خدا روحانیون به جبهه ها بروند، به شهرهای مرزی بروند و مردم را هدایت کنند. شیاطین همه جا هستند، باید در مقابل شان جندالله هم باشد. از جبهه ها مکرر این مطلب گفته شده است که روحانیون بیایند در اینجا، ما

و انصاف نیست که این جوان های عزیز ما در آنجا فداکاری کنند و از شماها تقاضا کنند که بیایید ما را هدایت کنید ، بیایید ما را خط هدایت بدهید و ما مضایقه کنیم . این هم یکی از اموری است که باید آقایان توجه به آن بکنند و ایام محرم و صفر هم یک فرصتی است که می توانند آقایان بروند در آنجا و می توانند در شهرهای مرزی ، ولو به نوبت (در بعضی شهرهای مرزی می گویند که حتی برای عقد کردن هم روحانی نیست) ولو به نوبت باشد ، آقایان در آن شهرها بروند یک ماه بمانند ، بعد یکی دیگر یک ماه بماند ، مردم را هدایت کنند ، امور شرعیه مردم را به آنها بگویند . و به همه جوانان عزیز در سرتاسر کشور ، بعد از آنکه از آنها تشکر می کنیم به اینکه این نهضت را و این جمهوری اسلامی را از گزند حفظ کردند ، لکن توجه کنند که بین راه هستند ، و امروز احتیاج هست به وجود این جوان ها ، ما نرسیده ایم به آن مقصدی که اسلام به ما پیشنهاد کرده باید آقایان باز هر جا می روند برای صحبت کردن به جوان های ما توصیه کنند که جبهه ها را پر کنند .

بحمدالله در جبهه ها الان قدرت و همه چیز در دست ماست ، لکن ما نباید مغرور بشویم به اینکه قدرت در دست ماست . ما تا آخر باید همیشه دنبال این باشیم که باید ما پیش برویم . باید ما دشمن را شرش را از سر ایران قطع بکنیم . و در عین حالی که بنده مکرر عرض کرده ام و مسؤولین محترم فرموده اند ، در عین حالی که ما هرگز مهاجم نیستیم و نخواهیم بود ، لکن این پیشرفتی که _ در ملت _ در کشور عراق می شود برای دفاع است ، دفاع از کشور خودمان ، دفاع از کشور اسلامی عراق . امروز کشور عراق ابتلایش بیشتر از کشور ماست ، مردم مسلمان عراق امروز بیشتر در رنج هستند از ما ، اختناقی که در عراق حکمفرماست ، در هیچ عصری شاید نبوده ، مردم مالک هیچ نیستند در عراق . دم از اسلام می زنند ، این سردمدارهایی که اصل اسلام را اطلاع ندارند چی هست ، لکن یک کلمه اسلامی شنیده اند و دم از اسلام می زنند ، لکن اسلام را زیر پا گذاشته اند و این مردم مسلمان عراق را در فشار و اختناق قرار داده اند که سلب امنیت الان از عراق هست . بعضی از آقایان که تازه آمده بودند از عراق ، می گفتند اصلاً مردم مسلوب الامنیه هستند . اینها نمی دانند که فردا چه خواهند کرد با آنها ، حزب بعث چه خواهد کرد با آنها . ما دفاع _ در ، از _ می کنیم از اسلام ، اسلام در عراق دارد پایمال می شود . این ارتش عراق که همه بعثی نیستند ، اینها یک دسته شان بعثی هستند ، خوب ، باقی مسلم هستند ، اینها نشینند که این حزب بعث ، اسلام را زیر پا بگذارد و همه شعائر اسلامی را از بین ببرد . اینها آن روزی که دست شان برسد ، شک نکنید که اعتاب مقدسه را با خاک یکسان می کنند ، همانطوری که قبور اولیاً خدا در بقیع با ناهمی و کجروی از بین بردند ، اینها با ضد اسلامی در عراق خواهند رفتار کرد و این بقاع مطهره را نخواهند (اگر دست شان برسد خدای نخواستہ) باقی بگذارند . چرا ملت عراق و ارتش عراق توجه ندارند به این معانی ؟ صدام لب جهنم واقع شده است ، حزب بعث لب جهنم واقع شده است و محتاج به یک قیامی است در عراق ، ولو قیامی ضعیف .

ما نمی خواهیم که به عراق تحمیلی بکنیم ، ما عراق را محترم می دانیم همانطوری که ایران را می دانیم و عراق را محترم تر می دانیم برای اینکه امیرالمومنین در عراق است ، امام حسین در

ما می خواهیم که در پناه این بقاع مطهره ، مردم با آرامش زندگی کنند ، نه اینطوری که الان هست که نمی دانند که فردا صبح به حال خودشان و اولادشان و علمایشان اینها چه خواهد آمد . و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همانطوری که عنایت کرد به ایران و ایران را نجات داد از دست آن رژیم فاسد ، به عراق هم عنایت بکند و مردم را توجه بدهد و ارتش عراق را توجه بدهد و کارمندا و کارگرا و کشاورزهای عراق را توجه بدهد و همانطوری که در اینجا واقع شد ، این تحول در آنجا هم واقع بشود انشاءالله . و ما امروز ملاحظه می کنیم که به واسطه بیعرضگی این حکومت ها ، آمریکا از آن ور دنیا دارد حکومت می کند به اینجاها . اینجا ما دستش را قطع کردیم که نفس نمی تواند بکشد ، و خلیج دست ماست که آمریکا تا آمده است بجنبه دیگر نفتی برای آنها نمی گذاریم بماند ، لکن بی توجهی این حکومت ها اسباب این شده است که آمریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کرده و اینجا زمام امور این حکومت ها را به دست گرفته ، قدرت دست اینهاست ، لکن قدرتی که عقل اداره اش را ندارند ، قدرت دارند ، لکن اداره نمی توانند بکنند . ایران در اول قدرتی نداشت ، هر چه قدرت بود مال شاه معدوم و بستگان آمریکا بود ، ارتش دست آمریکائی ها بود و همه چیز دست آنها بود ، لکن ملت ما هوشیار بود و سران این مملکت عاقل بودند ، توانستند این مردم را توجه بدهند و بیدار کنند و کردند آن کاری که شایسته یک ملت بود . کشورهای دیگر مردمش خوبند ، لکن مدیری که بتواند آنها را اداره بکند و وادار کند به اینکه نگذارند سلطه آمریکا به اینطوری که هست باقی بماند و هر روز زیادتیر بشود و همین طور سلطه شوروی . اسلحه دست شماست ، لکن باید آن کسی که اسلحه دستش است بداند چه می کند ، بداند در کجا باید به کار ببرد ، شما اسلحه دست گرفتید و به اسلام صدمه می زنید . شما می دانید که جمهوری اسلامی می خواهد اسلام باشد در این کشور و در همه کشورها ، لکن اسلحه هاتان را دست گرفتید و بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی عمل می کنید . اسلحه دارید ، لکن نمی دانید کجا عمل کنید . شما اگر با هم متحد بشوید ، همین حکومت های عرب با هم متحد بشوند ، سایر مسلمین هم همراه آنها هستند ، ما هم همراه آنها هستیم ، متحد باید بشوند _ بشوند _ و آمریکا را بگویند تو چکاره هستی که آمدی خلیج فارس را می خواهی اداره بکنی ؟ به تو چه ربط دارد ؟ شوروی چکاره است که از آن ور آمده است و افغانستان را می خواهد فرمانفرمائی در آن بکند ؟ به چه مناسبت ؟ برای این است که اینها استفاده می کنند از نادانی یک دسته و از خیانت یک دسته . یک دسته نادانند ، یک دسته خائن ، یک دسته مردم بیچاره هم که گرفتار در دست اینها هستند ، نمی توانند کاری انجام بدهند . من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما و به همه و به همه مظلومین جهان منت بگذارد که از زیر سلطه این ظالم هائی که خون مردم را دارند می مکند ، نجات پیدا بکنیم .

مساله کربلا که خودش در راس مسائل سیاسی است باید زنده بماند به همان فرمی که بود

و شما آقایان که بسیاری تان در منابر و بسیاری در پائین منابر مردم را ارشاد می کنید ، باید در

این دو ماه مبارک ارشادتان را قوی بکنید و مسائل اسلامی را برای آنها بگویید، مسائل سیاسی را برای آنها بگویید، در عین حالی که مساله کربلا که خودش در راس مسائل سیاسی هست، باید زنده بماند به همان فرمی که بود، منتها الفاظ تغییر نکند. مصیبت ها همان است، مصیبت ها تغییری ندارد، باید آن بعد سیاسی کربلا را برای مردم بیان کرد. سیدالشهدا به حسب روایات ما و به حسب عقاید ما از آنوقتی که از مدینه حرکت کرد می دانست که چی دارد می کند، می دانست شهید می شود، قبل از تولد او اطلاع داده بودند به حسب روایات ما. وقتی که آمد مکه و از مکه در آن حال بیرون رفت، یک حرکت سیاسی بزرگی بود که در یک وقتی که همه مردم دارند به مکه می روند، ایشان از مکه خارج بشود. این یک حرکت سیاسی بود، تمام حرکاتش، حرکات سیاسی بود، اسلامی - سیاسی و این حرکت اسلامی - سیاسی بود که بنی امیه را از بین برد و اگر این حرکت نبود، اسلام پایمال شده بود.

آن روزی که افراد ادراک می کنند که احتمال هم بدهند که اسلام در خطر است، آن روز همان کاری که امام حسین کرد باید بکنند. آن روزی که احتمال ما بدهیم که اسلام در خطر است، باید همه مان فداکاری بکنیم، باید برویم دنبال کار. اگر احتمال بدهیم که به واسطه تبلیغات انتخاباتی ما اسلام و جمهوری اسلامی در خطر است باید آنجور تبلیغاتی که خطرناک است، دست از آن برداریم، برای اینکه ضد اسلام است و گاهی با اسم اسلام یا با توهم اسلامی بودن، یک اموری انجام می گیرد که بر خلاف اسلام است. در مشروطه هم اینطور بود، یک دسته واقعا به آنها آنقدر تزریق شده بود که اعتقاد کرده بودند که باید فلان جور را عمل کرد، به آنها تزریق کرده بودند، این سلطنت طلب های آنوقت آنقدر تزریق کرده بودند که مردم استبداد را ترویج می کردند (یعنی یک دسته، یک دسته از اهل منبر هم همین طور). حالا هم همین طور است. ممکن است شیاطین در بین مردم بیفتند و آنقدر تزریق کنند که تکلیف شرعی معین کنند برایتان که باید ما مخالفت با فلان مقام، مخالفت با فلان امر بکنیم. بیدار باشید! آنها با توطئه های شیطانی دارند عمل می کنند. توطئه های شیطانی غیر از این لشکرکشی است این مهم نیست، آن توطئه های شیطانی که بین خود شما ممکن است که تفرقه خدای نخواستہ ایجاد کند، آنهایی است که یک کشور را به باد می دهد و بر می گرداند به زمان سابق و آن نه به فرم سلطنت، به فرم اسلام، لکن اسلامی که آنها می خواهند عمال آمریکا دست بردارند از کارهایشان، گذشت که اینها بتوانند کاری انجام بدهند، بروند سر جایشان بنشینند کار دیگر انجام بدهند. آن عمالی که در خارج نشسته اند و دائما بر ضد ایران تبلیغ می کنند و می گویند که همه ایرانی ها برگشته اند از جمهوری اسلامی و همه با ما هستند، خوب، اگر همه با شما هستند، خوب، تشریف بیاورید اینجا، پس چه شد فرار کردید؟ حالا هم دژ دور خودتان بستید. اگر همه ایرانی ها یا اکثر ایرانی ها با شما موافقند و از ترس شان دارند نماز جمعه می روند و از ترس شان دارند عرض می کنم که فداکاری می کنند، اگر اینطور است خوب، همه با شما هستند، خوب، چرا رفتید خارج نشسته اید؟ چرا جرات نمی کنید بیایید اینجا؟ اینها همین ها هستند که می خواهند در دل های ساده مردم نفوذ کنند و انشاءالله که موفق نخواهند شد و اسلام بحمدالله یک جلوه ای کرده است و در همه دنیا این جلوه را کرده است و مردم دنیا و

مظلومین دنیا توجه پیدا کرده اند به این جمهوری اسلامی . و امیدوارم که ما هم خودمان پایبند باشیم به اسلام و به جمهوری اسلامی و همه شما موفق باشید برای اینکه خدمت کنید به این مردم ، خدمت کنید به این مستمندان دولت خدمت کند به این کسانی که در راه اسلام آنقدر فداکاری کردند ، خدمت کند به این اهالی دزفول و اهالی اندیمشک و خوزستان که همه چیز خودشان را از دست دادند ، خدمت کنند . این یک تکلیف شرعی است برای همه ما .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 141

فرمان امام خمینی به آیت الله مهدوی کنی (در مورد تشکیل ستاد تأمین نیازهای مردم مناطق بمباران شده)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی دامت افاضاته

با توجه به حوادث ناگوار فوق العاده ناشی از حملات وحشیانه موشکی و بمباران های مکرر مناطق مسکونی شهرها و روستاها به وسیله عوامل استکبار جهانی و حزب بعث عفلقی عراق، ناچار نیاز به کمک های فوری و ضربتی احساس می شود. در این رابطه لازم است ستادی تشکیل شود که با اختیارات کامل و فوق برنامه نیازهای تدارکاتی و عاطفی مردم محترم مصیبت زده و داغدیده را بدون وقفه برآورده سازد، لازم به تذکر است که به متصدیان و ماموران این امر اسلامی امر و سفارش اکید شود که با احترامات فائقه با این عزیزان مظلوم برخورد گردد. انتظار دارد که جناب آقای رئیس جمهور محترم و رئیس محترم دولت ایدهم الله در اقدام به این مهم، تمام سعی و کوشش لازم را مبذول دارند و تلاش در بهبود وضع این عزیزان محترم را به عنوان یک وظیفه شرعی تلقی فرمایند.

لازم است این ستاد با تشکیل گروه های نجات و پشتیبانی و اسکان فوری موقت و تهیه لوازم مورد احتیاج، گوشه ای از وظایف انسانی - اسلامی خود را عملی سازد.

کلیه ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی اعم از وزارتخانه ها و ادارات تابعه خصوصا وزارت صنایع و بازرگانی موظفند همکاری های لازم را مبذول دارند. امید است مردم معظم و روحانیون و ائمه جمعه و جماعات عظیم الشان در سراسر ایران با یاری و همکاری خود موجب جلب عنایات خاصه خداوند متعال و رضای حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه گردند.

لازم است جنابعالی اینجانب را از جریان امور و خدای نخواستہ اگر در تحقق اهداف فوق به مانعی برخوردید، مستحضر نمایید. از خداوند متعال توفیق و تأیید همگان را خواستار است.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ: 18/7/62

پاسخ امام خمینی به نامه دبیر شورای سرپرستی طلاب غیر ایرانی مقیم حوزه علمیه قم (حجت الاسلام حاج شیخ حسن ابراهیمی)

بسمه تعالی

توفیق و تأیید آقایان را در این امر مهم اسلامی از خداوند تعالی خواستار است . امید است با تأییدات خداوند متعال و تحت عنایات خاصه ولی الله اعظم روحی فداه هر چه بیشتر برای بارور شدن تبلیغات اسلامی و صدور معنوی انقلاب اسلامی در جهان موفق و مؤید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 143



جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

بسمه تعالی

شماره ۴۴۶/۶۲/۳۴۴۴/۲

تاریخ ۳۰ آذر ۶۲

پیوست

محضر مبارک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران
حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی
بعد از درود و سلام بی پایان

از آنجا که در بعضی از شعبات بانکها و ادارات انجام فریضه نماز بصورت
جماعت بهنگام وقت فضیلت موجب سو استفاده و یا اضربه بیت المال
میگردد، لذا سئوالات زیر در این رابطه مطرح است.

۱- در صورتیکه نماز جماعت در اول وقت باعث افت تولید یک کارخانه

شود و یا اختلالی در امر تولید بوجود آورد آیا مسئول کارخانه میتواند از

کارکنان بخواهد تا نماز را بعد از اتمام کار بخوانند. *باید بعد از اتمام کار بگویند مگر اگر وقت
دو وقت مشغولیم نمیتوانیم*

۲- اگر از بخشنامه دولت مبنی بر اقامه نماز جماعت در شعبهای از بانکها

و یا ادارات سو استفاده شود و کار مردم تعطیل گردد آیا میتوان اقامه نماز را

بعاتمام وقت اداری که حدود ساعت ۲ بعد از ظهر است محول کرد. *در وقت
اداری نماز خوانند*

۳- آیا دولت مجاز است که در صورت مشاهده اضربه بیت المال و یا

حیثیت جمهوری اسلامی بعلت سو استفاده عدهای بصورت موردی

جماعت در اول وقت را ملغی نماید. *در وقت نماز مگر در وقت*

*نمکرده بودیم تا آنکه
صیبری مهرحسین موسوی
نخست وزیر*



استفتاء نخست وزیر از محضر امام خمینی پیرامون به تأخیر انداختن اقامه نماز جماعت در بعضی از شعبات بانکها ادارات و کارخانه ها

بسمه تعالی

محضر مبارک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

بعد از درود و سلام بی پایان از آنجا که در بعضی از شعبات بانکها و ادارات انجام فریضه نماز به صورت جماعت به هنگام وقت فضیلت موجب سوء استفاده و یا اضرار به بیت المال می گردد لذا سؤالات زیر در این رابطه مطرح است:

1 - در صورتی که نماز جماعت در اول وقت باعث افت تولید یک کارخانه شود و یا اختلالی در امر و تولید بوجود آورد، آیا مسئول کارخانه میتواند از کارکنان بخواهد تا نماز را بعد از اتمام کار بخوانند؟

2- اگر از بخشنامه دولت مبنی بر اقامه نماز جماعت در شعبه ای از بانکها و یا ادارات سوء استفاده شود و کار مردم تعطیل، گردد آیا میتوان اقامه نماز را به اتمام وقت اداری که حدود ساعت 2 بعد از ظهر است محول کرد؟

3 - آیا دولت مجاز است که در صورت مشاهده اضرار به بیت المال و یا وهن حیثیت جمهوری اسلامی به علت سوء استفاده عده ای به صورت موردی نماز جماعت را در اول وقت ملغی نماید؟

میرحسین موسوی نخست وزیر

پاسخ امام خمینی به استفتاء نخست وزیر

بسمه تعالی

جواب 1 _ باید نماز را بعد از اتمام کار بخوانند و اگر کارخانه دولتی است ، مسؤول هم نمی تواند اجازه دهد .

جواب 2 _ لازم است پس از وقت اداری نماز بخوانند .

جواب 3 _ دولت می تواند ، بلکه در صورت مذکور لازم است الغا کند .

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر صنایع سنگین و کارکنان واحدهای تولیدی اینوزارتخانه و گروهی از مخترعین و مبتکرین وابسته به سازمان پژوهش های علمی و صنعتی

برای جبران نقیصه هایی که در طول تاریخ به این کشور وارد شد باید دو جهت را در نظر بگیرید یکی اعتماد به خدا و یکی اتکال به نفس

بسم الله الرحمن الرحيم

من از مشاهده شما برادران که در راه پیشبرد مقاصد اسلام و پیشبرد مقاصد میهن مشغول جهاد هستید تشکر می کنم و امیدوارم که خداوند شما همه برادران را توفیق بدهد که بیشتر برای کشور خودتان مفید باشید. شما می دانید که در رژیم سابق باید بگوئیم که رژیم باز دارنده بود نسبت به جوان های ما، آنها را نه اینکه نمی خواست رشد بدهد، آنها را خواست متوقف کند به نفع ابرقدرت ها. و لهذا همه جهات این کشور وابسته شد و با چپاول های بسیار زیاد وابستگان به آن رژیم فرار کردند و یک کشوری که ورشکسته بود تقریباً، به دست شما جوانان دادند و شما جوانان برومند کشور هستید که باید جبران آن نقیصه هایی که در طول تاریخ این دو جنایتکار، پدر و پسر جنایتکار به این کشور وارد شد جبران کنید. و عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کرارا عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می کند، راه را برای شما باز کند، در هر رشته که هستید راه های هدایت را به شما الهام می کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان هایی هستید که می توانید همه کارها را انجام بدهید. مخترعین ما می توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه می توانیم. در رژیم سابق نمی توانیم را در بین همه قشرها شایع کردند به همه گفتند ما نمی توانیم و باید تواناها بیایند و به ما تعلیم بدهند، آنها هم که می آمدند تعلیم نمی دادند، شماها را وابسته می کردند. امروز که دست همه آنها بحمدالله قطع شده است و دیگر برای آنها جایی در این کشور باقی نمانده است این شما جوان های کشور هستید که در هر جا هستید باید به فکر آتیه کشور خودتان باشید، حال کشور خودتان باشید. و لازم است که با این دو خصیصه، اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، با این دو خصیصه به پیش بروید و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه های سعادت بر شما باز می شود و قدرت های بزرگ طمع شان قطع می شود. و انشاءالله این کشور یک کشور نمونه می شود برای کشورهای دیگری

که آنها هم گرفتار آن تبلیغات ابرقدرت ها هستند که نمی گذارند آنها هم رشد بکنند .

امروز فعالیت برای کشور اسلامی ، عبادت است

امروز شما باید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید . فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است . شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید ، چه در کارخانه ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه ها که هست . وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند و برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند ، عقب نگه داشته شدند ، نگذاشتند رشد معنوی بکنند ، رشد مادی بکنند ، وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه ها . همانطوری که مجاهدین ما در جبهه ها مجاهدت می کنند و عبادت خدا را در آنجا می کنند شما هم در پشت جبهه ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می دهید . و من امیدوارم که با فعالیت شما عزیزان ، با فعالیت همه جوان های ایران ، همه قشرهای ملت ، زن و مرد ملت این کشور دیگر از آسیب دهر مصون باشد و دست همه ابرقدرت ها تا ابد از آن کوتاه باشد .

شما تنها کشوری هستید در دنیا که فاتحه هر دو ابرقدرت را خواندید و دست هر دو را کوتاه کردید

شما می دانید که امروز ما گرفتار به دسیسه ها و توطئه های ابرقدرت هستیم . اینکه همه ، قدرت های خودشان را روی هم گذاشتند و به کشور شما حمله کرده اند ، چه حمله تبلیغاتی و چه حمله تسلیحاتی ، برای این است که آنها احساس می کنند که ایران است که تواند خودش و دیگر کشورها را از قید اسارت ابرقدرت ها و چپاولگری های آنها نجات بدهد ، از این جهت ما باید مهیا باشیم به اینکه این ضربه ای که زدیم به آنها دنبالش را بگیریم . ما در بین راه هستیم . کاری که شما جوان ها کردید در دنیا بی نظیر است . هیچ کشوری را شما سراغ ندارید که از ابرقدرتی بریده باشد و به ابرقدرت دیگری اتصال پیدا نکرده باشد . بی استثنا تمام کشورهای دنیا یا در تحت سلطه مستقیم یا غیر مستقیم این ابرقدرتند یا در تحت سلطه مستقیم یا غیر مستقیم آن ابرقدرت ها . و شما تنها هستید در دنیا که فاتحه هر دو را خواندید و دست هر دو را کوتاه کردید و می خواهید شما خودتان باشید . می خواهید مستقل باشید . می خواهید آزاد باشید . می خواهید آن قید و بندهایی که برای کشور شما در زمان طاغوت درست شده بود از آنها همانطور که رهایی پیدا کردید رها باشید تا آخر و این با جدیت خود شماست ، با تلاش خود شماست برای همه کارها . هرکس در هر کاری که مشغول است ، چه در دانشگاه ها که مشغول دانش هستند و چه در صحراها و بیابان ها که مشغول کشاورزی هستند و چه در جبهه ها که مشغول فعالیت هستند و چه در کارخانه ها که مشغول جهاد هستند ، همه در جهاد در راه خدا

__ هستید _ هستند و باید این جهاد را به آخر برسانند و انشاءالله به آخر رسد . شما اراده کنید خدای تبارک و تعالی عنایت می کند به شما و شما مصمم باشید که خودتان برای کشور خودتان باشید و برای رفاه حال همه کشورهای تحت سلطه انشاءالله .

باید مصیبت ها را تحمل کنیم برای اینکه ارزش اسلامی را بدست آوریم و اسلام را پیاده کنیم

و شما می دانید که مصیبت هایی که به این کشور وارد شده است از اول انقلاب تاکنون ، چه حجم زیادی داشته است . و در ازای او این پیروزی هایی که برای شما حاصل شده است حجم بسیار افزون داشته است . ما در عین حالی که جوان های بسیار لایق خودمان را ، مردان کاردان خودمان را از دست دادیم لکن آن چیزی که به دست آوردیم ارزش اش بیشتر از این معانی است . آنی است که سیدالشهدا سلام الله علیه زن و فرزند خودش را فدای او کرده ، آنی است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم زندگانی خودش را در راه او صرف کرد و ائمه معصومین ما در راه او آنهمه رنج دیدند . ما هم که مدعی هستیم و امیدوارم که این ادعا صحیح باشد ، مدعی این هستیم که شیعیان آنها و پیروان آنها هستیم ، باید همانطور که آنها تحمل داشتند مصایب را ، در مقابل ارزش انسانی ، در مقابل ارزش های اسلامی ما هم مصیبت ها را تحمل کنیم و در مقابل همه مصیبت ها بایستیم ، برای اینکه آن ارزش انسانی را به دست بیاوریم ، اسلام را که راس همه ارزش هاست در کشور خودمان و سایر کشورها پیاده کنیم . و شما می دانید که امروز در جبهه ها چه پیروزی چشمگیری به وسیله همین جوان های عزیز رزمنده ما به دست آمده است که قدرت های بزرگ الان در فکر این هستند که برای شکست خوردن تقریباً شکست آخر صدام فکری بکنند که بلکه بتوانند این را حفظش بکنند . صدام هم که می بینید که وضع روحی اش یک وضع جنون آمیزی شده است که هر وقت شکست می خورد در میدان از دور می ایستد و کشور ما را ، جوان های ما را ، بچه های ما را مورد موشک های دوربرد می کند . و دیدید که با دزفول ، سابق و حالا همین دیروز و امروز چه کرده است و با مسجد سلیمان چه کرده است و با مریوان و بانه چه کرده است . ما در جنگ بر او غلبه کردیم و او نمی تواند مقابله کند . و او با شرارت به مردم عادی ، به مردم بی پناه ، به اینها تجاوز می کند . و عجب این است که در یکی دو سه روز پیش از این قبل از این جنایت گفت که ما به یکی از مسؤولین آنها گفتند که ، یا شاید خود صدام هم بود که ما به سازمان بین المللی یا یکی از همین سازمان ها گفتیم که ما حق خودمان را برای اینکه همه نقاط ایران را بکویم حفظ کردیم و ما این کار را می کنیم . و سازمان بین المللی هم که به اصطلاح برای حفظ حقوق بشر است سکوت کرد و با این سکوت او را تشویق کرد به یک همچو جنایتی . او نمی تواند به نظامی های ما صدمه بزند لکن از دور تواند که موشک بیندازد . موشک های دوربرد را بیندازد . همان موشک هایی که قدرت های بزرگ به او دادند ، قدرت آمریکا و شوروی به او دادند ، او را از دور بیندازد و خانه های مظلومین را به سر خود و بچه هاشان خراب کند و رجز خوانی کند که ما چه

کردیم و چه کردیم ، چقدر کشتیم . این رجز خوانی ندارد که یک دسته مظلومی که ، زن و بچه ای که در خانه های خودشان خوابیده اند ، شما با موشکی که از خارج ایران می اندازید آنها را بکشید . از آن طرف هم عربده می کشد که خاک عراق هیچ از دست نرفته و یک وجبش ایرانی ها وارد نشدند ، در صورتی که 700 کیلومترش را الان وارد شده اند و انشاءالله بعدها هم امید است که تتمیم بشود . و من باید از این جوان های عزیزی که جان خودشان را در دست گرفته اند و برای اسلام در این جبهه ها فعالیت می کنند ، این قوای مسلحه ما از هر طایفه ای که هستند و این جهادسازندگی که آنها هم بسیار فعالیت می کنند من باید از آنها تشکر کنم . و انصافا ما رهین منت برای آنها هستیم که آنها دارند در جبهه ها با آن وضعی که هست فعالیت می کنند و برای شما پیروزی می آفرینند ، سرفرازی می آفرینند .

وضع روحی ای که صدام پیدا کرده یک وضعی است که هر جنایتی را حاضر است انجام بدهد

و ما در عین حالی که الان بسیاری از شهرهای آنجا زیر نظر ما هست و رزمندگان ما می توانند آنها را بمباران کنند ابدا همچو کاری نکردند و نباید هم بکنند ، برای اینکه مردم شهرها گناهی ندارند . ما در جنگ باید جلوی او را بگیریم ، در جنگ باید صدمات را به او وارد بکنیم و او را محطوم بکنیم و محکوم بکنیم و معدوم بکنیم انشاءالله . من امیدوارم که این جنگ دیگر همین روزهای آخرش باشد . انشاءالله این رژیم ساقط بشود و کشور عراق به دست خود ملت عراق اداره بشود و به وجهش اسلامی و شایسته برای اسلام اداره بشود .

و از مطالبی که امروز به من اطلاع دادند این بود که صدام به یکی از فرماندهان خودش که در جبهه گفته است یک پیروزی ای انجام داده است مدال داده است و این داب اوست . همان وقت هم که خرمشهر را گرفتند و بیرون کردند اینها را ، او به مدال شجاعت به بعضی ها داده حالا هم که با افتتاح اینها را بیرون کردند و قریب هفتصد نفر از آنها را در پشت جبهه آوردند و اسیر کردند و قریب سه هزار و پانصد نفر آنها را یا کشته یا مجروح کردند که بسیاری از فرماندهان آنها هم در بین آنها بوده ، به حسب آنطوری که گزارش داده اند ایشان باز مدال داده است و بهتر این است که یک مدالی به خودش بدهند و آن مدال شجاعت . برای اینکه این آدم در عین حالی که این سببیت را دارد ، این وضع روحی را هم دارد که از آن طرف به این طرف و آن طرف متشبهت به اینکه بیایید و مرا رها کنید از این گرفتاری که پیدا کردم از آن طرف هم عربده می خواند ، از آن طرف هم این بیچاره هایی که فرستاده به جبهه اگر یک قصوری بکنند اعدام می کند آنها را . همین دو سه روز باز به حسب آنطوری که گفتند یک دادگاه صحرائی درست کرده و بسیاری از این فرماندهان را که سستی کردند در این امر ، اعدام کرده است . این وضع روحی است که او پیدا کرده یعنی یک وضعی الان پیدا کرده است که به هر طرف می زند و هر جنایتی را حاضر است انجام بدهد . و من امیدوارم که خود عراقی ها و ارتش عراق بیش از این تحمل نکنند این جنایات این را و این حزب بعث را به جای خودش بنشانند تا کشور ،

عراق تا انشاءالله کشور عراق با سرافرازی و آسودگی بتواند به زندگی اسلامی خودش انشاءالله ادامه بدهد .

من از خدای تبارک و تعالی سلامت و توفیق همه جوان های جبهه و پشت جبهه و شما جوان های عزیزی را که در جبهه داخل مشغول جهاد هستید از خدای تبارک و تعالی خواهم و امیدوارم که همه سالم و سعادتمند باشید و با قدرت و قوت مشغول کار باشید ، مشغول جهاد باشید و به طور شایسته به کشور خودتان خدمت بکنید و ما هم دعاگوی شما هستیم انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 150

بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان های کشور

نماز جمعه در راس همه امور است

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از مهمترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد قضیه نماز جمعه است که در زمان سابق در بین ما مطرود و در بین اهل سنت به طور دلخواه نبود و غالباً تحت نفوذ قدرت ها انجام می گرفت ، که بحمدالله در این نهضت نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت و آقایان باید با سفارش به مردم و نسل های آینده به این مسأله اهمیت بدهند که نماز جمعه در راس همه امور است و مردم را مجتمع کنند که در این امر خللی وارد نشود . منصب امامت جمعه یعنی منصب تماس روحانیت با ملت و روحانیت با مجلس و دولت و این از اموری است که با دست توانای ائمه جمعه انجام می گیرد که امید است هر روز بیشتر و بهتر انجام شود و جمعیت بیشتر بیایند و این سنت حسنه ای باشد که برای مردم و آیندگان محفوظ بماند .

امروز غیر از زمان سابق است که روحانیت نمی توانست کاری بکند ، بلکه روحانیت مسؤول است ، نمی تواند کنار بنشیند و به دعا و ذکر مشغول گردد . احتیاجات ما زیاد است ، احتیاج به تبلیغ و احتیاج به قضاوت ، و در عین حال که شورای عالی قضائی زحمت کشیده است ولی کمبود قاضی وجود دارد . حوزه ها و علما باید همت کنند که درس قضا بگویند و قضات را از فنونی که در سابق مانند زمان حضرت امیرعلیه السلام استفاده می شد آگاه کنند که مساله قضاوت تنها یک مساله علمی نیست بلکه یک مساله فنی هم هست که گاهی از همین طریق قاضی به اطمینان می رسد که در باب قضا حجت است . خلاصه ، این مسائل به عهده علما و خصوصاً ائمه جمعه است که همه دست در دست یکدیگر بدهند تا انقلاب محفوظ بماند و مثل زمان مشروطیت نشود که آنها که اهل کار بودند مأیوس بشوند و کنار بروند ، که در زمان مشروطیت همین کار را کردند و مستبدین آمدند و مشروطه خواه شدند و مشروطه خواهان را کنار زدند ، و عده ای که با اسلام سروکار ندارند به نام اسلام و پیروی از آداب اسلامی روی کار بیایند .

ابرقدرت می دانند اگر انقلاب ایران به همه جا برسد فاتحه آنها خوانده می شود

شمادانید که دنیا امروز وضع خاصی پیدا کرده است و سازمان عفویین الملل اسم یک

مشت از ممالک را ردیف کرده که اینها حقوق بشر را نقض نموده اند، که در میان آنها از آمریکا و فرانسه و شوروی خبری نیست و هیچ اسمی به میان نیامده در حالی که شوروی در افغانستان، و آمریکا در بیروت چه بساطی درست کرده اند و اسم آن را صلاح حال مردم گذاشته اند. صلاح حال مردم به شما چه؟ آنوقت درباره ایران که چند نفری را با آنهمه فساد قصاص نموده است، آنقدر هیاهو به راه انداخته و همه رسانه های گروهی، ایران را مورد حمله قرار داده اند. البته آنها خوب می دانند که انقلاب ایران اگر به همه جا برسد فاتحه آنها خوانده می شود و دست آنان کوتاه می گردد. مع الاسف حکومت های اسلامی یا توجه ندارند یا توجه دارند ولی برای حکومت چند روزه خود سکوت نموده و با آنان همکاری می کنند، که باید در مقابل آنها بایستیم تا انقلاب و اسلام به همه جا صادر شود.

انتخابات آینده از اهم اموری است که مسؤولیت آن با همه ماست

و اما مسأله انتخابات آینده از اهم اموری است که مسؤولیت آن با همه ماست و توجه دارید که دشمنان اسلام در نظر دارند کاری بکنند که انتخابات درست صورت نگیرد و از دست مسلمان ها و متعهدین خارج شود، ولی شما باید تمام قدرت تان را صرف کنید که به خوبی انجام شود. انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می خواهید انتخاب اصلح بکنید برای خودتان یا برای اسلام؟ اگر برای خودتان باشد شیطانی است و اما اگر انتخاب اصلح برای مسلمان هاست، کی و از کجاست، مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیرحزب، نه حزب اسباب این می شود که غیر آن فاسد و نه صد در صد حزبی بودن باعث صلاح آنهاست. و انتخاب اصلح برای مسلمین یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد. و همه چیز را بفهمد و چون در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد و ممکن است به شما و گروه شما هم مربوط نباشد، که اگر اصلح را انتخاب کردید، کاری اسلامی می کنید و این یک محکی است برای خودتان که تشخیص بدهید انتخاب برای اسلام است یا برای صلاح خودتان.

امیدوارم که تا آخر هم اینطور باشد و هر روز و هر دوره انتخابات بهتر انجام شود. بنابراین باید تمام قدرتمان را جمع کنیم که بازیگرها دوباره پیدا نشوند و آقایان ائمه جمعه علاوه بر اینکه با هم سمینار دارند، با سایر علمای بلاد تهران و قم در ارتباط باشند که انتخابات خوب باشد. و این مسأله، مسأله شخصی نیست بلکه برای اسلام و از امور مهمه است و امروز عمده مسؤولیت ها به عهده شماست و کسی نباید کنار برود و شانه خالی کند. با دولت همکاری و همراهی کنید و استنادارها را تقویت نمایند، منافقین هر چه می خواهند بگویند. امیدوارم موفق و موید باشید و همه امور به طور شایسته درست بشود.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های داخلی و خارجی مجلس شورای اسلامی

شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود

بسم الله الرحمن الرحيم

من راجع به کل مجلس مکرر عرض کرده و حالا هم عرض می کنم که مجلس ما باید با مجلس های سابق فرق داشته باشد، البته فرق هم دارد، اما هر امری کم کم به انحراف کشیده می شود و چنین نیست که یکدفعه انحراف واقع شود. در خود انسان نیز چنین است که شیطان و نفس اماره به تدریج از عمل به مکروهات و بعد از آن به صغائر و از آنجا به بالاتر انسان را منحرف می کنند. در مجلس سابق دوره اولش بهتر بود، لکن در هر سال چیزی به آن اضافه و یا از آن کم شد تا رسید به آنجا که مجالس اخیر را دیدیم. شما از اول اگر جلوی فساد را نگیرید معلوم نیست که به وضع سابق منتهی نشود. البته باید عاقلانه باشد که مسأله حادی پیش نیاید.

در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تاثیر می کند

در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تاثیر می کند. من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می کردم، آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می کردم همه خشکشان می زد، ولی وقتی از رحمت حرف می زدم دیدم که دل ها نرم می شود و اشک ها سرازیر می گردد و این تاثیر رحمت است. با ملایمت انسان بهتر می تواند مسائل را حل کند تا شدت و مجلس باب مباحثه است و باید مثل مباحثه طلبه ها باشد که با هم دوست هستند و با یکدیگر بحث و گفتگو می کنند ولی معلوم است که مباحثه هست.

مجلس اسلامی باید ملت و دیگران را ارشاد کند چون مسائل به خارج منعکس می گردد و تاثیر روی مردم می گذارد، از این جهت مسؤولیت مجلس به عنوان یک مرشد و هدایت کننده برای مردم زیاد است و این کلی مطلب است که انشاءالله این مجلس اول انقلاب، پایه ای و سنت حسنه ای باشد برای آینده که هر چه خوب بشود، شما در اجر آن شریک هستید.

در مسأله ای که راجع به کمیته فرمودید اعتقادم بر این است که همین گونه که هست باشد و هیچ گونه تحولی درباره آن صورت نگیرد. راجع به استیضاح هم من هیچ نظری نمی دهم فقط با ملایمت و تفاهم باشد، موافقین و مخالفین حرف هایشان را بزنند، آنوقت مجلس هر چه رای داد معتبر

میل دارم وضع و امور با ملایمت و اخلاق حسنه صورت بگیرد

امیدوارم آقایان موفق شوند که وقتی مجلس را تحویل می دهند مردم راضی باشند تا بعدها به همین آقایان رای بدهند . البته من تمامی آقایان را نمی شناسم ولی امیدوارم مجلس دارای یک اکثریت تام متعهد باشد . میل دارم وضع و امور با ملایمت و اخلاق حسنه صورت بگیرد و این خیلی بهتر است . دو نفر که با هم دعوا دارند وقتی یکی از آنها با رافت و ملایمت حرف زد ، دعوا تمام می شود . اصولا کارها با ملایمت و رافت بهتر انجام می گیرد .

من دعا می کنم تا شما در کشوری که از همه طرف به آن حمله شده ، موفق باشید . امروز هر انفجاری که در هر جا صورت می گیرد به ایران نسبت می دهند و می گویند ما شواهدی داریم که مسأله به ایران مربوط می شود و دلیلش این است که در ایران هم انفجار واقع شده است . این چه استدلالی است ؟ ! مردم از اسرائیل ناراحت هستند به ما چه ربطی دارد ؟ ! البته ما میل داریم اسرائیل همه اش آتش بگیرد و اگر خداوند توفیق دهد می رویم و مردم را از شر اسرائیل نجات می دهیم ، ولی این بدان معنا نیست که ما آنجا را منفجر کرده ایم . و یا در مسائل دیگر می گویند یک شاهد عینی چه گفته است . این شاهد عینی یک منافق و یا یک دزد فراری است و یا لابد رادیو بغداد می گوید ، و اینها خیلی چیزها می گویند و این می شود شاهد عینی . اصلا دنیا در چه وضعی است . فقط باید توجه داشت که باید با هم باشیم و در مقابل آنها محکم بایستیم و با خودمان رثوف باشیم و در مقابل دشمنانمان سرسخت . این را عقل اقتضا می کند که وقتی عده مخالف داریم ، خودمان مخالفت مان را کنار بگذاریم تا با وحدت کلمه این مملکت برسد به آنجا که همه دلمان می خواهد .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و گروهی از پرسنل وزارت سپاه پاسداران و سرپرست و مسؤولین مراکز بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور

قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب بیفتد خطر دارد

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

مصیبت هایی که پی در پی بر اسلام و امت اسلامی و دوستان اسلام و اهل بیت پیغمبر اکرم وارد می شود به همین ملت مسلمان و به ملت عزیز خوزستان و به شهرهایی که اخیراً مورد تجاوز ستمگران واقع شد، تسلیت عرض می کنم. و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی این شهدا را با اولیاء خودش و شهدای صدر اسلام محشور بفرماید و به بازماندگان آنها صبر و اجر عنایت بفرماید و به ملت ایران مقاومت.

ابتدائاً من از شما آقایان تشکر کنم که تشریف آوردید و زحمت کشیدید تا در اینجا در خدمت شما بعضی مسائل را عرض کنم

شما دو قشر که یکی مجاهدان هستید در جبهه ها و در پشت جبهه ها و یک قشر دیگری هم که بنیاد شهید است از مجاهدین است و مجاهدت شما را خداوند تبارک و تعالی اجر عنایت می فرماید و ما باید تشکر از هر دو قشر بکنیم. از پاسداران و سپاه پاسداران و آنچه متعلق به پاسداران است و همین طور از قوای مسلحه دیگر و از کسانی که به این عزیزان کمک می کنند در پشت جبهه و به مظلومانی که عزیزان خودشان را از دست داده اند، کمک می کنند، ما از آنها تشکر می کنیم و ملت ایران هم البته تشکر می کند.

ما باید هر چه از مصیبت ها بر ما وارد می شود قدرت دفاعی مان بیشتر بشود. آنها گمان می کنند که با این وضع توانند که در جبهه ها یا در پشت جبهه ها یک نقصی وارد کنند، در صورتی که به اشتباه خودشان تاکنون باید پی برده باشند. یک نکته ای که هست که هم برای عزیزان سپاه ما و هم برای سایر قوای مسلحه ما و هم برای همه کس مفید است و وضع دنیا را هم با این نکته می شود سنجید، این است که قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیر مهذب برسد خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است، لکن اگر چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد همین کمال را به فساد می کشانند. دنیا امروز گرفتار این است که قدرت در دست اشخاصی است

که از انسانیت بهره ندارند. ابرقدرت ها، قدرت های بزرگ جز به فکر اضافه کردن قدرت خودشان و پایمال کردن مظلومان هیچ فکری ندارند. آنهایی هم که پیوسته به آنها هستند، آنها هم چون سنخ ذاتشان همان است نظیر آنها عمل می کنند. قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت ها ایجاد می کند. اگر قدرت در دست انبیا باشد، اولیا باشد باعث می شود که سلامت در جهان تحقق پیدا کند، کمال در جهان تحقق پیدا بکند. و اگر چنانچه در دست زورمندانی باشد که عاقل نیستند، مهذب نیستند مصیبت بار می آورد. امروز که مشاهده می کنید که این دو قدرت بزرگ یا چند قدرت بزرگ در عالم حکمفرمایی می کنند و برای خودشان حق این امر را قائل هستند که ملت های دیگر باید در تحت سلطه ما باشند، این فکر اگر همراهش قدرت باشد مصیبت بار می آورد. قدرت در دست ظالم دنیا را به فساد می کشاند و اگر چنانچه در رتبه های پائین هم بیایم قدرت در دست یک نفر انسانی که از آن قدرت های بزرگ بهره ندارد، در همان محیطی که قدرت دارد آنجا را به فساد می کشاند. آنها عالم را به فساد می کشاند، اینها یک کشور را یا دو کشور را. و پائین تر بیایم، اگر قدرت در دست یک آدمی باشد که در یک محله هست، آن محله را به فساد می کشد، در یک خانواده هست آن خانواده را به فساد می کشد. قدرت در وقتی کمال است و می تواند که کمال خودش را بروز بدهد که در دست دانشمند باشد، در دست عاقل باشد.

مرحوم مدرس رحمت الله علیه آنطوری که من شنیدم که ایشان گفتند. ایشان گفتند که شیخ الرئیس می گفته است که من از گاو می ترسم برای اینکه شاخ دارد و عقل ندارد. این یک مسأله است. حالا فرضاً هم شیخ نگفته باشد اما مسأله است. گاو شاخ دارد و عقل ندارد، قدرت دارد عقل ندارد. اینهایی هم که در دنیا الان فساد راه می اندازند از همان سنخ هستند که شاخ دارند عقل ندارند، قدرت دارند انسانیت ندارند. شما ملاحظه بکنید که آمریکا در جهان چه دارد می کند و شوروی هم از آن طرف و خدا خواسته است که این دو قدرت مزاحم هم هستند، مقابل هم هستند، اگر یکی شان بود دنیا را می بلعید. این دو تا قدرتمندند و در مقابل هم ایستاده اند، آن از او می ترسد و از او می ترسد. اگر اینها از هم ترسند دنیا را از بین می برند. نه این است که ادعاهای آنها که ما برای صلح می خواهیم چه بکنیم. اینها راه افتاده اند آمده اند به بیروت، به لبنان برای اینکه ما می خواهیم صلح در لبنان باشد. شما صلح طلب نیستید، بر فرض اینکه باشید، آمدن شما به چه مناسبت در کشورهای دیگر؟ حکومت هایی که در بعضی از این کشورها هستند، حکومت های ملی نیستند، به ملت مربوط نیستند. اگر شما انسان بودید و انسانیت را و امور اخلاقی ای که در انسان و ارزشمندهایی که در انسان معتبر است پیش شما هم مقداری از آن بود، ملاحظه حال مستمندان و ملت های ضعیف را می کردید. نه اینکه یک دولتی را که بر خلاف میل یک ملتی است، سرکار آمده است شما او را به عنوان اینکه می خواهیم دولت را تقویت کنیم، در کشورشان به طور غصب وارد بشوید. این برای این است که مهذب نیستند، انسانیت را در کار نیست، قدرت هست. شاخ دارند عقل ندارند.

شما ملاحظه بکنید در هر جای دنیا که یک فساد وارد می شود برای همین معنا است که آن

کسی که در آنجا، در آن نقطه قدرت دارد، این قدرت دارد عقل ندارد، قدرت دارد انسانیت ندارد. این عقلی که من عرض می‌کنم آن عقلی است که ما عبد به الرحمن والا تدبیر شیطننت و تدبیر را اینها هم دارند. اما آن عقلی که عقل سالم باشد و بتواند انسان را به ارزش های انسانی برساند ندارند. مجرد دانشمند بودن به یک معنا، این فایده ندارد. ممکن است یک کسی دانشمند بسیار بزرگی باشد لکن آن عقل را نداشته باشد، دانش خودش را صرف فساد بکند، صرف تباه کردن ملت ها بکند. اینها دارند قدرت خودشان را صرف می‌کنند در اینکه ملت ها را تباه بکنند، تحت ستم بکشند. از آن قدرت های بالا هم که پائین بیاییم شما ملاحظه می‌کنید که در محیط این منطقه صدام چه می‌کند و اسرائیل چه می‌کند. کارهایشان شبیه به هم است. صدام در جنگ شکست می‌خورد، در جنگ هر وقت شکست خورد یک صدمه ای به مردم عادی و به مظلومین و به زن و بچه مردم وارد می‌کند. من همین دو روز منتظر بودم که این به واسطه این صدمه ای که خورده و این صدمه هم بزرگترین صدمه ای بوده است که تقریباً در طراز بزرگترین صدمه بوده است که خورده است، این تلافی اش را سر مظلومین در آورد، سر بهبهانی ها و عرض می‌کنم که دیگر جاهائی که هست، این چند شهری که اخیراً در آنها موشک انداختند این مورد انتظار ما بود برای اینکه امثال این ما از او دیده بودیم. اسرائیل هم یک نفر که معلوم نیست الان که این عده کی بودند، البته عده ای بودند که می‌خواستند انتقام از اسرائیل بکشند، آن محل کثافتکاری آنها را منفجر کرده اند دنبالش شروع کرده است مظلومین را کوبیدن، عده کثیری از مظلومین را به قتل رسانده است. این اینجا شکست می‌خورد مظلومین را از دور می‌زند، آن آنجا انفجار حاصل می‌شود و سیلی خورد از همان مظلومین، که معلوم نیست الان از چه طایفه هستند، چه اشخاصی هستند، در عین حالی که خودشان هم می‌گویند باز معلوم نشده است کی است ولیکن طیاره ها را می‌فرستند و هر جا را که این مظلومین هستند می‌کوبند. این وضع روحیه اشخاصی است که عقل ندارند و قدرت دارند.

وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید

من می‌خواهم عرض بکنم که توجه بکنند آقایان، ما نباید همیشه انتقاد از بالاترها بکنیم. باید بیاییم تا این پائین بیاییم پیش خودمان. توجه بکنید به اینکه پاسداران ما که بسیار عزیزند پیش ما، قوای مسلحه که بسیار عزیزند توجه کنند تنگ وقتی دست شان آمد غرور نیاید دنبالش. ممکن است که یک جوانی خیلی مهذب هم باشد، خیلی هم خوب باشد، لکن به تدریج برسد به اینکه یک وقت ظالم بشود. وقتی قدرت دست تان آمد بیشتر مواظب باشید که متواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید. برای اینکه اگر سستی کنید، در این قدرت روحی از شیطان زمین می‌خورید. شمایی که امروز دارید برای اسلام زحمت کشید، چه شمایی که در جنگ ها و در پشت جنگ ها و در زحمت هایی که در صنعت می‌کشید و چه آن آقایانی که برای مظلومین دارند خدمت می‌کنند و برای بنیاد شهید دارند خدمت می‌کنند، خدمت های شما بسیار ارزش دارد. این ارزش را

حفظ بکنید . صورت عمل میزان نیست ، آن چیزی که میزان است انگیزه عمل است ، معنای عمل است ، دوتاست عمل ، در صورت مثل هم هستند . شمشیری که در دست حضرت امیر سلام الله علیه است فرود می آید و فرض کنید که عمرو بن عبدود را می کشد . این صورت عمل با صورت عمل دیگری که شمشیر دستش هست و یک کس دیگر را می کشد ، صورت ، یک صورت است ، هر دو شمشیری است و در دستی است و فرود می آید و یک کسی را می کشد ، لکن آنی که او را با عبادت ثقلین افضل دانسته اند برای آن انگیزه عمل است ، برای آن معنایی است که در آن عمل است نه برای این صورت عمل است . انگیزه عمل که این عمل را به آنجا می رساند که لایوازی عباده ثقلین انگیزه عمل است که چند تا قرص نان جو را که اهل بیت علیهم السلام به فقیر و اسیر و چه می دهند در قرآن چند آیه برای او می آید . آن چیزی که هست این است که انگیزه عمل الهی است وقتی الهی شد جبرانش الهی است . شما جوان عزیزی که الان برای اسلام دارید خدمت می کنید و مطمئن باشید که ارزش بسیار زیاد دارید شما ، توجه به روحیات خودتان بکنید که نبادا در این امر شیطان دخالت بکند . قدرت دست تان هست نبادا که این قدرت را اعمال بکنید در یک جایی برخلاف . مراقبت کنید از خودتان . مواظبت کنید از خودتان . اینکه من عرض می کنم ، مخصوص به شما نیست ، همه ما باید این مطلب را در نظر داشته باشیم .

همه ملت ما ، همه انسان ها باید توجه به این معنا داشته باشند که قدرت را به جای خودش اعمال کنند . انبیا قدرت شان را به محل خودش انجام می دادند . حضرت موسی عصایش را می برد با فرعون مقابله می کرد ، با دیگران با آن محبت بود . پیغمبر اکرم قدرت خودشان را برای سرکوبی اشخاصی که از جهات آدمیت خارج شده اند ، از مرز انسانیت خارج شده اند و مردم را دارند به تباهی می کشند اعمال می کرد . قدرت ها باید اعمال اگر شد برای جلوگیری از فساد باشد نه خودش فساد بیاورد . فرق ما بین شما عزیزان و آن اشخاصی که در جبهه ها جنگ می کنند با آنهاست که در مقابل شما هستند ، صورت عمل که یک صورت است ، آنها می کشند شما هم می کشید ، اما کشتن شما یک عمل عبادی است و کشتن آنها یک عمل جنایی است . این روی انگیزه ای است که هست ، روی معنایی است که این دو عمل دارند ، نه روی صورت عمل است . شما برای خدا جهاد می کنید ، آنها برای شیطان جهاد می کنند . آنها تبع شیطان هستند و شما تبع خدا هستید . این فاصله ما بین این دو امر است . توجه کنید که این محفوظ بماند .

اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانیت و اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند

من به آن قدرتمندانی که در جبهه ایستاده اند و الان مستاصل کرده اند صدام و صدامی ها را عرض می کنم که مبدا این قدرت اسباب این بشود که یک انتقامی بر خلاف موازین الهی گرفته بشود . شما تاکنون بنایتان بر همین بوده است و انشاءالله از حالا به بعد هم باشد که شهرهای عراق را که ما

آنها را عزیز می دانیم مثل شهرهای خودمان و بعضی شان را بسیار بالاتر، باید توجه کنید اهالی آن شهرها به همانطور که اهالی شهرهای ما مبتلای به شر صدام هستند، آنها بیشتر مبتلا هستند. آنها فشارهایشان، فشار صدام بر آنها خیلی زیاد است، بر خانواده های آنها، برخورد آنها اشخاصی که از آنجا آمده اند همین دو روز پیش از این، دو سه روز پیش از این یک کسی از آقایان که پیش من بود نقل کرد که اشخاصی که از آنجا تازه آمده اند گویند اگر اشخاص عادی اگر ریش داشته باشند می گیرندشان، اگر تسبیح دست شان باشد می گیرندشان به ترس اینکه این حزب الله شاید باشد، خانواده های این اشخاصی که در جبهه هستند اگر چنانچه یک وقت آنها کوتاهی بکنند آنها را سرکوب می کنند. وضع روحی کسی که قدرت دارد، شاخ دارد و عقل ندارد این است، یک کس دیگر او را اذیت می کند او کس دیگر را صدمه می زند. شما باید توجه بکنید که مبادا یک وقتی به واسطه بمباران های شهرهای شما و کشتن عزیزان شما، مبادا یک وقتی شما عصبانی بشوید و جبران بکنید اینطوری، این انتقام از او نیست. شما انتقام تان را از صدام باید بگیرید و از حزب بعث و الان دارید بگیرید. توجه کنید که مبادا حتی یک گلوله به طرف شهرهای آنها بیندازید. آنها شهرهایی هستند که همانطوری که این بهبهان ما مظلوم است، بصره هم مظلوم است، مندلی هم مظلوم است، همه اینها مظلومند. اینها تحت ستم هستند. ما باید جهات انسانی را تا آخر حفظ کنیم. ما جهات انسانی را تا مرز شهادت و فوت باید حفظ بکنیم و هیچ وقت عصبانی از این نشویم که او دارد این کار را می کند، پس ما هم خوب است یکی از شهرهای آنها را بزنیم نه، هیچ همچو نیست. موازین موازین اسلامی است. اینجا جمهوری اسلامی است. اینجا اسلام حکومت می کند. بنابراین باید مواظب باشید از خودتان کسانی که قدرت دارند، دولت قدرت دارد، سپاه قدرت دارد، ارتش قدرت دارد، بسیج قدرت دارد، اینهایی که قدرت دارند باید حفظ جهات انسانی را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. این قدرت را در محلس خرج بکنند تجاوز از محلس نشود.

و من امیدوارم که با حفظ این جهات انسانی و اسلامی شما الگو بشوید از برای همه کشورهای که آن مسائل ما به آنها رسیده است و می رسد. و این مرده دیگر از بین رفته است، دیگر شما خیال نکنید، اینها دست و پای است که در حال احتضار دارد می زند. این قدرتمندها آن آخر عمرشان اینطور جنون پیدا می کنند. اینهایی که در حالی که قدرت دارند آن شارت و شورت را می کنند، وقتی شکست خورند بسیار هم ضعیف می شوند. این ضعیف روحی است که انسان به یک طایفه ای که هیچ کاری به او ندارند، توی خانه هایشان نشسته اند، یک بچه کوچکی که کاری به او ندارد، این ضعیف انسانی و ضعیف قدرت است که او ببرد برای اینکه در جبهه او را سیلی به او زده اند. این آن مایه آخرش را هم که عبارت از آن گردان هایی بوده است که برای حفظ او بوده فرستاده به جبهه و اینجا هم بسیاری از آنها را به درک فرستاده اند. خوب این صدمه می بیند، صدمه روحی می بیند عقل هم ندارد که حساب بکند که خوب ما در جبهه مغلوب شده ایم باید در جبهه کاری بکنیم، آنجا که نمی تواند کاری بکند، به بهبهان و _ نمی دانم _ مسجد سلیمان و جاهای دیگر تعدی می کند اینها به

واسطه ضعف روح است و همه اینها برای این است که ایمان در کار نیست. آنهایی که ایمان دارند نه آن طرف ضعف دارند، نه قدرت وقتی که هست دست شان ضعف روحی پیدا می کنند و مردم را اذیت می کنند، نه وقتی مغلوب شدند ضعف پیدا می کنند و دیگران را می زنند که چرا دیگری من را زده است. این مال ضعفی است که آنها دارند و ضعف داشتن دنبال این است که ایمان ندارند، خدا را نمی شناسند، توجه به مسائل الهی ندارند، توجه به مبدا و معاد ندارند. آنها مثل زندگانی حیوانی که دیگر حیوانات می کنند بدتر از آن، جرایم شان بیشتر از آنهاست. همان است که شیخ الرئیس، از آن نقل کرد مرحوم مدرس که شاخ دارد و عقل ندارد.

انشأالله خدا این شاخدارها را عقل بدهد و این قدرتمندان را انسان بکند و یا اینکه قدرت آنها را سلب بکند. و خداوند شما را انشأالله عزیزتر بکند. شما ملت اسلام را احیا کردید، شما قدرتمندان، شما عزیزان، کشور خودتان را از حلقوم اجانب بیرون کشیدید و اینها البته دنبال همین است که چون شما ایستاده اید در مقابل آنها و نمی خواهید که اسیر آنها باشید و آنها هم خیال می کنند همه باید اسیر آنها باشند، حالا که نشدید باید شهرهای شما را هم بزنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر ، قائم مقام ، معاونین و مسؤولان بخش های مختلفوزارت ارشاد اسلامی

عمده این است که ما ذهن جوان ها و پیرها و روشنفکر نماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم

بسم الله الرحمن الرحيم

کارهایی که نقل کردید مورد تقدیر و تأیید است . هر چیزی که در جا باید از صفر شروع شود در اینجا باید آن را از زیر صفر شروع کرد . اصولاً چیزهایی که مربوط به فرهنگ و وزارت ارشاد است . و اینکه عرض می کنم ما باید از زیر صفر شروع کنیم و زحمت زیاد بکشیم تا به صفر برسیم ، به خاطر این است که در طول مدت شاهنشاهی و خصوصاً در دو زمان اخیر همه چیز و خصوصاً افکار جوان ها را به عقب برده اند به طوری که آنها که تحصیل کرده بودند و خواستند بگویند ما متجدد هستیم ، حتماً تجدید را به این معنا دانستند که بی بند و بار باشند و این معنا به واسطه تبلیغات داخلی و خارجی و روزنامه ها چنان در ذهن شان متمرکز شده بود که تجدید یعنی همه چیز شکلی خارج باشد و مثل اینکه غیر از این شکل زندگی کردن امکان ندارد ، که اگر شما بخواهید این وضع را عوض کنید و افکار را به جایی برسانید که به راه صحیح بیفتد مدت طولانی لازم دارد .

البته با این تحولی که در ایران واقع شد ، خیلی از قدم ها بدون دخالت کسی برداشته شد و جوان های ما یکمرتبه و به خواست خداوند تبارک و تعالی از این منجلاب فساد بیرون آمدند و مهیا هستند که روی آنها کار کنید .

در رژیم سابق تمام چیزها خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود . یعنی کسی که نام سینما را می شنید خیال می کرد که آنجا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد و یا کلمه تناتر در ذهن انسان چیز مبتدلی بود که از آن بهره فساد برده شود ، هکذا همه چیز دیگر . و عمده این است که ما ذهن این جوان ها و حتی پیرها و روشنفکر نماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و اینطور نیست که در همه چیز دست مان را پیش دیگران دراز کنیم و حتی اخلاق و زبانمان را نیز از آنها یاد بگیریم . در حالی که عده ای زبان خودشان را کنار گذاشته و ارزش را به چند کلمه انگلیسی در کتابی دانند ، با اینکه با زبان خودشان همان مطلب را می شود فهماند . اگر در کتابی چند کلمه خارجی نباشد ، آن کتاب را بدون ارزش می دانند . آنها می خواستند که تمام وجود ما در اختیارشان باشد که هر طوری خواهند عمل کنند و شما تابلوها را دیده بودید که اکثراً از دوا فروشی گرفته تا

کتاب فروشی و غیره دارای اسم های خارجی بودند و اینهمه به خاطر این بود که ما فرهنگ خودمان را فراموش کنیم و عده ای هم به نام فرهنگ ایران باستان از اسلام فرار می کردند ، که چندی پیش عده ای از اینها که در خارج اجتماع کرده بودند یکی از حرف هایشان این بود : (تعجب است که ما باید روزانه هفده مرتبه رو به کعبه عرب ها دولا راست بشویم و نماز بخوانیم و اگر ما از عرب ها فرهنگ ایران را بگیریم جز شتر چیزی نمی ماند) در صورتی که اروپائی ها و دانشمندان اروپا هم قائل به این مطلب اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن هاست . و در سابق به هر یک از ایرانیان از کودکی تزریق می شد که باید همه چیز از اروپا گرفته شود و ارزش های انسانی به هر چه بیشتر فرنگی شدن است و باید از سر تا پا فرنگی شویم . و این آقایان نمی نشینند مقایسه کنند که در تمام مسائل بین فرهنگ اسلام و فرهنگ دیگر چه تفاوت هایی است . و آیا به صرف اینکه اسلام از عرب آمده ما باید با آن مخالفت کنیم و آیا این همان نژاد پرستی نیست که اروپائی می خواهند به وسیله آن ما را به استعمار بکشند و بین طوایف عرب و عجم و ترک جدائی بیندازند ؟

بنابر این مدت ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش های اسلامی هستیم و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده بود . لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی اسلامی باشد زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد نیازمند به صرف مدت ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند و هنر آنها هم که عبارت بود از چیزهای مبتذل جز این نبود که افراد و جوانان ما را در دانشگاه و خارج و داخل طوری تربیت کنند که همه را منحرف سازد .

کسی که با خدا باشد ، خدا با اوست و پیروزی با اوست

خداوند تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و سایه شوم رژیم پهلوی از بین رفت . که امیدوارم به برکت و زحمت این جوان ها خصوصا در فرهنگ و وزارت ارشاد برگردیم به حال خودمان که انشاءالله می توانیم و نباید مأیوس باشیم .

بحمدالله همه چیز ایران جا افتاده است و ما وابستگی نداریم و باید در این راه طوری زحمت بکشیم که نسل آتیه بدانند راهشان چیست و امیدوارم شما در همه امور موفق باشید خصوصاً راجع به تبلیغات خارج از کشور که واقعا تأسف آور است . اصلاً در دنیا چه خبر است و آنها چه می گویند ؟ رادیوهای خارجی محامد و خوبی های ایران را کنار گذاشته و یا به چیز دیگر بر می گردانند و اگر مطلب کوچکی پیدا کنند صد تا روی آن می گذارند و بر علیه انقلاب تبلیغ می کنند . در حالی که ما متکی به خدای تبارک و تعالی هستیم و امید است خداوند به ما محبت نموده و قصد ما را الهی کند که کسی که با خدا باشد خدا با اوست و پیروزی با اوست .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست دانشگاه آزاد، مسؤولین ورؤسای شعبه های این دانشگاه در شهرستان ها

این را از گوش مان بیرون کنیم که همه چیزمان باید از خارج باشد

من از شما آقایانی که زحمت کشیده و به اینجا تشریف آورده اید تا از نزدیک در خدمت تان باشیم تشکر می کنم . همه باید این معنا را احساس کنیم که کارها را خودمان انجام دهیم و این مسأله خلافی که به ذهن دانش آموزان و دانشجویان ما تلقین کرده بودند که به غیر از رفتن به آمریکا و فرانسه و انگلستان در جای دیگری امکان ندارد به جایی رسید و همین امر موجب شد که جوان های ما را دسته دسته بردند و فاسد کردند از فکرمان دور کنیم . ما می دانیم که شرقی ها و غربی ها با ما خوب نیستند و نخواهند بود و خیر و صلاح ما را نمی خواهند و دلیلش هم وضعی است که شما می بینید که اکثر جناح هائی که در دنیا هستند بر ضد ما تبلیغ می کنند و این به خاطر آن است که آنها اسلام را نمی خواهند و هر کشوری که بخواهد به اسلام عمل کند ، مورد تهاجم آنها قرار می گیرد . لذا ما باید فکری بکنیم که جوان های ما در همین جا خوب تحصیل بکنند و بر فرض احتیاجی به خارج رفتن باشد به کشورهائی بروند که استعماری نباشد و طمع اینکه ما تحت سلطه آنان باشیم ، نداشته باشند . و من امیدوارم که به زودی وضعی پیش بیاید که نیازی به خارج رفتن نباشد و این بسته به فعالیت شما آقایان و سایر دوستان در این امر حیاتی است که از وجود این جوان های خوبی که داریم چقدر استفاده شود که در همین جا تربیت گردیده و مشغول خدمت به خدا و خلق باشند . و از گوش خودمان بیرون بکنیم که همه چیزمان باید از خارج بیاید و بر فرض که به خاطر احتیاج چیزی را وارد می کنیم ، فرهنگ و ادبمان چرا از خارج باشد ؟ ما دارای ادب و فرهنگ غنی هستیم و آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می کنند ما باید تابع آنها باشیم ، در حالی که آنها با این صنعت ها دنیا را تخریب می کنند و ما می خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد ، بلکه مفید و سازنده باشد .

دانشگاه ها و حوزه ها باید روابط داشته باشند و مسائل شان را با یکدیگر مبادله کنند

شما با روابطی که اکنون با حوزه های علمیه دارید ، خدمات زیادی توانید انجام دهید . شاید شما توجه نداشته باشید که در مدت سلطنت رضاخان و پسرش که من از اول تا آخر شاهد آن بودم چقدر بر حوزه های علمیه فشار وارد می کردند تا حوزه ای در کار نباشد . از یک طرف درب ها را باز

کردند و گفتند هرکس به طرف ما بیاید چه می کنیم و چه خواهیم کرد و از طرف دیگر به قدری روی طلبه فشار بود که نمی توانستند روز در حجره هایشان بمانند و می بایست قبل از طلوع آفتاب بیرون رفته و بعد از غروب آفتاب برگردند که الحمدلله موفق نشدند و حوزه های علمیه باقی ماند و با همان وضع اول حفظ گردید که الان نیز باید به همان گونه حفظ گردد و دانشگاه ها با حوزه باید روابط داشته باشند و مسائل شان را با یکدیگر مبادله کنند . ما الان در فرهنگ و اکثر علوم احتیاجی به خارج نداریم و اگر در صنعت هم مانند آنها نیستیم نباید خودمان را ببازیم و بگوئیم که آنها پیشرفته هستند و ما همه چیزمان باید خارجی باشد . نه ، مساله اینجور نیست . نباید اگر صنعتی از آنها می گیریم انگلیسی یا روسی یا آمریکائی بشویم ، بلکه باید مسلمان بود . البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصص ها را به ما دادند ، می خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند .

و من امیدوارم که انشاءالله شما آقایان و سایرین کمک کنید تا این دانشگاهی که به پیشنهاد آقای هاشمی تأسیس گردید و پیشنهاد بسیار خوبی بود ، فعالیتش زیاد گردیده و در همه جا توسعه پیدا کند . خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و سالم و رستگار باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای عالی قضائی، رؤسا، مستشاران و دادیاران دیوان عالی کشور، قضاوت بازرسی کل کشور، حقوقدانان شورای نگهبان و اعضای دادگاه عالی قم

کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره اش کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

من تشکر می کنم از آقایان علما و فضلا و قضات که تشریف آوردند و ما را مفتخر کردند به این تشریف فرمائی . و من امیدوارم که خداوند همه را حفظ کند و در پناه خودش توفیق بدهد که خدمت کنند . ما در هر قضیه ای که فکر می کنیم که در سابق ، در این رژیم بوده است دست روی هر کدام که می گذاریم ، می گوئیم این بدتر از دیگران بوده . وقتی می رویم سراغ آن یکی ، آنجا می گوئیم این بدتر از دیگران بوده و هكذا . وقتی قوه دادگستری اش را و قوه قضائیه اش را شما نگاه کنید می بینید که آن چیزی که در آن نبوده است اسلام بوده و عدالت اسلامی و وقتی که به مجلس اش نگاه می کردیم می بینیم آنکه نبوده است ارتباطش با مردم . وقتی به ارتش اش نگاه می کردیم می بینیم که آنکه نبوده است فعالیت در راه کشور خودشان . لابد آقایان اطلاع دارند که آنوقت متفقین آمدند و حمله کردند به ایران ، زمان رضاخان با آن هیاهویی که رضاخان در آورده بود که ما دیگر چه هستیم و چه هستیم ، سه ساعت گفته بودند که اینها مقاومت کردند در مقابل آنها و بعد که رضاخان از یکی از اینها (سرکردگان آنوقت) پرسیده بود که چرا سه ساعت ؟ گفته بود که قربان سه ساعت حرف است ، آنها آمدند و ما رفتیم . مسأله این بود . ارتش آنطور بود ، دولت آن بود که دیدید . شما بسیارتان ، خوب ، این اواخر دیگر یادتان است فرمانداران و فرماندهان و استانداران و اینه آنها بوده است که ملاحظه کردید و دادگستری اش هم آن بود که اطلاع دارید ، مجلس اش هم آن بود ، دانشگاهش هم آن بود . عرض کردم وقتی سراغ دانشگاه می رویم و می بینیم که بدتر از همه جا دانشگاه بوده است . وقتی سراغ قضات می رویم و می بینیم بدتر از همه این بود و زحمت دارد که اینها اصلاح بشود . و خداوند تأیید کرده است این جمهوری اسلامی را که در ظرف این مدت کم در صورتی که انقلاب بوده ، در صورتی که همه کشورهای بزرگ مخالف بودند با ایران به همه معنا و فشارهایشان را بر این کشور به همه طرف وارد کردند ، تبلیغات سرتاسری آنطور کرده است ، معذک در این مدت کم در همه جا یک پیشرفت های چشمگیر شده است . دانشگاه بحمدالله و امیدوارم که به زودی همه جهاتش درست بشود و روی موازین باشد و دادگستری و قوه قضائیه بحمدالله کار زیاد کردند . و موجب سرافرازی یک ملت است

که در مدت بسیار کم با همه مشکلات و یا اینکه مهیا نبودند علمای ما برای قضاوت و امر قضاوت، ارتباط با آنها نداشته است، معذک موفق شده اند و تاکنون خدمت های فراوان کرده اند و من امیدوارم که همه علمای بلادی که در سرتاسر ایران هستند و تمام حوزه هایی که در سرتاسر ایران هستند، اینها این جمهوری را که از خودشان می دانند، آن چیزهایی که نقص وارد می شود در اینها و احساس می کنند و که ناقص است، جدیت کنند، کامل بشود. کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره کنید. قوه قضائیه امروز قوه قضائیه اسلامی است و روبرو به اسلام دارد می رود و باید خود علمای اسلام این را تقویت کنند و افراد را بفرستند، علمائی که در بلاد هستند یا خودشان یا کسانی که مربوط به آنهاست و می توانند قضاوت کنند، پیشنهاد کنند که وارد بشوند در این قوه قضائیه تا انشاءالله رفع نقیصه به همه معنا بشود. نباید ما حالا بنشینیم امید این پیدا کنیم که خیر، خودش می شود. نه، هیچ امری خودش نمی شود، با کوشش امرها تحقق پیدا می کند. و در واقع قضا هم از باب اینکه یک واجب شرعی است بر همه مگر اینکه به مقدار کفایت داشته باشیم، از این جهت این عمل به یک وظیفه شرعی و اسلامی است و عذری نیست از برای ما امروز که بگوییم ما نتوانستیم، یا ما داخل کار نبودیم. نخیر، همه شما، هر یک از آقایان در هر جا هستند اینها پیشنهاد کنند و وارد بشوند قوه قضائیه را تقویت بکنند. کسانی که در حوزه ها هستند و آنهایی که درس خوانده هستند و در حوزه ها دیگر سمت مدرسی و اینطور چیزها را ندارند، آنها هم تشریف بیاوند و این قوه قضائیه را تقویت بکنند تا انشاءالله درست بشود این قوه. اگر این قوه قضائیه درست بشود، بسیاری از مشکلات کشور درست می شود. مردم سروکار دارند با این قوه، با دادگستری سروکار دارند و به شما آقایان قضات هم عرض می کنم که خدا را در نظر داشته باشید در باب قضا. قوه قضائیه سروکارش با جان مردم است، با مال مردم است، با نوامیس مردم است و باید همیشه خدا را ناظر و حاضر ببینید که خدای نخواستہ نبادا یک اشتباهی در کار بشود، یک وقت خطائی بشود. خطای شماها بزرگ است و ممکن است یک خطا موجب قتل یک کسی بشود، یک خطا موجب به باد رفتن آبروی کسی بشود. اینها را باید بسیار نظر بکنید و بسیار دقت بکنید که این شغل در عین حالی که واجب است و لازم است همه ما در صورتی که به مقدار کفایت نباشد همه شرکت بکنند و بسیار شریف است، در عین حال، خوب، مسؤولیتش هم بسیار زیاد است و باید انشاءالله همه آقایان جدیت بکنند که این قوه قضائیه به آنطوری که شارع مقدس می خواهد، به آنطور عمل بشود و البته از باب اینکه حوزه ها مهیا نبودند و دست شان از قضا کوتاه بوده و مهیا برای این کار نبودند، حالا که مهیا شدند، حوزه ها هم به راه افتادند برای اینکه این کار را متمیم کنند. و دروسی راجع به قضا - راجع به مربوط به قضا در حوزه ها درست عمل بشود و درس هائی گفته بشود تا اینکه انشاءالله به زودی این پرسنلی که ایشان می گویند که باز به قدر پانصد نفر ناقص داریم انشاءالله درست بشود. این پانصد نفر در حوزه اصفهان و مشهد و تبریز و سایر جاها چیزی نیست. خوب از آنجا بیایند و قم هم که خوب کمک می کند و امیدوارم که انشاءالله همه موفق بشود و خداوند

همه را تأیید کند که خودمان کارهای خودمان را انجام بدهیم .

دولت فرانسه آبروی ملت فرانسه را از بین برد

و من عرض می کنم که ما که امروز گرفتار این بلیات هستیم ، گرفتار این دولت ها هستیم ، گرفتار این قدرت های بزرگ هستیم ، باید خودمان همه جهات خودمان را خودمان حفظ کنیم . شما می بینید که در هر جا برای اسلام یک گرفتاری پیش می آورند با یک اسمی روی آن می گذارند و یک بساطی درست می کردند . ما آنوقت خیال می کردیم که صدام این است که تلافی می کند ، بیخودی ، در جنگ شکست می خورد آنوقت تلافی اش را سر خوزستان در می آورد و کردستان . خیال کردیم که این کار ، کار صدامی است . معلوم شد که همه هستند . چند نفر به واسطه اینکه آنقدر صدمه دیدند از این قدرت های بزرگ و از آمریکا و از اسرائیل و از فرانسه و از امثال اینها ، اینقدر صدمه دیدند ، چند نفر خودشان را فدا می کنند برای ملت خودشان و می روند یک جایی را منفجر می کنند . بعد اسرائیل تلافی می کند . خوب ، از اسرائیل همه متوقع اند . اسرائیل ذاتش همین است ذات است که باید عمل بکند اینطوری که می کند . اما فرانسه که خودش را یک ملت چه می داند و آنقدر در طول تاریخ ادعا کرده است ، چرا اینطور تروریست از کار در آمد ؟

ملت فرانسه باید این مطلب را احساس بکند که در طول تاریخ آنقدر که از فرانسه تعریف کردید و کتاب نوشتید و چه کردید ، در این برهه زمان آبروی فرانسه را این دولت از بین برد . دولت فرانسه آبروی ملت فرانسه را از بین برد ، صورت ملت فرانسه را یک صورت مشوه جلوه داد در بین ملت ها . اکثر ملت ها و مردم ها تمیز نمی دهند که ، جدا نمی کنند دولت را از ملت ، خصوصاً آنجاهایی که جمهوری است . آنجاهایی که جمهوری است ، ملت است که باید اساس را در دست بگیرد . نمی پذیرند از ملت فرانسه که او بگوید دولت ما اینطوری است دولت فرانسه ملت فرانسه به فکر بیفتد که آبروی خودش را که دارد از بین می رود حفظ بکند و این دولت را سر جای خودش بنشانند ، این دولت را کنار بگذارد . این دولتی که تروریست اعظم باید اسمش را گذاشت برای اینکه هر چه تروریست است جمع می شود در فرانسه ، بعد هم خودش تروریستی می کند یک کسی او را می زند به واسطه اینکه جنایتکار است ، او می زند یک کس دیگری را می کشد ، تلافی می کند سر کس دیگری . خوب ، این ملت فرانسه باید فکر این کار باشد و همین طور ملت های دیگر . ملت ها که تقصیری ندارند . تقصیر ملت هایی که جمهوری هستند این است که رای می دهند به اینها و بعد که رای دادند اختیار را به دست اینها می دهند ، باید بعد که چیز کردند ، با تظاهرات ، با چیزها این کار را کنار بگذارند . الان هم می توانند این کار را بکنند . حفظ کنند آبروی را که در طول تاریخ شما برای فرانسه درست کردید ، این را حفظش کنید ، اینها دارند از بین می برند اینها تروریست شده اند .

دولت فرانسه از آنجا که می بیند که از عراق طلب دارد و طلبش را نمی تواند بدهد ، تلافی اش را سر ایرانی ها در می آورد . تلافی سر ایرانی برای چه در می آورد ، خوب عراق نمی تواند طلب شما را

بدهد از خودش وصول کنید چرا به او طیاره ، نمی دانم چه می دهید که ایران را بزند ؟

ایران می خواهد همه را اصلاح کند ، می خواهد همه کشورها برادر باشند

وضع الان اینطور شده است که اصلا گرفتار شده ایم ما بین قوه های مقتدری که برخلاف نظر حتی ملت خودشان عمل می کنند . گمان نمی کنم که ملت آمریکا راضی باشد که از که دولت آمریکا از هر سوراخی سرش را بیرون بیاورد و جوان های خودشان را به کشتن بدهد و همین طور فرانسه و سایر جاها . حالا که انگلیس هم آمده است ، فرانسه هم سرش را تو سرها آورده ، جزو خیاطها شده است . آن پالان دوز را می گفتند که همراه خیاطها می رفت ، گفتند تو کجا می روی ؟ گفت : ما هم اهل بخیه هستیم . حالا این قدرتمندهای بزرگ که در دنیا جمع شده اند و مردم را دارند اذیت می کنند ، از آن طرف فرانسه هم آمده و انگلستان هم تازه آمده و خودشان را سرشان را داخل در سرها کرده اند که بگویند ما هم جزو بخیه زن ها هستیم . چرا وضع اینطور شده ؟ مگر آنها چه بردند در این کار ؟ مگر آنها در این جنایات چه شرافتی تهیه کرده اند ؟ الان آمریکا ، دولت امریکا ، دولت شوروی که این جنایات را می کنند و با هم مسابقه می کنند در جنایتکاری ، در ظلم به مردم ، در جنایت به مردم ، مگر آنها چه بردند که شما می خواهید _ شما هم _ همراه آنها باشید ؟ شما هم بروید چه بکنید ؟ بالاخره مسلمین باید فکر بکنند ، این مسلمان ها و این اعراب که تقریبا اکثر بسیاری از مسلمین را تشکیل می دهند و گرفتار دست اینها هستند ، اینها فکر بکنند که نباید اینطور خودشان را دست آنها بدهند که هر جا الان لبنان را آنطور کرده اند ، لبنانی دیگر برای کسی نمانده است . خوب ، چرا این اختلافات را شما دست بر نمی دارید تا اینکه اینها نتوانند بیایند سراغ شما و چرا باید آنها بیایند و مردم را آنطور اذیت بدهند به اسم اینکه ما می خواهیم اصلاح بکنیم ؟ این اصلاح که نیست . شما اگر مصلح بودید ، اگر صلح طلب بودید که اینطور وضع نبود . شما صلح طلبید و می آید در لبنان به اسم اینکه ما صلح طلب هستیم و مردم را ناراحت می کنید . شما بروید کنار ، مردم خودشان کار خودشان را درست می کنند نمی گذارید که مردم اصلاح کنند کار خودشان را . هر کدامتان به یک اسمی وارد می شوید در یک کشوری مثلا_ فرض کنید که روسیه وارد می شود در افغانستان به اسم اینکه می خواهیم اصلاح کنیم . آنجا را ، آمریکا و فرانسه و انگلستان و اینها هم وارد می شوند در لبنان می خواهیم اصلاح کنیم . این برای این است که مسلمان ها بیدار نیستند ، دولت های مسلمین نمی دانند چه قوه دست شان هست و چه جور اینها را می توانند از بین ببرند . اگر _ یک _ ده روز این مسلمین منافع خودشان را قطع کنند از شرق و غرب ، آنها سر جای خودشان می نشینند ، ولی _ چه _ افسوس این است که نمی توانند ، نمی فهمند چه باید بکنند . آنها را ترسانده اند به طوری که اگر چنانچه بکنید چه خواهد شد . خوب ، این اگر در ایران هم بود ، لکن ایران کار خودش را کرد و هیچ کاری هم نتوانستند بکنند . حالا هم نمی توانند بکنند ، بعدها هم نمی توانند بکنند . یعنی مادامی که ایران این ایران است ، مادامی که بین همه روابط اسلامی و انسانی هست ، مادامی که یک ملت هست اینها ، مادامی که زن و مرد و بچه و بزرگ

ایران این وضع را دارند، هیچ قدرتی در عالم نمی تواند کاری بکند. چرا مسلمان ها اینطور نشوند؟ چرا حجاز اینطور نشود؟ و چرا عراق اینطور نشود؟ و مع الاسف به واسطه حماقت بعضی راس - رئوس، به جان هم می اندازند همه را. این را وادار می کنند، حمله کند به ایران، آنقدر ضرر ببرد، آنقدر رنج ببرد، آنقدر چه بکند ملت عراق را، آنطور صدمه وارد به آن بکند برای یک حماقتی که آنها گفتند برو سردار قادسیه بشو، از آن طرف هم فلسطینی ها را به جان هم انداخته اند، جنگ بین خودشان آنطور می بینید که واقع شده از آن ور هم اختلاف ما بین خود ما، دولت های مسلمین. آخر چرا باید اینطور باشد؟ اینها اگر واقعا بیدار بشوند و بفهمند چه قدرتی در دست شان هست و چه منابعی در دست اینها هست که منابع، رگ حیات آنها در دست اینهاست، خوب، با هم روابط پیدا می کنند، روابط دوستی پیدا می کنند. خوب، ماهی فریاد می زنیم که آقا بیاید با هم دوست باشیم، چه هی آنها می گویند نه، ایران می خواهد همه کشورهای دنیا را از بین ببرد. ایران چرا می خواهد ببرد، ایران می خواهد همه را اصلاح کند می خواهد که با هم باشند همه شان، برادر باشند همه شان. معذک نمی فهمند و باید چه کرد این را. و من امیدوارم که کم کم درست بشود و کم کم ملت ها بیدار بشوند و از راه ملت ها این کارها اصلاح بشود و انشاءالله خداوند تأیید می کند و خداوند شما را و همه کسانی که در این کشور خدمت می کنند، به این کشور خدمت می کنند، به اسلام، تأیید کند و مادامی که قصد خالص باشد، توجه به خدا باشد و خالص باشد، تا اینطور باشد بلا اشکال پیروز است این کشور و از اینجا هم موجش می رسد به همه جا و رسیده است و انقلاب شما بحمدالله صادر شده است، نه اینکه صادر می شود، صادر شده و تقویت می شود در خارج.

قوه قضائیه مستقل است و هیچ کس نباید درش دخالت کند

و از نکاتی که تذکر بدهم این است که قوه قضائیه همانطوری که آقا فرمودند یک قوه مستقل باید باشد، یعنی در همه جای دنیا این اسم هست که قوه قضائیه مستقل است. حالا مادر کشور خودمان که استقلال داده است اسلام به قوه قضائیه و قاضی و قوه قضائیه مستقل است و هیچ کس نباید در آن دخالت بکند. قضات نباید گوش به هیچ کس بدهند جز آنکه برای خدا کار خودشان را انجام بدهند، حق را ملاحظه نکنند. اگر فرض کنید که یک جائی را دیدند حق است، اگر تمام کشور ایران به آنها چیز بکنند که به آن طرف حکم بدهید، نکنند. خدا اینطور مقرر فرموده است، باید شما به حق برسید. کار به اینکه این رفیق فلان است، این دوست فلان است، این پسر فلان است، این خود فلان است، خیر، کاری به این کارها نداشته باشید باید شما به همانطوری که شرع مقدس امر فرموده است قضاوت کنید و مستقل در قضاوت باشید و محتاط در قضاوت. احتیاط در قضاوت کنید، توجه بکنید که نبادا یک مظلومی حقتش ضایع بشود یا یک نفری زاید بر آن مقداری که باید جریمه بشود یا برای تعزیز بشود، یا به چه بشود، زاید بر او نباشد. گرفتاری دارد این مسائل، باید این را خیلی توجه بکنید. و من امیدوارم که آقایان علمائی که الان مشغول هستند و بعدها هم انشاءالله

می آیند و مشغول

می شوند، توجه بکنند که مستقل هستند و کسی حق اینکه هیچ نقشه ای، هیچ دخالتی در کار آنها بکند ندارد. و البته روی موازین شرعی اگر چنانچه اشتباه ثابت شد، آنوقت روی همان موازین شرعی عمل می شود. و خداوند همه شما را موفق بدارد و من دعاگوی همه شما هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 170

نامه رئیس شوریاعالی دفاع به محضر امام خمینی در مورد معرفی و پیشنهاد مقامفرماندهی جدید نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام معظم رهبر انقلاب و فرمانده کل نیروهای مسلح حضرت امام خمینی

با اظهار قدردانی از خدمات ارجمند و صادقانه سرهنگ معینی پور در طول تصدی فرماندهی نیروی هوایی ، شوریاعالی دفاع در اجرای مفاد اصل 110 قانون اساسی ، قبول استعفای وی و انتصاب سرکار سرهنگ هوشنگ صدیق به فرماندهی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را به آن حضرت پیشنهاد می کند .

سید علی خامنه ای رئیس جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع

تاریخ : 62/9/4

پاسخ امام خمینی به نامه رئیس شوریاعالی دفاع

بسمه تعالی

با قدردانی از زحمات ایشان و دعا برای توفیق به خدمت اسلام و ملت ، موافقت می شود .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 171

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر بهداشتی و گروهی از کارکنان این وزارتخانه

دادن امید و وعده سلامتی به بیمار ، کمک می کند به صحت بیمار

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که شما آقایان که در یک وزارتخانه ای هستید که برای مستمندان ، برای مریضان ، برای بیماران و علیلان و مجروحان خدمت می کنید ، خداوند توفیق زیادتر به شما عنایت کند ، و برای شما خداوند اخلاص نصیب کند که کارهای شما برای خدا باشد و برای خدا این زحمت ارزنده را بکشید و اجر را از خدای تبارک و تعالی امید داشته باشید . مساله بهداشتی یکی از امور بسیار مهم است ، هم پزشک مهم است ، هم پرستار مهم است ، هم کارمندان این دستگاه ، و چیزی که بسیار اهمیت دارد برای پزشکان و پرستاران و آنهایی که تماس با مریض ها و بیمارها و مجروح ها دارند این است که روح عطوفت در آنها باشد . یکی از اموری که کمک می کند به خوب شدن مریض ها و اعاده صحت برای آنها ، این است که پزشک آنها ، پرستار آنها ، به آنها تقویت روانی بدهد . اگر انسان اعتقادش شد که خوب می شود از این مرض ، این کمک می کند به اعاده صحت و اگر نظرش اینطور شد که در این مرض دیگر خوب نمی شود ، این او را رو به هلاکت زودتر می برد . و این به عهده پزشکان است و پرستارهاست ، چه پرستارها از خانم ها و برای خانم باشند و چه از آقایان و برای آقایان باشند ، این نکته را باید در نظر داشته باشند که عطوفت به آنها و امید دادن به آنها و وعده سلامت به اذن الله برای آنها ، کمک می کند به صحت آنها ، کمک شماسست برای کارهایی که انجام می دهید . هر چه خوب رفتار کنید با آنها برای شما پیش خدای تبارک و تعالی اجر است . فرضا یک مریضی به نظر شما حتما از این مرض نجات پیدا نمی کند ، لکن اولاً اینکه دست غیب هم در کار هست که آن ماورای نظر امثال ماست و شما هم مایوس نباشید و ثانیاً اینکه چه بهتر که یک مریضی که از این دنیا می خواهد برود با دل خوش از شما برود ، با امید باشد . اینطور نباشد که به او گفته بشود تو خوب نمی شوی ، همین در زود مردن او و در طولانی شدن مرض او کمک می کند و با دل افسرده از این دنیا می رود ، لکن اگر به او امید دادید ، محبت کردید ، نوازش کردید ، خدمت صادقانه کردید ، با روی خوش خدمت کردید به این مریض ها که افسرده اند اکثراً ، اگر اینطور باشد ، بر فرض اینکه از این دنیا هم برود با یک روح امیدوار و شیرین از این دنیا می رود و این برای شما ارزشمند است خیلی .

پزشک هایی که در خارج هستند توجه بکنند که کشور خودشان احتیاج به وجود آنها دارد

پزشک ها باید خیلی توجه بکنند به اینکه کارشان بسیار اهمیت دارد، سر و کارت آن با جان مردم است و اهمیت بسیار دارد و باید همه دقت هائی که دارید بکنید و مع الاسف بسیاری از پزشک های ما خارج کشور هستند، یا از ایران رفته اند، یا بوده اند در آنجا و مراجعت نکردند به وطن خودشان و این یکی از مسائلی است که باید این پزشک هایی که در خارج هستند یک قدری توجه بکنند که کشور خودشان احتیاج به وجود آنها دارد. آنها در این کشور پرورش پیدا کرده اند، با بودجه این کشور تحصیل کرده اند، خارج رفته اند و اهل اینجا هستند و مردم به شما حق دارند، اسلام به شما نظر دارد. این ملت اسلام است که الان در اینجا با آنهمه رنج هایی که به آنها می دهند و با آنهمه مصیبت هایی که ابرقدرت ها برای اینها پیش می آورد، اینها در رنج هستند. و شما پزشکانی که در خارج هستید ما فرض می کنیم که شما یک عمر زیادی هم بکنید و در رفاه هم باشید، آخر چه؟ بهتر نیست که در خدمت مستمندان باشید، در خدمت مریض های کشور خودتان باشید، در خدمت این کشوری که مظلوم است و تحت ستم بوده است در سال های طولانی و امروز که می خواهد از زیر بار ستم شرق و غرب خارج بشود، همه به او فشار آوردند، از همه طرف فشار آوردند، این فشارها کافی نیست که شما پزشکان در خارج نگاه کنید و ببینید که اینجا از حیث پزشک کمبود هست. همه جا ما کمبود داریم از حیث پزشک متخصص، و شماها متخصص باشید و از این آب و خاک هم باشید و از این آب و خاک هم پدران شما ارتزاق کردند و خود شما و حالا بی تفاوت باشید و در خارج بنشینید و نگاه کنید تا مریض های اینجا و آنهایی که در جبهه ها معلول شدند، در جبهه ها آسیب دیدند، در رنج باشند و شما وجدانتان آرام باشد؟ گمان ندارم که اگر یک ساعت فکر کنید وجدان شما حاضر بشود که آنجا باشید، ولو با رفاه زیاد. مردم در اینجا بحمدالله، بهداری در اینجا مشغول خدمت هست و راجع به جبهه ها از قراری که گفته می شود بسیار خدمت کرده اند و مورد تقدیر هستند.

باید توجه زیاد به بیمارستان ها بشود

و همین طور امیدوارم که وضع بیمارستان ها هم بهتر از حالا بشود و توجه زیاد به بیمارستان ها بشود. آنطور نباشد که یک بیماری در یک بیمارستان وارد بشود و او را نپذیرند. اینها از اموری است که با وجدان انسان مخالف است، با انصاف مخالف است، با رضای خدا مخالف است، باید خیلی توجه به این مسائل بکنند. یک مریضی که می آید در یک بیمارستانی، این احتیاج دارد که می آید در این بیمارستان، اگر از همان دم در یک وقت خدای نخواستگفته بشود که اینجا نمی شود، از اینجا برود جای دیگر، آنجا هم بگویند اینجا نمی شود و خدای نخواستگفته در همین رفت و آمدها تلف بشود، به عهده آن اشخاصی است که این کارها را می کنند. خیلی باید شما مواظب باشید، در عین حالی که خیلی خدمت شما ارزنده است، خیلی خدمت شما پیش خدا ارزش دارد، در عین حال مسؤولیت هم زیاد

باید شما این مسوولیت را با کمال دقت ، توجه به آن بکنید و امیدوارم که بتوانید خدمت بکنید به این مظلومین و خصوصاً اینهایی که از جبهه ها می آیند و سلامت خودشان را برای شماها از دست داده اند و می بینید که این ابرقدرت ها با مسلمین دارند چه می کنند . ما باید خودمان به فکر خودمان باشیم ، در هر چیز باید خودمان به فکر خودمان باشیم و می توانیم ، در امور بهداشتی و بهزیستی و اینها باید خودمان در فکر خودمان باشیم ، منتظر نباشیم مثل سابق همی به خارج برویم و از خارج بیاوریم . باید توجه بکنیم و زحمت بکشیم ، با زحمت خودمان ، با رنج خودمان ، این بار را تحمل کنیم و به منزل برسانیم . و امیدوار به فضل خدا باشید که خداوند با شماست و خداوند توفیق به شما خواهد داد که کار را به نحو شایسته پیش ببرید .

و خصوصاً باز عرض می کنم که با مرضی بسیار با عطوفت یعنی از آن کسی که خادم دم در است تا آنجایی که پزشک است و پرستار ، رفتار ، رفتار خوب باشد ، رفتار عطوفت باشد . گمان بکنید که خودتان مریض هستید و در یک مریضخانه رفتید ، در آنجا چه توقعی دارید از کارمندان آنجا ، از پزشکان آنجا ، از پرستار آنجا ، همان توقعی که خود شما از آنها دارید ، سایر مرضی هم از شماها دارند بنابراین لازم است که توجه به این مسائل معنوی بشود و امیدوارم که موفق و مؤید و منصور در این امر باشید .

و از امور لازم قضیه جلوگیری از بیماری است ، آن اهمیتش بیشتر از خود معالجه است . ما بتوانیم ، شماها بتوانید که طوری بکنید که مرض کم بشود ، یک طوری بشود در کشور که آبها از آلودگی بیرون بیاید ، غذاها آلوده نباشد ، آنطوری که پزشکان دستور می دهند کاری بشود که مرض نیاید ، نه ما منتظر باشیم که مرض بیاید بعد رفعش بکنیم . جلو بگیریم که اصلاً نیاید مرض و این یکی از امور مهمه ای است که باید به آن توجه کامل بشود و امیدوارم که در این امر هم متصدیان امور موفق باشند . و در همه امور اتکال به خدا بکنیم . شما ببینید که این اتکال به خدا بود که یک قدرت به آن عظمت را از دست از بین بردید ، با اینکه قدرت شما در مقابل قدرت های شیطانی چیزی نبود ، لکن ایمان شما بود ، اتکال شما به خدای تبارک و تعالی بود که پیش بردید و از حالا به بعد هم پیش خواهید برد .

قدرت های بزرگ به عنوان صلح آمدند در منطقه و ببینید که چقدر فساد وارد کردند

و این قدرت های بزرگ هیچ وقت در فکر این نیستند که یک آسایشی برای ملت ها باشد . شما الان ملاحظه می کنید که در لبنان چه می گذرد بر اهالی لبنان از دست همین هایی که برای صلح آمده اند . آمریکا و فرانسه و انگلستان و ایتالیا برای اینکه صلح را در آنجا پایدار کنند آمده اند و جنگ راه انداخته اند . جنگ راه انداختند در محلی که اگر اینها نباشند خود آنجا آرامش بهتر پیدا می کند ، تا اینها باشند . اگر آمریکا نبود و فشار به مردم نمی آورد آن بیچاره هایی که تحت آنهمه فشار هستند بالاخره یک کاری انجام می دهند . منتظر نباشند که شما همه فشارها را بر ملت ها تحمیل کنید و آنها همین طور

بنشینند و به شما مبارک بگویند . البته این انفجارات هست ، تابع همان ، دنبال همان است . دنبال این هم آن بمباران هایی که دیدید کردند در لبنان ، و آمریکا آنقدر در آنجا فساد کرد و عمال آمریکا که صهیونیسم هم از آنهاست و فرانسه هم باید که از آنها حساب بکنیم ، اینها به عنوان اینکه ما می خواهیم صلح را در منطقه نگه داریم ، آمدند و ببینید چقدر _ به فساد وارد کرده اند _ فساد وارد کرده اند بر این منطقه . از آن طرف شوروی به عنوان اینکه صلح در افغانستان درست کند ، آمده است چندین سال است ، قریب 5 سال است که الان دارد در افغانستان آتش پیا می کند ، از آن طرف هم آمریکا در هر نقطه ای که دستش برسد می گوید ما برای صلح می خواهیم برویم ، لکن فساد ایجاد می کند . نمی دانم این مثل را شما شنیدید یک بچه ، پسر کوچکی بود که یک نفر آدم کره المنظر که صورتش جوری بود که بچه ها از او می ترسیدند ، او بغلش گرفته بود و او از ترس همین آدم گریه می کرد ، این می گفت نترس من اینجا هستم ، یک کسی به او گفت که آقا این از تو می ترسد ، تو این را بگذار زمین ، این آرام می شود . حالا اینها ، قدرت های بزرگ ، آمده در افغانستان می گوید نترسید ما اینجا هستیم ، در لبنان هم نترسید ، ما اینجا هستیم . خوب ، این مردم از شما می ترسند ، خوب ، شما بروید کنار مردم آرام می گیرند . وضع اینطوری است و خدا نکند که سیاستمدارها چاقوکش از کار در آیند . وقتی سیاستمداری بر طریقه اخلاق انسانی نباشد ، او چاقوکش از کار درآید ، اما نه چاقوکش سر محله ، چاقوکش در یک منطقه وسیعی ، در دنیا . اینکه در روایت هست که (اذا فسدالعالم فسد العالم) مصداق بالاترش همین ها هستند که علمای سیاست هستند ، فاسد هستند ، عالم را به فساد کشاندند . الان عالم برای خاطر دانشمندان به فساد کشیده شده ، آن دانشمندانی که سلاح های کوبنده درست می کنند ، آن دانشمندان سیاستی که اعوجاج دارند و این سلاح ها را به کار می برند . الان دنیا به واسطه خاطر این علما هست و این دانشمندان هست که ناآرامی دارد . اگر اینها حذف بشوند از دنیا ، مردم آرامش بهتر پیدا می کنند .

بنابراین ما باید توجه به این بکنیم که این قدرت هایی که می گویند ما برای صلح آمدیم و مع الاسف در خانه عرب ها ، عرب ها را دارند می کوبند و عرب ها نشسته اند تماشا می کنند . این ننگ را عرب ها کجا می برند که اجانب ، کفار _ اجانب _ آمده اند در خانه اعراب ، به اعراب تعدی می کنند و اینها نشسته اند تماشا می کنند ، در صورتی که اینها اگر ده روز راه را بر آنها ببندند ، همه شان تسلیم می شوند ؟ اگر این کشورهای اسلامی ، همین کشورهای منطقه ، اگر همین کشورهای خلیج و منطقه ده روز جلوی نفت شان را بگیرند ، دنیا به صدا در می آید ، دنیا تسلیم شان می شود ، لکن اینها نفت شان را تقدیم می کنند ، آبرویشان را تقدیم می کنند ، کشورشان را تقدیم می کنند ، ملت شان را تقدیم می کنند ، برای چه ؟ برای یک هوای نفس باطل . دنیا را این هوای نفس دارد از بین می برد . هوای نفس است که وادار می کند که اینها برای خاطر اینکه چهار روز زندگی مرفه به خیال خودشان بکنند ، ملت های خودشان را اینطور تحت ستم قرار می دهند . هوای نفس است که شوروی را بر می دارد می آورد در افغانستان و آن کارها را انجام می دهد . هوای نفس است که آمریکا را می آورد در لبنان این کار را می کند و عمالش را در ایران مامور می کند برای اینکه این فسادها را بکنند . همه فسادهای دنیا زیر سر

این قدرت های بزرگ است والا این کوچک ها اهمیتی ندارند .

صدام دیگر یک مرده ای است افتاده آنجا ، این اهمیتی ندارد دیگر ، لکن اینها دارند فساد می کنند . این هم یکی از فسادهای آنها بود که این را بازی اش دادند و احمقش کردند حمله کرد به ایران و تجاوز کرد به ایران ، حالا هم توبیش مانده است و نمی داند چه بکند . هی فریاد می زند بیاید دیگر صلح کنیم ، می خواهد مهلت بگیرد که بعدها شرارت بکند ، ما این را بهتر می شناسیم از دیگران ، اینطور نیست که این صلح بخواهد ، این می خواهد که به اسم صلح مهلت پیدا بکند ، دوباره تشکیلاتی درست کند زیادتر و قدرتی پیدا کند زیادتر و دوباره حمله بکند . خوب ، با یک همچو چیزی نمی شود صلح کرد . کدام انسان است که می تواند با یک دشمنی که با اسلام دشمن است ، با خدا دشمن است ، با ملت خودش دشمن است ، با ملت ما دشمن است ، این را مهلت بدهد تا اینکه دوباره تجهیز کند خودش را ، قدرت ها هم به او کمک بکنند و باز هم افراد پیدا کند و دوباره حمله بکند به اینجا ، این را کسی نمی تواند مهلتش بدهد . این باید شرش کنده شود تا این منطقه درست بشود و عمده شر آن ابرقدرت هاست و دولت های منطقه می توانند شر این را از منطقه خودشان بکنند . اگر این دولت ها با ملت هاشان دست به هم بدهند ، ملت ها که حاضرند ، دولت ها هم تسلیم ملت هاشان بشوند ، نمی توانند آنها در این منطقه این فسادها را بکنند . اسرائیل نمی تواند بیاید اینجا شرارت بکند ، لکن مع الاسف خود اینها هستند که راه را باز می کنند برای قدرت های بزرگ . شما ملاحظه می کنید که در همین منطقه چقدر ثروت هست که دارند ابرقدرت ها از اینها می برند ، همان نفت چقدر هست که دارند روزی بیست میلیون تقریبا ، کشورها از اینجا می برند و می خورند ، معذک اینها نشسته اند . آنها ریخته اند در خانه خودشان ، لبنان خانه عرب است ، در خانه عرب ریخته اند و دارند به خود عرب اینطور جنایت می کنند و ملت عرب نشسته اند آنجا و هیچ حرف نمی زنند .

وقتی پای ایران پیش می آید می گویند اینها فارس اند اینها خوب ، آنها هم که عربند دیگر ، شما نه فارس سرتان می شود نه عرب سرتان می شود ، دنبال این هستید که چند روز عیاشی بکنید . خوب ، این عیاشی تا کی ؟ چقدر انسان آبرویش را ، حیثیتش را ، همه چیزش را بدهد سر عیاشی ؟

مظلومین جهان باید خودشان به فکر خودشان باشند

آن قدرت های بزرگ هم که شما را عمال خودشان قرار داده اند و الان در لبنان دارند به سر مردم لبنان بیچاره آن کار را می کنند ، معذک باید همه شان بدانند که مردم نمی نشینند گوش کنند تا این کارها بشود ، بالاخره همان معنائی که در ایران پیدا شد در جای دیگر هم پیدا می شود . باید از حالا فکر بکنند اینها ، امریکا خیال نکند که ظلمش را دارد به مردم می کند و آنها هم نشسته اند . امریکا دید که _ کاخ سفید منفجر شد _ آن محل خودشان منفجر شد ، همین چیزها حالا هست باز ، هر چند شماها جلوگیری بخواهید بکنید مردم جانشان به لبشان رسیده است ، مردم لبنان جانشان به لبشان رسیده است ، مردم فلسطین جانشان به لبشان رسیده و لهذا انتحار می کنند . اگر یک کسی جانش به لبش

نرسیده باشد که انتحار نمی کند برای اینکه شما را از کار بیرون کند . مردم نمی توانند تحمل بکنند ، شما یک فکری بکنید . با زدن و با کشتن و با یغما کردن و با بمباران کردن کار درست نمی شود ، باید کنار بروید تا مردم کار خودشان را بکنند ، راحت بگذارید مردم را . بالاخره مسلمین باید خودشان فکری بکنند ، بیدار بشوند و الا اینها چاقوکش بین المللی هستند و نمی گذارند دنیا آرام باشد مگر اینکه مردم خودشان ، مظلومین خودشان به فکر خودشان باشند ، مظلومین جهان خودشان به فکر خودشان باشند . اگر مظلومین به فکر بیفتند ، دست اینها را قطع می کنند و امیدوارم خدای تبارک و تعالی ملت های اسلامی را بیدار کند ، ملت های مستضعف را بیدار کند و خودشان زندگی خودشان را اداره کنند و ممالک خودشان را اداره کنند و دست قدرت های بزرگ را قطع کنند .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 177

بیانات امام خمینی در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان

مهم این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه مهم است این است که ما می خواهیم مطابق شرع اسلام مسائل را پیاده کنیم . پس اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوئیم اشتباه نموده ایم و عدول در بین فقها از فتوایی به فتوای دیگر درست همین معنا را دارد وقتی فقیهی از فتوای خود بر می گردد یعنی من در این مساله اشتباه نموده ام و به اشتباهم اقرار می کنم . فقهای شورای نگهبان و اعضای شورایعالی قضائی هم باید اینطور باشند که اگر در مساله ای اشتباه کردند صریحاً بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند ، ما که معصوم نیستیم . پیش از انقلاب من خیال می کردم وقتی انقلاب پیروز شد افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند ، لذا بارها گفتم روحانیون می روند کارهای خودشان را انجام می دهند . بعد دیدم خیر ، اکثر آنها افراد ناصالحی بودند و دیدم حرفی که زده ام درست نبوده است ، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده ام . این برای این است که ما می خواهیم اسلام را پیاده کنیم . پس در این رابطه ممکن است من دیروز حرفی را زده باشم و امروز حرف دیگری را و فردا حرف دیگری را ، این معنا ندارد که من بگویم چون دیروز حرفی زده ام باید روی همان حرف باقی بمانم امروز می گویم مادام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند ، علماً باید مشغول به کارهایشان باشند . این شأنی برای علما نیست که ریاست جمهوری و یا پست دیگری را داشته باشند . چون وظیفه است به این کارها می پردازند . خلاصه یک چیز را نباید فراموش کنیم که همه می خواهیم اسلام پیاده شود .

مبادا از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم

من حالا هیچ نگرانی ندارم چون اکثر افراد را می شناسم و می دانم که اکثراً متعهد و متدین هستند ، بلکه نگرانی من از این است که نکند سستی کنیم و در پیاده کردن اسلام دقت لازم را ننمائیم بعداً اشکالی پیش بیاید . نکند مثل مشروطه شود که آقایان تلاش کردند و مشروطه را بنا گذاشتند ، آنوقت چند نفر از سیاسیون مستبد ، مشروطه خواه شدند و حکومت را گرفتند و هر دوره مجلس را بدتر از دوره قبل تشکیل دادند . امروز من هیچ ترسی ندارم ، ولی ترسم از آن است که مبادا ما مسائل را به

صورتی محکم تحویل دسته بعد ندهیم ، ترسم از آن است که مبادا از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم . ما باید همه چیز را به همان قوتی که امروز دارد ، تحویل دسته بعد دهیم و آنها هم کوشش کنند که به همان قوت تحویل دسته بعد دهند . ما باید بنیان را محکم کنیم و به دسته بعد دهیم تا پیش خدا مقصر نباشیم .

باید هیچ سستی نکنیم و از این ترس نداشته باشیم که فلان رادیو یا دولت خارجی چه می گوید ، رادیوها باید به ما فحش بدهند . آن روزی را که آمریکا از ما تعریف کند باید عزا گرفت . آن روز که کارتر و ریگان از ما تعریف کنند معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است ، آنها باید فحش دهند و ما هم باید محکم کارمان را انجام دهیم . شورای نگهبان بدون ملاحظه از هیچ کس فقط و فقط خدا را در نظر بگیرند . احکام اولیه باید جاری شود و آن روز هم که اضطراری پیش آمد ، احکام ثانویه که آن هم حکم خداست را باید جاری نمایند . باید بنیان از امروز محکم شود .

همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند

شورای نگهبان و شورای عالی قضایی و مجلس و دولت باید به گونه ای عمل کنند که بنیان محکمی را پایه گذاری نمایند . اگر بخواهیم به اسلام پایبند باشیم ، باید آینده را در نظر گرفته و درست نماییم . سعی کنید مثل مشروطه سستی نشود . الحمدلله امروز مثل زمان مشروطه نیست که خوب ها در اقلیت بودند بلکه شما در اکثریت هستید و قلیلی هستند که انحراف دارند . و من قبلا در مورد انتخابات گفتم که همه چیز ما باید روی موازین اسلامی باشد . افرادی که تعیین می شوند باید کسانی باشند که به درد اسلام و جمهوری اسلامی بخورند و عقیده شان هم این باشد که اسلام خوب است ، نه فقط اظهار کنند ولی عقیده نداشته باشند ، کما اینکه در اول انقلاب خیلی ها اظهار اسلام می کردند . البته اقلیت های رسمی غیر مسلمان قانونا انتخاب می شوند پس مردم ، افرادی را که تعیین می کنند باید سعی در شناسائی آنها نموده و قبل و بعد از انقلابشان را در نظر بگیرند و بعد رای دهند . پس مساله خوب بودن خود شخص است نه اینکه از یک دسته خاصی باشد ، نه اینکه اهل علم باشد ، حزبی باشد ، بازاری باشد ، اینها دیگر شرط نیست ، عمده موازینی است که قانون و اسلام تعیین کرده است . ما باید مجلس را نگه داریم .

دوره اول مجلس در مشروطه بد نبود و شاید هم خوب بود ، ولی بعدها کم کم رسید به جایی که خودشان افرادی را انتخاب می کردند . پس ما باید سعی کنیم مرتبه دوم بهتر از اول باشد ، مردم بهتر شرکت کنند ، مردم در صحنه حاضر باشند و تحت تاثیر کسی واقع نشوند . مردم با علما و اشخاص مورد اعتمادشان مشورت کنند ، بعد به هر کس که خواستند رای دهند . مردم نباید کنار بروند اگر مردم کنار بروند همه شکست می خوریم . خود مردم نگذارند قلدرها دخالت کنند ، افراد نالایق دخالت کنند . اگر عده ای جمع شدند و افراد نالایق را انتخاب کردند ، مردم به آنها رای ندهند ، اگر مردم هم متوجه نشدند . مجلس آنها را قبول نکند . تمام مردم موظفند که در انتخابات حاضر باشند و تحت تاثیر هیچ کس قرار

نگیرند . بعد از اینکه مشورت کردند که برای اسلام مفید است رای دهند . اگر کسی مورد شک بود و یا اگر کسانی منحرف ، خودشان را معرفی کردند به آنها رای ندهند . ما باید مجلسمان را نگه داریم و کاری کنیم که برای دولتی خوب اساس باشد .

مردم اگر از من گله دارند ، از اسلام سرد نشوند . من خلاف کرده ام ، به اسلام چه . مردم اگر اسلام را ، استقلال و آزادی را ، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می خواهند ، همه در انتخابات شرکت کنند و در صحنه حاضر باشند . اگر یک ظالم خلاف کرد ، اسلام که نکرده است پس باید کاری کنیم که ظلم نباشد و ظالم از بین برود . اگر دیدیم در این دوره خلاف شده و به افرادی ظلم شده باید تلاشمان را بیشتر کنیم تا خلاف و ظلم را از بین ببریم نه اینکه کنار برویم و از صحنه خارج شویم زیرا اگر از صحنه خارج شویم ظلم بیشتر می شود پس باید اجتماعمان را بیشتر کنیم و بیشتر در صحنه حاضر باشیم . خداوند به شما قدرت و سعادت عنایت بفرماید .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

ص: 180

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های اموال بزرگانی و رسیدگی به سؤالات مجلس شورای اسلامی و اعضای سازمان های وابسته به نخست وزیری

شما متوجه باشید اینها شروع کردند از اول جوی بسازند که این حکومت را بشکنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من توفیق آقایان را در خدمت به جمهوری اسلامی و اسلام از خدای تبارک و تعالی خواستارم و امیدوارم که همه آقایان موفق باشند که به این ملتی که اینهمه در تحت ظلم و فشار بوده است خدمت بکنند و همه با هم همصدا و هم عمل منظورشان همین باشد که نجات بدهند این کشور را از مسائلی که برایش پیش می آید .

من امروز مغتتم است که در حضور آقایان یک مطلبی را عرض کنم و این مطلب مال همه است .

نه مال شماها ، مال همه . هم مسوولین کشور است و هم مردم . ما تجربه هایی که برایمان نقل شده است یا از تجربه هایی که خودمان در جریانش بودیم باید یک مطالبی را در نظر داشته باشیم . در دوران مشروطه را که همه آقایان شنیده اند یک عده ای که نمی خواستند که در این کشور اسلام قوه داشته باشند و آنها دنبال این بودند که اینجا را یا به نحوی طرف خودشان بکشاند ، آنها جوسازی کردند به طوری که مثل مرحوم آقا شیخ فضل الله که آنوقت یک آدم شاخصی در ایران بود و مورد قبول بود همچو جوسازی کردند که در میدان علنی ایشان را به دار زدند و پای آن هم کف زدند . و این نقشه ای بود برای اینکه اسلام را منعزل کنند و کردند . و از آن به بعد دیگر نتوانست مشروطه یک مشروطه ای باشد که علمای نجف می خواستند ، حتی قضیه مرحوم آقا شیخ فضل الله را در نجف هم یک جور بدی منعکس کردند ، که آنجا هم صدائی از آن در نیامد . این جوی که ساختند در ایران و در سایر جاها ، این جو اسباب این شد که آقا شیخ فضل الله را با دست بعضی از روحانیون خود ایران محکوم کردند و بعد او را آوردند در وسط میدان و به دار کشیدند و پای آن هم ایستادند کف زدند و شکست دادند اسلام را در آنوقت . و مردم غفلت داشتند از این عمل ، حتی علما هم غفلت داشتند . این که آنجا بود . ما در زمان خودمان هم آقای کاشانی را دیدیم . آقای کاشانی از جوانی در نجف بودند و یک روحانی مبارز بودند . مبارزه با استعمار ، آنوقت البته انگلستان بود مبارزه با او . در ایران هم که آمدند تمام زندگی شان صرف همین معنا شد و من از نزدیک ایشان را می شناختم . در یک وقت وضع ایشان طوری شد که وقتی که از منزل می خواست حرکت کند فرض کنید بیایند به مسجد شاه ، مسجد شاه مطلع می شد ، در نظر داشتند ،

اعلام می شد، اینطور بود وضع ایشان، بعدش دیدند که اگر چنانچه یک روحانی در میدان باشد لابد اسلام را در کار می آورد، این حتمی است و همین طور هم بود. از این جهت شروع کردند به جوسازی. آنطور جوسازی کردند که یک سگی را عینک به آن زدند و آنطور که من شنیدم عینک زدند و از طرف مجلس آوردند این طرف و به اسم آیت الله. و من خودم در یک مجلسی بودم که مرحوم آقای کاشانی وارد شد در آن مجلس، مجلس روضه بود، هیچ کس پا نشد، من پا شدم و یکی از علمای تهران که الان هم هستند و من جا دادم به ایشان (جا هم ندادند). این جور درست کرده بودند برای آقای کاشانی که دیگر از منزلش نمی توانست بیرون بیاید، در یک اطاقی محبوس بود در منزلش طوری که نمی توانست بیرون بیاید. چند دفعه هم گرفتند چه کردند. آنجا هم شکست دادند، مسلمین را شکست دادند.

من حالا می خواهم یک هشدار به آقایان بدهم. مساله الان به یک وضعی در آمده است که انسان می بیند که مشغول جوسازی هستند، می شنود که مشغول جوسازی هستند و به تدریج می خواهند این کار را عملی اش کنند. یعنی دیدند که ایران با این مسائلی که در دنیا می خواهند حل کنند نتوانسته اند کاریش بکنند، حمله کردند، حمله نظامی کردند _ عرض می کنم که _ اقتصادش را چه کردند، محصور کردند و همه کاری کردند، نشد آن کاری را که آنها می خواهند، یعنی منعزل کردن اسلام را می خواهند. الان آنها آنقدری که از اسلام خوف دارند، نه شوروی از آمریکا آنقدر خوف دارد، نه آمریکا از شوروی برای اینکه تمام این مصالحی که آنها به خیال خودشان می خواهند _ از مصالحی که برای خودشان تهیه کنند و تمام سوء استفاده هایی که از تمام دنیا می خواهند بکنند، می بینند که اگر چنانچه این ترتیبی که ایران روی کار آمده است و مشغول است، این عملی بشود همه جا لنگ خواهد شد، مساله، مساله ایران نیست حالا، آنوقت ها صحبت، صحبت ایران بود. الان وضع جور شده است که هر جا می بینی که الان فرض کنید که در پاکستان دارند می گویند که اسلام، خوب، دولتش هم ملغی می شود، این را می گویند. در جاهای دیگر هم همین طور دارند می گویند، در سیاهپوستان آمریکا هم صدا در آمده است. اینها الان خودشان هم می بینند که در شوروی هم که... صدا در آمده، خوب، مسلمین هم آنجا زیادند، آنها می بینند که اگر مهلت به این کشور بدهند ممکن است که منافع آنها را در تمام دنیا به خطر بیندازد. جنگ عمومی هم که نمی توانند راه بیندازند بخواهند جنگ راه بیندازند دنیا به هم می خورد، نمی کنند. آنها عاقل تر از آن هستند که جنگ عمومی راه بیندازند. اینها می خواهند با وسیله هایی با حيله هایی از اینجا شروع کنند، از ایران شروع کنند. از ایران شروع کردن هم یکدفعه نمی شود بروند سراغ روحانیون. می دانند که نمی شود که از اول بروند سراغ روحانیون، روحانیون را شکست بدهند. می آیند هی از پایین تر شروع می کنند، از پائین تر جوسازی می کنند. مثلاً حالا برای دولت جوسازی می کنند، برای دولت جوسازی می کنند. انسان هر جا که الان اطلاع پیدا می کند می بیند که با دولت دارند ور می روند. این مساله این نیست که ما نظرمان به این است که دولت، دولت خیلی مثلاً اعلانی هست، هیچ.

الان شما ملاحظه بفرمائید با این وضعی که ایران دارد که در جنگ است چند سال، انقلاب

است، آن انقلاب و هجوم طوایف مختلف از همه جا به اینجا، افغانستان نمی دانم بیشتر از یک میلیون و یک میلیون و نیم _ عرض می کنم که _ از عراق آنهمه اسیر، آنوقت خود ما در داخل کشورمان اینهمه فراری وارد شده و اینهمه مردم آمده اند ریخته اند از جاهای دیگر. اینها یک چیزهایی است که اگر در یک کشوری غیر از کشور ایران بود، به هم خورده بود، یعنی شیرازه اش به هم ریخته بود. لکن ایران از باب اینکه مردم در صحنه هستند اینطور نشده، اما می خواهند این کار را شروع کنند.

من الان به شما آقایان و به ملت ایران این گزارش را می دهم که سن من دیگر مقتضی این نیست که بینم این چیزها را، من می روم، اما شما توجه بکنید، شما متوجه باشید. اینها شروع کردند که از اول یک جوی بسازند که این حکومت را بشکنند و بعد بروند سراغ رئیس جمهورتان و مجلس تان و بعد بروند سراغ روحانیون و مساله را از حالا _ از _ اینجوری شروع کردند و شما از حالا باید بیدار این مطلب باشید. بیخود نیست که انسان یکدفعه می بیند که در قم حرف در می آید، در بازارها حرف در می آید، در مساجد حرف در می آید، در منابر حرف در می آید، در منزل های علما حرف در می آید، همه اش هم شبیه هم. اگر شما دیدید که یک مطلبی شبیه به هم در همه جا شد بدانید که این دست دیگری در کار است، همین طور من باب اتفاق نشده است.

الان وضع این شده است که انسان می نشیند در اینجا می بیند که همه چیز یادشان رفته، الا اینکه کمبود، گرانی. مگر کسی منکر این است که گرانی است. اما شما یادتان رفته است و شاید بعضی هایتان یادتان است قضیه زمانی که متفقین ریختند اینجا، شما دیدید که نان چه وضعی داشت، برنج چه وضعی داشت، گرانی ها چه وضعی داشتند. آنوقت به پول آنوقت که یک قرانش به قدر صد تومان حالا گاهی ارزش داشت، آنوقت برنج نمی دانم شده بود 12 تومان، قند شده بود 40 تومان، نمی دانم چی از این بساطی بود که بعضی آقایان مطلع اند. الان شما با این وضعی که دارید، که همه دنیا با شما دشمن هستند بلا استثناً، مگر بعضی ها که خیلی کم است، همه با شما مخالفند، همه دنیا دست شان به این دراز است که یک بساطی اینجا در آورند. شما رادیوها را ملاحظه کنید. در کویت یک قصه ای واقع شده است، الان هم عراق اعلام کرده است به اینکه این عراقی بوده و این... بوده، معذک دست بر نمی دارند می گویند عراقی ها طرفدار ایرانند، چون طرفدار ایرانند، پس ایران کرده. ایران همه مردم دنیا طرفدارش هستند، ایران کاری کرده است که مظلوم های دنیا همه طرفدارش هستند. پس مظلوم های دنیا هر جا کاری می کنند ایران کار می کند؟ وضع اینجور شده است که الان برای شما همه رادیوها دست می گیرند. یک قضیه ای _ در چیز واقع می شود _ در فرض کنید که کویت واقع می شود، یکی در لبنان واقع می شود، یکی در جای دیگر واقع می شود، هی ایران. الان شروع کردند در خود ایران این کار را دارند می کنند.

اسلام اگر اینجا سیلی بخورد بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمی شود

من به شما عرض می کنم نه دولت با من _ عرض می کنم که _ قوم و خویش است و نه من

افرادش را اکثرش را می شناسم ، اما من کلی قضیه را دارم می گویم . دولت با اینهمه کاری که می بینید کرده است ، یعنی این مملکتی که به هم خورده است و اینطوری است ، نگذاشته به هم بخورد . نگذاشته که اینهمه جرح هائی که ، اینهمه ، این مصایبی که و مجروحینی که هر روز دارند می آورند ، اینها زمین بمانند . نگذاشته است که مردم گرسنه بمانند . نگذاشته چه بشود . البته همه قبول دارند ، خود دولت هم قبول دارد ، گرانی هست . گرانی اولاً- همه جا هست ، اینجا تنها نیست ، ثانیاً وضع انقلابی همچو اقتضا می کند ، وضع جنگ اینطوری است . نباید ما وقتی که وضع جنگ را می بینیم داریم ، ما وضع انقلاب را می بینیم داریم ، وضع دشمنی همه دنیا را داریم ، همه ما بریزیم سر دولت . الان می بینیم در مجلس به دولت حمله می شود ، در محضر علما به دولت حمله می شود ، در بازار به دولت حمله می شود ، مصاحبه های تلویزیونی _ با _ به دولت ور می روند ، عرض می کنم که بساط وقتی درست می کنند به دولت ور می روند ، این بی جهت نیست . خود آقایان ملتفت نیستند . آقا خودش خیلی خیلی آدم خوبی است می رود ده نفر آدم از همین اشخاصی که می خواهند این کارها را بکنند ، ایران فراوانند از این اشخاص ، الان در ایران سلطنت طلب ما داریم ، در ایران مخالف با جمهوری اسلامی در این طبقات بالائی که می خواستند عیاشی بکنند ، حالا نمی گذارند عیاشی بکنند داریم ، از منافقین موجودند ، از اقلیت موجود است ، از احزاب موجود است ، هستند همه ، زیادند . آقایان عرض می کنم که با ظاهر خیلی خوب می روند پیش فلان آقا می نشینند می گویند هی اسلام دارد از بین می رود ، دیدید چی شد ، چه شد ، اینها می خواهند اینجا را چیزش بکنند مثل شوروی بکنند . آقا فوراً باور می کند ، می رود می گوید نخیر آقا ، چه واقع شد ، ادارات چه شده ، چه شده در ادارات الان همچو ادارات صد در صد مورد مطلوبیت نیست ، اما ما اساس را باید حفظش بکنیم . اگر اساس را ما حفظ نکنیم ، نه اداره برای ما باقی می ماند ، نه مجلس باقی می ماند ، نه مدرسه باقی می ماند ، هیچی . ایندفعه اگر اینها تسلط پیدا بکنند بر ما ، هیچی نمی گذارند . مثل زمان آقای کاشانی نیست حالا- ، مثل زمان مرحوم _ عرض می کنم که _ آقا شیخ فضل الله نیست حالا- . حالا- یک زمانی است که ادراک کردند که اگر این جمهوری رشد پیدا بکند نخواهد گذاشت که اینها منافع خودشان را ببرند و این را با همه جدیت می خواهند ببرند . و اسلام اگر اینجا سیلی بخورد ، بدانید که دیگر تا آخر سرش بلند نمی شود ، مگر اینکه باز یک وضع دیگری در دنیا پیش بیاید .

الان ماییم که باید این را حفظ بکنیم . ایران است که باید حفظ کند خودش را ، مجلس باید همراهی بکند . می دانم شکایت هست ، می دانم که همه چیز هست ، لکن همه همراهی بکنید آقا ، دست به دست هم بدهید که هیچ ارگانی به زمین نخورد . زمین خوردن دولت امروز برای روحانیت هم مضر است ، برای مجلس هم مضر است . همین طوری که مجلس زمین بخورد برای همه مضر است . همین طور که مجلس زمین بخورد برای همه مضر است همین طور که عرض می کنم که این دستگاه قضائی به زمین بخورد . من هم می دانم شکایت زیاد هست . مگر کجا شکایت نیست ؟ در امریکا شما خیال می کنید شکایت نیست ؟ در امریکا بیشتر از اینجا هست ، در هر چند دقیقه ای یکی کشته می شود ، در هر چند دقیقه فحشا واقع می شود ، در هر چند ثانیه حتی چه

شما می خواهید بعد از انقلاب ، بعد از دشمنی همه کشورهای عالم همین طور به طور رفاه بنشینید کار بکنید و به طور رفاه زندگی بکنید ؟ نمی شود بازار می بیند که دولت نمی رسد ، خوب خودش همراهی بکند . الان دولت در اطراف ، در جاهایی که باید باشد برنج دارد ، گندم دارد ، همه چیز دارد ، کامیون نیست . خوب همه علمای بلاد بنشینند با هم فکر بکنند کامیون درست کنند . اگر در هر شهری چهار تا کامیون برود به اینجاها ، تمام حل می شود مساله اگر همه بلاد دست به هم بدهند . بدانند که می خواهند ریشه این اسلام را بکنند ، همه مردم این توجه را داشته باشند ، علمای بلاد این توجه را داشته باشند ، وکلا این توجه را داشته باشند ، دولت این توجه را داشته باشد ، این اسباب این می شود که اگر شکایت بشود بدانند که اینطوری است ، حل کنند خودشان ، با هم بنشینند صحبت بکنند . نمی شود ، این شکایت حل نشدن اسباب این نمی شود که ما به دولت فشار بیاوریم ، دولت را تضعیفش کنیم که دولت ناتوان بشود . دولتی که الان باید همه کارها را انجام بدهد ، ناتوانش نباید بکنیم . مجلسی که باید همه کارها را تسهیل بکند ، نباید ناتوانش بکنیم و همین طور قوه قضائیه هم همین طور .

دشمن ، دشمن ایران نیست ، دشمن اسلام است

و مساله ، مساله مجلس نیست ، مساله دولت نیست ، مساله قوه قضائیه نیست ، مساله روحانیت نیست ، مساله اسلام است ، مساله این است آنهایی که دشمن اند ، با اسلام دشمن اند . با قوه قضائیه دشمن نیستند ، با مجلس کار ندارند ، با روحانی هم کار ندارند ، همه اینها برای اینکه اینها دارند برای اسلام سینه می زنند ، با شما مخالفند . نه برای اینکه خودشان ، مجلس یک چیزی است ، نه ، برای اینکه اگر مجلس مطابق میل آنها بود ، خیلی هم خوب بود ، چنانکه بود و دیدید . اگر دولت هم مطابق میل آنها بود خیلی هم تأییدش می کردند ، اما آنها دولتی که بخواهد مخالف با آنها باشد ، مجلسی که بخواهد مخالف با آنها باشد ، از ارتشی که بخواهد مخالف آنها ، با همه اینها مخالفند و شما بدانید که اگر ما دست به دست هم ندهیم ، همه مان با هم نباشیم ، زمین مان خواهند زد . مجلس را زمین می زنند ، دولت را زمین می زنند ، روحانیت را زمین می زنند ، همه زمین می خورند . پس عقل اقتضا می کند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم ، مردم مشکلات را تحمل کنند . مشکلات کمتر است از مشکلات ما تا زمان رسول الله . و آن مشکلات زمان رسول الله ، آن مسوولیت رسول الله بدتر از این مسوولیتی است که ما داشتیم . مشک را مجبور بودند بخورند برای رفع حاجت شان ، آنجا آنطور بود امیرالمؤمنین بدتر از ما زندگی کرد و از بین بردنش . الان اینطوری است که ما باید تحمل بکنیم ، مملکت ما دشمن دارد ، یعنی دشمن ، دشمن ایران نیست . دشمن دشمن اسلام است .

الان دشمن های ما از ایرانی اش گرفته که در خارج نشسته اند دارند بر ضد اسلام صحبت می کنند ، منتها شما ، این را من گفتم سایر جاها ، در مجالس اینها ضد اسلام اصلا صحبت می شود ، اینهایی که در خارج رفتند ، اینها همه اینطوری هستند . خوب ، ما یک عده اینجا ماندیم ، خودمان هم بریزیم به جان خودمان چه خواهد شد ؟ مجلس با دولت مخالف ، دولت با مجلس مخالف ، اینها چه

خواهد شد؟ اینها البته انشاءالله مخالف هم نیستند. اما باید بیشتر توجه بکنیم، علمای بلاد باید توجه بکنند که هر که آمد یک نقی زد فوراً باور نکنند و صحبت بکنند و به رادیو برسد و به نمی دانم چه برسد. اینطور صحبت نکنند، به مجالس نبرند، به _ ائمه جمعه نبرند به مجالس صحبت ها را، می توانند حلش بکنند، نتوانستند حزم کنند. ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. (فاستقم کما امرت و من تاب معک) این چیزی بود که پیغمبر اکرم گفت: (من شیبتی سورة هود) من به واسطه این، آن هم به خاطر اینکه (و من تاب معک) بود برای اینکه می دید نمی تواند استقامت کند، ما باید استقامت کنیم، باید حفظ کنیم، باید صبر کنیم.

ملت باید چشمش را باز کند تا این جمهوری اسلامی را حفظ کند

خداوند انشاءالله همه را توفیق می دهد. و این مسائلی که می فرمایید، من هم اطلاع دارم که این مسائل سوال می خواهد ولیکن اینطور نباشد که هر روز یک وزیر را بیاورید اینجا بنشانید، دعوا بکنید با او و تضعیف کنید دولت را. کاری بکنید تضعیف نشود. همه تان را دارند تضعیف می کنند، شما نیستید، همه است. خیال نکنید که شما دولت را تضعیف می کنید، نخیر. شما هم دولت را تضعیف کنید، تضعیف شماست. این مقدمه است برای او و الان یک خطی در این کار هست، مشغولند الان. و شما باید خیلی توجه کنید، چشم هایتان را باز بکنید. ملت باید چشمش را باز کند، این دولت را، این مجلس را، این جمهوری اسلامی را حفظ کنند، مردم باید حفظ کنند، بازار باید حفظ کند اینها را.

آقا می نویسد مالیات نباید داد. آخر شما ببینید بی اطلاعی چقدر. آقا، ما امروز روزی نمی دانم چند صد میلیون ما الان خرج این _ چیز مان است _ جنگ مان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ با سهم امام می شود درستش کرد حالا؟ حالا ما می توانیم مردم را همه را بنشانیم اینجا و به زور از سهم امام بگیریم؟ سهم امام حالا به اندازه ای است که همین حوزه ها را بگردانیم، بیشتر از این هم نیست، یک کمی اگر بیشتر باشد می دهند به دولت. یکدفعه آدم بگوید که نخیر، ما می گوئیم که دولت مالیات نگیرد، سهم امام بگیرد. چه جور؟ از کجا بیاوریم سهم امام اینقدر؟ ما از کجا سهم امام و سهم سادات پیدا کنیم که دولت را اداره بکنیم، مملکت را اداره بکنیم، اینهمه اشخاصی که ریخته اند به جان دولت و خرج دارند و چی دارند اداره بکنیم.

خوب، بی فکر حرف می زنند آقایان، یک کسی می رود یک چیزی به آنها می گوید آنها هم باورشان می آید. آقایان دیگر هم همین طورند، با سلامت نفسی که دارند باورشان می آید. باید آقایان فکر بکنند که هر کس آمد هر چی زد، باید از اول حمل بر فساد بکنند که او می خواهد یک کاری بکند. امروز که فساد زیاد است، حمل به صحت صحیح نیست، که هر که آمد فکر کنیم راست می گوید... خوب، من یک ماه، بیست و چند روز یکی از همین منافقین با صورت صالح، با ژ_3، با همه چیز آمد آنجا نشست در نجف، من بودم. برای من گفت، هر روز گفت، هر روز گوش کردم، از مرحوم آقای طالقانی سفارش آورده بود، از یکی از علمای دیگر سفارش آورده بود، آنها را هم بازی داده بود آمد

گفت، من دیدم خیلی این مسلمان است، خوب ما که اینقدر مسلمان نیستیم. من به او سوءظن پیدا کردم، من هیچ جوابش را ندادم. فقط گفت ما می خواهیم قیام مسلحانه بکنیم، گفتم نمی توانید، خودتان را به کشتن ندهید و ولو دیگر جوابی به او ندادم. اینها از آن وقت نقشه می کشیدند برای این کار، حالا هم هستند در میدان، نرفته اند. حالا آن جهانی که رفته است البته کاری نمی توانند بکنند، اما این شیطنت را می توانند بکنند که بیایند بروند در قم پیش آقای، بروند در فرض کنید که اصفهان پیش آقای، بروند در شیراز پیش آقای، یک کاری بکنند که صدا در بیاید. حالا از اول - از - کی از همه ضعیف تر است برای این کار، به روحانیت حمله کنیم، نه. به مجلس، نه به دولت باید حمله کنیم، حالا به دولت. مجلس را وادار می کنند به دولت - عرض می کنم - روحانیون را وادار می کنند به دولت، بازار را وادار می کنند به دولت، همه جا به دولت، خوب دولت از بین رفت. فردا می آیند سراغ شماها. فردا می روند سراغ رئیس جمهور و یا - نمی دانم - مجلس. همه اینها مسائل، مساله دولت نیست. مساله، مساله اسلام است. من این را برای خاطر اینکه آقایان توجه بکنند و برای خاطر اینکه تکلیفی را ادا کرده باشم عرض کردم و امیدوارم که خداوند به همه ما توفیق بدهد که همه مان با هم در رفع این گرفتاری ها بکوشیم. خوب، اگر آمدند شکایت کردند، بروید سراغ رفعش، برویم سراغ اینکه دولت را تضعیف کنیم یا برویم مجلس تضعیف بکنیم یا برویم اشخاص را چه بکنیم. این مساله ای است که من عرض کردم و من امیدوارم که موثر واقع بشود در این امور.

والسلام علیکم ورحمة الله

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام محلاتی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی نماینده اینجانب در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، چون جناب حجت الاسلام آقای طاهری قصد مسافرت دارند ، جنابعالی علاوه بر مسؤلیت های گذشته خود در سپاه پاسداران ، کلیه مسوولیت های ایشان را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عهده گیرید . بدیهی است که اعضا و فرماندهان سپاه و بسیج موظف به همکاری و پشتیبانی از جنابعالی می باشند . از خداوند تعالی توفیق شما را در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی خواستار است .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 188

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد

زحمات جهاد در سراسر ایران چشمگیر و مورد تصدیق همه ما بوده است

بسم الله الرحمن الرحيم

از زحمات جهاد در روستاها و جبهه ها تشکر و تقدیر می نمایم . کرارا درباره زحمات جهاد در جبهه ها گفته ام . زحمات جهاد در سراسر ایران چشمگیر و مورد تصدیق همه ما بوده است . توجه کنید که کارهایتان برای خدا باشد . شما از خدا پاداش بخواهید نه از دولت و ملت ، باید کاری کنیم که او راضی باشد .

اما راجع به بودجه جهاد ، انشاءالله وقتی وزیر تعیین شد ، تجدید نظر لازم را می نماید . من هم سفارش می کنم که انشاءالله دولت به محرومین نظر مهمتری بنماید . کار در روستاها بسیار ارزشمند است . در سابق به روستاها هیچ نمی رسیدند و کار اساسی برای روستاها نشده بود . امروز هم اگر پشتوانه مردم نبود ، دولت توان رسیدگی به تمام روستاها را پیدا نمی کرد . امروز بحمدالله با همت جوان ها وضع روستاها رو به بهبود است .

ایران کشوری است که باید کشاورزی آن اساس همه کارها باشد . آن عده ای که می گویند از نظر کشاورزی نمی شود خودکفا شد ، اطلاع دقیق ندارند . روستائیان هم سعی کنند به شهرها نیایند و در روستاهای خود بمانند ، چون آنها که نمی خواهند مثل بالا شهری های ما زندگی کنند ، پس در روستاها بمانند . انشاءالله دولت به وضع آنها رسیدگی می نماید . انشاءالله جهاد سازندگی بتواند محرومیت هایی را که روستائیان دارند به تدریج دفع نماید . جهاد هم خوب عمل کرده است . وقتی دست در دست یکدیگر دهید انشاءالله تمامی کارها به صورت خوبی انجام می گیرد . اگر با هم باشید مطمئن باشید مشکلات رفع می شود . کوشش کنید کارهای بسیار خوب و عالی برای اسلام و مسلمین داشته باشید و مظلومین را از ظلم و گرفتاری نجات دهید . نماینده من در جهاد می ماند و به کارهایش ادامه می دهد .

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس جمهور و رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و ستاد مشترک ارتش؛ نخست وزیر و اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی و اعضای شورای نگهبان

کمال ناسف است برای انسان ها که در راه معرفت خدا قدم بر نداشته

بسم الله الرحمن الرحيم

مقابلا این عید بزرگ را، عید مبارک میلاد رسول اکرم و فرزند بزرگ امام صادق سلام الله علیه را به همه حضار و همه مسلمین جهان و مستضعفان سرتاسر عالم تبریک عرض می کنم. من باید عرض کنم که این ولادت که دنبالش برکات پی در پی بود و منتهی شد به بعثت و نزول وحی از جانب خدای تبارک و تعالی بر قلب مبارک آن سرور، ابعادش برای بشر تاکنون معلوم نشده است. آنکه قرآن کریم دنبالش بوده است حتی برای متعمقان آخر الزمان هم به آنطوری که باید کشف نشده است و همین مقداری که معلوم شده است و کشف شده است، وقتی که ملاحظه کنید با قبل از اسلام و معارف قبل از اسلام و فلسفه قبل از اسلام و عدالت های اجتماعی قبل از اسلام می بینید که همین مقدار هم یک تحول عظیمی در دنیا پیش آورده است که سابقه نداشته است و لاحق هم ندارد.

در سیر عرفانی، شما ملاحظه بفرمایید که قبل از اسلام چی بوده است و بعد از اسلام و با تعلیمات اسلام مقدس و قرآن کریم چه شده است. اشخاصی که قبل از اسلام بودند در عین حالی که اشخاص بزرگی بودند مثل ارسطو و امثال او، معذک وقتی کتاب های آنها را ما ملاحظه می کنیم بوئی از آن چیزی که در قرآن کریم است در آنها نیست.

همین آیاتی که در روایات ما وارد شده است که برای متعمقین آخرالزمان وارد شده است مثل سوره توحید و شش آیه از آیه سوره حدید، گمان ندارم که واقعیتش برای بشر تا الان و تا بعدها بشود آنطوری که باید باشد، کشف بشود. البته مسائل در این باب خیلی گفته شده است، تحقیقات، تحقیقات بسیار ارزنده هم بسیار شده است، لکن افق قرآن بالاتر از این مسائل است. همین آیه شریفه هو الاول والاخر والظاهر والباطن انسان خیال می کند که خوب، اول خلق الله است و آخر هم همان است و عرض می کنم که ظاهر هم به حسب آثارش است و باطن هم به حسب اسمانش. لکن اصلا این مساله این نیست که ما می فهمیم و فهمیده اند، مسائل بیش از این مسائل است. هو الظاهر اصل ظهور را به غیر خودش می خواهد نفی کند از غیر خودش، مال اوست. واقع مطلب همین است، منتها فهم این معنا که ظهور، ظهور اوست و عالم و تمام هستی ظهور اوست، فهم این مشکل است. و هو معکم که

در همین آیات وارد شده است، معکم یعنی همراه ماست، او اینجاست و ما اینجا. این معیت، مثلاً فلاسفه معیت قیومه می گویند قیومه ولی مساله را حل می کند؟ مثل معیت علت و معلول است؟ مثل معیت جلوه و ذی جلوه است؟ مسائل این نیست، متعمقین آخرالزمان هم به اندازه عمق ادراکشان بهتر از دیگران فهمیده اند والا حد قرآن آن است که انما يعرف القرآن من خوطب به این يعرف القرآن من خوطب به این نحو آیات است والا بعضی آیاتی که مربوط به احکام ظاهریه است و مربوط به نصایح است که همه می فهمند، آنی که لایعرفه الا من خوطب به یعنی خود رسول اکرم، یعنی واسطه هم نمی تواند بفهمد، جبرئیل هم نتوانسته است. جبرئیل امین هم یک واسطه ای بوده است که خوانده است بر حضرت، این آیاتی که از غیب بر او وارد شده است و مامور شده است که برساند، اما آن هم من خوطب به نیست. من خوطب به فقط خود رسول اکرم است و دیگران هم که به واسطه آن نوری که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در قلب آن تعلیم نورانی ای که از قلب او به قلب خواص او بوده است، به واسطه او فهمیده اند. و اما دست امثال ما و بشر عادی کوتاه است از اینکه واقعا بدانند که هومعکم یعنی چه، چه معیتی است این؟ و هوالنور السموات والارض الله نور السموات والارض این چی است؟ نوالسموات چی است؟ چگونه نور سموات است؟ ولهدا منور السموات گفته اند و هیچ ربطی به آیه ندارد. تحول معنوی و تحول عرفانی که به واسطه قرآن پیدا شده است فوق همه مسائل است. و بشر، هر کس از یک بعد به قرآن نگاه کرده است و بعضی بعد ظاهرش را، بعد مسائل اجتماعی را، بعد مسائل سیاسی را، بعد مسائل فلسفی، بعد مسائل عرفانی، لکن آن بعد حقیقی که بین عاشق و معشوق است، آن سری که بین خدا و پیغمبر اکرم است، آن یک مطلبی نیست که ماها بتوانیم بفهمیم چی است این سر. اینکه از حضرت باقر سلام الله علیه نقل شده است که فرموده است که من از صمد، تمام احکام و شرایع را، تمام حقایق را از صمد می توانم نشر کنم، مساله هست این. البته ما هم از صمد می توانیم اصول معارف را بفهمیم لکن او زائد بر این مسائل می گوید.

در هر صورت کمال تاسف است برای انسان ها که نمی خواهند بدانند، در راه دانستن نیفتاده اند، در راه معرفت کتاب خدا قدم برنداشته اند، ارتباط با مبدا و وحی برقرار نکردند که از مبدا و وحی تفسیر بشود برایشان.

این ارتباط فقط بین رسول خدا و خدا بود و به تبع او هم بین خواصی که بوده اند. مسائل فلسفی هم همین طور، مسائل فلسفی هم وقتی شما فلسفه ارسطو که شاید بهترین فلسفه ها قبل از اسلام باشد، ملاحظه کنید می بینید که فلسفه ارسطو با فلسفه ای که بعد از اسلام پیدا شده است فاصله اش زمین تا آسمان است در عین حالی که بسیار ارزشمند است در عین حالی که شیخ الرئیس راجع به منطق ارسطو می گوید که تاکنون کسی نتوانسته در او خدشه ای بکند یا اضافه بکند، در عین حال فلسفه را وقتی که ملاحظه می کنیم فلسفه اسلامی با آن فلسفه قبل از اسلام زمین تا آسمان فرق دارد.

قرآن وارد شده است برای تربیت انسان به جمیع ابعادی که دارد

و راجع به امور اخلاقی، راجع به امور تربیتی و بالاخره قرآن وارد شده است برای انسان به جمیع شئون که انسان دارد، برای تربیت انسان به جمیع ابعادی که انسان دارد، و ابعاد انسان، ابعاد غیرمتناهی است. برای همه وارد شده است، برای همه چیز و یک سفره ای است که پهن شده است برای بشر که هر کس می تواند از آن سفره به مقدار استعداد خودش استفاده کند. و مع الاسف استفاده کم شده است و باید عرض کنم که انبیا از آدم تا خاتم به آن مقصدی که داشتند نرسیدند، در عین حالی که هر چه کمال در دنیا هست از آنهاست، معذک به آن مقصدی که آنها داشتند نرسیدند.

و نکته ای که باید عرض کنم این است که این شرایع معروفی که الان بین بشر معروف است، حالا ما شریعت حضرت موسی، شریعت عیسی و شریعت اسلام، وقتی که ملاحظه می کنیم حال مشرع را، حضرت موسی سلام الله علیه را، وضع زندگی حضرت موسی و کیفیت تبلیغ او و مبارزه ای که او کرده است با طاغوت، او را وقتی که ملاحظه می کنیم، بعد می رویم سراغ امت موسی، آنهایی که می گویند ما امت حضرت موسی هستیم و ما پیرو حضرت موسی هستیم. موسی معارضه می کرد با طاغوت و اینها که می گویند ما پیرو حضرت موسی هستیم خودشان طاغوتند، در عین حال می گویند ما پیرو حضرت موسی هستیم. رادیو اسرائیل بسیار نصایح حضرت موسی را هم نقل می کند اما اسرائیل چه جور است؟ وضع او چی است؟ آنهایی که خودشان را انتساب می دهند به حضرت موسی و موسی وضع زندگی اش آن بود که یک شبان بود و یک عصا داشت و وضع شبانی اش هم آن وضع بود که تاریخ می گوید، آنوقت هم پاشد رفت سراغ بزرگترین قدرتی که در آنوقت بود و با او معارضه کرد و از دنیا و توجه به دنیا به هیچ وجه نداشت. آنوقت بینم که اینهایی که خودشان را از حضرت موسی می دانند چقدر به دنیا چسبیده اند. سرمایه بزرگ آمریکا در دست آنهاست، قدرت مادی آمریکا در دست آنهاست و می گویند ما هم به شریعت موسی معتقدیم. از آن بدتر پیروان حضرت عیسی است. حضرت عیسی را خوب، همه می گویند که یک شخص، (همین طور هم بوده است) یک شخص روحانی الهی بوده است که هیچ توجه به این مسائل مادی نداشته است و به حسب قول آنهاست که پیروانش می گویند هستیم، این است که ایشان به هیچ وجه توجه به اینطور موارد مسائل مادی نداشته است، یک شخص روحانی به تمام معنا، روح الله به تمام معنا، آنوقت می آئیم سراغ پیروانش. پیروانش کی هستند الان؟ تمام مفاسدی که الان، یعنی نصف کنید، نصف مفاسدی که الان در دنیا هست از پیروان حضرت عیسی سلام الله علیه هست؟ یعنی پیروان ادعائی. الان دارند خودشان را مهیا می کنند برای عید میلاد حضرت عیسی، چه اشخاصی؟ اشخاصی که با عیسی مخالفت دارند، با خدای عیسی مخالفت دارند، اعتقاد به عیسی ندارند، لکن خودشان را می چسبانند به او. آن نصف دیگر عالم مال آنهاست که ادعا می کنند که ما برای توده های مردم، برای ضعفا، برای چی داریم زی می کنیم، نمی خواهیم دیگر آن جهات قلدری در عالم باشد، می خواهیم همه مردم یک جور باشند. آنها هم آن طایفه اکثرا وقتی سراغ سران اش می رویم می بینم که کرملین از آمریکا بدتر است. لنین با مردم آن

کرد، استالین آن کرد، اینها هم دارند این را می کنند. آن ادعا و آن عمل. وقتی می آئیم سراغ خودمان، خودمان هم همین. مسلمین هم در عین حالی که همه سران دول اسلامی ادعای اسلامیت می کنند، ادعای پیروی از پیغمبر اسلام می کنند، در عین حال می بینید که هیچ شباهتی ما بین سران آنها با اسلام، هیچ شباهتی نیست، هیچ ارتباطی نیست. ادعا زیاد است، ادعاها هست ما پیرویم ولی پیروی در مقام عمل. سیره پیغمبر چی بوده است، سیره شماها چی است؟ پیغمبر در بین بشر چه جور زندگی کرده است، شما در بین بشر چه جور زندگی می کنید؟ پیغمبر با مردم مظلوم چه جور بوده، شما با مردم مظلوم چه هستید؟ پیغمبر با طاغوت ها چه جور بوده و شما علاوه بر اینکه خودتان طاغوتچه هستید با طاغوت ها چطور هستید؟ پیغمبر با مستضعفین عالم چه وضع داشته و شما چه وضع دارید؟ پیغمبر وضع زندگی ظاهریش چی بوده و شما چه هستید و چه دارید؟ مجرد اینکه من بگویم من تابعم که درست نمی شود مطلب. سران دولت های اسلام همه اینطور هستند.

پیغمبر می گوید مسلمین با هم مجتمع باشید، شما متفرق می کنید. قرآن می گوید واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا شما چسبیدید به حبل آمریکا و شوروی. ادعاها زیاد است. من نمی گویم که ماها که حالا در ایران هستیم ما هم تابع هستیم به آن معنا، ما ادعایمان این است که میل داریم تابع بشویم، در خط این هستیم که تبعیت بکنیم. شما که می گوئید تابع هستید، که، قرآن خدا می گوید که با اینها یک طور نباشید والذین کفروا اولیائهم الطاغوت خوب، شما اولیائتان کی هست الان؟ با کی ارتباط دارید الان؟ خوب، یک دسته با آن طرف ارتباط دارید، یک دسته با آن طرف، ایران هم که می خواهد با هیچ کس نباشد، شما به فشارش می گذارید، فشار به اینکه چرا آن طرف نیست یا چرا آن طرف نیستی.

ما نمی خواهیم بیائیم ممالک شما را بگیریم، لکن مدافع از حق خودمان هستیم

آن روزی که خدای نخواستہ ایران هم بغلطد در یک طرفی، مسائل حل است، تمام است. ایران گناہش چی هست که از آن ور صدام هجوم می کند آنطوری و آنطور جنایات را بر او وارد می کند و او تودهنی می خورد، بعدها می خواهد یک راه دیگری پیدا بشود. تا آنوقتی که هجوم می کرد و می گفت که این مجوسی ها را ما می خواهیم چه بکنیم، ما همه مجوسی بودیم، همه ایران جزو مجوس بودند، همه فارس زبان ها یعنی مجوس. تا آنوقتی که قدرت داشت اینطور بود، آن روزی که برگشت و تودهنی خورد از مسلمین ایران، از آن روز شروع کرد به اینکه ما همه مسلمانیم، چرا با هم دعوا بکنیم؟ آخر شما آن صفحه صحبت هایشان را پهلوی هم بگذارید، آن روز می گوید ما می خواهیم، مجوس است اینها مجوس هستند، چه، ما می خواهیم برویم چه بکنیم، بگیریم اینجاها را چه بکنیم این عربستان، عربستان است باید ما بیائیم چه بکنیم، برای عربستان اسم می گذارند و نمی دانم اهواز را با حای حطی می نویسند و اینها. آن روزی که هجوم می کنند آن حرف را می زنند امروزی که تودهنی خورده اند برای اینکه فرصت پیدا بکنند دوباره هجوم کنند، ادعا می کنند که آقا ما صلح طلبیم، هی صلح، صلح، صلح. و این مجامع عمومی نمی آیند بنشینند بگویند که آقاتوئی که می گوئی که صلح، چرا

آنطور کردی؟ چرا حمله کردی که حالا بگوئی صلح بکنم؟ اینهایی که ادعا می کنند که ما چه و چه هستیم، در یک محلی یک انفجاری واقع می شود همه مردم، مستضعفین دنیا با شما مخالفند. انفجار همه دنیا هست. در یک محلی یک انفجار واقع شود بعدش صدام ایلام را و اینها را بمباران می کند، آنوقت در آنجا می گویند خوب، تلافی در آورده، انتقام گرفته. همین طرفدارهای حقوق بشر از این حرف ها می زنند

این دنیا چه وضعی الان پیدا کرده است؟ این مسلمان ها که ادعا می کنند که ما تابع پیغمبر اکرم هستیم، ما تابع قرآن کریم هستیم، خوب، این قرآن، بیاید ببینید این قرآن چه می گوید و شما چه می کنید. آنها می بینند که برای خاطر امریکا تمام این گرفتاری ها را برای ما دارند پیش می آورند و می گویند ما مسلمان هستیم، خوب، این اسلام شد که شما بگویند که مسلم هستیم، لکن چون آمریکا چطور است شما باید چه بکنید؟ نفت شان را به امریکا می دهند، تمام چیزهایی که مال خود ملت شان است تقدیم می کنند. ملتشان به آن ضعیفی و به آن بیچارگی دارد زیر ستم خود آنها پایمال می شود و باز ادعا می کنند که ما مسلمان هستیم، مگر با ادعا انسان مسلمان می شود؟ می گویند ما مسلمان هستیم و می خواهیم که اتحاد باشد، ایران هفته وحدت درست می کند آنها می گویند ایران دارد تفرقه می اندازد. در بعضی رادیوهایشان بود که ایران دارد تفرقه می اندازد. ایران هفته وحدت درست کرده، می گویند تفرقه می اندازد. ایران می گوید که آقا! ای یک میلیارد مسلم! جمع بشوید با هم این قدرت های بزرگ را نگذارید اینطور چی بکنند تعدی بکنند به دنیا. اینها هر گوشه می گویند ایران چه، ایران چه، که نگذارند اصلا این حرف از حلقوم ایران بیرون بیاید. بالاخره نه آنهایی که ادعا می کنند ما تابع حضرت موسی هستیم ادعایشان صحیح است نه آنهایی که ادعا می کنند ما تابع حضرت عیسی هستیم ادعایشان صحیح است، نه اینهایی که ادعا می کنند ما تابع پیغمبر اسلام هستیم. ادعاست، همه اش ادعاست. اعمال را باید دید چی هست. آن که طرفدار حضرت موسی است بینیم چطوری حضرت موسی عملش آن بود؟ تاریخ ثبت شده است، قرآن هست، تاریخ هست، تورات هست، همه هست، ثبت شده است. اعمال شما هم حالا بیاید ببینید چی هست، اعمال هم مشاهده. آن هم که تابع حضرت عیسی است، تاریخ حضرت عیسی مضبوط است و خود آنها هم می دانند البته با یک انحرافات اعمالشان را که همه مردم دارند می بینند. آن هم که ادعا می کند من طرف، آن که الحاد است، در طرف الحاد واقع شده و هیچ چیز را درست نمی داد، آن هم که ادعا می کند که ما طرفدار ملت هستیم و توده ها هستیم و چه، آن هم هر جا دستش برسد می کوبد و می زند و می کشد و از بین می برد و افغانستان را اینطور کرده الان. اینها هم که مسلمانند، خوب، همین طور. تاریخ اسلام را می بینند، دست شان است، قرآن کریم دست شان هست، سیره پیغمبر دست شان هست، همه را دارند می بینند معذک عمل شان بر ضد است، نه اینکه مثل سایر متعارف مردم باشد. عمل سران دولت های اسلامی به ضد اسلام است و فرق دارد با عمل های اشخاصی که یک قدری فرض کنید که خلاف می کنند. آنها در راس واقع شدند و آنها اعمالشان بر خلاف حکومت اسلامی است، بر خلاف سیره پیغمبر اسلام است، بر خلاف

عمل های اهل بیت اسلام است، بر خلاف اینهاست الان. و ما دنیایمان یک همچو دنیایی است. مدعی ها خیلی زیاد ولیکن واقعیت همین است که همه می بینیم و می بینید و تا چه وقت بشود که یک همچو مطلبی منعکس بشود و منقلب بشود. البته انقلاب کلی اش با ظهور امام زمان سلام الله علیه است ولی خوب، ما تکلیف داریم، این درست است، اما ما تکلیف داریم

تکلیف این است که ما جدیت کنیم در اینکه هر چه می توانیم قوه هایمان را سر هم بگذاریم که جلو بگیریم از این مسائل. و ما نصیحت مان همیشه، ملت ایران و گویندگان ایران نصیحت شان همیشه بر دولت های اسلامی این بوده است که آقا! بیاید با هم مجتمع بشویم، بیاید با هم باشیم، ما نمی خواهیم بیاییم ممالک شما را بگیریم، ما مملکت گیر نیستیم، لکن مدافع از حق خودمان هستیم. خوب، ما به این حرف مان همیشه پایبند بوده ایم، از اول حرف ما یک کلمه بوده تا حالا، نه آنوقت می گفتیم که عرب مقابل عجم، مجوس اند اینها یا آنها چه هستند، نه آنوقت ما این حرف را زدیم، نه حالا، نه بعدها. حرف ما یکی است که مسلمان ها با هم مجتمع بشوند و این گرگ هائی که ریخته اند به جان مسلمین، اینها را از بین ببرند، کنارشان بزنند، دستشان را کوتاه کنند. می گویند نمی شود، خوب، ما دیدیم ایران کرد و شد. ایران با یک جمعیت کمی و با نداشتن هیچ نیروی صحیحی، خوب، ریختند در خیابان ها کار خودشان را کردند و طاغوت را از بین بردند و دست امریکا و شوروی و همه را هم کوتاه کردند. چرا نمی شود؟ وقتی ملت ها بخواهند چرا نمی شود؟ حرف مان این است که دولت ها بیایند قبل از اینکه خود ملت ها قیام بکنند خود دولت بیایند خاضع بشوند با هم، دوست بشوند با هم، یک جلسه ای درست کنند همه رئیس جمهورها بنشینند پیش هم و حل کنند مسائل شان را. هر کس سر جای خودش باشد، لکن در مصالح کلی اسلامی، در آن چیزی که همه هجوم آورده اند به اسلام، در او با هم اجتماع کنند، جلوی شان را بگیرند و آسان هم هست. یک چیزی نیست که نشود، اگر همه با هم مجتمع بشوید آنها اصلا کنار می روند، کار ندارند دیگر. آنها از ضعف شما از نفهمی شما، از جهالت شما استفاده می کنند. زمان محمدرضا از ضعف این بدبخت استفاده می کردند. یک کلمه می گفتند این خاضع بود. نمی خواستند بیایند بریزند چی بکنند اما همچو ترسانده بود نشان که اگر ما یک کلمه راجع به امریکا بگوئیم، کذا و کذا می شود، ایران گفت و نشد. من نمی گویم به ما خسارت وارد نشد، اما ارزش ندارد که انسان ارزش انسانی خودش را، ارزش اسلام را حفظ بکند ولو اینکه شهید هم می داد البته پیغمبر هم شهید داد، انبیا هم همین طور. سیره انبیا بر این معنا بوده است، سیره بزرگان بر این معنا بوده است که معارضه می کردند با طاغوت ولو اینکه زمین بخورند، ولو اینکه کشته بشوند و یا کشته بدهند. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی ذهنش بزند و نگذارد که اینقدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! اینطور نیست که حالا- که ما منتظر ظهور امام زمان سلام الله علیه هستیم پس دیگر بنشینیم در خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوئیم عجل علی فرجه. عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، انشاءالله ظهور

می کند ایشان . و من امیدوارم خدای تبارک و تعالی قلب های همه ما را متوجه به خودش بکند و از معارف قرآن به ما یک نسیمی عنایت بفرماید و مسلمین را به تکالیف خودشان آشنا کند و سران مسلمین را انشاءالله به تکلیف الهی خودشان آشنا کند و آنهایی که با اسلام و مسلمین مخالفند انشاءالله قلع و قمع کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 196

بیانات امام خمینی در دیدار با آقایان: حبیب الله عسکر اولادی، سعید امانی، محسن لبانی، رخ صفت، ابوالفضل حیدری و شفیق

امروز باید همه با هم باشیم، اگر چنین نباشیم ما را از بین خواهند برد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که باید همه به آن توجه داشته باشیم این است که امروز اکثر حکومت ها با ما بد می باشند، پس ما هم باید همه با هم خوب باشیم. اگر بنا باشد که بازارها همراه جمهوری اسلامی نباشند، جمهوری شکست می خورد. امروز ما احتیاج به اتحاد داریم امروز باید همه با هم باشیم، اگر چنین نباشیم ما را از بین خواهند برد. همه قدرت ها احساس کرده اند که اسلام برایشان ضرر دارد و بعضی از آنها صراحتاً می گویند که با این اسلامی که در دنیا ما مطرح کرده ایم مخالفند. آنها اسلامی مانند اسلام سعودی ها را می خواهند. منافقین هم می گویند که اسلامی که دست برد اسلام نیست، با اینکه در قرآن صراحتاً آمده است. البته گرانی هست، کمبود هست، و بیشترین صدمه اش به کارمندان دولت می خورد، ولی باید تحمل کرد. اگر امروز گله هایمان به بازار، مجلس و دولت کشیده شود و این گله ها به اختلاف تبدیل گردد، همه مان مسوول هستیم. اگر امروز اسلام سیلی بخورد دیگر سربلند نمی کند. به خاطر اسلام باید مقداری از ناراحتی هایمان را کنار بگذاریم.

نباید از دروغ و حرف زشتی که به ما نسبت می دهند از میدان به در برویم

من که قریب هشتاد و پنج ساله هستم، با ضعف بسیار آنقدر که برای من ناراحتی و خستگی هست برای شماها نیست، اگر بنا باشد کنار رویم من باید کنار روم. ولی همه وارد در میدانی شده ایم که اگر یک قدم عقب بنشینیم شکست می خوریم. البته اینطور نیست که کسی بتواند به شما و امثال شما توهین کند. اگر در روزنامه ای یا در مجلس به شما توهین شد نباید از میدان به در بروید. اصلاً برای خاطر از میدان در کردن عده ای متعهد، ناگواری هایی برایشان پیش می آورند، باید محکم در میدان بود. به اندازه ای که برای پیغمبر اکرم گرفتاری پیش آمد برای هیچ کس پیش نیامد، ولی ایشان تا آخر ایستادند و به تکلیف شان عمل کردند، همین طور برای ائمه علیهم السلام، ولی آنها هم ایستادند. بیخود نبود که حبس می شدند، برای این زندان می شدند که جلوی آنهایی که بر ضد اسلام قیام کرده بودند می ایستادند. ما هم که انشاء الله متعهد به اسلام می باشیم و رشد اسلام را می خواهیم، تصمیم داریم جهان

را برگردانیم و امیدواریم که ملت ها انجام دهند . نباید از دروغ و بدنامی و حرف زشتی که به ما نسبت می دهند از میدان به در برویم . البته معارضه کار را بدتر خواهد کرد ، همه وقتان صرف نوشتن و جواب دادن به روزنامه و مجلس می شود ، با لحن برادری و ملایمت ، کارها به خوبی تمام می شود . اگر کسی به ما بد کرد به بهترین وجه با او رفتار کنیم ، کار به دعوا کشیده نمی شود .

شما در انقلاب سهم زیادی دارید ، بازار هم همین طور . اگر بازارها همراهی نمی کردند انقلاب پیروز نمی شد ، پس پیه این مسائل را به خودتان بمالید . انسان که یک قدم اصلاحی و زندگی ساز بر می دارد نباید توقع داشته باشد که مورد پذیرش همه قرار گیرد ، این نخواهد شد ، امیرالمومنین را هم تا آخر عمر عده ای قبول نداشتند . اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند . کسی که می خواهد برای خدا کار کند باید پیه حبس ، تبعید ، بدنامی و سایر چیزها را به خود بمالد . اگر به شما فحشی می دهند ، شما برای خاطر خدا بپذیرید و ثواب کنید . این را نباید فراموش کنیم که ما همه یک چنین کار بزرگی را انجام داده ایم ، حالا از شرق و غرب فحاشی نشنویم یا در داخل با فساد کسانی مواجه نگردیم ؟! عده ای فاسد می خواهند بازار را بر ضد دولت و دولت را بر ضد بازار بشورانند . من همین حرف هایی را که به شما می زخم هر کسی که اینجا بیاید به او هم می گویم . انشاءالله همه با هم خوب بوده و موفق باشید .

اگر در انتخابات مسامحه کنیم مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می زند

امروز مساله مهم ، مساله انتخابات است ، به انتخابات توجه داشته باشید . در اول مشروطه اصناف بازار هم وکلای داشتند ، انتخابات تا اندازه ای دست مردم بود بعد کم کم آنهایی که فاسد بودند کار را طوری کردند تا متدینین را از مجلس کنار گذارند ، آنها هم مقاومت نکردند و کنار رفتند . بعد دیدید که مجلس را چه کردند ، هر کاری که خواستند انجام دادند . اگر در مجلس آینده یک قدم عقب نشینی کنیم ، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت . باید قهر نکنیم و کوشش کنیم تا بازار هم خودش برای انتخابات اشخاصی را معرفی کند . ما نباید مقلد کسی باشیم که هر چه را عده ای تشخیص دادند همان را عمل کنیم ، بلکه باید کاملا توجه کنیم که مثلا در تهران چه کسانی لیاقت دارند که هم مسائل روز را بفهمند و هم متدین باشند و هم برای اسلام کار کنند ، اشخاصی را انتخاب کنیم که از هر جهت صالح باشند . اگر کسان دیگری هم اشخاص صالحی داشتند به آنها رای دهید و الا نه . بازار اختیارش دست خودش است ، آنچه بینی و بین الله تشخیص می دهد آن را انتخاب کند . اگر در انتخابات مسامحه کنیم مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می زند . باید دانست مسلمان بودن تنها فایده ندارد ، باید جمهوری اسلامی را قبول داشته باشد و از مسائل روز اطلاع داشته باشد . سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید ، البته مثل مدرس که به این زودی ها پیدا نمی شود ، شاید آحادی مثل مدرس باشند . کسانی را که انتخاب می کنید باید مسائل را تشخیص دهند ، نه از افرادی باشند که اگر روس یا امریکا یا قدرت دیگری تشری زد بترسند ، باید بایستند و مقابله کنند . شما بازارها را بیدار کنید

تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی را به مجلس بیاورند تا مجلس آینده ما از مجلس فعلی بهتر باشد ، البته مجلس فعلی هم خوب است . انشاءالله موفق باشید . امیدوارم سربازی برای اسلام باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 199

بیانات امام خمینی در جمع استانداران، فرماندهان و بخشداران سراسر کشور

شما همه در محضر خدا هستید هر جا که باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه آقایانی که در اینجا تشریف دارند خوشامد عرض می‌کنم و توفیق همه آقایان را از خدای تبارک و تعالی برای خدمت به اسلام و مسلمین و خدمت به کشور خودشان خواهانم. شاید میان شماها کسی نباشد که زمان قاجار را درک کرده باشد، اگر هم باشد بسیار کم است. و همین طور اوایل سلطنت پهلوی، اواخرش را که بسیار تغییر کرده بود با آن اوایل ملاحظه کردید. بافت حکومت در آنوقت و بافت کسانی که در دستگاه دولتی کاری به دست شان بود چه استانداران و چه فرمانداران و چه بخشداران و چه دیگران یک بافت خاصی بود که مناسب بود با دستگاه شاهنشاهی. ممکن نبود که یک نفر بخشدار حتی در یک مجمعی که مردم عادی هستند، کشاورزان هستند، بازاری ها هستند آن هم حاضر بشود، با آنها در صف واحد بنشینند. یک بافت خاصی بود که هر یک از آنهايي که در آنوقت حتی فرماندار یک جای کوچکی بودند اگر مقایسه کنیم با رئیس جمهور امروز ما و نخست وزیر نمی‌توانید بدانید که آنها چه وضعی داشتند و اینها چه وضعی. در رفت و آمدهایشان، در نشست و برخاست هایشان، در معاشرتشان یک وضع عجیبی بود. وقتی که یک حکومتی ولو جای کوچکی وارد می‌شد فراش‌ها و آنهایی که اطراف او بودند را کنار می‌زدند که این آقا می‌خواهد عبور کند از اینجا، چه برسد به اینکه یک وزیر باشد که دیگر او بالاتر از همه، یا یک نخست وزیر باشد و آنها همه در پیش خودشان آنطور یال و کوپال داشتند لکن در مقابل کشورهای دیگر ضعیف و ناتوان بودند. با رعیت آن رفتار غیرانسانی را می‌کردند و رعیت را از هر طرف تحقیر می‌کردند، توهین می‌کردند، اذیت و آزار می‌کردند، از آنها استفاده‌های مادی می‌کردند ولی در مقابل یک سفیر همه شان خاضع بودند. امروز ما می‌بینیم که فرماندارهای سرتاسر کشور به طوری که آقا گفتند و بخشدارها و بعضی از کشاورزها و بعضی از مردم عادی در یک جا نشستند اگر نخست وزیر و وزیر کشور هم که اینجا تشریف دارند و رئیس جمهور و اینها هم بودند آنها هم در بین اینها همانطور نشسته بودند که اگر کسی از خارج بیاید تشخیص نمی‌دهد که کدام وزیرند و کدام فرماندارند و کدام بخشدارند و کدام از مردم عادی کشاورز است. این همان بود که در روایات ما هست که اگر کسی وارد می‌شد در مسجد رسول الله و ایشان با اصحاب نشسته بودند تمیز نمی‌داد، می‌گفت کدام یکی تان هستید.

سابق معلوم بود هر که می‌آمد در

مجلسی، در یک جایی وارد می شد معلوم بود که حکومت کی هست برای اینکه آن در آن بالا نشسته بود با یک یال و کوپال و یک طور وضع خاص، مردم می فهمیدند که این است که باید چه باشد اما رسول خدا در مدینه که مرکز حکومت ایشان بود وسعه حکومتش هم آنوقت زیاد بود عرب می آمد می دید که چند نفر نشستند دور هم با هم صحبت می کنند، او نمی توانست بفهمد که کدام یکی اینها در راس واقع است و حاکم است و کدام یکی از اینها پائین تر هستند. وضع زندگی این بود که تعلیم بدهد به ما که باید اینجور باشید که ما بفهمیم تکلیف مان چی است.

من امیدوارم که همین طوری که وضع ظاهری شما آقایان فرمانداران و بخشداران و دیگران و همین طور همه اجزای حکومت اسلامی امروز همانطور که وضع ظاهری شان یک وضع بی آلاچی است، وضع روحی و معنویان هم همانطور باشد، همانطوری که حضرت امیر سلام الله علیه می فرماید که وقتی به او اطلاع داده بودند که یک خلخال را از پای یک زن (حالا یا یهودی بوده یا نصاری) کشیدند، می فرماید که (به حسب نقل) که انسان اگر از غصه بمیرد عیب نیست. اینطور در مقابل ظلم ناراحت می شدند. شما همه در محضر خدا هستید، هر جا باشید، قلب های شما در محضر خداست، بازوهای شما، چشم های شما، همه چیز شما در محضر خداست و خدا حاضر است در همه جا. کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می کردند، پیغمبر شما رفتار می کرد و سایر انبیا رفتار می کردند. گمان نکنید که حالا فلان نخست وزیر است، فلان وزیر کشور است، فلان رئیس جمهور است، فلان استاندار است، فلان بخشدار است، فرماندار است گمان نکنید که اینها یک چیزی است. آن که همه چیز است به دست آوردن رضای خداست و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سرو کار دارید این مردم را باید رضایشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه ها زحمت می کشند اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند و اینها ولینعمت ما هستند و ما باید این معنا را در قلب مان احساس کنیم که با این ولی نعمت های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد. گمان نکنند آن کسی که فرماندار یک جایی است باید به رعیت آنجا، به مردم عادی آنجا، به بازاری آنجا یک وقت خدای نخواستہ یک بالاتری بفروشد آنطوری که ساخت فرمانداران زمان سابق بود. فرق ما بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است و شاهنشاهی می گفت نه، من اینطور نیستم که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آنطور می کردند. با بندگان خدا رفتار خوب بکنید و پیروزی از آنها به دست ما آمده است.

بدانید که حفظ یک پیروزی مشکل تر است از بدست آوردن آن است

و بدانید که حفظ یک پیروزی مشکلتر است از پیروزی به دست آوردن، کشور گشائی از حفظ

کشور آسانتر است. الان ما در مشکل حفظ نظام جمهوری اسلامی هستیم یعنی آن مرحله اول که پیروزی ابتدائی بود گذشت و پیروز شدید بحمدالله، لکن بقای این پیروزی و بقای این دستاوردهائی که شما به دست تان آمد امروز مشکل تر از خود آن پیروزی است که به دست تان آمد، نگهداریش مشکل است. باید همه کوشش کنید که این چیزی که به دست آوردید نگه دارید. این ارزان به دست شما نیامده است، بسیار سنگین به دست شما آمده است و کم چیزی هم نیست که به دست شما آمده است. از جهات معنوی من و امثال من نمی توانیم حسابش را بکنیم که آن جهات معنوی ای که به دست این ملت آمده است چی هست، آن حسابش با خدای تبارک و تعالی است. از حیث ظاهری وقتی که ملاحظه می کنید آن چیزی که امروز به دست کشور اسلام و ملت ایران آمده است آن چیزی است که در طول تاریخ برای ایران پیش نیامده بود. ایران قلدرهای زیاد داشت لکن آنها از ضعفائی بودند که در مقابل دولت های دیگر تعظیم می کردند خصوصا در این قرن های آخر، هرچه بر این زمان شاهنشاهی گذشت ضعف شاهنشاهی زیاد شد، تا آنجائی که یک سفیر از انگلستان در آنوقت، از امریکا در حالا وقتی که در یک جائی بود مقدرات یک کشور دست او بود، مقدرات کشور ما دست دیگران بود. آن چیزی که شما به دست آوردید این است که شما مقدراتتان را به دست خودتان آوردید. دست امریکا و شوروی و انگلستان و سایر کشورهای دیگر را قطع کردید، بیرونشان کردید. این یک چیز کمی نیست که دست شما آمده است، این یک چیز بزرگ است و حفظش بالاتر از خودش است. آنهایی که از شما شکست خوردند آرام نمی نشینند. آنها در صدد این هستند که جبران کنند شکست خودشان را و شکست خودشان را بخواهند جبران کنند به حسب آنطوری که وضع آنها و سیره آنهاست به دست خود شما می خواهند جبران کنند، می خواهند شکست شما به دست خودتان باشد و این امر بسیار مهم است و باید بسیار رویش دقت بشود. اگر چنانچه مردم را در کارخانه ها، در کشاورزی وادار کنند به اینکه با ایادی خودشان، وادار کنند به اینکه سستی کنند در امر کشاورزی که در راس امور یک کشور امثال کشور ماست و آنهایی که در کارخانه ها کار می کنند وادار کنند به کم کاری و کارهای دیگر، از آنجا نقطه شکست ما شروع می شود.

مجلس خوب همه چیز را خوب می کند و مجلس بد همه چیز را بد می کند

و چون امروز روزی است که باید راجع به تکلیف خودمان در انتخابات عرض کنم باید عرض کنم که یکی از اموری که مطمح نظر آنهایی است که می خواهند این انقلاب را به شکست برسانند قضیه مجلس است. مجلس یک چیز سهلی نیست کارش. مجلس یک چیزی است که در راس همه اموری که در کشور است واقع است. یعنی مجلس خوب همه چیز را خوب می کند و مجلس بد همه چیز را بد می کند. ولهدا آنهایی که قبلا در این کشور حکومت داشتند سعی شان این بود که مجلس را نگه دارند. آنوقتی که دیگر مجلس تحقق پیدا کرده بود و مشروطه شده بود و مجلس پیدا شده بود، سعی می کردند که مجلس را به دست بیاورند. آنوقت که نمی توانستند با فشار مردم را الزام کنند باید کیک را

چیز بکنید ، آنوقت با حيله ها می کردند ، با ایادی خودشان ، در بلاد و مردم بیچاره را یا اغفال می کردند یا خان وادار می کردند و وقتی که رضاخان آمد درکار ، دیگر قضیه ، قضیه این بود که دست شاهنشاه بود ، همه چیز دست او بود . البته این آخر هم همین جور بود . فرماندارها هر جا بودند مامور بودند که در آنجا این آدم را از صندوق بیرون بیاورند ، بتوانند مردم را وادار کنند به این کار . نتوانستند صندوق ها را عوض بکنند . نتوانستند صندوق ها را بد بخوانند و آن چیزهایی که دست همه چیز هم دست خودشان بود . مردم هم چون مایوس شده بودند کنار رفته بودند ، راه دیگر باز بود .

یکی از امور بسیار مهم که آنها کارهای خودشان را با آن انجام می دهند مایوس کردن قشرهای مختلف کشور است . مایوسشان بکنند از اینکه ما کاری ازمان می آید . کوشش داشتند در رژیم سابق به اینکه مردم را از همه چیز مایوس کنند ما نمی توانیم ، باید از غرب درست بشود ، ما همسایه کذا داریم . کوشش می کردند در این معنا کسانی که در مجلس پیدا می شد احیانا که مقابل بایستد ، آنها یا همان ایادی خود آنها در مجلس کوبیدند آنها را و یا اگر نمی شد آنها را از بین می بردند . مایوس می کردند مردم را از اینکه بتوانند خودشان یک کاری انجام بدهند ، طیب بتواند آپاندیس را معالجه کند . این دردآور بود که این هر وقت من فکرش را می کنم متاثر می شوم از اینکه در زمان محمدرضا برای آپاندیس از خارج طیب آوردند و این سرکوبی اطمأ محترم ما بود . کارشناس از خارج می آوردند ، ارتش حتما باید کارشناس اش از آمریکا بیاید یا اگر آنوقت بود از جای دیگر بیاید . برای ما کارشناس می آوردند ، برای کارخانه های ما کارشناس می آمد ، می آمد که نگذارد خود شما بفهمید . کارشناس ارتشی می آمد که نگذارد ارتش چیز بفهمند . این که می آمد به آنها تعلیم کند ، می آمد که جلوی تعلم را بگیرد .

مقدرات کشورتان را به دست کسانی بدهید که برای کشور شما مفیدند

امروز که کشور دست خود شما افتاده است و دیگر یک آقا بالا سر ندارید که بیاید بگوید این کار را بکن ، آن کار را بکن . از خارج ما هیچ کس را الحمدلله نداریم دیگر . هیچ قدرتی الان در ایران نمی تواند یک کاری را تحمیل کند به ما . امروز باید خود شما بنشینید کارتتان را انجام بدهید . انتخابات مثل سابق نباشد که از مرکز دستور داده می شد که این باید وکیل بشود دیگر کسی هم حق ندارد حرفی بزند . انتخابات دست مردم است ، رئیس جمهور و نخست وزیر با آن رعیتی که در کشاورزی کار می کند و آن بازاری ای که در بازار کار می کند ، راجع به انتخابات یک جور هستند ، علی السواء هستند . یعنی رئیس جمهور یک رای دارد ، نخست وزیر هم یک رای دارد و آن کشاورزی که در دوردست افتاده ترین این کشور است آن هم یک رای دارد . رایشان فرقی با هم ندارد و همه هم مسوول هستند . در تشخیص خوب و بد اتکال به قول غیر نکنید مگر اشخاص باشند که مورد اعتماد خودتان باشد صددرصد . این را به مردم دارم می گویم و به شما آقایانی که در آتیه متصدی اجرای انتخابات هستید توجه می دهم که اگر یک انحرافی در یکی از شما پیدا بشود و این بعد موجب این بشود که در این جمهوری یک لطمه ای وارد باشد به گردن شماست . به اسلام لطمه ای وارد بشود به گردن شماست

و اگر در اینجا هم کشف بشود معذور نیستید و مورد تعقیب وارد می شوید . باید شماها بدون توجه به اینکه دستور کسی داده ، دستور کسی حق ندارد راجع به انتخابات بدهد ، دستور در اجرا ، در خوبی اجرا بله ، وزیر کشور دستور می دهد که اجرا خوب بشود ، اجرا اسلامی باشد . اما یک بالائی بخواهد به شما دستور بدهد که کیک باید وکیل بشود ، کیک می خواهد وکیل بشود این امر نیست در اسلام ، در ایران هم نیست . اینکه من عرض می کنم برای این است که بعدها کسانی که در ایران بعدها و نسل های بعد می آیند بدانند که باید اینطور باشند والا امروز ما کسی را نداریم که دستور بدهد ، پیشنهاد می کند و مردم مختارند . فرض بکنید که اگر همه کسانی که در راس بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید لکن شما به نظرتان درست نباشد جایز نیست بر شما تبعیت کنید . باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه بتوانید رای بدهید . و مجرد اینکه این آدم خوبی است خیلی ، اول وقت نمازش را می خواند و نماز شب می خواند این برای مجلس کفایت نمی کند . مجلس اشخاص سیاسی لازم دارد ، اشخاص اقتصاددان لازم دارد ، اشخاص سیاستمدار لازم دارد ، اشخاص مطلع بر اوضاع جهان لازم دارد . باید تعهد به اسلام باشد و موافقت با جمهوری اسلامی باشد لکن این مسائل هم باشد . در یک مجلس باید همه چیز باشد در این کمیسیون های مجلس از امور ارتشی و کشاورزی و اقتصاد و همه چیز بحث می شود باید مطلع باشند اینها . آنهایی که در این کمیسیون ها هستند باید اشخاصی باشد در بین شان که عالم به اقتصاد باشد ، عالم به امور کشاورزی باشد ، عالم به امور اداری چیز باشد ، عالم به مسائل جهانی باشد . مجلس می خواهد ایران را در مقابل جهان اداره کند ، مجلس یک چیزی نیست که بخواهد ایران را در مقابل خودش درست بکند . ایران در مقابل جهان است امروز ، آن هم یک جهان امروزی و یک ایران امروزی . ایران امروزی که تک است در دنیا و جهان امروزی که همه مهاجم اند همه مهاجم به شما هستند . شما می خواهید که یک مجلسی داشته باشید که در مقابل این مهاجماتی که از خارج می شود پایدار باشد ، یک دولتی را او تعیین کند که در مقابل تهاجماتی که در دنیا واقع می شود ، فشارهایی که واقع می شود در دنیا این بتواند دفاع کند و این از مجلس سرچشمه می گیرد ، از مجلس دولت درست می شود و شما یک همچو مجلسی لازم دارید . شما برای حفظ کشور خودتان ، برای حفظ اسلام عزیز که اینهمه خون در راهش ریختید باید پایداری کنید و توجه بکنید که حفظ کنید این را و حفظش نسبت به شماها که مامورین هستید به این است که اجرائش را خوب و موافق شرع و موافق اسلام و موافق مصالح کشور اجرا کنید . و مردم هم همه آزادند . عرض کردم از رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیرکشور و همه اینها گرفته تا آن کسی که در آخر این کشور مشغول کشاورزی است فرقی ندارند در اینکه مکلف اند آدمی را که باید به درد مملکت بخورد انتخاب کنند و خودشان تشخیص بدهند . بازار باید خودش تشخیص بدهد ، کارخانه ها باید خودشان تشخیص بدهند ، هیچ کس تحت تاثیر دیگری نیست . بله اگر چنانچه اشخاص مطمئنی باشند که آنها تشخیص بدهند ، شهادت بدهند که فلان آدم جهات مختلفش همه خوب است ، آنوقت مانعی ندارد که کسی به واسطه تشخیص آنها و اطمینان به اینکه این صحیح است رای هم به

آنها بدهد . اما اینطور نیست که کورکورانه انسان دنبال این باشد که ببیند کیک چه گفته ، این صحیح نیست ، این در اسلام نیست و در جمهوری اسلامی هم نباید باشد . شما فرمانداران و بخشداران و همین طور اشخاص محترمی که این انجمن های اسلامی را در سرتاسر کشور دارند ، همه تان موظفید به اینکه در این امر دقت کنید که خوب انجام بگیرد ، نبادا یک وقت خدای نخواستہ یک تقلبی در کار بیاید ، نبادا خدای نخواستہ یک اشخاص نابابی خودشان را عوضی بجا بزنند که از این معانی بسیار خواهد بود . اینها تکلیف شماست که بکنید . مردم هم خودشان مکلفند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات ، نروند کنار ، تکلیف است ، حفظ اسلام است ، رفتن کنار خلاف تکلیف است ، خلاف مصالح اسلام است . آن مقدسی که خیال می کند کنار نشسته و دخالت در امور اسلامی نمی کند ، او بر خلاف اسلام دارد رفتار می کند ، اگر خدای نخواستہ یک همچو آدمی باشد . آن آدمی که به واسطه اینکه مثلاً یک چیز اعوجاجی از یک نفر می بیند یا از یک گروهی می بیند کنار برود ، این برخلاف مصالح اسلام عمل می کند . این معانی در صدر اسلام هم بوده است ، در زمان ائمه ما هم بوده است . خوب ، همه اینها بوده لکن آنها کنار نمی گرفتند ، آنها مشغول فعالیت خودشان بودند . به مردم عرض می کنم شرکت کنید در این انتخابات و تمیز بدهید اشخاصی را که لایق اند برای این مقام ، مقدرات کشورتان را به دست کسانی بدهید که برای کشور شما مفیدند از حیث سیاست ، از حیث اقتصاد ، از حیث همه چیز . اگر مسامحه بکنید و امروز هم کسی نفهمد ، خدا هست ، خدا می داند و می بیند . شما در محضر خدا هستید هر جا هستید ، همه خلق الله در محضر خدا هستند هر جا هستند . بر فرض اینکه من یک کار خلاف کردم اسلام که خلاف نکرده است ، شما برای اسلام کار بکنید ، چکار دارید که فلان آدم بد کرده . خوب ، بد کرد بد بکند شما خوب بکنید برای اسلام تا آن بد هم به تبع شما انشاءالله خوب بشود . کنار نروید ، آقایان علما کنار نروند . و البته باید از هر طایفه ای باشد اطلاعاتش داشته باشد و اشخاصی باشند که همه جهاتشان چیز باشد . و در هر صورت من دعا می کنم که انشاءالله موفق باشید و موید باشید و این مطلبی که جزء فرایض باید حسابش کرد به طور شایسته شما عمل بکنید و به طور شایسته اجرا بکنید و مردم هم به طور شایسته حضور داشته باشند . مردم اگر حضور نداشته باشند و خدای نخواستہ لطمه ای به اسلام وارد بشود ، مسوول هستند . انشاءالله خداوند همه شما را موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

تاریخ: 62/10/20

بیانات امام خمینی در دیدار با رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات شرع (حجت الاسلام سید جعفر کریمی)

بسم الله الرحمن الرحيم

امام امت در این دیدار ضمن تاکید بر لزوم ادامه کار این دادگاه فرمودند:

قضات محترم دادگاه های کشور باید با جدیت به کار خودشان ادامه دهند و دقت نمایند برخوردها و احکام صادره بر وفق ضوابط شرعی و مقررات قانونی باشد. و در حفظ حقوق شرعی و قانونی مراجعین کمال احتیاط مراعات شود.

ص: 206

بیانات امام خمینی در جمع وزیر و معاونین وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در کشورهای عربی و آفریقایی

امروز بحمدالله نخست وزیر و رئیس جمهور و سایر وزرا از خود این مردم هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

من وقتی که متصدیان امور ایران را، همه، چه آنهایی که در خارج هستند، چه اینهایی که در داخل هستند، می بینم و مقایسه می کنم با متصدیان امور در سابق، زمان قاجار، من آنوقت هم یادم هست و زمان رضاشاه و زمان شاه و اینها، احساس می کنم که واقعا یک تحول عظیمی پیدا شده است در ایران یعنی کار از دست قلدرها به دست ملت افتاده است، آنهایی که از خود ملت اند. در سابق در هیچ امری از امور ملت دخالت یا نمی گذاشتند بکنند یا از باب اینکه می دید از بس فساد هست در کار، نمی کردند. فرض کنید که در انتخابات که حق ملت است، انتخابات یا مردم اصلا متوجه نبودند که مساله انتخابات چی هست، اصلا توجه به این معانی خیلی نداشتند از باب اینکه مردم را به بازی نمی گرفتند، در زمان قاجار یک عده از خان هایی که در اطراف بودند از مالکین و از متنفذین، آنها بودند که قبضه می کردند. در زمان رضاشاه که دیگر شاه و هرچه بود اینها بودند، مجالی برای مردم اصلش نبود. این در انتخاباتی که حق مردم بود، در سایر امور که دیگر مردم آنقدرها خودشان حق قائل نبودند با اینکه آن هم حق آنها بود اصلا دخالت نداشتند. مثلا یک حکومتی می رفت در یک جایی هر کاری دلش خواست می کرد، هر فسادی می کرد صدای مردم به جایی نمی رسید و در بعضی از اوقات اینطور بود که آن مثلا- صدراعظمی که آنجا بود یا آن نخست وزیری که آنوقت بود، آن زمان هم خصوصا زمان قاجار که بیشتر این مسائل بود اصلا هر جایی را در تیول یک کسی قرار می دادند یک کسی را در خراسان می فرستند، خراسان مال تو، البته او یک چیزی می داد خراسان مال او بود یعنی معنایش این بود که تو این رشوه را به من بده، خراسان هر کاری می خواهی بکنی، هر چه مردم فریاد کنند کسی نیست که گوش کند به حرفش.

و من امروز می بینم که بحمدالله مساله اصلش از آن وضعی که آنوقت داشته است بکلی دگرگون شده است. الان نخست وزیر و رئیس جمهور و عرض می کنم که سایر روسا، سایر وزرا اینها از خود این مردم هستند، اینجور نیست که اینها از یک طبقه مثلا دیگری باشند و طبقات مختلفی باشد و آن گردن کلفت های آنوقت باشند. نه، از خود همین ها هستند که یک طلبه بوده است حالا آمده رئیس

جمهور شده است، یکی بازاری بوده آمده است چه شده، کاسب بوده یکی، همین است. شما هم همین طور هستید، این اصلا از وضع تان معلوم است. آنوقت معلوم بود که چه خبر است، حالا- هم از وضع معلوم است، بعضی از آقایان طلبه هستند و اهل علم هستند و سفیرند، بعضی آقایان هم اهل همین ملت هستند حالا یا بازاری بودند یا محصل بودند یا دانشگاهی بودند، همین مسائل است. و ما باید این را غنیمت بشماریم که حالا که کار دست خود ملت افتاده و خود ملت است که دارد زمام امور را به دست گرفته است ما غنیمت بشماریم و کار کنیم برای اسلام، برای ملت مان کار کنیم. کار برای شما این است که شما نمی دانم حالا- آنوقت، وضع سفارتخانه های آنوقت را اصلا نه، لابد ندیدید، نرفتید آنجا، سفارتخانه کسی نمی رفت، اما خوب وضع را اطلاع دارند. مثلا ایشان اطلاع دارند که وضع آنوقت چی بوده باید وضع بکلی تغییر کند، تغییر هم کرده است، اما تغییر اساسی باشد که یک سنتی بشود به واسطه شما برای آینده ها، کسی که یک سنت خوبی را بگذارد، در اجرش تا آخر شریک است به حسب روایات ما. یک وضعی در آنجا درست کنید که کسانی که می آیند و سفارتخانه را می بینند متوجه بشوند که این سفارتخانه با سایر سفارتخانه ها فرق دارد حتی با سفارتخانه های دول اسلامی فرق دارد. این سفارتخانه با سفارت سابق اصلا طرف نسبت نیست، یک جور دیگری است. اگر شما موفق بشوید به این معنا که وضع را جوری کنید که به ارث برده بشود برای آتیه، ما مسوول حالا که نیستیم، ما مسوول همیشه هستیم. ما الان که مجال دست مان آمده است مسوولیت مان برای دوره های بعد است، نه اینکه فقط ما حالا هر چه شد بعد، بعدها هر چه شد بشود، ما تا زنده ایم بشود، هر چه می خواهد بعد بشود. اینجور نیست. ما مسوولیم که این سفارت، شماها آقایان این سفارتخانه ها را به جوری درست بکنید که وقتی دست یک سفارت دیگری افتاد نتواند اصلا تغییرش بدهد به این زودی ها و همه جهاتش، هر جهتی که در آنوقت بوده عکسش را بکنید، آنوقت من می دانم جهت صحیح نبوده در کار، جهت سالم نبوده یا بست و بندهایی بوده است که سیاسی ها می کنند غالبا برای استفاده های شخصی یا استفاده های دیگری، غیر مشروع حالا باید وقتی که می آیند می بینند ببینند که در یک محیطی وارد شده اند که این محیط اسلام است، این محیط ملت اسلام است و نمی توانند در اینجا یک کاری بکنند بر خلاف اینکه در سابق یک سفارت سفیری وارد می شد ایران و این اشخاصی که برای ملت مثل گرگ به جان ملت افتاده بودند در مقابل آنها مثل روباه بودند، این برای این بود که به مردم اتکا نداشتند. اینها اتکانشان به یک نقطه بود که مثلا یا شاه بود که شاه هم دست نشانده آنها بود یا نخست وزیر بود که همین طور بود یا صدراعظم بود که اینطور بود. اینها اتکانشان به آنها بود. از این جهت وقتی یک سفیری وارد می شد به ایران سفیر انگلیس آنوقت ها و حتی خوب، این را در چیز نقل می کنند که وقتی پاشد صدراعظم را زد به دیوار و مشت تو کله اش زد که تو این کار را چرا نمی کنی این یک سفیر این کار را کرد. خوب، حالا می دانید که سفیرش که نمی تواند، رئیس جمهوری یک کشور دیگری هم که بیاید، از انگلستان هم بیاید نمی تواند، سلطان انگلستان هم بیاید نمی تواند اینجا یعنی نمی تواند با یک نفر اشخاص عادی اینجا اینطور رفتار

بکند. این برای این است که اتکاً شما به یک شخص نیست، شما ملت اید، خودتان ملت اید، اتکاً به ملت است. وقتی اتکاً به ملت شد دیگر انسان نمی ترسد از اینکه حالا این اگر من این کار را بکنم این فرض کنید سفیر به وزارتخانه می گوید که من را تادیب کنند. این خودش هم که نمی تواند. این حالا اینطوری شده است.

در خارج که هستید وضع تان را جوری قرار بدهید تحت تاثیر آنها واقع نشوید

شما این را باید غنیمت بدارید و ما هم غنیمت، برای اینکه حفظ کنیم این سنت الهی را که به دست ما دادند ما برای آتیه درست بکنیم. حالایش را من خاطر جمعم که خوب است انشاءالله البته همچو نیست که صددرصد، اما شماها در صدد برآید که صددرصد خوب باشد، لکن مهم آتیه است. مهم این است که حکومت در ایران جوری باشد که وقتی منتقل شد به چیز، نتوانند به این زودی تغییرش بدهند. ملت آنطور حاضر است، حکومت باید خودش طوری درست بکند که وقتی منتقل شد به نسل آتیه نتواند بر خلاف رفتار بکند. رئیس جمهور جوری رفتار کند که وقتی یک کس دیگر رئیس جمهورشان شد نتواند که خلاف بکند، و همین طور سایرین. مجلس یک کاری بکند که وقتی مجلس دیگری تحقق پیدا کرد نتواند رویه اش را تغییر بدهد. این یک تکلیفی است الان برای ما. شماها الان مکلف هستید به اینکه در هر جا هستید تمام جهات اخلاقی و اعتقادی و عرض بکنم سیاسی و همه جهات اجتماعی را و همه این چیزهایی که محول به شما هست اینها را جوری درست بکنید که وقتی منتقل شد به یک نفر دیگری ولو بد باشد خودش را مجبور باشد که خوب نمایش بدهد. همانطوری که سابق اگر یک کسی خوب هم بود نمی توانست خوبی اش را نشان بدهد برای اینکه محیط یک محیط، جورا جوری درست کرده بودند که یک نفر آدم هم که می خواست متدین باشد نمی توانست عرضه کند تدینش را. شما محیط را باید جوری بکنید که اگر خدای نخواستہ یک کس بدی هم سفیر شد، کاردار شد، نمی دانم چه شد، نتواند به این زودی ها اظهار کند که من آنجور نیستم. وضعش را وضعی قرار بدهد که مثل شماها باشد و این مساله ای است که ما باید دنبال این باشیم که آتیه را در نظر بگیریم، نه حالا را. ما آتیه داریم، اسلام آتیه دارد، مملکت شما آتیه دارد و همه گرگ ها هم در اطراف هستند که یک چیزی بشود بلکه دوباره از سر بگیرند و این الان به عهده همه ماست که نگذاریم این پیش بیاید، که یک قضیه ای پیش بیاید که به هم بخورد اوضاع. نه، همه چیز سر جای خودش باشد، هر که هم بمیرد، هر که هم از بین برود، هر چی هم سر جای خودش باشد. این را باید حفظش بکنید و این مطلبی است که به نظر من مهم است برای هم برای وزارتخانه ها، هم برای سفر، هم برای همه و شما هم که در خارج هستید البته یک قدری تکلیف مشکل تر از اینجا است. خوب، شما هر کدام هستید، در خارج که هستید، در بلاد اسلامی که هستید خوب، وضع آنها یک وضعی است که با ما خیلی چیز نیست، امیدواریم که درست بشود آنها هم. باید آنها شما وضع تان را جوری قرار بدهید که تحت تاثیر آنها واقع نشوید، هر که می آید آنها تحت تاثیر شما واقع بشوند، نه شما

تحت تاثیر آنها یعنی کسی که وارد اینجا می شود وقتی یک چیزی توی ذهنش بیاید که تاثیر کند در قلبش اینکه وضع خوب است اینطوری باشد، نه آنطوری باشد. خوب است که نویسنده های اینجا اینجوری باشند، محررین اینجا اینجوری باشند عرض می کنم مستخدمین اینطوری باشند و روسا اینطوری باشند، اینطور به نظرشان بیاید که این وضع بهتر از آن وضع است که آنها دارند. اگر اینطور شد کم کم انشاءالله نفوذ هم می کنید به آنها و انقلاب تان هم صادر می شود. ما هم می خواهیم صادر به همین معنا بشود. ما می خواهیم سفر ایمان در آنجا جوری عمل بکنند که سفرای آنجا، دولت آنجاست تحت تاثیر واقع بشود و دولت مان کاری بکنند که دولت های دیگر تحت تاثیر واقع بشوند و ملت مان کاری بکنند که ملت های دیگر تحت تاثیر واقع بشوند. و من امیدوارم که چون برای خدا شما، امیدوارم که برای خدا کار بکنید، این کار به دست شماها واقع بشود و به دست شما یک سنتی قرار داده بشود که شما شریک باشید در حسنات اشخاصی که بعدها می آیند و این مساله مهمی است که ما خودمان زیر خاک باشیم و کسان دیگر کار بکنند، حسناتش را پای ما بنویسند. این اگر شما یک سنت صحیحی بجا بگذارید وضع اینطوری خواهد شد. انشاءالله امیدوارم که همه موفق و موید و منصور باشید و به کارهای خودتان ادامه بدهید.

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 210

بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل سابق انقلاب اسلامی و دادستان کل کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای موسوی تبریزی خدمات بسیار زیادی به انقلاب و جمهوری اسلامی نمودند ، چه خدمات ایشان در آذربایجان و چه در تهران در مقابله با منافقین و سایر ضد انقلابیون که مورد تشکر و قدردانی است . حال که بر طبق قانون اساسی باید یک دادستان داشته باشیم ، امیدواریم ایشان در نقطه دیگری به این جمهوری خدمت کنند .

ص: 211

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شوراهاى محلی اسلامی توزیع کالا در سراسر تهران و گروهی از کارکنان مرکز تحقیقات مخابرات

هرکس در مقامی که هست و هر مسوولیتی که دارد، همان مقام و مسوولیت امتحان اوست

بسم الله الرحمن الرحيم

باید تشکر کنم از آقایانی که امروز تشریف دارند و دعا کنم به توفیق آنها برای خدمت به بندگان خدا. و من امیدوارم که خداوند به همه شماها و سایر برادران شما توفیق خدمت به این کشوری که در طول تاریخ محروم بوده است، خداوند توفیق به شما بدهد که هر کس در هر محلی هست خدمت بکند. باید عرض کنم که ما و شما و همه اهل دنیا همه برادران ایرانی ما در معرض امتحان هستیم. یعنی مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. ما امروز درباره خودمان و مسوولین کشور خودمان و ملت محترم خودمان عرض می کنیم، هر کس در هر مقامی که هست و هر مسوولیتی که دارد همان مقام و همان مسوولیت امتحان اوست. امتحان مثلاً رئیس محترم جمهور، همان ریاست جمهوری اش است که آیا در این مقامی که هست چه می کند، افکار او چیست، اخلاق او در این زمینه چیست و اعمال او چیست و حتی خطرات قلب چیست، چیزهایی که در قلبش عبور می کند و می گذرد اینها چیست و همین طور تمام مسوولین، مجلسی ها، آنهایی که در مجلس هستند، آنها هم همان کرسی مجلس محل امتحان آنهاست که اینها در این کرسی که نشسته افکارشان چی هست و احوالشان چی هست و آرائشان چی هست و آیا این کرسی، کرسی اسلامی است و برای اسلام است یا اینکه اینطور نیست. در همان جا محل آزمایش است. و همین طور دولت محل آزمایش اش در همان وزارتخانه ای است که هست، در همان جایی که نخست وزیر هست و اهل ادارات در همان ادارات خودشان مرکز امتحان آنهاست و ارتشی ها در مقام قدرت ارتشی شان امتحان می شوند، محل امتحانشان همان محلی است که به فعالیت ارتشی مشغولند و سپاه پاسدارانمان در همان محلی که هستند، قدرت در دست شان آزمایش است، تفنگ در دست آزمایش است. و همه کسانی که دارای یک ایزاری هستند برای خدمت، همان ایزار آزمایش آنهاست. و همین ها هستند که در آن عالم منعکس می کنند اعمال ما را. همان تفنگ منعکس می کند اعمال تفنگدار را و همان مجلس منعکس می کند در آن عالم اعمال مجلسی را و همان کارهایی که شما عزیزان انجام می دهید و موجب تشکر است و امیدوارم

که مورد نظر خدای تبارک و تعالی و تأیید او باشد، در همین جا که هستید در تحت آزمایش هستید و اعمالتان منعکس می شود. باید توجه کنید که این چیزهایی که منعکس می شود یک وقت خدای نخواستہ چیزی نباشد که آن روز که منعکس شد در آنجا و شما او را دیدید موجب سرافکندگی باشد. الان ایران از همه جا به نظر می رسد که اهالی ایران از همه جا بیشتر مورد آزمایش اند. اهالی ایران از یک رژیم می که همه جا می دانید چکاره بود، با قدرت ملت و دست های گره کرده مشت گره کرده، در حالی که ابزاری در دست نداشت آنوقت، با فریاد، آن رژیم را از بین برد و با همان فریادها دست امریکا را و سایر قدرت ها را از کشور خودش قطع کرد که امروز کشور شما دست خودتان است. نه یک کسی بالای سر شماست که بخواهد به شما حکومت کند، نه مستشاری از کشورهای دیگر دارید و نه کارشناسان. همه چیز دست خود شماست و مسوول خود شماست. در رژیم سابق ملت می گفت خوب، من چه کنم، به دست من چیزی نیست، اگر سوال می شد. امروز که همه چیز در دست خود شماست دیگر این عذر پذیرفته نیست که من چه کنم. هر کس در هر محلی که هست آن کسی که در یک اداره ایستاده است و برای رفت و آمد مردم راه می دهد یا کارهای دیگر انجام می دهد، با آن کسی که در اداره روی صندلی نشسته است و مردم به او مراجعه می کنند و آن کسی که در جبهه دارد جنگ می کند و آن کسی که در پشت جبهه هست و خدمت می کند و آن بازاری که در بازار مشغول کسب و تجارت هست و آن کارمند که در ادارات مشغول فعالیت هستند و آن دهقان ها که در محل کشاورزی مشغول خدمت هستند و آنهایی که در کارخانه ها مشغول فعالیت هستند و تمام قشرهایی که در این کشور تصور بکنید، تمام اینها، از مقدرات این مملکت سوال می کنند از شما. کسی گمان نکند که خوب من بازاری هستم، نمی توانم. من یک اداری جزء هستم، من یک کارمند ضعیف هستم. فرق ما بین هیچ یک از شماها نیست در این معنا. هر کس آن محلی که هست همان محل، محل آزمایش اش است. آن کارمند جزئی که یک کار جزئی انجام می دهد آن کار جزئی آزمایش اوست. آیا این کاری که دست اوست انجام چطور می دهد، با کسانی که به او در همین جزئی مراجعت می کنند چه رفتار می کند، آیا قصدش از این شیطان است یا قصدش خداست؟ این مساله استثنا ندارد. انبیا هم مورد آزمایش اند. یعنی هر کس در این دنیا پا گذاشت و مکلف بود به تکلیفی، این آزمایش می شود و گمان نکند که من این کار را که می کنم کسی نمی بیند. این کاری که می کنید خود این کار منعکس می شود. خدای تبارک و تعالی در محضرش واقع می شود. ملائکه الله موکل هستند بر این فرد. باید ما فکر کنیم چه باید بکنیم که از زیر بار مسوولیت خارج بشویم. مائی که امروز مقدرات مملکت مان به دست خودمان افتاده است همه مان مسوولیم، کسی نیست که مسوول نباشد، همه هستیم. ببینیم که باید چه کار بکنیم که این مسوولیتی که به عهده ماست به طوری انجام بدهیم که فردا پیش خدای تبارک و تعالی و پیش انبیای خدا خجلت زده نباشیم و آبرومند باشیم. آن این است که هر کس در هر کاری مشغول است او را خوب انجام بدهد. فرض کنید همه خدای نخواستہ همه افراد کشور خلاف می کنند، شما یک نفر کار خوب بکن. هر کسی فکر خودش باشد. هر کس خودش مسوول کارهای خودش است، هیچ کس

مسوول کار دیگری نیست. او کار را می گوید و مواظبت هم می کند اما هیچ کس نمی تواند که عمق کارهای شما را بفهمد چه جوری است، لکن در محضر خداست. آنهایی که در هر جا خدمت می کنند توجه کنند که خدای تبارک و تعالی و ملائکه ای که از طرف خدا موکل هستند مواظب هستند. همین موج هایی که در دنیا از حرف شما، از عمل شما منعکس می شود، همین فردا پیش شما شهادت می دهند. باید توجه بکنید به اینکه مسوولیت بزرگ است. مثلاً در کسانی که در جبهه هستند و جبهه خدمت می کنند اینها گروه های مختلف هستند، ارتشی هست، ژاندارمری هست، پاسدار هست، بسیجی هست، عشایری هست، شهربانی هست از همه قشرها در آنجا خدمت می کنند، مردم عادی هم می روند خدمت می کنند، اینها مواظب باشند که همین جا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می کنند و می خواهند کشور خودشان را نجات بدهند و دفاع کنند از کشور خودشان، آیا اینها باهم هماهنگ هستند یا هر که می خواهد برای خودش کار بکند؟ آیا برای خدا کار می کنند یا برای خودشان؟ اگر ملاحظه کردند که میل دارند که این گروه خودشان قدرت داشته باشد قدرت در دست بگیرد نه گروه دیگر، بدانند که عمل شیطانی است، شهادت شان هم اجر ندارد. و اگر دیدند که برای خدا دارند کار می کنند، برای خدا کار کردن اینجا معلوم می شود که آن کسی که سپاهی است نکشد طرف سپاه همه چیز را و آن کسی که ارتشی است نکشد طرف ارتش همه چیز را هکذا دیگران. همه با هم برای خدا و برای نجات ملت و برای نجات کشور به پیش بروند. فرق نکند که این طایفه باشد یا آن طایفه باشد، مقصد عمده است. انبیا اینطور بودند. اولیای خدا اینطور بودند. کار برای خداست به دست شما انجام بگیرد، گرفته است، به دست من انجام بگیرد، گرفته است، در دست دیگری، گرفته است.

اگر ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح اینطور افکارشان باشد پیروزند یعنی هم در جبهه ها پیروزند و هم پیش خدای تبارک و تعالی افتخارمندند و شما از آنجا که بیاید پایین هر جا بروید همین است مساله. آن کسی که می خواهد در انتخابات شرکت کند و کاندید می شود، آن کسی که کاندید می کند کسی را، آن کسی را که فعالیت انتخاباتی می کند، آن کسی که تبلیغ می کند برای خودش یا برای غیر، این آزمایش اش همانجاست. تویی که خودت را کاندید انتخابات کردی، قدرت این را داری که برای کشور درست خدمت بکنی و قدرت خودت را بالاتر از دیگران می دانی؟ تویی که دیگری را کاندید می کنی، دیگران که غیر از این هستند لایق نمی دانی؟ این را لایق تر و احسن می دانی؟ تویی که فعالیت می کنی و تبلیغ می کنی برای انتخابات، تبلیغ خودت را می کنی یا تبلیغ برای اسلام می کنی؟ اگر برای رسیدن به مجلس است، می خواهی دلت می خواهد مجلس بروی و می گویی مجلس یک مقامی است، شما تبلیغ برای خودت کنی که همان تبلیغ برای شیطان است. و اگر تبلیغ می کنی که بروی خدمت بکنی، من چون می توانم خدمت بکنم چرا کنار باشم، بروم خدمت بکنم، این شخص چون لایق است چرا کنار باشد، بیاید خدمت بکند، اگر اینطور باشد این برای خداست. و این گاهی وقت ها به خود آدم اشتباه می شود، بسیاری از اوقات هست که انسان خودش در کارهای خودش اشتباه می کند.

یعنی انسان چون حب نفس دارد خودش را می خواهد و همه چیز را هم برای خودش می خواهد مگر اینکه به ریاضات اینطور نباشد. این چون حب نفس دارد بسیاری از امور که از خودش صادر می شود یا از کسانی که از خودش هستند، اولاد خودش، برادر خودش، عیال خودش، اینها به نظرش خوب می آید و گاهی همین اگر صادر بشود از یک کس دیگری به نظرش بد می آید. این برای همین است که حب نفس اینجا پرده پوشیده است روی واقعیت و نمی تواند انسان تشخیص بدهد. باید انسان توجه کند به اینکه آیا من که می خواهم یک کسی را انتخاب کنم، اگر این کس یک نفر دیگری از او بهتر بود لکن ارتباطی با من نداشت بلکه با من هم دلخوری داشت آیا او را کاندید می کردم؟ اگر او را هم کاندید می کرد معلوم می شود که این برای خدا دارد کار می کند، کار به خودش ندارد و اگر اینطور نشد بداند که مساله، مساله شیطان است نه مساله خدائی و این دقیق است و این از آن اموری است که بر انسان پوشیده می ماند. و دوستان و برادران که همه مسوول هستند باید در کارهای خودشان دقت کنند که برای چی من این کار را می کنم؟ من که متکفل توزیع شدم یا در شوراها رفتم برای چی رفتم آنجا؟ می خواهم چه بکنم؟ منی که متکفل مخابرات هستم برای چی آنجا رفتم؟ چه نظری دارم؟ منی که در مجلس می روم برای چی می روم و چه نظر دارم؟ منی که در ارتش خدمت می کنم برای چی می کنم؟

اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقل باشد از خودتان باید شروع کنید!

اگر بخواهید کشور شما یک کشور مستقلی باشد که دیگران نتوانند در آن دخالت بکنند از خودتان باید شروع کنید. تمام خوف و ترس هائی که انسان دارد از دشمن برای این است که خودش را می بیند. اگر چنانچه دید که خدا هست در کار، برای خدا دارد کار می کند نمی ترسد، برای اینکه مقدرات دست اوست. گمان نکنید که شما خودتان می توانید یک کاری انجام بدهید، شما آن هستید که اگر یک مگس بیاید آزارتان بدهد شب نمی توانید بخوابید و روز نمی توانید آرام بگیرید، اگر یک پشه در شب بیاید نمی گذارد شما آرام بگیرید. شما آن کس هستید که اگر یک عنکبوت بیاد حمله به شما بکند می ترسید، شما آن کس هستید که اگر یک گنجشک از شما یک چیزی بردارد برود قدرت ندارید از او پس بگیرید. همه عجز است، همه فقر است هر چی هست از اوست، از خداست.

این استقلالی که خدا داده به ما اگر عنایت او نبود کی توانستیم ما این کار را بکنیم؟ چطور ما می توانستیم در مقابل این آشوب دنیا و این قدرت های شیطانی دنیا یک همچو رژیمی را که همه دنبال این بودند که حفظش بکنند اگر عنایت خدا نبود شما با کدام قدرت می توانستید این کار را بکنید؟ اگر عنایات خدا و توفیق خدا نبود شما هم چطور می توانستید دست امریکایی که دنیا را دارد می بلعد از کشورتان بیرونش کنید؟ و امریکا از قراری که شنیدم رئیس جمهور امریکا گفته است که ایران ما را تحقیر کرد. این اول کار است، ایران تا آخر شما را تحقیر خواهد کرد. اگر عنایات خدا نبود شما چطور می توانستید یک قدرتی را که امروز آنطور وضعیت را دارد و آنطور جهازات را دارد و در همه دنیا ریشه کرده است چطور می توانستید او را دستش را کوتاه کنید؟ این قدرت خداست، این عنایات

خداست، غافل از این نباشید .

اگر عنایات خدا نبود چطور شما یک نمونه در دنیا بودید که فقط شما الان در دنیا هستید که می گوئید نه شرقی، نه غربی و واقعا هم اینطوری است. ادعا ممکن است کسی بکند اما همه می دانند نیست اینطور. اگر عنایت خدا نبود کی می توانست که یک همچو کاری را بکند که در دنیا نظیر ندارد و نشده است؟ اینها عنایت خداست. این عنایت خدا را حفظ کنید و حفظش به این است که این کشوری را که به شما داده به آن خدمت کنید.

شما که می خواهید آدم بشوید، زحمت دارد آدم شدن

امروز کشور ما احتیاج به خیلی مسائل دارد و دیگران مسائل شما را ابدًا حل نمی کنند، بلکه برخلافش می کنند. مسائل خودتان را خودتان باید حل بکنید. این نعمتی که برای شما پیش آمده است، نعمت آزادی که پیش آمده است، نعمتی که نمی تواند یک قدرتی الان به شما بگوید که بالای چشمت ابرو است، این را حفظش کنید، این یک نعمت الهی است، دیگران ندارند این را. دیگران یا تحت سلطه شرق اند یا تحت سلطه غرب اند. شما اینطور نیست برایتان الان. این را باید حفظش بکنید، حفظش به دست خود شما باید بشود یک کشوری که انقلاب کرده است و تازه متولد شده است، انقلاب وضعش این است که هم خوردگی باشد به هم خوردگی باشد. انقلاب وضعش این است که کمبود داشته باشد، انقلاب وضعش این است که مثلاً قحطی باشد. انقلابات دنیا اینجور نبودند که مثل ایران باشند که به مجردی که انقلاب کردند درها را باز کردند هر که بیاید هر که برود. به مجردی که انقلاب کردند رفتند دنبال اینکه یک دولتی تشکیل بدهند و مجلسی و چه و چه و چه، به فوریت، کجا می توانستند این کارها را بکنند؟ اینها روی عنایات خداست که به شما عنایت کرده است. یک کشوری که الان مبتلای به جنگ است آن هم نه جنگ با یک دولت پوسیده ای مثل صدام، جنگ با همه، همه قدرت ها دنبال این اند که او را دستش را بگیرند و نجات بدهند و نمی توانند هم. یک همچو جنگی، الان شما جنگ با دنیا دارید، همه تبلیغات بر ضد شما هست، همه سلاح ها را به او می دهند، همه پول را به او می دهند و او را تجهیز می کنند و شما خودتانید. خودتان هستید و اتکال به خدا. این خداست که شما را حفظ کرده است و شما باید که الان مسوولیت تان زیاد است. اینکه می گویم ایران از همه جا بیشتر مسوولیت دارد برای همین است که ایران از همه جا بیشتر مورد عنایت خدا واقع شده است. کجاست که بگوید من مستقلم نه شرق و نه غرب، هر دورا کنار بگذارد؟ و این شما هستید، وقتی شما هستید و می دانید که انقلاب ها کمبود دارد، انقلاب ها زحمت دارد، بخواهید آدم باشید باید زحمت بکشید، بخواهید ارزش انسانی خودتان را حفظ کنید زحمت دارد. نمی شود که انسان در خانه اش بنشیند و ارزش های انسانی محفوظ باشد. هر که در خانه می نشیند و اعتزال می کند توسری هم می خورد لکن نمی فهمد که دیگر آدم نیست.

شمائی که می خواهید آدم بشوید زحمت دارد آدم شدن. می خواهید سرفراز در دنیا باشید این زحمت دارد، بیخود نمی شود، اگر نوکری آنها را بکنید دیگر ارزش ندارید، یک پول هم ارزش ندارد.

اگر بخواهید از تحت سلطه همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد، یک ارزش انسانی است، یک شرافت انسانی است، این زحمت دارد، این گرانی دارد، این کمبود دارد، این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد، این برای ارزش انسانی است همین است که انبیا برای او کار کردند. همین است که امام حسین برای او کشته شد. اگر آن هم فکر می کرد که زحمت دارد، اصحاب او هم با آن کمی فکر می کردند زحمت دارد، که نمی توانستند یک همچو انقلابی را بجا بیاورند که تا حالا هم اثرش باقی مانده است. ولی وقتی برای خدا شد، زحمت کم می شود.

باید توجه کنیم که سر و کارمان با یک جنگی است که سرنوشت یک ملت را تعیین می کند

الان انسان می بیند که جوان هائی هستند، من زیاد به اینها بر می خورم، جوان هائی هستند که می آیند گریه می کنند که ما می خواهیم برویم به جبهه نمی گذارند برویم. همین پریروز یا دیروز بود که یک جوانی آمده بود، گفت دوتا برادرم کشته شده، خودم می خواهم بروم. گفتم جوان! تو کافی است، آنها رفتند دیگر بس است شروع کرد گریه کردن. خوب یک همچو، این جز به عنایت خدا نمی شود، یک معنویتی است که غیر از عنایت خدا نمی تواند این معنویت را برای کسی ایجاد کند. آنهایی که نشسته اند کنار و می خوابند و می خورند و زندگی حیوانی دارند و نق می زنند به این کشور، آنها یک قدری توجه بکنند، از خواب بیدار بشوند. آنهایی که هی نق می زنند که اینجاش چه جوری است، آنجاش چه جوری است، آنجاش چه جوری، اینها نمی فهمند که ما در چه حالی هستیم. آنها می خواهند که شب بخوابیم صبح که پا شدیم همه اداراتمان درست باشد و همه مملکت مان درست باشد و کشاورزی مان درست باشد و نمی دانم چی، و نمی دانند ما در چه حالی هستیم الان. ما در حال جنگیم. ما در حال محاصره اقتصادی هستیم، ما در حالی هستیم که امریکا علنا دارد مخالفت می کند و جنگ افروزی دارد می کند با ما، و ما اعتنا هم به او نداریم. باید بفهمید که وضعیت ما امروز این است که این وضعیت مشکلات دارد. این وضعیت به زودی درست نمی شود. لکن می شود، صبر می خواهد. آئی که تا حالا شده است یک اعجازی است که در دنیا نظیر نداشته است. شما در طول تاریخ اگر ملاحظه کنید، نظیر نداشته است این وضعی که الان ایران دارد. این حالی که در جوان های ما پیدا شده است، در طول تاریخ نظیر نداشته، الا اولیاً خدا. و ما امروز ابتلاً به این قدرت ها داریم و این جنگ را ما باید با پیروزی به زودی تمام کنیم. و این به این است که جوان های ما بروند دنبال جنگ. جوان های ما اینطور نباشد که بگویند تمام شد و رفت سراغ کارش. خیر، تمام نشده، امریکا دنبال کار است، الان امریکا به میدان آمده. البته میدانی که او می آید، آن میدان صحیحی نیست، آن برای انتخاباتی که حالا می خواهد بشود، از این حرف ها زیاد می زند. لکن ما باید توجه بکنیم که سر و کارمان با یک جنگی است که سرنوشت یک ملت را این درست می کند و باید هر چه زودتر این را تمام کنیم. و این، به این است که جوان های ما بروند به جبهه ها، نشینند که، اینطور نباشد که بنشینند که

دیگران برایشان کار کنند . همه مان مسوول هستیم . و من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق بدهد و همه شما را در راه خدا ، در راه خودش هدایت کند و همه را توفیق این بدهد که به این ملتی که در طول تاریخ در زحمت بوده و در طول تاریخ در محنت بوده و زیر بار دیگران بوده ، نجات بدهیم و خدمت کنیم به این ملت .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 218

بیانات امام خمینی در جمع کلیه سفرأ کارداران و نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران

ما در طول پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت ها دیدیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقابلاً از آقایانی که تشریف آورده اند و اظهار لطف کرده اند تشکر عرض می کنم و سلامت و سعادت همه مسلمین دنیا و همه مستضعفین دنیا را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم . ما در طول 50 سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت هایی دیدیم ، ما دیدیم و شما بعضی تان شنیدید . از اول که رضاشاه رضاخان به ایران آمد با یک صورت ریاکارانه وارد شد و بعد هم تسلط پیدا کرد بر این ملت و شما اگر بخواهید عمق جنایاتی که رضاخان به این ملت کرد بخواهید توجه کنید محتاج به این است که یک کتاب بزرگی را بعضی از دانشمندان ما بنویسند و عرضه کنند . در یک جلسه و دو جلسه نمی شود که ما کارهایی که رضاخان با ما کرد بگوییم . با روحانیت آن کرد که مغول با هیچ ملتی نکرده است ، با بانوان مان آن ظلم ها را کرد که شما نمی توانید بشنوید ، با دانشگاه ما آنطور عمل کردند که آنجا را به عقب کشاندند ، با ارتش ما آنطور عمل کردند در این طول 50 سال و بیشتر از 50 سال که ارتش ما را وابسته به غیر کردند ، استقلال ما را از بین بردند .

آزادی ما در این مملکت هیچ یک نداشتیم . هیچ قشری از اقشار ملت ما آزاد نبود . روحانیون که برای ارشاد مردم می خواستند به منبر بروند ، آنها را هم همین قدر هم ممنوع کردند . مجالس ارشاد روحانیون را تعطیل کردند و فجایعی بجا آورد ، زحمت هایی برای این ملت بجا آورد ، به کار گذاشت که قابل بیان نیست . بعد از اینکه او را انگلیس ها آوردند و به ما مسلط کردند و بعد از اینکه خود آنها او را بردند ، محمدرضا را دولت های مجتمع شان آوردند به ما مسلط کردند . محمدرضا بدتر از پدرش عمل کرد با ما . تمام حیثیت این ملت را محمدرضا به باد داد . حیثیت اسلامی ما را به باد داد . تمام جهاتی که ما داشتیم ، شرافتی که ما داشتیم این به باد داد . این دانشگاه ما را آنطور کرد که هر یک از دانشگاه بیرون آمدند دشمن بودند با این ملت و وابسته بودند به کشورهای دیگری ، به غرب . اگر چنانچه استثناً داشت ، استثناً بسیار کم داشت . و با کارهایی که این انجام داد از روی حيله بیشتر و عمیق تر بود تا کارهایی که رضاخان کرد . رضاخان همه را قلدری کرد و این با حيله بازی و با سالوسی عمل کرد و همه حیثیت ، حیثیات این ملت ما را او به باد فنا داد . ذخائر تحت الارضی ما را به رایگان به ارباب های خودش خصوصاً امریکا داد ، جوان های ما را فاسد کرد ، مراکز فحشا در این کشور اینقدر زیاد بود که

احصاً نداشت، مراکز فساد اینقدر بود که جوان های ما را به فساد کشاند. خود آنها عامل فروش هروئین و تریاک و مواد مخدر بودند و تمام جوان های ما را به فساد کشاندند. کاری کردند که ملت ما به جان آمد. ملت ما توانش از بین رفت و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند، نهضت کردند، انقلاب کردند و در مقابل همه قدرت هایی که پشتیبانی می کردند از محمدرضا خصوصاً امریکا، در مقابل همه ایستاد ملت و با اینکه چیزی در دست نداشت جز ایمان، محمدرضا را کنار زد و یک کشوری را که در تحت سلطه امریکا بود از تحت سلطه او بیرون آورد. ارتشی که با مستشارهای امریکا اداره می شدند و هیچ ارتباطی با ملت نداشتند، برگرداندند به حال اول و آن مستشارها را بیرون کردند. لانه ای را که به اسم سفارت در اینجا بود و محل جاسوسی بود و اسنادش الان در جلد های زیادی از کتب پخش شده است، آنجا را بستند و خواستند یک ملتی باشند مستقل، آزاد. نه وابسته به شرق باشند، نه وابسته به غرب.

الان جرم این ملت این است که می خواهد سرنوشت خودش به دست خودش باشد

الان جرم این ملت این است که می خواهد آزاد باشد، می خواهد انسان باشد، می خواهد سرنوشت خودش به دست خودش باشد. الان تمام کشورها به استثنای کمی، بر ضد یک همچو کشوری که ملتش قیام کرده است و می خواهد آزاد باشد و می خواهد احکام اسلام در این کشور باشد، مذهبش در این کشور باشد، تمام کشورها به استثنای کمی، بر ضد او قیام کرده اند. تبلیغات، همه می دانید که چه اندازه است. شما در داخل ایران هستید و تبلیغات خارجی را می شنوید. تبلیغات خارجی آنطور هست که شاید شماها هر کدام وجدانتان بیدار باشد ناراحت بشوید. آنها می گویند که در خیابان ها بچه ها را به توپ و تفنگ می بندند، تبلیغات می گویند که مردم هیچ آزادی در ایران ندارند. تبلیغات خارجی می گویند هیچ انتخاب آزادی در ایران تحقق پیدا نکرده است. می گویند که اختناق که در ایران هست در هیچ جای دنیا نیست. هر جا هر فسادی واقع می شود به ایران نسبت می دهند. هر جا مردمش به جان آمده اند و مثل ایران می خواهند قیام کنند بر ضد آنها، آنها را به ایران نسبت می دهند و آنها می خواهند ایران را از صفحه روزگار براندازند، می خواهند جمهوری اسلامی را براندازند. نمی دانند که با یک ملتی که به تمام معنا قیام کرده است و خون خودش را دارد نثار می کند، نمی شود اینطور عمل کرد. قدرت های بزرگ باید طرز تفکرشان را عوض کنند. باید بدانند که دنیا عوض شده است دنیا، دنیای سابق نیست. دنیای سابق نیست که یا انگلستان باید بر همه جا حکومت کند یا اروپا یا امریکا و یا شوروی. دنیا امروز نمی پذیرد این را، باید آنها تعدیل کنند کارهای خودشان را. دنیا نمی پذیرد که دو قدرت تمام دنیا را از بین ببرند. دنیا نمی پذیرد که یک اقلیت تمام کشورها را ببلعد. باید اینها در کارهای خودشان یک تجدیدنظر بکنند. جرم ما که می خواستیم آزاد باشیم، می خواهیم خودمان زندگی خودمان را اداره کنیم و می خواهیم که در تحت قیمومت هیچ دولتی نباشیم. برای این همه کارها را دارند انجام می دهند. از آن طرف آنها تبلیغات، از آن طرف این جنگی را (که الان ایشان

گفتند که جنگ را به پایان برسانید) به ما تحمیل کردند . هر یک از شما آقایان که در اینجا آنوقتی که اول جنگ بود شما بودید اینجا ، دیدید که عراق حمله کرد به ایران از هوا ، از دریا ، از زمین و عراق گرفت مقدار زیادی از خوزستان را و عراق به واسطه تحریکاتی که از طرف آمریکا شد به او ، این عمل جنایتکار را انجام داد و بعد هم که ایران برخاست از جا و جوان های ما با قدرت ایمان او را از مملکت خودشان بیرون کردند ، مگر یک مقدار کمی که الان در دست آنها هست ، الان هم قدرت ها جمع شده اند که این را نگه دارند . می خواهند این غیرانسانی که با ملت خودش و با علمای ملت خودش و با ملت ما این جنایات را کرده ، می خواهند حفظش بکنند . آقا می گویند که صلح بکنیم . ما از اول ، جنگ با هیچ کس نداشتیم ، لکن با صدام صلح نمی توانیم بکنیم . صدام یک جانی است که به هیچ یک از تعهداتی که می کند اعتبار نیست . او با دولت سابق با اینکه غیرقانونی بود ، تعهد کرده بود و او را به هم زد . او هر روز عوض می کند افکارش را ، یک انسانی نیست که بشود با او صلح کرد . شما گمان می کنید که اگر ما با صدام صلح کنیم به این صلح ادامه می دهد ؟ یا خیر ، می خواهد تجهیز کند خودش را و تقویت کند و دوباره حمله کند . این آدمی است که از اول تا حالا به شهرهای بیچاره عرب نشین ، کرد نشین ، فارس نشین با موشک ها حمله کرده و مع الاسف موشک از شوروی است ، از امریکاست و از آن اسفناکتر اینکه دولت های منطقه بر او کمک می کنند .

الان مردم امریکا هم عاصی شده اند از دست اینها ، دنیا اصلا به عصیان کشیده شده

ما کراراً به دولت های منطقه گفته ایم که آقا بیایید با هم دست بدهیم و خودمان را از چنگال ابرقدرت ها بیرون کنیم . مظلوم ها دیگر نمی توانند تحت ظلم ابرقدرت ها باشند . الان در امریکا هم خود ملت قبول ندارد این کارهایی را که دارد رئیسشان می کند . الان مردم امریکا هم عاصی شده اند از دست اینها . دنیا اصلا به عصیان کشیده شده است . شما دنیای امروز را مثل سابق حساب نکنید . دنیا نمی پذیرد از شما که شما در قصرهای خودتان بنشینید و همه را زیر بار اذیت قرار بدهید و زیر سلطه خودتان قرار بدهید . باید فکری بکنید برای خودتان و دولت های اسلامی باید فکری برای خودشان بکنند . شما اشخاصی که از طرف دولت های اسلامی در این کشور هستید به کشورهای خودتان بگویید که یک فکری برای خودتان بکنید . صدام رفتی است . صدام را ما هم کارش نداشته باشیم ، ملت خودش بیرون می کند . او رفتی هست . فکر بعد از او را برای خودتان بکنید .

اسلام را نگه دارید تا از همه شرهای شرق و غرب نجات پیدا کنید

ما صلح می خواهیم . ما با همه مردم دنیا صلح می خواهیم باشیم . ما می خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم . ما می خواهیم در بین مردم دنیا زندگی بکنیم ، لکن آنها نمی گذارند ما را . اگر صدام به ما حمله نکرده بود ، ما کاری به عراق نداشتیم . عراق برادر ماست . امروز هم ملت عراق برادر ما هستند . با ملت عراق ما مخالفتی نداریم . اوست که دارد ما را می ترساند که به شهرهای شما ، خوب ،

شما دیدید همین دو روز که او آنقدر قلدری کرد و گفت شهرهای شما را چه می کنیم و بنا بود دیروز بکند، نکرد. بنا بود امشب بکند، نکرد. معلوم نیست که حالا کی بکند. البته تو دهنی خورد. لکن باید این کشورهای اسلامی به خود بیایند، توجه کنند به مطلب، خیال نکنند که صدام را نگه می دارند و ما را از دست می دهند برای آنها خوب است. آنها اسلام را نگه دارند. ما اسلام را می خواهیم. اسلام را نگه دارید تا از همه شرهای شرق و غرب نجات پیدا بکنید.

من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که تمام مظلومین دنیا را از دست ظالم ها نجات بدهد. من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که دولت های اسلامی را به خود بیاورد. ملت های اسلامی را از تحت این فشارها بیرون بیاورد. مظلومین دنیا را از دست ظالم ها نجات بدهد. و من از شما آقایان می خواهم که شما به ممالک خودتان، به دولت های خودتان اطلاع بدهید که ایران اینطور نیست که اینها می گویند. ایران اختناق ندارد. ما در قصرها ننشسته ایم و دیگران را تحت فشار قرار داده باشیم. ایران همین است که می بینید. نخست وزیرش، وزیر خارجه اش، رئیس جمهورش، رئیس مجلس اش، همه یک مردم عادی هستند و با مردم رفیق اند. باید با مردم آشنا شد. دولت ها باید با مردم آشنا بشوند. مردم را زیر فشار قرار ندهند. دنیا قبول نمی کند دیگر این را. یک روز یک انفجار حاصل می شود که همه از بین خواهید رفت، آنوقت اشخاص بیچاره هم که اینها مظلوم هستند، آنها هم از بین خواهد رفت. و من از خدا می خواهم که به همه دنیا سلامت و به همه دنیا، به کسانی که مظلوم هستند قدرت و سلامت عنایت کند که همه همزیستی داشته باشند، همزیستی مسالمت آمیز با هم داشته باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله

پیام امام خمینی به اعضای خانواده های معظم شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

(ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون)

اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیه کریمه، در معرفی مقام بلند پایه شهدا، کافی بود، که عزیزی که در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی بزرگترین سرمایه خود را از دست داده اند، شهدائی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی همه چیز خود را طبق اخلاص تقدیم خداوند متعال کردند. در این آیه کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همه مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدا در راه حق، حیات عندالرب و ورود در ضیافت الله است. این حیات و این ضیافت را با قلم های شکسته ای مثل قلم من نمی توان توصیف و تحلیل کرد، این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است، این لقاءالله و ضیافت الله می باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است (فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) که فرد بارز آن سید شهیدان سلام الله علیه است. اگر آن است چه مژده ای برای شهیدان در راه مرام حسین علیه السلام الله که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافت های بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود.

بحمدالله شهیدان ما که پیرو شهید عظیم الشان اسلام علیه السلام هستند جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بر دشمنان اسلام و ایران و ملت بزرگوار ایران و سایر ملت های مسلمان بلکه مستضعفان جهان را تحفه آوردند. بی جهت نیست که مستکبران جهان با تمام توطئه ها و شیطنت ها بر ضد یک ملت کوچک چهل میلیونی که به حسب معنویت و ارزش های انسانی بر قله بلند و والای سعادت ارتقا یافته است، قیام نموده اند. خود این توطئه ها و بوق و کرناهای ابرقدرت های عالم و پیوستگان و وابستگان به آنان از بزرگترین ارزش ها و والاترین مقام ها برای یک ملت است که تاکنون برای هیچ ملتی رخ نداده است و این ارزش را شهدای والامقام و جانبازان، این شهدای زنده و به دنبال آنان ملت عظیم الشان ایران در پشت جبهه ها آفریده اند. آفرین بر این قدرت ایمان و قوت بازوی عزیزان و صدها آفرین بر امتی که خود را و جوانان خود را از لجنزار و کانون فساد و تیره روزی که

رژیم ستمشاهی برای آنان فراهم کرده بودند ، رها ساخته و به اوج عظمت و معنویت رساندند .

رحمت خداوند منان بر شهدای عظیم الشان و درود بر شهدای زنده که پشتوانه اسلام بوده و هستند و سلام بر رزمندگان سلحشور از ارتشی ، سپاهی و بسیجی تا ژاندارمری و شهربانی ، کمیته ای و عشایری و تمامی نیروهای مردمی که انعکاس قدرتشان کاخ های ابرقدرت ها را به لرزه در آورده است و این همان قدرت الهی و نوری است که (لا شرقیه ولا غربیه) می باشد و خداوند این نور را مستدام فرماید و درود بر مادران و پدران و همسران و فرزندان و بستگان شهدا و جانبازان و جوانان برومند جبهه ها و سلام بر معلولین و مفقودین و اسرای عزیزی که افتخار اسلام و میهن اسلامی خویش می باشند و رحمت خداوند بر این دامن های پاک که پروراننده این جوانان شیردل می باشند . و صلوات و سلام خداوند تعالی بر انبیا عظام ، بویژه سید و خاتم آنها که با انوار وحی الهی عالم را روشن نمودند و بر اوصیای بزرگ آنان که با نور هدایت ، غافلان را هشیار و مردگان را زنده و بیدار کردند و سلام و تحیت همه انبیا و اولیای علیهم السلام بر خاتم اوصیا حضرت بقیه الله المنتظر ارواحنا لمقدمه الفداء .

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 224

مقطعی دیگر از آنچه بین دو یوم الله، از 22 بهمن 62 تا 15 خرداد 63، حضرت، امام در رهنمودهای خویش فرموده اند.

در آخر این فصل از گفتارهای معظم له گشایش دومین دوره ی لی الله قال ن لیگ مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاده است و امام بزرگوار چونان همیشه، قاطع امیدوار و امیدبخش و چون بهترین و والاترین مصداق «بنیان مرصوص». می فرمایند:

«... با عنایت خداوند متعال جل و علا و تأیید حضرت بقیه الله، ارواحنا لمقدمه الفداء، مجلس مقدس شورای اسلامی دومین دوره را آغاز نمود و این در حالی است که بحمد الله وله الشکر جمهوری اسلامی با برخورداری کامل از پشتیبانی ملت عزیز حاضر در صحنه مشکلات انقلاب را یکی پس از دیگری تا حد زیادی پشت سر گذاشته و پایه های تجاری رخ می مبارک آن استقرار یافته و قلوب مؤمنین و مستضعفان جهان را به خود جلب کرده است و موج پر عظمت، اسلام ملت‌های محروم و تحت ستم سراسر عالم را تکان داده و به رغم پیش بینی ها و آرزوهای ابر قدرت ها و وابستگان بی وطن آنان به راه پرافتخار خود ادامه می دهد و بی هراس از چنگ و دندان ابر قدرت ها و هیاهوهای رسانه های گروهی وابسته به شرق و غرب چون سیل خروشان حشیشها و تفاله ها را بیرون رانده و خود

برجای مانده است: «فاما الزبد فيذهب جفاء» و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض...»

کلام آتشین و نوید بخش و برخاسته از ایمان تزلزل ناپذیر او نه، تنها همه ی شکوفه های شیرین امید را بر سر شاخه های جانهای پاک می رویاند که مستدل و متکی به شناخت صحیح قرآن معیار الهی و قرآنی به دست می دهد او انقلاب را که مبتنی بر اسلام است به سیلی سهمگین میبندد که در رهگذار آن خاشاکها و خسها و کفهای سبکسر و حبابهای تهی، دل، از میان خواهند رفت و آنچه از سنگینی ایمان برخوردار و سرشار از فایده برای مردم است به جای می ماند. با تعمق در این گفتارهای برخاسته از ایمان عظیم رهبر است که در می یابیم چرا این انقلا ب با آن همه ضربه ها که از جنگ گرم و سرد و از خنجرهای پنهان و آشکار و ستون پنجم و ضد انقلاب داخل و خارج و بلندگوهای خارجی و داخلی دمسر د و دروغزن می خورد، باز همچنان سیل آساراه خویش می پوید و و هدف خویش میجوید آیا جز اینست که رهنمودهای حیاتبخش لیوان آمده و آن را امام حقگو، هماره بدو می گوید؟ بیهوده نیست که میلیونها گلوی پاک و دل، تابناک از اقصی نقاط ایران و جهان فریاد برداشته است که:

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

ص: 226

پیام امام خمینی به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بار الها! از عنایات بی پایان و مراحم بی نهایت خاضعانه تشکر می کنیم که ما را در آغاز ششمین سال پیروزی با سرافرازی قرین فرمودی . پنج سال از قطع ید ستمشاهی و ستمکاران جهان بر ملت مظلوم ایران گذشت . محاسبات حسابگران شرق و غرب و ایادی غریزه و شرقزده آنان غلط از آب در آمد . اینان که چشم هایشان جز ظواهر و بند و بست های مادی را نمی بیند و از قدرت مافوق الطبیعه بیخبرند ، محال می پنداشتند که یک ملت با دست خالی و بدون هیچ یک از ابزارهای جنگ های امروزی بر یک رژیم 2500 ساله که تا بن دندان مسلح به سلاح های آمریکایی و غربی و شرقی بود ، چیره شود و پس از آن در محاسبات دیگرشان این پندار که هر انقلابی باید یا متکی به غرب باشد یا به شرق و یا این انقلاب اسلامی تازه و بی سابقه بیش از چند ماهی نمی پاید ، غلط از آب در آمد . ماه ها پس از ماه ها و نیز سال ها گذشت و ایران آرامش خود را باز یافت و انقلاب و رژیم اسلامی چون کوهی خلل ناپذیر بر جای ماند و جهان شرق و غرب را با قدرت الهی مواجه نمود و به خواست خداوند متعال ، ملت های اسلامی و مظلومان جهان در سراسر گیتی با پرخاش بر قدرت های اتمی و هسته ای رو به انقلاب و قیام علیه باطل و دیکتاتوری در شکل دموکراسی و جلاادی در پوشش انساندوستی و غارتگری در لباس سوسیالیستی ، آورده اند و جلوی این سیل عالمگیر را با سلاح و زور نمی توان گرفت و با عنایات خاصه خداوند متعال و نظر کریمانه ولی امر و صاحب عصر ارواحنا فداه قدرت اسلام در ایران که پرتوش در شرق و غرب جهان گسترده شده است ، زبانزد همه قدرت های شیطانی است تا آن حد که در هر گوشه جهان که به دست مظلومان و غارت شدگان ، قیام و انقلاب یا انفجاری رخ می دهد ، مقامات بلندپایه قدرت های جهنمی می گویند ایران در آن دست داشته است یا جوان های ایرانی این کار را کرده اند . و کاخ های ابرقدرت ها چون کاخ سفید به دور خود دیوارهای امنیتی می کشند و بر فراز کشتی ها و ناوهای آنان هواپیماهای جنگنده در حرکت هستند و خداوند تعالی آرامش را از آنان سلب نموده و نصر به رعب را نصیب مجاهدان در راه خود نموده است و شایعه سازان که به خیال خود با دروغ و نسبت های ناروا می خواهند انقلاب اسلامی را تضعیف کنند با همین شایعه ها ایران و مجاهدان ایرانی را تقویت می کنند و به دنبال آن ملت های زیر ستم و مظلومان جهان ، روحیه ای قوی پیدا می نمایند و خداوند دین خود را با دست بدخواهان تقویت می فرماید . باید

قدرت های جهان بدانند امروز مثل دیروز نیست که با یک تشر ، ملت ها چون دولت ها از میدان عقب نشینی کنند . امروز این قدرت شیطانی امریکا و همداستان و دستان اوست که با یک انفجار در گوشه ای از جهان کاخ هایشان بسته می شود و اطراف آنها دیوارهای بتونی کشیده می شود .

جمهوری اسلامی ایران در عین حال که در هیچ یک از انفجارها دست نداشته است ، لکن این هنر را کرده که بت های عظیم تخیلی را شکسته و رعب و وحشت را از دل مظلومان برداشته و در دل ستمگران گذاشته است و این خود از یک ملت بی عده و عده کافی ، معجزه ای است که به ید قدرت الهی تحقق یافته است .

آمریکا باید بداند که تصمیمات عجولانه و دست و پا کردن های بدون سنجش که اخیرا اعلام نمود که ایران را در لیست کشورهای موافق یا دخیل در اعمال تروریستی قرار داده است گرهی را برای او باز نخواهد کرد و راه مفری پیش رویش نخواهد گذاشت ، چرا که اکنون جهان مستضعفان برای قطع ید ستمکاران چه به صورت قیام و انقلاب و چه به صورت های دیگر بسیج شده اند و برای ایران نیز مشکلی پیش نخواهد آورد ، چرا که امریکا پس از شکست در ایران با استفاده از هم پیمانان غربی خود در اروپا دست به محاصره اقتصادی ما زد و هر چه توانست انجام داد و ما با گرمی تمام از آن استقبال کردیم . اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است و قدرت های شیطانی از حربه استعماری کهنه و نو خلع سلاح شده اند . کارگزاران سیاست امریکا باید طرز تفکر و سیاست های خود را تغییر دهند و گمان نکنند اداره کل جهان در دست آنهاست و همه کشورها چشم و گوش بسته در اختیار آنان هستند . باید توجه کنند که قطع رابطه و تحریم اقتصادی و لیست های دروغین آنها ، دنیا را بر کشوری تنگ نخواهد کرد . چنانچه وارد نمودن مصر را در سازمان کنفرانس به اصطلاح اسلامی با آن مقدمات و موخرات و بست و بند نمودن با حسین و حسن و حسنی ، عقده هائی را که از بیداری ملت ها و پرخاشگری آنها برای اینان حاصل شده است حل نخواهد نمود . عجب نیست که آمریکا و سرسپردگان او برای برگشتن مصر به جرگه اعراب به هر دری می زنند . تأسف آور و عجیب ، وضعیت سران اعراب است که پس از مقدمات طولانی و تبلیغات و رفت و آمدهای پشت پرده و روی پرده و هیاهوهای عجیب و غریب و صحبت از طرح هایی که در اجتماع ملوک و روسای جمهور و سران بلند پایه کشورهای عربی و غیرعربی می شد ، شاید کسانی که آنان را نمی شناختند منتظر بودند که در این گردهمایی از مشکلاتی که برای اسلام و مسلمانان و ملت های مظلوم جهان از دست ابرقدرت ها پیش آمده بحث و گفتگو شود و طرح هایی برای اصلاح حال ملت های در بند ریخته شود و راه حل مشکلات جهانی آنها را پیدا کنند . با آنهمه تشریفات نشستند و برخاستند و تمام مشکلات اسلام و مسلمین را خلاصه کردند در برگشت مصر معاهد با اسرائیل ، به حوزه اعراب . آن روز مصر را برای قرارداد با صهیونیست خارج کردند و امروز به خاطر تثبیت و شناسایی اسرائیل برگرداندند . آن روز مصر را برای پشت کردن به خواست اعراب خارج کردند و امروز آن را به خاطر بوسیدن دست آمریکا برگرداندند . آن روز مصر را برای خیانت به آرمان فلسطین خارج کردند و امروز

برای امضای دستجمعی آن خیانت آن را برگرداندند و تاسف آورتر و ننگین تر آنکه مصر با کمال بی‌اعتنایی هیچ شرطی را قبول نکرد. و یکی از مقامات بالای قاهره گفت: سران عرب باید به اشتباه خود اقرار کنند. مساله لبنان، مساله افغانستان و مسائل دیگر ملت‌های عرب مشکلی نبود که به اصطلاح سران کشورهای اسلامی، وقت عزیز خود را صرف امثال آن کنند. ملت‌های مظلوم و محترم غیر عرب و عرب و مسلمانان این ننگ را چگونه تحمل کنند که اینان فرمانروایان آنها هستند. آیا وقت آن نرسیده است که ملت‌های اسلامی از جای خود برخیزند و سردمداران خود را یا در مقابل شرف اسلام خاضع کنند و یا با آنان همچون ایران عمل کنند؟ آیا حکومت‌های به اصطلاح اسلامی در خوابند و نمی‌بینند که امروز وضع ملت‌ها غیر از سابق است؟ نمی‌خواهند بفهمند که چشم و گوش‌ها باز شده است و فریبکاری‌های از قماش شرقی یا غربی توان خود را از دست داده است؟ نمی‌دانند و نمی‌بینند که انقلاب اسلامی صادر یا در شرف صدور است و با تأییدات خداوند متعال پرچم اسلام در آتیه‌ای نه چندان دور به دست ملت‌های اسلامی بلکه مظلومان تشنه عدالت اسلامی در سراسر عالم به اهتزاز در خواهد آمد؟ پس بهتر نیست که حکومت‌ها به خود آیند و از گناه بزرگی که در کازابلانکا مرتکب شدند و به شرف اسلام و مسلمانان خصوصاً اعراب تجاوز کردند و برای خود ننگ تاریخی بجای گذاشتند، توبه کنند و بازگشت به خدای قادر قاهر نمایند که مبادا آتش قهر او تر و خشک را بسوزاند؟

اکنون در آغاز سال ششم پیروزی لازم است تذکراتی را که کرارا عرض کرده‌ام بازگو کنم (فان الذکری تنفع المؤمنین)

1_ اکنون که بحمدالله در سایه عنایات خداوند متعال و ادعیه حضرت بقیة الله الاعظم روحی لمقدمه الفداء، جمهوری اسلامی با سعی و کوشش قشرهای مختلف ملت با استقرار و پایداری به جلو می‌رود، از ملت عظیم الشان خواهانم که به طور فعال در صحنه حاضر و از کمک به دولت خدمتگزار و جبهه‌ها و پشت جبهه دریغ نمایند. مساله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفائی است و همه ما به حسب امکاناتی که در اختیار داریم لازم است احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را که آن نیز کمک به دفاع است برآورده نماییم و اینجانب با تشکر از ملت بزرگوار ایران که انقلاب را با حضور خود و فداکاری‌های بی‌دریغ به ثمر رسانده و به پیش می‌برند، می‌خواهم که به حضور فعال خود ادامه دهند و در این حضور، رضای خداوند تعالی را جلب نمایند و امیدوارم که حق تعالی با عنایات خود نسبت به این ملت معظم، همه را از مجاهدین فی سبیل الله محسوب و در اجر مجاهدان صدر اسلام در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شریک فرماید.

2_ قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمان‌های اسلامی و پیروزی‌های عظیم در تمام جبهه‌ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلامی و اولیاً خدا علیهم الصلوة والسلام شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاء الله در سبقت در دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی‌شناسند و تنها سرمایه بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می‌کنند که انبیا و اولیاء

بزرگ خدا همچون سید مظلومان و سرور فداکاران نمودند و ندای (هیئات منالذله) آن بزرگمرد تاریخ را با قول و عمل خود در سراسر کشور بلکه جهان سر می دهند می توان تجلیل نمود و با کدام قلم و بیان می توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند، ثنا کرد. گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدان های شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق العاده آنها را در زیر آتش مسلسل ها و توپ ها و تانک ها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزی های هنرمندانه آنان را در آن شب های تار در مقابل موشک ها و بمب افکن های دشمن غدار و عبور از پیچ و خم های سیم های خاردار و کوه های سر به فلک کشیده و بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند، لکن آن بعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربانی که جان ها را به سوی خود پرواز می دهد و آن قلب های ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می توان ترسیم کرد. راستی این غریبان و شرقیان و غربزدگان و شرقزدگان و ملی گرایان، این فداکاری ها را با این بعد معنوی و روح عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست، انگیزه و روح و جهت لدی الری آن مطرح است. عشق به محبوب حقیقی که همه چیز را محو می کند و هر انگیزه ای غیر از عشق به او را می سوزاند مطرح است در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش در طول زمان و سراسر خلقت، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید، جز در طبقه اولیاً الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان که فرزندان این دیار به نور آنان استضاء کرده و از خود رسته اند؟ و در کجا در لابلای تاریخ چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیشقدم می شوند؟ این مکتب قرآن و اسلام راستین است و اینان فرزندان این قرآن و اسلام. این مکتب ماست و اینان صاحبان مکتب مان، که سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالیمقام و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد.

3_ ای عزیزان اسلام و سرمایه های ملت! مجاهده کنید که خودیت را از سر قلب خود بزدايید و باید بدانید و بدانیم که هر چه هست اوست و جلوه جمال او، جسم و جان و روح و روان همه از اوست. بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید و جمال جمیل او، جل و علا را ببینید، آنگاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و زحمتی گواراست و فدا شدن در راه او احلی از عسل بلکه بالاتر از هر چیز به گمان آید. مبادا غرور شجاعت و جوانی و پیروزی در دل شما راه یابد که با آمدن آن، همه چیز فرو ریزد و طاق و رواق آمال در هم شکنند. بکوشید تا همه قشرهای سلحشور از ارتش و سپاهی و بسیجی و ژاندارمری و کمیته ای و شهربانی و عشایر همه در هم ذوب شوید و تو و من را از میان بردارید و چون ید واحد و قدرت واحد بر دشمن بتازید و مقصد همه دفاع از اسلام و میهن اسلامی باشد، تا پیروزی هر قشر، پیروزی قشرهای دیگر باشد و هدف مطرح باشد، نه سپاه و ارتش و سایر سلحشوران.

اینجانب به همه قوای مسلح هشدار می‌دهم که اگر خدای نخواستہ با دست شیاطین و دشمنان انقلاب چنین مسائلی ولو در آینده پیش بیاید مطمئن باشید که عنایت حق تعالی از شما سلب می‌گردد و در جنگ با دشمنان اسلام شکست نصیب تان خواهد شد و در پیشگاه ملت اسلام، رسوا شده و ننگ ابدی را باید تحمل کنید از آن بالاتر در بارگاه قدس قادر متعال، ساقط و با خذلان آخرت خدای نخواستہ مواجه می‌شوید.

عزیزان من! مطلب مهم است، ننگ و شرافت و شقاوت و سعادت می‌باشد، پس لازم است جدا از هواهای نفسانی که ریشه شیطانی دارد بر حذر باشید و دست برادری و دست برابری و برابری یکدیگر را که تاکنون به توفیق خدا با هم فشرده اید بیشتر بفشارید و اسلام و مصالح کشور خود را در نظر بگیرید و به چیز دیگری جز آن فکر نکنید. خداوند یار و یاورتان باد.

4_ از مسائل بسیار مهمی که در آینده نزدیک با آن مواجه هستیم مساله انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی است. این مساله از جهات مختلف آنقدر حساس و حیاتی است که هر چه درباره آن گفته شود بجاست. گویندگان محترم در هر موقع مناسبی و در هر اجتماعی در سراسر کشور خصوصاً در نماز جمعه‌ها چه ائمه جمعه محترم و چه سخنرانان قبل از خطبه‌ها، جهات مختلف اهمیت آن را به ملت گوشزد نموده و خطرات ناشی از سوء جریان آن را که به سرنوشت ملت و اسلام بستگی دارد، با آنان در میان گذارند. مجلس محلی است که اکثریت قاطع مسائل مهم کشور بی‌واسطه یا با واسطه به آن وابسته است. هر چه به سر این ملت مظلوم در طول زمان پس از مشروطیت تا دوره آخر انتصابات ستمشاهی آمد به طور قاطع از مجلس‌های فاسد بود که ملت در انتخاب نمایندگانش یا هیچ دخالت نداشت یا دخالت بسیار ناچیزی داشت. روحانیون را یکسره از دخالت برکنار کردند و با توطئه موزیانه و تبلیغات مسموم ملهم از غرب که توسط روشنفکران و غرب و شرق‌زدگان خائن یا نفهم صورت می‌گرفت، مجلس را در نظر روحانیون و متدینین به گونه‌ای ساخته بودند که دخالت در انتخابات از معاصی بزرگ و اعانت به ظلم و کفر بود و روحانیت بکلی از صحنه خارج شد و به انزوا کشیده شد و دست قلدران و شرق و غرب‌زدگان باز شد و کشور را به آنجا کشاندند که دیدید و دیدیم. مع الاسف امروز هم آن افکار پوسیده در نادری از معمین بیخبر از دنیا، دیده می‌شود. در حالی که اگر در هر شهری و استانی چند نفر مؤثر، افکار مثل مرحوم مدرس شهید را داشتند، مشروطه به طور مشروع و صحیح پیش می‌رفت و قانون اساسی با متمم آن که مرحوم حاج شیخ فضل‌الله در راه آن شهید شد، دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد نمی‌گردید و اسلام عزیز و مسلمانان مظلوم ایران آن رنج‌های طاقت فرسا را نمی‌کشیدند. به دنبال خروج روحانیون یا به عبارت دیگر اخراج آنان از صحنه، عموم متدینین از هر قشری از اقشار، چه فرهنگی، چه کارگری، چه اداری و بازاری و چه غیر اینها نیز از دخالت کناره‌گرفتند یا برکنارشان کردند و آن شد که شد. اکنون ما باید از آن توطئه‌ها و مفاسدی که از انزوای متدینین پیش آمد و سبیلی‌ای که اسلام و مسلمین خوردند عبرت بگیریم و بدانیم و بفهمیم که نظام اسلام و اجرای احکام آسمانی آن و مصالح ملت و کشور اسلامی و

حفظ آن از دستبرد اجانب بستگی به دخالت اقشار ملت و بویژه روحانیون محترم و مراجع معظم دارد و اگر خدای نخواستہ بر اسلام یا کشور اسلامی از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه لطمه و صدمه ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسوول خواهیم بود و نسل های آینده که ممکن است از کناره گیری های کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند ما را نبخشند. پس یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه های انتخابیه و رای دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می باشد، چه از روحانیون باشند، چه نباشند، و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانیون مطلع از احکام شرعی و سیاسی اسلام است، محتاج به متخصصین رشته های مختلفی است که کشور احتیاج به آنها دارد. مجلس امروز مواجه است با دنیای پر آشوب صنعتی و سیاسی پیچیده و فرهنگ های غرب و شرقی و صحنه تنازع بقا بین المللی و چنین مجلسی باید انباشته از مطلعین و دانشمندان و متخصصان در هر رشته باشد و لازم است کسانی که کاندیداهایی به ملت معرفی می کنند، در نظر داشته باشند که از مطلعین هر رشته تخصصی چند نفری در بین کاندیداهای آنها باشد و اگر کسی یا کسانی را در غیر گروه یا صنف خود یافتند که از افراد گروهشان لایق تر است، او را کاندید کنند. مساله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه گرایان را از ضوابط گرایان ممتاز می کند و مومنین و متعهدین را از مدعیان جدا می نماید و کسانی که خود را کاندید می کنند یا کاندید گروه هایی هستند، اگر خود را صالح برای وکالت در یک چنین مجلسی نمی دانند و وجود آنها در این مکان نفعی برای کشورشان ندارد، خدای متعال را در نظر بگیرند و رضای او را بر رضای خود مقدم دارند و چنین خلاف ناشایسته ای را مرتکب نشوند. و حضرات روحانیون از ائمه جمعه و جماعات یا سایر آقایان محترم توجه کنند که شهرهای خود را از خدمتگزاران به ملت و بندگان صالح خدا خالی نکنند که خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربیت علمی و اخلاقی بندگان خدا که شغل شریف روحانیت است بر هر چیز مقدم است مگر آنکه بدانند وجود آنها در مجلس برای خدمت به اسلام مفیدتر است. میزان در نظر همه ارزش خدمت باشد نه خدای نخواستہ تحصیل مقام. و شما می دانید در جمهوری اسلامی مقاماتی که در رژیم های دیگر مطرح است و برای تحصیل آن دست به همه نوع فعالیت مشروع یا غیر مشروع می زنند مطرح نیست و اساسا این مقامات ارزشی ندارد مگر آنکه خدمت به خدا و خلق خدا باشد. شماها تابع آن بزرگمرد تاریخ صلوات الله علیه هستید که درباره حکومت آن کلام را فرمود. و اما مردم در سراسر کشور، در انتخاب فرد مورد نظر خود آزادند و احدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروه ها را ندارد، هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین کنند، یا خدای نخواستہ افشاگری نمایند. گر چه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیدهای خود یا دیگران را دارند و هیچ کس نمی تواند جلوگیری از این حق نماید. و البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد و احدی شرعا نمی تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رای بدهد و اگر در صلاحیت شخص یا اشخاصی تمام افراد و گروه ها نظر موافق داشتند

ولی رای دهنده تشخیص اش بر خلاف همه آنها بود، تبعیت از آنها صحیح نیست و نزد خداوند مسوولیت دارد و اگر گروه یا اشخاص، صلاحیت فرد یا افرادی را تشخیص دادند و از این تأیید برای رای دهنده اطمینان حاصل شد می تواند به آنها رأی دهد.

و بالجمله حکومت، حکومت اسلام و مردم است و رای نیز از آن مردم است و احدی تحت فرمان مقام یا مقاماتی نیست. لازم به تذکر است که اهالی محترم هر حوزه انتخابیه، فرد یا افرادی را کاندید نموده و برای آنان فعالیت صحیح قانونی و شرعی انتخاباتی نمایند و برای هر چه بهتر و پرشورتر شدن انتخابات هیچ حوزه ای برای حوزه دیگر کاندیدا تعیین ننماید و همچنین صلاحیت و عدم صلاحیت شخص و یا اشخاص کاندیدا را تأیید و تصدیق ننماید.

دخالت در انتخابات هر حوزه به عهده خود آن حوزه می باشد و بهتر است که نمایندگان تمامی اقشار حوزه ها برای تعیین فرد یا افراد مورد نظرشان تبادل نظر نمایند. با تمام این اوصاف تمامی افراد در صورت دارا بودن شرایط لازم در تعیین کاندیدا و یا کاندید شدن آزاد و مختارند.

5_ مسأله حوزه های علمیه فقهاتی و مسأله دانشگاه ها از اهمیت ویژه ای برخوردارند زیرا به منزله مواد خام مقدرات یک ملت و کشور هستند. این دو مقام، مرجع نشر حقایق اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر مسائل مورد اطلاع کشور می باشند. با وجود این قشر، موتور حیات یک نظام به کار می افتد اینان هستند که اصلاح و صلاح آنها کشور را به صلاح می کشاند و خدای نخواستہ فسادشان منشأ فساد یک ملت است. مدرسه و دانشگاه اگر فعال و صالح بودند، مجالس گذشته و دولت های گذشته و قضاً گذشته به آن مصیبت باری نبودند و آنهمه مصیبت برای کشور و ملت مظلوم ما پیش نمی آمد. اگر ملت ما بخواهد گرفتار چنگال قدرتهای متجاوز و دنباله های آنان و همچنین گرفتار حکومت هایی مثل دوره قاجار و صدمرتبه بدتر از آن، رژیم پهلوی، نشود باید برای اصلاح این دو قطب همت گمارد و اگر طلاب و فضلا و علما و مراجع عظام و قشر دانشگاهی از اساتید محترم و دانشجویان و همچنین کلیه دانشمندان بخواهند. کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشود باید در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت کوشش کنند و نیز دانشجویان و طلاب با کوشش فراوان به راهنمایی های اساتید و معلمان و مربیان در ساختن خویش تلاش نمایند و نیز در تحکیم وحدت به صورتی جدی بین دانشگاه ها و مدارس علوم اسلامی کوشش نمایند، چرا که دشمنان ملت و میهن از تفرقه بین اینان سودها بردند و کشور و اسلام ضررهای جانکاه کردند.

امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقه سلف صالح را حفظ و افکار خود را برای هر چه پر بارتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی به کار برند و شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند و اساتید و دانشمندان دانشگاه ها، هم خود را در مسائل علمی مختلفی که یک امت بدان ها احتیاج دارد صرف نموده و استقلال علمی و فرهنگی را پی ریزی نمایند تا پس از مدتی به خواست خداوند تعالی در سایه کوشش و به کار انداختن افکار عالی خود و اعتماد به نفس، احتیاج علمی دانشجویان عزیز را آنگونه برآورند که از رفتن به خارج مستغنی شوند و این امری است شدنی.

و اگر تبلیغات خارجی و داخلی عمال غرب و دلباختگان به غربی ها نبود تاکنون تحقق یافته بود. لکن روشنفکران غربزده، این سرسپردگان به انگلستان و فرانسه در سابق و پس از آن به آمریکا، نگذاشتند ما به خود آییم و جوانان ما را مایوس نمودند و به سر دانشگاه ها آن آوردند که دیدیم، فساد، مجلس و دولت و همه جای کشور را فرا گرفت. اکنون وقت آن است که به خود آییم و توطئه های استعماری را خنثی کنیم. و جوانان عزیز ما که سرمایه های میهن هستند باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن علوم مختلف آنان را از رسیدن به مقصود که استقلال و آزادی است باز می دارد و وابسته ترشان خواهد نمود. دشمنان ما که به کشورمان چشم طمع دوخته اند هرگز نخواهند گذاشت ما استقلال پیدا کنیم و از وابستگی رها شویم. باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست. و باید همه بدانیم که دشمنان غارتگر ما چشم طمع به دانشگاه ها دوخته اند که ولو در آینده ای دور به دانشگاه ها رخنه کنند و جوانان پاکدل را با افسانه ها و دروغپردازی ها منحرف نمایند و راه را برای خود و چپاولگری ها و استثمارها باز نمایند. اساتید متعهد به مصالح کشور و جوانان پرشور و وطنخواه، ناظر باشند که مبادا در صفوف آنها از غربزدگان فرصت طلب رخنه کنند و مقاصد شوم جهانخواران را به تدریج تحمیل نمایند. اگر کوچکترین انحراف را در اقوال و اعمال شخصی دیدید آن را کوچک نشمارید و بلافاصله در نطفه خفه کنید. خداوند پناهتان باد.

6_ قوه قضائیه که ملجأ و پناهگاه مردم ستمدیده است، قوه ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن ندارد. و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضایی دخالت می کنند، باید بدانند که برخلاف دستورات شرعیه و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده اند و اگر دانسته تخلف می کنند مستحق عقاب و تعقیب اند. و بر دولت و قوای اجرایی است که از تجاوز و تخلف هر کس در هر جا جلوگیری کنند و کسانی که پس از احضار در محاکم قضائی، از حضور در آن سرپیچی می کنند، باید مورد تعقیب واقع و تعزیز شرعی شوند. و کسانی که از حکم قضات شرعی تخلف می کنند و در مقابل آن مقاومت می کنند، بر خلاف اسلام و امر خداوند عمل کرده اند و باید مورد تعقیب واقع شوند. و کسانی که از قاضی شکایت دارند، یا به حکم قاضی اعتراض دارند باید به مقامات صالحه رجوع نمایند و به هیچ وجه خودسرانه عملی را انجام ندهند و باید بدانند که احکام صادره از قضات شرعی، مادامی که خلاف شرعی بودن آن در محاکم و مراجع صالحه ثابت نشده، واجب العمل است. مجلات و روزنامه ها و رسانه های گروهی توجه داشته باشند که تضعیف قوه قضائیه بر خلاف موازین اسلامی است و از پخش چیزهایی که موجب تضعیف یا توهین مقام قضاست، احتراز کنند. این کشور اسلامی است و باید هر امری موافق با موازین اسلامی باشد. شکایت از قاضی یا دادگاه باید به حسب مقررات شرعی باشد و شاکی هر کس هست حق ندارد در مطبوعات یا رسانه های گروهی یا در مجامع عمومی طرح دعوی کند و علیه قوه قضائیه جوسازی نماید، و روزنامه ها و مجلات و رادیو تلویزیون توجه به این مسائل و اشتباه آن را داشته باشند. و بالجمله مسأله قضا و احترام از قضات محترم و اطاعت از

احکام صادره آنها امری است که مورد اهتمام اسلام است . خداوند همه را موفق فرماید . از طرف دیگر دستگاه قضائی و قضات محترم توجه داشته باشند که در حساس ترین مکان نظام خدمت می کنند ، خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند . و در صورتی که متوجه اشتباه شدند به هیچ وجه از برگشت از حکم شان خجالت نکشند ، که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگین تر از خجالت از مردم است . سعی کنند با کمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند ، تا مردم از آنان راضی گردند که رضایت مردم رضایت خداوند را به دنبال دارد . قضات محترم سعی کنند مردم را به بی جهت معطل نمایند و هر چه زودتر به کار آنان رسیدگی نمایند .

7_ امروز کشور ایران به جرم آنکه می خواهد احکام مترقی اسلام را اجرا کند و قدرت های بزرگ از آن هراس دارند و حکومت های منطقه نیز به توهیم غیر صحیح از آن خوفناکند ، مورد هجوم همه زورگویان شده است و از هر تبلیغات و تسلیحاتی بر ضد آن فروگذار نمی کنند . در این جو جهانی ملت و دولت باید با تمام توان از هم پشتیبانی کنند و هر چه گله های برادرانه از هم داشته باشند دست برادری و برابری به هم دهند . دولت با تمام توان در خدمت ملت است و اگر نقیصه ای در کار باشد اجتناب از آن نظامی که تازه مولود است و هنوز دوران انقلاب را پشت سر گذاشته است و در حال جنگ است آن هم جنگ با جهانخواران شرق و غرب که در تمام ابعاد با هم به ستیز برخاسته اند ، غیرممکن است و استقامتی که دولت در این جو جهنمی نموده قابل تقدیر و تشکر است .

باید ملت با تمام توان از آن پشتیبانی کند و نقیصه ها را به خود دولت گوشزد کند و با آن در رفع آنها همدست شود و دولت نیز لازم است در رفع نقیصه ها اهتمام داشته باشد و بالجمله اگر تمام اقشار ملت و تمام اعضای دولت و قوای مسلح و عشایر همدست و همدستان از کشور خود و اسلام دفاع کنند و خدای نخواستہ شکستی پیش آید ، همه در مقابل خداوند تعالی مسوول و در مقابل نسل های آینده و مظلومان جهان مردود خواهیم بود . و آنچه ذکر شد به آن معنا نیست که انتقاد سازنده و هشدارهای پدران و برادرانه از طرف مجلس که حق آن است اشکال داشته باشد ، بلکه آن مطلوب است و هرگاه که خدای نخواستہ انحرافی دیدند اعتراض کنند و حتی در حد استیضاح پیش روند .

8_ ملت و دولت ایران ، بلکه تمام مسلمانان متعهد و متوجه به مصالح اسلام و جهان و مستضعفان آگاه از مسائل جهان ، این ستمدیدگان تاریخ ، از بعضی اعمال دولتمردان منطقه و سایر کشورهای اسلامی ناراضی و ناراحت هستند و اعمال آنان را بر خلاف شئون اسلام و کشورهای اسلامی می دانند . و تلاش سران این کشورها در قالب کنفرانس ها را در راهی که جز شناسایی اسرائیل غاصب و باز کردن هر چه بیشتر دست آمریکا در منطقه و کشورهای اسلامی و کمک به چپاولگری ذخایر عظیم مسلمین و کمک و دامن زدن به جنگی که علیه مسلمین لبنان مظلوم بپا کردند و کمک به تجاوز صدامیان در جنگی که به ایران تحمیل کردند که آن هم به استحکام پایه حکومت غاصبانه اسرائیل کمک می کند ، همه را محکوم می کنند .

ما کنفرانس مراکش را چه از جهت محل و چه از محل محتوای آن محکوم می نماییم .

شما محلی را انتخاب کردید و شخصی را به ریاست کنفرانس قبول نمودید که در همان هنگام که کوشش در قبول طرح کمپ دیوید یا فهد می شد، ملت مراکش را به خاک و خون کشید و موج اعتراض ملت مراکش همه شهرها را فرا گرفت و میزبان شما بار دیگر دستش تا مرفق به خون مظلومان مظلوم مسلمانان آغشته گشت. با همه این مصایب و مسائل که اعراب و سایر مسلمانان جهان دارند باز از آنجا که مقدراتشان به حسب اسلام بزرگ به هم پیوند خورده است پیشنهاد می کنم که علما و روشنفکران همه کشورهای اسلامی به انگیزه پیدا کردن راهی برای نجات کشورهای اسلامی از چنگال ابرقدرت غرب و شرق و برای بیرون کردن سران کشورهای اسلامی از تحت سلطه جهانخواران و برای ایستادگی در مقابل استعمار و استثمار طرحی بریزند که هر چه بیشتر با یکدیگر در تماس باشند و اساس طرح را بر بیداری خلق های محروم بگذارند و به یقین باور کنند که راه را خواهند یافت و پیروز خواهند شد.

امیدوارم خدای متعال و بندگان او از آنها راضی شوند و در دو جهان روسفید شوند و نامشان به نیکی در جهان و نسل های آینده زیانزد شود و مطمئن باشند که وضع دنیا به طور اساسی در شرف تغییر است و دنیای امروز اجازه نمی دهد که در جهان، دو قدرت هر کاری می خواهند بکنند و در کشورها یک عده سرنوشت ملت ها را در دست گیرند. پس بهتر است علما و روشنفکران متعهد قبل از تحول عمومی خودشان را به ملت ها نزدیک کنند و آنان را به حساب آورند و تحت فرمان قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آنها رفتار نمایند و با این ترتیب نظر ملت ها را به خودشان جلب تا این جدائی ای که بین روشنفکران هر جامعه و توده های زحمتکش و فقیر جوامع پیدا شده است یا بکلی رفع و یا کم گردد. امروز مردم ما صحبت های روشنفکر مابانه را نمی فهمند، باید با زبان مردم درد مردم را بیان کرد. تنها در این موقع است که مردم پشتیبان شما می شوند و از تحت سلطه ذلت بار ابرقدرت ها و وابستگان آنان بیرون می آیند و در حصن حصین کلمه (لا اله الا الله) در خواهند آمد و درست در این صورت است که همه ملت های اسلامی با یکدیگر دست برادری داده و به زندگی شرافتمندانه ای که لذتش صد بار از این زندگانی پر تشویش و متزلزل بالاتر و بالاتر است، به سوی تعالی و ترقی در دین و دنیا پیشرفت می نمایند. و آن دسته از مردمی که فریب تبلیغات شرق و یا غرب را خورده و شرق و یا غربزده شده اند از فرهنگ اسلام آگاهی کامل ندارند والا همه با روی گشاده به آغوش اسلام می آیند. امید است روشنفکران ما و تمام کشورهای اسلامی حس اتکا به نفس و استقامت در مقابل تمامی ابرقدرت ها را با بیانی ساده برای مردم کشورهای اسلامی بیان کنند و مطمئن باشند که هیچ کس ذاتا مایل نیست که وابسته باشد. ما باید با تمام توان کوشش کنیم تا مردم متوجه گردند که می شود روی پای خودمان بایستیم، می شود در مقابل شرق و غرب از فرهنگ و حیثیت ملی - اسلامی مان دفاع کنیم و می توانیم دنیای مادی را شکست دهیم و پرچم (لا اله الا الله) و (محمد رسول الله) را در تمامی دنیا به اهتزاز در آوریم.

9_ از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروه هایی که

بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بیگناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده اند و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره، فرزندان کشور را به فساد کشانده اند و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند و به دست خود به اسارت کشیده شده اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی رثوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید و زندان ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، چنانچه تاکنون عمل کرده اید تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند و به اسلام و نظام اسلامی رو آورند و از روی حقیقت توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند که باب رحمت، گناهکاران را بهتر جذب می کند. حتی آن کس که مستحق حدود الهی است از قتل و دیگر جزاها، باید از عطفوت ماموران تا پای دار و محل مجازات برخوردار باشند. و شورای عالی قضائی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند و هر کس استحقاق عفو را دارد به فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه دهند و انشاءالله عضو فایده بخش و فعال برای میهن خود گردند.

10_ از هموطنانی که خارج کشور هستند و می توانند برای کشور خود خدمت و به ملت مظلوم خود کمک کنند، چه اطباً محترم و چه متخصصان در رشته های مختلف و چه دیگران تقاضا دارم که قدری به حال ملتی که در طول تاریخ گرفتار رنج و زحمت بوده اند و زیر بار ظلم ستمکاران کمرشان خمیده شده است، بیندیشید و ببینید که آیا وجدان بیدار و شرافتمند ایرانی به آنها اجازه می دهد که با خیال های باطل و تبلیغات دروغین رادیوها و مطبوعات خارجی که همه دشمن میهن و ملت شمایند و با شایعه افکنی های منافقین و سلطنت طلبان که جز سود خود و امریکا را در نظر ندارند و می خواهند کشور را چون رژیم ستمشاهی به دامن امریکا بیفکنند، در خارج وطن خود بنشینید و به کشورهای دشمن خود و وطنشان و دینشان خدمت کنند و صدای مظلومیت همکیشان و هموطنان شان را بشنوند و بی تفاوت باشند و در غم و رنج آنها شرکت نکنند؟ آنچه در خارج از رسانه های گروهی می شنوید چیزی جز تبلیغات بی اساس نیست، بیابید و از نزدیک ببینید که ملت و کشور شما آزادی و استقلال خود را یافته و دست غارتگران را کوتاه کرده و مقدرات خود را خود به دست گرفته است و از وابستگی سیاسی و نظامی و فرهنگی بکلی خارج و در بعد اقتصادی نیز به سوی خودکفایی پیش می روند.

بیابید و تحولی را که در تمام قشرها پیدا شده است، ببینید. بیابید و خدمت هایی که در این چند سال به محرومان تاریخ شده است را ببینید و توجه کنید که با همه گرفتاری ای که دولت و ملت به آن مبتلا بود همچون نفس انقلاب و پیامدهای آن و جنگ افروخته شده از جانب قدرت های بزرگ و کوچک و شرارت ها و خیانت های گروه ها و گروهک های داخلی و فشارهای کمرشکن از قبیل محاصره اقتصادی و تحریم ها و تبلیغات رسانه های گروهی جهان و هجوم آوارگان جنگ و تبعیدهای حزب بعث و آوارگان افغانی توانستند این کشور را از انحراف به چپ و راست نجات دهند. بنابراین شما هم بیابید و به میهن خود خدمت کنید و دین خود را به کشور خود ادا کنید. اگر به اسلام معتقد

هستید ببینید مظاهراسلام امروز چیست و در رژیم پهلوی چه بود . اگر ملی هستید ببینید که امروز ایران در جهان به عنوان تنها کشوری که در مقابل امریکا و شوروی ایستاده است دارای چه قدرتی است و دارای چه شهرتی است و به همین دلیل است که تمام هم دولت ها و قدرت ها و رسانه ها برای جلوگیری از این شهرت و نفوذ است بیایید و ببینید که ایران در چه وضعی است . در حالی که در رژیم سابق که شاهش در ردیف نوکرهای آمریکا و ملتش را آنطور وابسته کرده بودند که در چنگال امریکا بود ، چه بدبختی و ذلتی گریبانگیر همه بود . البته روی سخن با آنان نیست که خوردند و دزدیدند و بردند و هم اکنون هم در لجنزار شهوات و فسادها دست و پا می زنند بلکه روی سخن با اشخاص شریفی است که وجدان انسانی خود را از دست نداده اند .

11 _ عرض من به روحانیت محترم و ائمه جمعه و جماعات آن است که همیشه آقایان محور وحدت کلمه در مردم بودید و چنانچه می دانید امروز بیشتر از هر وقت محتاج به وحدت کلمه هستیم . امروز که دست های ناپاک برای تفرقه افکنی در فعالیت هستند و از وحدت کلمه ملت خوف دارند و ممکن است ساده دلان را که از انقلاب های جهان بیخبرند تحت تاثیر قرار دهند ، بهترین قشری که با این طبقه تماس دارد شما هستید که می توانید با روشنگری خود آنان را از دست بدخواهان و توطئه گران نجات دهید و به آنان گوشزد نمایید که انقلاب را شماها کردید و خود را از قید و بند اسارت امریکا و دیگر جهانخواران و از ستم های رژیم پهلوی رها کردید . اکنون اگر به سمپاشی های بدخواهان و وسوسه های وابسته و پیوسته به امریکا و دیگران گوش فرا دهید و خدای نخواستہ در صفوف فشرده شما تفرقه پیدا شود ، تمام زحمات طاقت فرسایتان و خون های پاک شهیدایتان به هدر می رود و باز اسلام و کشورهای اسلامی و نسل های آینده تان در دست اجانب و دشمنان اسلام و میهن اسیر خواهد شد و اسلام که به دست توانای شما تجدید حیات کرد ، با دست شما سال ها و قرن ها شکستی جبران ناپذیر خواهد خورد و در نزد خدا و نسل های آینده مسوول و محکوم خواهید شد . و به ملت عزیز و توده های میلیونی ایران عرض می کنم که هیچ انقلابی بدون شهادت خواهی و فداکاری و سختی و گرانی و فشارهای مادی موقت تحقق نیافته و پس از این نیز تحقق پیدا نخواهد کرد ، ولی با مقایسه با انقلاب های دیگر ، هیچ یک از انقلاب ها چون انقلاب اسلامی ایران برای محتوای اسلامی خود که توده های اسلامی را به دنبال خود کشید و به دنبال آن سایر هم میهنان همچون اقلیت های مذهبی به میدان آمدند و ملت بحمدالله تعالی با یکپارچگی به پیروزی رسید ، پیروزی آنچنانی ای که جهان را تکان داده است و موج آن سراسر جهان را فرا گرفته است ، کم ضایعه تر و پرثمرتر نبوده است و اگر هیچ نبود جز مطرح شدن اسلام در جهان و به عزا نشانیدن ابرقدرت ها و ستم پیشگان ، برای ملت عزیز افتخاری بزرگ کسب گردیده بود و اکنون برای حفظ این افتخار بزرگ صبر و بردباری و کوشش و مجاهده لازم است و شما بحمدالله تعالی تاکنون به تکلیف اسلامی و ملی و میهنی خود به طور شایسته عمل نموده اید و انشاءالله تعالی از این پس نیز عمل خواهید کرد . و به آن دسته از تحصیلکردگان و روشنفکران و دانشمندان که به مرض غرب و شرقزدگی مبتلا نیستند و حاضر نیستند شرف اسلامی ،

ملی و میهنی خود را فدای امیال قدرتمندان کنند یا در راه لذات و شهوات زودگذر فدا نمایند، عرض می کنم همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید و با توده های محروم همصدا و همدست شوید که آزادی از چنگال شرق و غرب را که امروز نصیب تان شده حفظ کنید و در این خدمت از هیچ کوششی و مجاهده ای دریغ ننمایید که برای هیچ یک از ملت های جهان این فرصت نبوده است و یا برای کمتر ملتی این فرصت پیش آمده است. خداوند همه ما را توفیق شناخت وظیفه عنایت فرماید.

12_ دست گناهکارمان را به سوی خداوند بخشنده بلند می کنیم و از درگاه مقدسش عاجزانه استدعا می کنیم که ما را لحظه ای به خود وامگذارد و سایه عنایت خود را بر سر مسلمین جهان بویژه ملت ایران مستدام بدارد. ما می دانیم که بی نظر رحمت آن وجود مقدس، ما را توان مقاومت با تبهکارانی که عالم را تحت سلطه شیطانی خود قرار داده اند نیست و این حفظ توست که این کشور را با آنهمه فشارهای سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی حفظ کرده است. تو خود، ما را توفیق عنایت فرما که به راه تو، برای تو و بندگان مظلوم تو ادامه دهیم، و تو خود، ما را از لغزش ها حفظ فرما.

بار الها! شهیدان ما را که دلباخته تو بوده اند به جوار خود بپذیر و در صف اولیای خود قرار ده و به شهدای زنده ما که تا مرز شهادت پیش رفتند و سلامت خود را در راه دفاع از اسلام و بندگان مظلوم تو از دست داده اند اجر شهدای صدر اسلام را عنایت فرما و سلامت شان را به آنها بازگردان.

خداوندا! تمام مفقودین عزیز ما را هر چه زودتر به دامن پر مهر و عطفوت این ملت و خانواده های عزیزشان برگردان.

بار الها! اسرای ما اسیر جانی ترین دژخیم زمان می باشند، مقاومت آنها دنیا را شگفت زده کرده است، هر چه زودتر آنها را برای خدمت به تو و بندگان آزاد فرما. و به خاندان محترم همه صبر و اجر و سلامت و مغفرت عنایت فرما. و به ملت شریف و بزرگوار ایران سعادت و سلامت و برکت مرحمت کن و به رزمندگان عزیز پیروزی نهایی را به اسرع وقت عطا فرما و به همه ما قصد خالص لطف کن و از شر شیطان و نفس اماره نجات ده.

وصلوات و سلام بی پایان خداوند بر انبیا عظام خصوصاً اشرفهم و خاتمهم و بر اولیای عظام سیما ولی عصر و امام زمان ارواحنا لمقدمه الفداء باد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر ، فرمانده نماینده امام و اعضای شورایی عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الان حفظ اسلام به عهده همه ماست

بسم الله الرحمن الرحيم

متأسفانه عراق دچار آدمی شده است که دیوانه است و صدام چون می بیند در حال غرق شدن است خواهد همه را با خود غرق کند و مردم عراق را هم غرق کند و این دیوانگی دیشب او با علم به این بوده است که بی جواب نمی ماند . متأسفانه دنیا هم از حقوق بشر صحبت می کند ، لکن عمل نیست . امام امت درباره پاره ای از مشکلات سپاه نیز اشاره فرمودند : هر انسانی که مشغول کاری می شود البته مشکلات دارد و کسی که بخواهد مشکلی در کاری نباشد باید مثل مرده ها در قبرستان برود و یا منزوی باشد . اگر قرار باشد افراد متعهد کنار بروند ، مسوول هستند . آنان که کمر برای حفظ اسلام بسته اند باید اگر همه هم رفتند ، آنها بمانند . انشاءالله همه موفق و مؤید باشید که همانطور که تا به حال عمل کردید ، بعد از این هم عمل کنید . الان حفظ اسلام به عهده همه ماست ، آنهایی که با اسلام و ایران مخالفند می خواهند بین ارتش و سپاه و مردم و دیگران شکاف ایجاد کنند و ما نباید غافل باشیم و باید به خداوند تعالی اتکال کنیم ، تا انشاءالله به پیش ببریم و پیش هم خواهیم برد .

تاریخ : 26/11/62

پیام امام خمینی به حجت الاسلام محتشمی سفیر جمهوری اسلامی در سوریه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی اکبر محتشمی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در سوریه دامت افاضاته

از حادثه ناگوار که توسط ایادی استکبار جهانی برایتان اتفاق افتاد متأثر گردیدم . انشاءالله هر چه زودتر سلامت تان را باز یافته و در سنگر اسلام و انقلاب به نفع مستضعفان و مظلومان جهان به مبارزات سخت خود ادامه دهید . برای فرزندان اسلام و قرآن تمام مشکلات و صدمات در راه خداوند ، شیرین و آسان است .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 241

بیانات امام خمینی در جمع مدیران و کارکنان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی سراسر کشور

باید کوشش کنیم به اینکه آن چیزهایی که نداریم تحصیل کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من از دوستان محترمی که در این مجلس حاضر هستند تشکر می‌کنم و امیدوارم که همه موفق بشوند به اینکه موافق رضای خدا عمل کنند. همانطوری که شما گفتید این دستگاه تبلیغاتی در زمان سابق به طوری فاسد بود که تبدیلیش را به یک وضع سالم، مجاهدات زیاد لازم دارد و من از مجاهداتی که در این راه کردند آقایان و بحمدالله بسیار هم عمل شده است تشکر می‌کنم. لکن ما نباید اکتفا کنیم به آن چیزی که داریم، باید کوشش کنیم به اینکه آن چیزهایی که نداریم تحصیل کنیم. ما نباید در تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع بشویم و در تحت تأثیر هیچ تبلیغاتی در عالم واقع بشویم. ما باید در همه امور مستقل باشیم و خودمان کار کنیم، توقع نداشته باشیم که خارج برای ما کار بکند. خارجی‌ها همه الان در صدند که کارشکنی بکنند، برای ما کار نمی‌کنند. سابق هم همین طور بوده است، منتها به صورت اینکه برای ایران می‌خواهند کار بکنند، ایران را به دام کشیدند و آن کردند که همه دیدید.

صدا و سیما دستگاهی است که با صحت آن مردم صحیح می‌شوند و با فساد آن فاسد

این دستگاه صدا و سیما امروز وضعی دارد که مسؤولیت شما آقایان را خیلی زیاد می‌کند. سابق تبلیغات عبارت از این بود که اهل منبر یا علما در همان محل محدودی که داشتند، در مسجدی که داشتند می‌رفتند و برای یک چند نفری یا یک عده ای صحبت می‌کردند و ارشاد می‌کردند. امروز این دستگاه در همه کشور پهن شده است و از رادیو گمان ندارم که قشری باشند که محروم باشند. همه گوش می‌کنند حتی آنهایی که در صحرا دارند زراعت می‌کنند، رادیو هم گوش می‌کنند و سیما راهم همانطوری که گفتید توسعه اش زیاد شده است و علاوه بر این، این دستگاه خصوصا رادیو در خارج از کشور بسیار گسترده است. بنااعلیه می‌تواند این دستگاه با اندک انحرافی میلیون‌ها مردم را منحرف کند و با اندک اشتباهی میلیون‌ها مردم را به اشتباه بیندازد و می‌تواند که اگر چنانچه انشاءالله صد در صد در راه ارشاد و در راه اسلام شد، میلیون جمعیت را، صدها میلیون جمعیت را هدایت کند. بنابر این یک دستگاهی است این که نباید ما این را کم بشمریم. دستگاهی است که با صحت او بسیاری از مردم در داخل و خارج صحیح می‌شوند و با فساد او فاسد می‌شوند. از آن طرف مسؤولیت بسیار

است و از آن طرف که راه ارشاد است، ارزش زیاد است. همانطوری که ارزش دارد این دستگاہ برای اسلام و جمهوری اسلامی، اسلام از این می خواهد که بهره برداری زیاد در راه اسلام بشود، تبلیغات زیاد در راه اسلام بشود. صدای جمهوری اسلامی که تقریباً به اکثر کشورها، به بسیاری از کشورها می رسد، این صدا باید یک صدایی باشد که مردم را ارشاد کند و اسلام را معرفی کند. امروز دارند همه گروه هایی که در خارج هستند، چه تبلیغات رادیو و تلویزیونی شان و چه تبلیغات از راه مطبوعاتشان دارند با اسلام معارضه می کنند. مسأله، مسأله ایران نیست. اگر تنها مسأله ایران بود چندان اهمیت نداشت، اما مقابله با اسلام است، نه مقابله با ایران است. منتها اینها چون فهمیدند که آن چیزی که در ایران واقع شده است، آن این است که اسلام را به آنطوری که هست، (نه به آنطوری که غربی ها معرفی می کردند، حالا هم باز منحرفین معرفی می کنند)، اسلام را آنطوری که هست معرفی کنند، آنطوری که هست پیاده کنند، آنطوری که هست به خارج ارائه بدهند این یک خطر بسیار عظیمی است برای قدرت های بزرگ. چنانچه ملاحظه می کنید که با تصریح می گویند که اسلام یک خطری است و صحیح هم می گویند. نسبت به اشخاص فاسد خطر دارد اسلام، نسبت به چپاولگرها، نسبت به دزدها، نسبت به زورگوها اسلام خطر است. اما اسلام می خواهد که اینطور مسائل در دنیا نباشد. اسلام می خواهد که همه در آرامش باشند، همه در صلاح باشند. و ما که می گوئیم اسلام را ما می خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می توانیم. اما آنکه ما می توانیم این است که می توانیم به وسیله دستگاہ هائی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه هائی که در خارج می روند، اسلام را آنطوری که هست معرفی کنیم. اگر آنطوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد شد. بشر فطرتش یک فطرت سالم است، اگر یک چیزی را القا بکنند، روی فطرت سالم خودش قبول می کند و قدرتمندها از همین معنا می ترسند. بنابراین ما یک وظیفه بسیار بزرگ در عهده داریم. نه ما تنها، همه مسلمان ها و نه شما تنها، همه قشرهائی که در ایران و در خارج ایران هستند و متعهد به اسلام هستند، وظیفه بزرگی داریم و آن اینکه اسلام را آنطوری که هست، آنطوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آنطوری که در روایات و در قرآن ما هست، آنطور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توپ و تانک بیشتر می تواند موثر باشد. آن چیزی که با ارشاد حاصل بشود، قلب مردم را برگرداند و این کار، این هنر از اسلام می آید و این هنر از احکام اسلام می آید، نه با یک توپ و تانک بخواهد کار بکند، او نمی تواند کاری بکند و شما ببینید که با اینکه قدرت های بزرگ دارای آن قدرت ها هستند هر روز در دنیا دارند شکست می خوردند.

امروز امریکا از لبنان فرار کرده و اسمش را گذاشته جابجائی !!

شما وضع امریکا را در سابق با حالا مقایسه کنید. وضع انگلستان را در سابق با حالا ملاحظه کنید و همین طور سایر قدرت ها را در سابق امریکا نسبت به ایران و نسبت به سایر کشورهای اسلامی

به خیال خودش یک آقائی بود که با یک کلمه کارها را اصلاح می کرد. آنطور بود که اگر مثلاً فرض کنید شاه یک کشوری، رئیس جمهور یک کشور اسلامی می خواست برود در امریکا، باید مدت ها زحمت بکشد تا اجازه به او بدهند، وقتی هم می رفت مدت ها زحمت بکشد که پیش رئیس جمهور برود. وضع اینطور بود، با یک کلمه کارها را اصلاح کردند. امروز وضع امریکا اینطور شده است که از لبنان با اینکه لبنان در دست اوست بسیاری اش، با اینکه رئیس جمهورش با اوست، با اینکه بسیاری از جبهه هایش با او هستند، همین مسلمان های معدود کاری کردند که از لبنان فرار کرده، منتها اسمش را گذاشته است که ما جابجا شدیم، جابجائی اسمش را گذاشته!! این فرار است، چرا اسمش را درست نمی گوئید؟ و فرار کرده و دنبال فرارش از خارج توپ به روی مردم بسته است، این از شدت عجز این کشور است که برود خارج و از خارج توپش را سوار کند به مردم جهان، موشکش را بفرستد طرف مردم. این کمال عجز است از برای او، لکن اینها با اینکه ادراک این مطلب را کردند به روی خودشان نمی آورند، باز هم آن حرف های زمان سابق را می زند.

رئیس جمهور امریکا گفت ما اجازه نمی دهیم که تنگه هرمز بسته بشود. این خیال می کند حالا- هم زمان سابق است که اجازه می خواهد اجازه ایشان تأثیر دارد! حالا این مردم لبنانند که اجازه ندادند شما در آنجا باشید و این مردم ایرانند که اجازه ندادند که شما در اینجا باشید و این مردم ایرانند که باید به شما اجازه بدهند. و عمده اشتباه آنها، اگر اشتباه کرده باشند، عمده این است که نمی دانند که با کی مقابلند. آنوقتی که با دولت ها مقابل بودند. ملت ها کاری نداشتند با دولت ها، کارهایشان را به دست دولت ها انجام می دادند. دولت ها هم نوکر آنها بودند، حالا هم در بسیاری جاها همین کار را می کنند، برای اینکه دولت ها نوکر هستند، ملت ها هم کار ندارند. آنجائی که مواجه با ملت هستند همه جا شکست می خورد. لبنان با اینکه ملتش یک مقداری اش در میدان است، مابقی اش طرفدار امریکاست و یا کاری ندارد، آنطور کرده امریکا را که با همه چیزهایی که می گفت مامانیم در اینجا، مکرر این معنا را بزرگانسان می گفتند، رئیس جمهورشان گفتند که ما ماندنی هستیم در امریکا، حالا می بینید که فرار کردند، می گویند ما جابجا شدیم.

ایران غیر لبنان است، ایران دولتش، ملتش، تمام اقشارش با هم هستند. آنجا با هم نیستند، آنجا دولتشان مخالف است با ملت. ایران تمام اقشارش با هم موافقند، با هم هستند، با یک همچو ملتی نمی تواند هیچ قدرتی مقابله کند. ملت ها ایستاده اند، مثل ایران ایستاده اند و در راه اسلام دارند از همه چیزشان گذرند. یک ملتی که از همه چیزش در راه اسلام دارد می گذرد و جوانانش هر روز دارند در راه اسلام فداکاری می کنند این را نمی شود یک دولتی بیاید به او زور بگوید یا فشار به او بیاورد.

امروز مظلومین باید برخیزند و داد خودشان را از ستمکاران بگیرند

امروز وضع غیر آنوقت است، آن اشتباهات را باید از مغزهاشان بیرون کنند. اشتباه اینکه وضع حالای دنیا با سابق یک طور است، اشتباه اینکه مقابله با ملت ها مثل مقابله با دولت هاست، اینها از

اشتباهاتی است که اینها دارند، یا می فهمند نمی خواهند به روی خودشان بیاورند. از این جهت نمی تواند امریکا، نه شوروی، نه امریکا، نه سایر قدرت ها با ملت ها نمی توانند مقابله کنند. آنها می توانند با دولت ها و همین طور هم کردند. از اول هم بنابر همین بود که اینها دولت ها را تحت سلطه خودشان قرار می دادند، نوکر خودشان قرار می دادند، به وسیله آنها هر کاری می خواستند می کردند. اما امروزی وضع تغییر کرده دنیا امروز بیدار شده است. دنیا از امریکای لاتین گرفته تا کشور شوروی، امریکای مرکزی و همه جا، تمام دنیا، مظلومین دنیا بیدار شده اند. مظلومین دنیا نمی پذیرند از آنها آن چیزهایی را که در سابق پذیرفتند. امروز قدرت ها باید گوش کنند به حرف ملت ها، نمی فهمند این را که نباید بنشینند بگویند که ما اجازه می دهیم یا اجازه نمی دهیم. این اجازه می دهیم و اجازه نمی دهیم مال آنوقت ها بود، نه مال حالا و اینکه ما فلان جا را چه می کنیم، حمله نظامی می کنیم، خوب، شما حمله نظامی تان را کردید و دیدید چه شد، شوروی هم حمله نظامی اش را کرده و دارد می کند و می بیند که چه می شود. با اینکه در آنجا افغانستان هم یک دسته هستند که با اینها مقابله می کنند و الان فشل کردند آنها را. اینها باید تجدید کنند نظر خودشان را، باید بفهمند این معنا را که امروز غیر سابق است و ملت ها غیر دولت ها هستند.

بنابراین ما باید این مطلب را به مردم دنیا بفهمانیم که هر کسی نمی داند، بداند که امروز وضع غیرسابق است و مظلومین باید برخیزند از جا و مظلومین باید داد خودشان را از ستمکاران بگیرند. و این یک مطلب شدنی است و مسلمین باید با هم باشند و مع الاسف باز بسیاری از سران مسلمین کارشکنی می کنند. مسلمین با هم باشند، اگر مسلمین با هم باشند، یک قدرتی را تشکیل می دهند که هیچ یک از این قدرت ها مثل آن قدرت نیست برای اینکه یک میلیارد جمعیت ایماندار غیر یک میلیارد جمعیت بی ایمان است، غیر صد میلیارد جمعیت بی ایمان است. شما ملاحظه کردید که یک جمعیت کمی در ایران و هیچ وسایل نداشت، لکن ایمان داشت چه معجزه ای در دنیا ایجاد کرده و دنیا الان چطور تحت تأثیر ایران واقع شده است. بنابراین ما باید توجه بکنیم، شمایی که دستگاه تبلیغات در دستتان است، آنهایی که می خواهند صحبت کنند برای مردم، گروه هایی که در خارج می روند، باید معرفی کنند اسلام را که اسلام این است و انشاءالله مورد قبول است.

انتخابات در انحصار هیچ کس نیست و مال همه مردم است

از اموری که لازم است امروز تذکر بدهم شاید بعد دیر بشود، قضیه انتخابات است. همانطوری که مکرر من عرض کرده ام و سایرین هم گفته اند انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه هاست انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است و انتخابات برای تحصیل سرنوشت شما ملت است. از قراری که من شنیده ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته اند گفته اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است تا حالا می گفتند که مجتهدین در سیاست نباید

دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده اند حالا عکسش را دارند می گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دوی غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین کند انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این اینطور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند. این معنی دارد که مثلا یک دوستان تا مجتهد در قم داشتیم و یک صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها همه بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! این یک توطئه ای است که می خواهند همانطوری که در صدها سال توطئه این بود که باید روحانیون و مذهب از سیاست جدا باشد و استفاده زیاد کردند و ما ضررهای زیاد از این بردیم، الان هم گرفتار ضررهای او هستیم، حالا دیدند این شکست خورد، یک نقشه دیگر کشیدند و آن این است که انتخابات حق مجتهدین است، انتخابات یا دخالت در سیاست حق مجتهدین است. دانشگاهی ها بدانند این را که همانطوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلا مدرسه ای و اینها نیست، همه شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و یک همچو مطلبی را گفتند، این یک توطئه ای است برای اینکه شما جوان ها را مایوس کنند.

بیدار باشید، توجه کنید، اینها با توطئه هایشان می خواهند کار را انجام بدهند، نمی توانند با دخالت نظامی کار بکنند، اینها می خواهند با شیطنت هایشان کار خودشان را انجام بدهند. آنوقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند، این مطلب شکست خورده، حالا می گویند که سیاست حق مجتهدین است یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند، باقی شان بروند سراغ کارشان. یعنی مردم بروند سراغ کارشان، هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد ملا بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران، برای اینکه آن یک عده از علما را کنار می گذاشت، منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می شوند، این تمام ملت را می خواهد کنار بگذارد. یعنی نه اینکه این می خواهد مجتهد را داخل کند، این می خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد. باید دانشگاهی ها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند. انتخابات سرنوشت حتی شمایی که در آنجا هستید را تعیین می کند. یک امری که سرنوشت آحاد ملت در دست اوست، وظیفه آحاد ملت است که در آن دخالت کند، مربوط به یک قشری، دون قشری نیست، همه باید در این دخالت بکنند. و این شیطنت هایی که الان دارند می کنند، به طوری که به من گفته اند برای مایوس کردن بعضی از جوان های ماست. این شیطنت را خنثی کنید و فعال وارد بشوید در انتخابات، می خواهید خودتان کسانی را تعیین کنید و انتخاب بکنید، می خواهید ببینید هر قشری که می پسندید حرف های آنها

را و کاندیدای آنها را . شما هم با آنها باشید . در هر صورت ما باید از کید این خائنین هیچ وقت غافل نشویم . اینها دائما مشغول نقشه کشی هستند و دائما مشغول توطئه هستند برای اینکه این سیلی ای که از اسلام خورده اند اینها ، به این زودی جبران پذیر نیست . اینها می خواهند و می دانند که با زور نمی شود این کار را انجام داد . اگر هم یک وقتی می گویند که ما با زور و نظامی می کنیم ، این بیخود می گوید . خودشان هم می فهمند که بیخود می گوید . آنها اگر بخواهند کاری بکنند همین از ناحیه خود مردم ، از ناحیه دانشگاه ، از ناحیه بازار ، از ناحیه کارگرها ، از ناحیه کارخانه ها ، از این جاها می خواهند صدمه بزنند و شما اگر بخواهید برای خدا باشد یا برای ملت تان باشد یا برای زندگی خودتان باشد ، بخواهید که اسیر نباشید باید همه توجه کنید و گول این حرف ها را نخورید و در انتخابات به طور فعال همه دخالت بکنید و من امیدوارم که انشاءالله همه موفق بشوید و امیدوارم که با سلامت و سعادت به کار خودتان ادامه بدهید که کار بسیار عظیمی است و کار بسیار پراهمیتی است .

صدام رفتنی است ، نه امریکا می تواند نگهش دارد و نه دیگران

و شما می بینید که الان تبلیغات در دنیا همه کارها را دارد انجام می دهد . شما ملاحظه می کنید که صدام آنطور بیچاره شده است ، تبلیغانش آنطور است ، تبلیغات دیگران نسبت به او آنطور است . آن بیچاره آنطور مفلوک شده ، دور افتاده به این طرف و آن طرف قرض می کند . دور افتاده به این ور و آن ور استدعا می کند که بیایید ما را صلح بدهید و دروغ هم می گوید ، نمی خواهد صلح بکند ، می خواهد اغفال کند ، از آن طرف مستاصل شده ، از آن طرف رسانه های گروهی همه جا می گویند ایران اینجور گفت و عراق آنطور گفت . او را با آب و تاب نقل می کنند ، این هم یک کلمه نقل می کنند و اخیرا می گویند که خیر ، حالا دیگر کار به جاهای مهم رسیده و ممکن است امریکا وارد بشود و ممکن است چه بشود . اینها همه حرف است . صدام رفتنی است و نه امریکا می تواند نگهش دارد و نه دیگران . و من امیدوارم که انشاءالله این غده سرطانی در بلاد مسلمین و آن غده سرطانی در آن طرف بلاد مسلمین که آنجا اسرائیل است و اینجا حزب بعث است ، انشاءالله خداوند ریشه این را بکند و ملت عراق خودشان سرنوشت خودشان را به دست خودشان انجام بدهند و ملت ایران هم انشاءالله با قدرت به پیش بروند .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی

مسئله تبلیغات از مسائل بسیار مهمی است که شاید در راس امور واقع است

بسم الله الرحمن الرحيم

از کارهای چشمگیری که در این نهاد شده است تقدیر و تشکر کنم و توفیق آقایان را بیشتر از خدای تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم. مهم این است که در اینطور مسائل چون مسائلی است که مربوط به اسلام است، همه مردم شرکت دارند، امروز کارهایی که در ایران می‌شود، کارهایی که مربوط به جمهوری اسلامی است، از باب اینکه مردم از خودشان می‌دانند و جدا نمی‌دانند هیچ نهادی را از خودشان، از این جهت فعالند در کارها و ما باید هرچه بیشتر مردم را حفظ کنیم و مردم باید هر چه بیشتر در صحنه حاضر باشند. ما الان در بین راه هستیم. یعنی آن چیزی را که اسلام از آحاد ما خواسته است و او اینکه اسلام را آنطوری که هست معرفی کنیم به همه جا آن را، ما الان در اول راه هستیم که باید این کار را انجام بدهیم. مسئله تبلیغات یکی از مسائل بسیار مهمی است که شاید در راس بیشتر از امور واقع بشود و ملاحظه می‌کنید که دنیا تمام تبلیغاتشان به ضد ماست، تقریباً باید اینطور گفت آنهایی که به ضد ما نیستند ساکت اند والا تمام رادیوها، تمام مطبوعاتشان، مصاحباتی که در خارج واقع می‌شود همه را ملاحظه کردید که به ضد جمهوری اسلامی است. یعنی به ضد اسلام است و چون اسلام را آنها نمی‌خواهند و ایران را می‌بینند که در صدد این است که اسلام را معرفی کند به عالم و اگر معرفی بشود به عالم قبول خواهند کرد و منافع آنها را به هدر خواهد داد. از این جهت با ایران مخالفت می‌کنند، نه اینکه ایران به اینکه یک جمعیتی در ایران هستند، یا یک انسان‌هایی در ایران هستند، با ایران به اینکه عنوان اسلامی پیدا کرده است. والا این ایران بوده زمان محمدرضا، زمان دیگر با آن مخالفت نداشتند، بلکه موافقت هم داشتند. برای اینکه آن ایران، ایرانی بود که در دست آنها بود و درخواست آنها بود، اما ایرانی که در دست آنها نباشد و مخالف با آنها باشد و خواست آنها را نخواهد انجام بدهد، آنها این ایران را نمی‌خواهند و به عنوان ایران، اسلام را دارند می‌کوبند و ما باید هر چه بیشتر مسئله تبلیغاتمان را خصوصاً در خارج باید دولت و باید ملت هر چه بیشتر تبلیغات را دامن به آن بزنند در مقابل آن تبلیغاتی که الان در دنیا هست.

شما می‌بینید در همین دهه فجر و در 22 بهمن که آن جمعیت عجیب و غریب در صحنه بود، قبلش بعضی از این ایرانی‌هایی که بیرون رفتند، فرارکردند، اینها یک شیوه خاصی

دارند، می گویند که مردم بیرون نیاید. دنبال او هر چه بیرون آمده باشد آنها کار ندارند. بعد می گویند که دیدید هیچ کس بیرون نیامد. وضع شان اینطوری شده. یکجور شکست خوردگی مفتضحانه ای هست که مبتذل شده است. یک کلمه، خوب، بیرون نیاید، که معلوم نمی شود کی بیرون آمده، کی نیامده. بیرون آمده ها معلوم می شود، بیرون نیامده. ها اینها یکدفعه نمی گویند بابا بیرون بیاید شما هم یک طرف شهر باشید تا ببینیم چی اند، آنها که بیرون می آیند کی اند. از آن طرف می گویند همه ایران با ما هستند از آن طرف می گویند اگر بخواهند بیایند بیرون آنها را چه خواهند کرد. خوب، اگر همه ایران با شما هستند، چگونه خواهد کرد؟ 22 بهمن که به این وضع بوده نه در رسانه های گروهی خارج یک چیزی گفتند که قابل ذکر باشد و نه _ در _ کسانی که در خارج نشستند اند و به ضد ما صحبت می کنند. 22 بهمن را به حسب آنطوری که همه گزارش داده اند، خوب ما صحنه هایش را می بینیم یک چیز چشمگیری بود، خیلی زیاد بود. بعضی ها می گفتند که این تقریباً مثل آن اجتماعات اول عاشورا و آنوقت ها بوده است. ولی معذک در دنیا منعکس نشد و اینطور شد. وضع جنگ را ببینید. امروز وضع جنگ اینطور است که در هر صحنه ای که وارد می شوند. اینها و ارتش اسلام وارد می شود، سپاه پاسداران، بسیج، وارد می شوند پیشروی می کنند، اسیر می گیرند. در همین آخر دو هزار می گویند، دو هزار نفر اسیر گرفتند هیچ صحبتی نیست. اما از آن ور یک چیز تلویزیونی درست می کنند، حالا البته آنها اهل فن اند می توانند درست بکنند. آنوقت پریش بود یا دیشب بود می گفت که در تلویزیون کجا که در لندن درست شده است و نمایش داده شده است و در فلان جایی از این خلیج مثل اینکه بود آنجا نمایش داده شده است، فهمانده اند به مردم که چقدر ایرانی ها کشته شده اند تمام لاشه های اینها افتاده است در بیانان ها و عراقی ها با شادی دارند دور و بر آنها می گردند این عراقی های بیچاره ای که گرفتار شدند خودشان، این ارتش عراقی که بیچاره شده است، هر وقت چهارتا پاسدارها را می بینند، فرار می کنند همه شان، آنوقت یک همچو چیزی نمایش می دهند وضع دنیا اینطوری شده در تبلیغات. تبلیغات وضعش بر این شده است که هر چه بتواند بر خلاف اسلام، بر خلاف ایران به عنوان اینکه این یک جمهوری اسلامی هست و اسلام را می خواهد، دارند تبلیغ می کنند از هر طرف. جنگ با این اهمیتی که هست الان پیشروی دارد می کند و اینطور پیشروی کرده و همه را بیرون کرده اند تقریباً، تقریباً از ایران بیرون کردند و الان دارند پیشروی می کنند. وقتی که رادیوها می گویند، آنجایی که خیلی خوب می گویند، می گویند بعضی ایرانی ها اینجور می گویند، عراقی ها اینجوری می گویند، اما معلوم نیست چه جوری است. آنوقت که زیاد سیلی خوردند از آن ور می افتند می گویند که عراقی ها پیش بردند، جلو آوردند، رانند ایرانی ها را. انداختند به دریا، آنها نتوانستند شنا کنند رد بشوند، انداختند به آن _ چیزها _ آب ها و آنها بیچاره ها همه خفه شدند و مردند. اسیر گرفتند، اسیرهای بچه هشت ساله، این ایران بچه های هشت ساله را می فرستند به جنگ. وضع تبلیغات اینطور شده. ما تبلیغاتمان هر چه هم زیاد بشود البته به پای آنها نمی رسد. خوب همه رسانه های گروهی دست آنهاست. اما ما باید تبلیغ کنیم

الحمد لله خوب در صحنه هستند مردم ، لکن باید باقی بمانند در صحنه

ما باید بگویم به مردم . و من امیدوارم که موفق بشوند آنهایی که تبلیغ می خواهند بکنند و آنهایی که در خارج می روند و آنهایی که در رادیو و تلویزیون صحبت می کنند _ این _ معلوم بشود که وضع چه جوری هست ، آنها چه وضعی دارند و ما چه وضعی داریم و آنها چه می گویند و ما چه می گوئیم . اینها اسلام را یک جوری معرفی دارند می کنند که اسلام جنگ می خواهد بکند . با اینکه اسلام هیچ وقت جنگ نخواست یعنی ما نخواستیم جنگ بکنیم ، آنها جنگ را آوردند برای ما ، ما دفاع می کنیم . الان هم اگر چنانچه ما مهلت بدهیم به صدام ، اگر این دو ماه مهلت پیدا بکند دوباره تجهیزش می کنند ، مجهزش می کنند و دوباره یک جای دیگر حمله می کند . یک همچو حیوانی را که نمی شود که ما رهایش کنیم که سرخود هر کاری می خواهد بکند . این تا خفه نشود ، این منطقه درست نخواهد شد و آنهایی که به این کمک می کنند نمی فهمند ، متوجه نیستند . امریکا اینها را بازی می دهد ، اینها را آلت دست قرار داده . همانطوری که صدام مبتلا شده است . با اینکه عراق طرف نسبت قدرتش با دیگر جاهایی که الان در خلیج و اینها هستند ، همانطور که اینها مبتلا شدند ، امریکا می خواهد اینها را مبتلا کند ، دیگران را هم می خواهد مبتلا کند باید اینها بفهمند که تکلیف شان چی هست با اسلام تکلیف شان چی هست ، با ایران تکلیف شان چی است .

آنها بعد می خواهند زندگی کنند ، بعد که صدام رفت اینها می خواهند زندگی کنند . ما میل داریم که اینها زندگی شان زندگی صحیح باشد . ما همیشه میل داریم که در منطقه که هستیم اسباب آسایش مردم بشویم نه اینکه اسباب گرفتاری مردم بشویم . نمی گذارند ما کار خودمان را انجام بدهیم اگر یک سال مهلت به ایران بدهند ، آنوقت می فهمند که هم منطقه خوب خواهد شد ، هم دست قدرت ها بریده خواهد شد ، هم هر منطقه ای در محل خودش برای خودش زندگی مرفه خواهد پیدا کرد . لکن خوب امریکا نمی گذارد ، از آن ور از این ور هر طور دلش بخواهد می کند . و من امیدوارم انشاء الله که دست همه کوتاه بشود و شما هم موفق بشوید . به خدمت مال خودتان است الان ایران ، دست همه کوتاه شده ، خودتان باید درستش کنید . الحمد لله خوب در صحنه هستند مردم ، خوبند خیلی ، بسیار خوبند ، لکن باید باقی بمانند در صحنه ، اگر بخواهند یک زندگی شرافتمندانه داشته باشند ، یعنی آدم باشند . ما را آدم حساب نمی کردند قبلاً . ما را مثل _ یک _ سایر چیزها حساب می کردند . که یک کالایی بودیم دست آنها که برایمان می فروخت این به آن می فروخت ، آن به آن می فروخت و چه می کرد ، ما اینطوری بودیم . حالا _ بحمد الله خودمان هستیم ، برای خودمان هست و امیدوارم انشاء الله که موفق بشوند به اینکه خدمت کنند به اسلام ، خدمت بکنند به ایران .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور و استانداران سراسر کشور

امروز مردم می دانند که دولت از خودشان است و انتخابات هم از خودشان است

بسم الله الرحمن الرحيم

از خدای تبارک و تعالی توفیق همه آقایان را و همه خدمتگزارها را می خواهم که به این ملت مظلوم برای خاطر خدا خدمت کنند. در قضیه استانداران و آنهائی که توابع آنها هستند، دو مطلب را می خواهم عرض کنم. یکی اینکه توجه دارند آقایان که تا ملت در کار نباشد نه از دولت و نه از استانداران کاری نمی آید، یعنی همه دستگاه های دولتی به استثنای ملت کاری از شان نمی آید. از این جهت همه مان و شما آقایان همه و آنهائی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور. در سابق مردم نه دولت را از خودشان می دانستند، نه انتخابات را از خودشان می دانستند، نه همه روسا را، هیچ کدام را از خودشان نمی دانستند جدا می دانستند و لهذا نه شرکت می کردند به طوری که باید، مگر آنجائی که فشار و اینها بود و نه در مشکلات با دولت هیچ وقت همراهی نمی کردند، اگر کارشکنی نمی کردند. همراهی نمی کردند. شما مطمئن باشید که در این مشکلاتی که برای کشور ما پیدا شد بعد از پیروزی که یک مشکلاتی بود که هر دولتی را کمرش را خم می کرد، اینکه دولت ایستاده است و به خوبی دارد عمل می کند. برای این است که مردم هستند. کمک مردم است هر جا هر نقیصه ای پیدا می شود مردم دنبالش هستند، برای رفعش دنبالش هستند. امروز مردم اینطور نیست که دولت را از خودشان جدا بدانند یا انتخابات را انتخابات فرمایشی بدانند و از غیر بدانند. امروز مردم می دانند که دولت از خودشان است و انتخابات هم از خودشان است. شما باید کوشش کنید که این چیزی که الان در ذهن مردم هست، که دولت را از خودشان می دانند، این از دل آنها بیرون نرود. یعنی شما در طول خدمتی که انجام می دهید خدای تبارک و تعالی را در نظر داشته باشید شما مسؤول هستید پیش خدا، فردا از شما سوال می شود. اینجا هم بر فرض اینکه بتوانید یک چیزی را خدای نخواستہ عمل کنید و مخفی نگه دارید، پیش خدا مخفی نیست، پیش ملائکه که الله مخفی نیست، یک روزی به آن می رسد انسان از این جهت نسبت به مردم هر چی مردم ضعیف ترند بیشتر، عکس سابق که هر چی قوی تر بودند، با خان ها رفتارشان چطور بود، با مثلاً آنهائی که دارا بودند چطور بود، با سرمایه دارها چه جور بود، با مردم ضعیف هیچی. شما عکس کنید مسئله را، یعنی آنطوری که با مردم ضعیف و مستضعف و محروم رفتار می کنید بهتر باشد از آنی که با دیگران

رفتار می کنید، با همه خوب، اما اینها شکسته اند، اینها محکوم بودند در طول تاریخ، اینها زحمت دیدند، اینها در انقلاب خدمت کردند، اینها امروز جوان هایشان را می دهند، آن طبقه مرفه اگر هم باشد کمی از آنها داخل این امور هستند، خیلی نیستند. بنابراین ما باید این طبقه از مردم را برای خاطر خدا و برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی حفظ بکنیم. در همه قشرها در در همه کارها با آنها خوشرفتاری کنید، یک وقت خدای نخواستہ یکی را کار دارد بیاید در آنجا، فراش راهش ندهد. یا مدتی معطل بشود یا توی اتاق نگذارند بیاید، اینها اینطور نباشد. اینها کارهائی بود که بر خلاف رضای خدا بود و سابق می کردند، شما باید عکسش باشد.

این مسئله است که راجع به همه کارهائی که شما می کنید متوجه باشید که خدا حاضر است در همه جا و متوجه همه مسائل هست و ثبت می شود کارهای ما و پیش خدا میرود، بعدها در قیامت پیش یعنی خودمان هم باز می شود اعمالمان، از این جهت این یک سفارش است که عرض می کنم.

مردم در انتخابات حاضر می شوند و می دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است

یک سفارت دیگر راجع به انتخابات است. شما هر چه هم خوب رفتار کنید آنهایی که باید اشکال کنند می کنند. ما کاری به اشکال آنها نداریم آنها _ اشکال _ از اول اشکال می کردند حالا هم اشکال می کنند. قبل از این هم که انتخابات در کار باشد صحبت انتخابات همچو که نزدیک شد شروع کردند به اینکه این انتخابات آزاد نیست، مردم هیچ وقت نمی روند پای صندوق ها، چه خواهند کرد. اینها بعدها هم خواهند گفت، اینجا ما کار نداریم، ما خودمان بین خودمان و خدای تبارک و تعالی باید فکر بکنیم که شما مسؤول این مسئله هستید، هم مسؤول کار خودتان و هم مسؤول مسؤلین دیگری که تحت نظر شما هستند هستید، که جریان انتخابات یک جریان صحیح باشد. هیچ کس در انتخابات بر دیگری مقدم نیست، همه افراد ملت یک جو هستند در انتخابات، یعنی همان آدمی که یک کار کوچکی انجام می دهد با آن کسی که در رأس همه امور هست در باب انتخابات هیچ با هم فرقی ندارند، این یک رای دارد، آن هم یک رای دارد. این یک جور باید با او عمل بشود، با آن هم یک جور عمل بشود بنابراین توجه به اینکه انتخابات جوری باشد که مردم پسند باشد، نه جوری باشد که فرض کن خان پسند باشد، ما او را نمی خواهیم. مردم پسند باشد، یعنی مردم احساس بکنند به اینکه مسء له انتخابات به آنطوری که قانون انتخابات گفته است، به آنطوری که اسلام می خواهد دارد عمل می شود. عمل مال شماسست، قانون یک ثبتي است که می شود، یک وظیفه ای تعیین می کند، لکن آنی که مهم است در مقام عمل است، مقام عمل جوری باشد که تطبیق بکند با قانون و مردم راضی باشند در عمل. و توجه به این معنا هم از لازمت است که توجه بکنید که اخلا لگرها نیابند خرابکاری بکنند. بلا اشکال در زمان انتخابات یک دسته اخلا لگر هم پیدا می شوند که می خواهند خدشه دار بکنند و می خواهند هیاهو بکنند، این کارها را بکنند، این را با شدت جلویش را بگیرند که اخلا ل نکنند. باید آرام هر که می آید رایش را آرام بدهد. کسی بیاید مثلاً نزدیک صندوق باشد بخواهد که اخلا ل بکند یا کسانی

باشند که در نزدیک صندوق بخواهند به مردم بگویند به این رأی بدهید. نزدیک صندوق دیگر این کارها نیست. تبلیغات که هرکس کرده است در موارد خودش یک حدودی دارد، می کند آنجا دیگر جای این حرف نیست که آنجا بایستند و بگویند فلانی خوب است فلانی بد است. این حرف ها همه اش _ را اینها _ باید جلوگیری بشود تا انشاء الله یک انتخابات خوبی داشته باشیم.

و من امیدوارم که موفق بشوید در این امر و مردم هم حاضرند در انتخاب، حاضر می شوند در انتخابات برای اینکه مردم، کشور را حالا از خودشان می دانند و می دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است. اینطور نیست که حالا بگویند ما انتخاب کنیم برای کی. انتخاب می کنند برای خودشان. پیش تر این حرف بود که خوب، به ما چه ربط دارد انتخابات، به ما کاری ندارند، آنها به مصالح ما کاری ندارند. اما امروز این حرف نیست، مردم شرکت می کنند و من امیدوارم که هر چه بیشتر شرکت بکنند در انتخابات. این وظیفه ای است الهی، وظیفه ای است ملی، وظیفه ای است انسانی، وظیفه ای است که ما باید عمل به آن بکنیم، همه مان باید در انتخابات شرکت بکنیم. شما باید در حسن جریان انتخابات جدیت بکنید، و مردم هم انشاء الله وارد بشوند و رای بدهند. و شما منتظر این نباشید که انتخاباتی که می کنید بعدها به شما چیزی نگویند، ولو می گویند این معلوم است، یعنی به شما نه، به همه می گویند، (نه، انتخابات چیزی نبود و مردم هم نرفتند و مردم چه نکردند) و از این مسایل گفته می شود، لکن ما باید راه خودمان را پیش بگیریم.

میزان در اینکه جنگ ما خوب است یا بد، تبلیغاتی است که در خارج می شود

یک مسئله دیگر این مس. له جنگ است که من یک نکته را. می خواستم عرض کنم به آقایان و مردم هم بدانند این نکته را میزان در اینکه جنگ ما خوب است یا بد، تبلیغاتی است که در خارج می شود. هر جا هر چه بیشتر تبلیغ بر ضد می شود، معلوم می شود که اینجا زیادتر است. مثلاً در آنجایی که در طول این مدت آنجاهایی که ما بیشتر، مثل خرمشهر، که بیشتر از جاهای دیگر ما پیروزی داشتیم، آنجا بیشتر تبلیغات می کردند. من امروز وقتی ملا-حظه می کنم می بینم از همیشه الان بیشتر تبلیغات بر ضد می شود، از همیشه، مثلاً در راس اخبار، هیچ وقت بنابراین نبود. آنوقت دروغ هایی که در آنجاها گفته می شود اینکه این ایرانی ها چطور شدند، اینها از بین رفتند، دور و برشان را گرفتند، محاصره شان کردند، از بین بردند. یک دفعه می گوید، عراق می گوید ما سی هزار نفر کشتیم، یک دفعه می گوید هجده هزار نفر، امروز می گفتند پنجاه هزار نفر، خوب، فردا هم لابد می گویند دویست هزار نفر. آنها هر وقت شکست زیادتر باشد، به عبارت دیگر حجم شکست آنها موافق با حجم تبلیغاتشان است. هر چه تبلیغاتشان زیاد بشود، این میزانی است که باید ملت توجه کند، هر جا دیدند که زیادتر هیاهو می کنند، زیادتر راجع به شکست ما می گویند، بدانید که آنجا ما پیروزمند زیادتر بودیم. مثل حالا، حالایی که موارد حساس _ چیز را، آن _ جبهه را گرفتند اینها، حالا آنها آمدند می گویند یک وقت می گویند که ما اصلاً در عراق هیچ وقت جنگ نبوده این در رادیو عراق بود که ما در ایران جنگ

کردیم و همه کشته ها در ایران افتاده، فردایش یادش می رود این را گفته است یا اینکه نمی فهمد، می گوید که از عراق ما بیرون کردیم اینها را. یک وقت هم می گوید تمام لاشه هایشان در عراق افتاده اند چطور یا محاصره شان کردیم _ نمی دانم _ ریختیم شان به دریا، به آب ریختیم آنها هم شنا بلد نبودند نتوانستند خارج بشوند رفتند چه شدند. ممکن است که بعض اذهان ساده یک وقت باور کنند این مسائل را، باور نکنند، مسئله اینطور نیست. پیروزی حالا بهتر از همه پیروزی هایی است که ما تا حالا داشتیم و آنطوری که بعض آقایان آمده بودند می گفتند، یک مساله ای است که باید جنگ های دنیا از آن چیز یاد بگیرند، مسائلی که اینها در این چیز کردند آنطوری که به من نقل کردند مسائلی که در اینجا اینها عمل کردند مسائل بسیار بزرگی بوده است که باید دنیا آنها را ببیند که جنگ می خواهند بکنند از اینها یاد بگیرند.

در هر صورت باید ما توجه بکنیم به اینکه نبادا یک وقتی مردم تحت تأثیر یک همچو مسائلی بروند، خیال کنند که پس لابد یک مطلبی هست که اینها اینطور می گویند، وقتی مطلبی باشد آنها صد مقابلش می کنند. وقتی آن چیزی که زیاد بر آنها صدمه وارد کرده آنها زیادتر می کنند. الان معلوم است صدمه این جنگ بر دوش امریکا وارد شده است می بینید که چه می کند در اینجا، می آید در خلیج فارس چه می کند، نمی دانم در کجا چه می کند هیاهو می کند که ما نمی گذاریم چه بشود، از این حرف هایی که می زنند و هیچ وقت هم فایده ای ندارد. در سایر جاها، فرانسه هم همین طور، انگلستان هم همین طور، همه اینها چون سنگینی جنگ بر آنها واقع شده است و اینجا می بینید غیرمسائل دیگری است، اینجا یک مسئله بالاتر از مسائل دیگر است از این جهت آنها تبلیغاتشان می زیاد می شود و تشرهایشان می زیاد می شود به خیال اینکه ما از این تشرها مثلا می ترسیم. خوب، ما دیدیم که امریکا هیچ کاری از او نمی آید آن آمد ایران آمد معلوم شد چکاره است در لبنان با اینکه یک عده زیادی نبودند، لبنانی ها بسیارشان با خود آنها هستند، دولت شان هم که با آنهاست، در لبنان آنطور وضع برایشان پیش آوردند که هیچ کدامشان نماندند فرانسه هم حالا دارد بهانه پیدا می کند و فرار می کند. خوب ما اینها را می شناسیم که اینها هیاهوشان زیادتر است، یعنی اصل بنای استعمار از اول این بوده است که با هیاهو کارش را پیش ببرد، با تشر کارش را پیش ببرد مثلا فرض کنید یک مسئله ای در مجلس سابق واقع می شد، در زمانی که مرحوم مدرس هم در آن مجلس بودند، یک قضیه ای واقع می شد، آنها یک مسئله ای را می خواستند از ایران، یک وقت می آمدند اگر ایران یک سستی می کرد، یک کشتی از انگلستان می آمد در نزدیک های دریاها، ما، همین اسباب این می شد که اینها عقب نشینی می کردند. از این ور روسیه یک وقتی یک اولتیماتو می داده بود و ارتش اش هم شروع کرده بود به آمدن و در خود آنها هم این را گفتند، یک چیزی را از مجلس می خواستند هیچ کس جرأت نمی کرد صحبت کند، مرحوم مدرس رفت گفت حالا که ما باید از بین برویم _ چرا با دست آنها از بین می رویم چرا با دست خودمان از بین برویم، بگذار آنها از بین ببرند. این را دیگران هم قبول کردند و رأی بر خلاف دادند و هیچی هم نشد. اینها همیشه بنایشان این است که با هیاهو و جنجال یا خودشان یا به دست نوکرهایشان هیاهو

کنند ، جنجال بکنند که ما را عقب بنشانند و مسئله اینطور نیست . و من امیدوارم که انشاء الله این جنگ به زودی خاتمه پیدا کند و انشاء الله به نفع اسلام به نحو احسن خاتمه پیدا کند .

عید شما آنوقتی است که جبهه را محکم نگه دارید و فتح نهائی را بکنید

یک مسئله دیگری که می خواستم عرض کنم این است که حالا نزدیک به ایام عید است . من توقعم از آقایان ، از همه این است که یک لحظه فکر کنند به حال مردم ، یک لحظه فکر کنند به حال این مادرهایی که جوان هایشان در جبهه ها از دست رفته است یا علیل شده است و همین طور . از قراری که به من گفته اند مثلاً همین هایی که بسیجی هستند فکر کردند که ایام عید را بیایند به اینجا . خوب ، شما مشغول یک عبادت بزرگ هستید الان ، شما بخواهید جبهه را اگر خدای نخواستہ رها کنید و برای عید چند روزی هم بیایید اینجا ، خوب ، چه بکنید . عید! چه عیدی شما دارید ؟ شمایی که در آنجا آنطور گرفتار هستید و در آنجا بمب های مسموم به سر شما می ریزند ، خوب ، شما چه عیدی دارید که حالا بیایید عید برای عید جبهه را خالی بکنید ؟ جبهه را قوی نگه دارید . عید شما آنوقتی است که شما جبهه را محکم نگه دارید و آنها را از صحنه بیرون بکنید و انشاء الله فتح بزرگتر و فتح نهایی را بکنید .

انشاء الله عیدها بعد می آید برای شما در همین جا ، جبرانش را انشاء الله خواهید کرد .

آیا صلح کردن با کسی که بعد خنجر را از پشت محکم تر خواهد زد شرافتمندانه است ؟

_ خداوند انشاء الله به همه شما _ یک کلمه دیگری هم عرض کنم که بعضی اشخاصی که به نظر انسان می آید مغرض هم نیستند ، به نظر انسان می آید که متدین هم هستند اینها صحبت می کنند از اینکه اصلاح چرا نمی شود ، بیایید اصلاح بکنید ، جوان ها تا کی کشته بشوند .

اینها هم دیدشان ناقص است . اینها توجه به این ندارند که ما در اینوقتی که هستیم ، با این وضعی که هستیم اگر چنانچه پیشنهاد صلح را قبول بکنیم و ما بنشینیم پشت میزی که صدام یک طرفش نشسته ، آقای رئیس جمهور ما هم یک طرفش نشسته ، دنیا به ما چه می گوید ؟ اسلام به ما چه می گوید ؟ عراق به ما چه می گوید ؟ ایران به ما چه می گوید ؟ یک کسی که 4 سال است ، 5 سال است (عراق که چندین سال است) ما چهار پنج سال است که گرفتارش هستیم که هر چه توانسته کرده ، هر چه توانسته ، اگر کاری نکرده باشد نتوانسته والا آنچه توانسته این عمل کرده و هر چه بتواند عمل می کند و بعدها هم هر چه بتواند عمل می کند ، ما این را مهلتش بدهیم و بنشینیم با او صلح بکنیم ، (آقا! خوب ، بسیار خوب شما تشریف ببرید دیگر به کشور خودتان و بروید و فلان و ما هم برویم سراغ کار خودمان) . این بار عزت اسلام نمی سازد ، با شرف انسان نمی سازد . این نمی شود که یک همچو مطلبی بگوئیم . آقایان اشتباه می کنند ، خیال می کنند که خوب ، حالا ما جوان دادیم ، من هم می دانم که بسیار ما خسارت دیدیم ، بسیار ما جوان دیدیم ، لکن صلح کردن با یک کسی که بعدش خنجر را از پشت محکم تر خواهد زد ، این یک صلح شرافتمندانه است ؟ یک صلح عقلایی است ؟ و عجب این

است که بعضی آقایان می گویند که اگر چنانچه راجع به آنها آمده بودند توی کشور ما، ما تا فرد آخر جوان هامان را می دادیم.

خوب، این آن ملی گرایی است که اسلام مخالف با آن هست. مگر ما اسلام را کمتر از ملت خودمان می دانیم؟ اسلام را کمتر از کشور خودمان می دانیم؟ ما برای اسلام داریم فکر می کنیم. ما ملت عراق را با ملت خودمان جدا نمی دانیم. ملت عراق همانی است که الان از ما هم آنجا، بسیاری علمای ما هم در آنجا هستند، کسان دیگر ما هم هست. یعنی ما و آنها جدا از هم نیستیم. وقتی جدای از هم نیستیم ما بیایم فکر بکنیم که اگر برای خاک ما بود تا فرد آخرمان کشته می شد اشکال هم نداشت، همانی که می گوید حالا چرا، چرا اینقدر کشته می دهید، می گوید که اگر برای چیز ما، آنوقتی که آنها در خاک ما بودند تا آخر فرد را هم خوب بود بدهیم، حالایی که آنها رفته اند در یک جای دیگر، کنار رفتند با اینکه _ با هم _ باز هم نرفتند، حالا دیگر چرا؟ بنشینید یک صلحی بکنید، یک صلح شرافتمندانه. آیا شرافتمندانه است؟ این برخلاف دید اسلام نیست که ما برای خاکمان همه جوانان را بدهیم هیچ اشکالی هم نداشته باشد، برای دینمان اگر یک جوان بدهیم اشکال دارد؟ ما الان برای دینمان داریم جنگ می کنیم، برای خاک جنگ نمی کنیم، ما هر روزی که جنگ تمام شد، با روی گشاده، آغوش باز همه ملت عراق را به آغوش می گیریم و جنگ دیگر نداریم با آنها. جنگ ما جنگی است بین اسلام و کفر، نه جنگی است مابین یک کشور و یک کشور، مابین اسلام و کفر است. امروز اگر ما عقب نشینی کنیم اسلام را شکست دادیم. امروز ما نمی توانیم عقب نشینی کنیم. ما امروز نمی توانیم صلح کنیم با آنها. اینها می خواهند صلح، اظهار صلح می کنند از آن ور و از آن ور هم آن جنایتکاری ها را می کنند، خوب، اینها صلح طلب که نیستند دروغ می گویند، بر فرض اینکه یک وقت هم سر چیز بیایند اما جنایتکاری که مسلما جنایتش طوری است که انسان نمی تواند با او بنشیند و اصلاح کند و یک چیزی را امضا کند، آقای رئیس جمهور ما آن طرفش را امضا کند، آقای صدام هم آن طرفش را، آخر این مسأله ای است که می پذیرد کسی از ما؟ دنیا از ما می پذیرد؟ بر فرض اینکه قدرت های بزرگ می گویند (خیلی خوب شد، الحمدلله ما بردیم مسئله را) _ آنها _ برد آنهاست دیگر (مسئله را بردیم)، اما ملت ها چه می گویند به ما، اسلام به ما چه می گوید پیغمبر اسلام، امام زمان به ما چه می گویند؟ خوب، ما مسؤول هستیم بنابراین خوب است آقایان فکر بکنند و حرف بزنند، فکر بکنند و اشکال بکنند. من امیدوارم که انشاء الله شما آقایان موفق باشید در همه امور و ما متوقع نیستیم که شرق و غرب به ما کمک بکنند. ما کمک مان را از خدا می خواهیم، تا حالا هم کمک کرده و ما هم نتیجه اش را تا حالا دیدیم و من امیدوارم از این به بعد هم ببینیم، به شرط اینکه ما هم خدمتگزار به اسلام باشیم، خدمتگزار به خدا باشیم. (ان تنصروا الله ينصركم) ما هم نصرت بکنیم انشاء الله.

والسلام عليكم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با سرپرست و روحانیون بنیادهای مسکن انقلاب اسلامی سراسر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

امیدوارم با کوشش شما و تمامی افراد این بنیاد، مردم محروم و مستضعف ما که در طول تاریخ اسیر خان‌ها و سرمایه دارها بودند، دارای مسکن شوند. لازم است دولت اسلامی هم کمک‌های لازم را به شما بنماید. انشأ الله مردم ما که همیشه به استضعاف کشیده شده بودند با تلاش و کوشش دارای همه چیز گردند. خدمت شما تنها به یک نسل نیست، بلکه از خدمات شما نسل‌های آینده هم استفاده می‌کنند. سعی کنید محرومین را همیشه در نظر داشته باشید و هر کاری که می‌کنید، خدا را در نظر بگیرید. انشأ الله موفق و مؤید گردید.

ص: 257

بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر و قائم مقام وزارت ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی این وزارتخانه در خارج از کشور

امیدوارم شما بتوانید چهره اسلام را آنگونه که هست نشان دهید

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز دولت ها می خواهند ایران را به صورت زنده ای به دنیا معرفی کنند . رسانه های گروهی و سازمان های آنچنانی وقتی پیروزی ایران و اسلام را می بینند و یا وقتی می فهمند که عراق آنهمه ظلم به ما کرده است ، به دروغ مسأله نقض حقوق بشر در ایران را عنوان می کنند و ادعا میکنند که بهایی ها در ایران هیچ آزادی ندارند و آنها به خاطر بهائیان زندانند . حتی می گویند زنان آستن را در خیابان ها می کشند . آنها هر چه می خواهند بگویند ، ولی شما بدانید مردم محروم دنیا یعنی آنهایی که وابسته به دولت ها نیستند با ما هستند و بالاخره اسلام راه خودش را باز نموده و چهره اش را به همه نشان می دهد . ما هم باید هر کداممان به اندازه قدرتمان سعی کنیم تا در راه تحقق اسلام قدم برداریم .

امیدوارم همه خصوصاً وزارت ارشاد بیشتر از دیگران زحمت بکشند تا همه را ارشاد نمایند . انشاء الله موفق شوید تا به این کشوری که از حیث فرهنگی هم عقب افتاده بود و هیچ کس در سابق برای اصلاح و ارشاد کاری انجام نمی داد ، خدمت کنید.

پیام امام خمینی به مناسبت حلول سال نو

بسم الله الرحمن الرحيم

از خدای تبارک و تعالی خواستارم که به برکت حضرت ولی امر (سلام الله) علیه که این کشور، کشور اوست، این سال جدید را بر همه مسلمین جهان خصوصاً بر ملت عزیز مبارک کند. مبارک باد این پیروزی بزرگ اسلام بر کفر و مبارک باد این جهاد بزرگ مجاهدین ما در راه اسلام. انشاء الله این روز عید مبارک باشد بر همه و امید است که خدای تبارک و تعالی با عنایت خاص خودشان این ملت را همانطوری که تاکنون به پیروزی رسیده است به پیروزی بیشتر برساند و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی شهدایی که در این پیروزی جان خودشان را از دست دادند به رحمت خودش و اصل کند و به همه ملت ما خصوصاً به بازماندگان شهدا و به مجروحین و معلولین ما و به مفقودین و به خانواده های همه اینها، به همه مجاهدین از هر طریقی که هستند، از هر قشری که هستند انشاء الله این عید مبارک باشد و در سایه عنایات حق تعالی و در سایه عنایات حضرت ولی امر سلام الله علیه و روحی فداه، این ملت آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی از او خواسته است به او برساند و دست ستمکاران را از این کشور کوتاه کند. این عید و این روز جدید طلیعه ای است انشاء الله بر اینکه این ملت به آن خواستی که دارد، به آن خواستی که آن خواست، خواست خدای تبارک و تعالی است به زودی برسد و همانطوری که تاکنون با قدرت به پیش رفته است و دست ستمکاران را از این کشور کوتاه کرده است، باز هم با همین قدرت به پیش برود و کشور خودش را نگه دارد. و امیدوارم که اسلام پرچم خودش را بر سر همه مسلمین جهان افراشته کند و دست ستمکاران را از کشورهای اسلام کوتاه کند و این ملت را توفیق بدهد که در راه رضای او صرف بشود و در راه رضای او عمل کند. البته عیدهایی که اسلام تأسیس فرموده است برداشت های مختلفی از آن به حسب نظرهای مختلفی که اهل نظر دارند و به حسب قشرهای مختلفی که برخورد می کنند با آن بسیار مختلف است. آن برداشتی که اهل معرفت از عید می کنند، با آن برداشتی که دیگران می کنند بسیار مختلف است. آنها بعد از اینکه در ماه مبارک رمضان آن ریاضت ها را می کشند و کشیدند روز عید روز لقای آنهاست، لقا الله است آن روز برای آنها. (الغیرک من الظهور مالیس) آنها همه چیز را از او می دانند و آن روز را عید می کنند برای اینکه بعد از ریاضت یوم ورود است به حضرت و عید قربان را بعد از اینکه تمام عزیزان خودشان را از دست دادند مهیا برای ملاقات می شوند، آن هم ملاقات است بعد از اینکه

نفس خودشان را کشتند و هرچه عزیز است در راه خدا از آن گذشتند، آنوقت است که روز لقا است و جمعه هم اجتماعاتی که مسلمین با هم می کنند مهیا می شوند اهل معرفت برای لقاء الله . پس برداشت آنها از عید غیر برداشت ماست و ما هم امیدواریم که به تبع اولیاً خدا به جلوه ای از آن جلوه ها برسیم و ذره ای از آن معارف در قلب ما واقع بشود .

و امیدواریم که ملت ما همانطوری که جوانان ما تحول پیدا کردند و راه صد ساله را با یک شب پیمودند این تحول نصیب ملت ما همه بشود . بحمدالله نسیمی از این مسائل در این کشور وزیده است و لهذا پیروزی هائی که ما داریم پیروزی هایی نیست که مال یک ملت 40 میلیونی که دارای هیچ نیست باشد ، اینها پیروزی ای است که اسلام برای ما آورده است ، خدای تبارک و تعالی به ما عنایت فرموده است . هر کس از شرق و غرب هر چه می خواهد بگوید ، ما راه خودمان را داریم می رویم و امیدواریم که این راه را به آخر برسانیم ، آنها البته از باب اینکه ناراحت هستند از اینکه دست شان از منافع خودشان در این کشور کوتاه شده است و خوف این را دارند که از کشورهای دیگر هم کوتاه بشود ، این است که توطئه های خودشان را می کنند و خواهند کرد بعد از این و خدای تبارک و تعالی هم این توطئه ها را خنثی خواهد کرد انشاء الله .

و من امیدوارم که به یمن برکات حضرت صاحب سلام الله علیه و روحی فداه این کشور ، کشور پیشرفته ای بشود از حیث اخلاق ، از حیث دیانت ، از حیث معنویات و از حیث همه چیزها ، مادیات و همه چیز . و بحمدالله ما هر روزی را که می گذرانیم از روز سابق برای ما بهتر است و من امیدوارم که این سال بهتر از همه سال ها باشد و خداوند همه را توفیق بدهد که قدر نعمت های خدا را بدانند و بدانند که همه چیز از اوست . اگر همه چیز را از او دانستند دیگر در هیچ چیز ناراحت نمی شوند . ناراحتی ها برای این است که انسان از خودش می بیند . ما در فقدان عزیزانمان که ناراحت می شویم برای اینکه اینها را از خودمان می دانیم . اگر ما همه را از خدا بدانیم و ببینیم که اینها نعمتی هست که خدا داده ، نعمتی هست که خدا می برد پیش خودش ، شهدا مهمان خدا هستند ، اگر اینها را ما واقعا در قلب مان ادراک بکنیم عید می شود برای کسانی که شهید دارند ، عید می شود برای کسانی که مجروح شدند ، عید می شود برای کسانی که در راه خدا عزیزان خودشان را از دست دادند ، برای اینکه این عزیزان ، عزیزان خدا هستند ، اینها همه از او هستند . و من امیدوارم که این حس و این ایمان در ما پیدا بشود و تقویت بشود . امیدوارم که این مسلمین به خود بیایند .

شما می بینید که در حالی که صدام آن کار را کرد ، آن جرم را مرتکب شد ، ما را محکوم کردند به جای اینکه اینها بنشینند با هم و بگویند کسی که روی مسلمین ، روی ملت عرب ، روی ملت غیر عرب ، روی فارس ، روی همه چیزهای شیمیائی می ریزد ، بمب های شیمیائی می ریزد ، این محکوم است در دنیا ، لکن مجامع دنیا یک کلمه می گویند ، باز هم می گویند باز معلوم نیست که مال آنجا باشد ، معلوم نیست که اینها آن باشد و ما را محکوم می کنند در مقابلش در عین حالی که سازمان بین المللی این مسأله را تعقیب دارد می کند ، دنبالش بی فاصله ایران را برای نقض حقوق محکوم می کند . این توطئه است

برای پوشاندن او . یا بعدها نمی گویند یا اگر بگویند با این توطئه می خواهند روپوشی از آن بکنند ، لکن ما متوسل هستیم به خدای تبارک و تعالی و امیدواریم که این سالی که می آید یک سال پر برکتی برای این کشور و برای مسلمان ها باشد و امیدواریم که خداوند تبارک و تعالی ما را توفیق بدهد که در خدمت او باشیم . وقتی در خدمت او هستیم از چیزی باک نداریم و امیدوارم که این سال باز مبارک باشد بر همه قشرهای ملت و همه کسانی که در زیر سایه جمهوری اسلامی هستند و بر همه ملت های ضعیف .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

ص: 261

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان عضو مکتب اسلامی قم و مسجد جامع نارمک

در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد به مردها نشد

بسم الله الرحمن الرحيم

موجب تشکر است که خواهران، بانوان محترم در این مجلس آمدند تا من بعض چیزهایی که بر خواهران ما، در دوره های سابق گذشت و آنچه که نقش زن ها بود در طول تاریخ صد و چند ساله ایران، عرض کنم.

در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد، به مردها آن ظلم نشد. بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است زی خودشان را قرار بدهند، در آن رژیم در زمان رضاشاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر. زمان رضاشاه که من یادم است و خوب است که شماها یادتان نیست، آنچه بر بانوان گذشت قابل توصیف نیست. آن ظلمی که بر این قشر از ملت در آن دوران گذشت نمی شود بیان کرد. آن فشاری که بر اینها وارد شد و آن مصیبت ها که اینها تحمل کردند در زمان آن شاه فاسد نمی شود گفت که چه اندازه بود. در زمان محمدرضا آن عصر و آن وضع تبدیل شد به یک وضع دیگری که عمق جنایت زیادتیر بوده از زمان او. او با قلدری و فشار و زدن و گرفتن و چادر پاره کردن و دست به گیس های زن ها گرفتن و کشاندن و اینها گذراند و این اساسا بر خلاف عفت زن ها قیام کرد، یعنی بر خلاف همه چیز ایران، یکی اش هم زن های ایران بودند که اینها با یک وضع خاصی و با یک توطئه خاصی اینها را می خواستند که به فساد بکشند و عفت را از جامعه ما بر دارند و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته ای که جزءدار و دسته خود آنها بودند و غریزه بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند.

بنابراین اسلام که در ایران زنده شد، آن خدمتی را که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه ای است که نمی توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود.

شما بانوان امروز موجب افتخار هستید

و بحمدالله این مسئله حل شد و حالا طوری شده است که خانم ها همدوش با سایر برادران در

تحلیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و انشأ الله صنعت، فعالیت می کنند. آنوقت می گفتند که نیمی از جمعیت ایران که در پرده هستند دیگر کاری از شان نمی آید. نه اینکه می خواستند کاری از شان بیاید، برای اینکه مردها را هم آنها محروم کردند از کارهای فعال، بلکه می خواستند که اینها را وارد کنند در جامعه به آن ترتیبی که خود آنها و رفقا و همراهان آنها بودند و به فساد بکشند جامه را. و خداوند خواست که موفق نشدند و شما بانوان امروز موجب افتخار هستید که همانطوری که برادران شما در حوزه ها مشغول تحصیل و تدریس و سایر کارهای اسلامی هستند، شماها هم با آنها هستید و امیدوارم فعالتر باشید. و البته باید شما توجه بکنید و عکس عمل آن چیزی که در رژیم سابق گذشت، شما عمل کنید. آنها اخلاق اسلامی را می خواستند ببرند و به جای او اخلاق اروپایی بنشانند. شما عکس عمل او را کنید که بعضی از این گول خورده هایی که باز در ایران ممکن است پیدا بشوند، تحت تأثیر شما واقع بشوند و آنها هم به طریقه شما عمل بکنند.

و اما نقش زن ها در جامعه آنقدری که من یادم است و آنقدری که تاریخ به ما گفته است، در چند نهضت که در ایران واقع شد، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قضیه 15 خرداد، نقش زن ها بالاتر از مردها اگر نبود، کمتر نبود. آنان در میدان ها حاضر شدند و به واسطه حضور آنها در میدان ها، مردها اگر قوتشان کم بود، زیاد شد و اگر قوی بودند دوچندان شد. و آنچه که خود شما شاهد بودید در این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی حاضر است، در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود. یعنی شما هم خودتان فعالیت می کردید و هم مردها را به فعالیت می کشانید، بنابراین افتخاری که شما ایجاد کردید قابل تقدیر فراوان است.

و شما باید در همه صحنه ها و میدان ها آنقدری که اسلام اجازه داده وارد باشید. مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران، خانم ها همانطوری که مردها فعالیت می کنند برای انتخابات، خانم ها هم باید فعالیت بکنند برای اینکه فرقی ما بین شما و دیگران در سرنوشت تان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است. یعنی آنقدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آنقدر خدمت نکرد. اسلام، شما را حفظ کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ بکنید. حفظ اسلام به این است که این انتخابات که می خواهد مجلس دوم را متحقق کند بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد. و بالاترین نقش است و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذارند.

ولهذا باید شما خانم ها یک نقش بسیار فعال داشته باشید که خدای نخواستہ مجلس یک مجلسی نشود که به واسطه ورود بعض عناصر غیر صالح به تدریج کشانده بشود به طرف شرق یا به غرب و همان بشود که در زمان سابق بود و همان بگذرد بر ما و شما که در زمان سابق می گذشت.

زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند

بحمدالله امروز مجلسی که بپا بشود، این مجلس امیدوارم که بهتر از مجلس سابق باشد و

بحمدالله خواهد شد. برای اینکه همه قشرها مشغول فعالیت هستند و کسانی که بررسی کردند از این مسائل، امروز می‌گویند مردم در صحنه هستند و خودشان هم نظر دارند، باید همه شما در این امر نظر داشته باشید. در امور سیاسی نظر داشته باشید برای اینکه امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همانطوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همانطوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است، که بحمدالله امروز در ایران جاری است.

اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود شورای محترم نگهبان با کمال قدرت و استقلال عمل خواهد کرد

و من امیدوارم که مجلس یک مجلس بسیار خوبی باشد و مجلسی باشد که با آزادی همه ملت شرکت کنند و اعتنا به اینکه به ما بعدها خواهند گفت چه، نکنند برای اینکه آنهایی که با ما دشمن اند، امروز در فعالیت هستند که این مجلس را لوٹ کنند. در خارج و داخل فعالیت هست و شما باید آن فعالیت‌ها را با حضور خودتان، با اجتماع خودتان، با رفتن خودتان بر سر صندوق‌های انتخابات، آنها را همه را خنثی کنید. و مجلس اگر باشد انشاءالله مجلس خوب باشد. با داشتن علما و قانون دان‌های، حقوقدان‌های نگهبان، شورای نگهبان، ما آرام هست دلمان برای اینکه در مجلس انشاءالله مسائلی بر خلاف اسلام و بر خلاف مصالح مسلمین نخواهد گذشت و اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود، شورای محترم نگهبان که در این دوره با کمال قدرت و استقلال عمل کرد، در دوره‌های دیگر هم همین‌طور باشد و این ملت را و این دولت را و این کشور را به پیش ببرد.

و امیدوارم که جنگ هم به نفع ایران تمام بشود و دست و پا کردن‌هایی که الان در تمام دنیا دارند دست و پا می‌کنند برای اینکه صدام را حفظش کنند، نتوانند یک همچو امری را انجام بدهند و این جانی را نتوانند به جای خودش حفظ کنند. و جنگ به خوبی انشاءالله تمام بشود. و همه شما و ما مشغول فعالیت برای اینکه از حیث معنویت و از حیث مادیت این کشور را به پیش ببریم و انشاءالله این کشور را به نحو شایسته اسلامی کنیم که الگو بشود از برای تمام کشورهای اسلامی. و شما مطلعید که این عده‌ای که آمدند برای رسیدگی به جنایت بزرگ صدام که بشریت را تهدید می‌کند، گزارش دادند، لکن آنهایی که باید محکوم کنند صدام را محکوم نکرده بودند و بهتر این بود که اینها را نفرستند، که مشت خودشان را در دنیا باز نکنند. آنهایی که ادعا می‌کنند که ما مستقل هستیم و ما حامی بشر هستیم، اینها مشت‌شان باز شد و نتوانستند به واسطه ملاحظاتی که از شرق و غرب داشتند، نتوانستند به اسم عراق را محکوم کنند و به طور کلی گفتند که موادشیمیایی را هر که استعمال کند، محکوم است. دیگر این کی هست که مواد شیمیایی را محکوم می‌کنند که آنها محکوم میکنند، را دیگر نتوانستند بگویند. بهتر این بود که اینها اقدام به این عمل نکنند و ما خودمان بدون اینکه به این جنایت‌ها دست

بزینیم . با مشت محکم انشاء الله صدام را و حزب بعث را به کنار می زنیم و ملت عراق را آزاد می کنیم از این قید و بندی که این مرد فاسق به آنها گذاشته است .

علم همراه تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند

من از خدای تبارک و تعالی توفیق شما بانوان و خواهران را می خواهم که هم در علم کوشا باشید و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق . همانطوری که علم تنها فایده ندارد ، تهذیب تنها کورکورانه فایده ندارد . علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می رساند . و من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که شما بانوان را موفق کند و سایر خواهران که در سطح ایران هستند و همین طور برادران را موفق کند ، که این دو جناح را که جناح علم و عمل باشد ، توأم با اخلاق اسلامی به پیش ببرد و اسلام در ایران پیاده بشود به آنطوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 265

پیام امام خمینی به مناسبت شهادت حجت الاسلام مهدی شاه آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

با کمال تأسف و تأثیر شهادت استاذزاده محترم جناب حجت الاسلام آقای آقاشیخ مهدی شاه آبادی را به پیشگاه معظم حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفدا تبریک و تسلیت عرض می کنم . مبارک باد بر آن حضرت چنین فداکاران و جانبازان در راه هدف بزرگ و اسلام عزیز که با شهادت افتخارآمیز خود ملت عظیم الشان ایران بویژه روحانیت عالیقدر را سرافراز می نمایند .

این شهید عزیز علاوه بر آنکه خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه به لقاء الله پیوست ، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود که حقا حق حیات روحانی به اینجانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش بر نمی آیم . و از خداوند متعال برای این شهید سعید و سایر شهدای در راه اسلام ، رحمت در جوار خود و برای فامیل معظم و حضرات آقازادگان محترم شاه آبادی دامت افاضاتهم صبر و اجر عظیم خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در سالروز بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جمع رئیس جمهور، اعضای هیأت دولت، رؤسای مجلس و دیوانعالی کشور و مسئولین لشکری و کشوری

امروز هم ما مبتلای به این هستیم که با اسم اسلام می خواهند نگذارند اسلام محقق بشود

بسم الله الرحمن الرحيم

مقابلاً این عید سعید را به همه حضار و به همه مسلمان های عالم و مستضعفین جهان تبریک عرض می کنم .

مسائلی که در اطراف بعثت و بعدهاهای مختلفی که این پدیده دارد، امکان ندارد که ما حتی آن مقدار ضعیفی که فهمیدیم، بتوانیم در این مجالس بیان کنیم. اصل بعثت چی هست؟ نزول وحی یعنی چه؟ کیفیت نزول وحی چی هست؟ اینها از اموری است که سر بسته و دربسته باقی می ماند. آنچه که ما از بعثت می توانیم بفهمیم برکاتی است که از این پدیده حاصل شده است و مع الاسف برای خاطر گرفتاری هایی که در زمان خود رسول اکرم بود، در مدینه آنهمه گرفتاری ها که نتوانست پیغمبر در آنجا آنطور که بخواهد عمل بکند و در مدینه آنهمه جنگ که از اول ورود ایشان تا آخر مبتلابهشان بودند نشد که یک حکومتی که دلخواه خود ایشان بود عرضه کند و نه آن معارفی که دلخواه خود ایشان بود عرضه کند به بشر، بعد قرآن آمد و قرآن همه چیز است، اما بیانات خود ایشان برای ابتلائاتی که داشتند نشد و آن حکومتی که دلخواه خود ایشان هم بود نشد و حتی در حجاز هم نتوانستند برای خاطر آن مخالفت هایی که می شد انجام دهند و پس از ایشان هم حضرت امیر سلام الله علیه ابتلائات بیشتر از ایشان بود و ما باید این تاسف را به گور ببریم که نگذاشتند آنطوری که حضرت امیر می خواست حکومت تشکیل بدهد. جنگ هایی که در داخل پیش آوردند آنهایی که مدعی اسلام بودند و با اسم اسلام با ایشان معارضه کردند و با اسم اسلام، اسلام را کوبیدند و با اسم قرآن کریم ایشان را از مقصد باز داشتند، اگر آن حيله ای که معاویه و عمر و عاص به کار برده بودند، آنهایی که از طبقه مقدسین به اصطلاح بودند مانع نشده بودند از این که حضرت امیر بشکند آن حيله را و آن حيله شکسته می شد، سرنوشت اسلام غیر از این بود که حالا هست، نه غیر از آن بود که بعدها بود. شاید قضایای امام حسن سلام الله علیه و آن ابتلائاتی که او پیدا کرد و قضیه کربلا پیش نمی آمد و جرم گناه همه این امور به گردن آن مقدسین نهران بود که لعنت خدا از ابد تا . . . با آنها باشد.

اگر آن روز در خود زمان

پیغمبر ابتلائات گذاشته شده بود ، می گذاشت ایشان آن حکومتی که می خواهد و آن وضعی که می خواست پیش بیاورد پیش می آمد باز هم این مسائل پیش نمی آمد ، لکن نگذاشتند ، یک دسته به اسم اسلام به دشمنی برخاستند و یک دسته احمق هم که در اطراف ایشان بودند باز به اسم قرآن دست ایشان را بستند ، دست امیرالمؤمنین را . و این یک تأسفی است که برای مسلمین تا ابد باید باشد . اگر از اول آن نحوی که می خواست ایشان ، تحقق پیدا کرده بود و دنبال او هم حضرت امیر آن نحوی که می خواست عمل شده بود این گرفتاری ها پیش نمی آمد لکن تقدیرات الهی اینطور بود و ما بخواهیم مسائل آنجا را بگوئیم ، از مسائل روز خودمان که شبیه همان مسائل است باز می مانیم . ما امروز هم گرفتار به همان مسائل هستیم . همان مسائلی که آنها مبتلا به آن بودند با وضع دیگری هستیم . دامنه اش ، منتها توسعه اش برای خاطر وضع دنیا عوض شده و بیشتر شده است . آن روز اگر چنانچه حضرت رسول سلام الله علیه و حضرت امیر سلام الله علیه مبتلا بودند به یک نحو محدودی و نگذاشتند صدای آنها برسد و همان مقدار که رسید می بینید که نورانیتش عالم را گرفته است ، امروز با یک وضع بسیار توسعه داری اسلام مبتلا به آن هست . آنها نگذاشتند که یک حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند ، با اسم اسلام . امروز هم ما مبتلای به همین معنا هستیم که با اسم اسلام می خواهند نگذارند که حکومت اسلام محقق بشود یک دسته غیر متوجه و جاهل و یک دسته عالم متهتک . پیغمبر اکرم فرمود که ، منقول از ایشان است که دو طایفه کمر من را شکستند : آن عالم هائی که متهتک هستند و آن جاهل هائی که متهتک هستند . و من نمی دانم اسلام از کدام طایفه بیشتر صدمه دیده است ، آیا از عالم متهتک یا جاهل متهتک . در هر صورت از هر دو طایفه صدمه دیده است اسلام . و این هم هست و بعدها هم خواهد بود و خواهد بود حتی در زمان حضور حضرت ولی امر که در بعضی روایات هست که علما تکفیرش می کنند . این ابتلایی است که در دنیا هست . شیطان هم از اول به خدا عرض کرد یا _ عرض کنم _ تهدید کرد خدا را که من تا آخر نمی گذارم کار انجام بگیرد و خیلی هم موفق است . ما باید توجه بکنیم به اینکه مسائلی که خودمان داریم چی هست .

باید ایران بداند که دست هایی در کار است تا حتی بین خانه ها اختلاف بیندازد

ما گمان نکنیم که دست های قدرت های بزرگ قطع شده است از اینجا . ملت ایران باید توجه کنند به اینکه توطئه ها هست الان . شما ملاحظه بفرمایید که در همین انتخاباتی که با آن خوبی و آزادی انجام گرفت و بحمدالله مردم همه در صحنه حاضر بودند و امید است که در دوره دوم هم در آن بعد هم که باید انتخابات بشود آن هم حاضر باشند مردم و این تکلیف الهی را به آن عمل کنند ، الان دست هایی از داخل و خارج هست که بین آقایانی که در انتخابات دخالت داشتند اختلاف بیندازند . شما گمان نکنید که خارجی ها و اذنانب آنها در این کشور کودتا می کنند ، نمی کنند چون نمی توانند . کشوری که همه اش مهیاست برای شهادت ، نمی توانند که آنها در اینجا وارد بشوند لکن از داخل ما را می پوسانند . یکی از مواردی که الان انگشت آنها در کار است و با جدیت دارند توطئه می کنند این است که

دودستگی بیندازند بین اشخاصی که در انتخابات بردند یا به اصطلاح باختند . با این تعبیر زشت برد و باخت ، شکست و پیروزی ، با این تعبیرهای زشت می خواهند بین ملت ما اختلاف بیندازند . انتخاباتی که باید همه دست به هم بدهند و آن را به وجه صحیح به آخر برسانند و باید وحدت زیادتر بشود از اول ، من می ترسم که خدای نخواستہ موجب اختلاف بشود . و این از مکاید شیطان است به دست شیاطین . اگر برای خدا کسی کار بکند خودش را انتخاب کرده است که خدمت کند به اسلام و مسلمین اگر چنانچه پیروز بشود پیروزی نباید بگوید ، برای اینکه یک خدمتی است به عهده اش آمده است و گرفتاری این خدمت بسیار شدید است و اگر چنانچه در این دوره او کنار رفته است خیال نکند که کنار رفته است و این عیبی است . قضیه برد و باخت نیست ، قضیه خدمت است در این پست یا در آن پست . باید ایران بداند که دست هایی الان در کار است که حتی بین خانه ها اختلاف بیندازد . در یک خانه بین افراد اختلاف بیندازد . ما باید از تاریخ عبرت ببریم و این تاریخ در زمان مشروطه اینطور بود . در زمان مشروطه آنهایی که می خواستند ایران را نگذارند به یک سامانی برسد و چماق استبداد تا آخر باقی بماند بین افراد ، دستجات ، احزاب اختلاف انداختند حتی آنهایی که آنوقت بودند می گفتند که در یک خانه بین برادر با برادر ، پدر و پسر اختلاف بود یک دست مستبد ، یک دسته مشروطه . این اختلاف موجب شد که نتوانست مشروطه آنطوری که علمای اسلام می خواستند تحقق پیدا بکند بعد هم این اختلافات موجب شد که یک دسته از آن غر بزده ها بریزند و به اسم مشروطه بگیرند مقامات را و استبداد به صورت مشروطه بر این ملت تحمیل کنند و دیدید که چه شد امروز همان روز است اگر ملت بیدار نشود ، اگر علمای اسلام بیدار نباشند ، غفلت کنند ، اگر چنانچه علمای قم ، مدرسین قم ، طلاب قم ، علمای تهران ، روحانیت مبارز تهران ، علمای همه بلاد و روحانیون همه بلاد و مردم بیدار نشوند ، الان دارند وضعی را ، یعنی می خواهند وضعی را کار کنند که زمان مشروطه کردند و بدانید گناہش به گردن همه ماست .

در تمام دنیا چنین انتخابات آزادی که در ایران شده ، نبوده است

مسأله کرسی مجلس در اسلام مطرح نیست ، مسأله ریاست مطرح نیست ، مسأله ریاست جمهور مطرح نیست ، مسأله وزارت مطرح نیست ، اگر کسی اینها را خیال کند مطرح هست اسلام را نشناخته است . شماها شیعه همان هستید که می گوید که من به اندازه این کفش کهنه ای که هیچ نمی ارزد امارت شما را به اندازه این برایش ارزش قائل نیستم مگر اینکه حقی را ایجاد کند . شما که می خواهید حق را ایجاد کنید ، شما که می خواهید اسلام را به پیش ببرید ، چه در مجلس پیش ببرید یا در مدرسه پیش ببرید یا در محافل دیگر . باید پیش تان فرق نکند . باید توجه کنید به اینکه مبدا آن گرفتاری های آن زمان برای ما پیش بیاید ، نمی آید انشاء اللہ حالا فردا رسانه های گروهی نگویند که معلوم شد ایران به هم خورده است و دیگر نخیر نوبت ما رسیده است . خیر آنها باید آرزوهایشان را به گور ببرند . اینکه من عرض می کنم ، نه اینکه ما الان مبتلا به قضیه ای هستیم ، ما همیشه می خواهیم جلوی فسادها را که آنها

می خواهند ایجاد کنند جلویش را بگیریم . آنها گمان نکنند که الان یک ، ایران یک خبری شده . ایران یک انتخاباتی آزاد که در تمام دنیا یک همچو انتخابات آزادی نبوده است اینطور نیست که کسی گمان کند که حالا وقت این شده است که ما نتیجه بگیریم . نه این وقت برای شما نخواهد آمد و نتیجه ای از این مسائل دست شما نخواهد رسید و چیزی نیست در کار . من تنبه می دهم که مبادا بشود والا مسأله نیست . در هر صورت من باید تذکر بدهم به اینکه آقایانی که در انتخابات دخالت کردند باز هم با کمال خلوص نیت دخالت بکنند و هرگز از این معنا که من نبردم و _ او نبرده _ او برده است دلخور نباشند شما همه برادر هستید ، دوستید . این دوست باشد در مجلس یا آن دوست باشد یا من باشم ، اینها مطرح نباید باشد پیش ملت ایران و مطرح نیست انشاء الله . من امیدوارم که در این دوره ای که باز پیش می آید و باید انتخابات بعد از چند روز دیگر با جدیت آقایانی که دست اندر کار هستند مثل وزیر کشور و مثل شورای نگهبان به زودی این امر شروع بشود که مجلس ما ، ایران ما یک روز بدون مجلس نباشد و آقای امامی مژده این معنا را الان به من دادند که نه همین طور خواهد شد . و من امیدوارم که ملت ایران به همانطوری که این دفعه آمدند پای صندوق ها دفعه دیگر هم بیایند و آرا خودشان را در صندوق ها بریزند و قدر این آزادی را بدانند که تحت تأثیر هیچ کس نبودند و احدی در سرتاسر ایران الزام نکرده است کسی را که رأی به این بده یا به او بده . الزام به رای دادن هم نکرده است لکن تکلیف شرعی گفته است .

از همه ملت تقاضا می کنم مبادا تحت تأثیر عناصر اختلاف انگیز واقع بشوند

ما اگر می گوئیم ، تکلیف شرعی می گوئیم و الا- نه این است که ما الزامشان بکنیم . این مکلفند شرعاً به اینکه حفظ بکنند جمهوری اسلامی را و حفظ به این است که در صحنه باشند و حفظ به این است که اختلافات نداشته باشند و حفظ به این است که مبادا آن کسی که فرض کنید که برده است به اصطلاح برود به رخ او بکشد ، آن کسی که نبرده است خیال کند که یک چیزی از دستش رفته است . این حرف ها نیست در کار . چیزی نیست اصلش . اسلام است ، اسلام در دست همه شماست شما می خواستید آنجا خدمت بکنید نشد حالا در جای دیگر خدمت می کنید . می خواستید در مجلس خدمت کنید نشد حالا در دولت خدمت می کنید ، حالا در پست های دیگر خدمت می کنید ، حالا در مدرسه خدمت می کنید ، حالا مشغول به چیز می شوید . من این امر را که عرض می کنم از همه ملت تقاضا می کنم که مبادا تحت تأثیر این عناصری که الان در کار هستند و می خواهند القاً اختلاف بکنند ، تحت تأثیر اینها واقع بشوید و همه برادر هم هستید و برادروار با هم باشید و اگر چنانچه در انتخابات اشتباهاتی شده یا فرضاً تقلبی شده است ، خوب ، مواردی هست که رسیدگی می شود و شورای نگهبان هم یا ابطال می کند یا فرض کنید بعضی صندوق ها را یا اصل انتخابات را . یک مسأله عادی است که در همه جا هست و این امر مهمی نیست .

من امیدوارم که آقایان با کمال اخلاص این دفعه هم وارد بشوند و آراً خودشان را بریزند و این مبعثی که نورش به همه عالم رسیده است در صورتی که نتوانستند آنطوری که می خواستند بشود ما دنبالش باشیم که زحمات انبیا را حفظ کنیم و نگذاریم که خدای نخواستہ آن زحمتی که تا حالا در ایران کشیده شده است و بحمدالله به قدرت خودش رسیده است ایران و الان در همه دنیا مطرح است و تنها چیزی که مطرح است الان بیشتر در همه جا همین معناست و این هم برای این است که اینها می ترسند که مبدا اسلام تحقق پیدا بکند و آرزوهای خودشان از بین برود . لابد شما می بینید که الان صلح طلب ها دور هم جمع شدند آمریکا رفته چین و با هم شعر می خوانند ، این برای او شعر می خواند ، او برای او شعر می خواند و همه هم دم از صلح می زنند و دم از صفا و (ما می خواهیم جوانان مان در صفا و در صلح و در آرامش زندگی کنند) وضع دنیا این شده است که آنها آنطور آرامش را در دنیا می خواهند و ما هم که واقعا می خواهیم اینطور ، نمی گذارند آنها . پس ما باید خودمان توجه کنیم به مسائل . ما دنبال این باشیم که خودمان ملت را حفظ کنیم و انشاء الله همانطوری که ایران را نجات دادیم از شر شاهنشاهی ، عراق را هم نجات بدهیم از دست این حزب بعث فاسد . خداوند انشاء الله همه شما را توفیق عنایت کند . و به همه ما توفیق خدمت عنایت کند . و خدا انشاء الله پشتیبان همه شما باشد و ملت ایران و عراق را پیروز کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

پیام امام خمینی به نمایندگان دوره اول مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس شورای اسلامی که در راس تمام نهادهای نظام جمهوری اسلامی است ، از ویژگی های خاص برخوردار است که مهمترین آنها اسلامی _ ملی بودن آن است . اسلامی است که تمام تلاشش در راه تصویب قوانین غیر مخالف با احکام مقدس اسلام است خصوصا با برخورداری از شورای محترم نگهبان . و ملی است که از متن ملت جوشیده است و دست شرق و غرب و وابستگان به آنان از سرنوشت آن کوتاه است . امروز مجلس خانه واقعی ملت است و برخلاف دوران طاغوت بخصوص رژیم ستمگر پهلوی بر آراء توده متعهد به اسلام و اصیل و زحمتکش و محروم استوار است و دست ناپاک دولتمردان و قدرتمندان و خانان و غرب و شرق زدگان از آن کوتاه است .

امروز دولت مورد اعتماد مجلس حقا دولت مستضعفان که وارثان روی زمین اند می باشد . خداوند متعال نعمت بزرگ اسلام و استقلال و آزادی را بر ملت ستمدیده ایران مستدام فرماید و سایر ملل تحت ستم را از بند ستمگران نجات دهد .

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت کننده در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات

دعوت به خلوت با خداوند معنایش این نبوده که مردم در خانه هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا باید تشکر کنم از آقایانی که از راه های دور برای این مقصد شریف به کشور خودشان ، به کشور تحت ستم در طول تاریخ و به کشوری که برای پیشبرد مقاصد اسلامی متحمل رنج و شهادت شدند تشریف آوردند ، تشکر کنم و از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را برای آرمان های بزرگ اسلامی هر چه بیشتر عنایت بفرماید . در این اجتماعاتی که از آقایان محترم ائمه جمعه و جماعات کشورهای مختلف در ایران شده است مسائل لابد تا حد وافی راجع به گرفتاری های مسلمین و راه های علاجی که باید اتخاذ بشود ، گفته شده است و دیگر جای گفتن نمانده است . من به یک نکته ای آقایان را توجه می دهم و آن سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه مسلمین است . رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن وقتی که تنها بود و هیچ کس با او نبود ، الا یک نفر ، دو نفر ، در آنوقت با وحی الهی مردم را دعوت کرد منتظر نشد که عده و عده زیاد پیدا کند ، منتظر نشد که جمعیت ها همراه او باشند . از همان اول شروع به دعوت کرد و شروع به دعوت مردم برای گرویدن به اسلام و برای پیدا کردن راه حق فرمود . آنوقت هم که به مدینه تشریف آوردند و تشکیل حکومت دادند باز هم منتظر این نشدند که قدرت زیاد پیدا بکنند . باز هم دعوت خودشان را به طور گسترده تری بجا آوردند و مردم را به وظایف شخصی و اجتماعی ، سیاسی دعوت کردند . دعوت های قرآن هم در مکه مکرمه و هم در مدینه مشرفه دعوت های شخصی بین فرد و خدای تبارک و تعالی نبود . می شود گفت که بی استثنا دعوت های خدا حتی در آن چیزهایی که وظایف شخصی افراد است ، روابط شخصی افراد است بین خود و خدا از معنای اجتماعی و سیاسی برخوردار است . بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما ملاحظه می کنیم که در زمان هائی که ائمه مسلمین علیهم السلام در فشار سخت بنی امیه و بنی العباس بودند مطالب خودشان را آنطور که ممکن بود به مردم می رساندند ، حتی در ادعیه آنها . شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمائید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می کنند . دعوت به توحید ، دعوت به تهذیب نفس ، دعوت به اعراض از دنیا ، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی ، معنی اش این نبوده است که مردم توی خانه هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت

کنند و مشغول ذکر و دعا باشند . چنانچه خود آنها که ملاحظه می کنید اینطور نبودند .

پیغمبر اکرم در عین حالی که وظایف شخصی خودش را بجا می آورد و خلوت ها با خدای تبارک و تعالی داشت ، تشکیل حکومت داد و به انحاء عالم برای دعوت آدم فرستاد و مردم را دعوت کرد به دیانت و دعوت کردند بعد به اجتماع اینطور نبود که بنای او این باشد که بنشینند توی خانه و ذکر بگویند . ذکر می گفت ، لکن همان ذکر هم خودسازی بود . دعا می کرد ، ولی همان دعا هم ، هم خودسازی و هم مردم سازی بود و مردم را تجهیز می کرد برای مقاومت . تمام ادعیه ای که در لسان او و ائمه مسلمین واقع شده است ، تمام این ادعیه در عین حالی که دعوت به معنویات است ، از راه دعوت معنویات تمام مسائل مسلمین اصلاح می شود . مع الاسف اعوجاج واقع شد یا واقع کردند و شاید در صدر اسلام هم بنی العباس بیشتر این کار را کردند ، اعوجاج واقع شد در مصالح اسلامی و در مطالب اسلامی . این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از صدر اول تا حالا یک کلمه ، یک حرف در او زیاد و کم نشده است ، این قرآن را وقتی که به عین تدبیر مشاهده بکنید می بینید که مسأله ، مسأله این نیست که دعوت برای این بوده است که مردم توی خانه بنشینند و ذکر بگویند و با خدا خلوت کنند . او بوده است ، لکن انحصار نبوده است . مسأله ، مسأله دعوت به اجتماع ، دعوت به سیاست ، دعوت به مملکت داری و در عین حال که همه اینها عبادات است . عبادات جدای از سیاست و مصالح اجتماعی نبوده است . در اسلام تمام کارهایی که دعوت به آن شده است جنبه عبادی دارد . حتی در کارخانه کار کردن ، در کشاورزی کردن و در مدارس تعلیم و تربیت کردن ، همه شان مصالح اسلامی است و جنبه عبادی دارد . _ نکنید ما _ نکردند اینطور را از صدر اسلام ، مصالح اسلام را همانطوری که قرآن شریف فرموده است ، پیاده کنند ، چون می دیدند که با قدرت های خودشان مخالف است از آن اول آنچه را از قرآن که می دیدند با مصالح خودشان مخالف است چون نمی توانستند از قرآن بردارند ، تعبیر می کردند ، کج معنا می کردند به روحانیونی که وابسته به خودشان بود و ادار می کردند که اینها را کج معنا کنند ، منحرف کنند قرآن را از آن چیزی که هست . ولی بحمدالله قرآن ماند بین مسلمین و نتوانستند قرآن را تحریف کنند و بردارند ، اگر می توانستند ، می کردند . لکن یکی از آنهایی که می خواست یک حرف را از قرآن بردارد یک عربی شمشیر را کشید گفت : با این شمشیر ما جواب می دهیم . نگذاشتند قرآن شریف دست بخورد و همانطوری که در زمان رسول الله وارد شد الان هم همان است به غیر او نیست . بنابراین ما یک همچو کتابی داریم که مصالح شخصی ، مصالح اجتماعی ، مصالح سیاسی ، کشورداری و همه چیزها در آن هست . البته با آن تفسیرهایی که از اهل تفسیر وارد شده است و ما به رای خودمان نمی توانیم قرآن را تأویل کنیم . ما باید (انما يعرف القرآن من خوطب به) ما از طریق وحی و از طریق وابستگان به وحی قرآن را اخذ می کنیم و بحمدالله از آن راه هم غنی هستیم . لکن انحرافات که از قدرتمندان در اول تا حالا- واقع شده است و حالا- ما مبتلای به آن هستیم این انحرافات است که آقایان ملاحظه می کنند که بر خلاف قرآن مجید ، دعوت به تفرقه ، دعوت به جدائی ، قرآن مجید می فرماید که : (واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا) آنها دعوت به تفرقه می کنند .

ما از آمریکا و شوروی همچو توقعی نداریم که خلاف قرآن عمل نکند، آنها بنایشان بر این است که اسلام را بکوبند. آنها ایران را که می‌کوبند نه از باب اینکه ایران است، از باب اینکه اسلام را ایران خواسته است. مبلغین آنها و رادیوهای آنها و مطبوعات آنها که ایران را اینطور مشوه دارند در بین دنیا می‌کنند، برای ایران نیست. ایران اگر یک قدم طرف امریکا برود با یک قدم طرف شوروی برود همه مداح او خواهند شد، چون بر خلاف آنهاست. تمام رسانه‌های گروهی تقریباً، تمام رسانه‌های گروهی تقریباً، تمام رسانه‌های گروهی تقریباً بر ضد ایران گاهی تصریح به اینکه اسلام در ایران خطرناک است، چنانچه می‌بینید که تصریح به این هم می‌کنند. و عمال آنها که نمی‌توانند تصریح به این معنا بکنند که اسلام مخالف است، ایران را می‌گویند مخالف اسلام است شما آقایانی که از اطراف آمده‌اید، از اطراف دنیا آمده‌اید، علما هستید باید متشبث به آن سیره‌ای بشوید که پیغمبر اکرم و ائمه اسلام بین ما گذاشته است که حتی آن روزی که دست هایشان بسته بود و نمی‌توانستند یک کلمه برخلاف سیاست دولت وقت بگویند، با ادعیه‌شان مردم را دعوت می‌کردند، دعا می‌کردند، با دعا مردم را دعوت می‌کردند و هر روزی که فرصت می‌کردند، در هر فرصتی دعوت را تصریحاً می‌کردند. ما باید به آنها تشبث پیدا بکنیم، به قرآن کریم تشبث پیدا بکنیم. قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند، دعوت به این می‌کند که مخالف با هم نباشید که فشل بشوید. و مع الاسف بعضی از روحانیون وابسته به دولت‌های اسلامی دعوت به فشل می‌کنند، می‌خواهند فشل ایجاد کنند. در یک مرکز اسلامی به اسلام نمی‌توانند حمله کنند به ایران که می‌خواهد اسلام را پیاده کند حمله می‌کنند. آن قاضی‌ای که در حجاز یا در مصر یا در سایر جاها برخلاف قرآن کریم دعوت می‌کند، لکن لا به طوری که صریح باشد، ضمناً برخلاف قرآن کریم دارد دعوت می‌کند و مسلمین را از هم جدا می‌کند، آن قاضی، قاضی جور است و شما باید آنها را سر جای خودشان بنشانید. شما که بر می‌گردید به ممالک خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه، در ادعیه‌ای که می‌خوانید خطبه‌های شما همانطور که در صدر اسلام خطبه‌ها یک جنبه سیاسی داشته است، نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سر تا پا سیاسی است و مع الاسف در جاهایی انسان می‌بیند که در نماز جمعه ابتدا مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارد، خبری نیست. نماز جمعه‌ها را همانطوری که در صدر اسلام مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجائی که باید بفرستند از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می‌شد. از مسجد، مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود، مع الاسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد و با دست ما آن طرح‌هایی که برای ما ریخته بودند با دست خود ما پیاده شد و ما دیدیم آنچه که، مسلمین دیدند آنچه که باید ببینند و امروز باید بیدار بشوند مسلمین. می‌توانند، به صراحت وقتی که می‌بینند حکومت‌شان بر خلاف اسلام عمل می‌کند، بگویند. نمی‌توانند، با دعا، با خطبه و به طور کلی با ظالمین، به طور کلی با متجاوزین، با

مخالفی ناسلام معارضه کنند. خطبه ها را نگذارند یک چند تا دعا باشد و یک چند تا ذکر باشد این چیزها، همانطوری که تا حالا بوده است، خطبه ها را محتوایش را قوی کنید.

شما باید در خطبه های نماز جمعه مصالح اسلامی و اجتماعی مردم را طرح کنید

شما قوی هستید، شما - مردم همراه شما هستند، مردم همراه حکومت های جور نیستند، مردم همراه با علما هستند شما قوی هستید، شما هر کدام در محل خودتان همان قدرتی دارید که روحانیون ایران در اینجا دارند. آنها عمل کردند در مقابل یک قدرتی که در منطقه نظیر نداشت، در مقابل یک قدرتی که هیچ یک از قدرت های منطقه شبیه به او نبودند. همین مردم کوچه و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به واسطه تعلیمات اسلامی که علمای اسلام به آنها داده بودند و دادند بیدار شدند و هجمه کردند بر یک همچو قدرتی و او را شکستند و او را بیرون کردند، شما هم می توانید نشینید که برای حکومت هایتان کار کنند، آنها برای خودشان کار می کنند. شما اسلام را باید تقویت بکنید. شما باید در کشورهای خودتان، در خطبه های نماز جمعه خودتان که برای همین مقصد نماز جمعه پیا شده است، در ادعیه خودتان در زیارات خودتان، در هر چه رفت و آمد دارید مصالح اسلامی را طرح بکنید، مصالح اجتماعی مردم را طرح بکنید. مسائل خصوصی نگوئید، مسائل اجتماعی را بگوئید بگذارید اگر شما این را گفتید نمازتان را تعطیل کنند، مردم عکس العمل نشان می دهند.

اگر دولتی به واسطه خطبه های نماز جمعه، نماز جمعه را تعطیل کنند، با عکس العمل مردم مواجه می شود و همانی است که ما می خواهیم منتظر نشوید که یک لشکری پیدا بکنید - نمی دانم - یک اسلحه ای پیدا بکنید، جنگ نمی خواهید بکنید، شما مصالح مسلمین را می خواهید بگوئید شما انتظار نکشید که اول قدرت پیدا بکنید بعد بگوئید. شما بگوئید تا قدرت پیدا بکنید. ایران همین کار را کرد، ایران گفت تا قدرت پیدا کرد، نه اینکه نشست تا قدرت پیدا بکند، اگر نشسته بود تا ابد هم نمی شد در مقابل آن قدرتی که محمدرضا داشت و آن پشتیبانی ای که همه از او می کردند علمای ایرانی نشستند تا اینکه اول اجتماع پیدا کنند، بعد قیام کنند. علمای اسلام اول دعوت کردند مردم را و در هر فرصتی نترسیدند و در منبر و پائین و مسجد مردم را دعوت کردند تا قدرت پیدا کردند. شما هم همین کار را بکنید. می توانید، اگر خیال کنید نمی توانید، بدانید که نخواهید توانست به خودتان تزریق کنید که می توانید بدانید که خواهید توانست.

هر عملی اولش فکر است. هر کاری اولش تفکر و تامل در اطراف کار است. اگر ما در روحمان ضعف باشد، نمی توانیم کاری بکنیم، روح را قوی کنید، قلب خودتان را قوی کنید، به خدا منقطع بشوید. اینهمه ادعیه ای که وارد شده است و همه را دعوت کرده است به اینکه . . . به خدا بکنید برای اینکه او مرکز قدرت است. اینهمه دعوت شده است که به کس دیگری غیر خدا متشبث نشوید، برای اینکه به شما تزریق کنند قوت را، که شما یک پشتوانه عظیم دارید و او خداست.

کسی که خدا را دارد،

از چه باید بترسد؟ شمایمی که برای خدا بخواهید کار بکنید از چه قدرتی می ترسید؟ می ترسید که شهید بشوید؟ شهادت ترس دارد؟ می ترسید حبس بشوید؟ حبس در راه خدا ترس دارد؟ می ترسید شکنجه بشوید؟ شکنجه در راه خدا اشکال دارد؟ ایران در راه خدا همه چیز دیده معذلک دست برداشت و این روحانیون بودند که مردم را بسیج کردند و مردم متحول شدند و امروز از آن بچه کوچولوئی که تازه زبان باز کرده است تا آن پیرمردی که چند جوان از دستش رفته، یکصدا بر ضد قدرت های بزرگ صحبت می کنند و قیام کردند. نتوانید، نگویید. هیچ وقت فکر نکنید که نمی توانید، همیشه فکر کنید که می توانید، همیشه فکر کنید که خدا با شماست، همیشه فکر کنید که اسلام شرف شماست و این اسلام باید به دست شما تقویت بشود.

تکلیف است برای مسلمین که اسلام را حفظ کنند و ننشینند که دیگران برایشان حفظ کنند

اگر سست بیایید، قدرت های بزرگ اسلام را می خواهند از بین ببرند، برای اینکه در ایران فهمیدند که اگر اسلام در منطقه بیاید، آنها راهی ندارند. ولی مع الاسف بعضی علمای منطقه نفهمیدند و حکام منطقه هم که نخواهند فهمید. دائما دعوت به این می کنند که چه خطر بزرگی است ایران، ایران اگر قدرت پیدا کند خطر بزرگی است. بله خطر بزرگ است، اما برای امریکا و شوروی، نه برای مسلمین، برای مسلمین رحمت است شما ملاحظه می کنید الان آنطوری که در خارج به شما گفته بودند، در رسانه های گروهی همه جا و در مطبوعات شان گفته بودند که ایران امنیت اصلش نیست، توی خیابان ها مردم را می کشند، بچه های کوچک را می کشند توی خیابان ها، زن های آستن را می کشند، شما آمدید اینجا حبس ها را دیدید، اگر در جبهه ها رفتید و جبهه ها را هم لابد دیدید، دیدید که جبهه های ما مسجد است الان، جبهه های ما از مسجد بیشتر الان ذکر خدا گفته می شود. جنگ با مثل صدام یک عبادت الهی است. شما اوضاع ایران را به خارج بگوئید، دعوت کنید مردم را به اینکه نظیر ایران قیام کنند، بگوئید ایران چه وضعی است، آنها می گویند که در حبس ها شکنجه های قرون وسطائی، نمی دانم چه، خوب البته امریکا باید این را بگوید. امریکائی که دنیا را دارد شکنجه می کند، امریکائی که به همان شکنجه های بدتر از قرون وسطائی دارد دنیا را از بین می برد و همین طور شوروی، آنوقت می گویند که در ایران حد الهی جاری می کنند، کارهای قرون وسطائی می کنند. اینها اسلام را قرون وسطائی می دانند. مسلمین باید بیدار بشوند، بدانند که اینها چه دارند می کنند و می خواهند چه بکنند. تکلیف است برای مسلمین که حفظ کنند اسلام را و ننشینند تا دیگران برایشان حفظ کنند. دیگران حفظ نمی کنند ابرقدرت ها بر ضد اسلام الان کمر بسته اند و قدرت های پوشالی دیگری هم همین طور. اینکه دولت مصر دعوت می کند اعراب را به اینکه مجتمع بشوید و برخلاف ایران، ایران را مقصودش هست؟ ایران خطر است؟ ایران برای آنها خطر است یا اسلام؟ اینکه دعوت می کند اعراب را که مجتمع بشوید یعنی دعوت می کند که همه اجتماع کنند برخلاف اسلام، برای اینکه اسلام را آنها بر ضد منافع خودشان می دانند

آقایان ائمه جمعه! امروز اگر توجه تان کم بشود اسلام را ریشه کن خواهند کرد

آقایان ائمه جمعه! آقایان ائمه جماعات! علمای اسلام در سرتاسر عالم! توجه کنید که امروز همه قدرت ها بر ضد اسلام . قیام کرده اند ، نه بر ضد ایران توجه کنید که تکلیف همه ما زیاد است در این زمان . اگر فرصت پیدا بکنند و شما توجه تان کم بشود اسلام را امروز ریشه کن خواهند کرد . امروز غیر از دیروز است . دیروز نفهمیده بودند قدرت اسلام را ، امروز فهمیده اند که در جای کوچکی مثل کشور ایران وقتی که صدای اسلام بلند شد ، حتی در آمریکا هم این صدا بلند شد ، این را فهمیده اند . امروز منافعشان هم در خطر است ، ما شکی نداریم . برای اینکه آنها می خواهند بیایند خلیج فارس را هم بگیرند ، نفت های همه را ببرند ، اسلام مانع از این است . آمریکا می خواهد قدرتش را بر همه دنیا تحمیل کند . از آن ور هم شوروی . خدا می داند که اگر مقابل امریکا شوروی نبود به سر دنیا چه می آورد و اگر مقابل شوروی امریکا نبود به سر دنیا چه می آوردند . اینهایی که حالا می صحبت می کنند از حقوق بشر و صحبت می کنند از صلح و صفا و اینها ، که می دانید ، همه شما می دانید ، خودشان هم می دانند که دروغ می گویند ، اینها برای این است که جلب توجه مردم را به خیال خودشان به طرف خودشان بکنند در مقابل شوروی ، آن هم در مقابل امریکا و الا نه آنها مصالح مردم را می خواهند ، نه آنها مصالح مردم را ، همه مصالح خودشان را می خواهند . آن که مصالح مردم را می خواهد ، آن اسلام است . آن که خط بطلان کشیده است بر اختلاف نژادی ، آن اسلام است . آن که مابین هیچ نژادی فرق نمی گذارد و همه را می گوید که باید تقوا داشته باشید و آن چیزی که میزان است تقواست ، نه رنگ ست و نه نژاد است و نه کشور است و نه هیچ چیز ، آن اسلام است و اینها می خواهند این نباشد . اینها می خواهند که نژادهای دیگر را زیر بار خودشان ببرند و اسلام مخالف است . آنها می خواهند که مصالح اسلام را ، مصالح مسلمین را خودشان تشخیص بدهند و عمل کنند یعنی مصالح خودشان را ، اسلام مخالفش است البته ما به صراحت می گوئیم که ایران و اسلام مخالف است با مصالح امریکا و شوروی ، آن مصالحی که خیال می کنند که ایران هم باید تبع او بشود .

ما استقلال خودمان را حفظ می کنیم ، آزادی خودمان را حفظ می کنیم و ما امیدواریم که پرتو این استقلال و آزادی به همه دنیا بیفتد و مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین بیرون بروند و این یک چیزی است که به عهده علمای اسلام است .

من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت برای همه مسلمین جهان مسئلت می کنم و حتی سعادت مستضعفین ، ولو اینکه از اسلام نیستند ، آن هم خارج شدنشان از زیر بار مستکبرین را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی شما علمای اسلام را تایید کند که به مصالح اسلامی فکر کنید و از کسی نترسید از غیر خدای تبارک و تعالی و کسی را ذوق قدرت ندانید ، همه قدرت از اوست و همه چیز از اوست و ما هیچ و همه هیچ هستیم .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه

پیام امام خمینی در رابطه با نوطنه تضعیف شورای نگهبان قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

چنانچه مشاهده می شود پس از انتخابات مرحله اول از دوره دوم مجلس شورای اسلامی، افرادی که نظریه شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه ها موافق میل شان نبوده است دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان ایدهم الله تعالی را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده اند غافل از آنکه پیامد چنین اعمال و جوسازی ها آن هم در دوره دوم مجلس و نگذشتن سالی چند از انقلاب چه خواهد بود. امید است چنین اعمال، بی توجه به نتایج ناروا و اسف بار آن باشد.

معلوم نیست در صدر مشروطیت در دوره اول با فقهای ناظر به قوانین این نحو عمل شده باشد. در آن زمان به تدریج فقها را از مجلس بیرون راندند و به سر این ملت آن آوردند که دیدیم. من به این آقایان هشدار می دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می شود و در آخر، رژیمی را ساقط می نماید. لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت ها و ابرقدرت هاست وفادار باشیم.

در خاتمه باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می دانم و امید آن دارم که این نحو امور تکرار نشود. و به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید و به خدای متعال اتکال کنید. از خداوند تعالی عنایت و رحمت برای ملت عزیز را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع وزرای امور اقتصادی و دارایی، کشاورزی، جهاد سازندگی، رئیس کل بانک مرکزی و گروهی از کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک ها و کشاورزان نمونه سراسر کشور

کشاورزان عزیز می توانند ایران را از وابستگی نجات بدهند و این یک عبادت است

بسم الله الرحمن الرحيم

از همه آقایان تشکر می کنم که تشریف آورده اند که از نزدیک با هم ملاقات کنیم. امیدوارم که همه موفق باشید که در هر جا که هستید، در هر پستی که هستید، در هر جای مملکت که هستید موفق باشید به خدمت به کشوری که مورد هجوم همه قدرت هاست.

اول یک کلمه ای راجع به کشاورزان عرض کنم، کشاورزان در هر کشوری که مثل کشور ما باشد، اصل در امور هستند. کشور ایران کشور کشاورزی است، زمین زیاد دارد، آب زیاد دارد و افراد هم زیاد، ما اگر چنانچه از حیث کشاورزی خودکفا نشویم و دستمان پیش قدرت های دیگر دراز بشود و به عبارت دیگر گدائی کنیم از آنها یا فرض کنید که پول هم بدهیم به آنها، لکن وابسته ایم. کشاورزان عزیز می توانند که ایران را از وابستگی در این بعد نجات بدهند و این را یک عبادت شرعی حساب کنند و عبادت است کشاورزی که در اسلام آنقدر به آن اهمیت داده شده است و بعضی از ائمه ما خودشان می رفتند سراغ اینکه سرکشی به کشاورزی بکنند و گاهی هم شاید عمل. از این جهت ما باید این بعد را تقویت کنیم. یعنی هم دولت تقویت کند و هم برادران کشاورز همه همت خودشان را بگمارند که کشاورزی را تقویت کنند. شما اگر دیروز در زمان شاه با دلسردی عمل می کردید برای اینکه می دیدید که حاصل دست شماها صرف یک مسائل انحرافی می شود، امروز اینطور نیست. امروز برای اسلام کار می کنید، برای خدا عبادت می کنید بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند و ما را از اینکه دستمان پیش دیگران باشد نجات بدهند.

کسانی که ربا می خورند اعلام جنگ با خدا و پیامبر می کنند

اما مسأله بانک از مسائل مهمی است که اگر چنانچه ربا از بانک حذف نشود، مشمول آیه شریفه و روایات کثیره می شویم که آیه شریفه می فرماید کسانی که ربا می خورند اینها اعلام جنگ با خدا و پیغمبر می کنند. این تعبیر در کم جائی واقع شده است که اعلان جنگ است بین کسانی که می خواهند ربا بخورند با خدا و پیغمبر. روایات بسیار ما داریم که هیچ جای شبهه در این روایات

نیست که در بعضی از آنها تعبیری شده است که شاید برای هیچ چیز نشده است که یک درهم ربا شدتش بیشتر است از اینکه هفتاد زنا بکند کسی با محرم خودش، با عمه خودش، با خاله خودش، با خواهر خودش و اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواستہ باز در بانکش، در تجارتش، در بین مردمش باشد، ما نمی توانیم بگوئیم که ما جمهوری مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می فرماید (فاذنوا بحرب من اللہ و رسوله) اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می مانند می نشینند توی خانه شان و پولشان برایشان کار می کند و حال آنکه پول نباید کار بکند. پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد.

باید مجریان امور در هر جا که هستند متعهد به اسلام باشند

کارهایی را که مجلس باید بکند، محول به اوست. کارهایی را شورای نگهبان باید بکند، محول به اوست. بعد از اینکه آن مرحله ها گذشت و افتاد به دست قوه اجرائی، قوه اجرائی مهم است. ممکن است قانون بسیار خوب باشد وارد بشود در دست مجری ها و بد اجرا بشود. غالباً اینطور باشد که قوانین را حالا- در ایران که الان همه قوانینش اسلامی است سابق هم ممکن بود قانون را در وضع قانونیش خوب درست کنند لکن وقتی به دست یک عده خائن می دادند او روی افکار خودش عمل می کرد وقتی هم یک رشوه ای به بالاترها می دادند، دیگر صحبتی نبود.

امروز شما باید وضع تان وضع اسلام باشد. اگر بخواهید در مقابل قدرت های بزرگی که هم چشم طمع به کشور شما دوخته اند و با صراحت این مسائل را می گویند، اگر بخواهید که استقامت کنید و پایداری کنید، باید مجریان امور در هر جا که هستند، در دادگستری، در وزارت مالیه در بانک ها، اینها اشخاصی باشند و متعهد به اسلام باشند و بدانند که اگر چنانچه ما در یک جایی از این جاها رو به شکست برویم، کم کم این سرایت می کند شکست در جاهای دیگر و خدای نخواستہ یک وقت می بینید که کشور ما به هم ریخته شده است، وضع مالی اش و وضع بانکی اش و وضع کشاورزیش و وضع های دیگرش آن روز است که آنها به مقاصد خودشان می توانند برسند.

الان که می بینید که همه با ما مخالف هستند، برای اینکه شماها می خواهید اسلامی عمل بکنید، کشور شما می خواهد اسلامی عمل بکند و آنها این را مخالف با مقاصد خودشان می دانند. معنی حذف ربا به معنی ای است که اگر توسعه پیدا کند و از ایران به جاهای دیگر برود بانکدارها و آنهائی که می خواهند مال های مردم را بخورند و از بین ببرند، آنها دست شان کوتاه می شود و لهنذا با یک همچو رویه ای مخالفند. و ما باید در امورمان مستقیم باشیم، همانطوری که رسول خدا به حسب روایاتی که

وارد شده است فرموده است که این آیه شریفه ای که وارد شده است که (فاستقم کما امرت و من تاب معک) یعنی به آن چیزهایی که امر به تو شده است، دستور داده شده است استقامت کن و کسانی هم که همراه تو هستند، مؤمنین به تو هستند، آنها هم استقامت کنند. در روایت است که پیغمبر فرمود: (شیبیتی سوره هود) - برای این آیه - سوره هود مرا پیر کرد برای این آیه ای که وارد شده است که استقامت کن و همه کسی هم همراهت است استقامت کنند. فتح یک کشوری آسان است نسبتاً، حفظ او مشکل است. شما دست به هم دادید همه تان (خدا همه را تایید کند) و ظلم را، دست ظالم را، دست ستمکاران را، دست خارجی ها را از کشورتان قطع کردید. امروز نه شرق در اینجا دخالتی می تواند بکند و نه غرب، در حالی که در رژیم سابق اصل خود کشور به حساب نبود، منافع خارج حساب بود. امروز که شما هستید و خودتان هستید و کشور مال خود شما هست و منافع کشور از خود شما و از برادران شماست، بخواهید که آنها دیگر نتوانند رخنه کنند. استقامت باید بکنید. پایداری بکنید پایداری به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند. همانطوری که پاسدارها و ارتش ما در جبهه ها پایداریشان به این است که جنگ را خوب عمل بکنند و پیش ببرند. پایداری کشاورز این نیست که جنگ بکند، پایداری کشاورز این است که کشاورزی خوب باشد. پایداری بانکدارها این است که خوب عمل بکنند. و پایداری افرادی که پرسنل اداره مالیه هستند، آنها این است که خوب عمل بکنند، ناراضی درست نکنند. مردم این مردمی هستند که همه با هم دست به هم دادند و کشور را آزاد کردند، کشور را اسلامی کردند و کسانی که انحراف دارند در صدد اینند که ناراضی درست بکنند

ممکن است یک وقتی در بانک، در اداره مالیه، در جاهای دیگر افرادی خودشان را وارد بکنند برای ناراضی درست کردن نه برای منافع شخصی، برای اینکه افراد را ناراضی کنند، به تدریج یک کشوری که سر تا تهش پرسنل مالیه هست و همین طور سایر بانکدارها و اینها هستند و سایر ادارات دولتی، ممکن است که افراد که بخواهند این کشور را باز گردانند به حال سابق، نفوذ کنند در بین شما و مردم را ناراضی کنند به اینکه مالیات را وقتی می خواهند بگیرند بیشتر از آن مقداری که باید بگیرند، بگیرند خدای نخواستہ. البته نمی کنند اما باید هوشیار باشید، مردمی که مراجعه می کنند باید هوشیار باشید که راضی برشان گردانید. مثل سابق نیست که توی سر مردم بزنید تا راضی بشوند امروز کسی نمی تواند توی سر مردم بزند که بیا راضی بشو یا تن به رضایت بده. امروز مردم همه هوشیار هستند و زیر این بارها نمی روند اما ناراضی درست می شود، ما باید دنبال این باشیم که این آیه شریفه را که فرموده است که (فاستقم کما امرت و من تاب معک) پیغمبر که فرمود که من ریشم سفید شد برای این، پیر شدم برای این. خود ایشان که استقامت داشت، برای اینکه (و من تاب معک) پهلوش است یعنی پیغمبر مامور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید. باید استقامت کنید و ادامه بدهید به این نبردی که کردید. نبردی که با همه کشورهای مخالف اسلام و با ابرقدرت ها کردید باید ادامه بدهید و ادامه به این است که هر کس در هر جا هست کار خودش را خوب انجام بدهد. کار به این نداشته باشد که دیگری خوب انجام می دهد یا

نه ، خودش کارش را خوب انجام بدهد . البته دیگری را نصیحت کند یا امر به معروف و نهی از منکر کند . اما اگر دیگری یک کار خلافی کرد ، شما تکلیف ازتان ساقط نمی شود . اگر همه دنیا هم برخلاف بکنند شما یک نفر هم باشید ، شما یک نفر باید خلاف نکنید . توجه کنید که همه قشرهای ملت با هم کارهایی که به آنها محول است خوب انجام بدهند . همین معارضه با آنهاست که می خواهند به این کشور تعدی کنند . و خدای تبارک و تعالی با شما همراهی خواهد کرد . وقتی که شما در خدمت اسلام باشید ، در خدمت خدای تبارک و تعالی باشید ، خدای تبارک و تعالی با شما همراهی خواهد می کند و تایید از شما می کند و من امیدوارم که همیشه موید و موفق باشید .

این یک وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را

و یک کلمه هم راجع به انتخابات عرض کنم که همین دو روز باید سراغ انتخابات رفت .

یکی از امور مهمه ای که امروز همه ما به آن مبتلا هستیم و همه کشور ، قضیه انتخابات است . از خارج چشم دوخته اند به اینکه این انتخابات نشود درست . اعلامیه ها ، نمی دانم بساط چیز که مردم شرکت نکنید ، و شرکت کردند الحمدلله . این مرحله هم که پیش آمده است ، مردم ما شرکت کنند و در مقابل قدرت های بزرگی که چشم دوخته اند به اینکه ملت ایران دیگر از اسلام برگشته و از مسایل اسلامی برگشته آنها بفهمند مساله اینطور نیست . فرضا که ما بد باشیم اما اسلام که خوب است ، اسلام را که قبول دارند همه این یک وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را . اگر مجلس لطمه ای بر آن وارد بشود به جمهوری اسلامی لطمه وارد می شود . اگر مجلس یک مجلس قوی ای باشد برای خاطر اینکه پشتوانه اش همه ملت باشد این مجلس می تواند با دنیا که در مقابل ایران واقع شده است ، می تواند کارهایش را به شایستگی عمل بکند و این تابع این است که قوی باشد و قوتش هم تابع این است که شماها رای بدهید .

امروز دیگر مثل سابق نیست که یک لیستی درست بکنند و بفرستند هر جا ، اینها باید بشود غیر از اینها نباید بشود . یا یک دسته مامور بفرستند سر صندوق ها هر کاری دلشان می خواهد بکنند . امروز اختیار دست خود شماهاست و احدی حق ندارد که تصرف بکند . بله ، در تشخیص خودتان اگر می توانید تشخیص بدهید و اگر خودتان نمی توانید ، خوب ، اشخاص متدین صحیح هستند به آنها مراجعه کنید که آنها تشخیص بدهند ، آن هم باید عمل بکنید .

من امیدوارم که همانطوری که تا حالا ملت ما برای حفظ اسلام قیام کردند و برای حفظ اسلام تا حالا استقامت کردند ، از حالا به بعد هم استقامت کنند . پیغمبر را خوشحال کنید شما . و من امیدوارم که خداوند همه شما را توفیق بدهد . و همه در خدمت اسلام باشیم و دست خائنین از این کشور کوتاه بشود و جنگ انشأالله با پیروزی نهایی به آخر برسد و دست آنهاست که می خواهند با این جنگ صدمه به ایران وارد بکنند ، کوتاه بشود .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، مسئول بسیج مستضعفان و فرماندهان و مسؤولان قرارگاه های مشترک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اگر استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من در اینکه شما برادرها و فرماندهان ارتش و سپاه با هم ممزوج هستید، ید واحد هستید احساس سرافرازی می کنم. من هیچ وقت شماها را فراموش نمی کنم. من در مواقع استجاب دعا به شماها دعا می کنم. قوی باشید، برومند باشید و از هیاهوی دنیا هیچ وقت به خودتان هراس راه ندهید. این مسائل در صدر اسلام هم بوده است این هیاهوها و بساطی که مخالفین اسلام در صدر اسلام راه می انداختند در زمان خود پیغمبر اکرم و بعدها همیشه بوده است. لکن خداوند امر فرموده است که ما مستقیم باشیم، استقامت کنیم. و اگر چنانچه استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم و شما چون پشتوانه تان خدای تبارک و تعالی است از هیچ چیز باک ندارید دیگرانند که پشتوانه شان شیطان است و با دست شیطان حرکت می کنند. شما که با قدرت الهی دارید حرکت می کنید قدرتمندید. عدد کم بودن اشکال ندارد، ایمان قوی بودن مهم است. و شما بحمدالله و همه ارتش و سپاه ما و سایر ارگان هایی که هستند در جبهه، همه آنها برومندند و چون پشتوانه ایمان در آنها هست نباید از هیچ چیز بترسند و نمی ترسند. و من حکایت هائی که از جبهه و از دوستانمان در جبهه می شنوم و مناجات هائی که در توی جبهه و سنگرها با خدای تبارک و تعالی می کنند، موجب سرافرازی است. شما بدانید که از بعد از اسلام تاکنون یک همچو ارتش و سپاهی نبوده است که سنگرهاشان معبدشان باشد و سنگرها را به صورت مسجد درآورند. شما بدانید که این کار را کردید و دارید می کنید. و شما پیش خدا سرافرازی و خدای تبارک و تعالی به شما قدرت می دهد و همین طوری که پیغمبر اکرم با عدد کم لکن با تأیید الهی مقاصد خودش را پیش برد و دنیا را در تحت تاثیر خودش قرار داد، شما هم که تابع آن وجود محترم هستید و شما الان می بینید که دنیا در تحت تاثیر شما واقع شده است، شما پیروزید الان.

قدرت شما در کاخ سفید و کرملین الان پرتوانداز است

شما در دنیا، الان اینکه انعکاس قدرت شما در کاخ سفید و در کرملین الان پرتوانداز است، همه قدرت ها از شما باک دارند، شما باک از کسی نداشته باشید. همه قدرت ها از قدرت اسلام الان

لرزیده اند و کارهای شما لرزانده آنها را . شما هیچ ، از هیچ قدرتی نترسید . وقتی خدا با شماست ، همه چیز با شماست .

شما خدا را دارید ولو اینکه پشتوانه از شرق و غرب ندارید . و این افتخار شماست ، افتخار اسلام است که نه به شرق متوجه باشد و نه به غرب متوجه باشد ، صراط مستقیم باشد . راه ، راه خداست . در راه خدا نه شهادت و نه نقص عضو و نه گرفتاری هیچ یک از اینها اشکال ندارد . این چیزی بوده است که اولیاً خدا از اولی که خلقت تحقق پیدا کرده است ، انبیاء عظام در طول تاریخ مبتلا به آن بودند و نترسیدند و جلو رفتند و شما امروز قدرتمندانی هستید که در دنیا آواز شما پیچیده است . الان همه از شما باک دارند و شما از هیچ کس باک ندارید .

مادامی که وحدتان را حفظ کنید خدا با شماست

با هم باشید ، دست واحد باشید و همه را دعوت به وحدت بکنید . و بحمدالله وحدت حاصل است ، حفظ کنید این وحدت را . مادامی که حفظ کنید شما وحدت خودتان را خدا با شماست (یدالله مع الجماعة) . وقتی اعتصام به جبل خدا بکنید خداوند با شماست . مسلم بدانید که کسی که خدا با اوست ، شهید بشود یا زنده باشد پیروز است و شما چه خدای نخواسته ، البته این یک دعایی است برای همه ، همه مان چه شهید بشویم و چه پیروز بشویم هر دو پیروزی است . خداوند به همه شما قدرت عنایت کند و سلامت باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله

البته سلام من هم به همه افرادی که در جبهه ها هستند برسانید و بگوئید من آنچه که از من می آید دعاگوئی است و دعا می کنم به همه تان . خدا همه تان را حفظ کند انشاءالله .

فهرست آیات و روایات

سوره	آیه	صفحه	روایت	سوره	آیه	صفحه
الطالین	—	۷	روایت	الطالین	—	۷
الطالین	—	۱۲	روایت	الطالین	—	۱۲
ابراهیم	۲۰	۱۲	ابراهیم	ابراهیم	۲۰	۱۲
هود	۱۱۳	۱۳	هود	هود	۱۱۳	۱۳
قدر	۱	۱۶	قدر	قدر	۱	۱۶
روایت	—	۱۶	روایت	روایت	—	۱۶
هود	۱۱۲	۱۸۶، ۲۱، ۱۸، ۱۷	هود	هود	۱۱۲	۱۸۶، ۲۱، ۱۸، ۱۷
بروج	۲۰	۴۰، ۱۸	بروج	بروج	۲۰	۴۰، ۱۸
بقره	۱۵۶	۲۶۷، ۸۹، ۲۳	بقره	بقره	۱۵۶	۲۶۷، ۸۹، ۲۳
اسرا	۲۳	۳۱	اسرا	اسرا	۲۳	۳۱
صافات	۶	۳۱	صافات	صافات	۶	۳۱
روایت	—	۳۵	روایت	روایت	—	۳۵
اعراف	۱۲	۳۵	اعراف	اعراف	۱۲	۳۵
حدیث	—	۳۹	حدیث	حدیث	—	۳۹

وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَارِقَةُ فَسَارِجُهُمْ فِيهَا			
إلى رواة أحاديثنا	حديث	—	٣٩
وَأَذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَطَهَّرْنَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ	حج	٢٧، ٢٦	٨٧
وَأَذَانُ مَنْ أَتَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ	توبه	٣	٩٠، ٨٨
أَنَّ اللَّهَ بَرِيٌّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ	روایت	—	٨٨
مَا أَكْثَرَ الضُّعِيفِ وَأَقَلُّ الْعَجِيجِ	انعام	٧٩	١٠٤، ٩٠
إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا	هود	٨١	٩٣
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ	نجم	٩٠، ٨	١٠٤
أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ	نور	٣٥	١٩١، ١٠٥، ١٠٤
ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى	حديد	٣	١٩٠، ١٠٤
أَفَهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ	حديد	٤	١٠٤
هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ	سبا	٤٦	١٠٩
هُوَ مَعَكُمْ إِيْنَاكُمْ	انفال	١٧	١٢٣
إِنَّمَا أُعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ قِيَامِ رَبِّكُمْ	روایت	—	١٧٥
مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى	روایت	—	١٩١
إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ	بقره	٢٥٧	١٩٣
إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ			
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ			

۲۷۵، ۱۹۳	۱۰۳	آل عمران	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَحْسِبُوا الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ
۲۲۳	۱۶۹	آل عمران	أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
۲۲۳	۳۰، ۲۹	الفجر	فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي
۲۲۹	۵۵	ذاریات	فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ
۲۸۲	۲۷۹	بقره	فَإذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
۲۸۶	—	روایت	يَذَاهِقَهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ

فهرست راهنما

- اخلاق اسلامی ۲۶۵
 ادارات دولتی ۶۲، ۱۴۵، ۲۸۳
 ادعیه ← دعا
 ارتش ۶۲، ۷۵، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۸۵
 ارتش بیست میلیونی ← بسیج عمومی
 ارسطو ۱۹۰، ۱۹۱
 اسنادان دانشگاه ۸۶، ۱۳۳، ۲۳۴
 استالین، یوسف ۱۹۳
 استاندار ۵۷
 استبداد ۸۳
 استعمار ۸۹، ۲۵۴
 استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری
 استقامت ۱۷، ۳۸، ۱۱۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۷،
 ۲۴۰، ۲۷۵، ۲۸۳ - ۲۸۵
 استقلال ۷، ۱۱۶، ۱۴۷، ۱۷۷، ۲۰۳، ۲۱۵،
 ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۳۷
 استقلال اقتصادی ← خودکفایی
 استقلال فرهنگی ۱۱۷، ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۶۳
 ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۲
 استیضاح دولت ۲۳۵
 اسرای ایرانی ۲۲۴، ۲۳۹
 اسرائیل ۱۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۲۱،
 ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۹۲، ۲۲۸، ۲۴۷
 اسلام ۴، ۱۹، ۳۳، ۳۶، ۵۸، ۶۷، ۶۸، ۸۰، ۸۳
- آخوند درباری ← روحانی نما
 آزادی ۷۳، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۳۷
 آزمایش الهی ۲۱۲
 آمریکا ۴، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۳، ۶۶، ۶۹،
 ۷۱، ۷۶، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۲،
 ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۶۸،
 ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۱۵،
 ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۵۴، ۲۷۲،
 ۲۷۶، ۲۷۹
 آمریکای لاتین ۲۴۵
 آموزش نظامی ۹۲
- الف
 ابراهیم خلیل (ع) ۸۷، ۹۰، ۱۰۴
 ابرقدرتها ۴، ۷، ۳۵، ۶۶، ۶۹، ۸۹، ۹۰، ۹۲،
 ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۴۷
 ۱۶۸، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۲۰، ۲۶۰، ۲۸۵
 ابن سینا، حسین بن عبدالله ۱۹۱، ۱۵۶
 اتحاد ← وحدت
 اتکال به خدا ← توکل
 احزاب سیاسی ← حزبهای سیاسی
 احکام ثانویه ۳، ۱۷۹
 اختلاف ← تفرقه

امیرالمؤمنین ← امام علی (ع)	۸۸، ۹۲، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۴۸، ۱۷۸
انبیا ۳۲، ۱۹۲، ۱۹۵	۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۷
انتخابات ۲۵۲	۲۴۳، ۲۷۶، ۲۷۹
انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۶، ۲	اسلام آمریکایی ۳۶
۱۳۷، ۱۵۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۳	اسلام شاهنشاهی ۳۷، ۳۹، ۴۰
۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۵، ۲۶۳، ۲۶۴	اسلام شناسی ۲۶۹، ۲۷۵
۲۴۹، ۲۷۱، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴	اشتیاء ۱۴۱، ۱۷۸، ۲۳۵
انتقاد ۲۳۵	اشغال لانه جاسوسی آمریکا ۲۲۰
انجمن‌های اسلامی ۲۰۵	اعتماد به نفس ۱۳۲، ۱۴۶، ۲۳۶، ۲۷۷
انجیل ۱۹۴	اعدام‌ها ۱۵۲
انزوای سیاسی ← کناره‌گیری	اعراب ← کشورهای عربی
انقلاب ۵۹، ۲۱۶، ۲۳۸	اعزام دانشجو به خارج ← تحصیل در خارج
انقلاب اسلامی ۱۱، ۴۴، ۵۹، ۹۱، ۱۱۴، ۱۹۵	افغانستان ۱۳، ۶۶، ۶۸، ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۷
۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۶۲، ۲۶۳	۱۲۸، ۱۳۹، ۲۴۵
نیز نگاه کنید به: تداوم انقلاب	اقتصاد ۲۸۲
نمرات انقلاب	اقرار به خطا ← توبه
انگلی (حجت الاسلام) ۱۵	اقلیت‌های مذهبی ۱۷۹، ۲۳۸
انگلستان ۹۰، ۱۰۹، ۱۶۸، ۲۵۴	امام جمعه ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۶، ۲۳۸، ۲۷۹
ایران ۳۸، ۶۹، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۹۱، ۱۰۲، ۱۱۶	امام جمعه خمین ۸۱
۱۴۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۳	امام حسین (ع) ۴۰، ۱۰۵، ۱۴۰، ۲۱۷
۱۹۳، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۲	امام خمینی (ع) ۴۱، ۴۴، ۱۷۸، ۱۹۷
۲۲۸، ۲۴۴، ۲۷۸، ۲۷۹	امام زمان (عج) ۱۱-۱۲، ۳۶، ۸۷، ۸۸، ۱۹۵
ایرانیان خارج از کشور ۲۳۷	۲۶۹
ایمان ۹۲، ۱۶۰، ۲۴۵	امام علی (ع) ۳۹، ۱۱۳، ۱۲۶-۱۲۸، ۱۵۸
ائمه اطهار (ع) ۲۷۴	۲۰۱، ۲۶۸
ائمه جمعه ← امام جمعه	امامی کاشانی، محمد (حجت الاسلام) ۲۹
	امانی، سعید ۱۹۷
ب	امیربالیسم خیری ۱۰۲، ۵، ۱۳۴، ۱۶۲، ۱۶۳
بازار ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۷، ۱۹۸	۱۷۹، ۱۸۳، ۲۲۰، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۴۹
بازگشت به خویش ← استقلال فرهنگی	۲۵۳، ۲۵۸، ۲۷۶، ۲۷۸
بانک ۱۴۵، ۲۸۱، ۲۸۲	امتحان الهی ← آزمایش الهی

تبلیغات خارجی ۶۴، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۳	باهر، محمدجواد (حجت الاسلام) ۸۲
۱۲۳، ۱۶۲، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۸	بسیج عمومی ۹۲
تحصیل در خارج ۱۶۳، ۲۳۲	بلندگوی مساجد ۲۱
تداوم انقلاب ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۳۸	بمباران مناطق مسکونی ۶۳، ۱۴۲، ۱۴۸
ترکیه ۵	۱۵۷-۱۵۹
تروریسم ۱۶۷	بعب شیمیائی ۲۴۰، ۲۶۴
تشیع — شیعه	بعب گذاری ۱۹۴
تفرقه ۳۴، ۳۶، ۴۶، ۴۸، ۵۷، ۷۶، ۸۰، ۱۱۳، ۱۱۴	بنیاد پانزده خرداد ۴۳
۱۳۵-۱۳۷	بنیاد شهید ۱۵۵، ۱۵۷
تقوی ۹۶	بنی عباس ۲۷۵
تکلیف شرعی ۱۳۷، ۱۴۱، ۲۰۵، ۲۷۱	بهائیت ۲۵۸
تمدن اسلامی ۱۶۲	بهداشت ۱۷۴
توبه ۴۱، ۱۷۸	بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷، ۱۱، ۲۴۸
توده مردم ۶۲، ۷۰، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۳۶	بیمارستان ۱۷۳
توطئه ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۴۶، ۲۶۹	
توکل ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۱۶، ۲۵۶، ۲۷۷	ب
تهذیب نفس ۱۸، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۲۶۵، ۲۷۷	باب ۲۳
	پاسدار ۱۵۷
ت	پاکستان ۱۸۲
ثروت ۱۸	پانزده خرداد ۱۳۴۲، ۱، ۱۱-۱۳، ۲۶۳
ثروتمندان — سرمایه داران	پرستاری ۱۷۲
ثمرات انقلاب ۷۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۸، ۱۶۵	پزشکان ۱۷۲، ۱۷۳
	پزشکان ایرانی مقیم خارج ۲۳۷
ج	پشتیبانی از دولت ۲۳۵
جانبازان انقلاب اسلامی ۱۷۴، ۲۲۳، ۲۳۹	پهلوی (دوره) ۱۶۵، ۲۰۰، ۲۱۹
جاهل متنسک ۲۶۹	پیروزی ۲۶۰
جبرئیل امین ۱۹۱	
جبهه های جنگ ۶۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۷۳، ۲۲۹	ت
۲۵۵، ۲۸۵	تأثر ۱۶۱، ۱۶۲
جلالی، حیدرعلی (حجت الاسلام) ۸۱	تبعیض نژادپرستی
جمعه ۲۶۰	تبلیغات ۷۹، ۱۰۰، ۲۴۲

حضور مردم در صحنه ۶، ۱۲، ۲۲۹، ۲۴۸	جمهوری اسلامی ۵، ۳۷، ۴۷، ۵۲، ۸۲، ۱۳۰
۲۴۲، ۲۵۱، ۲۵۰	۲۴۸، ۲۰۹، ۱۸۲، ۱۶۵، ۱۵۹
حقوق بشر ۲۳، ۶۳، ۱۳۳، ۲۵۸، ۲۶۰	جمیل، امین ۱۰۸، ۱۲۹
حکومت اسلامی ۲۶۹	جنبش‌های آزادیبخش — نهضت‌های آزادیبخش
حکومت محرومان ۵۲، ۵۳	جنگ تحمیلی ۴، ۶، ۷، ۲۰، ۶۰، ۶۹، ۷۷، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۴۹
حکیم، باقر (حجت‌الاسلام) ۲۳	۱۵۸، ۱۵۹، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۴۰
حکیم، محسن (آیت‌الله) ۶	۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۷۸
حکیم، یوسف ۱۱۱، ۱۱۴	جنگ جمل ۲۶۸
حمد ۳۱	جنگ جهانی دوم ۸۳، ۱۰۹
حوزه علمیه قم ۱۳۵، ۱۴۳	جنگزدهگان — مهاجرین جنگ تحمیلی
حوزه‌های علمیه ۷۹، ۹۸، ۹۹، ۱۶۳، ۱۶۶	جوآنان ۷۱، ۱۱۸، ۱۴۶
۲۳۳	جهاد سازندگی ۱۴۹، ۱۸۹
حیدری، ابوالفضل ۱۹۷	جهان اسلام — کشورهای اسلامی
خ	
خانواده آیت‌الله حکیم ۱۱۴	چ
خانواده شهدا ۱۱۹، ۱۲۳، ۲۳۰	چرچیل، وینستون ۱۰۹
خاورمیانه ۱۷۶ -	چین ۲۷۲
خلیج فارس ۷۱، ۲۷۹	ح
خمینی، روح‌الله — امام خمینی	حبّ نفس ۴۶، ۴۷
خوارج ۲۶۸	حج ۵۵-۶۶، ۶۸، ۷۱، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۴
خودسازی ۱۸، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۲۶۵، ۲۷۷	حزب بعث عراق ۶، ۱۱۱، ۱۳۰، ۱۳۸، ۲۴۷
خودکفایی ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۷۴	حزب توده ۷۳، ۱۲۰
۲۸۱، ۲۳۷	حزب‌های سیاسی ۱۵۲، ۲۳۲
خودمحموری ۳۴، ۳۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۳۰	حسنی مبارک ۲۲۸
خوزستان ۱۴۱	حسین بن علی (ع) — امام حسین (ع)
د	حضرت علی (ع) — امام علی (ع)
دادستان کل انقلاب ۲۱۱	حضرت محمد (ص) ۳۳، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۶۸
دادگاه انتظامی قضات شرع ۲۰۶	۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۵
دادگستری ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۰۶، ۲۳۴	

- دانش — علم
 دانشجویان ۸۶
 دانشجویان خارج از کشور ۷۸، ۷۵
 دانشگاه ۸۶، ۹۸، ۱۳۳، ۱۶۵، ۲۱۹، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۴۵
 دانشگاه آزاد ۱۶۴
 دانشگاه و روحانیت ۱۶۴، ۲۳۳
 دانشمندان ۱۷۵
 دعا ۸، ۳۲، ۸۸، ۱۰۴، ۱۰۵، ۲۷۴، ۲۷۵
 دعای شعبانیه — مناجات شعبانیه
 دعای عرفه ۱۰۵
 دعای کبیل ۳۲
 دعائی، محمود (حجت الاسلام) ۶۵
 دفاع ۷
 دولت ۴، ۳۳، ۳۸، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۱۳۰، ۱۸۲ —
 ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۵۱، ۲۷۳
 دولتمردان — مسؤولین مملکتی
 ده فجر ۲۴۸
 دیکتاتوری — استبداد
 ر
 رادیو ۲۴۲، ۲۴۳
 رادیو تلویزیون ۲۴۲
 رادیوهای بیگانه — امپریالیسم خبری
 ربا ۲۸۱
 رجائی، محمدعلی ۸۲
 رحمت الهی ۱۵۳
 رخ صفت ۱۹۷
 رزمندگان ۶۹، ۱۲۲، ۱۴۹، ۱۶۷، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۹، ۲۳۰
 رژیم شاه مخلوع ۲۱۹
- رژیم شاهنشاهی — سلطنت
 رسانه‌های گروهی ۲۳۲
 رضابهلوی ۸۴
 رضاخان ۸۴، ۱۶۵، ۲۱۹، ۲۶۲
 رضائی، محسن ۲۶
 رمضان — ماه مبارک رمضان
 روحانیت ۱۷، ۱۸، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۹۶، ۹۷،
 ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۷،
 ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۷۰
 روحانیت مبارز تهران ۱۳۵، ۲۷۰
 روحانیت و دانشگاه — دانشگاه و روحانیت
 روحانی‌نما ۱۳، ۴۰، ۶۸، ۷۲، ۹۰، ۲۷۶
 روزنامه اطلاعات ۶۵
 روزنامه جمهوری اسلامی ۶۵
 روزنامه صبح آزادگان ۶۵
 روزنامه کیهان ۶۵
 روستا ۵۱، ۱۸۹
 روسیه — شوروی
 روشنفکران ۲۳۶، ۲۳۸
 روضه خوانی ۲۱، ۲۲، ۱۴۰
 رهبر ۴۸
 رهبری ۳۹ — ۴۱
 ریگان، رونالد ۱۹
- ز
 زاغه‌نشینان — کوخ‌نشینان
 زبان خارجه ۸۰، ۹۹، ۱۰۰
 زراعت — کشاورزی
 زن ۷۱، ۹۹، ۲۶۲ — ۲۶۴
 زندان ۲۳۶

شاه حسین اردنی ۲۲۸	س
شاه مخلوع — محمدرضا بهلوی	ساده زیستن ۴۷، ۴۸
شفیق، حبیب‌الله ۱۹۷	سازمان آزادیبخش فلسطین ۱۲۱
شورای اسلامی توزیع کالا ۲۱۲	سازمان عفو بین‌الملل ۱۵۱
شورای عالی قضائی ۱۷۹	سازمان مجاهدین خلق — منافقین خلق
شورای نگهبان ۲۷ — ۲۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۴۴، ۲۸۰	سازمان ملل متحد ۱۴۸، ۲۶۰
شوروی ۱۳، ۲۰، ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۶، ۹۱، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۴۵، ۲۷۶، ۲۷۹	سازمان‌های بین‌المللی ۶۳
شهادت ۱۱۹، ۲۲۳	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۶، ۶۲، ۷۶، ۱۵۵، ۱۸۸، ۲۴۰، ۲۸۵
شهادت خانواده آیت‌الله حکیم ۲۳	ستاد انقلاب فرهنگی ۸۶، ۱۳۳
شهادت ۷، ۱۳، ۱۱۹، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۶۰	سرحدی زاده، ابوالقاسم ۸۵
شیخ‌الرئیس — ابن سینا، حسین بن عبدالله	سرمایه داران ۸۵
شیخ فضل‌الله نوری — نوری، فضل‌الله	سفارت آمریکا ۲۲۰
شیخ نشین‌های خلیج فارس ۵۶، ۷۸، ۲۲۱، ۲۵۰	سفارتخانه‌ها ۵۴، ۶۴، ۲۰۸
شیرازی، محمد تقی (میرزا) ۴۰	سقوط هواپیما ۱۰۱
شیرازی، محمد حسن (میرزای بزرگ) ۱۳۶	سلطنت ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۷
شیطان ۳۵، ۴۵	سلطنت طلبان ۸۴
شیعه ۲۲، ۱۲۸	سوره توحید ۱۹۰
شیعه و سنی — وحدت اسلامی	سوره حدید ۱۹۰
ص	سهم امام ۱۸۶
صانعی، حسن (حجت الاسلام) ۴۳	سیاست ۶۷، ۸۰، ۸۸، ۹۸، ۱۷۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۵، ۲۶۴
صدام حسین ۴، ۱۲، ۱۹، ۵۳، ۷۶، ۷۷، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۴۹، ۱۷۶، ۲۲۱، ۲۴۷، ۲۴۰	سیاهان آمریکا ۱۸۲
صدر، بنت‌الهدی ۱۱۴	سیدین طاووس ۳۰
صدر، محمد باقر (آیت‌الله) ۱۱۴	سینما ۱۶۱، ۱۶۲
صدر انقلاب ۱۱، ۳۶، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۹	ش
	شامیر، اسحاق ۱۲۱
	شاه‌آبادی، محمدعلی ۷۹
	شاه‌آبادی، مهدی (حجت‌الاسلام) ۲۶۷
	شاه حسن مراکشی ۲۲۸، ۲۳۶

عید غدیر ۱۲۶، ۱۲۷	۱۴۳، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۸۲، ۲۰۹، ۲۱۰
عید فطر ۳۰، ۱۰۴، ۲۵۹	۲۲۷، ۲۲۹، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۷۹
عید قربان ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۲۵۹	صدیقی، هوشنگ ۱۷۱
عید نوروز — نوروز	صلح ۷، ۲۴، ۶۳، ۷۶، ۹۳، ۱۰۷، ۱۷۶، ۱۹۳
عیسی بن مریم (ع) ۳۲، ۱۹۲	۲۵۵، ۲۲۱
غ	صنعت ۱۶۳، ۱۶۴
غریزدگی ۸۹، ۹۰، ۱۳۲، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۰۳	صهیونیسیم ۱۷۵
۲۳۴	ض
ف	ضد انقلاب ۲۴۷
فاکر، محمدرضا (حجت الاسلام) ۲۶	ط
فراریان خارج از کشور ۱۴۰، ۱۸۵، ۲۴۸	طالقانی، محمود (حجت الاسلام) ۱۸۶
فرانسه ۶۹، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۶۷، ۱۶۸	طاهری خرم آبادی، حسن (حجت الاسلام) ۲۶
۱۷۵، ۲۵۴	۱۸۸
فرهنگ ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۵۸	طلاب خارجی ۱۴۳
فرهنگ استعماری ۱۶۱	ع
فطرت ۳۴، ۳۵، ۲۴۳	عاشورا ۱۲، ۱۴۰
فقه ۷۹، ۹۶، ۹۸	عبادت ۳۰، ۶۷
فقیه ۱۷۸	عدالت ۳۳
فلسطین ۱۲۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۲۲۸	عراق ۴، ۵، ۲۴، ۵۵، ۶۹، ۷۷، ۹۳، ۱۰۰، ۱۱۳
فلسفه ۷۹، ۸۰، ۱۹۱	— ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۷
فلسفه اسلامی ۱۹۱	۱۶۹، ۲۲۱، ۲۴۰، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۵، ۲۷۲
فیضیه و دانشگاه — دانشگاه و روحانیت	عراقی، مهدی ۸۲، ۸۵
ق	عربستان سعودی ۵۵، ۹۰، ۹۱، ۱۱۰، ۱۶۹
قاجاریه ۲۰۰	۱۹۷
قاضی ۹۶، ۱۰۰، ۲۰۶، ۲۳۵	عرفان ۸۰، ۱۹۰، ۱۹۱
قانون ۲۸۲	عسکر اولادی مسلمان، حبیب الله ۸۵، ۱۹۷
قدرت ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۲۱۲، ۲۱۴	علم ۹۶، ۱۶۴، ۲۶۵
قدوسی، علی (حجت الاسلام) ۹۶	علی بن ابیطالب — امام علی (ع)

کمک رسانی به جبهه‌های جنگ تحمیلی ۶۰	قصرآن مسجد ۱۶، ۳۱، ۱۰۴، ۱۹۰، ۱۹۲
۲۲۹، ۷۰	۲۷۵، ۱۶۸
کمونیسم ۱۹۲	قضاوت ۹۶، ۱۰۰، ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۹
کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۵۳	قم ۸۰
کناره‌گیری ۲۰۵، ۲۱۶	قوه قضائیه ← دادگستری
کنفرانس اسلامی (مراکش) ۲۲۵، ۲۲۸	قیام ۹۱، ۱۰۹، ۱۷۷، ۲۳۶
کنگره ائمه جمعه ۲۷۴	قیام کربلا ← کربلا
کوخ نشینان ۵۸، ۱۳۱	
کودتا ۵۴، ۲۶۹	ک
کویت ۷۷، ۱۸۳	کارخانه‌ها ۱۴۵
	کارشناسان خارجی ← مستشاران خارجی
گ	کارگران ۲۰۲
گرانی ۴، ۷، ۸۵، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۷	کارمندان دولت ۱۹۷
گروه گرای ۱۵۲، ۲۳۲	کاشانی، ابوالقاسم (آیت‌الله) ۱۸۱
گروه‌های سیاسی ۱۲، ۷۳	کربلا ۲۲، ۱۴۰
گودنشینان ← کوخ نشینان	کردستان ۵
	کردهای عراق ۵
ل	کریمی، جعفر (حجت الاسلام) ۲۰۶
لبانی، محسن ۱۹۷	کشاورزان ۲۰۲
لبنان ۱۲، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۲۹	کشاورزی ۱۸۹، ۲۸۱
۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۳۵، ۲۴۴	کشف حجاب ۲۶۲
۲۵۴	کشورهای اسلامی ۱۲، ۳۶، ۵۵، ۶۶، ۶۹، ۷۲
لنین، ولادیمیر ایلچ ۱۹۲	۸۹، ۹۱، ۹۴، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۸
	۱۲۹، ۱۵۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۷۷
م	۱۹۳، ۱۹۴، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۵
مادیات ۴۵	کشورهای عربی ۱۶۸، ۱۷۵، ۲۲۸
مارکسیسم ← کمونیسم	کشورهای کمونیستی ۱۹۲، ۱۹۴
مالیات ۱۸۶، ۲۸۲، ۲۸۳	کشورهای منطقه ۱۲، ۱۳، ۲۳، ۵۵، ۹۲، ۱۱۶
ماه مبارک رمضان ۱۶، ۲۰، ۲۲	۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۳۵
ماه محرم ۱۳۴	کمال مطلق ۳۵
	کمبودها ۳۸

مبارزه با ظلم ۲۲۲، ۲۲۱، ۱۹۵، ۶۸، ۳۲، ۲۳	۲۲۲، ۲۲۱، ۱۹۵، ۶۸، ۳۲، ۲۳
مبارزه مسلحانه ۱۸۷	۲۷۶، ۲۴۵، ۲۳۶، ۲۲۷
مبعث ۲۶۸	
مَثَل (بالان دوز) ۱۶۸	
مَثَل (شاعر عرب) ۱۰۶	
مَثَل (گار) ۱۵۶	
مَثَل (گریه بچه) ۱۷۵	
مجاهدین خلق ← منافقین خلق	
مجروحین جنگ ← جانبازان انقلاب اسلامی	
مجلس اعلاى عراق ۱۱۳	
مجلس خبرگان ۴۹، ۴۴، ۴۱، ۳۹	
مجلس شورای اسلامی ۶۰، ۵۹، ۵۴، ۲۰، ۱	
۱۲۷، ۱۵۳، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۹۹، ۲۰۲	
۲۰۴، ۲۳۲، ۲۶۳، ۲۷۳، ۲۸۴	
مجلس شورای ملی ۱ - ۲۵۴، ۲۳۱، ۱۵۳، ۳	
محاصره اقتصادی ۱۱۲	
مختشمی، علی اکبر (حجت الاسلام) ۲۴۱	
محمد بن عبدالله (ص) ← حضرت محمد (ص)	
محمد رضا پهلوی ۱۹۵، ۱۱۵، ۹۱، ۸۴، ۵۳	
۲۱۹	
محمدی گیلانی، محمد (حجت الاسلام) ۲۷	
محرم ← ماه محرم	
محلانی، فضل الله (حجت الاسلام) ۱۸۸، ۲۶	
مخالفین ۲۴۸، ۱۸۴، ۱۴۰، ۱۳۶، ۷۲، ۷۰	
مدرس، حسن (آیت الله) ۲۵۴، ۱۹۸، ۱۵۶	
مراکش ۲۳۶	
مردم ← ملت	
مساجد ← مسجد	
مستشاران خارجی ۲۰۳	
مستشاران نظامی ۲۰۳	
مستضعفین ۴، ۲، ۱۱، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۶۲	
۲۷۹، ۲۵۷، ۲۵۱، ۲۳۷، ۱۸۹، ۱۴۱، ۸۴	
مستکبرین ۶۸	
مسجد ۶۷، ۲۷۶	
مسکن ۲۵۷	
مسلمانان ۱۹۳	
مسئولیت اجتماعی ۲۸۳، ۲۴۰، ۲۱۳، ۱۳۲	
مسئولین مملکتی ۲۰۰، ۱۳۵، ۸۴ - ۸۲، ۵۲	
۲۵۱، ۲۱۲، ۲۰۷	
مسیح (ع) ← عیسی بن مریم (ع)	
مسیحیت ۶۸، ۱۹۲	
مشروطیت ۱۳۵ - ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۷۸، ۱۷۹	
۱۸۱، ۱۹۸، ۲۳۱، ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۸۰	
مشورت ۴۱	
مصر ۲۷۸، ۲۲۸	
مطبوعات ۶۵، ۷۳	
معنویت ۳۲، ۳۳، ۸۰	
معینی پور، محمد حسن ۱۷۱	
مقام ۳۲، ۲۱۲، ۲۳۲، ۲۷۰	
مقاومت ← استقامت	
مکه ۸۷	
ملت ۱۲، ۲۱، ۳۷، ۵۴، ۵۶، ۶۹، ۷۲، ۷۰، ۸۳	
۸۴، ۱۱۷، ۱۷۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۴۴	
۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۷۷	
ملکوتی، مسلم (حجت الاسلام) ۱۵	
ملکی، (حجت الاسلام) ۵۱	
ملی گرای ۸۳، ۲۵۶	
مناجات شعبانیه ۳۲	
منافقین خلق ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۸۶، ۱۹۷	

۱۸۵، ۱۹۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۸۶، ۲۸۵	موسوی تبریزی، حسین ۲۱۱
وحدت اسلامی ۱۳، ۲۲، ۶۹، ۹۰، ۹۲، ۱۶۹	موسوی خوئینی‌ها، محمد (حجت‌الاسلام) ۹۱
۱۹۴، ۱۹۵، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۷۶	۹۴
ورزش ۱۲۵	موسی کلیم (ع) ۱۱۳، ۱۹۲
وزارت ارشاد اسلامی ۱۶۱، ۲۵۸	مؤمن، محمد (حجت‌الاسلام) ۲۸
وزارت امور خارجه ۶۴، ۲۰۸	مهاجرین جنگ تحمیلی ۱۴۱
وزارت بهداشتی ۱۷۲	میلاذ حضرت رسول (ص) ۱۹۰
وزارتخانه‌ها — ادارات دولتی	
وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۲	ن
وصیت‌نامه ۴۱	نزول قرآن ۱۶
وعاظ السلاطین — روحانی‌نما	نژادپرستی ۸۹، ۱۶۲، ۲۷۹
ولایت علی (ع) ۱۲۷، ۱۳۰	نفس ۱۱۳، ۱۱۳، ۲۱۵
ولایتی، علی‌اکبر ۶۴	نفت ۵۳، ۶۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۶۹، ۱۷۵
ویتنام ۱۱۷	۱۷۶
	نماز ۳۰
	نماز جماعت ۱۴۵
	نماز جمعه ۱۵۱، ۲۳۱، ۲۷۶، ۲۷۷
	نمایندگان مجلس ۱۵۲، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۵
	نماینده امام در سپاه پاسداران ۲۶
	نوروز ۲۵۵، ۲۵۹
	نوری، فضل‌اله (شیخ) ۱۳۵، ۱۸۱، ۲۳۱
	نویسندگان ۱۲۳، ۲۳۹
	نهیضت تنباکو ۱۳۶، ۲۶۳
	نهیضت‌های آزادی‌بخش ۱۱
	نیت ۱۵۸
	نیروهای انتظامی ۱۲، ۲۳۱، ۲۸۵
	نیروهای مسلح — نیروهای انتظامی
	نیروی هوایی ۱۷۱
	و
	وحدت ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۴۶، ۵۷، ۱۱۴، ۳۵



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

